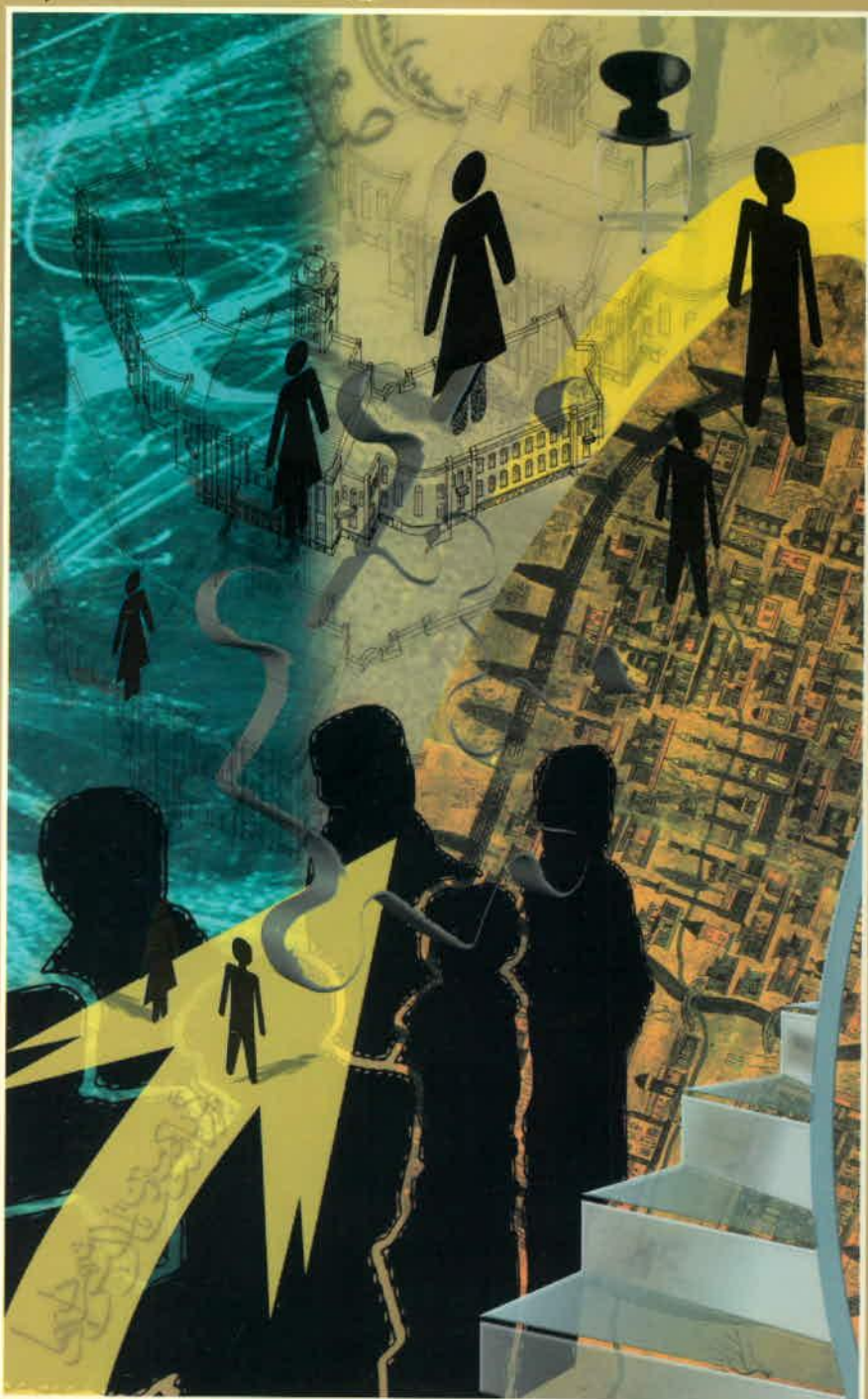


# شهرآیندا

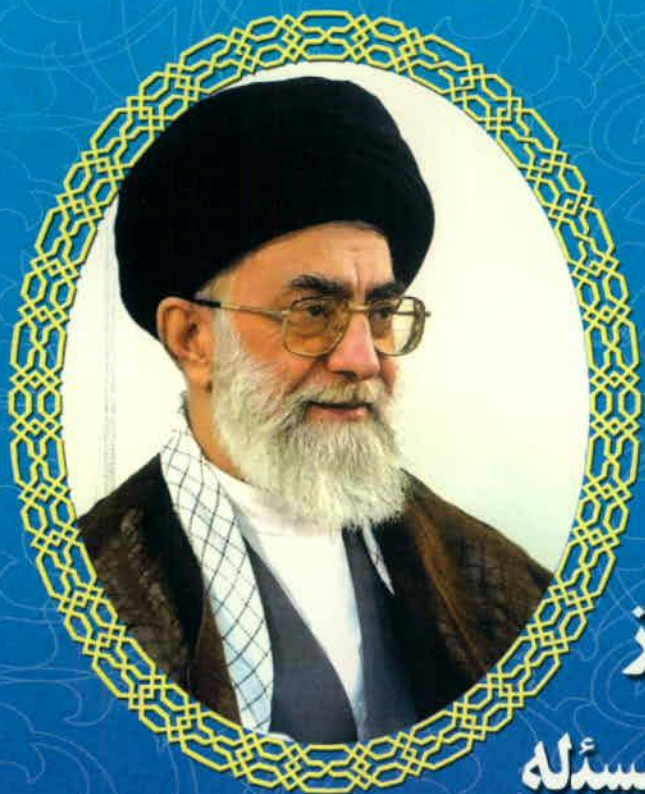
۸۰

ماهنامه پژوهشی، آموزشی، اطلاع رسانی  
برنامه ریزی و مدیریت شهری  
دوره جدید - سال هشتم - شماره ۸۰ - خرداد و تیر ماه ۱۳۸۶  
۱۵۲ صفحه، ۵۰۰۰ ریال

- صد سال تمرکزگرایی دولتی  
رکود عرصه‌ی محلی
- دولت‌شهرها در ایران
- بررسی فرایند اجتماعی شدن  
در زندگی شهری
- پرسه در متون "استقلال بلدی"
- بندر لنگه ۱۰  
سال پیشگام‌تر از قانون بلدیة
- گذری بر  
شهرداری‌های یکصد ساله در جهان
- پرواز یکصد ساله‌ی عقاب محله‌ی نویر







بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حقیقت این است که امروز  
مسئله محیط‌زیست به یک مسئله  
حاد تبدیل شده است و اگر برای آن علاجی  
در نظر گرفته نشود در آینده نه چندان دور به  
شکل یک بحران حقیقی گریبان همه انسان‌ها  
را خواهد گرفت.

فرازهای از سخنان مقام معظم رهبری





# تهران

ماهنامه پژوهشی، آموزشی، اطلاع‌رسانی  
برنامه‌ریزی و مدیریت شهری  
دوره جدید سال هشتم، شماره ۸۰، خرداد و تیر ۱۳۸۶

۸۰

## محتور اصلی: سده‌ی شهرداری‌ها

طرح روی جلد: مربوط به محور اصلی، حمید اسفندیاری  
عکس پشت جلد: برج ساعت (شهرداری شیراز)

۱. مطالب مندرج در ماهنامه لزوماً بیانگر دیدگاه‌های سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها نیست.
۲. ماهنامه در ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است.
۳. مطالب ارسالی به هیچ وجه بازگردانده نخواهند شد.
۴. استفاده از مطالب و طرح‌های ماهنامه تنها با ذکر مأخذ مجاز است.
۵. مقالات باید با دیسکت یا لوح فشرده در محیط (فارسی Word XP) همراه باشد.

- یادداشت**
- گزارش اصلی**
- ۴ - صد سال تمرکزگرایی دولتی، رکود عرصه‌ی محلی / راحله شیراسب
- اندیشه و پژوهش**
- ۱۶ - دولت‌شهرها در ایران / علی رضا آیت‌اللهی
- ۲۰ - بررسی فرایند اجتماعی شدن در زندگی شهری / محمد حسن شریقیان
- ۲۸ - گفتگو / نگاهی به صد سال مدیریت شهری نوین در ایران / آرش سرایی
- ۳۲ - مشاور حقوقی / جمشید رضایی - علی یزدان زاده
- ۴۰ - مشاور اداری مالی / جمشید رضایی
- سده‌ی شهرداری‌ها**
- ۴۶ - پرسه در متون "استقلال بلدی" / عباس جلالی
- قانون شهر**
- ۵۲ - بررسی اجمالی نظام حقوقی مجموعه‌های شهری و جایگاه شهرداری‌ها / علی یزدان زاده - فرهنگ لاریجانی
- ۵۴ - قوانین و مقررات حاکم بر چگونگی وضع و وصول عوارض / محمد رضا بهاروند
- از نگاه شهردار**
- ۶۰ - بندر لنگه ۱۰ سال پیشگام تر از قانون بلدی / عباس جلالی
- شورا و مشارکت**
- ۶۴ - فراز و فرود شوراها / بررسی قانون شوراها و موانع اجرای انتخابات / مریم بیژنی
- ۶۹ - معرفی ۳ الگو برای مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهرها / مجید محتابی
- ۷۲ - انتخاب یا انتصاب / مریم بیژنی
- تجربیات جهانی**
- ۷۴ - حکومت‌های شهری در گرجستان / نعمت‌الله رحیمی
- ۷۶ - گذری بر شهرداری‌های یکصد ساله در جهان / علی عربانی دانا
- ۸۰ - بهترین شهرهای آسیا در سال ۲۰۰۰ میلادی / کیومرث جهانگردی
- ۸۶ - شهرها و شهرداری‌های جهان
- بازگشت ۵۲ خانواده به خانه‌های خود - شهرداری کلانشهر استانبول روز جهانی محیط زیست را جشن گرفت - تاریخچه طولانی یک شهر و ...
- طرح و شهر**
- ۹۰ - الگوی تحلیل و توسعه مفهومی محیط در سرزمین‌های سبز پیرامون ما / امین رستنده
- ۹۶ - آموزش / اهمیت و ضرورت آموزش و بهسازی کارکنان در شهرداری / جواد نیکنام
- دیدگاه**
- ۱۰۲ - اطلس سده، فرصت یگانه‌ی بازنگاری هویت شهر / دامن جلالی
- گزارش خبری**
- ۱۰۶ - پرواز یکصد ساله‌ی عقاب محله‌ی نوبر / مصطفی رستمخانی - همایش اسکان غیر رسمی در دانشگاه تهران / کیمیا مؤذنی - همزمان با یکصدمین سالگرد تصویب قانون بلدی: منشور ملی شهر، شهروند و شهرداری تدوین می‌شود
- گزارش خبری از سالهای دور**
- ۱۲۵ - بلدی‌ی سنتدج، بلدی‌ی به وسعت یک ایالت - حاکم مهاباد شهردار نخستین بلدی - بلدی‌ی سلماتس پدیده‌ای پس از زلزله - از ساختمان بلدی‌ی تا آمدن شهردار، گسستی دهساله! / فاطمه شهبازی
- اخبار کوتاه**
- ۱۳۳ - اولین جشنواره‌ی شکوفه‌های آلو در کدکن / حیاتی دوباره به پارک بش قارداش در بجنورد و ...
- ۱۳۸ - اخباری کوتاه از آغاز ه‌های سده .....  
- برای ساختن خیابان‌ها - حریق دیشب - خیابان چراغ گاز - محصره - سجل احوال بلدی / آزاده افشار
- اخبار سازمان**
- ۱۴۰ - یک شهر و یک نگاه
- ۱۴۶ - معرفی پایگاه‌های شبکه / علی عربانی دانا
- ۱۴۷ - تازه‌های نشر / سده نبشته‌ای برای یک شهر / وتن جلالی
- ۱۴۸ - فهرست انگلیسی
- ۱۵۰

صاحب امتیاز: وزارت کشور - سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور  
سردبیر: عبدالعلی صاحب محمدی  
مدیر مسؤول: مهدی هاشمی  
همکاران این شماره:  
عباس جلالی، مصطفی رستمخانی، آرش سرایی، فاطمه شهبازی، راحله شیراسب، دامن جلالی، فرحناز نوبخت، حمید اسفندیاری، هما تیموری، منصوره توانا، آزاده افشار، مریم بیژنی، حدیثه کرشاسبی



انقلاب مشروطه در ایران، تبلور رای و خواست عامه‌ی مردم برای مشارکت در تعیین سرنوشتشان بود. تأثیر انقلاب مشروطه در همه‌ی امور سرزمین ما، از جمله در مدیریت، به تدریج مشخص شد. سابقه‌ی نخستین نهادهای رسمی برای اداره‌ی امور شهر به چند دهه پیش از مشروطیت در دوران قاجار باز می‌گردد که برای اولین بار سازمانی رسمی تحت عنوان "احتسابیه" که دارای دو شعبه احتساب و تنظیف بود، تشکیل شد. در واقع وظیفه‌ی عمده‌ی این نهاد، سامان دادن به امور اصناف و رتق و فتق امور عمومی شهر و به اعتباری نظارت بر حسن رفتار شهروندان و تابعیت از حکام محلی از طریق این نهاد یعنی احتسابیه بود. در احتسابیه اداره‌ی امور روزمره و اجرایی شهر از سوی حکام به عهده کلانتر، که در واقع مدیر احتسابیه بود، سپرده می‌شد تا در چارچوب این نهاد به هدایت و نظم‌دهی امور جاری شهر بپردازد. داروغه و محتسب از جمله افرادی بودند که در انجام این وظیفه کلانتر را یاری می‌دادند و بازوی اجرایی وی بودند. در این دوران چون قانون مدونی برای به نظم آوردن امور شهر و تعیین حقوق و وظایف شهروندان وجود نداشت، تصمیم‌گیری درباره‌ی بسیاری از امور، طبق نظرات شخصی خان‌حاکم و کارگزاران وی صورت می‌گرفت و تابع شرایط روز بود. فعالیت‌های شهرداری را به شکل نوین، بی‌تردید باید مربوط به دوره‌ی بعد از مشروطیت دانست. این دوران با تصویب قانون بلدیة در دوره‌ی اول مجلس شورای ملی به سال ۱۲۸۶ آغاز می‌شود. قانون بلدیة با استفاده از قوانین مربوط به امور شهرداری در کشورهای بلژیک و فرانسه تنظیم شد و تقریباً دو سال پس از تصویب برای اجرا به سازمان‌های ذی‌ربط ابلاغ و تا اندازه‌ای در برخی استان‌ها، شهرستان‌ها و شهرها تحقق پیدا کرد. بررسی مذاکرات مجلس در زمان تصویب قانون بلدیة نشان می‌دهد آنچه که در درجه‌ی اول از پیشنهاد و تصویب این قانون مورد نظر دولت و مجلس بود و توجه ایشان را معطوف به مسائل شهری ساخته و نیاز به وجود قانون در مدیریت شهری را به وجود آورده بود، "مسئله‌ی تأمین نام و نظافت معابر تهران" بود. از دلایل دیگر تأسیس شهرداری در شهرها اهمیت تجاری، نظامی و سوق‌الجیشی را می‌توان نام برد. در دوره‌ی نخست که از سال ۱۲۸۶ آغاز شد و در سال ۱۳۰۴ یعنی آغاز سلطنت پهلوی اول پایان یافت، مجموعاً شانزده شهرداری در شهرهای ایران تأسیس شد. در قانون بلدیة مصوب سال ۱۲۸۶، به سبب مأخذی که در تدوین این قانون مورد استفاده قرار گرفته بود، شهرداری‌ها، نهادهایی مستقل در نظر گرفته شده بودند، تحقق کامل یا نسبی این امر

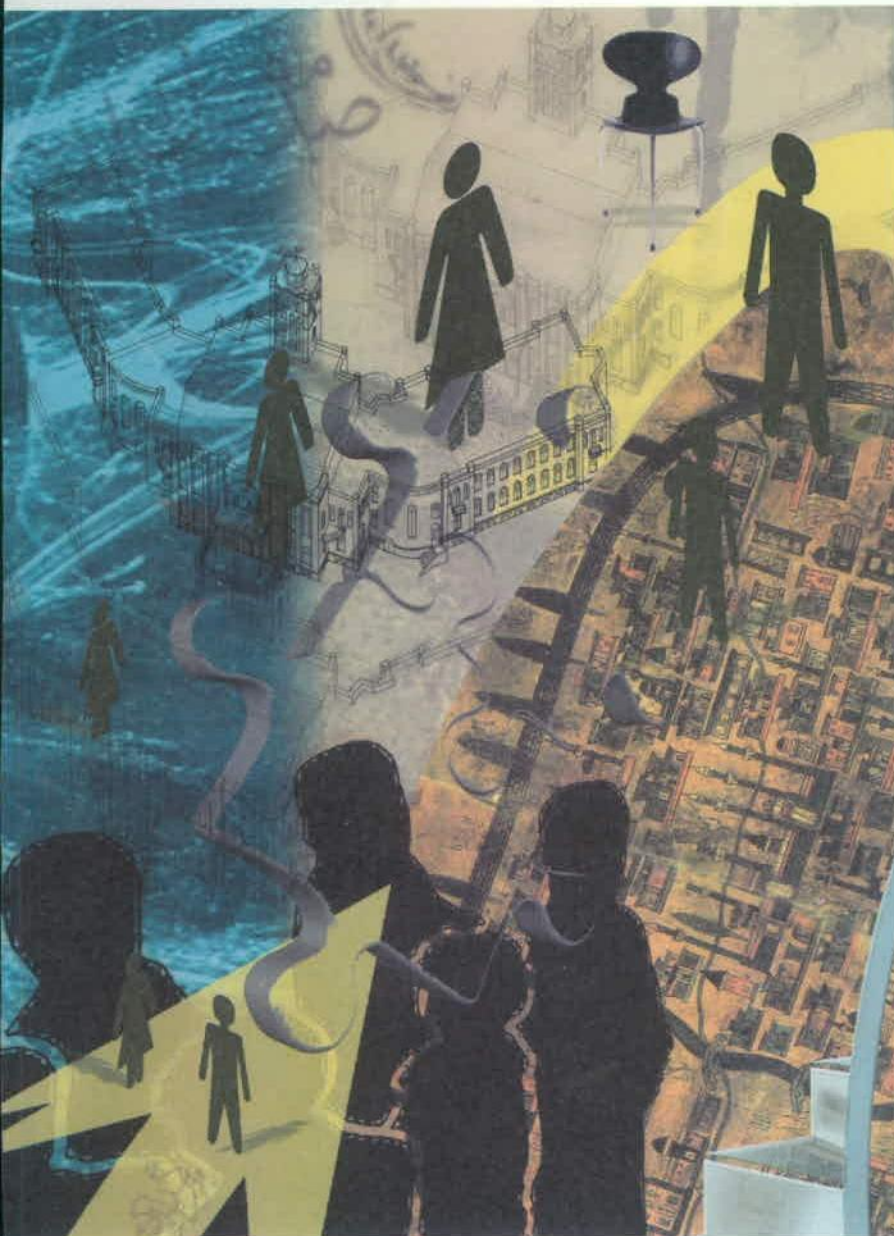
مستلزم انجمن‌های شهر مستقل بود که در ایران وجود نداشت. نه متنفذین محلی و نه دولت رغبتی به تشکیل انجمن‌های محلی با آرای مستقیم شهروندان نداشتند. در حالی که در این قانون و در فصل دوم نحوه تشکیل انجمن بلدیة و ترتیب انتخاب اعضاء و شرح وظایفشان تعیین شده بود، لزوم تشکیل انجمن بلدیة که در این قانون پیش‌بینی شده بود مهمترین نکته در پدید آوردن سیستمی بود که به شهروندان هر شهر در اداره‌ی امور همان شهر اختیار دهد. قانون بلدیة ۱۲۸۶ شامل پنج فصل بود، در فصل نخست که قواعد کلیه نام‌داشت، منظور از تشکیل بلدیة، شرح وظایف و مسئولیت‌های شهردار و تکالیف شهرداری نسبت به قانون ذکر شده بود. در فصل دوم چنان‌که اشاره شد، نحوه و چگونگی انجمن بلدیة، اعضاء و شرح وظایف ایشان تعیین شده بود. فصول سوم و چهارم، چگونگی کار این سازمان، تقسیم وظایف و حدود اختیارات و مسئولیت اعضاء انجمن و واحدهای تابعه و نحوه اعمال نظارت و مداخله حاکم در امور بلدیة را معین می‌کرد و در فصل پنجم این قانون وضع استخدامی کارکنان شهرداری توضیح داده شده بود. اما در عمل شهرداری در مقایسه با دیگر کشورها صرفاً نهادی به این نام بود، زیرا کم و بیش با وظایفی شبیه شهرداری‌های دیگر نقاط جهان تشکیل شد، اما برخلاف آنها سازمانی کاملاً دولتی بود. شهردار را دولت منصوب می‌کرد و همه‌ی اعضای شهرداری کارمند دولت بودند. در آغاز بی‌آن‌که قانون بلدیة ۱۲۸۶ لغو شود، دولت (وزارت کشور) عملاً قیومیت شهرداری‌ها را به عهده گرفت. این رویه تا تشکیل شوراهای اسلامی شهر و روستا - با تأخیر اجرای ۲۰ ساله آن - پس از انقلاب اسلامی ادامه داشت. امروز هم تبدیل شهرداری‌ها به دولت محلی و واگذاری کامل اداره‌ی امور شهرها (مدیریت واحد شهری) به مردم هنوز تحقق کامل نیافته و نبود مدیریت واحد شهری و گردن نهادن دستگاه‌های اجرایی به این اصل مترقی از مشکلات و موانع بزرگ پیش‌روی شهرداری‌ها است که همچنان نیازمند بسترسازی و زمانی بیشتر برای درک مفهوم و ادامه حرکت در مسیر صحیح می‌باشد.

یکصد سال سابقه شهرداری تجربه‌ای گران برای دستیابی به اهداف است، اما پیشرفت امور متأسفانه تناسبی با یک سده ندارد که شاید تغییرات عمده‌ی سیاسی و در مراحل بعدی فرهنگی و اقتصادی از عوامل مهم این پیشرفت کم سرعت باشد که با تبیین مبانی و اصول می‌بایستی بر سرعت افزود و فاصله‌ها را جبران ساخت تا به آرمان شهر دست‌یافتنی نزدیک و نزدیک‌تر شد.



## صد سال تمرکزگرایی دولتی رکود عرصه‌ی محلی

راحله شیراسب



مدیریت شهری گویی از همان زمانی چهره بست که نخستین شهرهای ایرانی در روزگار باستان با تاسیس جادههای شاهی، چارپارخانهها و کاروانسراها پا گرفتند. مدیر شهر گویی از همانجایی گامهای اولیه را برداشت که برای گردآوری خراج شاهی فردی می‌بایست شهر به شهر می‌گشت و برنامه‌ریزی می‌کرد. یا حتی زمانی که میدانی یا نقشه‌ای توسط موبدی در شهر تعیین می‌شد. بعدها نیز با ظهور مسجد بود که مدیریت‌های شهری و پرننگ‌تر از آن قدرت‌های محلی در دل خلافت عباسی شکل می‌گرفتند. محتسب که رئیس دیوان امور شهری بود در زمانی فرمان می‌راند که عامل سیاسی در تشکیل حکومت واحد را، قبول اصل خودمختاری و استقلال محلی هر یک از شهرها در درون قلمرو حکومتی تعیین می‌کرد. این مدیریت شاید از همان زمان آغاز شد که برای آبیاری شهرها از جویهای سرویشیده استفاده می‌شد و آلوده کردن آب انبار و یا چشمه عقوبتی سخت را در پی داشت. با آن که پیشینه‌ی این نظام‌ها در عصر مغول یکسره زده شد و فروپاشی نظام شهری را سبب گردید اما حضور افرادی چون خواجه رشیدالدین فضل‌الله به دلیل جلب اعتماد حاکمان و برتری دانش سبب شد که جوانه‌ی شهرها و مدیریت بر آنها با ساخت عناصری چون بازارگاه‌ها، بارکده‌ها، گرمابه و مسجد دوباره سر بیرون نهد. شهرنشینی و مدیریت بر آن طلوعی دیگر را در بامدادانی دیر هنگام نظاره‌گر می‌شد.

در دولت صفوی با راهی کردن مأمورانی برای اداره‌ی مناطق مختلف گام‌هایی به سوی نظام‌مند کردن امور شهری برداشته شد. مالیات دریافت شده از مردم را، کلانتر می‌گرفت و در امور زیر ساختی هزینه می‌شد. در این دوره شکل‌گیری محله‌ها از سر گرفته شد و با آن که شهرها رونقی دیگر می‌گیرند و



دولتی گرفتار آمده بودند تا انقلاب اسلامی که تشکیل نهادهایی مردمی، برای اداره‌ی شهر توسط خود مردم را نوید می‌داد.

انقلاب با جنگی تمام عیار روبه‌رو شد چندانکه تمام منابع به سوی جبهه‌ها برای جلوگیری از تجاوز دشمن سرازیر شده بود و شهرها نیز با کوجه‌های خاکی و به دور از زیر ساخت‌های اولیه به زندگی ادامه می‌دادند. شهرها رها شده به دست مهاجرانی بود که آرام آرام اینجا و آنجا شهر را تسخیر می‌کردند و بی‌مانع مدیریت شهر را با مشکل مواجه می‌کردند. نه شوراهای تشکیل شده بودند و نه شهرداری‌ها توان حل و فصل مسائل رو به تزاید شهر را داشتند. با تمرکز دولت بار دیگر عرصه‌های مردمی رنگ باخت. حتی با تجدید حیات آنها در ۱۳۷۸ چرخه‌ی نهاد قدرت همچنان پس از سه دهه بر مدار معیوبی است که این نهادهای مردمی را به سوی تسلیم سوق می‌دهد.

حال با توجه به الزام‌های جهانی و ملی و نیز نیازهای محلی و بومی و رویکرد مدیریت شهری به این دو بخش، طیف جهت‌گیری مدیریت شهری در ایران طی این صد سال یعنی از زمان تأسیس انجمن‌های بلدی و بلدیة و با تقسیم مدیریت شهری به سه دوره‌ی ابتدایی - که آغاز آن از تشکیل بلدیة و آزمون و خطاهایی که باید صورت می‌گرفت، است - دوره میانی - دوران قبل از انقلاب و آغاز طرح‌ها و برنامه‌ها و گسترش بی‌رویه‌ی شهرها - و دوران پس از انقلاب، و بررسی نقش مدیریت شهری با توجه به بستریهای موجود در هر دوره، و نیز بررسی شرایط فعلی مدیریت شهری در ایران و بررسی جایگاه شوراهای مردم در این گزارش بررسی می‌شود.

**شهرهای ایرانی به مانند سایر شهرهای آسیایی فاقد خودمختاری محلی بودند و از این رو تشکیل اتحادیه‌های شهری جایی در سیاست‌های محلی نداشت. اگرچه اتحادیه‌ی شهرداری‌ها تأسیس شد اما اتحادیه به معنای واقعی آن نبود**

#### جایگاه صد ساله‌ی مدیریت شهری

مدیریت شهری در ایران بخش قابل توجهی از مهم‌ترین تحولات معاصر خود را مدیون برهمکنش‌ها میان ایران و تمدن غربی است. تا پیش از نخستین رویارویی‌های گسترده‌ی ایرانیان با تمدن غربی که از میانه‌های سده‌ی هفدهم میلادی رو به فزونی نهاد، مدیریت شهری ایرانی ساختاری سنتی داشت که بر چهار عنصر حاکم، کلاتر، کدخدایان محلات و محله‌های شهر

کالبد جانی تازه می‌یابد اما همچنان حکومت در پی ساختن شهر است نه ساخت شهروند. از پیدایش حکومت‌های محلی و مردمی و تغییر نظامی شفاف و قانونمند خبری نیست. اما با خلق فضاهای شهری که بیشتر مختص به گشت‌زنی و گردش آدمهاست، تجمع انسان در شهر رخ میدهد.

این دوره نیز دیری نمی‌پاید و به دلیل دریافت عوارض و مالیات بسیار سنگین از مردم این نظام نیز فرو می‌پاشد.

روی کار آمدن دودمان قاجار که همزمان با انقلاب فرانسه و پس از آن کشف نفت در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم میلادی است، وابستگی‌های اقتصادی این دولت به کشورهای غربی به سرآغاز استبدادی دیگر بر مردم تبدیل می‌شود. بی‌کفایتی درباریان چنان است که بزرگانی چون قائم مقام فراهانی و میرزا تقی‌خان امیرکبیر نیز نمی‌توانند به سوی حکومتی مردمی گام بردارند و شهر همچنان با فرامین از بالا به پایین اداره می‌شود. دولت قاجار مجالی برای تدوین سیاست‌های شهری و شهرنشینی - آنچنان که دولت صفوی انجام داد - نمی‌یابد.

با تأسیس مدرسه‌ی دارالفنون و راهیابی معلمان و مهندسان اروپایی در آن، در کار ساماندهی شهر گام‌هایی چون تهیه‌ی نقشه "دارالخلافة تهران" و "دارالخلافة ناصری"، سرشماری مردم و ورود عنصر جدید، خط آهن برداشته میشود. از ریختار شهر آن دوران، مانند تهران پایتخت قاجاری می‌توان حدس زد که این شهر اکنون نیازمند قانون و مدیری برای از پیش بردن کارهاست.

نیازهایی جدید در بین مردم چهره می‌بندد که در سالها قبل در اروپای صنعتی شده برآورده می‌شد. شهر قانونی را طلب می‌کرد تا در سایه‌ی آن بتواند بسیاری از نیازها را براساس آن پاسخ گوید. زیرا خواست مردم از عناصر تازه وارد، هرج و مرج را در شهر دامن می‌زد. قانون بلدیة و انجمن‌های بلدی هویدا و تصویب شدند. اینجا آغاز قرار گیری نام مردم در کنار مدیری است که اداره‌ی شهر را بر عهده دارد. همچنین نقطه‌ی آغازی است که علاوه بر آن مردم یکی از ارکان حکومت را خود انتخاب می‌کنند.

با فروپاشی دولت قاجار، همانند دولت‌های پیشین، چارچوب شیشه‌ای که مردم را در خود نمایان ساخته بود، فرو ریخت و رضاشاه همچنان دلشاد از این که نظامیانی را به دست خود بر مسند شهرها می‌نشاند مجبور به ترک و واگذاری آن حکومت به فرزندش شد. در این دوره نیز با تمام طرح‌ها و برنامه‌هایی که تهیه شد به دلیل ماهیت حکومتی آن، ناکارآمدی شهر و مدیریت آن رخ می‌نمود و شهرها در چنبره‌ی پایگانی



مظفر صرافعی  
عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی



می‌شد. از زمانی که تفکر برنامه‌ریزی که اندیشه‌ای وارداتی بود مورد توجه قرار گرفت، شهرها و مدیریت شهری نیز تحول دیگری را از سر گذراند. در سال ۱۳۲۴ در برنامه‌های نخست وزیر وقت (احمد قوام) به شهرداری‌ها نیز توجه شده بود و آمده بود که: "در ایران در شصت شهر موسسه شهرداری وجود دارد و کلیه اهالی این شهرها حتی تهران که پایتخت مملکت است از نعمت کلیه وسایل عادی زندگی که نظافت و روشنایی و بهداشت و آب آشامیدنی و تلفن باشد به کلی بی‌بهره می‌باشند. یک نقشه پنجساله‌ای برای شهرسازی به منظور واقعی آن باید تهیه شود. قانون شهرداری‌ها باید طوری تنظیم شود که شهرداری هر شهر دارای استقلال کامل گشته و بتواند برای رفع نیازمندی‌های خود در بازارهای مالی دنیا مبالغ کافی استقراض کرده و قرضه‌های طویل‌مدت خود را و فرعا از محل عوائد خود مستهلک سازد."

اگر مدیریت شهری سنتی ایران در امور عمومی زندگی شهری دخالتی نداشت، تنظیم آن را به دست سنت‌ها و آداب و رسوم مردم می‌سپرد و تنها به دریافت مالیات از

**وظیفه‌ی زدودن نشانه‌های سنتی و  
افزودن نشانه‌های مدرن برعهده‌ی بلدیة  
بود که در تهران کفالت آن را به صاحب  
منصبی نظامی یعنی "کریم آقا  
بوذرجمهری" سپرده بودند**

اصناف و مردم می‌اندیشید. اما مدیریت شهری شبه مدرن خواهان دخالت در تمامی عرصه‌های زندگی بود و به سبب اتکای به قدرت سیاسی که در یرتو تضعیف عناصر دموکراتیک فراهم آمده بود، می‌بایست رشد و گسترش شهرها را که تا پیش از این شکلی خودجوش و طبیعی داشت، در چارچوب نظمی برنامه‌ریزی شده و از پیش اندیشیده شده درآورد. ایمانی با اشاره به مطالب بالا "طرح‌های جامع شهری" را قالبی می‌داند که می‌توانست این تمایل را تجسم بخشیده و ابزار مناسبی در اختیار مدیریت شهری قرار دهد.

وی می‌افزاید: "به همین سبب از دانش متخصصان خارجی بهره گرفته شده و کارشناسانی از آمریکا و آلمان به مشاوره‌ی وزارت کشور برای تهیه طرح‌های جامع درآمدند. وزارتخانه‌ای که در نبود سنت‌های تنظیم‌کننده دموکراتیک، مدیریت شهری را به جلو می‌راند و هدایت می‌کرد."

از دهه‌ی ۱۳۳۰ خورشیدی که پیوندهای میان ایران و آمریکا رو به گسترش نهاد و آمریکائیان که در انجام کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ تاج بخشی کرده بودند، دانش و تخصص خود را در حوزه‌های مختلف از جمله در مدیریت شهری به کمک دولت دوست خود در منطقه‌ی

استوار بود. این نهاد اگر چه بی‌بهره از جریان‌های دموکراتیک مانند رای‌گیری و انجمن نمایندگان منتخب شهروندان برای اداره‌ی عمومی شهر بود اما حاکمان در انتخاب کلانتر و کدخدایان محلات بر اهمیت "مشروعیت اجتماعی" و "مقبولیت عمومی" آنها توجه می‌کردند. از همین رو بود که عموم کلانتران و کدخدایان مردمانی خوشنام و مورد پذیرش مردم بودند. حسین ایمانی جاجرمی عضو هیئت علمی دانشکده‌ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران و عضو گروه شهر انجمن جامعه‌شناسی ایران با بیان مطالب فوق معتقد است: "نخستین دگرگونی‌ها در ساختار سنتی که ریشه در عاملی بیگانه داشت، زمانی پدیدار شد که ناصرالدین شاه در بازگشت از سفر اروپا فرمان داد تا نهاد جدیدی به نام "احتساییه" مشابه به آنچه که در شهرهای اروپایی به چشمش آمده بود در پایتخت تاسیس شود. آنچه که از نگاه شاه پنهان مانده بود حق سیاسی شهروندان برای انتخاب مدیران شهری بود. این غفلت اما در قانون بلدیة سال ۱۳۸۶ خورشیدی جبران شد و براساس گزیده برداری‌های صورت گرفته از قوانین شهرداری بلژیک و فرانسه با پیشینه‌ی انقلاب دموکراتیک بورژوازی، شهرنشینان ایرانی نیز این امکان را یافتند تا نمایندگان خود را در قالب انجمن بلدی برای مدیریت شهرها انتخاب کنند. اما همان گونه که اندیشمند سیاسی سیمور لیپست دموکراسی را نیازمند توسعه یافتگی اقتصادی و ثروت می‌داند، فقر، بیسوادی و ناآگاهی عمومی مردم ساکن در شهرها، انجمن‌های بلدی را به نهادهایی تشریفاتی بدل ساخته بود و امکان پیاده ساختن دستاوردهای دموکراتیک در جامعه‌ی فقیر و عقب مانده‌ی ایران آن عصر وجود نداشت. از همین رو بود که انحلال این انجمن‌ها و کاهش ویژگی‌های دموکراتیک بلدیة در سال ۱۳۰۹ به دست دولت شبه مدرن و استبدادی رضا شاه هیچ اعتراض و واکنشی را از سوی روشنفکران و شهرنشینان موجب نشد. آن چه در این دوران اهمیت بیشتری برای نظام سیاسی داشت، مدرنیزاسیونی ستابزده بود که خود را در تغییر چهره‌ی شهرها و از میان بردن نشانه‌های سنت و گذشته‌ی تحقیر شده مانند دروازه‌ها، دیوارها و خندق‌های اطراف شهر، لباس‌ها و پوشش‌های سنتی زنان و مردان با تکیه بر زور و نیروی پلیس و رواج نشانه‌ها و سمبل‌های مدرنیته مانند خیابان‌های مدرن، فروشگاه‌های پرزرق و برق، سینماها، تماشاخانه‌ها و ساختمان‌های اداری نوین معنا می‌کرد."

مدیریت شهری در این تکاپو جایگاه ویژه‌ای داشت چندانکه که ایمانی معتقد است: "وظیفه‌ی زدودن نشانه‌های سنتی و افزودن نشانه‌های مدرن برعهده‌ی بلدیة بود که در تهران کفالت آن را به صاحب منصبی نظامی یعنی "کریم آقا بوذرجمهری" سپرده بودند. سیاست‌های موردنظر دولت با زور هم که شده باید اجرا



پراشوب خاورمیانه در آورند. مستشاران آمریکایی ایده‌ی تشکیل "اتحادیه‌ی شهرداری‌ها" را مطرح و آن را برای ارتقای کارآمدی شهرداری‌ها و تقویت مشروعیت دموکراتیک نظام سیاسی سودمند دانستند. اتحادیه‌ی شهرداری‌ها نهادی مدرن بود که هیچ پیشینه‌ای از آن در تاریخ این سرزمین وجود نداشت. اجرای این کار را ایمانی چنین ارزیابی می‌کند: "علت آن روشن بود شهرهای ایرانی به مانند سایر شهرهای آسیایی فاقد خودمختاری محلی بودند و از این رو تشکیل اتحادیه‌های شهری جایی در سیاست‌های محلی نداشت. اگرچه اتحادیه‌ی شهرداری‌ها تأسیس شد اما اتحادیه به معنای واقعی آن نبود. کشاکش عناصر تمرکزگرای دولتی و عناصر نوجو و تحول خواه در قالب تغییرات قانون شهرداری‌ها و قدرت و ضعف اتحادیه در برابر وزارت کشور نشان دهنده‌ی ستیز میان سنت دولت‌گرایی و پدیده‌ی مدرن تمرکزگرایی و تشکیل شهرداری‌های مدرن بود. مدیریت شهری این دوره تا زمان انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ از سیاست عمومی دولت که ملغمه‌ای از جاه‌طلبی‌های شاه و برنامه‌های بلندپروازانه و کم اثر ساختن عناصر

### ایده‌ی شوراهای اسلامی شهر یک ابتکار بومی است که از سویی ریشه در سنت‌های دموکراتیک برآمده از تحولات جهانی دارد و از سویی دیگر ریشه در سنت‌های دینی جامعه‌ی ایرانی دوانیده است

دموکراتیک و تقلیل آنها به عناصر حاشیه‌ای و کم اثر بود، پیروی می‌کرد. میزان وابستگی شهرداری‌ها به کمک‌ها و اعتبارات دولتی که به برکت درآمد نفتی ثروتمند و بزرگ شده بود، تا ۷۰ درصد بودجه این نهادهای محلی را شامل می‌شد و عموم آنها به سبب این وابستگی و در ضعف و بی‌اثری انجمن‌های شهر، به عنوان واحدهایی وابسته به وزارت کشور محسوب می‌شدند. اما انقلاب اسلامی عنصر جدیدی را به نام شوراهای اسلامی شهرها وارد مدیریت شهری کشور کرد که به سبب اتکای آن به دین و ملهم از سنت‌های مذهبی مانند اهمیت مشاوره و رایزنی بدون پیشینه‌ی تاریخی بود. این ایده‌ی جدید باید زمانی به درازای شانزده سال را صبر می‌کرد تا به عمل درآید و نقاط قوت و ضعف آن آشکار شود. بنابراین می‌توان گفت که ایده‌ی شوراهای اسلامی شهر یک ابتکار بومی است که از سویی ریشه در سنت‌های دموکراتیک برآمده از تحولات جهانی دارد و از سویی دیگر ریشه در سنت‌های دینی جامعه‌ی ایرانی دوانیده است.

مظفر صراف‌ی عضو هیئت علمی گروه جغرافیای دانشکده‌ی علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی شکل‌گیری

مدیریت شهر را بر مبنای نیاز مردم به نهاد عمومی عنوان می‌کند و معتقد است: "وقتی که فرد خانه‌ای را به صورت واحد در اختیار دارد، ممکن است زندگی او و خانواده‌اش به وسیله‌ی شکار و یا کار در مزرعه تأمین شود. این نیازهای فردی اوست که به دور از تجمع برآورده خواهد شد اما با ورود به بخش تأسیسات زیربنایی و ارتباط با سایر خانه‌ها و خرید و فروش محصولات و فراهم کردن مواد مورد نیاز، بهداشت و تأمین درمان و آموزش، نیاز او به زندگی جمعی نمایان می‌شود. این دیدگاه برگرفته از برطرف‌سازی نیازهایی است که یا به تنهایی قادر به حل آنها نبوده و یا آن‌که تنها با جمع شدن، برطرف‌سازی این نیازها متصور می‌شده است. همانند آموزش، ورزش و مسائلی از این دست. پس شهری شدن دارای دو خاصیت است یکی آن که می‌توان نیازها را در زمان با امکاناتی کمتر پاسخگو بود و دیگر آن که از سطح بالاتری از امکانات با کیفیتی بهتر را می‌توان بهره‌مند شد. اما فراهم‌آوری این امکانات نیازمند تلاش گروهی است که به نمایندگی از جمع اما با حکم تضمین منافع جمع باید تصمیم‌گیری‌هایی را در حوزه‌ی شهر اتخاذ کنند. در این برهه است که قواعد زندگی جمعی حضور شوراها و انجمن‌هایی از این دست را ضروری می‌نمایند."

صرافی همچنین می‌افزاید: "در زمان‌های گذشته به خصوص در جامعه‌ی طبقاتی، در نظام کاستی یا نظام فئودالی عنصر خون و اصالت بود که سبب می‌شد فردی بر همه‌ی شئون مردم فرمان براند و او مطلق آگاه به شمار می‌رفت. اما امروز این مسائل عنوان می‌شود که قواعد شهری چیست و رسیدگی به آن برعهده چه سازمانی است و پاسخ امروزه معرفی شوراها به عنوان نمودی از این سازمان است که از سوی جمع انتخاب می‌شود و براساس خواست جمع تصمیم می‌گیرد و اجرای این تصمیمات برعهده‌ی نهادهای همانند شهرداری است."

منصور روشناسی، نایب رئیس شورای عالی استان‌ها، با اشاره به توجه لازم به ریشه‌های اندیشه، فرایندهای برنامه‌ریزی به مفهوم نوین آن در سطح ملی و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای طی ۱۰۰ سال گذشته، جایگاه مدیریت شهری ایران را این چنین ارزیابی کرد: "در پی ادغام ایران در بازارهای جهانی و لزوم به کارگیری رویکردهای نوین برای مطابقت با شرایط جدید "در دوران قاجار و دوران پهلوی اول و دوم و حتی در زمان انقلاب در ایران ۱۳۵۷" شرایطی بر جامعه‌ی ایران نمایان شد که با روند تاریخی اداره‌ی امور جامعه چندان ستخیت نداشت. به عبارت دیگر در جامعه‌ای که ایل و قبیله اساس و پایه سیاستگذاری و تصمیم‌گیری در آن بود، به یکباره خود را در مقابل مفاهیمی چون مردم، شهروندی، انتخابات و مفاهیمی از این دست دید، که نه‌از بسترهای آن زایش پیدا کرده بود و نه حاکمیت در آن زمان میل به پذیرش آن



منصور روشناسی  
نایب رئیس شورای عالی استانها



داشت. ولی از آنجا که در پی انقلاب صنعتی ادغام اجتماعی - اقتصادی در عرصه‌ی جهانی روندی گریزناپذیر بود به ناچار جامعه‌ی ایران وارد مرحله‌ای نوین شد که می‌توان این طور بیان کرد اگر حتی آن را نمی‌پذیرفت، این روند بر کشور تحمیل می‌شد. بنابراین الزامات جهانی که در پی اهداف خود بود، جامعه‌ی ایران را وارد مرحله‌ای جدید کرد و ساختار مدنی جامعه که بسیار کم‌رنگ بود، ساختار حاکمیت و ساختار بازار ملزم به

### با این که ۱۰۰ سال از عمر مدیریت شهری در ایران می‌گذرد، در این دوران کمتر به فرآیند بومی در اداره‌ی امور محلی توجه شده است

پذیرفتن آن بودند. برخی از این الزامات را می‌توان در قوانین آن زمان به روشنی یافت. برای مثال در جامعه‌ای که فرد "حاکم" همیشه حرف اول و آخر را می‌زد به یکباره خود را مواجه با خرد جمعی و مردم سالاری رو به رشد می‌یابد. اینچنین است که قانون بلدیة "۱۲۸۶" این حرکت رو به رشد نمود پیدا می‌کند. بنابراین تناقض بین شرایط اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی جامعه با فرآیندها و الزامات جهانی، شکست برنامه‌ریزی به طور اعم و برنامه‌ریزی شهری به طور اخص را سبب می‌شود. اشکال دیگر در ایران دور از انتظار بودن شکل‌گیری مدیریت واحد شهری، فقدان بومی‌سازی سیاست‌ها و برنامه‌ها بود. یعنی در شرایطی که از جهانی شدن و فشرده‌گی زمان و مکان، گریزی نیست، انطباق شرایط با معیارهای بومی الزامی بی‌بدیل است. بنابراین رویکردهای مدیریت شهری در ایران بیشتر همخوان با الزامات جهانی بوده است، ولی متأسفانه کمتر از فرصت‌های پیش آمده برای تحقق محلی آن بهره‌ای جسته شده است. وی همچنین می‌افزاید: "مسئله آنجا نمایان‌تر می‌شود که ساختار مدیریت متمرکز با پیشینه و مؤلفه‌های فردگرایی مفرط، محملی برای ایجاد برنامه‌ریزی از پایین به بالا نیست. پشوانه‌ی دولت متمرکزگرا بر رانت نفت در نیم قرن اخیر نیز جایی برای حضور مردم و شهروندان در اداره‌ی امور ملی و محلی نمی‌گذارند. چنانچه در صد سال اخیر مدیریت شهری در ایران به تبع از مدیریت کلان و ملی دارای ویژگی‌های خاص بوده است و این عوامل نیز سبب ساز ناپایداری محلی، منطقه‌ای و ملی شده‌اند. عواملی همانند تکیه بر ساختار و نهادهای متمرکز و غیردموکراتیک و بی‌توجهی به نهادهای عمومی و مدنی و مردم، بی‌مسئولیتی و بی‌برنامگی در رویکرد بومی و هویت محله‌ای و تأکید بر نگرش بخشی به جای نگرش سیستمی، کسب درآمد ناپایدار و رانتی برای تأمین خدمات شهری، کوتاهی دوران مدیریت مدیران شهری، مدیریت و

برنامه‌ریزی از بالا به پایین به جای مدیریت و برنامه‌ریزی از پایین به بالا، چندپارچگی در مدیریت و تصمیم‌گیری چه در ارتباط با دیگر نهادهای ذی‌ربط و چه در درون شهرداری و مدیریت شهری، فقدان شفافیت و پاسخگویی و نیز فقدان حساسی و اطلاع‌رسانی، اتکای بر پروژه محوری به جای توسعه محوری، تأکید بر جنبه‌های رشد شهری به جای توسعه شهری و تکیه بر فرد محوری به جای برنامه محوری و بی‌توجهی به آموزش شهروندان و مدیران و کارکنان نهادهای خدمات‌رسان شهری."

وی با اشاره به موارد مذکور همچنین معتقد است: "با این که ۱۰۰ سال از عمر مدیریت شهری در ایران می‌گذرد، در این دوران کمتر به فرآیند بومی در اداره‌ی امور محلی توجه شده است. ریشه‌ی این بی‌توجهی به اقتصاد رانتی نفت، و بی‌نیازی دولت و حاکمیت از مردم باز می‌گردد. بنابراین با وجود الزامات جهانی در صد سال گذشته مبتنی بر برنامه‌ریزی "با مردم" و برنامه‌ریزی "توسط مردم"، این دیدگاه به دلیل شرایط اقتصادی و تاریخی در ایران، بی‌توجهی به آن "مردم" را سبب شده است. چنانچه روند کلی مدیریت شهری ایران در تثبیت حاکمیت فردمحور و از بالا به پایین بوده است."

عبدالحمید زاهدیان که به مدت هشت سال در سمت شهردار شهر خنج به فعالیت می‌پرداخته در مواجهه با مسائل و مشکلات مدیریتی خود، در طول سال‌های فعالیتش معتقد است: "مدیریت شهری ایران در ارتباط تنگاتنگی با مسائل دیگری است که بخشی از آن در حیطه‌ی اختیارات این سازمان و قسمتی از آن نیز وابسته به برهمکنش با دیگران و یا حتی در اختیار آنهاست. هنگامی که واژه‌ی مدیریت شهری به کار برده می‌شود، این تفکر و بینش را بر ذهن متبادر می‌سازد که مدیریت بر فضای شهر و آنچه که در آن رخ می‌دهد، منظور است. در صورتی که در کشور ایران این برداشت از مدیریت شهری انتظار نمی‌رود. مدیران شهری ایران فاقد دانش لازم در این رابطه هستند و دانش مدیریت شهری نیز، نوپا و نوبنیاد محسوب می‌شود. نگاهی به شهرسازی دنیا و مدیریت بر آن بیانگر آن است که شهر، تعریف آن و انتظاراتی که از شهر می‌رود نسبت به دو - سه دهه‌ی گذشته کاملاً تغییر کرده است."

### امروزه مدیریت محلی و منابع محلی بهترین راهبردهایی هستند که برای انتظام بخشی به امور شهر از آنها استفاده می‌شود

همسو با این تغییر، اختیار و مسئولیت‌های نظام مدیریت شهری نیز دگرگون شده است. شهرهای امروزی و در پی آن نظام حاکم بر آن آمیخته‌ای از سنت و



دستمایه‌ای برگرفته از مدرنیسم محسوب می‌شوند. مدیران در طول این سالیان سنتی فکر کرده‌اند، مدرن می‌بینند و ره‌آورد آن را به صورت تلفیقی ناقص در ورطه‌ی عمل قرار می‌دهند.

### جهت‌گیری مدیریت شهری

صرافی در حوزه‌ی مدیریت شهری و روند فراز و نشیب آن طی ۱۰۰ سال، به تداخل عرصه‌های دولتی و عمومی معتقد است، چنانکه بیان می‌کند: "متأسفانه طی این صد سال عرصه‌ها با هم تداخل یافته‌اند و به شدت مخلوط و از هم تفکیک‌ناپذیر هستند، زمانی که از دولت سخن به میان می‌آید، منظور کارکردهایی است که برآورد آن از سوی دولت متصور است. همانند تنظیم سیاست خارجی، امور مالی عمومی، دفاع و امور نظامی و مواردی از این دست همه وظایفی است که برعهده‌ی دولت است. اما مسئولیت‌ها در رسیدن به حوزه‌ی شهرها و روستاها، جنبه‌ای دیگر می‌یابند و نمی‌توان برای دخالت دولت - که وظایف ایران شمول را برعهده دارد - در امور شهری و روستایی هیچ دلیلی متصور شد. همانگونه که در برنامه‌های سوم و چهارم مسئله کوچک شدن دولت و واگذاری بسیاری از مسئولیت‌ها به شهرداری‌ها طرح شدند، باید دانست که امروزه مدیریت محلی و منابع محلی بهترین راهبردهایی هستند که برای انتظام بخشی به امور

**شهرها برای رشد و ترقی باید مقصدی را طی کنند. تعیین مقصد حق مردم است. اما ابزار سفر سازوکاری است که تأمین آن برعهده‌ی متخصصان و سازمان‌های اجرایی است که در کشور ما این وظیفه برعهده‌ی شهرداری‌ها گذاشته شده است**

شهر از آنها استفاده می‌شود. نمی‌توان به مدیران شهری واگذاری اختیار کرد، اما می‌توان واگذاری منابع را انجام نداد.

وی با اشاره به مدل محلی مدیریت شهر معتقد است: "چرا شهرداری‌ها درآمد شهر را جمع نکنند تا سهم دولت ملی را بدهند. به نظر همسو با این حرکت، مردم در اداره‌ی امور خود دخیل‌تر می‌شوند. اگر قرار است درآمدهای نفتی امروز هزینه شود، بهتر است به منظور دستیابی به مدیریت پایدار شهری این تصمیم اتخاذ شود - یعنی در جهت خودکفایی مالی شهرداری‌ها. آنچه بعد از انقلاب مشروطه به دست آمد، نتیجه برآمده از چنین نگرشی بود. دوران درخشانی که سطح شهرداری، سطحی مستقل بود و می‌توانست به وظایف خود بپردازد، اما همزمان با آغاز دوران پهلوی اول و به دلیل آن که شهرداری وابستگی

مالی به دولت داشت و درآمدهای حاصله در دست دولت قرار می‌گرفت، استقلال شهرداری یکسره از میان رفت. بینش اقتصاد سیاسی نیز به دلیل شکل‌گیری آن در خاورمیانه سبب ساز آن حرکت بود تا تمامی حکومت‌های منطقه‌ای ایران سرکوب شوند و مسیری ناهموار و کاملاً متفاوت با آغاز مشروطه بر راه مدیریت شهری ایران ظاهر شود. امروزه نیز منابع مرکز، کفایت دهان گشاده و گرسنه‌ی شهر را نمی‌دهد. بر همین اساس اگر بحث خودکفایی و روند رو به رشد مدیریت شهری در ایران مطرح می‌شود، باید شاخصه‌های دستیابی به آن نیز بررسی و تدوین شود. یعنی تفویض اختیارهای قانونی به شهرداری همراه با منابع غنی و نیز پاسخگویی شهرداری‌ها در قبال این اعتماد داده‌شود.

با توجه به پیشینه‌ی مدیریت شهری و بستر مناسب برای ارتقای این نهاد مردمی چرا عرصه برای این نهادها هر بار محدودتر می‌شوند. ایمانی در پاسخ به این پرسش ضعف دانش نظری و کم‌رونقی اندیشه‌ی شهری در ایران را یادآور می‌شود و می‌افزاید: "امروزه با نبود پارادایم (نمونه‌واره)‌های نظری در عرصه‌ی مدیریت شهری مواجه هستیم. اندیشه‌های مدیریت شهری به شکل پراکنده، نقد نشده و به آزمون در نیامده وجود دارند، اما لازم است تا نهادهای آکادمیک (دانشگاهی) و پژوهشی، برای تنظیم و تنقیح آنها تلاش بیشتری را انجام دهند. در دسته‌بندی این اندیشه‌ها می‌توان به مدل‌هایی مانند مدیریت شهری متمایل به مدرنیسم، مدیریت شهری، مدیریت شهری متمایل به شراکت و حکمرانی، مدیریت شهری متمایل به رشد اقتصادی و مدیریت شهری پوپولیستی (عامه‌پسند) دست یافت. اما در هر حال تلاش اندک اندیشه‌ورزان شهری سبب شده است تا رویکردها و سیاست‌های مشخصی بر مدیریت شهری حاکم نباشد و اندک مدیران شهری صاحب نظر به دنبال موج‌های جهانی ایجاد شده مانند مدیریت شهری خوب و در حال حاضر حکمرانی خوب باشند. در حالی که مسئله مهم تعیین نسبت این اندیشه‌ها با وضعیت ایران، ساختار دولت و فرهنگ مدنی مردم است."

### یکی از آفت‌های ناتوان‌سازی ادارهی امور محلی پیشروی به مرکز است - یعنی وابستگی به پول حاصل از فروش نفت

صرافی به این مسئله از دریچه‌ی دیگر می‌پردازد. وی معتقد است: "شهرداری و شورای شهر در ایران سطحی از حکومت و اداره‌ی امور شهر هستند که به آن حکومت در سطح شهر اطلاق می‌شود. به این دلیل نمی‌توان مدیریت شهری را برای شهرداری تنها در اجزایی از شهر محقق دانست. مثلاً نمی‌توان به شهرداری‌ها گفت که فقط برای



شهری و همچنین در کلانشهرها، جای خالی شوراهای کلانشهری به منظور دستیابی به مدیریتی واحد ضروری به نظر می آید.

معاون شورای عالی استان‌های کشور معتقد است: "مدیران از تجربه‌ی مدیریت مشارکتی و برنامه‌ریزی توسط مردم برای اداره‌ی امور محلی گریزناپذیرند. این دیدگاه هم مبتنی بر تجربیات جهانی است و هم نشأت گرفته از قانون اساسی و در پی الزام به فرایند توسعه‌ی محلی به عنوان گزینه‌ی بی‌بدیل توسعه‌ی پایدار شهری مطرح است. اداره‌ی مردمی شهرها و فضاهای سکونتگاهی کوچک و بزرگ به پایداری، مساعدت، کارآمدی، شفافیت، پاک‌حسابی، تعهد مدنی و انصاف مدیریت شهری کمک می‌کند و مردم خود را در اداره‌ی امور مسئول می‌دانند و این امر سبب تعلق به مکان و هویت‌یابی شهروندان می‌شود."

شرایط فعلی مدیریت شهری ایران در دو سطح قابل بحث و بررسی است. در سطح اول شرایط کنونی مدیریت شهری متأثر و حاصل رویه‌های برنامه‌ریزی و توسعه‌ی برون‌زایی محسوب می‌شود که شرایط جهانی شدن و الزامات آن نقشی بی‌بدیل را در شکل‌گیری آن داشته است.

روشناسی با اشاره به موارد فوق می‌افزاید: "طرح‌های جامع و تفصیلی، برنامه‌ریزی از بالا به پایین، پروژه‌ی محوری، توسعه‌ی کلانشهرنشینی، مهاجرت زیاده از حد روستا به شهر و عواملی از این دست متأثر از شرایط و رویکردهای جهانی است. در سطح دوم شرایط تاریخی، اقتصادی و اجتماعی عرصه‌ی جامعه‌ی ایران نیز نقش اساسی داشته است. چنانکه تکیه بر اقتصاد نفت و دولت متمرکز و همه‌کاره در ایران و همچنین ضعف نهادهای مدنی و عمومی به دلیل عدم تعلق به فضای شهری به

### نظام اداری متمرکز در ایران باعث می‌شود شوراها به جای مدیریت محلی به ادارات محلی وابسته به دولت تبدیل شوند

خاطر روحیه‌ی ایلی و عشیرتی در فضاهای سکونتگاهی عرصه‌را بر رشد نهادهای مدنی و پاسخگو تنگ کرده بود. بنابراین محصول این نارسایی‌ها در دو سطح ناپایداری شهری و منطقه‌ای برای مدیران شهری باقی مانده بود. بدیهی است بی‌توجهی در برنامه‌ریزی شهری به عواملی چون نگرش به منطقه‌ی پیرامون، و رهیافت سیستمی و مردمی در اداره‌ی امور شهر و بخشی‌نگری در ناپایداری شهری، تناقض‌نظری و عملی را در حیطه‌ی تصمیم‌سازی برای شهرها به بار آورده است."

زاهدیان معتقد است: "مدیریت شهری امروز در ایران نه براساس هدف‌گرایی بلکه بر طبق مسئله‌گرایی تعریف

شهروندانشان پارک بسازند ولی از جابه‌جایی جمعیت شهر خود آگاه نباشند. فعالیت شهرداری در عرصه‌ای عمومی نمود می‌یابد. از نظر ساختاری با چالشی بر وجود نظامی اقتدارگرا مواجهیم. این ساختار نیازمند تغییراتی وسیع است که مقاومت‌هایی نیز در مواجهه با آن پدید می‌آورد. وقتی صحبت از مشارکت اصیل مردم به میان می‌آید، این مشارکت تنها بیل زدن و محتویات جیب مردم را در نظر ندارد بلکه استفاده از تفکرشان است که مشارکت را پر بهاتر نمایان‌گرتر می‌سازد. امروز شهردار وابسته به وزارت کشور است، ساختاری که باید تصحیح شود. باید تشریک مساعی و یکپارچگی شکل یابد. اما در قالب مدیریت یکپارچه‌ی شهری نه یک دولت واحد مرکزی."

### نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی بیان می‌کند که ویژگی‌های جامعه و سرمایه‌ی اجتماعی بر عملکرد حکومت‌های محلی مدیریت شهری تأثیرگذار است

هر کدام از دوران‌های مدیریت شهری در ایران دارای فراز و فرودهای مختص به خود بوده است به عنوان مثال در دوران نوزایی مدیریت شهری نوین، ذات قانون بلدیة بسیار مؤثر و دارای اثربخشی مفهومی و ذهنی بالایی است. ولی همانطور که گفته شد با وجود قانون خوب و مدرن، از آنجا که بسترهای اجرایی آن مهیا نبوده است، قانون عقیم می‌ماند و اجرا نمی‌شود. در دوره‌ی میانی مدیریت شهری که با طرح‌های جامع و تفصیلی مقارن است نیز می‌بایست به این امر توجه کرد که با وجود انتقادهای شدید بر طرح‌های جامع و تفصیلی می‌بایست متصفاانه پذیرفت که این طرح‌ها در زمان نبود هیچ طرح و برنامه‌ای برای اداره‌ی شهر نقش حداقلی خود را ایفاء کرده‌اند. ولی ایراد اصلی هر دو دوره در برنامه‌ریزی برون‌زا و نگاه‌ی از بالا به پایین بوده است. پس از انقلاب نیز جدا از سال‌های اولیه که با جنگ و دوران گذر از انقلاب گذشت، از سال ۱۳۷۷ با تحقق فصل هفتم قانون اساسی که از فصل‌های مهم قانون اساسی بود، گامی اساسی در تحقق مدیریت شهری شهروندمدار و مشارکتی برداشته شد. ولی به دلیل نبود توجه دولت و حاکمیت به جایگاه نهاد حاکمیتی مدنی شورا، این نهاد هر دوره ضعیف‌تر شده است. به عبارت دیگر با این که این نهاد از ارکان حاکمیت به شماره می‌آید ولی ضعف رویکرد مشارکت‌طلبی در ساختار حاکمیت سبب شده است، شورا و به دنبال آن شهرداری به جایگاه اصلی خود نرسد. همچنین حلقه‌های مفقوده‌ای در روند انتخابات شوراها وجود دارد که براساس قانون اساسی تکمیل گردند. این حلقه‌های مفقوده همانا شوراهای محله و شورای مناطق



می‌شود. شهرها به دلیل عملکرد ضعیف اجتماعی - اقتصادی در روایتی کلان به آنچنان مشکلاتی دچار شده‌اند که اگر اقدامی با هدف و برنامه برای برطرف‌سازی آن صورت نگیرد به بحرانی سخت تبدیل می‌شود. از سوی دیگر در شوراهای اسلامی افرادی انتخاب شده‌اند که فاقد دانش و تجربه هستند و به آنها به عنوان گره‌گشایان گره‌های شهر نمی‌توان نگرست. مشکل اساسی مدیریت شهری در طول این ۱۰۰ سال تنها آزمون و خطا در دوره‌های مختلف نیست بلکه تکرار آن چیزی است که بارها به محک گذارده شده است\*.

**هرچه شوراهای سرمایه‌ی اجتماعی  
درونی بیشتری برخوردار باشند، قدرت  
تأثیرگذاری و چانه‌زنی بیشتری خواهند  
داشت و هرچه میزان آن کمتر باشد، آنها  
بیشتر خواستار کمک و دخالت دولت  
مرکزی خواهند بود**

#### ساختار شورایی در نظام مدیریت شهری

ارسطو می‌گوید: "سکونتگاه‌ها را خانه‌ها می‌سازند اما شهر را شهروند می‌سازد".  
به اعتقاد صرافی مقصود ارسطو از این جمله آنست که زندگی در شهر، دارای ویژگی کالبدی نیست که بتوان به راحتی به آن پرداخت، بلکه ویژگی‌هایی از شهروندی است که او را دارای حق و مسئولیت می‌داند. بر همین اساس اولین اقدام شهرداری‌ها در شهر "توانمندسازی اجتماعات محلی" است. اگر کل کشور را بر ساخته از ساختاری سلولی بتوان فرض کرد، می‌توان تک‌تک سلول‌های موجود را، حضور جوامع محلی دانست. وی می‌افزاید: "امروزه برای محله‌ها رخدادی دیگر است و آن شکل یابی شورایاری‌هاست. سطحی که از پایین به بالاست و فرایند مهمی از حکمرانی شهر است. عنصر مهم آن نیز براساس شفافیت و پاسخگویی شکل یافته است".  
مدیریت شهری و دولت مرکزی را می‌توان دو سوی یک معادله به شمار آورد که رابطه‌ی معکوس با یکدیگر دارند. هرچه دخالت دولت در امور محلی بیشتر باشد، آنگاه نقش مدیریت شهری کم‌رنگ‌تر و کم‌اثرتر خواهد بود و بالعکس هرچه مدیریت شهری در تمشیت امور خود اتکای کمتری به دولت داشته باشد و از عناصر انتخابی بهره‌مند باشد، آنگاه اثرگذاری بیشتری را در سطح محلی خواهد داشت. این یک برهمکنش شگفت است که در عموم جوامع صادق است. بنابراین اگرچه عجیب می‌نماید اما قوی‌ترین مدیریت شهری با توجه به اختیارات و سطح عملکرد مربوط به نخستین قانون بلدیة در سال ۱۲۸۶ خورشیدی است که در زمانی تدوین یافته است که روح

مشروطه بر بازیگران عرصه قانون‌گذاری حاکم بوده است. ایمانی با اشاره به مطالب فوق می‌افزاید: "به طور معمول پس از وقوع انقلاب‌های بزرگ که دولت مستبد و سرکوب‌گر به عقب‌رانده شده، اندیشه‌های آزادیخواهانه و نوآورانه فرصت بیشتری برای ظهور و در صورت مساعد بودن شرایط برای اثرگذاری خواهند داشت. معادله‌ی پیش گفته را می‌توان در بررسی وضعیت شهرداری‌های بزرگ و رابطه‌ی آنها با دولت مرکزی نیز دید. عموم این شهرها که به برکت رونق فعالیت‌های اقتصادی و مرغوبیت زمین شهری صاحب درآمدهایی قابل توجه شده‌اند، تمایل به استقلال بیشتر از دولت دارند. این تمایل را می‌توان از دهه‌ی هشتاد به این سو که به برکت حضور شوراهای میزان دخالت دولت در امور شهرداری‌ها به ویژه در بحث مهم انتخاب شهردار کمتر شده است را به خصوص در تهران به راحتی مشاهده کرد".

وی همچنین معتقد است: "شوراهای و شهرداری‌ها از یکدیگر جدا نیستند بلکه با ترکیب با یکدیگر نهادی را به نام مدیریت شهری تأسیس می‌کنند که در آن شورا در حکم قوه‌ی تقنینی و شهرداری در حکم قوه‌ی اجرایی است." ایمانی با اشاره به این خصوصیت که شورا نماینده مردم است و از جانب آنها در مورد منافع عمومی تصمیم می‌گیرد، معتقد است: "این وظیفه را نهادهای تخصصی و اجرایی نمی‌توانند انجام دهند. به عبارت دیگر شهرها برای رشد و ترقی باید مقصدی را طی کنند. تعیین مقصد حق مردم است. اما ابزار سفر سازوکاری است که تأمین آن برعهده‌ی متخصصان و سازمان‌های اجرایی است که در کشور ما این وظیفه برعهده‌ی شهرداری‌ها گذاشته شده است. شاید بهتر باشد که واژه‌ی شهرداری را اعم از شورا و سازمان اجرایی تحت نظر آن که در کشور ما شهرداری نام دارد، دانست".

زاهدیان شهردار پیشین شهر خنج با اشاره به عملکرد شوراهای معتقد است: "صرف نظر از عملکرد مثبت برخی از شوراهای در برخی از شهرها که سبب تحول در شهر هستند و ساختار محکمی از مدیریت شهری و نگاهی شهرسازانه به شهر را به عنوان نیازی پایه برای شهر در نظر می‌گیرند، در شهرهایی نیز اعضای هستند که به عنوان نماینده جناح‌ها و یا قومیت‌های مختلف، در سطح شهر عمل می‌کنند و از روند شفاف مدیریت یکپارچه‌ی شهری دور مانده‌اند. از این شوراهای نمی‌توان انتظار تصمیم‌هایی در سطح کلان را داشت." و همچنین می‌افزاید: "تخصص، تعهد، استقلال فکری در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، بها دادن به علم و اندیشه در شهر جملگی شاخصه‌های یک مدیریت شهری پویاست و می‌توان براساس اینها به توسعه‌ی پایدار نیز دست یافت".

روشناسی با اشاره به ماده ۷۸ مکرر ۳ الحاقی ۱۳۸۲/۷/۶ قانون شوراهای اسلامی کشوری که بیان



زیبایی دهد. اگر به تفاوت این دو شهر بر مبنای منابع آنها در دستیابی به درآمد پایدار توجه شود، گشودن دری است که سالیان سال است، کسی آن را نگشوده. زمانی که این تلاش یعنی دستیابی به منابع پایدار محلی رخت بر بندد، بهبود شهرها و محله‌ها ناشی از حضور شهرداری و شوراهای و ابتکارات ملی نیست بلکه از سرازیر شدن منابع ملی محسوب می‌شود که رقابت را در دستیابی به توسعه‌ی پایدار از بین خواهد برد.

جهان روندی را با عنوان "افزایش شدید شهرنشینی" در قرن‌های اخیر طی کرده، اما شهر که همواره چهره‌ای مثبت در ادبیات نوسازی و توسعه داشته، چهره‌ی زیست خود را در کشورهای در حال توسعه نشان داده است. مشکلاتی مثل آلودگی، کمبود مسکن و فقر و بی‌عدالتی

### یک شهر خوب نیازمند به حکمروایی خوب است و منشاء آن نیز برگرفته از شهروند پویاست

نمونه‌هایی از مواردی است که به شدت در کیفیت شایسته‌ی زیست‌انسانی تأثیر گذاشته است. یکی از نهادهای مؤثر در کاهش مشکلات شهری، مدیریت شهری است که در صورت داشتن قالب و محتوایی دموکراتیک، عملکرد بهتری خواهد داشت.

ایمانی معتقد است: "اگر حکومت‌های محلی دموکراتیک باشند، در حل مشکلات توسعه‌ی شهر موفق‌ترند. بنابراین باید دید چه عواملی بر عملکرد بهتر مدیریت شهری تأثیر دارند. در ادبیات توسعه، تا حدی با فرهنگ مدنی، سرمایه‌ی اجتماعی و مفاهیمی از این دست به این پرسش پاسخ داده شده است. نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی بیان می‌کند که ویژگی‌های جامعه و سرمایه‌ی اجتماعی بر عملکرد حکومت‌های محلی مدیریت شهری تأثیرگذار است. مطابق نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی اگر جامعه فضیلت‌های مدنی بالایی داشته باشد، شوراهای شهر در آن کارآمدتر هستند. یک نکته‌ی مهم در مورد شوراهای شهر در ایران، فقدان نهادینگی شوراهاست. به نظر می‌رسد شوراهای شهر بیشتر نهادهایی ساخته شده از یک سیاست‌اند. یعنی تا زمانی که این شوراهای تشکیل نشده بود، تمایلی از سوی مردم محلی برای تأسیس آنها دیده نمی‌شد. شوراهای که از قبل در جامعه ریشه ندوانیدند در کارکردهای خود به مشکل دچار شدند. نگاهی به وضعیت شوراهای نشان می‌دهد که مسائل ناشی از نظام اداری متمرکز، قوانین مبهم و ضعف سنت‌های عمل جمعی دموکراتیک بخشی از اصلی‌ترین مشکلات هستند. نظام اداری متمرکز در ایران باعث می‌شود شوراهای به جای مدیریت محلی به ادارات محلی وابسته به دولت تبدیل شوند. قوانین مبهم و ناکافی نیز

می‌کند: "شورای عالی استان‌ها موظف است که حداکثر یک سال پس از تشکیل، ضمن مشخص نمودن آن دسته از امور شهری که توسط وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی انجام می‌شود و انجام آن در حد توانایی شهرداری‌ها می‌باشد، طرح لازم‌جهت واگذاری آن امور به شهرداری‌ها را تهیه و به دولت یا مجلس شورای اسلامی تقدیم کند." معتقد است: "به استناد بر همین ماده قانونی شورای عالی استان‌ها در سال گذشته وظایف مشخص شده را در جلسه‌های شورای عالی استان‌ها مشخص و به دولت ارسال کرد. ولی با گذشت حدود یک سال از ارسال طرح و تأکیدهای مجدد پس از ارسال هنوز اقدامی از سوی دولت انجام نگرفته است."

وی دلیل این امر را این چنین برمی‌شمرد و معتقد است: "بیدیهی است که چون واگذاری امور به نهادهای مدنی و محلی چون شوراهای و شهرداری‌ها قطع شدن رانت‌های اقتصادی را سبب می‌گردد، نهادهای دولتی با این امر مخالف‌اند. واقعیت این است حتی اگر دولت در آینده اقدام به واگذاری امور به شوراهای و شهرداری‌ها کند، این اقدام اقدامی از سر ناتوانی و ضعف است، نه از سر میل و تمایل به توسعه‌ی پایدار نهادهای مدنی و مردمی و نیز از آنجا که شورای عالی استان‌ها به عنوان پارلمان دوم کشور، به امور محلی در سطح ملی می‌پردازد، مدام از سوی حاکمیت تضعیف می‌شود، که نمود این تضعیف در اصلاح ناندیشیده‌ی قانون شوراهای اسلامی کشوری است."

### جمع بندی

به نظر می‌رسد که تداخل عرصه‌ی دولتی و عمومی سبب شده است که حکومت‌های محلی در ایران هیچ‌گاه نتوانند پا بگیرند. صراحتی با اشاره به این موضوع می‌افزاید: "اگر به عموم مردم و میثاق آنها در بین خود توجه شود، میثاقی که براساس نوع زندگی، قراردادهای و قوانین اجتماعی و نظایر اینها شکل گرفته است، نقش حکومت‌های محلی در برآورد و نزدیک شدن به این آرمان مشخص‌تر می‌شود. باید از درآمدهای نفتی که آفت توسعه‌ی پایدار محسوب می‌شود، فاصله گرفت. زیرا یکی از آفت‌های ناتوان‌سازی اداره‌ی امور محلی پیشروی به مرکز است - یعنی وابستگی به پول حاصل از فروش نفت. آزاردهنده است وقتی شهری را با تأسیسات بسیار عقب مانده و فرسوده در مقابل شهری پویا و نمو یافته می‌بینیم. باید عوامل پیشرفت و بهبود این شهر از شورا و شهرداری آن شهر پرسش شوند. در حال حاضر پاسخ بسیاری از شهرداری‌ها مبنی بر آنست که "دولت به آن شهرها بیشتر رسیده است" و براساس همین نگرش این شهر کم‌بضاعت سعی می‌کند نماینده‌ی قوی‌تر محلی انتخاب کند و از این طریق بخشی از سرمایه‌های ملی را به سوی شهر خود سرازیر و جذب کند تا او نیز بتواند به سیمای شهر خود



**وظیفه‌ی سازمان شهرداری‌ها  
در خواست‌گزارشی از شهرداری‌های  
سراسر کشور است تا آنها را ملزم به  
شفاف‌سازی کند. یعنی کارنامه‌ی  
مدیریت شهر را طی دوره‌ی چهار ساله  
از هر شهر دریافت و ارزیابی کند که هر  
شهر در چه سطحی از توسعه‌ی پایدار  
شهری قرار گرفته است**

شهرداری‌هاست. آنچه که روند تاریخی سرکوب این دو نهاد را تا به امروز سبب شده است. امروزه فقدان اعتماد میان شهروند و مدیریت شهر از عواملی است که مشارکت شهروندان را در اداره‌ی امور شهرشان با کاهش مواجه کرده است. چنانچه صرافی معتقد است: "بهترین راه مشارکت، فراهم کردن بستری است که تنها از راه تصمیم‌گیری‌های دموکراتیک و مردم سالارانه حاصل می‌شود. مردم حق دارند بدانند در ازای مالیات و عوارضی که پرداخت می‌کنند، چه چیزهایی برایشان فراهم آمده و چه بخشی از نیازهایشان براساس مشارکت برطرف شده است. این فقدان اعتماد بخشی به دلیل رانت زمینی است که سودهای کلان را برای تعدادی از افراد به وجود می‌آورد. در صورتی که قسمتی از این ارزش افزوده ناشی از سرمایه‌گذاری‌های جمعی است. رانت یعنی فقدان فرصت مساوی برای همه. شهر باید مالیاتی وضع کند تا نسبی از این ارزش افزوده در اختیار مدیریت شهری قرار گیرد. اتفاقی که در ژاپن در دهه‌ی هشتاد رخ داد، آن بود که یک سوم از ارزش افزوده متعلق به دولت مرکزی، قسمت بعدی به دولت استانی و یک سوم آخر نیز به مدیریت شهری اختصاص می‌یافت. به این تناسب در ایران نیز می‌توان دست یافت. مدیریت زمین باید به شهرداری‌ها باز گردد، همانگونه که در تمامی الگوهای موفق اینگونه بوده است."

صرافی از سویی به دلیل فقدان شفافیت و ظرفیت‌های لازم برای دستیابی شهرداری‌ها به این فرصت متذکر می‌شود: "بهتر است قبل از واگذاری اموری این چنینی، ظرفیت‌سازی انجام گیرد. باید برنامه‌ها مشخص شود و براساس سندی، همسو با چشم‌انداز آتی شهر حرکت آغاز شود. وقتی برنامه مشخص شود حتی با تغییر مدیریت شهری و به خصوص شهرداران، دستورالعمل کلی برای شهر مشخص است. هدف یکی است اما روش‌های رسیدن به آن متفاوت است. یک شهر خوب نیازمند به حکمروایی خوب است و منشاء آن نیز برگرفته از شهروند پویاست. به هر حال سنگ توسعه‌ی شهری که امروز بر سینه‌ی مدیریت شهر زده می‌شود، در قالب توسعه‌ای پایدار قابل تحقق است. شهر مرید منطقه است و منابع را از بیرون دریافت و با بده و بستان‌های متداول، خود را اداره می‌کند. این دیدی است که مدیران شهری باید به آن دست یابند، یعنی دید آنها باید دربرگیرنده‌ی منطقه باشد و پایداری منطقه‌ای را در نظر گیرند. وظیفه‌ی سازمان شهرداری‌ها نیز درخواست گزارشی از شهرداری‌های سراسر کشور است تا آنها را ملزم به شفاف‌سازی کند. یعنی کارنامه‌ی مدیریت شهر را طی دوره‌ی چهار ساله از هر شهر دریافت و ارزیابی کند که هر شهر در چه سطحی از توسعه‌ی پایدار شهری قرار گرفته است."

مشکل بزرگ دیگر در کار شوراهاست. همچنین ضعف سنت‌های عمل جمعی دموکراتیک مسئله بسیار مهمی است. اگر به تاریخ مدیریت شهری در ایران نگاه کنیم، متوجه می‌شویم فاقد عناصر دموکراتیک در شهرها بوده‌ایم. هرچه شوراها از سرمایه‌ی اجتماعی درونی بیشتری برخوردار باشند، قدرت تأثیرگذاری و چانه‌زنی بیشتری خواهند داشت و هر چه میزان آن کمتر باشد، آنها بیشتر خواستار کمک و دخالت دولت مرکزی خواهند بود. ضعف آموزش و نپرداختن به تربیت افراد برای شوراها نیز نکته‌ی مهمی است که نیازمند توجه است. در کشورهای پیشرفته، احزاب سیاسی به منتخبین خود در شوراها آموزش می‌دهند تا عملکرد خوب آنها موجب انتخاب دوباره‌ی حزب شود، اما در کشور ما عموم افرادی که وارد شورا شده‌اند، اطلاعات زیادی درباره‌ی این که چه باید بکنند و چگونه عمل دموکراتیک جمعی انجام دهند، ندارند. اگر به مسائل و مشکلات شوراها توجه نشود، آینده برای شوراها چندان امیدوار کننده نیست. اگر شوراها فرصتی نداشته باشند که برنامه و اهداف خود را عملی کنند، طبیعتاً مردم عادی هم از آنها روی گردان می‌شوند."

روشناسی نیز معتقد است: "ابتدا بسترهای یک انتخابات خوب باید در عرصه‌ی ملی فراهم شود و از راه آموزش به شهروندان و تفهیم نیازهای مدیریت شهری به آنها و ارائه‌ی برنامه‌های شفاف احزاب در مقابل نیازهای جامعه و برگزاری انتخابات می‌توان نتایج به دست آمده را در شورا و مدیریت شهری "کارآمد" مشاهده کرد. در این راه آموزش شوراها در چگونگی اداره‌ی شهر به صورت حرفه‌ای گام نخست را در بردارد. این نوع نگرش می‌تواند در آموزش شهروندی و نیز در نوع نگرش نهادهای دولتی نسبت به جایگاه شوراها مؤثر باشد و اثربخشی شوراها را در اداره‌ی امور محلی افزایش دهد. از سوی دیگر تغییر و کاهش وظایف شوراها و شهرداری‌ها مغایر با برنامه‌های سوم و چهارم و سند چشم‌انداز بیست ساله است و نقض قانون اساسی، اصل چهل و چهار، اصل هفتم و فصل هفتم قانون اساسی محسوب می‌شود. فقدان توجه به این عرصه‌ها گام نهادن به منظور ضعف مشارکت شهروندان و



است. اگر در گذشته آداب و رسوم و هنجارها بد و خوب را تعیین می‌کردند، امروزه با گسترش مدرنیته در عرصه‌های مختلف زندگی حتی در مسائل خصوصی مانند ازدواج و تربیت فرزندان این قانون است که حکم می‌راند. اما باید توجه داشت که تغییرات در جهان امروز شتابان است و جهانی شدن و سرعت ارتباطات و تحولات، ثبات و یکنواختی زندگی سنتی را از میان برده است. از این رو نمی‌توان با قوانینی که مربوط به زندگی گذشته هستند با مسائل روز مواجه شد. از سوی دیگر قوانین نیازمند احترام و پاسداشت هستند که بخش مهمی از این موضوع در قالب فقدان تغییر قوانین و ثبات طولانی مدت آنها خود را نشان می‌دهد.

ایمانی معتقد است: "برای مقابله با این تناقض می‌توان قوانین را محدود به بیان کلیات عام کرد و جزئیات را به آیین نامه‌های محلی و شوراهای سپرد تا با توجه به وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که دارند، با توجه به منافع ملی و محلی به سیاست‌گذاری بپردازند. این یک واقعیت

روشناسی نیز معتقد است: "نظریه‌ی دولت بزرگ حتی در شرایط کنونی غالب بر دیگر نظریه‌هاست. به عبارت دیگر چه در عرصه ملی و چه در عرصه‌ی منطقه‌ای و محلی دولت به عنوان قهرمان ملی و محلی توسعه خوانده می‌شود. با این که از برنامه‌ی سوم سیاست‌های دولت حداقلی ولی کارآمد در دستور کار قرار گرفت و ماده‌ی ۱۳۶ آن مختص به حداقل سازی دولت در امور شهری بود، ولی عملاً اتفاق خاصی مبتنی بر توانمندسازی نهادهای محلی و کوچک سازی دولت نیفتاد. در برنامه‌ی چهارم با رویکرد دانایی محوری و برهمکنش سازنده با جهان سرآغازی به کار مدیریت واحد شهری محسوب می‌شد و بند ب ماده ۱۳۶ تأکید بر ظرفیت سازی برای واگذاری امور محلی به نهادهای محلی و مدنی داشت، ولی با اقدامات دولت در عمل با این که شعارهای اولیه مبتنی بر این امر داده شد ولی به فراموشی سپرده شده است. به علاوه آن که به نظر می‌رسد زمانی می‌توان از نقطه‌ی پررنگ مدیریت شهری نام برد که سیاست‌های حکمروایی

### این یک واقعیت روشن است که قانون شهرداری سال ۱۳۳۴ برای اداره کردن کلانشهری چون تهران مناسب نیست و تهران و دیگر کلانشهرهای کشور نیازمند استقلال عمل و ظرفیت‌های سازمانی متحول و منعطف‌تری هستند که ساختار سنتی قانون گذاری این اجازه را به آنها نمی‌دهد

روشن است که قانون شهرداری سال ۱۳۳۴ برای اداره کردن کلانشهری چون تهران مناسب نیست و تهران و دیگر کلانشهرهای کشور نیازمند استقلال عمل و ظرفیت‌های سازمانی متحول و منعطف‌تری هستند که ساختار سنتی قانون گذاری این اجازه را به آنها نمی‌دهد. بنابراین مشاهده می‌شود که نیازمندی‌های جدید در مواردی مدیران شهری را وادار می‌کند تا قانون را دور بزنند، مسئله‌ای که با کاهش منزلت قانون، مشروعیت اقدام ولو سودمند مدیران شهری را به زیر سؤال می‌برد. مدیریت شهری امروز برگرفته از ایده‌ها، تفکرها و تجربه‌هایی است که در طول تاریخ شهر به وسیله‌ی نسل‌های دیروز و امروز پدیدار گشته است. شهرها و گونه‌ی مدیریت آنها، در گرج و میش بامدادان، در امواج مه‌آلود پگاهی نو فرو رفته است که به آرامی بر مدیریت امروز شهر سیطره می‌یابد. تفکر برای هموارسازی راه آینده، آینده‌ای که در آن آفرینش محیط‌های مناسب برای زندگی انسان‌ها مقابل دیدگان پرسه می‌زند، در ذهن مدیران امروز باید جانی تازه یابد. تاریخ‌اندیشه‌ی انسان در شهر، مشحون است از ابراز نارضایتی نسبت به وضعیت زندگی و این رویه، کشمکش‌هایی را میان مردمان و حاکمان در طول تاریخ برانگیخته است. روزنه‌ای که هر بار برای دیدن مردم بسته می‌شود.

خوب شهری در دستور کار مدیریت شهری قرار گیرد. واقعیت این است که اداره‌ی شهرهای ما در طول این دوران مدام دستخوش آزمون و خطا بوده است. نمود این آزمون و خطا در طرح‌های توسعه‌ی شهری نمایان است. ضمن آن که کمتر توسعه‌ی اجتماعات محلی برای اداره‌ی بهتر شهر در دستور کار مدیریت شهری قرار گرفته است. البته به طور شعاری در برخی از کلانشهرها گفتارهای محدودی از این رویکرد می‌شود. زمانی می‌توان از دوران مدیریت شهری کارآمد و اثربخش سخن راند که سیاست‌هایی از سوی مدیریت شهری برای رفع چالش‌هایی چون پیشی گرفتن شهرنشینی بر شهرگرایی و شهرسازی اصولی و منطبق بر برنامه، سیاست‌ها و برنامه‌ریزی از بالا به پایین و کم توجهی به نهادهای مدنی و مواردی از این دست اعمال شوند. بدیهی است گام نهادن در تشکیل شوراهای در نه سال گذشته، نقطه‌ی عطف مدیریت شهری ایران در طی ۱۰۰ سال است که گذشت. نه سالی که می‌توان صرف آن را در راستای اثربخشی و توسعه‌ی پایدار برای سیاست‌های بلندمدت که همان شهروندمداری و تقویت نهادهای مدنی و محلی است، به شمار آورد.

قانون پدیده‌ی مدرنی است که جایگزین سازوکارهای سنتی تنظیم‌کننده‌ی کنش‌ها و رفتارها در جامعه شده



# دولت‌شهرها در ایران

علی‌رضا آیت‌اللهی  
دکتر در اقتصاد، جامعه‌شناسی و  
آمایش از فرانسه

می‌کرد به جز تصمیم‌گیری در امور سیاسی، دفاعی، و اقتصادی کشور که توسط "دبیر شهر و چشم و گوش‌های شاه" (فرماندار نامرتبی) کنترل می‌شد.

پولیتوما<sup>۲</sup>های زمان سلوکیان یادآور شورای شهر، رؤسای شهری آن زمان یادآور شهرداران، و ایستات<sup>۳</sup>ها یادآور مجموعه‌ای از دبیران و چشم و گوش‌های پادشاه (حکومتی-فرمانداری) بودند که با اقتباس از فناوری‌های مدیریتی آنتی و اسپارتی و به طور کلی غربی، مدیریت شهری ایران را پیشرفته‌تر کردند و این تولید شهری، متمایل به خصایص دولت‌شهر، یکی از الگوهای موفق مدیریت مردمی شهری است که هنوز هم آن چنان که باید و شاید مورد مطالعه قرار نگرفته است.

## دوران خود محوری

پادشاهان ساسانی از طرفداران تمرکز قدرت، خود محوری و بنابراین سلطه‌ی همه جانبه بر تمام امور کشور بودند که حتی به شهربانان خود نیز به قدر کفایت اعتماد و تفویض اختیار نمی‌کردند و تا زمان خسرو پرویز روز به روز از اختیارات آنان می‌کاستند؛ و شاید در نتیجه‌ی همین سلطه و عدم اعتماد بود که با اضمحلال خاموش و تدریجی وحدت و انسجام ملی از حمایت مردم و حتی غالب شهربانان خود محروم ماندند و عشق به سلطه‌ی ابدی را برای همیشه به گور بردند.

اما اسلام، از همان اولین سال‌های پس از رحلت پیامبر(ص)، با "جاهلیت عربی-مدیریت قبیله‌ای" در آمیخت و اگر انتخابی صورت می‌گرفت بر حسب سنت انتخابات عربی متوجه مسن‌ترین (شیخ) افراد قبیله‌ای خاص بود که لزوماً لایق‌تر از

بنا به ظواهر

آتروپولوژیکی<sup>(۱)</sup> در غرب

ایران، شهر شوش در ۵۵۰ سال قبل به صورت دولت‌شهری اداره می‌شده است که طبیعتاً نمی‌توانسته فاقد امور متداوله‌ی شهرداری باشد. در شرق ایران، حکومت کیانیان، قدرتی حقیقی، اما فدرال (به نظر می‌رسد) که واقعاً وجود داشته است و از تعداد زیادی دولت‌شهر تشکیل می‌شده است. حکومت مادها در غرب کشور هم طبیعتاً متشکل از دولت‌شهرها بوده است. اصولاً به این دلیل تشکیل شده است که به صورت "متمرکز" بتوانند در مقابل بربرهای آشوری از خود "دفاع" کنند و در ضمن قدرتی هم در "دیپلماسی" داشته باشند.

## شهربانان

سی "ساتراپی" داریوش، با توجه به امکانات نادر ارتباطاتی آن زمان نمی‌توانستند چیزی جز سی "شهرداری" منطقه‌ای باشند که از لحاظ سیاسی، دفاعی، و تا حدودی اقتصادی در حکومت هخامنشی متحد شده بودند. خدمات و عمران شهرها و روستاها طبیعتاً بر عهده‌ی "شاه" شهر، شهربان، کلانتر، کدخدا یا به هر عنوان دیگری بود که در یک نظام "عدم تمرکز در عین تمرکز" (بر خلاف دولت‌شهرهای یونانی که چنین وحدت و تمرکز ضروری را نداشتند) به مدیریتی در واقع دولت‌شهری و در عمل، با سلب اختیاراتی که می‌توانست در صورت استقلال در امور سیاسی، دفاعی، دارایی و بازرگانی خارجی داشته باشد، "شهردار" بود. شهردار یا شهربان (که از زمان پهلوی اول به تعبیری غلط و غیر واقعی فقط به عنوان رئیس پلیس شهر اطلاق می‌شد) هر کاری





اخره، قوانین بلدی به فصول اساسی زیر تقسیم می‌شوند:

- چگونگی اداره‌ی شهرها.
- نقش و جایگاه محتسب در اجرای مقررات و مراقبت از امور شهر و طریق داد و ستد مردم.
- کنترل تأمین مایحتاج عمومی توسط نظارت مستقیم و مداوم بر کار اصناف.
- حفظ بهداشت و کنترل وضع درمان عمومی.
- کنترل و نظارت امور آموزشی.
- نقش و جایگاه قاضی بلد در گسترش عدالت در سطح شهر، به خصوص در دعاوی.

### حوزه‌ی کلاتری

احکام شرعی اصل و اساس قوانین بلدی بودند که اجرای اکثر قریب به اتفاق آنان، بر عهده‌ی محتسب، یعنی شخصی بود که در واقع از روحانیان به شمار می‌رفت. از حدود سیصد سال قبل که به نوشته‌ی راجر سیوری<sup>(۴)</sup> روحانیان قدرت غالب در دولت صفویه شدند، نهادهایی نظیر شهرداری و شورای شهر بنیان گرفتند. یا اگر از قبل وجود داشتند پررنگ‌تر شدند. محتسب، لقب محتسب الممالک یافت که توسط یک "نقیب" یا به تعبیری نماینده‌ی بزرگان شهر معاونت می‌شد. کلاتر به تدریج جای محتسب را گرفت و به این ترتیب مدیریت شهری از موضع انتصابی به موضع انتخابی گرایش یافت.

### انتخاب شهردار: کلاتر

بنا به تذکره‌الملوک: "شغل عالیحضرت کلاتر، تعیین کدخدایان محلات و ریش سفیدان اصناف یا مشارالیه به این نحو که سکنه‌ی هر محله و هر صنف و هر قریه هر که را امین و معتمد دانند فی مابین خود تعیین و رضا نامه‌ی به اسم او نوشته‌ی مواعجی در وجه او تعیین نموده و به مهر نقیب معتبر نموده به حضور کلاتر آورده تعلیقه و خلعت از مشارالیه جهت او باز یافت می‌نمایند. بعد از آن متوجه رتق و فتق مهمات آنها می‌گردد."

### نقیب: معاون شهردار یا رئیس شورای شهر؟

"نقیب" در واقع ریش سفیدی بود که مورد اعتماد خاندان‌ها، اصناف و سایر گروه‌ها و اقشار اجتماعی قرار داشت و در موضعی نظیر موضع رئیس شورای شهر کنونی به شهردار (کلاتر) یاری می‌داد و شاید به دلیل همین معاونت باشد که برخی از اسناد جدید، نظیر دایره‌المعارف فارسی، آورده‌اند "نقیب زیر نظر کلاتر و در واقع نایب کلاتر بود". حال آن که "نایب" نیز به جای خود وجود داشت و همچنان به همین عنوان در اسناد و خاطره‌ها باقی مانده است. در هر حال نقیب به عنوان حلقه‌ی وصل مردم به شهرداری در ردیف محتسب شهر و فراتر از داروغه قرار داشته است. مقام کلاتر و نقیب، متأثر از جامعه‌ی مدنی و در هر حال "غیر دولتی"، غیر سیاسی و غیر امنیتی بوده است، چنان که کلاتر اصفهان از معدود صاحب‌منصبانی بوده است که پس از به قدرت رسیدن اشرف افغان، توسط وی ابقاء شده است.

همه نیز نبود. حال آن که مدیریت بی‌بدیل پیامبر اسلام بر یترب و شکوفایی بی‌سابقه‌ی آن در جهان چنان شده بود که نه تنها نام آن را به "مدینه‌النبی" تغییر داده بودند؛ بلکه هر شهر ساختار یافته در جهان و به ویژه در جهان عرب به کنایه به همین نام (مدینه) خوانده می‌شد. محلی که شاید در ولایت امام حسین(ع) به عنوان "شهر سالم" مورد غیظه‌ی پایتخت معاویه قرار گرفت و مزایایش تا قرن‌ها پس از آن که توسط غربی‌ها کشف شد و به رشته‌ی تحریر درآمد، از نظرها پنهان ماند. شکوفایی مدیریت مدنی به سرعت پایان گرفت و امویان باز هم چون ساسانیان راه سلطه‌ی مرکزی را برگزیدند و عباسیان که شاید بیش از این هم تحت تأثیر شیوه‌ی حکومتی ساسانیان بودند - گرچه شاهکار شهرسازی جهان در آن زمان، یعنی بغداد را به کمک ایرانیان بنا کردند - در مدیریت سلطه‌گرا و متمرکز خود، چنان بر علیه مدیریت یکپارچه‌ی شهری پیش رفتند که با انتخاب حاکم بلد، کلاتر، محتسب، مستوفی، داروغه و ... نظام شهری ایرانی - مدنی را دچار تفریق و تفرقه کردند. به همین دلایل واکنش‌هایی چون تشکیل جوامع عیاری، خانقاهی و ... را سبب شدند؛ البته پس از چندی که حکومت‌های ایرانی چون دیلمیان بر سرکار آمدند و به تعداد زیادی کانال آبیاری، قنات، بناهای شهری، و ... احداث کردند، احتمالاً منصبی چون کلاتر یا شهردار و سازمانی چون شهرداری داشته‌اند که هنوز آن چنان که باید و شاید، مورد مطالعه و تفحص قرار نگرفته است.

### کلاتری: شهرداری

نزدیک به هفتصد سال قبل، در دوره‌ی مظفریان، شیراز، کرمان، یزد، اصفهان و ... در زمره‌ی شهرهایی بودند که با مظاهر شهری خود می‌توانند خاستگاه کلاتری اسلامی یا به اصطلاح امروز شهرداری باشند و به منظور این که قبل از قانون بلدی ۱۲۸۵ چه عرف و عادت‌هایی در اداره‌ی امور شهرها وجود داشته‌اند، می‌توانند مورد مطالعه قرار بگیرند. در زمان صفویه، حدود پانصد سال قبل، کلاتر را عملاً در منصبی شبیه منصب شهرداری‌های دهه‌های اخیر می‌بینیم. به نوشته‌ی دایره‌المعارف نگاران و فرهنگ نویسان، از جمله دکتر معین: کلاتر کسی بود که نظم و نسق شهر به دست او بود؛ و کدخدایان محله را تعیین و اداره می‌کرد؛ و یا به استنادی دیگر: وظیفه‌ی کلاتر تعیین کدخدایان محلات و ریش سفیدان اصناف بود که با مشورت و موافقت مردم هر محل و افراد هر صنف معین می‌کرد ... و شاید قبل از هر چیز تابع احکام فقهی و به اصطلاح قوانین بلدی بود که از قرن‌ها قبل، به تدریج تدوین شده بودند.

### قوانین بلدی

اگر از مبادی قانونی - غربی شهرداری که تا حدود بسیار زیادی ریشه در احکام و عرف و قواعد مدیریت شرقی - اسلامی - ایرانی - شهری دارند به احکام اخیر رجوع کنیم، در کتاب‌هایی چون سیاست نامه خواجه نظام‌الملک طوسی، احیاء العلوم و کیمیای سعادت امام محمد غزالی و به ویژه آیین شهرداری ابن



که شهادت نامه را امضاء کنند. تاریخ افشاریه و به خصوص زندیه حاکی از وجود کلاتران به ویژه در مناطق جنوبی کشور، چون شیراز، و از جمله یزد است که با تأرامی های مکرر در اصفهان و اضمحلالی که در اثر جنگ های متوالی بین مدعیان سلطنت یافته بود، به صورت پر جمعیت ترین شهر ایران به حد اعلای رشد و توسعه ی خود رسیده بود.

### جمعیت شهرهای بزرگ ایران در عصر زندیه

دویست و شصت سال قبل، در ۱۱۶۱ هـ. ق. هر محله از یزد دارای یک کلاتر بوده است که همین عدم تمرکز و یکپارچگی شهری سبب ضعف امنیتی آن و تصرف شهر توسط محمد تقی خان بافقی شده است؛ البته محمد تقی خان به جای آن که چون رقبای خود کریمخان زند و محمد حسن خان قاجار به فکر کشورگشایی هر چه وسیع تر و کسب قدرت سیاسی- نظامی هر چه بیشتر باشد، متوجه اقدامات عمرانی بوده و عملاً به عمران شهر و شهرسازی پرداخته است و به این طریق وسایل محبوسیت و تحکیم حکومت خود و فرزندانش را فراهم ساخته است. در عصر وی توسعه ی شهری به حدی بوده است که طی حدود بیست و پنج سال، یزد تقریباً به دو برابر گسترش یافته است. علاوه بر وی که مجموعه ی شهری "خان" را ساخته است، ملا اسماعیل عقلایی مجموعه ی ملا اسماعیل (مشمول بر مسجد، مدرسه، بازارچه، آب انبار، سقاخانه، مقبره، احتمالاً کاروان سرائی که بعداً بنام "مشیر" شناخته شده است و...) را بنا نهاده است.

و چنانچه از محتوای کلام بیتر آوری<sup>(۶)</sup> در کتاب تاریخ معاصر ایران بر می آید در دوره ی اواخر حکومت زندیه و اوایل حکومت قاجاریه پس از اصفهان که دوباره به سوی توسعه خیز برداشته بود، یزد، قبل از شیراز و تهران، دومین شهر بزرگ ایران به شمار می رفت.

### دولت شهر دوم

حدود دویست سال قبل یزد بدون این که با حکومت مرکزی و به تعبیر کنونی "قدرت ملی" مخالفتی داشته باشد، در پی یک مدیریت شهری بر خاسته از (منتخب) مردم و بنابراین کلاتر و

### "دولت شهر" یزد

با اضمحلال قدرت صفوی، پایان کار حکام اعزامی پادشاهان این سلسله به شهرها، و تضعیف روحانیان در حکومت های افشاریه و زندیه، کلاترها که به نوعی منتخب مردم به شمار می رفته اند، قدرتی بیش از پیش یافته، در برخی از نقاط و شاید در غالب شهرهای ایران به ایجاد ساختاری "دولت شهر" گونه پرداخته اند که شاید اولین آنها شهر یزد باشد.

دفاع پنج ساله ی شهر یزد در مقابل افغان ها از زمستان ۱۱۰۰ هجری شمسی، آن هم در دوره ای که شاه سلطان حسین صفوی تلویحاً امر به تسلیم حکام ایالتی و ولایتی خود داده بود، شاید دلیلی بر اتحاد و انسجام مردم در مقابل مهاجمان افغان، تشکیل یک شورای شهر و رهبری آن توسط خواه یک نفر روحانی و خواه متنفذ دیگری باشد که عملاً و آگاهانه به تشکیل یک دولت شهر در حدود ۳۰۰ سال قبل از این پرداخته و در نقش شهردار ظاهر شده است. اگر چنین اتحاد و انسجام و مشارکت و بنابراین نهادی چون "شورای شهر" وجود نداشت تاریخ از اعدام دسته جمعی بزرگان شهر پس از تصرف آن توسط افغان ها (۲۰۵) سال قبل از تنبیه و اعدام برخی از بزرگان و اعضای شورای شهر تبریز) خبر نمی داد و تقریباً مسلم است که چنین شهری که بنا به شواهد و قراین، دومین شهر بزرگ حکومت صفوی، پس از اصفهان بود، نمی توانست فاقد کلاتر و به جای خود سازمانی نظیر شهر داری باشد. کلاتری که منتخب جامعه ی مدنی بود و به همین اعتبار توانسته بود تمام مردم شهر را بر علیه دشمن ملی بسیج کند و فاتح پایتخت را به شدت به وحشت اندازد. لارنس لاکهارت<sup>(۷)</sup> در بخش ابتدای حمله ی افغانه به ایران می نویسد: "وقتی شایع شد که محمود از تصرف یزد چشم پوشیده و عازم اصفهان است، وحشت و اضطراب بالا گرفت." و در وقایع بعد از آن می نویسد: "محمود می دانست که تا وقتی شهر یزد را تصرف نکند، مهمات جدید و سربازان تازه نفس او از خطر مصون نخواهد ماند."

شهادت نامه مرگ شاه سلطان حسین نشان می دهد که در آن زمان به جای سران سپاه، کلاتران و کدخدایان اعتباری اساسی یافته بودند و به جای امرای لشکر و حکام، از آنان خواسته شده بود

جمعیت شهرهای بزرگ ایران در عصر زندیه

یزد:	۵۰۰۰۰ نفر	قزوین:	۱۵۰۰۰ نفر
شیراز:	۴۵۰۰۰ نفر	مراغه:	۱۵۰۰۰ نفر
اصفهان:	۴۰۰۰۰ نفر	شوشتر:	۱۵۰۰۰ نفر
تبریز:	۲۰۰۰۰ نفر	خوی و سلماس:	۱۵۰۰۰ نفر
کرمان:	۳۰۰۰۰ نفر	ارومیه:	۱۲۰۰۰ نفر
کرمانشاه:	۳۰۰۰۰ نفر	رشت:	۱۲۰۰۰ نفر
همدان:	۲۵۰۰۰ نفر	لار:	۱۲۰۰۰ نفر
تهران:	۲۰۰۰۰ نفر	بجنورد:	۱۲۰۰۰ نفر
کاشان:	۲۰۰۰۰ نفر	زنجان:	۱۰۰۰۰ نفر

منبع: غلامرضا وهرام، تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عصر زند. ص ۱۱۰ (به نقل از بعضی منابع اروپایی)

پانویس:

۱- آنتروپولوژی Anthropology به تعبیر کنونی آن در جهان پیشرفته صنعتی، با زندگی اقتصادی- اجتماعی- فرهنگی انسان سروکار دارد و از این رو "انسان شناسی" ترجمه می شود. برخی از مطالعات آنتروپولوژیکی Anthropologie یا انسان شناسی برای بازسازی مبادی و مراحلی که ساختار زندگی امروز را فراهم آورده است به جای "تاریخ" که از ابتدای مراحل عصر مورد مطالعه و پیش برساند کنی شروع می کند از آخرین مرحله و نظر بر افراد کنونی



شروع کرده و به کتک اسفند تاریخی، اقوال تاریخی (تاریخ شفاهی)، آثار معماری و شهرسازی، سایر مظاهر باستان‌شناختی و شواهد و فراین موجود به گذشته رفت و برگشت می‌کنند و به سیر تطور و بنابراین فلسفه وجودی مظاهر کنونی زندگی یک مردم یا یک جملعه پی می‌برند.

روش‌های مطالعاتی مقالات حاضر در خصوص بررسی شوراها و شهرداری‌ها، تقریباً همیشه منکر بر روش انسان‌شناختی مذکور (با مدجوبی از سایر روش‌های تحقیق کیفی) برای بازسازی مفاهیم و مبانی مدیریت بومی و سنتی، اما با اهداف شهرسازی-اقتصادی-اجتماعی و به‌طور کلی آمایش شهری و تخصصی تا نایل به مدیریت متوازن و منطبق می‌باشد که طبیعتاً می‌بایست به مسائلی پدیدایشی مربوطه بپیوندد.

۲- واژهی Politeuma از دو بخش Polite به معنی مرکز اناری مدیریت، یا دولت محلی و Umi به معنی آبی است که مجموعه معنی همان دولت‌شهر یا مسالمتاً آئین محلی است. نیل نگه کنید به: القرد فن کوشید، تاریخ ایران از زمان اسکندر تا انقلاب اسلامی تهران انتشارات علمی.

۳- Epitaph عنوانی است که به بلندپایگان یونانی گفته می‌شد که برخی از انجمن‌های یونانی را از ارامی کردند و فلک‌های ازین نوع در انجمن نیز منسوب می‌شده و به بیان پاسنگر می‌روند.

- 4-Roger Savery
- 5-Laurence Lockhart
- 6-Peter Avery



همیشگی سلاطین وقت سبب دخالت سلطان، ایجاد بحران، درگیری، نزاع، جنگ و کشت و کشتار و نهایتاً برقراری خفقان به جای ادامه‌ی توسعه شده است. این قانون توالی "فضای باز"، "اختناق"، و "خدمت"، "خیانت" را می‌توان از گذشته‌ی غالب شهرهای ایران بیرون کشید.

به طور کلی، یزد از این لحاظ شهری منحصر به فرد نیست، بلکه در مجموعه‌های استقراری، یکی از شهرهای کشور وسیع، باستانی و اسلامی ایران است که از قرن‌ها قبل شهرداری (کلاتر) و حتی گاهی، مجامعی نظیر "شورای شهر" کنونی داشته‌اند؛ و طبیعتاً نهادهایی مدنی مبتنی بر اسلام - یا اگر آن طور که شاید و باید سایر اصول ملی را نیز به شمار آوریم - نهادهایی ایرانی و حاصل تجربیاتی که از هزاران سال قبل حاصل شده بود و به جای خود نیز بدون تعصب، تفرعن، خود محوری، و خود بزرگ بینی یا خود پسندی‌هایی که از بزرگ‌ترین آفات رشد و توسعه محسوب می‌شوند (و همچنان که مثلاً در دوره‌ی حکومت سلوکیان و اشکانیان و به ویژه صدر اسلام و تشعشع مدینه‌النبی می‌بینیم) از عناصر مثبت و مترقی خارجی و خارج از عناصر ناسازگار آنها استفاده می‌برد و به این طریق بود که نه تنها فرهنگ و تمدنی باز و آزاد و شرقی داشت بلکه غالباً در رده‌ی بزرگ‌ترین قدرتهای عرصه‌ی مدیریت، خدمت، آبادانی و توسعه جلوه می‌کرد.

اما هر بار که گرفتار تفرعن سلاطینی بی‌خبر و خود کامه چون ناصرالدین شاه و حتی تعصباتی قومی - قبیله‌ای، چون در زمان شاه سلطان حسین می‌شد نه تنها به عصیان اجتماعی می‌رسید بلکه با رویکرد، صحیح یا غلط، به خارج از کشور "مقر" (گریزگاه) می‌جست که عصیان سال‌های ۱۲۸۵ - ۱۲۶۰ هـ ش دومین بخش از این مطالعه است.

بخش سوم نیز طبیعتاً به مطالعه داده - ستانده شهرداری دوره‌ی مشروطیت و عبرتی است که از آن گرفته می‌شود.

کلاتری بوده است و به همین منظور روحانیان و مردم شهر هم صدا شده و عبدالرضا خان را به پادشاه پیشنهاد کرده‌اند. چرا که مدیریت عبدالرضا خان بر شهر به معنی ادامه‌ی راه محمدتقی خان و بنابراین استمرار خدمات و عمران شهری بود که مردم در دولت‌شهرهای قبلی تجربه کرده بودند. پذیرش مدیریت عبدالرضا خان بر شهر یزد نه تنها حاکی از نوعی مدیریت شورایی، بلکه از آنجا که روحانیان در صف اول متقاضیان مدیریت وی بودند مصداقی از مردم سالاری دینی - شهری در آن زمان بود؛ اگر چه مدیریت عبدالرضا خان نهایتاً نتایج مطلوب به بار نیاورد و در واقع تحت نفوذ سیاسی حکمران قاجار به اهداف آرمانی خود نرسید.

### دولت‌شهر سوم

یک‌صد و شصت سال قبل، محمد پسر عبدالله که خصلت عیاری - لوطی‌گری داشت، دوستعلی خان، حاکم قاجار را از شهر بیرون کرد و چون فاقد حکم حکومتی از مرکز و سپاهیانی منظم بود تا بتواند حاکم شناخته شود، عملاً به کلاتری شهر مشغول شد و به تدریج تقریباً تمام مردم یزد وی را منتخب خود دانستند. ناصرالدین شاه پس از استقرار در کاخ پادشاهی، رئیس نوکران خاص خود فرماندهی گارد سلطنتی بنام حاجی بیژن را به حکومت یزد منصوب کرد و وی که محمد عبدالله را مورد اعتماد مردم می‌دید، در مدیریت بر شهر یزد با خود شریک کرد. اما راهبرد تمامیت‌طلبی و سلطه‌ی ناصرالدین شاهی چنین وضعی را تحمل نمی‌کرد. بنابراین محمد حسن خان سردار ابروانی را به حکومت یزد فرستاد و در سال ۱۲۶۵ هـ. ق. محمد عبدالله که از حمایت‌های مردمی غرّه و عاصی شده بود به ادعای حکومت به مبارزه پرداخت که راه به جایی نبرد. یزد نه تنها در طول سلطنت ناصرالدین شاه قاجار در سلطه‌ی حکام بیگانه از لحاظ فرهنگ منطقه، اختناق، قید و بندهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، از جمله مالیات‌های بسیار گزاف (که معلوم نبود به کجا منتقل و به چه منظوری هزینه می‌شوند) بود بلکه با از دست دادن ابتکارات محلی خاص خود در این شرایط، چنان روز به روز تنزل می‌کرد یا لااقل از نرخ رشد و توسعه‌ی آن کاسته می‌شد که در اواخر حکومت قاجار به زحمت بین پنج شهر بزرگ کشور جا می‌گرفت و در اوایل دهه‌ی ۱۳۴۰، بنا به مطالعه‌ی این پژوهشگر در آن زمان و بنا به شاخص‌هایی که از آمار رسمی کشور استخراج شده بودند و در پی پرداخت بهای گزاف مردم سالاری‌های گاه به گاه خود، تا رده‌ی حدوداً پانزدهم تنزل یافته بود.

### مظاهر شورا - شهرداری تحت سلطه

در هر مرتبه، تاریخ یزد (اعم از تاریخ مکتوب یا تاریخ شفاهی و مقوله‌ی آنتروپولوژیکی) نشان می‌دهد که مردم با یکدیگر مشارکت و بنابراین شور و شورا کرده و یک نفر را تنها به منظور انجام خدمات و عمران شهر انتخاب می‌کرده‌اند (آن هم قبل از انقلاب کبیر فرانسه، و سومین مرتبه درست در آستانه‌ی انقلاب ۱۳۴۸ در آن کشور)؛ اما سلطه جویی بی‌پایان و تمامیت‌طلبی

### منابع

- ۱- غلامرضا جوانی، مدیریت در ایران باستان، تهران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰
- ۲- راجع سیوری، ایران، عصر صفوی، برگردان کاسینو، تیریز، ویرایش دوم چاپ هشتم، تهران نشر مرکز، ۱۳۷۸
- ۳- راجع سیوری، در باب صفویان، برگردان علی روح‌الهی، تهران نشر مرکز، ۱۳۸۰
- ۴- محمد ابراهیم باستانی، ولایت، سیاست و اقتصاد عصر صفوی، چاپ دوم تهران انتشارات صفی، ۱۳۷۵
- ۵- راجع برین نظام ایلات در نوره صفویه، ترجمه کیگرس جفانداری، تهران نشر گنجینه و نشر کتب، ۱۳۳۸
- ۶- لایسنس لاکورت، انقراض سلسله صفویه، ترجمه اسفندیار دولت‌شاهی، تهران نشر کتاب انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰
- ۷- دکتر ولیم فلور، اشرف افغان بر تاشکند، اسفندیار ترجمه دکتر ابوالقاسم سری، تهران انتشارات توس، ۱۳۴۷
- ۸- دکتر غلامرضا وروان، تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عصر زند، تهران مؤسسه انتشارات معین، ۱۳۶۸
- ۹- پینار لوری، تاریخ معاصر ایران از تأسیس تا انقلاب سلسله قاجاریه، ترجمه محمد رفیعی مهر آبادی، تهران عطایی، ۱۳۶۸
- ۱۰- محمد بن احمد قرشی، امین شهرداری، ترجمه جعفر شعل، تهران شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۴۷
- ۱۱- جعفر بن محمد بن حسن جعفری، تاریخ یزد، تهران بنگاه ترجمه نشر کتب، تهران، ۱۳۳۸
- ۱۲- احمد بن حسین بن علی کاتب، تاریخ جمید یزد، تهران انتشارات فرهنگ ایران زمین، ۱۳۵۷
- ۱۳- منوچهر نواری، آداب امور شهر، تهران بی‌جا، ۱۳۴۴
- ۱۴- محمد تقی لسان الملک، مظهر ناسخ التواریخ، تهران انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷



محمد حسن شریقیان  
کارشناس ارشد علوم اجتماعی

## بررسی فرایند اجتماعی شدن در زندگی شهری

جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن شهروندان بسیار اهمیت دارد و بررسی رابطه‌ی قدرت با فضای شهری از زمینه‌های مهمی است که می‌توان در برنامه‌ریزی‌های مدیریت شهری به آن توجه کرد.

از بعد دیگر شهر دارای فرهنگی خاص است که روابط انسانی خاصی بر آن حاکم است. این روابط متقابل انسانی - از نظر رشد و ارتقای فرهنگ شهروندی - زمینه‌ی تمایز این فضا و سبک زندگی آن را از سایر سبک‌های زندگی به وجود می‌آورد.

بر این اساس در تعریفی عام باید "شهر را زیستگاهی دانست که انسان ساخته و در زیر یک قدرت سیاسی مشخص، تمرکز جمعیتی نسبتاً پایداری را درون خود جای می‌دهد، فضاهایی ویژه براساس تخصص‌های حرفه‌ای به وجود می‌آورد، تفکیکی کما بیش مشخص و فزاینده میان بافت‌های مسکونی و بافت‌های کاری ایجاد می‌کند و فرهنگی خاص را به مثابه حاصلی از روابط درونی خویش پدید می‌آورد که درون خود خرده فرهنگ‌های بی‌شمار را حمل می‌کند." (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۹).

در دهه‌های اخیر مدیریت شهرداری‌ها بر این پدیده‌ی فرهنگی و اجتماعی توجه زیادی کرده‌اند و با تشکیل حوزه‌ی فرهنگی و اجتماعی در ساختار سیستمی خود تمهیدات و برنامه‌های خاصی برای ارتقای فرهنگ شهروندی در نظر گرفته‌اند. در این حوزه نحوه‌ی اجتماعی شدن و یادگیری اجتماعی شیوه‌ی زندگی شهروندی از اصول مهم و اساسی ساختار نظام توسعه‌ی شهری است که باید به ارتقای فرهنگ شهری کمک کند و در هر منطقه‌ی شهری با توجه به ساختار فضای فرهنگی و اجتماعی آن، برنامه‌های آموزشی خاصی در نهادینه کردن فرهنگ شهروندی انجام دهد.

بعد از

انقلاب صنعتی شکل

جدید شهرنشینی در میان

جوامع رواج یافت. این پدیده‌ی اجتماعی

از سازمان یافتگی خاصی برخوردار است که در

انطباق با فضا، مولفه‌های جدیدی را به وجود آورده و این مولفه‌ها همراه با فرهنگ جدید، فضای متفاوتی نسبت به سایر فضاها ایجاد کرده است.

در شهر و فضای شهری، نوع زیستگاه یا سکونت با شیوه‌ی زندگی روستایی و عشایری متفاوت است و فرهنگ خاص خود را برای آموزش می‌طلبد. متولیان نهادهای شهری باید در زمینه‌ی فرهنگ شهرنشینی به ارزش‌ها، هنجارها و اخلاق اجتماعی تاکید کنند که فرهنگ فضای شهری را از نظر سکونت از سایر فضاهای زندگی متمایز می‌کند. از دیگر مولفه‌های این فضا نوع معیشت یا اقتصاد شهری است که تاکید بر فضای بازار و تجارت و شکل‌گیری خدمات و صنعت در آن بیشتر است. در این فضا با رشد تقسیم کار اجتماعی و شکل‌گیری اصناف مختلف در فضای شهری می‌توان در جهت اجتماعی شدن و جامعه‌پذیری فرهنگ اقتصاد و مدیریت شهری، برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی خاصی انجام داد.

شهر به عنوان یک فضای سیاسی دارای فرهنگ سیاسی متمایزی از سایر فضاهاست. در این فضا رشد و ارتقای فرهنگ مشارکت سیاسی و اجتماعی در زمینه‌ی توسعه‌ی شهری به عنوان ویژگی مهم در شکل‌گیری





### طرح مسئله

اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری از فرایندهای اساسی شکل‌گیری هر جامعه‌ای است که در تثبیت نظام اجتماعی و ساختار فرهنگ یک جامعه‌ی شهری بسیار مهم است. این فرایند در هر جامعه‌ای به شکل‌گیری هویت فرهنگی خاصی منجر شده، و با شکل‌گیری این هویت می‌توان این جامعه را از سایر جوامع (روستایی و عشایری) جدا کرد.

از بعد دیگر، اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری در هویت بخشی به فرهنگ شهرنشینی بسیار مهم است، و این فضا را از سایر فضاهای زندگی متمایز می‌کند. چنین فرایندی از طریق کنش متقابل انسانی، پایداری روابط دو سویه میان شهروندان و آموزش ضوابط زندگی شهری به تثبیت کردن هویت اجتماعی شهر به عنوان پدیده و فضای خاص کمک‌شایانی کرده است. به عبارتی اجتماعی شدن "فرآیندی است که بر پایه آن مجموعه‌ی حیات و فعالیت‌های انسانی در شبکه‌ی وابستگی‌های متقابل اجتماعی جای می‌یابند. پدیده اجتماعی شدن از تعداد بسیاری از عوامل نظیر تجمع وسیع انسان‌ها، مقتضیات فنی، عقلانی شدن حیات و تقبل پاسخگویی به نیازهای روز افزون جمعی توسط مسئولان دولتی منشأ می‌گیرد." (بیرو، ۱۳۷۵: ۱۳۶۳).

این فرایند در شهر شامل تمام فعالیت‌هایی است که انسان‌ها روزمره برای ادامه‌ی حیات با یکدیگر به صورت متقابل باید انجام دهند. شهر فضایی است که انسان‌ها به صورت گروهی کنار هم زندگی می‌کنند و احتیاج به یک رشته از ضوابط عام دارند که باید در طی زندگی روزمره در ادامه‌ی حیات خود آنها را رعایت کنند. این ضوابط عام که منجر به شکل‌گیری هویت فرهنگی خاص می‌شود، باید طبق برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی به شهروندان آموزش داده شود.

از بعد انسان‌شناختی، شهر یک واقعیت انسانی است که فرهنگ خاص در آن به وجود می‌آید. این فرهنگ از طریق درونی شدن و نهادینه ساختن ارزش‌ها و هنجارهای خاص، از سایر شیوه‌های زندگی جدا می‌شود. در این ساختار انسانی، افراد جامعه باید به انتقال و اجتماعی شدن هنجارها و ارزش‌های متناسب با شیوه‌ی زندگی شهری بپردازند و آن را نسل به نسل به صورت مستقیم و غیرمستقیم به شکلی صحیح انتقال دهند.

فرهنگ به عنوان یک واقعیت اجتماعی و انسانی همراه با دستاوردهای مادی و معنوی در شهر به وجود می‌آید. در این فضا الگوهای رفتاری خاص برای ارتباط متقابل میان اعضای جامعه رواج دارد که افراد جامعه‌ی شهری باید آن الگوها را کسب کنند و به صورت نهادینه شده در ساختار شیوه‌ی زندگی خود به کار ببرند. این بعد از ویژگی انسان بیانگر اهمیت رفتارهای اکتسابی در انسان است که زندگی او را از سایر موجودات جدا می‌کند و این عامل جزو پدیده‌های جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن می‌باشد. انسان‌ها با آموختن رفتارهای اکتسابی در جامعه، نیازهای خود را حل می‌کنند. شهر جایگاهی است برای آموختن این رفتارها که در طی زمان در ساختار فرهنگی شهرنشینان تفاوت می‌کند.

**در دهه‌های اخیر مدیریت شهرداری‌ها بر این پدیده‌ی فرهنگی و اجتماعی توجه زیادی کرده‌اند و با تشکیل حوزه‌ی فرهنگی و اجتماعی در ساختار سیستمی خود تمهیدات و برنامه‌های خاصی برای ارتقای فرهنگ شهروندی در نظر گرفته‌اند**

مجریان‌اداری شهر در هر زمان و موقعیت خاص باید به آموزش این رفتارهای اکتسابی بپردازند و از طریق شیوه‌ها و ابزارهای مختلف، این رفتارها را به افراد آموزش دهند. محتوای این الگوهای رفتاری همان ارزش‌ها، هنجارها، قواعد و ضوابط اخلاق اجتماعی شهری است که به شکل‌گیری هویت فرهنگی خاص در هر شهر انجامیده است. متولیان فرهنگی شهرداری در طی برنامه‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت باید در جهت تقویت رفتارهای اکتسابی شهر فعالیت‌هایی را به صورت مستقیم و غیرمستقیم پایه‌ریزی کنند. در این زمینه برخی سؤالات به شرح زیر مطرح می‌شود:

- اجتماعی شدن در شهر چه جایگاهی داشته است؟
- نقش هنجارهای اجتماعی در ساخت شهری چه بوده است؟
- ارزش‌های اجتماعی در شهر به چه مسائلی در شهر پرداخته است؟

### نقش اجتماعی شدن در شهر

انسان موجودی اجتماعی است که در طول فرایند



زندگی خود از طریق کنش دوسویه‌ی با انسان‌ها و نهادهای اجتماعی به کسب شیوه‌ی زندگی کردن با دیگران در جامعه پرداخته، این فرایند را اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری گویند. منظور از اجتماعی شدن کیفیتی است که در نتیجه‌ی آن آدمی شیوه‌های زندگی در جامعه خود را یاد می‌گیرد و شخصیتی را کسب می‌کند و آمادگی آن را می‌یابد تا به عنوان عضو اسمی جامعه شناخته گردد\* (قنادان و همکاران، ۱۳۷۵: ۹۳).

در این فرایند انسان به کسب شیوه‌ی زندگی متناسب با فرهنگ آن جامعه پرداخته که همان عادات و آداب و شیوه گذران حیات زندگی فرد در جامعه را شامل شده است. این نحوه‌ی اکتسابی شدن با توجه به هرگونه ساختار فرهنگی و اجتماعی متفاوت است و افراد یک جامعه به صورت فردی و جمعی، شیوه‌ی زندگی خاصی را برای ادامه‌ی حیات و گذران زندگی انتخاب می‌کنند. سبک زندگی در واقع آن روش‌هایی است که افراد برای گذران امور متفاوت زندگی به صورت شخصی و جمعی - با توجه به موقعیت‌ها و نقش‌هایی که از نظر فرهنگی و اجتماعی در زندگی ایفا می‌کنند - در طول زندگی کسب کرده‌اند.

### از بعد جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی شهری، اجتماعی شدن و فرهنگ‌پذیری باید به صورت همه جانبه حیات زندگی شهروندان را دربرگیرد و هدف از آن، کسب آگاهی‌ها و الگوهای متنوع زندگی شهری باشد

شهر به عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی و زیستگاه فرهنگی، فضای خاصی از زندگی اجتماعی انسان را به خود اختصاص داده. نهادهای شهری در جهت سبک زندگی خاص متناسب با روحیات و ساختار اجتماعی فضای شهری به صورت ارتباط متقابل و کنش فرهنگی همراه با مشارکت اجتماعی شهروندان فرایندهای جامعه‌پذیری و اجتماعی شدن را آموزش می‌دهند. این گونه یادگیری اجتماعی به نوعی انطباق یافتن شهروندان با ارزش‌ها و هنجارهای یک جامعه‌ی شهری است که متولیان نهادهای فرهنگی و اجتماعی شهرداری باید آموزش اجتماعی و گسترش ارزش‌ها و هنجارهای متناسب با زندگی شهری را در قالب خدمات رفاهی، فراغتی، آموزشی و اجتماعی ارائه دهند. اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری شهروندان نباید تنها یک بعدی باشد، بلکه باید با توجه به همه‌ی ابعاد زندگی اجتماعی صورت گیرد. به عنوان نمونه خدمات فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد در ابعاد فرهنگی بیشتر معطوف به ارائه‌ی فعالیت‌های دینی شده و سایر ابعاد به تناسب ارائه نشده است.

از دیدگاه مدیران وقت، مشهد به دلیل بارگاه حضرت رضاع) به عنوان کلانشهر مذهبی جهان اسلام بیشتر احتیاج به توسعه‌ی ارتقای فرهنگ دینی داشته، در صورتی که در این شهر، زندگی شهروندان در سایر ابعاد زندگی شهری، دچار مسائل و معضلات اجتماعی است؛ و سایر جنبه‌های فرهنگ شهری در مشهد با توجه به پتانسیل فرهنگی و اجتماعی قوی نسبت به سایر کلانشهرهای ایران بسیار ضعیف است و اجتماعی شدن شهروندان بیشتر بعد سیاسی و مذهبی به خود گرفته است، مدیران و اعضای شورای شهر بیشتر با رویکرد سیاسی و دینی به ارتقای فرهنگ شهروندی پرداخته‌اند، در حالی که برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی علاوه بر این ابعاد به وجوه دیگر نیز باید بپردازد.

از بعد جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی شهری، اجتماعی شدن و فرهنگ‌پذیری باید به صورت همه جانبه حیات زندگی شهروندان را دربرگیرد و هدف از آن، کسب آگاهی‌ها و الگوهای متنوع زندگی شهری باشد. اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری شهری، باید با توجه به شناخت نیازهای اجتماعی و فرهنگی هر منطقه شهری صورت گیرد. باید با ارائه‌ی شناخت منطقی از نیازمندی‌های هر منطقه‌ی شهری و متناسب با سطح فرهنگی و اجتماعی شهروندان، یکسری از آموزش‌های اجتماعی را به طور خاص و یکسری از الگوهای یادگیری اجتماعی را به طور عام تعلیم داده و سپس به صورت کنش دوسویه و پیوسته در طی سال ترویج دهند.

اهداف اساسی جامعه‌پذیری در شهر این است که نهادهای فرهنگی باید شهروندان را برای کسب مهارت‌های ضروری زندگی آماده کنند. نهادهای اجتماعی و فرهنگی مدیریت شهرداری از طریق این جامعه‌پذیری باید به صورت مؤثر بتوانند با دیگران ارتباط برقرار کنند. این ارتباط متقابل همان کسب توانایی‌های لازم یا همان آموزش‌های اجتماعی است، تا از طریق اجتماعی شدن افراد بتوانند نیازهای خود را به شیوه‌های قابل قبول حل کنند. همچنین نهادهای شهری باید در جهت نهادینه کردن و متمرکز ساختن ارزش‌ها و اعتقادات اساسی، برای زندگی کردن در یک شهر تلاش کنند.

به صورت کلی می‌توان اهداف جامعه‌پذیری شهری را به شرح زیر بیان کرد:

- ۱- یکی از مقاصد جامعه‌پذیری شهری آموزش قواعد و نظام‌های اساسی - از آداب و عادات و رفتار روزمره گرفته تا روش‌های علمی - به افراد است.
- ۲- فراگرد جامعه‌پذیری به همان میزان که عادات و رفتار فرد را مطابق هنجارهای اجتماعی، تحت نظم و انضباط در می‌آورد، به او امید و آرزو می‌دهد.
- ۳- فراگرد جامعه‌پذیری شهری از طریق برآورده



ساختن آرزوها، امیدها و... فردی (یا ممانعت از دستیابی به آنها) برای فرد هویت می‌آفریند.

۴- فرایند جامعه‌پذیری شهری نقش‌های اجتماعی و نگرش‌ها، انتظار و گرایش‌های مربوط به نقش شهروندان را به افراد جامعه می‌آموزد.

۵- هدف دیگر فرایند جامعه‌پذیری شهری آموختن مهارت‌ها است. نهادهای فرهنگی و اجتماعی مدیریت شهری با مشارکت سایر نهادهای آموزشی وظیفه اجتماعی کردن شهروندان را برای نظم و حل معضلات شهری برعهده دارند (علاقه‌بند، ۱۳۷۵: ۷۶).

در ساخت چنین فرایندی یک رشته‌از عوامل می‌توانند به نهادهای شهری در جهت گسترش اجتماعی شدن شهروندان کمک کنند. در زیر به شرح این عوامل می‌پردازیم:

۱- **خانواده:** خانواده به عنوان هسته اصلی هر جامعه‌ای نقش مؤثری در فرایند اجتماعی شدن شهری دارد. یک رشته از آموزش‌ها و مهارت‌های اجتماعی برای خانواده‌ها خصوصاً زنان و کودکان انعکاس مؤثری در تقویت گسترش فرهنگ شهری دارد. بر این اساس نهادهای فرهنگی و اجتماعی شهر با سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی اجتماعی و فرهنگی برای آموزش‌های لازم به خانواده (به ویژه زنان) در جهت نظم و رعایت فرهنگ شهری و استفاده از الگوهای رفتاری مناسب می‌توانند به تأثیر این نهاد در توسعه فرهنگی شهروندی کمک کنند.

۲- **مدرسه:** "در جوامع پیشرفته، مسئولیت اجتماعی شدن، به سازمان‌های رسمی مانند مدرسه واگذار شده است. در واقع مدرسه نخستین دستگاهی است که مسئولیت انتقال دانش‌ها و معارف انباشته شده به فرد را برعهده دارد. مدرسه به عنوان عامل اجتماعی ساختن بر اساس قواعدی که انتظار می‌رود هر فرد از آن تبعیت کند، سازمان یافته است." (کوئن، ۱۳۱۱: ۱۱۱).

۳- **رسانه‌های گروهی:** ارتباط مؤثر مدیریت شهرداری با رسانه‌های گروهی، در آموزش و کسب مهارت‌های فرهنگ شهروندی و در گسترش هنجارهای اجتماعی شهر و انعکاس فرهنگ شهری از زمینه‌های مؤثر اجتماعی شدن شهری می‌تواند تلقی شود.

۴- **مسجد:** مسجد به عنوان پایگاه اجتماعی در اسلام، نقش مؤثری در شکل‌گیری فرهنگ شهروندی می‌تواند داشته باشد. شهرداری با مشارکت این پایگاه‌های شهری در زمینه‌ی گسترش فرهنگ کتاب و کتابخوانی، آموزش‌های توسعه‌ی فرهنگ شهری و محله، برگزاری جلسات و کارگروه‌های اجتماعی، حل معضلات و مشکلات محله و منطقه و... می‌تواند در بهینه‌سازی، بهبود و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی شهری مؤثر واقع شود.

۵- **مؤسسات فرهنگی:** این مؤسسات در سطح شهر، با مشارکت و نظارت حوزه‌ی فرهنگی و اجتماعی، در زمینه‌ی ارتقای فرهنگ شهری با ارائه‌ی برنامه‌های دینی، ورزشی، اجتماعی، فرهنگی و هنری می‌توانند شهروندان را برای کسب یادگیری زندگی شهری آماده کنند و حتی با ارائه‌ی خدمات اجتماعی در شهر چون گذران اوقات فراغت، کانون‌های مشاوره‌ای و... به حل معضلات و مشکلات شهری و تقویت فرهنگ شهری بپردازند.

۶- **فضاهای ورزشی:** از دیگر عوامل ساخت فرایند اجتماعی شدن در شهر، خصوصاً در جهت تقویت و تشویق گسترش ورزش همگانی و پر کردن اوقات فراغت، فضاهای ورزشی می‌باشند که با همکاری کارگردانان ورزش همگانی شهر، خدمات مناسبی برای بهبود فرهنگ شهری می‌توانند ارائه دهند. به طور کلی

### اولین فرایند زندگی اجتماعی شهروندان، داشتن روابط دوسویه اجتماعی است

جامعه‌پذیری فرایندی است در جهت کسب شیوه‌های زندگی که فرد را به منظور برآورده ساختن امیدها و آرزوها و آموختن نقش‌ها و نگرش‌ها و انتظارات با هنجارهای مرسوم در یک جامعه تطبیق می‌دهد؛ این فرایند آموزشی با همکاری مهم‌ترین عوامل اجتماعی شدن چون خانواده، مدرسه و رسانه‌های جمعی و... دستیابی آسانتری خواهد داشت. به عبارتی، جامعه‌پذیری یا اجتماعی شدن در شهر، فرایندی است که ارزش‌ها و هنجارهای شیوه‌ی زندگی شهری را به شهروندان با توجه به خصوصیات و ویژگی‌های هر محله و منطقه‌ی شهری آموزش می‌دهد.

#### نقش هنجارهای<sup>(۱)</sup> اجتماعی در شهر

بخشی از فرایندهای شیوه‌ی زندگی یا کسب الگوی جامعه‌پذیری در شهر آموزش هنجارهای اجتماعی است. اولین فرایند زندگی اجتماعی شهروندان، داشتن روابط دوسویه اجتماعی است؛ این کنش باید نظام‌مند و قاعده‌مند باشد؛ چنین قاعده‌مندی بر رفتارهای اجتماعی شهروندان تأثیر می‌گذارد. هنگامی که این نظم بر رفتار شهرنشینان نهادینه شده باشد، دشواریها و مشکلات شهرنشینی از بعد فرهنگی و اجتماعی و... کمتر خواهد بود. زندگی شهری دارای رفتارهای "باید و نباید" خاص خود است که تمام افراد یک شهر باید آن را به صورت ضوابط رفتاری در شهر رعایت کنند. البته این



الگوها از سوی دستگاه‌های اجرایی شهر به شهروندان آموزش داده می‌شوند.

"هنجار یک قاعده رفتاری است که مشخص می‌کند مردم در شرایط معینی چگونه رفتاری باید داشته باشند. فایده این استاندارد رفتاری آن است که به تمامی الگوهای روابط متقابل اجتماعی و شیوه‌های انجام امور کمک می‌کند. هنجارها از این بابت بر ارزش‌ها و گرایشهای اجتماعی اثر می‌گذارند که تجویز کننده و در عین حال نهی کننده رفتارها هستند. هر فرهنگ، پاره فرهنگ و یا گروه دارای هنجارهایی است. قوانین، طرز لباس

قواعد و ضوابط اجتماعی آموشد، حل دشواریها و نابهنجاری‌های شهری، آشنایی با بیماری‌های جسمی و پزشکی در شهر و جلوگیری از عوارض آن و ... را آموزش دهد. این گونه فعالیت‌ها و الگوهای رفتاری از شاخص‌های اصلی خدمات فرهنگی و اجتماعی مدیریت شهرداری‌ها می‌باشد. باید به دنبال گسترش و بهبود عاداتها و سنت‌های فرهنگی و اجتماعی زندگی شهری بود. باید برای کارکرد هنجارهای شهری نظم را به عنوان الگوی حیاتی زندگی شهری در میان رفتار شهروندان نهادینه کرده و با برگزاری آموزش‌های مستقیم و

**برخی از هنجارها از راه مذهب، قوه مقننه و یا دولت‌ها به وجود می‌آیند و بسیاری از هنجارهای مهم زندگی ما نیز از عادات و سنت‌ها ناشی می‌شوند و در ردیف شیوه‌های سنتی و تکراری انجام امور روزمره قرار می‌گیرند**

پوشیدن، مقررات اداری، برنامه تحصیلی، قواعد ورزش‌ها و بازی‌ها، همه گونه‌هایی از هنجارهای اجتماعی هستند. نکته‌ای که اهمیت دارد آن است که بدانیم هنجارهای اجتماعی چگونه ایجاد می‌شوند. برخی از هنجارها از راه مذهب، قوه مقننه و یا دولت‌ها به وجود می‌آیند و بسیاری از هنجارهای مهم زندگی ما نیز از عادات و سنت‌ها ناشی می‌شوند و در ردیف شیوه‌های سنتی و تکراری انجام امور روزمره قرار می‌گیرند. آنچه از نظر هنجارها، اهمیت دارد فشار اجتماعی ناشی از اشخاصی است که با یکدیگر ارتباط دوسویه اجتماعی دارند. اشخاص درباره چیزهایی داوری می‌کنند و این قضاوت‌ها را به دیگران نیز منتقل می‌کنند." (محسنی، ۱۳۷۸: ۲۷۹).

غیرمستقیم با همکاری سایر مؤسسات و مراکز و نهادهای شهری این قاعده‌ی رفتار اجتماعی را در شهر اجرا کند.

برای نمونه رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی در شهر و آموزش الگوی صحیح فرهنگ رانندگی در شهر که یکی از معضلات و مسائل نابسامانی شهری است، باید در ذهن شهروندان نهادینه شود و این فعالیت احتیاج به پیوستگی و استمرار بیشتری دارد تا به نوعی شهروندان، اجتماعی شدن ثانویه را کسب کنند. یکی از کارکردهای اساسی هنجارهای اجتماعی شهر نظم اجتماعی است. "هنجارها برای زندگی جمعی و نظم اجتماعی الزامی است و اگر در شبکه وسیع روابط اجتماعی، هنجارها رعایت نشوند، زندگی اجتماعی مختل و جامعه عملاً فلج می‌شود. در آن صورت "روابط اجتماعی" که هدفش برآورد بهتر نیازهاست تأثیری وارونه می‌گذارد و هر جا که انسان وارد شبکه‌ی روابط اجتماعی شود باید انتظار داشته باشد که این روابط در واقع مانع دستیابی او به هدفش خواهند شد." (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۱۸۷).

**قوانین، هنجارهایی هستند که توسط نهادهای دولتی برقرار می‌شوند و به علت ضمانت اجرایی دارای مشروعیت قانونی می‌باشند**

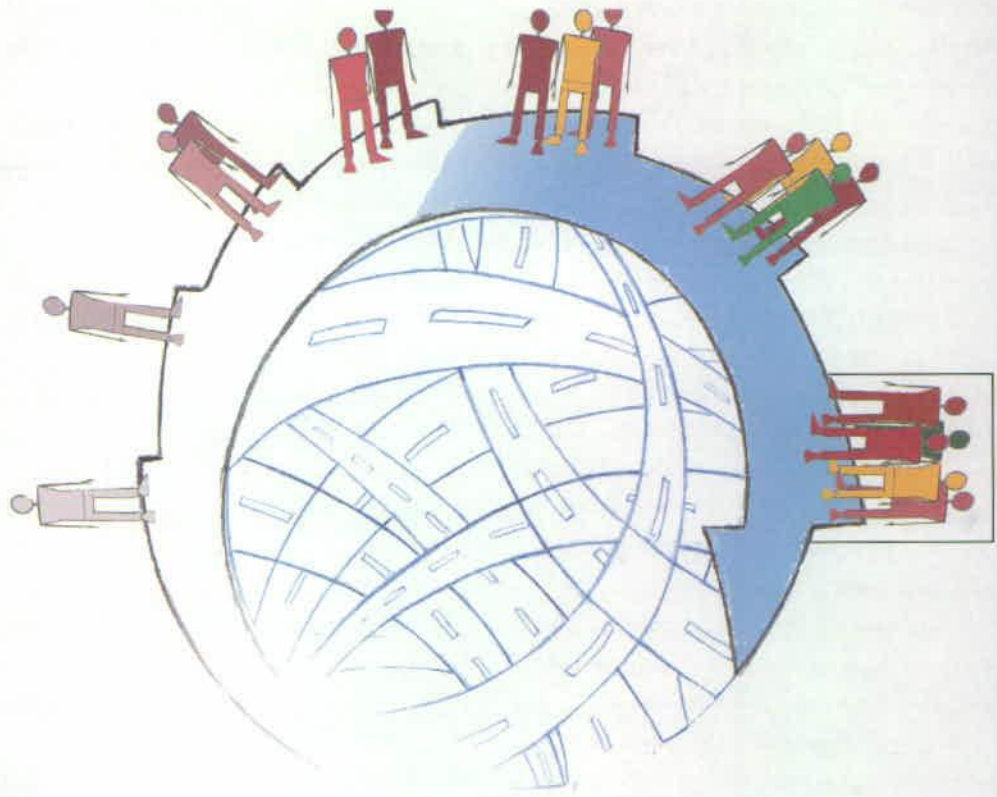
حوزه‌ی اجتماعی و فرهنگی شهرداری می‌تواند از طریق الگوهای رفتار فرهنگی و اجتماعی آموزش‌هایی را به شهروندان ارائه دهد و سودمندی‌ها و کاربردهای این الگوها را برای مردم بازگو کرده و از این طریق به بقای شهر و پایداری الگوهای روابط متقابل میان شهروندان و نهادهای شهری برای حل مشکلات کمک کند. شهرداری در فضاهای اجتماعی، فرهنگی، ورزشی، خانه‌های فرهنگ، فرهنگسراها و ... می‌تواند قوانین فرهنگی و اجتماعی مطلوب یک شهر، کسب مهارت‌های زندگی شهری، اثرات اجتماعی و فرهنگی ورزش و بازی‌های ورزشی، شیوه‌ی زندگی در آپارتمان، رعایت

باید شهروندان را - در اجرای این فرایند - به صورت اجبار اجتماعی ملزم به رعایت قوانین کنند، تا ناهنجاری در شهر گسترش پیدا نکند. این ضوابط و قواعد به صورت مستمر از طریق آموزش، تبلیغات، اطلاع‌رسانی و ... باید انجام شود.

از بعد دیگر یکی از کارکردهای اجتماعی هنجارها الزامی بودن آنهاست؛ این ملزم بودن در برقراری روابط اجتماعی عنصر بسیار مهمی است. افراد جامعه‌ی شهری باید در برقراری رابطه‌ی اجتماعی یک رشته از ضوابط و قواعد را در قالب "بایدها و نبایدها" رعایت کنند.

امروزه یکی از معضلات و مشکلات شهری نبود قواعد منطقی برای روابط همسایگی در زندگی آپارتمان نشینی





را دارند و معمولاً مجازات برای آن مطرح نشده است. به عنوان مثال اطعام اقشار محروم جامعه‌ی شهری از شیوه‌های مرسوم در جامعه اسلامی است که در فرهنگ شهری باقیمانده است و مدیران شهرداری در جهت نهادینه کردن چنین شیوه‌ی اسلامی اقدام به انجام الگوهای رفتاری آن در قالب برپایی سفره‌های علوی کرده‌اند.

۲- دسته‌ی دیگری از هنجارها، رسوم اجتماعی هستند که برای اداره‌ی شهر امری ضروری است و جزو شاخص‌های رفاه جامعه‌ی شهری محسوب شده و تخلف از آن برای نابودی حیات انسانی جرم به حساب می‌آید. برای نمونه نابودی فضای سبز، عدم رعایت حریم اجتماعی شهروندان، عدم آرامش و امنیت اجتماعی آنان و ... از هنجارهای اجتماعی شهر می‌باشد که در جهت جلوگیری و اجرای صحیح آن نهادهای فرهنگی و اجتماعی باید تلاش کنند.

۳- قوانین، هنجارهایی هستند که توسط نهادهای دولتی برقرار می‌شوند و به علت ضمانت اجرایی دارای مشروعیت قانونی می‌باشند. قوانین با رسوم اجتماعی توافق ندارند پس تخلف از آنها معمولاً زیاد است. در مواردی که قوانین در چارچوب رسوم اجتماعی رشد می‌کنند، احترام نسبت به آنها زیاد می‌شود. نهادهای شهری برای اجرای نظم در شهر یک رشته از قوانین را باید آموزش دهند که از طریق رعایت کردن آنها تخلفات

است. نهاد شهرداری در راستای اجرای الگوهای "باید و نباید رفتار همسایگی" در زندگی آپارتمان‌نشینی باید شهروندان را آموزش دهد و ملزم به یادگیری اجتماعی اجرای این الگوها کند. همچنین باید شهروندان را در جهت رعایت حقوق شهروندی و آیین زندگی شهری که در شهر نسبت به یکدیگر و سایر نهادها دارند، آشنا سازد. هنجارها در نهادهای شهری وسیله‌ای هستند برای تنظیم روابط اجتماعی میان شهروندان با یکدیگر و با سایر نهادها که از طریق رعایت آن بهتر می‌توان به برآوردن نیازها پرداخت. هنگامی که این وسایل در جهت شکوفایی و ارتقای فرهنگ شهری باشند، کارکرد سودمندی هنجارهای اجتماعی را در شهر بیان خواهند کرد.

براساس چنین کارکردهایی باید شهروندان را برای همشکل کردن و پیروی کردن یکسان از یک رشته الگوهای رفتاری مناسب در قالب آموزش، تبلیغ، اطلاع‌رسانی، ترویج و ... به صورت مداوم و مستمر آشنا کرد.

مدیران فرهنگی و اجتماعی شهرداری با توجه به تنوع هنجارهای اجتماعی باید به آموزش و ترویج سه دسته از هنجارهای اجتماعی در شهر بپردازند:

۱- دسته‌ای از عادت‌ها و روش‌ها به صورت سنتی برای انجام کارها وجود دارند که شیوه‌های مطلوب رفتار و کردار در جامعه می‌باشند. افراد جامعه تمایل به انجام آن



شهری و معضلات شهری کمتر می شود.

هنجارهای اجتماعی در شهر همان الگوهای رفتاری "بایدها و نبایدهاست" که به صورت قوانین، شیوه‌های قومی و رسوم اجتماعی از راه آموزش و یادگیری اجتماعی مستمر و پیوسته نهادینه شده در جهت برقراری نظم و حل دشواریها و مشکلات شهری از سوی نهادهای اجتماعی مدیریت شهرداری اجرا می شود.

### نقش ارزش‌های اجتماعی در شهر

ارزش‌های اجتماعی از اساسی‌ترین عناصر یک نظام اجتماعی می‌باشند که از طریق نظارت و هدایت آنها می‌توان جامعه را تعالی بخشید.

ارزش‌ها یک فرایند ارزیابی و امتیازبندی هستند. براساس پایه‌ی ارزیابی خودمان پدیده‌های اطرافمان را ارزیابی می‌کنیم و رفتارمان را نسبت به آنها تنظیم می‌کنیم. براین اساس واژه‌ی جهت‌گیری ارزشی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. مدیریت شهرداری باید برای پیشبرد حرکت نظم اجتماعی در جامعه‌ی شهری به امتیازبندی و اولویت‌بندی پدیده‌های اجتماعی بپردازد و بر بعد مثبت فرایندهای زندگی شهری تأکید کند؛ براساس چنین ارزیابی و امتیازبندی یک سلسله نظام ارزشی به صورت به هم پیوسته در شهر گسترش می‌یابد. از طریق چنین اولویت و درجه‌بندی، نیازهای زندگی شهری را باید شناخت و آنهایی را که از اهمیت فراوانی برخوردار می‌باشند، در رأس قرار داد. ترویج و آموزش کتاب و کتابخوانی، رعایت قوانین شهری، رعایت احترام

این عوامل بپردازد - مانند: آرامش، امنیت، نظم، اخلاق اجتماعی و ... معیارهایی که برای ارزیابی ارزش‌ها وجود دارد و به فرهنگ کلی و جامعه معنا می‌دهد عبارتست از: "ارزش‌ها میان مردم مشترک‌اند و شمار کثیری از افراد درباره‌ی اهمیت آنها به توافق رسیده‌اند (وفاق اجتماعی).

- ارزش‌ها به قضاوت شخصی افراد بستگی ندارند.  
- ارزش‌ها با عواطف همراهند، اشخاص برای صیانت ارزش‌ها مبارزه می‌کنند و برای حفظ ارزش‌های والا از بذل و جان دریغ نمی‌ورزند.

- و سرانجام چون ارزش‌ها به وفاق میان اشخاص کثیری پذیرفته شده‌اند می‌توان آنها را مفهوم‌سازی کرد - یعنی از اشیای گوناگون ارزیابی شده انتزاع کرد. (نیک گهر، ۱۳۷۵: ۲۸۱).

کاربدستان شهرداری باید به دنبال ترویج و گسترش ارزش‌های مشترک میان شهروندان باشند - یعنی وفاق اجتماعی برای انجام و رعایت آنها را به وجود آورند. البته این معیارها در شهر با قضاوت جمعی روبرو است. از بعد دیگر این رعایت و احترام به این معیارهای اجتماعی باید همراه با بعد عاطفی باشد تا تمام شهروندان برای حمایت و صیانت و رسیدن به آنها از هیچ چیز دریغ نورزند، و این معیارها را به صورت اجتماعی و فرهنگی مفهوم‌سازی کنند.

کاربدستان حوزه‌ی فرهنگ در شهرداری برای گسترش (تقویت باورهای دینی، تکریم و احترام به حقوق شهروندان و ...) می‌توانند معیارهای ارزیابی ارزش

### هنجارهای اجتماعی در شهر همان الگوهای رفتاری "بایدها و نبایدهاست" که به صورت قوانین، شیوه‌های قومی و رسوم اجتماعی از راه آموزش و یادگیری اجتماعی مستمر و پیوسته نهادینه شده در جهت برقراری نظم و حل دشواریها و مشکلات شهری از سوی نهادهای اجتماعی مدیریت شهرداری اجرا می شود

اجتماعی جامعه را به صورت مفهوم‌سازی و عینی، آموزش داده و اجرا کنند و به صورت رفتار ارزشی در بهبود فرهنگ شهری نهادینه سازند.

در مجموع ارزش‌های اجتماعی به صورت آموزش و نظارت دقیق همراه با ارائه‌ی تصویر و درک درستی از واقعیت جزو عناصر اساسی یک نظام اجتماعی در شهر است. کار بدستان حوزه‌ی فرهنگ شهری خصوصاً مدیران و برنامه‌ریزان مدیریت شهرداری باید با ارائه‌ی یک فرایند ارزیابی و طبقه‌بندی شده، شماری از رفتارهای اجتماعی مشترک که به صورت عینی و ملموس با بعد عاطفی و احساسی و قضاوت جمعی همراه باشد، در بین شهروندان ترویج دهند.

### نتیجه‌گیری

فرایند اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری در شهر کسب

به حقوق یکدیگر در شهر، شیوه‌ی برخورد و برهمکنش با یکدیگر، نحوه‌ی استفاده از سرمایه‌های عمومی در شهر، استفاده‌ی بهینه از فضای شهری، اهمیت زیباسازی مبلمان شهری و ... جزو نیازهای اجتماعی و فرهنگی است که در شکل‌گیری نظام ارزشی شهر و گسترش آن اهمیت زیادی دارد.

رعایت و احترام به هنجارها و پیروی از آنها می‌تواند از مهم‌ترین ویژگی‌های نظام ارزشی یک جامعه‌ی شهری باشد. نهادهای اجرایی مدیریت شهرداری باید آن دسته از هنجارهای قابل احترام و ارزش را حفظ و جزو نظام ارزش‌های اجتماعی زندگی شهری قرار دهند.

در یک جامعه‌ی شهری برخی پدیده‌ها جزو سازه‌های اساسی نظام ارزش‌های اجتماعی هستند که در حوزه‌ی فرهنگی و اجتماعی باید بر روی آن تأکید کرد و مدیریت شهرداری باید به ترویج و آموزش شهروندان برای کسب



همچنین مطالب خواندنی و جالب درباره‌ی حل دشواریها و مشکلات شهری می‌توانند نقش بسزایی در اجتماعی شدن شهروندان داشته باشند.

از دیگر نهادهای اساسی که در فرهنگ پذیری و اجتماعی شدن شهروندان می‌تواند تأثیر بگذارد، مساجد می‌باشند. مسجد به عنوان پایگاه اجتماعی و فرهنگی در هر محله‌ای می‌تواند کارکرد مؤثری در حل مشکلات، معضلات و آموزش‌های شهروندی داشته باشد. از دیگر نهادهای اساسی در اجتماعی شدن شهروندان مؤسسه‌های فرهنگی در سطح شهر می‌باشند که با وجود داشتن کارکردهایی مختلف با همکاری حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی شهرداری در گسترش جامعه‌پذیری شهری نقش خوبی می‌توانند ارائه دهند.

کاربدستان با توجه به بُعد اجتماعی شدن باید به قاعده‌ی رفتاری و الگوهای روابط متقابل میان شهروندان در قالب آموزش هنجارهای اجتماعی توجه کنند. این الگوها به صورت تجویز شده به طور مستقیم و غیرمستقیم می‌توانند ارائه شوند و به حل معضلات و بهبود فرهنگ شهری کمک کنند. به عنوان مثال ارائه‌ی الگوهای "باید و نباید ترافیک و فرهنگ صحیح رانندگی شهری" می‌تواند در نهادینه کردن الگوهای رفتار شهری در ذهن شهروندان کمک شایانی به فراگیری نظم شهری کنند.

این الگوهای رفتاری به صورت عادات و روش‌های سنتی و اسلامی که مطلوب جامعه است باید در کنار تقویت رسوم اجتماعی که در شهر رعایت آن ضروری است، ارائه شوند. قوانین شهری هم که بعد دیگر همین الگوهای رفتاری می‌باشند، می‌توانند به صورت مداوم و مستمر در نهادینه کردن و آموزش شهروندان مؤثر باشند.

ارزش‌های اجتماعی در شهر به صورت مطلوب به عنوان عنصر نظام اجتماعی شهر در نظارت و هدایت شهروندان و سودهی آنان به سمت زندگی متعالی، کارکرد مؤثری دارند. این عناصر از طریق ارزشیابی، امتیازبندی و طبقه‌بندی شده به صورت مثبت و درست باید ترویج شوند. آموزش کتاب و کتابخوانی، احترام به رعایت حقوق شهروندی، رعایت قوانین شهری، نحوه‌ی برخورد و برهمکنش با یکدیگر، تکریم شهروندان، توجه به زیباسازی مبلمان شهری، استفاده‌ی بهینه از فضاهای سبز و ... جزو نظام ارزشی شهر می‌باشند. متولیان مربوطه باید با توجه به منابع و معیارهای ارزشی جامعه چون کمیابی، نیازهای اساسی و نظام هنجاری، ارزش‌های مشترک میان شهروندان را ترویج دهند و به نوعی وفاق اجتماعی و صیانت و احترام به آنها را به صورت مفهوم‌سازی و عینیت یافته همراه با عواطف و قضاوت جمعی گسترش دهند.

الگوهای شیوه‌ی زندگی آن شهر می‌باشد. متولیان با ارتقای فرهنگ شهرنشینی می‌توانند الگوهای مناسب رفتاری و یادگیری اجتماعی شهروندان را تقویت کنند. چنین فرایندی باید با توجه به شناخت نیازهای اساسی هر منطقه و محله باشد.

فرایند جامعه‌پذیری در شهر تمام فعالیت‌های روزمره زندگی شهرنشینان را دربرمی‌گیرد. در این فضا افراد با یکدیگر ارتباط دوسویه دارند و از طریق ارائه‌ی خدمات فرهنگی و اجتماعی و حل نیازهای یکدیگر به این فضا معنای واقعی می‌بخشند؛ پس حوزه‌ی فرهنگی و اجتماعی شهرداری باید به صورت مستقیم و غیرمستقیم در جهت توسعه‌ی تکامل فرهنگ به ارائه‌ی هویت فرهنگی خاص در شهر بپردازد.

از بُعد دیگر، اجتماعی شدن کیفیتی است که در نتیجه‌ی آن تمام افراد جامعه باید شیوه‌ی زندگی شهری را یاد گیرند و آمادگی آن را بیابند تا به عنوان شهروند رسمی جامعه شناخته شوند. این سبک همان عادات، آداب و رسوم، شیوه‌ی گذران حیات زندگی در شهر است که به صورت الگوهای اکتسابی رفتار باید به شهروندان از سوی دستگاه‌های اجرایی شهر آموزش داده شود. می‌تواند به تدریج به گسترش کسب مهارت‌های ضروری زندگی در بین شهروندان بپردازد و از طریق ارتباط مؤثر و متقابل این الگوها را آموزش دهد؛ این آموزش باید با توجه به ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی یک جامعه به صورت پیوسته و مستمر در جهت کسب توانایی‌های لازم ارائه شود.

در ساخت چنین فرایندهایی خانواده به عنوان هسته مرکزی جامعه‌ی شهری که نقش بسزایی در تربیت افراد برای همسازی با شیوه‌ی زندگی رایج در شهر دارد، می‌تواند انعکاس مؤثری در ترویج ارتقای فرهنگ شهروندی داشته باشد. کاربدستان حوزه‌ی فرهنگی و اجتماعی شهر می‌توانند با ارائه‌ی برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی برای خانواده‌ها به ویژه بانوان، کودکان، نوجوانان، جوانان و سالمندان، در جهت گسترش اجتماعی شدن حرکت کنند.

مدرسه به عنوان دومین نهاد اجتماعی در ترویج و بالا بردن فرهنگ شهروندی سازه‌ی مؤثری می‌باشد. شهرداری با مشارکت آموزش و پرورش در گسترش تربیت شهروندی و ارتقای درجه‌ی فرهنگ شهرنشینی نقش بسیار مؤثری می‌تواند داشته باشد. در بعد ورزش، گسترش سلامتی و بهداشت شهری، ترویج اشاعه فرهنگ دینی و ... نیز می‌توان به صورت مشارکتی میان شهرداری و آموزش و پرورش ارتباط ایجاد کرد.

رسانه‌های گروهی هم با اختصاص برنامه‌های آموزش فرهنگی و اجتماعی، ساخت سریال‌ها و فیلم‌های داستانی، ارائه‌ی پیام‌های فرهنگی و اجتماعی،

پانویس:

I-Norm

منبع:

- ۱) پیر، آ. فرهنگ علوم اجتماعی، برگردان دکتر یاقق سافوخانی، انتشارات کیهان، ۱۳۷۵.
- ۲) توسلی، غلام عباس. جامعه‌شناسی شهری، انتشارات پیمان‌نور، ۱۳۷۳.
- ۳) رفیع‌پور، فرامرز. انسان‌شناسی جامعه، نشر سهار، انتشارات، ۱۳۷۸.
- ۴) رفیع‌پور، فرامرز. انومی یا آشفتگی اجتماعی، انتشارات سروش، ۱۳۸۰.
- ۵) ساروج، نایک. جامعه‌شناسی شهری، برگردان: ابوالقاسم پوررضا، انتشارات سمت، ۱۳۸۰.
- ۶) علاقه‌بند، علی. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، نشر روان، ۱۳۷۵.
- ۷) نکویی، ناصر. انسان‌شناسی شهری، نشر نی، ۱۳۸۲.
- ۸) فکدان، طیب. توخت مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی، نشر کوای نور، ۱۳۷۵.
- ۹) کرون، بیروس. فرآیندی بر جامعه‌شناسی، برگردان غلام عباس توسلی و رضا فاضل، نشر سمت، ۱۳۸۰.
- ۱۰) کوش، بیروس. فرآیندی بر جامعه‌شناسی، برگردان: محسن ثلاثی، نشر معاصر، ۱۳۷۸.
- ۱۱) محسنی، منوچهر. مقدمات جامعه‌شناسی، نشر موران، ۱۳۷۶.
- ۱۲) نیکبهر، عبدالحمید. مبانی جامعه‌شناسی، نشر رزین، ۱۳۷۵.



## نگاهی به صد سال مدیریت شهری نوین در ایران

گفتگو با غلامرضا کاظمیان

دکتر در جغرافیا و برنامه ریزی شهری  
آرشد سرایی - کارشناس ارشد شهرسازی

درباره غلامرضا کاظمیان



متولد (۱۳۴۴) شیروان. درجه کارشناسی در برنامه ریزی اجتماعی از دانشگاه شیراز (۱۳۶۶) کارشناسی ارشد در برنامه ریزی شهری و منطقه ای دانشگاه شهید بهشتی (۱۳۷۲). دبیر سرویس علمی و پژوهشی ماهنامه‌ی شهرداریها از شماره ۱۲ (۱۳۷۹). مدیر پروژه‌ی فصلنامه مدیریت شهری از شماره ۳ (۱۳۷۹). سردبیر فصلنامه مدیریت شهری از شماره ۱۵ (۱۳۷۹). کسب درجه دکتری در جغرافیا و برنامه ریزی شهری (۱۳۸۴). مدرس دانشگاه تربیت مدرس و علامه طباطبائی. زمینه اصلی فعالیت، آموزش و پژوهش در «مدیریت شهری». از کارهایش: امکان‌سنجی و واگذاری وظایف جدید به شهرداری‌ها در ۵ جلد: کار مشترک با دکتر نوید سعیدی.

شهرها احتساییه بوده و خیلی از کارهای شهرداری در امروز را انجام می‌داده است.

در انقلاب مشروطیت و تدوین قوانین، اتفاقاتی می‌افتد که به نوعی واکنش در مقابل مسائل قبلی بود. ما همه‌ی آن تجارب درون‌زای خود را به کناری گذاشته و قوانینی را وارد می‌کنیم که برگرفته از الگوهای غربی است. اصولاً سنت مدیریت شهری و اداره‌ی شهرهای ما با سنت اداره‌ی شهرهای اروپایی، که قانون بلدییه برگرفته از آنهاست، خیلی تفاوت دارد. قوانین مدیریت شهری در اروپا قوانینی است که از پایین به بالا شکل گرفته است، یعنی اول پدیده‌ی مدیریت شهری مستقل از دولت مرکزی شکل گرفته است و بعد براساس آن انجمن شهر تشکیل شده و سپس شهردار انتخاب شده است و بعد تمام این فرایند به قانون تبدیل شده است. اما در ایران تمامی این موارد را به صورت وارونه شاهد هستیم. بدین صورت که اول قانون را می‌نویسیم، در صورتی که ما اصلاً تجربه‌ی اداره‌ی شهرها را از پایین به بالا نداریم که براساس آن مردم بخواهند انجمن شهر انتخاب کنند و انجمن شهر نیز شهردار را انتخاب کند؛ این فرایند همیشه برعکس و از بالا به پایین بوده است. پس این دو نیرو در مقابل همدیگر قرار می‌گیرند. من می‌خواهم بگویم که قانون بلدییه‌ی ما به نوعی برگرفته از قوانین غربی است اما این را نباید با هویت یا بی‌هویتی شهرها مربوط کرد. شهرهای ما همیشه هویتشان را داشتند و این ما هستیم که یک سری قانون را به آن شهرها تحمیل می‌کنیم و این امر منجر به هویت و بی‌هویتی شهرهای ما نخواهد شد.

● شما معتقدید که اگر همان روند طبیعی که قبل از مشروطه شاهد آن هستیم را با یک شکل جدید و متناسب با ساختارهای مدیریت جدید شهری ادامه می‌دادیم، امروزه شاهد وضعیت بهتری در مدیریت شهری کشور بودیم؟

○ همین طور است. البته باید توجه داشت که من نمی‌گویم باید همان روند گذشته را ادامه می‌دادیم. این موضوع ثابت شده

● همان طور که می‌دانید قانون بلدییه دومین قانونی بود که در ایران و در مجلس شورای ملی به تصویب رسید. آیا این قانون متناسب با شرایط اجتماعی و اوضاع شهرنشینی ایران آن زمان بوده است یا تنها ترجمه‌ای بوده از قوانین اروپا و آیا شهرنشینی در ایران به آن درجه از بلوغ رسیده بود که چنین قانونی در مورد آن تصویب و به اجرا درآید؟

○ در انقلاب مشروطیت ما در کلیت نظام فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شاهد یک انقطاع اساسی هستیم، که در نتیجه می‌توان دو دوره‌ی تاریخی را در نظر داشت: یکی قبل از مشروطیت و دیگری بعد از مشروطیت.

قبل از مشروطیت ما شاهد روند درون‌زای طبیعی در کشور هستیم. در انقلاب مشروطه دچار یک انقطاع می‌شویم و بعد از آن تحولات پیش رو، ادامه‌ی آن روند نیست و چیز دیگری اتفاق می‌افتد. فارغ از این که روند قبلی چه ویژگی‌های مثبت و منفی داشته است و روند جدید چه ویژگی‌هایی دارد. این انقطاع خود به عنوان یک مشکل اساسی محسوب می‌شود. همین بحث را در قانون بلدییه و حوزه‌ی مدیریت شهری نیز شاهد هستیم. به همین دلیل است که من می‌گویم، ایران به لحاظ سابقه‌ی تاریخی مدیریت شهری به سبک نوین یکی از قدیمی‌ترین‌ها در کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود، اما الان یکی از عقب افتاده‌ترین‌هاست و علت این امر را باید در همین انقطاع دانست. در نتیجه سابقه‌ی مدیریت شهری ما به هیچ وجه محدود به ۱۰۰ سال گذشته نیست بلکه قدمت اداره شهرهایمان خیلی طولانی است. به عنوان نمونه در دوره‌ی صفویه روابط و قواعد مدیریت شهری در کشور شاید از امروز هم پیشرفته‌تر باشد - البته منکر مسائل و مشکلات آن دوره هم نیستیم.

شاید بتوان گفت در دوره‌های مختلف تاریخی که حکومت‌های قوی‌تری داشته‌ایم، شاهد رونق شهرنشینی هم بوده‌ایم و در نتیجه قواعد تعریف شده‌ای هم برای اداره شهرها به وجود آمده است. به عنوان نمونه احتساییه قبل از بلدییه بنیانی بوده برای این موضوع و در واقع بروز و ظهور سازمانی اداره‌ی



ذهنمان مهم است که شهر در دست چه کسی است. بنابراین حکومت مرکزی - با وجود این که قانون وجود دارد - خیلی زود عکس‌العمل نشان می‌دهد و اجازه نمی‌دهد که قدرت در سطح محلی پا بگیرد و آن‌جا را مرکز فرماندهی و مدیریت خود، نه فقط در شهر بلکه در پیرامون شهر می‌داند پس به راحتی نمی‌خواهد که ابزار قدرتش را از دست بدهد.

● با بررسی سیر تحول تاریخی قانون بلدی، اینطور درک می‌کنیم که قانون اولیه از لحاظ وظایف و اموری که برای شهرداری‌ها پیش‌بینی کرده بود، کامل‌تر بوده و آهسته‌آهسته از دل این قانون یک رشته وظایف منفک شده و به ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی سپرده می‌شود. شما این روند یعنی تبدیل شدن مدیریت شهری واحد به مدیریت شهری غیرمتمرکز را چگونه می‌بینید؟

○ روند اینست که شما گفتید. یعنی اگر بخواهیم یک منحنی ترسیم کنیم، به لحاظ یکپارچگی و وحدت مدیریت شهری، در قانون بلدی سال ۱۲۸۶ در اوج خود بوده و بعد به تدریج سیر نزولی پیدا می‌کند و تا به امروز هم ادامه دارد. البته در این منحنی قانون‌مندی هم می‌توان پیدا کرد. در واقع با یک شیب ثابت پایین نیامده و نوساناتی در این مدت اتفاق افتاده است. این نوسانات را می‌توان با دو عامل پیوند داد: یکی قدرت اقتصادی و مالی و دیگری قدرت سیاسی دولت مرکزی. یعنی هر وقت به هر دلیلی قدرت سیاسی یا قدرت اقتصادی دولت مرکزی کم می‌شود مقداری سیستم مدیریت شهری قدرت می‌گیرد و به آنها اختیار داده می‌شود و هر وقت دولت به لحاظ قدرت مالی یا سیاسی قوی می‌شود، آن قدرت از آنها گرفته می‌شود. این قانون‌مندی در تاریخ ما وجود دارد و نشان‌دهنده همان بحثی است که الگوی مدیریت شهری ما الگوی درون‌زا نیست. به نظر می‌آید دولت هر وقت یک سری وظایف را به شهرداری‌ها واگذار کرده‌از سر جبر بوده و به صورت نهادینه نبوده است. به عنوان مثال در یک دوره‌ای دولت از لحاظ مالی دچار مشکل می‌شود و یکسری وظایف را به شهرداری‌ها واگذار می‌کند و برعکس هر موقع درآمد نفت خوب بوده است، سعی می‌کند وظایف را خودش انجام دهد. در برهمکنش بین مدیریت محلی و مدیریت مرکزی، مدیریت محلی همیشه منفعَل بوده است. علت منفعَل بودنش هم عمدتاً در این است که مردم مدیریت شهری را نه از خودشان بلکه از آن دولت می‌دانند، در نتیجه دفاعی از شهرداری نمی‌کنند. در یک دوره قبل از انقلاب شاهد هستیم که بیش از پنجاه درصد از درآمد شهرداری را دولت تأمین می‌کرده است، پس دولت این حق را به خودش می‌دهد که تعیین تکلیف هم بکند. از دهه‌ی چهل به بعد ما یک دوره اضمحلال و کنار گذاشتن شهرداری‌ها را شاهد هستیم. بدین ترتیب که هر روز یک سری از وظایف از شهرداری‌ها منفک شده و به دولت واگذار می‌شود. این وظایف نیز، عمدتاً وظایف با پرستیژ و مهم بودند و تنها وظایف خدماتی برای شهرداری‌ها باقی ماند. این نزول شأن اجتماعی شهرداری نیز زمینه را فراهم می‌کند تا وظایف بیشتری

که در دوره‌ی قاجار ما دچار اضمحلال واقعی شده بودیم. پس منظور این نیست که همان روش‌ها، نهادها و سازمان‌ها را در مدیریت شهری باید ادامه می‌دادیم. بحث این است که باید می‌دیدیم که چه ساختارهایی در کشورمان داریم و چه درس‌هایی را از کشورهای غربی می‌توانیم بگیریم و چگونه می‌توانیم این ساختارها را بر هم منطبق کنیم و به یک سطح بالاتر از مدیریت شهری برسیم. سطح بالاتری که منجر به افزایش مشارکت مردم بشود. در حقیقت باید به دنبال جواب دادن به این سؤال باشیم که با چه روش‌هایی حضور و تأثیرگذاری مردم در اداره‌ی شهرها را افزایش دهیم. اگر این کارها انجام می‌شد، آن وقت می‌توانستیم از بسیاری از بنیان‌های قدیمی خودمان استفاده کنیم و نهادی به عنوان انجمن بلدی و بلدیة را ایجاد نکنیم که بلافاصله دولت در مقابل آن موضع‌گیری کند و مردم هم آن را از خود ندانند و در نتیجه بدنه‌ی جامعه در مقابل بود و نبود آن عکس‌العمل خاصی از خود نشان ندهد.

● آیا انجمن‌های بلدی می‌توانستند پایه گذار حکومت‌های محلی در ایران شوند و سرآغازی بر این موضوع باشند؟

○ خیر، انجمن‌های بلدی با آن شکل وارداتی و در واقع به صورت اضافه شدن به یک سیستم قدیمی توانایی و پتانسیل ایجاد حکومت‌های محلی را نداشتند. برای این که کاملاً برون‌زا بودند و از بیرون تعریف و وارد شده بودند. این دولت مرکزی است که انجمن‌ها را در قالب یک قانون تعریف می‌کند و هر زمانی که بخواهد، می‌تواند آنها را بردارد. به طوری که در دوره‌ی رضاخان فقط چهار سال طول کشید که انجمن‌های بلدی برداشته شدند. پس می‌توان گفت که انجمن‌های بلدی با آن شکل و در آن دوره زمانی نمی‌توانستند پایه‌گذار حکومت‌های محلی در ایران شوند.

● در ماده‌ی ۹۳ قانون بلدیة آمده است که رئیس انجمن بلدیة، اداره‌ی بلدیة را هم برعهده داشته است. این شکل را شما چگونه می‌بینید؟ و واکنش حکومت مرکزی در مقابل این امر به چه نحوی بود؟

○ حکومت مرکزی قطعاً مخالف این امر بود و به همین دلیل هم خیلی زود این ماده عوض شد. در حقیقت می‌توان گفت بر سر انجمن‌های بلدی و بلدیة یک جنگ قدرت وجود دارد. جنگ قدرتی که یک طرف آن انگیزه‌ی بسیاری دارد برای این که آن را در اختیار خود بگیرد و در مقابل آن مردم هستند که خیلی انگیزه ندارند. در واقع حکومت مرکزی خیلی سریع می‌آید، هم فرم آن را عوض می‌کند - یعنی بحث نحوه‌ی انتخاب شهردار - و هم محتوایش را تغییر می‌دهد. به عبارتی یا رسماً خیلی از وظایف آن گرفته می‌شود و یا غیررسمی و در عمل خالی از انتفاع می‌شود. در تاریخ سیاسی و اجتماعی ما، شهرها مقرر قدرت بودند و برای حکومت خیلی مهم بود که شهرها را در اختیار داشته باشد و در ادامه حتی اگر زمینه‌های عینی هم از بین رفته باشند، اما در



از آن جدا شود و هیچ مقاومتی هم اتفاق نیفتد.

البته دولت هم دلایلی برای نشان دادن ضعف عمل شهرداری‌ها دارد که پشتوانه‌ی افکار عمومی را هم داشته باشد. ولی باید دید که ریشه‌ی این افکار از کجاست. وقتی اجازه ندادیم که شهرداری به عنوان یک نهاد محلی به صورت طبیعی رشد کند، واضح است که به راحتی دچار ضعف خواهد شد. این نقاط ضعف از ذات شهرداری و مدیریت محلی نیست بلکه ناشی از شرایطی است که ایجاد شده است.

● از سال ۱۳۸۶ تاکنون ما شاهد صدسال قانونگذاری در امر مدیریت شهری در کشور هستیم. شما این روند قانونگذاری صد ساله را به چه شکل می بینید و آیا این فراز و نشیب‌ها به نفع مدیریت شهری ما بوده یا خیر؟  
○ قانونگذاری و نوشتن قانون باید برآیند نیروها و نیازهای اجتماعی باشد. اگر این اتفاق بیفتد امکان اجرای قانون و انطباق قانون با خواسته‌ها و نیازهای آن جامعه خیلی راحت‌تر صورت می‌گیرد و پذیرش همگانی وجود دارد. این امر در حوزه‌ی قانونگذاری مدیریت شهری ما اتفاق نیفتاده است. بدین شکل که یا ما قانون را از جای دیگری الگوبرداری می‌کنیم و یا نه، خیلی دیر به فکر قانون نویسی می‌افتیم. بدین شکل که ما ابتدا اجازه می‌دهیم پدیده‌ها و جریان‌های شهری شکل بگیرند و بعد وقتی که دچار مشکل و بحران شدیم، می‌خواهیم قانون بنویسیم که این امر هم ناشی از برآیند نیروهای اجتماعی نیست، بلکه واکنشی است در مقابل مشکلات و بحران‌های پیش آمده و واکنشی است که در واقع سیستم دولتی انجام می‌دهد نه سیستم اجتماعی.

اگر به این صد سال نگاه کنیم، می‌بینیم که این گونه قانون گذاری برآیند نیروهای خاصی است که بیشتر متمایل به دولت مرکزی هستند تا کلیت جامعه‌ی شهری ما و در واقع می‌خواهد مسائل سیستم رسمی را حل کند تا مسائل شهری را. شاید به خاطر همین است که حقوق شهری در ایران یکی از ضعیف‌ترین شاخه‌های حقوق به شمار می‌آید و نیروی متخصص حقوق شهری خیلی کم و انگشت شمار است. بین حقوق دانان و شهرسازها یک ارتباط و هم‌زمانی وجود ندارد، به همین دلیل ما الان قانون‌هایی را می‌نویسیم که نه تنها منطبق با نیازهای شهرنشینی ما نیستند بلکه ضد آن هستند.

بنابراین اگر بخواهیم در این چارچوب ارزیابی کنیم، طبیعی است که ارزیابی مثبتی در رابطه با تحولات قانون شهرداری نخواهیم داشت. چون قانون شهرداری ما براساس حل مسائل شهری و شهرنشینی تدوین نشده است.

● به نظر شما با توجه به قوانین موجود، مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهرها امکان‌پذیر است؟

○ همه‌ی این بحث‌هایی که انجام شد، به مفهوم نفی تجارب صد ساله‌ی ما نباید باشد. حتی اگر ما خیلی موفق نبودیم، این عدم موفقیت و شکست، خود تجربه‌ی است و آموزه‌هایی را به دنبال

خواهد داشت. همین بحث‌هایی که الان می‌شود در صد سال پیش وجود نداشت و الان باعث وجود خود آگاهی در این زمینه شده است. اگر از این تجارب به درستی استفاده شود، می‌توان به سوی بهبود مدیریت شهری و جلب مشارکت پیش رفت. به شرطی که ما مشارکت را درست تعریف، طبقه‌بندی و سطح‌بندی کرده و همه جانبه کار کنیم. من اعتقاد جدی دارم که علی‌رغم همه‌ی ضعف‌ها و خلاءهای قانونی، ظرفیت‌های قانونی ما خیلی بیشتر از آن چیزی است که استفاده می‌کنیم، چون ظرفیت‌های بلا استفاده هم زیاد داریم. اکنون در نقطه‌ی صفر نیستیم. اگر الان را با پانزده سال پیش مقایسه کنیم، مشاهده می‌شود که خیلی پیشرفت کرده‌ایم.

● همان‌طور که می‌دانید امروزه تئوری حکمروایی خوب شهری در دنیا مطرح شده و نهادهای بین‌المللی هم روی آن تأکید دارند. ما چگونه می‌توانیم این تئوری را درون‌زا کنیم و از این تئوری برای بهبود ساختار مدیریت شهری مان استفاده کنیم؟

○ اگر این تئوری را به عنوان یک آرمان در نظر بگیریم، به صورت صفر و یک نیست، یا با این الگو انطباق داریم یا نداریم. در نظام حکمروایی خوب شهری چهار کنشگر اصلی باید در مدیریت شهری نقش پیدا کنند - یعنی مردم، بخش عمومی، بخش خصوصی و بخش دولتی. حال باید دید که در کشور ما و حتی در شهر مورد مطالعه‌ی ما، نظام انگیزشی، علایق و منافع هر کدام از این چهار کنشگر چگونه شکل گرفته است و چگونه می‌توان از این نظام‌های فکری و ذهنی استفاده کرد، مشارکت آنها را جلب کرده و اینها به جای واگرایی، همگرا شوند. یعنی باید دید که به چه دلیل بخش مردمی و شهروندی ما مشارکت می‌کند یا نمی‌کند و با چه انگیزه‌ای؟ این انگیزه مبتنی بر کدام سیستم انگیزشی است؟ و راجع به کدام منفعت و عدم منفعت است؟ چرا بخش خصوصی ما در مقابل منافع عمومی و شهری قرار می‌گیرد؟ در واقع باید رفتارشناسی کنشگران را داشته باشیم. اگر رفتارشناسی را داشته باشیم، در واقع اولین گام را برداشته‌ایم و صورت مسئله را تدوین کرده‌ایم و بعد می‌توانیم تحلیل کنیم که چگونه می‌توان این چهار کنشگر را با یکدیگر همگرا کرد و این امر اولین شرط حکمروایی خوب شهری است. این سطح، سطح میانی است. در سطح کلان و ساختاری هم باید دید که چه موانع و بتانسیل‌هایی برای نزدیک شدن به حکمروایی شهری وجود دارد. سطح سوم هم یک سطح انفرادی است که به تک‌تک آحاد جامعه باز می‌گردد. بنده فکر می‌کنم که باید حرکت کرد و با منتظر ماندن هیچ اتفاقی نخواهد افتاد. اگر کوچک‌ترین گامی برای رسیدن به حکمروایی خوب شهری برداریم، این امر خود یک نهادسازی است. اما نکته‌ی قابل توجه اینست که ما تشخیص دهیم در هر شهری، کدامیک از اینها می‌توانند مؤثرتر باشند و به عنوان بخش پیشرو به حساب آیند.

در این مورد نمی‌توان یک الگو برای کل کشور تجویز کرد. ممکن است در یک شهر کار کردن بر روی سازمان‌های مدیریت



تجربه‌ای است که در ماده‌ی ۱۳۶ قانون برنامه‌ی سوم، شاهدش بودیم. با این که در کلیت برنامه‌ی سوم این امر به تصویب رسیده بود اما وقتی به یک سازمان خاص و به یک وظیفه خاص می‌رسیدیم، مقاومت وجود داشت. طرف دوم، سیستم مدیریت شهری است که در نوک پیکان آن شهرداری و شورای شهر قرار دارد و یک بخش پشتیبان هم به عنوان مردم و بخش عمومی دارد. حال باید دید که این طرف دوم مایل به گرفتن این وظایف هست یا خیر؟ به عبارتی آیا مدیریت شهری ما اولاً تمایل دارد که وظایف جدید را برعهده بگیرد، ثانیاً آیا اعتماد به نفس لازم را دارد و ثالثاً مهارت‌های لازم برای انجام امور جدید را دارا هست یا خیر؟

به نظر من مدیریت شهری در کشور ما به دلیل نداشتن اعتماد به نفس لازم و همچنین مهارت‌های مورد نیاز در بسیاری از موارد تمایلی برای در اختیار گرفتن وظایف جدید ندارد. ما باید نگران این باشیم که اگر به هر شکلی این وظایف به سیستم مدیریت شهری ما واگذار شود و نتواند به خوبی از عهده‌ی آن برآید، ضربه‌ی بزرگی به آن وارد می‌شود. به نظر من این امر، طبیعی است که دولت مرکزی نخواهد وظایفی را واگذار کند، اما این موضوع طبیعی نیست که مدیریت شهری ما تمایلی به دریافت وظایف جدید ندارد.

نتیجه می‌گیریم که اگر تمایل و خواست واقعی وجود داشت، ممکن بود خیلی سریع‌تر یک بخش عمده از وظایف به مدیریت شهری واگذار شود. در اینجا نقش مردم بسیار حساس است و مردم باید از شهرداری‌ها این امر را بخواهند.

● به عنوان سخن پایانی، اگر موضوعی را برای جمع‌بندی بحث لازم می‌دانید، بیان بفرمایید.

○ درست است که ما سابقه‌ی طولانی در مدیریت شهری داریم و خیلی هم در مدیریت شهری موفق نبوده‌ایم، اما فکرمی‌کنم در حال حاضر مجموعه‌ی شرایط در کشور ما به گونه‌ای است که اگر کمی فرصت‌شناس باشیم، زمینه‌ی مناسبی فراهم است تا یک مدیریت شهری با گرایش بیشتر به سطح محلی داشته باشیم. به نظر من در حال حاضر شرایط و انگیزه‌های اجتماعی وجود دارد و اگر از فرصت‌ها استفاده کنیم، با توجه به سابقه‌ی ۱۰۰ ساله و با پشتوانه‌ی این تجربه، می‌توانیم یک بنیان محکم بگذاریم. منتهی تفاوت سال ۱۳۸۶ با ۱۲۸۶ در این است که امروزه درون‌زاتر است.

در این میان نقش کارشناسان، سازمان‌ها و نهادهای محلی در این تعریف می‌شود که آیا برای نیروهای اجتماعی مانع ایجاد می‌کنیم و یا به نقش تسهیل‌گری می‌پردازیم. نباید انتظار داشت که این امر یک ساله و دو ساله و در کوتاه مدت حل شود، قطعاً در این دوره‌ی گذار نواقص زیادی به وجود می‌آید، اما همیشه باید توجه داشت که موفقیت را نسبت به چه چیز مقایسه می‌کنیم؛ نسبت به آرمان‌ها و مطلوب‌ها و یا نسبت به میانگین واقعیت‌های جامعه.

● با سپاس از جنابعالی برای شرکت در این گفت‌وگو.

شهری جواب دهد و در شهر دیگر کارکردن بر روی نهادهای مؤثرتر باشد، به طور کلی اعتقاد دارم که مردم جلوتر از سازمان‌ها هستند و پتانسیل آنها بیشتر است. در بسیاری از موارد سازمان‌ها نه تنها تسهیل‌گر نیستند بلکه ایجاد مانع می‌کنند. تصور من این است که باید این دیدگاه را تصحیح کنیم که ما آمادگی فرهنگی لازم را نداریم بلکه شاید آمادگی سازمانی نداریم. به عبارت دیگر بیشتر از آن که مردم ما مشارکت جو نباشند، مدیران ما مشارکت‌پذیر نیستند. طبیعی است که وقتی مدیران مشارکت‌پذیر نیستند با نوع مشارکت‌جویی که مردم دارند، هیچگاه منطبق نمی‌شوند و می‌گویند که مردم مشارکت نمی‌کنند. چون مدیران هستند که به مشارکت مردم نیاز دارند و ما نباید برعکس نگاه کنیم. مردم انگیزه‌های خودشان را دارند و اگر به انگیزه و نیازهایشان پاسخ داده شود، مشارکت می‌کنند. پس اگر مشارکت نمی‌کنند، یک گرفتاری و مانع وجود دارد.

● در سه دوره‌ی اخیر انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا مشاهده می‌شود که -به ویژه در دوره‌ی اخیر- مشارکت سیاسی مردم بسیار خوب و گسترده است، ولی وقتی که مدیران شهر انتخاب می‌شوند، هر دو گروه، یکدیگر را فراموش کرده و تا دوره‌ی بعدی انتخابات، شاهد گونه‌های دیگر مشارکت نیستیم. شما این امر را چگونه می‌بینید؟

○ به نظر من با این که سطح مشارکت‌جویی مردم در ایران کم است، از سطح مشارکت‌پذیری مدیران بالاتر است. مشارکت را باید در طبقات مختلف سطح‌بندی کرد و انواع آن را مشخص کرد. ما معمولاً روی مشارکت خیلی کلی صحبت می‌کنیم و دیگر این که مثل بسیاری از مفاهیم، از مشارکت استفاده ابزاری کرده‌ایم و این باعث شده که به نوعی بحث مشارکت به ضد خودش تبدیل شود. همین طبقه‌بندی نکردن و بعد استفاده ابزاری کردن باعث شده است که موضوع را جدی نگیریم. جلب مشارکت در ایران کار سختی است و باید مواظب باشیم که سطح مشارکت را پایین‌تر از وضع موجود نیاوریم. موضوع دیگر این که نباید نردبان مشارکت را فراموش کنیم، باید از تجارب خیلی ساده‌ی مشارکت شروع کنیم تا به سطوح بالاتر مشارکت برسیم.

● موضوع مدیریت واحد و یکپارچه‌ی شهری در کشور ما سرانجام به کجا می‌انجامد؟ آیا باید دیدگاه دولت نسبت به بحث حاکمیت خود عوض شود و یا این که امر دیگری باید اتفاق بیفتد؟

○ مدیریت واحد یا به عبارت درست‌تر مدیریت یکپارچه‌ی شهری، به این مفهوم است که بخشی از منابع و ابزار قدرت را از دست یک مجموعه‌ی سازمانی بگیریم و به دست مجموعه‌ی سازمانی دیگر بسپاریم. به عبارت دیگر از سازمان مرکزی بگیریم و به سازمان‌های محلی بسپاریم. طبیعی است که دولت مرکزی به این فرآیند تمایل نداشته باشد و حتی اگر کلیت دولت مرکزی تمایل داشته باشد، عناصر دولت مرکزی تمایل نداشته باشند که ابزار و منابع قدرت خودشان را از دست بدهند. این



## مشاور حقوقی

دفتر حقوقی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور  
علی یزدان‌زاده - جمشید رضایی

مشاوران حقوقی در این شماره به پرسشهایی درباره‌ی صدور اسناد مالکیت برای ملک دوم از طریق ماده ۱۴۷ و موانع عدم دریافت حقوق قانونی شهرداری؛ الفای پرداخت تیم درصد عوارض پیمانکاری ذکر شده در بخشنامه ۷۲/۹/۱ معاون ریاست جمهوری؛ سلب عضویت اعضای شورا و انتخابات میان دورهای؛ شمول قانون و الزام ذکر نام مؤسسات و شرکتهای پاسخ میدهند. گفتنی است که پاسخها تنها در برگزیده‌ی دیدگاههای مشاوران حقوقی ماهنامه است.

رأی به پرداخت عوارض توسط اداره‌ی کل حمل و نقل و پایانه‌های استان صادر کرده است. نظر به این که در مصوبه‌ی یاد شده صراحتاً مبنای وضع عوارض از محل مربوط به حمل و نقل جاده‌ای کالا تعیین شده و از آنجا که حمل و نقل کالا و صدور بارنامه توسط شرکتهای حمل و نقل صورت می‌گیرد و سازمان حمل و نقل و پایانه‌های استان دخالتی در حمل و نقل مذکور نداشته و صرفاً به عنوان دولت بر شرکتهای حمل و نقل نظارت حاکمیتی دارد، خواهشمند است بررسی و اعلام کنید آیا دو درصد عوارض بارنامه‌های صادره توسط شرکتهای حمل و نقل جاده‌ای می‌بایست از شرکتهای حمل و نقل جاده‌ای صادر کننده بارنامه دریافت شود یا سازمان حمل و نقل جاده‌ای و پایانه‌های استان؟ آیا عوارض یاد شده محلی است یا ملی؟ آیا شورای اسلامی شهر می‌تواند به وضع چنین عوارضی اقدام کند؟ آیا وزیر محترم کشور می‌تواند عوارض مذکور را لغو کند؟

● همانگونه که استحضار دارید مطابق تبصره‌ی ذیل ماده‌ی ۷۷ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵، وزیر محترم کشور می‌تواند در هر مقطعی که وصول هر نوع عوارض را منطبق بر آیین‌نامه مصوب نداند، نسبت به اصلاح یا لغو آن اقدام کند. یکی از شوراهای اسلامی شهر مصوبه‌ای وضع کرده که طی آن شرکتهای حمل و نقل جاده‌ای بایستی دو درصد عوارض بارنامه‌های صادره را به شهرداری محل بپردازند و در مصوبه‌ی مذکور مؤدی پرداخت عوارض نیز شرکتهای حمل و نقل کننده بارنامه (بخش خصوصی) تعیین شده که قانونی و منطقی است. اما بعداً مصوبه‌ی مذکور اصلاح شده و مؤدی پرداخت عوارض مذکور، اداره کل حمل و نقل و پایانه‌های استان (مرجع دولتی) تعیین شده است و به دنبال اعتراض سازمان متبوع، موضوع توسط شهرداری در کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری مطرح و کمیسیون یاد شده



○ الف - مطابق ماده‌ی ۷۷ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهردار، شورای اسلامی شهر می‌تواند نسبت به وضع عوارض متناسب با تولیدات و درآمدهای اهالی به منظور تأمین بخشی از هزینه‌های خدماتی و عمرانی مورد نیاز شهر طبق آیین‌نامه‌ی مصوب هیئت وزیران اقدام کند و مطابق مواد دو و سه آیین‌نامه اجرایی نحوه‌ی وضع و وصول عوارض توسط شوراهای اسلامی شهر و بخش مصوب ۱۳۷۸/۷/۷، وضع عوارض توسط شورای اسلامی شهر در حدود درآمدها، عرضه کالاها و خدمات و سایر موضوع‌هایی است که مربوط به شهر ذی‌ربط باشد. و عوارض موضوع این آیین‌نامه از اماکن، واحدهای صنفی، تولیدی، خدماتی، صنعتی و هر گونه منبع درآمدی دیگری قابل وصول است که محل استقرار آن در محدوده‌ی شهر باشد. بنابراین با رعایت ضوابط و مقررات یاد شده وضع عوارض از بارنامه‌های صادره توسط شرکت‌های حمل و نقل در صلاحیت شورای اسلامی شهر می‌باشد و بدین ترتیب عوارض مذکور محلی است. ب - در صورتی که مأخذ عوارض مذکور در صدی از مبلغ بارنامه صادره باشد قطعاً بایستی در مصوبه قید شود که مبلغ یاد شده می‌بایست توسط شرکت‌های حمل و نقل جاده‌ای از مشتری اخذ و به حساب شهرداری واریز شود یا این که مسئول پرداخت عوارض پیش گفته خود شرکت‌های حمل و نقل می‌باشد. پر واضح است که در صورت درست بودن سؤال، سازمان حمل و نقل جاده‌ای و پایانه‌های استان جز اعمال نظارت بر شرکت‌های حمل و نقل از حیث رعایت قوانین مقررات، دخالتی در دریافت حق الزحمه حمل و نقل کالا و صدور بارنامه ندارند و بدین جهت دریافت عوارض یاد شده از سازمان مذکور و جاهت قانونی ندارد. ج - در صورتی که وزیر محترم کشور عوارض یاد شده را منطبق بر آیین‌نامه‌ی نحوه وضع و وصول عوارض نداند، می‌تواند مستند به تبصره ذیل ماده ۷۷ قانون فوق‌الذکر آنرا لغو کند.

د - با توجه به این که مرجع رفع اختلاف بین شهرداری و مؤدی در خصوص عوارض کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری است و در ما نحن فیه کمیسیون یاد شده رأی قطعی صادر کرده است، بنابراین عدم پرداخت عوارض یاد شده در صورتی امکان‌پذیر است که رأی کمیسیون ماده ۷۷ در دیوان عدالت اداری نقض شود و تا آن زمان هیچ مقامی جز دیوان عدالت و دادگستری صلاحیت جلوگیری از اجرای رأی صادره را ندارد. از آنجا که مؤدی سازمان حمل و نقل جاده‌ای می‌باشد که مرجعی دولتی است و شکایت مراجع دولتی از شهرداری در دیوان عدالت مسموع نیست بنابراین سازمان مذکور می‌بایست دعوی خود را در دادگاه‌های عمومی مطرح کند.

● احتراماً به اطلاع می‌رساند طرح تجهیز معادن سنگ آهن یکی از شهرهای کشور به استناد نامه شماره ۵۳/۱۰۶/۹۷۴ مورخ ۸۲/۱/۱۶ معاونت محترم هزینه و خزانه‌داری کل کشور از پرداخت نیم درصد عوارض قراردادهای بیمه‌کاری ذکر شده در بخش نامه مورخ ۷۲/۹/۱ معاون محترم ریاست جمهوری و رئیس سازمان برنامه و بودجه وقت به این شهرداری خودداری می‌کنند و اظهار می‌دارند با توجه به تصویب قانون تجمیع عوارض، پرداخت عوارض قراردادهای بیمه‌کاری از ابتدای سال ۱۳۸۲ محمل قانونی نداشته و از پرداخت نیم درصد عوارض قراردادهای قبل از سال ۸۲ نیز که صورت وضعیت‌های آنها در سال ۸۲ و بعد از آن پرداخت شده است به این شهرداری خودداری می‌کنند. بررسی و اعلام فرمایید اولاً با توجه به مستندات فوق آیا پرداخت نیم درصد عوارض بیمه‌کاری پس از قانون تجمیع عوارض ملغی شده است؟ ثانیاً آیا عوارض فوق به پرداخت‌هایی که بعد از سال ۸۱ در نتیجه قراردادهای بیمه‌کاری قبل از

● برخی از شهروندان با در دست داشتن اسناد مالکیت شش‌دانگ که از طریق ماده ۱۴۷ اصلاحی



سال ۸۱ به پیمانکاران پرداخت می شود تعلق می گیرد یا خیر؟

○ ۱- به استناد مفهوم مخالف ماده ۵ قانون موسوم به قانون تجمیع عوارض، عوارض پیمانکاری کماکان به قوت خود باقیست و قانون یاد شده متعرض آن نشده است. متأسفانه نامه معاونت محترم هزینه و خزانه داری کل کشور در نتیجه برداشت نادرست و غیر قانونی از ماده یک قانون تجمیع عوارض تهیه شده است. با این وجود بر فرض محال که عوارض پیمانکاری ملغی شده باشد اثر این الغاء ناظر به قراردادهایی است که از ابتدای سال ۸۲ منعقد می شوند و به قراردادهای منعقد شده قبل از سال ۸۲ تسری ندارد. ۲- با توجه به اختلافات شهرداری ها و وزارت کشور با وزارتخانه های نیرو، نفت و امور اقتصادی و دارایی، استفساریه ای تحت عنوان "استفساریه مواد ۱ و ۵ قانون تجمیع عوارض" توسط هیئت محترم وزیران و شورای عالی استان ها تهیه و به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده است که در حال حاضر در کمیسیون اقتصادی مجلس در حال بررسی می باشد.

● همانطور که می دانید مطابق ماده ۳۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵ و اصلاحات بعدی آن، در صورتی که هر یک از شوراها به علت فوت، استعفاء یا سلب عضویت اعضای اصلی و علی البدل، فاقد حد نصاب لازم برای تشکیل جلسه باشد و بیش از هجده ماه به پایان دوره مانده باشد وزارت کشور موظف است حداکثر ظرف دو ماه انتخابات میان دوره ای جهت تکمیل تعداد اعضای اصلی و علی البدل و ادامه فعالیت آن برگزار کند. در صورتی که سه نفر از اعضای شورای ۵ نفره سلب عضویت شوند و اعضای علی البدل نیز از عضویت در شورا امتناع کنند آیا انتخابات میان دوره ای برای انتخاب سه نفر عضو اصلی و اعضاء علی البدل برگزار خواهد شد یا این که انتخابات برای تعیین ۵ نفر عضو اصلی و اعضای علی البدل برگزار می شود؟

○ همانطور که در قسمت اخیر ماده ۳۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران تصریح شده است، انتخابات میان دوره ای صرفاً برای تکمیل تعداد اعضای اصلی و علی البدل برگزار خواهد شد. بنابراین در موضوع مورد سؤال، انتخابات برای تعیین سه نفر عضو اصلی و اعضای علی البدل برگزار خواهد شد.

● در غالب قوانین و مقررات صحبت از مؤسسات و شرکت هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است، آمده است. مقصود از این گونه مؤسسات و شرکت ها چه نوع مؤسسات و شرکت هایی است؟

○ اداره حقوقی قوه قضائیه در این خصوص نظریه ای به شماره ۷/۶۷۱۹ مورخ ۱۳۸۱/۷/۱۶ صادر کرده است که متن آن به شرح زیر است:

الف- مواد از مؤسسات یا شرکت هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام آنها است، مؤسسات یا شرکت های دولتی یا عمومی غیردولتی است که عموماً قانونی و به بیان دیگر قوانین و مقررات عمومی دولت شامل آنها نمی شود مگر با ذکر نام آنها در مورد خاص. ملاک تشخیص این مؤسسات و شرکت ها، مقررات قانون تشکیل و اساسنامه قانونی آنهاست. این اشخاص حقوقی معمولاً به موجب قانون خاص به منظور انجام وظایف و خدمات عمومی تشکیل می شوند....

ب- ضمن بررسی قوانین، دستگاه های ذیل از جمله دستگاه هایی هستند که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است:

- ۱- بیمه مرکزی ایران به استناد ماده ۴ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه گری مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰.
- ۲- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به استناد بند د ماده ۱۰ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸.
- ۳- سازمان انرژی اتمی ایران به استناد ماده ۲ قانون سازمان انرژی اتمی ایران مصوب ۱۳۵۳/۴/۱۶.
- ۴- شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران به استناد ماده ۴ قانون تأسیس شرکت مصوب ۱۳۴۵/۴/۱۴.
- ۵- سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران به موجب ماده ۲ قانون تأسیس سازمان مصوب ۱۳۴۶/۴/۲۶.
- ۶- شرکت ملی صنایع مس ایران به موجب ماده ۳ قانون تشکیل شرکت های معادن مس سرچشمه مصوب ۱۳۵۰ و قانون بعضی از مواد و تغییر نام آن مصوب ۱۳۵۵.
- ۷- شرکت ملی نفت ایران و شرکت های وابسته و فرعی آن به استناد ماده ۵۷ و بند (ب) ماده ۵ اساسنامه قانونی شرکت مصوب ۱۳۵۶.
- ۸- شرکت ملی گاز ایران به استناد بند (ب) ماده ۵ قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۵۶ و ماده (۱) اساسنامه شرکت ملی صنایع گاز ایران مصوب ۱۳۵۶.
- ۹- شرکت ملی پتروشیمی ایران به استناد بند (ب) ماده ۵ اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۵۶ و ماده (۱) اساسنامه شرکت ملی پتروشیمی ایران مصوب ۱۳۵۶.
- ۱۰- شرکت های بیمه به استناد ماده ۴ قانون اداره امور شرکت های بیمه مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۳.
- ۱۱- سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران به استناد ماده ۳ قانون تشکیل سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران مصوب ۱۳۵۰/۳/۲۹.
- ۱۲- جهاد مرکز، استان ها، سازمان و شرکت های وابسته به استناد ماده ۵۸ قانون مقررات مالی، اداری، استخدامی و تشکیلات جهاد سازندگی مصوب ۱۳۶۷/۱/۲۳.



موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۵ و ۱۰ تجدیدنظر دیوان عدالت اداری.

مقدمه: الف - ۱ - شعبه بیست و هفتم دیوان در رسیدگی به پرونده کلاس ۱۴۶۸/۸۴ موضوع شکایت آقای سلیمان عسگری به طرفیت هیأت حل اختلاف رسیدگی به شکایات استانداری تهران به خواسته دستور موقت به شرح دادنامه شماره ۷۷۳ مورخ ۱۳۸۴/۶/۱ چنین رأی صادر نموده است، ... نظر به این که تصمیم هیأت طرف شکایت در اجرای ماده ۲۸ قانون تشکیلات و وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخابات شهرداران و ماده ۲۶ آیین نامه اجرائی قانون مذکور اتخاذ گردیده و مطابق قسمت اخیر ماده ۸۲ قانون فوق الذکر فرد یا افرادی که سلب عضویت می گردند می توانند به دادگاه صالح شکایت نمایند که با توجه به استفاده از لفظ دادگاه دیوان عدالت اداری خارج از شمول لفظ مذکور بوده موضوع در صلاحیت رسیدگی محاکم عمومی استان تهران می باشد. لذا شعبه مستنداً به مواد ۱۱ و ۱۴ و ۱۸ قانون دیوان عدالت اداری و ماده ۲۱ آیین دادرسی دیوان عمومی اداری قرار عدم صلاحیت خویش را به شایستگی رسیدگی دادگاه های عمومی استان تهران صادر و اعلام می نماید. الف - ۲ - شعبه پنجم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاس ۷۲۶/۸۴ موضوع تقاضای تجدیدنظر سلیمان عسگری نسبت به دادنامه شماره ۷۷۳ مورخ ۱۳۸۴/۶/۱ صادر از شعبه بیست و هفتم دیوان به شرح دادنامه شماره ۹۲۶ مورخ ۱۳۸۴/۹/۲ چنین رأی صادر نموده است. نظر به این که به موجب قسمت اخیر ماده ۸۲ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شورای اسلامی کشور اعتراض به رأی هیأت حل اختلاف موضوع ماده ۸۲ قانون مذکور قابل رسیدگی در دادگاه صالحه عنوان شده و مطابق بند ۲ ماده ۱۱ قانون دیوان آراء کلیه کمیسیون ها، هیأت های حل اختلاف و نظائر آن قابل اعتراض و رسیدگی در دیوان می باشد در نتیجه منظور قانون گذار در ماده اعلامی دیوان عدالت اداری به نظر می رسد و صلاحیت دیوان جهت رسیدگی به موضوع محرز است و بدین استدلال دادنامه شماره ۷۷۳ مورخ ۱۳۸۴/۶/۱ شعبه بیست و هفتم دیوان مبنی بر رد صلاحیت نقض می شود و اما در ماهیت قضیه... ب - ۱ - شعبه پانزدهم در رسیدگی به پرونده کلاس ۲۸۱۱/۸۴ موضوع شکایت آقای اقبال منصوریان به طرفیت، هیأت حل اختلاف استانداری تهران به خواسته اعتراض و تقاضای ابطال رأی مورخ ۱۳۸۴/۱۲/۱۶ هیأت مستکی عنه در سلب عضویت شاکی در شورای اسلامی شهر اسلامشهر به شرح دادنامه شماره ۱۱۶۰ مورخ ۱۳۸۵/۵/۷ چنین رأی صادر نموده است، اولاً نظر به این که قواعد امره مربوط به صلاحیت رسیدگی مراجع قضایی از مقرراتی است که حتی چنانچه اصحاب دعوی متذکر آن نشوند، مرجع قضایی مربوطه خود مکلف به توصیف و شناسایی و تشخیص صلاحیت رسیدگی خود به موضوع مطروحه می باشد که در مانحن فیه چون قانون گذار در عبارات مندرجه در بند ۲ ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری اراده حصر نداشته بلکه به سیاق تمثیلی آراء کمیسیون ها و شوراهای و هیأت ها و نظائر آن که مقنن از کلمه مانند بهره جسته مبین عدم افاده محدودیت در طرح شکایت از تصمیمات و مصوبات و آراء هیأت ها و کمیسیون ها و شوراهایی است که واجد تشکیلات قانونی و اداری بوده و تصمیمات اقداماتشان بر مبنای مقررات قانونی اتخاذ می گردد و آراء آنها در زمره اعتبار آراء قضائی که از سوی محاکم دادگستری صادر می شود را ندارد و همچنانکه در تبصره ۲ ماده ۱۱ قانون مذکور اعتراض به آراء دادگاه های دادگستری را استثناء نموده و خارج از صلاحیت این دیوان قرار داده فلذا با عنایت به مقررات مترقی اصل ۱۷۳ قانون اساسی و فلسفه تأسیس دیوان عدالت اداری که نخواستند هیچ گونه شکایت و تظلم خواهی در جمهوری اسلامی بدون دادخواهی و رسیدگی باقی بماند، رسیدگی به اعتراض آراء هیأت های موصوف از هر حیث در حیطه صلاحیت این دیوان است، زیرا به آراء هیأت های مذکور رأی دادگاه اطلاق نمی شود. ثانیاً...

ب - ۲ - شعبه دهم تجدیدنظر در رسیدگی به پرونده کلاس ۶۵۴/۸۵ موضوع تقاضای تجدیدنظر هیأت حل اختلاف رسیدگی به شکایات استانداری تهران نسبت به دادنامه شماره ۱۱۶۰ مورخ ۱۳۸۵/۵/۷ صادره از شعبه پانزدهم دیوان به شرح دادنامه شماره ۹۴۳ مورخ ۱۳۸۵/۸/۲۷ چنین رأی صادر نموده است، با توجه به منطوق قسمت اخیر ماده ۸۲ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی و انتخاب شهرداران دایر به صلاحیت دادگاه صالح و این که به موجب وحدت ملاک رأی شماره ۵۲۷ مورخ ۱۳۶۹/۸/۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور و رأی شماره ۲۴-۲۳-۲۴ مورخ ۱۳۷۰/۳/۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری منظور از دادگاه صالح محاکم عمومی دادگستری است لذا رسیدگی به موضوع شکایت خارج از حدود صلاحیت و اختیارات این مرجع مصرح در ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری تشخیص، ضمن ورود تجدیدنظر خواهی و نقض دادنامه معترض عنه قرار عدم صلاحیت به صلاحیت محاکم عمومی



دادگستری استان تهران صادر می نماید. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

### رأی هیأت عمومی

مطابق ماده ۸۲ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران، اعضاء شوراهای روستا، بخش، شهرک و شهرها در صورت سلب عضویت خود در شوراهای مزبور می توانند به دادگاه صالح شکایت کنند. نظر به این که واژگان "دادگاه صالح" همان طور که در دادنامه شماره ۵۳۷ مورخ ۱۳۶۹/۸/۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور و همچنین دادنامه های ۲۵-۲۴-۲۳ مورخ ۱۳۷۰/۳/۷ و شماره ۷۲ مورخ ۱۳۸۵/۲/۱۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، موافق مراد و مقصود و حکم صریح مقتن نیست، بنابراین دادنامه شماره ۹۴۳ مورخ ۱۳۸۵/۸/۲۷ شعبه دهم تجدیدنظر دیوان متضمن قرار عدم صلاحیت دیوان به اعتبار صلاحیت دادگاه ذیصلاح دادگستری در مورد رسیدگی به شکایت و اعتراض عضو شورای اسلامی به خواسته سلب عضویت وی صحیح و موافق قانون است. این رأی به استناد قسمت اخیر ماده ۲۰ اصلاحی قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع ذیربط در موارد مشابه لازم الاتباع است.

### هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد



شماره: هـ/۵۰۳/۸۳-۱۳۸۶/۱/۱۸

تاریخ: ۱۳۸۵/۷/۳۰ شماره دادنامه: ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹ و ۵۴۰

کلاس پرونده: ۵۰۳/۸۳ و ۷۵۲ و ۱۹/۸۴، ۱۹۴

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شکات: آقایان ۱- محمود ترابی ۲- محمد خلدی ۳- فیروز ملکی ۴- سازمان بازرسی کل کشور.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند (خ) ماده یک، ماده ۲، ماده ۳، ماده ۵، ماده ۶، ماده ۹، ماده ۱۳ و ماده ۱۵ تصویب نامه شماره ۳۶۰۴۶/ت ۲۳۶۸۷ هـ مورخ ۱۳۷۹/۸/۱۶ و بند یک و تبصره بند ۲ تصویب نامه شماره ۵۸۹۷۷/ت ۲۹۱۰۱ هـ مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۱۸ هیأت وزیران.

مقدمه: الف- ۱- آقای محمود ترابی به شرح دادخواست تقدیمی و لوایح تکمیلی اعلام داشته است، مطابق تبصره یک ماده ۲ قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ "تعیین پهنای بستر و حریم آن در مورد هر رودخانه و نهر طبیعی و مسیل و مرداب و برکه طبیعی در هر محل با توجه به آمار هیدرولوژی رودخانه ها و انهار و داغاب در بستر طبیعی آنها بدون رعایت اثر ساختمان تأسیسات آبی با وزارت نیرو است." هیأت وزیران در ماده ۳ و ماده ۱۵ آیین نامه مربوط به بستر و حریم رودخانه ها، انهار، مسیل ها، مرداب ها، برکه های طبیعی و شبکه های آبرسانی، آبیاری و زهکشی مصوب ۱۳۷۹/۸/۱۱ با خارج شدن از حدود اختیارات و تکالیف منحصره و مختصه قانونی و با توسعه حدود اختیارات و تکالیف مقرر در قانون برای وزارت نیرو، به وضع مقرراتی در خصوص کانال ها، انهار احداثی و سنتی و شبکه های آبیاری و زهکشی مبادرت نموده است که مطابق منطوق و مدلول قانون و براساس منطق حقوق، درباره هیچ کدام دارای اختیار قانونی نیست و در خصوص هر یک از کانال ها یا انهار احداثی و سنتی یا شبکه های آبیاری و زهکشی بر حسب مورد فقط مالکین خصوصی آنها اعم از دولت که در هر یک از آن موارد با حیثیت شخص خصوصی وارد موضوع می شود یا اشخاص حقیقی یا حقوقی حقوق خصوصی دارای اهلیت و سمت برای ورود به موضوعات مربوط خواهند بود. ۲- چنانکه بطور کامل مسبوق و مستحضر هستند. اصولاً آیین نامه به منظور مشخص نمودن تمام جزئیات مربوط به اجرای قانون و تنظیم امور اداری مربوطه و هم آهنگ نمودن نحوه اجرای قانون تنظیم و تصویب می شود در آیین نامه موضوع شکایت، تنها در قسمت آخر بند (خ) ماده یک آن به صورت کلی و مجمل و مبهم به حریم انهار طبیعی یا رودخانه ها اشاره شده و هیچ ضابطه و اصول فنی و اجرایی برای تعیین حریم رودخانه ها و انهار طبیعی وضع و مشخص نگردیده است. این توسیع و بسط خارج از قانون و حدود اختیارات وزارت نیرو و انحصار مسائل و موضوعات خاص خارج از وظایف تخصصی وزارت نیرو همچنان ادامه داشته به طوری که هیأت وزیران در تصویب نامه شماره ۵۸۹۷۷/ت ۲۹۱۰۱ هـ مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۱۸



اصلاح آیین نامه مربوط به بستر و حریم رودخانه‌ها، انهار، مسیل‌ها، مرداب‌ها، برکه‌های طبیعی و شبکه‌های آبرسانی و آبیاری و زهکشی مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۱۳ خود با خارج شدن هر چه بیشتر از حدود و ثغور اختیارات قانونی مقرر در تبصره یک ماده ۲ قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۸۱/۱۲/۱۶ در خصوص "تعیین پهنای بستر و حریم آن در مورد هر رودخانه و نهر طبیعی و با توسع هر چه بیشتر حدود و ثغور آن اختیارات قانونی اولاً انهار (سنتی) را نیز که اصولاً و قانوناً هیچ گونه اختیار و تکلیف و وظیفه‌ای درباره آن دارا نمی‌باشد، وارد حوزه تعریف مقررات آیین نامه‌ای خود کرده است و ثانیاً با تعبیری موسع از حدود اختیارات مقرر در قانون و با بدعت گذاری و ایجاد تعریف‌ها و مفاهیم جدید، به وضع مقرراتی مبادرت کرده است که نه تنها خارج از حیطه و حوزه اختیارات و وظایف منفک قانونی قوه مجریه است، بلکه مغایر با منطبق حقوق و مغایر با اصول و قواعد مسلم فقهی و مغایر با دکترین حقوقی و رویه‌های قضائی مربوط به موضوع و مغایر با قوانین موضوعه مملکتی است، با عنایت به مراتب ابطال بند (خ) ماده یک، ماده ۳، ماده ۱۵ و تصویب نامه شماره ۲۳۶۸۷/ت ۱۳۶۰۴۶ مورخ ۱۳۷۹/۸/۱۶ و بند یک تصویب نامه شماره ۵۸۹۷۷/ت ۲۹۱۰۱ هـ مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۱۸ هیأت وزیران را به لحاظ مخالفت با موازین شرع و قانون تقاضا دارد.

الف - ۲- معاون دفتر امور حقوقی دولت در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۷۲۴۴۶ مورخ ۱۳۸۳/۱۲/۱ مبادرت به ارسال تصویر نامه شماره ۵۹۲۸۳/۴۱۰ مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۲۲ وزارت نیرو نموده است. در این نامه آمده است، ۱- تعیین حریم کانال‌ها و شبکه‌های آبیاری و زهکشی در آیین نامه مورد بحث براساس اختیارات حاصل از تبصره ۲ ماده ۲ قانون توزیع عادلانه آب بوده است. ۲- تعیین میزان حریم انهار مستحدثه توسط وزارت نیرو و تصویب آن توسط هیأت وزیران به موجب تکلیف قانونی مقرر در صدر تبصره ماده ۱۷ قانون فوق‌الاشعار و اختیارات مقرر در ماده ۵۱ قانون یاد شده است. براساس تبصره ماده صدرالذکر تشخیص حریم چاه و قنات و مجرا با کارشناسان وزارت نیرو است و وزارت نیرو بر این اساس مبادرت به تعیین ضوابطی جهت تعیین میزان حریم انهار احداث و سنتی (که از مجاری آب است) نموده تا کارشناسان وزارت نیرو به هنگام تشخیص حریم با توجه به ضوابط مورد اشاره اعلام نظر نمایند و در واقع ماده ۱۵ آیین نامه مورد بحث حریم انهار مورد نظر را هماهنگ و ضابطه مند نموده است و هیأت دولت نیز به استناد ماده ۵۱ قانون توزیع عادلانه آب آیین نامه اجرائی لازم را مورد تصویب قرار داده است. ۳- علیرغم اظهارات شاکی در بند ۲ دادخواست ضوابط لازم برای تعیین حریم کمی رودخانه‌ها و ... که عبارت از یک متر تا بیست متر است تعیین و مشخص گردیده لازم به ذکر است که با عنایت به این که رودخانه‌ها و انهار طبیعی و ... بلحاظ میزان دبی، وضع طبیعی، شیب زمین، جنس زمین و سایر عوامل دارای وضعیت متفاوتی می‌باشند، امکان تعیین میزان حریم به طور یکسان برای کلیه آنها وجود ندارد و تعیین میزان حریم با توجه به عوامل فوق منوط به نظر کارشناس شده است که در بند (خ) ماده یک آیین نامه مورد نظر ضابطه لازم برای تعیین حریم مشخص شده و کارشناس مکلف به تعیین آن با توجه به حداقل و حداکثر مقرر در آیین نامه می‌باشد. ب- ۱- آقای محمد خلدی طی دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، آیین نامه مربوط به بستر و حریم رودخانه، انهار و مسیل‌ها، مرداب‌ها، برکه‌های طبیعی و شبکه‌های آبرسانی، آبیاری و زهکشی موضوع تصویب نامه شماره ۲۳۶۸۷/ت ۳۶۰۴۶ مورخ ۱۳۷۹/۸/۱۶ هیأت وزیران (ماده ۱۵) برای اشخاص حقیقی و حقوقی ایجاد تکلیف می‌نماید که این موضوع موجب سلب حق ایجاد شده برای اشخاص در اراضی مورد تملک و تصرف می‌شود. در ماده ۱۵ آیین نامه به حریم لوله‌های آبرسانی اشاره شده که مغایر با مفاد قانون توزیع عادلانه آب می‌باشد زیرا شمول قانون مزبور به رودخانه‌ها، انهار، مخازن و کانال‌های زهکشی اطلاع داشته و منصرف بر شبکه‌های آبرسانی و توزیع آب در داخل شهرها می‌باشد با عنایت به مراتب ابطال ماده ۱۵ آیین نامه مذکور را به لحاظ مغایرت با شرع و قانون مورد تقاضا است. ب- ۲- معاون دفتر امور حقوقی دولت در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۳۲۷۰۹ مورخ ۱۳۸۴/۵/۳۱ تصویر نامه شماره ۱۴۱۱۳/۴۱۰ مورخ ۱۳۸۴/۳/۱۰ وزارت نیرو را ارسال داشته‌اند، در این نامه آمده است، موضوع شکایت شاکی مربوط به قسمت دوم ماده ۱۵ آیین نامه (حریم لوله‌های آبرسانی) است که در این خصوص دو نکته قابل تأمل و توجه است، بخش نخست ماده ۱۵ به حریم کانال‌ها، انهار مستحدثه و شبکه‌های آبیاری و زهکشی اختصاص دارد و در شش بند (الف تا ج) میزان حریم هر یک از کانال‌ها، انهار مستحدثه و شبکه‌های آبیاری و زهکشی اختصاص دارد که با استناد به تبصره ۲ ماده قانون توزیع عادلانه آب که مقرر می‌دارد "حریم ... و همچنین کانال‌های عمومی آبرسانی و آبیاری و زهکشی اعم از سطحی و زیرزمینی" به تصویب رسیده است. بخش دوم ماده ۱۵ به حریم لوله‌های آبرسانی اختصاص دارد و در چهار بند (الف تا ت) میزان حریم هر یک از لوله‌ها براساس قطر و آبدهی لوله‌ها تعیین گردیده است که مستنداً به تبصره ۲ ماده ۲ قانون توزیع عادلانه آب به تصویب رسیده است. ج- ۱- آقای فیروز ملکی به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، اولاً، وفق مواد ۲ و ۳ و ۹ آیین نامه مربوط به بستر و حریم رودخانه‌ها ... مصوب ۱۳۷۹/۸/۱۱ هیأت وزیران، مرجع تشخیص و تعیین بستر و حریم رودخانه‌ها را شرکت‌های آب منطقه‌ای تعیین کرده است. نظر به این که شرکت‌های آب منطقه‌ای دارای شخصیت حقوقی مستقل هستند که به صورت بازرگانی اداره می‌شوند (ماده ۳۲ قانون توزیع عادلانه آب) لذا این شرکت‌ها را نمی‌توان جزء وزارت نیرو محسوب کرد. از این رو مواد



۲ و ۳ و ۹ آیین نامه مذکور از حیث تغییر مرجع تعیین حد بستر و حریم رودخانه‌ها بر خلاف قانون (تبصره یک ماده ۲ قانون توزیع عادلانه آب) بوده و قابل ابطال است. ثانیاً، وفق مواد ۵ و ۶ آیین نامه فوق‌الذکر مرجع رفع تجاوز از بستر و حریم رودخانه‌ها و اقدام در خصوص قلع و قمع اعیانی‌های واقع در آن، شرکت‌های آب منطقه‌ای تعیین گردیده که با عنایت به توضیحات فوق، مواد ۵ و ۶ برخلاف تبصره ۴ ماده ۲ قانون مذکور می‌باشد. ثالثاً، براساس ماده ۱۳ آیین نامه فوق‌الاشاره وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها مکلف گردیده‌اند که قبل از اجرای هر طرحی و یا قبل از صدور پروانه ساخت، بستر و حریم رودخانه‌ها را استعلام نمایند که در این خصوص مردم در مراجعه به این دستگاه‌ها مواجه با یک استعلام اجباری می‌گردند که موانع فراوانی برای مردم ایجاد می‌کند و موجب کندی امور می‌گردد. قطع نظر از این که این موضوع از نظر منطقی صحیح است یا خیر، ایجاد هر گونه تکلیف به عهده قانونگذار است نه هیأت وزیران، لذا به نظر می‌رسد از این جهت این ماده خارج از حدود اختیارات هیأت وزیران باشد. بنا به مراتب ابطال مواد ۲، ۳، ۵، ۶، ۹ و ۱۳ آیین نامه مربوط به بستر و حریم رودخانه‌ها مصوب ۱۳۷۹/۸/۱۱ و بند یک و تبصره بند ۲ مصوبه مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۱۸ مورد تقاضا است. ج- ۲- معاون دفتر امور حقوقی دولت در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۲۷۷۲۶ مورخ ۱۳۸۴/۵/۵، تصویر نظریه شماره ۱۹۱۸۷/۴۱۰ مورخ ۱۳۸۴/۴/۱۲ وزارت نیرو و ارسال نموده است. در این نامه آمده است، ۱- عموم وظایف اجرایی که طبق قوانین و مقررات به عهده دولت یا وزارتخانه‌ها محول می‌گردد، اساساً از طریق ادارات و واحدهای تابعه اجرایی انجام می‌پذیرد و واگذاری این وظایف به دولت هرگز به معنای تمرکز امور اجرایی در مرکز وزارتخانه نمی‌باشد. ۲- از ملاک موجود در مواد مختلف قانون توزیع عادلانه آب (از جمله مواد ۲۲، ۱۵، ۲۴، ۳۰، ۳۱، ۳۲ و ...) می‌توان استنباط نمود که قانونگذار تأمل به تمرکز امور اجرایی در ستاد وزارتخانه نبوده و شرکت‌های آب منطقه‌ای و استانی را برای انجام وظایف اجرایی وزارتخانه در سطح استان‌ها به رسمیت شناخته است. ۳- براساس نص صریح ماده ۳۲ قانون توزیع عادلانه آب، وزارت نیرو مجاز به تشکیل سازمان‌ها و شرکت‌های آب منطقه‌ای می‌باشد و بدیهی است که تشکیل شرکت یا سازمان‌های منطقه‌ای و استانی نمی‌تواند معنایی جز واگذاری امور اجرایی به آنها داشته باشد. ۴- شرکت‌های آب منطقه‌ای در مورد تعیین بستر و حریم رودخانه‌ها، انهار و ... صرفاً طبق ضوابط و معیارهای ابلاغی این وزارت که برخی از آنها نیز در آیین نامه مربوط آمده است، عمل می‌نمایند و هرگز در این باره مرجع تعیین ضابطه نبوده و صرفاً مشمولیت اجرای ضوابط در محل را برعهده دارند. د- ۱- معاون نظارت و بازرسی امور اقتصادی و زیربنایی سازمان بازرسی کل کشور در شکایت نامه شماره ۸۴/۸۵۳۹ مورخ ۱۳۸۴/۳/۱۶ اعلام داشته‌اند، مطابق بند ۲ از فصل سوم گزارش پیوست، اداره کل امور آب استان سمنان، بابت هزینه کارشناسی تعیین بستر و حریم رودخانه‌ها و انهار، به استناد ماده ۹ مصوبه هیأت وزیران به شماره ۴۶-۳۶/ت/۳۶۸۷ مورخ ۱۳۷۹/۸/۱۶ مبالغی دریافت نموده است. با توجه به این که قانونگذار در ماده ۸ قانون توزیع عادلانه آب، هزینه کارشناسی در خصوص حفر چاه یا قنات را پیش‌بینی نموده لیکن در ماده ۲ قانون پیش‌گفته و تبصره‌های مربوطه اشاره‌ای به هزینه کارشناسی تعیین بستر و حریم رودخانه و انهار نکرده است با توجه به این که این سکوت بر مبنای علم و عمد قانونگذار صورت پذیرفته، صدور مصوبه فوق‌الذکر از حیث دریافت هزینه کارشناسی از متقاضیان، فاقد منشاء قانونی می‌باشد و ابطال ماده ۹ تصویب نامه فوق‌الذکر مورد تقاضا است. مدیرکل دفتر امور حقوقی دولت در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۷۴۱۶۱ مورخ ۱۳۸۴/۱۱/۱۳ تصویرنامه‌های شماره ۱۱۴۴۳۰/۶۱ مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۵ وزارت کشور و ۶۵۹۵۲/۴۱۰ مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۲۸ وزارت نیرو و ارسال نموده‌اند. در نامه دفتر امور حقوقی وزارت کشور آمده است، ۱- ماده ۹ واجد دو جزء یا دو بخش کاملاً مجزا از یکدیگر است. اولاً در بخش اول ماده حق تقدیم درخواست برای تعیین حد بستر و حریم رودخانه و ... برای افراد، نهادها و سازمان‌های مرتبط پیش‌بینی شده است. ثانیاً در بخش دوم، پرداخت هزینه‌های کارشناسی توسط شخص یا نهاد متقاضی مورد توجه و اشاره هیأت دولت بوده است. ۲- طبق تبصره یک ماده ۲ قانون نحوه توزیع عادلانه آب، تعیین حدود حریم و بستر رودخانه‌ها برعهده وزارت نیرو قرار گرفته است. اما چنانچه اشخاص حقیقی یا حقوقی اعم از دولتی یا غیردولتی بنا بر مصالح یا نیازهای موردی، متقاضی این امر باشند، با توجه به این که چنین درخواستی تحمیلی بر برنامه‌های تدوین شده وزارت نیرو خواهد بود، لذا به نظر می‌رسد که هزینه‌های متعلقه را نیز باید پرداخت نمایند. در نامه مدیرکل دفتر حقوقی وزارت نیرو نیز آمده است، به دلیل این که در مفاد تبصره یک ماده ۲ قانون توزیع عادلانه آب، وظیفه تعیین حد بستر و حریم برعهده وزارت نیرو گذارده شده و این وظیفه دلالت بر این ندارد که وزارت نیرو موظف به تأمین اعتبار و هزینه کار نیز می‌باشد، لذا براساس ماده ۵۱ قانون مذکور این موارد در آیین نامه‌ای که توسط وزارت نیرو تهیه و به تصویب هیأت وزیران رسیده است تعیین گردیده و مغایرتی با قانون ندارد. با توجه به این که طول رودخانه‌ها و مسیل‌ها و انهار طبیعی، مرداب‌ها و برکه‌های طبیعی صدها هزار کیلومتر است، بنابراین از نظر تأمین مالی و برنامه‌ریزی فنی حتی با اولویت‌بندی، این امر در کوتاه‌مدت بسیار دشوار است و انجام این موارد براساس نیاز اشخاص است و پرداخت هزینه موردی آن نیز امری منطقی است. دبیر محترم شورای نگهبان در خصوص ادعای خلاف شرع بودن بند (خ) ماده یک و ماده ۳ و ماده ۱۵ تصویب نامه



شماره ۳۶۰۴۶/۳۶۰۴۶ ت/۲۳۶۸۷ هـ مورخ ۱۳۷۹/۸/۱۶ و بند یک تصویب نامه شماره ۵۸۹۷۷/ت/۲۹۱۰۱ هـ مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۱۸ هیأت وزیران طی نامه شماره ۸۵/۳۰/۱۶۸۹۵ مورخ ۸۵/۵/۱۱ اعلام داشته‌اند، اطلاق بند (خ) ماده یک آیین نامه نسبت به مواردی که نهر احدائی در آخر ملک شخصی و مجاور ملک غیراحداث شده باشد از نظر اثبات حریم برای این نهر حتی نسبت به ملک غیر خلاف موازین شرع شناخته شد. بالتبع این اطلاق نسبت به موارد دیگر آیین نامه همچون ماده ۳ و ماده ۱۵ آیین نامه نیز خلاف موازین شرع است. همچنین ایراد شرعی مزبور نسبت به اطلاق بند یک اصلاح آیین نامه شماره ۵۸۹۷۷/ت/۲۹۱۰۱ هـ مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۱۸ هیأت وزیران نیز وارد است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤساء و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید:

### رأی هیأت عمومی

الف - به شرح نظریه شماره ۱۶۸۹۵/۳۰/۸۵ مورخ ۱۳۸۵/۵/۱۱ شورای نگهبان \*موضوع بند (خ) ماده یک و ماده ۳ و ماده ۱۵ تصویب نامه شماره ۳۶۰۴۶ ت/۲۳۶۸۷ هـ مورخ ۱۳۷۹/۸/۱۶ و بند یک تصویب نامه شماره ۵۸۹۷۷/ت/۲۹۱۰۱ هـ مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۱۸ هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۵/۵/۱۱ فقهای شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که نظر شورا به شرح زیر اعلام می گردد: اطلاق بند (خ) ماده (یک) آیین نامه نسبت به مواردی که نهر احدائی در آخر ملک شخصی و مجاور ملک غیر احداث شده باشد از نظر اثبات حریم برای این نهر حتی نسبت به ملک غیر خلاف موازین شرع شناخته شد. بالتبع این اطلاق نسبت به مواد دیگر آیین نامه همچون ماده ۳ و ماده ۱۵ آیین نامه نیز خلاف موازین شرع است. همچنین ایراد شرعی مزبور نسبت به اطلاق بند یک اصلاح آیین نامه شماره ۵۸۹۷۷/ت/۲۹۱۰۱ هـ مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۱۸ هیأت وزیران نیز وارد است. بنابراین بند (خ) ماده یک، ماده ۳ و ماده ۱۵ تصویب نامه شماره ۳۶۰۴۶ ت/۲۳۶۸۷ هـ مورخ ۱۳۷۹/۸/۱۶ و بند یک تصویب نامه شماره ۵۸۹۷۷/ت/۲۹۱۰۱ هـ مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۱۸ هیأت وزیران بنا به علل و جهات و در حد مقرر در نظریه مذکور مستنداً به قسمت اول ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می شود.

ب- با توجه به مندرجات لایحه جوابیه وزارت نیرو و حکم صریح ماده ۳۲ قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱ که مقرر داشته است "وزارت نیرو می تواند سازمان ها و شرکت های آب منطقه ای را به صورت شرکت های بازرگانی راساً یا با مشارکت سازمان های دیگر دولتی یا شرکت هایی که با سرمایه دولت تشکیل شده اند ایجاد کند. اساسنامه این شرکت ها به پیشنهاد وزارت نیرو به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید ..." و این که حسب تبصره ماده مزبور تعیین حوزه عمل شرکت ها و سازمان های آب منطقه ای به عهده وزارت نیرو محول شده و تفکیک و تقسیم وظایف و مسئولیت های خاص آن وزارتخانه بین سازمان ها و مؤسسات و شرکت های تابعه و وابسته به وزارتخانه مزبور با رعایت مقررات مربوط و در جهت اجرای مطلوب تکالیف محوله بالحاظ جنبه های فنی و تخصصی امور مذکور از جمله وظایف سازمانی آن وزارتخانه است، بنابراین مواد ۲، ۵، ۶ و ۹ از جهت این که تعیین حد بستر و حریم رودخانه ها، انهار، مسیل ها، مرداب ها و برکه های طبیعی موجود و علامت گذاری نهایی حد بستر و حریم و ضرورت قلع و قمع اعیانی اعم از اشجار و غیر آن، در حوزه هر شرکت را به عهده آن شرکت محول نموده است، معایرتی با قانون ندارد و خارج از حدود اختیارات قوه مجریه نمی باشد.

ج- مفاد ماده ۱۳ آیین نامه مورد اعتراض در باب الزام واحدهای دولتی به استعمال بستر و حریم رودخانه ها، انهار، مسیل ها، مرداب ها و برکه های طبیعی قبل از اجرای طرح های مربوط به خود و همچنین تبصره الحاقی به ماده ۲ اصلاح آیین نامه مربوط به بستر و حریم رودخانه ها، انهار، مسیل ها، مرداب ها، برکه های طبیعی و شبکه های آبرسانی، آبیاری و زهکشی مصوب ۱۳۸۲ که کلیه مراجع تعیین کننده کاربری و صادرکننده پروانه استقرار فعالیت را مکلف به کسب نظریه شرکت آب منطقه ای مربوط نموده است، متضمن وضع قاعده آمره ای در جهت تضييع یا سلب حقی نیست و بدین جهت معایرتی با قانون ندارد.

د- نظر به این که وضع قاعده آمره در باب الزام اشخاص به پرداخت هرگونه وجه به واحدهای دولتی اختصاص به حکم صریح قانونگذار یا مأذون از قبل مقنن دارد، حکم مقرر در ماده ۹ آیین نامه مورد اعتراض در قسمتی که متضمن الزام اشخاص به پرداخت هزینه کارشناسی به شرکت های آب منطقه ای براساس تعرفه وزارت نیرو می باشد خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات قوه مجریه در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می شود و مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می گردد.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - علی رازینی



مشاور اداری - مالی در این شماره به پرسشهایی با این مضامین پاسخ می‌دهد: انصراف از شورا پیش از رسمیت آن، وضعیت شهردار پیش از رسمیت یافتن شورای شهر و عوارض یک درصد فروش محصولات نهایی واحدهای تولیدی و وجود نداشتن میان چند شهرستان، یادآور می‌شویم که این پاسخها صرفاً در برگزیده‌ی دیدگاههای مشاور ماهنامه‌اند.

جمشید رضایی

● آیا می‌توان عوارض یک درصد فروش محصولات نهایی واحدهای تولیدی واقع در خارج از حریم شهرها را بین چند شهرستان تقسیم کرد؟

○ تا قبل از تصویب قانون اصلاح موادی از قانون برنامه‌ی سوم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارائه‌دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب ۱۳۸۱/۱۰/۲۲ (موسوم به قانون تجمیع عوارض) امکان تقسیم عوارض یک درصد فروش وجود داشت اما پس از تصویب قانون مزبور، مطابق بند (ج) ماده‌ی ۶ قانون یاد شده، عوارض یک درصد فروش در مورد واحدهای تولیدی، خدماتی و مشترکین واقع در خارج از حریم شهرها به حساب تمرکز وجوه به نام وزارت کشور (سازمان شهرداری‌ها) واریز می‌شود تا بین دهیاری‌های همان شهرستان توزیع شود. با این وجود امکان تقسیم عوارض پیش گفته بین دهیاری‌های دو یا چند شهرستان وجود ندارد.

● احتراماً به استحضار می‌رساند اینجانب در انتخابات دوره‌ی سوم شوراهای اسلامی شهر در یکی از شهرهای کشور شرکت کردم و با آرای بالایی انتخاب شدم. آیا قبل از تشکیل جلسه‌ی شورا و رسمیت یافتن آن می‌توانم از عضویت در شورا انصراف دهم؟ در صورت مثبت بودن جواب، مرجع موافقت با انصراف کدام مرجع است؟

○ مقدمتاً باید عرض کنم که عضویت در شورا به معنای قبول وکالت در حقوق عمومی است. خروج از آن نیز می‌بایست با رضایت انتخاب کنندگان (مردم شهر) صورت گیرد. چون دریافت رضایت انتخاب کنندگان بسیار مشکل و تقریباً غیرممکن است و اراده‌ی آنها در اراده‌ی جمعی شورای اسلامی شهر تجلی می‌یابد، بنابراین ضرورتاً می‌بایست اکثریت مطلق اعضای شورای اسلامی شهر با خروج عضو از شورا موافقت کنند. همانطور که ملاحظه می‌شود انصراف از عضویت در شورای اسلامی شهر قبل از رسمیت یافتن شورا محمل قانونی نداشته و مغایر با حقوق عمومی است. شخص پذیرفته شده به عضویت شورا می‌بایست پس از رسمیت یافتن شورا، در اجرای تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۱۴ مکرر قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهردار (مصوب ۱۳۸۲/۷/۶) و مواد ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ آیین نامه داخلی شورای اسلامی شهر مصوب به رییس شورا تقدیم کند و رییس نیز آن را در نخستین جلسه‌ی علنی بعدی شورا در دستور کار قرار دهد و پس از تصویب اکثریت مطلق آرای حاضرین در جلسه، از عضویت شورا خارج

شود.

تبصره ۲ ماده ۱۴ مکرر- پذیرش استعفای هر یک از اعضای شورا منوط به تصویب شورا است.

ماده ۱۱ آیین نامه - هر عضو شورا می‌تواند از مقام خود استعفا دهد. پذیرش استعفاء با تصویب اکثریت مطلق آرای حاضران در جلسه امکان پذیر است.

ماده ۱۲- عضو متقاضی استعفاء باید تقاضای خود را با ذکر دلایل به رییس تقدیم نماید و رییس آن را در نخستین جلسه علنی بعدی شورا در دستور کار قرار دهد و در این فاصله عضو متقاضی می‌تواند در صورت تمایل اعلام انصراف نماید. ماده ۱۳- برای بررسی تقاضای استعفاء ابتدا تقاضا قرائت می‌شود، سپس شخص متقاضی یا عضو دیگری به تعیین او حداکثر نیم ساعت دلایل استعفاء را بیان می‌نماید و مخالف یا مخالفان نیز به همان مدت می‌توانند صحبت کنند و پس از آن رأی گیری می‌شود.

● همانگونه که می‌دانید مطابق تبصره‌ی یک ذیل بند یک ماده‌ی ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران، شورای اسلامی شهر موظف است بلافاصله پس از رسمیت یافتن نسبت به انتخاب شهردار واجد شرایط اقدام کند. آیا چنانچه شورای اسلامی شهر به دلایل مختلفی از جمله عدم شرکت برخی از اعضای جلسه، رسمیت پیدا نکند وضعیت ادامه‌ی خدمت شهردار چگونه خواهد بود؟ آیا در نهم اردیبهشت ماه هشتاد و شش همزمان با اتمام دوره‌ی دوم شوراهای شهرها و شروع دوره‌ی سوم به معنای خاتمه‌ی خدمت شهرداران محسوب می‌شود؟ آیا در اینجا استاندار می‌تواند به قائم مقامی شورای اسلامی شهر تا رسمیت یافتن شورای اسلامی شهر برای شهرداری سرپرست تعیین کند؟

○ الف- حکم مندرج در تبصره‌ی یک ذیل بند یک ماده‌ی ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران ناظر به زمانی است که شورا رسمیت یافته باشد یعنی مراسم تحلیف، انتخاب هیئت رئیسه و ... برگزار شده باشد. حتی در استفساریه‌ی ماده‌ی ۷۱ که متن آن ذیلاً آورده می‌شود نیز ناظر به زمانی است که شورا رسمیت یافته باشد. با این وجود تا زمانی که شورا رسمیت نیافته شهرداران قبلی می‌بایست به وظایف محوله در سمت شهردار ادامه دهند. به علاوه اصل استمرار حقوق عمومی و عدم تعطیل برداری امور عمومی نیز اقتضا می‌کند که شهردار به وظایف خود ادامه دهد.

ب- همانطور که فوقاً اشاره شد، اجرای تبصره‌ی یک بند یک ماده‌ی ۷۱ و استفساریه آن مبین این نیست که در نهم



و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۳/۱ با توجه به حکم تبصره یک آن که می‌گوید شوراهای اسلامی شهر موظفند بلافاصله پس از رسمیت یافتن نسبت به انتخاب شهردار واجد شرایط اقدام نمایند، این است که حداکثر مدت دوره تصدی شهردار چهار سال است و شوراهای دوره بعد پس از رسمیت یافتن یا قبل از پایان یافتن مدت چهار ساله باید نسبت به انتخاب شهردار اقدام نمایند، یا باید تأمل نمایند تا مدت چهار ساله شهردار قبلی پایان پذیرد؟

#### نظر مجلس:

منظور مقنن از تبصره‌ی یک بند یک ماده ۷۱ قانون مذکور این است که شوراهای اسلامی کشور در هر دوره باید پس از رسمیت یافتن اعم از این که دوره چهار ساله شهردار قبلی پایان یافته باشد یا خیر نسبت به انتخابات شهردار اقدام نمایند.

● آیا دستور العمل محاسبه‌ی عوارض پذیره که طی بخشنامه‌های شماره ۳۹۰۰/۱/۳/۳۴ مورخ ۶۹/۱۱/۲۰ و شماره ۳۴۱۵۰/۱/۳ مورخ ۶۹/۲/۱۷ توسط وزیر کشور وقت جهت اجرا به استانداری‌ها ابلاغ شده است همچنان به قوت خود باقی است یا این که به موجب قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران ملغی الاثر شده است؟

○ دستورالعمل‌های مذکور به اعتبار جانشینی شورای اسلامی شهر توسط وزیر کشور تنظیم و ابلاغ شده است، بنابراین تا زمانی که دستورالعمل‌های یاد شده لغو یا اصلاح نشده‌اند همچنان به قوت خود باقی هستند و مبنای عمل شهرداری برای محاسبه‌ی عوارض پذیره خواهند بود.

اردیبهشت ماه هشتاد و شش خدمت تمامی شهرداران خاتمه می‌یابد، زیرا این امر مغایر با اصول مسلم حقوق عمومی است و موجب رکود در انجام امور عمومی و شهرداری خواهد شد.

ج- مطابق ماده‌ی ۸۵ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران (اصلاحی ۸۲/۷/۶)، هرگاه انتخابات هریک از شوراهای شهر و بخش بنا به دلایل ذکر شده متوقف و یا پس از تشکیل طبق مقررات قانونی منحل شود، تا برگزاری انتخابات مجدد، استاندار جانشین آن شورا خواهد بود. همانطور که ملاحظه می‌شود مصادیق جانشینی استاندار به جای شورای اسلامی شهر در این ماده به وضوح تعیین شده است. به عبارت دیگر در این ماده صراحتاً بیان شده که در دو صورت استاندار جانشین شورای اسلامی خواهد شد: یکی توقف و عدم برگزاری انتخابات شورای شهر و نتیجتاً عدم تشکیل شورای جدید. دوم انحلال شورا پس از تشکیل. در ما نحن فیه هیچ یک از مصادیق مندرج در ماده‌ی ۸۵ محقق نشده است تا استاندار بتواند جانشین شورای شهر بشود. به عبارت دیگر زمینه‌ی جانشینی استاندار محقق نشده است زیرا شورای اسلامی شهر وجود دارد ولی هنوز رسمیت نیافته است. البته باید خاطر نشان کرد در صورتی که عدم رسمیت یافتن شورا ادامه یابد این موضوع بر خلاف مقررات و مخالف مصالح عمومی می‌باشد و می‌بایست شورا مطابق ماده ۸۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران منحل شود. در این صورت پس از انحلال، استاندار جانشین شورا خواهد شد. متن استفسار به ماده‌ی ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب ۱۳۸۲/۳/۶:

#### موضوع استفسار:

ماده واحده - منظور مقنن از عبارت انتخاب شهردار برای مدت چهار سال در بند یک ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف

شماره: هـ / ۸۳ / ۱۲۵۱۲۱ / ۱۳۸۵ / ۱۱ / ۲۵ تاریخ: ۱۳۸۵ / ۹ / ۲۶ شماره دادنامه: ۶۸۴ کلاسه

پرونده: ۱۳۱ / ۸۳ مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکتی: اداره کل حقوقی، املاک و حمایت قضایی وزارت آموزش و پرورش.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال مصوبه جلسه هفتاد و پنجم شورای عالی بیمه خدمات درمانی کشور و دستورالعمل شماره ۱۰۰۰ / ۵۳۱۵ / ب مورخ ۱۳۸۱ / ۱۲ / ۲۹ سازمان بیمه خدمات درمانی کشور.

مقدمه: شاکتی به شرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، به استناد ماده ۱۹۳ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، به منظور تأمین و توزیع متعادل خدمات درمانی بستری مناسب با نیاز در نقاط مختلف کشور با در نظر گرفتن دو عامل مهم قابل دسترسی بودن خدمات برای آحاد مردم و جلوگیری از سرمایه گذارهای خارج از حد نیاز و ... توسط دولت صورت گرفت که متولی این امر نیز وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشد و ضمناً با عنایت به مواد ۲ و ۳ و ۴ قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور مصوب ۱۳۷۳ / ۸ / ۳ مجلس شورای اسلامی دولت موظف است شرایط لازم را برای تحت پوشش قرار دادن تمام گروهها و افراد جامعه که متقاضی بیمه خدمات درمانی هستند فراهم نماید و یکی از وظایف شورای عالی خدمات درمانی کشور، توسعه و تعمیم بیمه خدمات درمانی می‌باشد. حالیه با توجه به این که ماده ۱۷ قانون مارالذکر کلیه بیمارستانها، مراکز بهداشتی و درمانی، مراکز تشخیص و پزشکان کشور را موظف به پذیرش و مداوای بیمه شدگان و ارائه و انجام خدمات و مراقبت‌های پزشکی لازم بر اساس ضوابط و مقررات قانون دانسته، علیهذا شورای عالی بیمه خدمات درمانی کشور علیرغم مفاد صریح قوانین مذکور که هدف از آن



عمومیت بخشیدن به بیمه خدمات درمانی برای احاد ملت و قابل دسترسی بودن خدمات برای همه بیمه شدگان می باشد، در جلسه هفتاد و پنجم مورخ ۱۳۸۱/۱۰/۲۲ تصویب نموده است "پرداخت خسارتهای به جز در موارد اورژانس و استثنایی توسط سازمانهای بیمه گر صورت نپذیرد" و سازمان بیمه خدمات درمانی کشور به استناد مصوبه مذکور طی دستورالعمل شماره ۱۰۰۰/۵۳۱۵۱/ب مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۲۹ از ابتدای سال ۱۳۸۲ پرداخت هزینه های خدمات درمانی بستری بیمه شدگان را در مراکز فاقد قرار داد همکاری با سازمان مذکور جز در موارد اورژانس ممنوع نموده است، لذا به دلیل مخالفت مصوبه و دستور العمل فوق الذکر با قوانین مارالذکر ابطال آنها را تقاضا دارد. مدیر کل روابط عمومی، حقوقی سازمان بیمه خدمات درمانی در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۰۰۱/۳۲۷۰۱ مورخ ۱۳۸۳/۸/۳۰ اعلام داشته اند، مادتين ۳ و ۲ قانون بیمه همگانی خدمات درمانی در خصوص تشکیلات و اهداف شورای عالی بیمه خدمات درمانی است که از این حیث با خواسته خواهان مرتبط نیست. ثانیاً، ماده ۴ قانون موصوف و ماده ۱۹۳ قانون برنامه سوم توسعه در خصوص تحت پوشش قرار دادن بیمه شدگان کشور است که از این جهت نیز خواننده دعوی تقریباً تمامی افراد جامعه را زیر پوشش بیمه قرار داده است که از این نظر ادعای خواهان فاقد وجاهت قانونی است. ثالثاً، اگر چه مدلول ماده ۱۷ قانون بیمه همگانی خدمات درمانی (که خواهان نیز به آن استناد نموده است) ارائه خدمات را به صورت کلی مقرر نموده است، لیکن در انتهای جمله این ماده قانونی عبارت (براساس ضوابط و مقررات) این قانون درج گردیده است، به این معنی که تمامی مستندات پیوست دادخواست خواهان در واقع همان ضوابط و مقرراتی می باشند که توسط شورای عالی بیمه خدمات درمانی تصویب شده است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدید نظر تشکیل و پس از بحث و بررسی وانجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید:

#### رأی هیأت عمومی

نظر به این که مصوبه هفتاد و پنجمین جلسه شورای عالی بیمه خدمات درمانی به شرح بند (ب) دادنامه شماره ۴۸۱/۴۸۵ مورخ ۱۳۸۵/۷/۲ هیأت عمومی دیوان به لحاظ مغایرت با ماده ۱۷ قانون بیمه همگانی مصوب ۱۳۷۳ از جهت ایجاد محدودیت حق بیمه شدگان به منظور انتخاب بیمارستان مراکز بهداشتی و درمانی و مراکز تشخیصی و پزشکان کشور و نفی مسئولیت مطلق سازمان خدمات درمانی در تأمین و پرداخت بلاقید و شرط هزینه های پزشکی، دارویی و درمانی بیمه شدگان خلاف قانون شناخته شده و ابطال گردیده است، دستور العمل شماره ۱۰۰۰/۵۳۱۵۱/ب مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۲۹ مدیر عامل سازمان بیمه خدمات درمانی کشور که ملهم از مصوبه فوق الذکر و در جهت اجرای آن است مغایر هدف و حکم مقنن به شرح ماده ۱۷ قانون فوق الذکر تشخیص داده می شود و مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می گردد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - معاون قضائی دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد

شماره: ه-۸۵/۱۰/۱۲۷۱۰/۱۳۸۵

تاریخ: ۱۳۸۵/۱۰/۳ شماره دادنامه: ۶۸۵ کلاسه پرونده: ۷۱۰/۸۵

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: رئیس شعبه پانزدهم دیوان عدالت اداری.

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۶ و ۲ تجدید نظر دیوان عدالت اداری.

مقدمه: الف - ۱ - شعبه پانزدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۵۸/۸۴ موضوع شکایت آقای غلامرضا صدقی به طرفیت سازمان بیمه خدمات درمانی به خواسته، الزام سازمان مشتکی عنه به پرداخت هزینه های درمانی و بیمارستانی به شرح دادنامه شماره ۱۴۵/۲ مورخ ۱۳۸۵/۱۱/۲۸ چنین رأی صادر نموده است، شاکي خواستار الزام سازمان خواننده به پرداخت هزینه های درمانی عمل جراحی دیسک کمر در مورخ ۱۳۸۳/۹/۹ گردیده و متقابلاً سازمان مزبور با ارسال جوابیه مطالبه وجه را خارج از صلاحیت این دیوان و ماهیتاً نیز اجابت خواسته وی را از تعهدات بیمه ای سازمان متبوع خارج دانسته و تقاضای رد آن را بعمل آورده اینک این شعبه دیوان اولاً از حیث ایراد شکلی چون خواسته مذکوره از منظر خودداری سازمان بیمه خدمات درمانی از ایفاء وظیفه قانونی خود مطرح گردیده نه صرفاً مطالبه وجه بلکه وجه موضوع خواسته در قالب اجرای وظایف سازمانی تأیید می شود که قانونگذار آن را تجویز و تکلیف نموده فلذا با مردود دانستن ایراد مطروحه ثانیاً با توجه به شکایت معنونه و مستندات ابرازی شاکي از جمله تأیید پزشک معالج مشعر بر انجام عمل اورژانسی جراحی دیسک کمر خصوصاً تعهدات قانونی سازمان مندرج در دفترچه بیمه خدمات درمانی بیمه شده... مؤید این حقیقت است که سازمان مشتکی عنه تقبل پرداخت هزینه های درمانی موصوف را که به صورت اورژانسی نیز شاکي بستری و تحت درمان قرار گرفته و مورد تأیید واقع شده و بدیهی است در حالت و وضعیت اورژانس بیمار، رجوع به بیمارستان طرف قرارداد با بیمه خدمات درمانی معتذر و دشواری نماید به همین جهت بنا به مراتب هزینه های موضوع مطالبه از تعهدات قانونی سازمان مشتکی عنه محسوب گردیده که در نتیجه استحقاق شاکي به مطالبه و استیفاء



هزینه‌های درمانی موضوع خواسته که سازمان بیمه خدمات درمانی با عدم پرداخت آن و استنکاف از اجابت تعهدات قانونی اش موجبات تضییع حق بیمه وی را فراهم نموده مقرون به صحت و محرز و ثابت تشخیص و مستنداً به مواد یک و ۱۰ قانون بیمه همگانی خدمات درمانی مصوب ۱۳۸۳/۸/۳ و شق (پ) بند یک ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری حکم به ورود شکایت و الزام سازمان بیمه خدمات درمانی خواننده به پرداخت هزینه‌های موضوع خواسته به تأیید حسابداری مربوطه در حد تعهدات قانونی سازمان بیمه خدمات درمانی در حق مشارالیه صادر و اعلام می‌دارد. الف- ۲- شعبه دوم تجدید نظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ت ۹۱۷/۸۵/۲ موضوع تقاضای تجدید نظر سازمان بیمه خدمات درمانی نسبت به دادنامه شماره ۱۴۵/۲ مورخ ۱۳۸۵/۱/۲۸ شعبه پانزدهم دیوان به شرح دادنامه شماره ۷۹۰ مورخ ۱۳۸۵/۵/۲۱ چنین رأی صادر نموده است، قطع نظر از این که اصولاً و علی القاعده تعیین پزشک معالج و بیمارستان با بیمار است و سازمان نمی‌تواند یک جانبه این امر را به بیمار تحمیل نماید نظر به این که حسب محتویات پرونده تجدید نظر خواننده به صورت اورژانسی و شدت درد و فوریت عمل جراحی به بیمارستان انتقال داده شده است و بخشنامه شماره ۱۴۵۴۵۹/۶/س مورخ ۱۳۸۱/۱/۱۶ استنادی تجدید نظر خواه موارد اورژانس و استثنایی را از خسارت‌های متفرقه مجزا و مستثنی نموده است بنا بر این تجدید نظر خواننده استحقاق دریافت خسارت را بر اساس ضوابط و مقررات سازمان تجدید نظر خواه داشته است. بنا به جهات مذکور نظر به این که دادنامه تجدید نظر خواسته به جهات و دلایل مقیده در آن صادر شده و از طرف تجدید نظر خواه اعتراض مؤثری نشده و دلیلی که فسخ رأی صادره را ایجاب نماید ارائه نکرده است، علیهذا دادنامه تجدید نظر خواسته خالی از اشکال تشخیص و با رد اعتراض تأیید می‌شود. ب- ۱- شعبه پانزدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۲۶۷۲/۸۴ موضوع شکایت آقای عبدالله رضائی راد به طرفیت، سازمان بیمه خدمات درمانی به خواسته، الزام سازمان مشتکی عنه به پرداخت هزینه‌های درمانی و بیمارستانی به شرح دادنامه شماره ۳۸۲/۲ مورخ ۱۳۸۵/۲/۱۶ چنین رأی صادر نموده است، خواسته شاکی به شرح دادخواست تقدیمی علیه سازمان خواننده خواستار الزام سازمان مذکور به پرداخت هزینه‌های درمانی ناشی از دردهای شدید منجر به علت تب مالت گردیده و متقابلاً سازمان مزبور با ارسال جوابیه مطالبه وجه را خارج از صلاحیت این دیوان و ماهیتاً نیز اجابت خواسته شاکی را از تعهدات بیمه‌های سازمان متبوع خارج دانسته و تقاضای رد آن را بعمل آورده اینک این شعبه دیوان اولاً از حیث ایراد شکلی چون خواسته مذکور از منظر خودداری سازمان بیمه خدمات درمانی از ایفاء وظیفه قانونی خود مطرح گردیده نه صرفاً مطالبه وجه بلکه وجه موضوع خواسته در قالب اجرای وظایف سازمانی تادیه می‌شود که قانونگذار آن را تجویز و تکلیف نموده فلذا با مردود دانستن ایراد مطروحه ثانیاً با توجه به شکایت معنونه و مستندات ابرازی شاکی از جمله تأیید و تصدیق پزشک معالج ... خصوصاً تعهدات قانونی سازمان مندرج در دفترچه بیمه خدمات درمانی بیمه شده که نوع هزینه درمانی انجام شده از موارد اعلام شمول بیمه‌های سازمان مستثنی گردیده موید این حقیقت است که سازمان مشتکی عنه تقبل پرداخت هزینه‌های درمانی موصوف را که به صورت اورژانسی نیز شاکی بستری و تحت درمان قرار گرفته و مورد تأیید واقع شده..... حکم به ورود شکایت و الزام سازمان بیمه خدمات درمانی خواننده به پرداخت هزینه‌های موضوع خواسته به تأیید حسابداری مربوطه در حد تعهدات قانونی سازمان بیمه خدمات درمانی در حق مشارالیه صادر و اعلام می‌دارد.

ب- ۲- شعبه ششم تجدید نظر در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۰۲۷/۸۵ موضوع تقاضای تجدید نظر سازمان بیمه خدمات درمانی نسبت به دادنامه شماره ۳۸۲/۲ مورخ ۱۳۸۵/۲/۱۶ شعبه ۱۵ بدوی دیوان به شرح دادنامه شماره ۹۵۲ مورخ ۱۳۸۵/۸/۹ چنین رأی صادر نموده است، اعتراض تجدید نظر خواه به دادنامه تجدید نظر خواسته وارد است زیرا موضوع شکایت و خواسته شاکی الزام مشتکی عنه به پرداخت (هزینه درمانی و بیمارستانی) ناشی از قرارداد فیما بین سازمان تجدید نظر خواه و تجدید نظر خواننده (شاکی پرونده بدوی) بوده است و این قبیل شکایتها با توجه به رأیهای فوق الاشعار صادره از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری خارج از حدود صلاحیت رسیدگی دیوان بوده و در صلاحیت رسیدگی محاکم عمومی دادگستری می‌باشد، بنا علیهذا شعبه بدوی دیوان در مقام رسیدگی و اصدار دادنامه معترض علیه دقت و توجه کافی به امر مذکور ننموده است لذا دادنامه مزبور مخدوش و قابل نقض است ضمن اعلام ورود اعتراض و تجدید نظر خواهی و نقض دادنامه مذکور قرار عدم صلاحیت رسیدگی دیوان به صلاحیت محاکم عمومی دادگستری تهران صادر و اعلام می‌گردد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدید نظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

#### رأی هیأت عمومی

عمومات احکام مقرر در مواد ۵ و ۲ و قسمت اخیر ماده ۱۵ قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور مصوب ۱۳۷۳/۸/۳ در باب تکلیف دولت در زمینه تدارک شرایط لازم برای استفاده افراد جامعه از خدمات درمانی و تشکیل سازمان بیمه خدمات درمانی به منظور تحقق هدف مقنن در جهت تأمین موجبات و امکانات بیمه خدمات درمانی کارکنان دولت و سایر افراد مشمول قانون به ویژه تکلیف دستگاه‌های ذیربط مبنی بر انعقاد قرار داد رأساً یا سازمان بیمه خدمات درمانی و کسر حق سرانه خدمات درمانی از حقوق کارکنان دولت و پرداخت آن به سازمان مزبور مبین آن است که ماهیت رابطه حقوقی مستخدمان دولت با سازمان بیمه خدمات درمانی مبتنی بر الزامات قانونی بوده و ناشی از توافق و تراضی و عقد قرار داد مستقل و مستقیم بین مستخدم دولت و سازمان مذکور نیست. بنابراین شکایت مستخدم دولت از خودداری و امتناع سازمان بیمه خدمات درمانی از ایفاء وظایف و



مسئولیت‌های قانونی مربوط در خصوص تأمین و پرداخت هزینه‌های پرداختی مستخدم دولت به مطلق بیمارستان‌ها، مراکز پزشکی، مراکز بهداشتی درمان و مراکز تشخیص و پزشکان در حد ضوابط و تعرفه‌های قانونی مربوط از نوع دعاوی داخل در صلاحیت دیوان عدالت‌اداری محسوب می‌شود و در نتیجه دادنامه شماره ۷۹۰ مورخ ۱۳۸۵/۵/۲۱ شعبه دوم تجدید نظر مبنی بر تأیید دادنامه بدوی در حدی که مفید این معنی است موافق اصول و موازین قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی به استناد قسمت اخیر ماده ۲۰ اصلاحی قانون دیوان عدالت‌اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع ذیربط در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت‌اداری - علی رازینی

شماره: هـ/۸۲/۷۵۴ و ۵۵۷/۱۲/۱۳۸۵

تاریخ: ۱۳۸۵/۱۱/۸ شماره دادنامه: ۷۳۸، ۷۳۹ کلاسه پرونده: ۷۵۴، ۵۵۷/۸۲

مراجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت‌اداری.

شاکلی: سازمان صنایع هوایی نیروهای مسلح - صنایع پشتیبانی و نوسازی هلیکوپترهای ایران.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال صدر بخشنامه شماره ۱۳۸۲/۵/۲۱ معاون فنی و درآمد سازمان تأمین اجتماعی. و نیز ابطال ابلاغیه شماره ۱۳۷۰/۴۶۷۲۱ مورخ ۵۰۰۰/۴۶۷۲۱ مورخ ۱۳۸۲/۵/۲۱ معاون فنی و درآمد سازمان تأمین اجتماعی.

مقدمه: شکایت به شرح دادخواست‌های تقدیمی اعلام‌داشته‌اند، ۱- صنایع زیر مجموعه این سازمان از سال ۱۳۷۲ تا اواخر سال ۱۳۸۰ به موجب قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۶۸/۱۲/۱۳ و بخشنامه فنی شماره ۷ مورخ ۱۳۷۰/۱۲/۱۰ رئیس هیأت مدیره و مدیر عامل سازمان تأمین اجتماعی و همچنین مجوز صادره به شماره ۶/۸۸۶۵ مورخ ۱۳۷۲/۲/۲۴ معاون اداره کل مستمری‌های سازمان تأمین اجتماعی کارکنان خود را بر اساس شرایط مقرر در ماده ۲ قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری سال ۱۳۶۸ و نیز قانون اصلاح بند (ب) تبصره یک ماده ۲ قانون مذکور مصوب ۱۳۷۰/۱۰/۳ (مستخدمین مرد با داشتن ۲۵ سال سابقه خدمت و ۵۰ سال سن و مستخدمین زن با ۲۰ سال سابقه خدمت بدون رعایت شرایط سنی) جهت بازنشستگی به سازمان تأمین اجتماعی معرفی و پس از احراز شرایط فوق تعداد کثیری از کارکنان این سازمان بر اساس احکام صادره از سوی سازمان مذکور به افتخار بازنشستگی نایل گردیده‌اند. ۲- سازمان تأمین اجتماعی در اواخر سال ۱۳۸۰ پس از گذشت ۸ سال از اجرای مقررات بازنشستگی فوق در صنایع زیر مجموعه این سازمان، به لحاظ استنباط جدید از قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۶۸/۱۲/۱۳ به موجب بخشنامه فنی شماره ۵۰۳۰/۱۹۷۱۸ مورخ ۱۳۸۱/۳/۵ محدودیت‌هایی را بر خلاف قانون فوق بر مشمولین قانون تأمین اجتماعی اعمال نموده و صرفاً مستخدمین مشمول مقررات استخدامی شرکت‌های دولتی مصوب ۱۳۵۲ را که از نظر بازنشستگی تابع قانون تأمین اجتماعی می‌باشند در شمول قانون اصلاح مقررات بازنشستگی مصوب سال ۱۳۶۸ قرار داده و متعاقب آن برابر نامه شماره ۵۰۳۰/۴۶۷۲۱ مورخ ۱۳۸۲/۵/۲۱ به این سازمان ابلاغ نموده که با اجرای مفاد تبصره یک ماده ۲ قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه مصوب سال ۱۳۶۸ صدور احکام بازنشستگی و برقراری مستمری کارکنان واجد شرایط بازنشستگی شرکت‌های تابعه این سازمان، هماهنگ نمی‌باشد. ۳- این سازمان با توجه به دلایل ذیل، مفاد تبصره یک ماده ۲ قانون مذکور را شامل کارکنان مشمول قانون تأمین اجتماعی که در دستگاه‌های مذکور در ماده ۲ قانون فوق شاغل هستند نیز می‌داند. الف- بنا به اطلاق ماده ۲ قانون مورد بحث بدون این که به مشمولین انواع خاصی از مقررات استخدامی اشاره بشود مفاد این ماده به کلیه کارکنان دولت از جمله آن دسته از کارکنان دولت که مشمول قانون تأمین اجتماعی می‌باشند نیز تسری دارد. از سوی دیگر تبصره یک ماده ۲ فوق نیز استثناء بر حکم کلی مندرج در متن ماده ۲ محسوب می‌گردد. فلذا با عنایت به این که افراد حکم مستثنی (یعنی مشمولین تبصره یک) داخل در افراد مستثنی منه (یعنی مشمولین ماده ۲) می‌باشند، بنابراین هیچگونه تردیدی وجود ندارد که منظور از عبارت "مستخدم رسمی و یا ثابت مشمولین این قانون" در متن تبصره یک، مستخدمین رسمی و یا ثابت مشمول ماده ۲ می‌باشد. ب- در همین راستا، ابتدا عبارت تبصره ۲ ماده ۲ با ذکر کلمه "صرفاً" به این نکته تأکید دارد که موضوعات خارج شده از شمول تبصره یک ماده ۲ به صورت حصری در متن تبصره ۲ همان ماده ذکر گردیده است و چون در میان موارد استثناء به مشمولین قانون تأمین اجتماعی اشاره نشده است، بنابراین مستخدمین دولتی مشمول قانون تأمین اجتماعی در شمول تبصره یک ماده ۲ قرار دارند. ج- در قانون مصوب ۱۳۶۸/۱۲/۱۳ قرائن دیگری در جهت تأیید مراتب فوق وجود دارد، از جمله این که به موجب ماده ۹ قانون مورد بحث، دایره شمول آن توأمأ شامل مستخدمین مشمول مقررات استخدامی شرکت‌های دولتی مصوب ۱۳۵۲/۳/۵ و نیز دستگاه‌های دارای مقررات استخدامی خاص گردیده است و بالطبع این امر بیانگر گستردگی قلمرو شمول قانون فوق می‌باشد. با عنایت به مطالب معنونه درخواست می‌شود، نسبت به ابطال صدر بخشنامه شماره ۱۳۸۱/۳/۵ معاونت فنی و درآمد اداره کل استان تهران بزرگ سازمان تأمین اجتماعی در خصوص محدود نمودن مفاد آن به مشمولین مقررات استخدامی شرکت‌های دولتی و همچنین ابطال بند (۴) بخشنامه مذکور در ارتباط با محدود نمودن مفاد بند مزبور به شرط سی سال



خدمت جهت بازنشستگی و نیز نسبت به ابطال ابلاغیه شماره ۵۰۰۰/۴۶۷۲۱ مورخ ۱۳۸۲/۵/۲۱ معاونت فنی و درآمد سازمان تأمین اجتماعی اقدام گردد. معاون حقوقی و امور مجلس سازمان تأمین اجتماعی در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۷۱۰۰/۱۰۶۲۸ مورخ ۱۳۸۳/۴/۲۸ اعلام داشته‌اند، ۱- مستخدمین شکات از حیث بیمه و بازنشستگی مشمول مقررات قانون تأمین اجتماعی هستند. دلایل این مدعا به قرار ذیل است، اولاً- اظهارات صریح خود شکات در دادخواست‌های تقدیمی، ثانیاً- بند (ب) ماده یک قانون مقررات استخدامی شرکت‌های دولتی مصوب ۱۳۵۲ که صریحاً شرکت‌های وابسته به وزارت جنگ (که شامل شکات می‌باشد) را از شمول مقررات استخدامی حاکم بر شرکت‌های دولتی خارج دانسته و تشخیص وضعیت استخدامی آنها به وزارت مزبور محول شد. به همین دلیل وقتی که در اجرای تبصره ۴ ماده ۱۱ قانون تشکیل وزارت بهداشتی و بهداشتی مصوب ۱۳۵۵/۴/۶ صندوق بازنشستگی مستخدمین شرکت‌های دولتی منحل شد و در سازمان تأمین اجتماعی ادغام گردید، کارکنان این قبیل شرکت‌ها مشمول قانون تأمین اجتماعی قرار گرفتند. ثالثاً- اساسنامه‌های شرکت‌های شکات که مستخدمین خود را از حیث بیمه و بازنشستگی صریحاً مشمول مقررات قانون تأمین اجتماعی قرار داده‌اند. ۲- نتیجه قانونی و منطقی که از مشمولیت شرکت‌های شاکی تحت قانون تأمین اجتماعی به دست می‌آید به طور خلاصه عبارتند از الف- مستخدمین مزبور یکی از مصادیق مشمولین قانون تأمین اجتماعی بوده و به همین اعتبار لزوماً و بدون تفکیک از سایر مشمولین تأمین اجتماعی، مشمول کلیه احکام و مقررات حاکم بر امر بازنشستگی می‌باشند. خارج گردیدن این گونه مستخدمین از احکام کلی بازنشستگی مقرر در قانون تأمین اجتماعی مستلزم نص صریح قانون می‌باشد. بدیهی است به استناد عبارات کلی و اطلاعات ادله نمی‌توان حکم بر چنین خروجی نمود. عبارت "مستخدمین رسمی" مندرج در ماده ۲ قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۶۸ یک عبارت مطلق و کلی بود، به لحاظ حکم بازنشستگی شامل آن دسته از مستخدمین رسمی که مشمول قانون خاص می‌باشند، نمی‌گردد. ب- از حیث لزوم تبعیت از مقررات واحد تأمین اجتماعی، فرقی بین مشمولین قانون تأمین اجتماعی قاعداً وجود ندارد. یعنی از منظر قانون تأمین اجتماعی، تفاوتی میان این که مشمولین آن مستخدمین دولتی باشند یا مستخدمین بخش خصوصی وجود ندارد بلکه بلا تفاوت کلیه مشمولین آن از حیث شرایط بازنشستگی از یک رژیم تبعیت می‌کنند. ۳- برخلاف سوء استنباط شکات، استفاده از مزایای مقرر در قانون سال ۱۳۶۸ تابع وصف دولتی یا مستخدم رسمی بودن نیست. شاکی از این امر مهم غفلت نموده است که مستخدمین آنها ولو این که کارمند دولت هم باشند، از حیث احکام بازنشستگی از همان ابتدا مشمول مقررات خاص تأمین اجتماعی بوده‌اند و به دلیل عمومات و اطلاعات احکام بازنشستگی کارمندان دولت اساساً شامل این دسته از مستخدمین دولتی نیست. با توجه به جمیع مراتب بالا صدور حکم بر رد شکایت مطروحه را دارد. مدیر کل دفتر امور حقوقی و دعاوی سازمان تأمین اجتماعی در پاسخ به دعوت نماینده جهت اداء توضیحات در جلسه هیأت عمومی دیوان طی نامه شماره ۷۱۰۰/۴۲۳۸۸ مورخ ۱۳۸۵/۱۱/۱۷ اعلام داشته‌اند، بر طبق رویه فعلی سازمان، بازنشستگی مستخدمین رسمی و ثابت شرکت‌های دولتی که به لحاظ بیمه و حمایت‌های مربوط به آن مشمول قانون تأمین اجتماعی هستند، تابع ضوابط و مقررات مذکور در قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری است و این گونه مستخدمان صرف نظر از نوع مقررات استخدامی حاکم بر آنان، به لحاظ بازنشستگی، تابع قانون اخیر الذکر می‌باشند. لذا آن بخش از مفاد بخشنامه و ابلاغیه مورد شکایت که با این امر منافات داشته، عملاً منقذ شده و بدین گونه خواسته شکات اجابت گردیده است. لذا ضمن ایفاد تصویر نامه شماره ۸۷۱۴۳ مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۷ اداره کل امور فنی مستمری‌های سازمان که در همین معنی صادر شده است، خواهشمند است دستور فرمایید نسبت به رد شکایت مطروحه حکم مقتضی صادر فرمایند. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدید نظر تشکیل و پس از استماع توضیحات نمایندگان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و سازمان بازنشستگی کشوری و بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

#### رأی هیأت عمومی

در ماده ۲ قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری تصریح شده است که بازنشستگی مستخدمین رسمی، ثابت و دارای عناوین مشابه وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی، شهرداریها و مؤسسات دولتی که مشمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است با حداقل سی سال سابقه خدمت قابل قبول از لحاظ بازنشستگی طبق مقررات مربوط خواهد بود. نظر به عموم و اطلاق ماده مزبور و تأکید قانونگذار به شمول این قانون در باره مطلق مستخدمین مشمول مقررات استخدامی شرکت‌های دولتی و مستخدمین دستگاه‌های دارای مقررات استخدامی خاص به شرح ماده ۹ و ضرورت ادغام کلیه صندوق‌های بازنشستگی در یکدیگر به استثنای صندوق بازنشستگی مشمولین قانون استخدامی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و سازمان تأمین اجتماعی (بخش کارگران، صاحبان حرف و ...) و این که سازمان تأمین اجتماعی به شرح لایحه شماره ۷۱۰۰/۴۲۳۸۸ مورخ ۱۳۸۵/۱۱/۷ با انجام خواسته شاکیان موافقت به عمل آورده است، صدر بخشنامه شماره ۵۰۳۰/۱۹۷۱۸ مورخ ۱۳۸۱/۳/۵ و بند ۴ آن که مفید محدودیت در قلمرو مصدحات احکام قانون فوق الذکر است، معاینه قانون تشخیص داده می‌شود و مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد و به تبع آن ابلاغیه شماره ۵۰۰۰/۴۶۷۲۱ مورخ ۱۳۸۲/۵/۲۱ نیز کان لم یکن اعلام می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری- معاون قضائی دیوان عدالت اداری- مقدسی فرد



## پرسه در متون "استقلال بلدی"



### رخ داده‌های ایران و جهان

این سند، مقاله‌ایست برگرفته از مجله‌ی شماره‌ی دو بلدیة که به تاریخ بیست و شش جوزا (خرداد) ۱۳۰۰ خورشیدی برابر با ژوئن ۱۹۲۱ میلادی انتشار یافته است. مدیر مجله، عباس خلیلی و ناشر آن بلدیة (شهرداری) تهران است. مقاله بازتابی است از بر رویهم شرایط تاریخی ایران و جهان، شرایطی که بررسی حتی نه چندان عمیق آن می‌تواند علت پیشگامی و پویایی این مقاله‌ی شهری را آشکار سازد. مقاله در پایتخت سرزمینی نگاشته شده که فرمانروای فرسوده‌ی قاجاری دیگر نمی‌توانست سکان کشورداری را در دستان شاهزاده‌ی نوجوان و بی‌ت زده‌ی قاجاری، احمدشاه (پاد ۱۲۸۵ - ۱۳۰۰ خ) نگاهدارد. لرزه‌های انقلاب مشروطیت پایه‌های فرمانروایی پیشینیان او را به اندازه‌ی کافی سست کرده بود تا فشار قرارداد و وثوق الدوله (۱۹۱۹ م) بتواند تومار تاریخ بیکبارچگی ایران را فرو بپجد.

نگاهی به رویدادهای سالی که مقاله در آن نگاشته شده، می‌تواند زمینه‌ی فراهم آمدن چنین اندیشه‌ای را در تاریخ شهری ایران رقم زند. سالی پیش از این تاریخ - ۱۲۹۹ خورشیدی - احمدشاه که از سفر اروپا یکسره به زیارت عتبات رفته بود، در بازگشت عسای مرصعی را به وثوق الدوله، امضاکننده‌ی قرارداد ۱۹۱۹ م ناز شست داد. سرهنگ فضل الله آق‌اولی، افسر بلندپایه‌ی ژاندارمری عضو کمیسیون قرارداد که نتوانسته بود تحت‌الحمایگی ایران به دست انگلستان را تاب آورد با گلوله‌ای به زندگی خود پایان داد. شیخ محمد خیابانی در تبریز شورید و میرزا کوچک خان و احسان‌الله خان در گیلان دولت جمهوری تشکیل دادند. این رخدادها با پیشرفت‌های شگفت اروپا هم هنگام بود. با نگاهی به رویدادهای برون مرزهای ایران می‌توان شکاف هراس‌انگیز میان این دو را دریافت. جهان در این سال‌های آغاز دهه‌ی سوم سده‌ی بیستم با شتاب مرزهای جهان خرد (هسته‌ای) و کلان (کیهانی) را در می‌نوردید، چندان که در

سال ۱۹۲۰ اخترشناس آلمانی ماکسیمیلیان ولف (۱۸۶۳-۱۹۳۲) کهکشانشان راه شیری را کشف می‌کند، ارنست رادرفورد (۱۸۷۱-۱۹۳۷) وجود نوترون را به صورت اصل موضوعی می‌پذیرد و خودرو با ترمزهای هیدرولیکی (روغنی) در فرانسه و امریکا به بازار می‌آید. آلبرت هال (۱۸۸۰-۱۹۶۶) فیزیکدان امریکایی لامپ مگنترون برای تولید میکروموج را نوآوری می‌کند.

در زمینه‌ی هنر و ادبیات، چارلی چاپلین فیلم پسرپچه را می‌سازد، لویجی پیراندللو (۱۸۶۷-۱۹۳۶) نمایشنامه‌نویس ایتالیایی، نمایشنامه‌ی شش هنرپیشه در جستجوی یک نویسنده را می‌نویسد و تی اس الیت (۱۸۸۸-۱۹۶۵) شاعر و منتقد انگلیسی سرزمین سترون را می‌نگارد. ماکس وبر (۱۸۶۴-۱۹۲۰) جامعه‌شناس آلمانی اقتصاد در جامعه را انتشار می‌دهد.

در این سال جامعه‌ی اروپا درگیر دگرگونی‌های بزرگی شده بود. فاشیست‌های ایتالیا در رم رژه می‌روند و بنیتو موسولینی (۱۸۸۲-۱۹۴۵) رهبری آنان را به دست می‌گیرد. اتحاد جمهوری‌های شوروی سوسیالیستی بیکبارچگی خود را به دست می‌آورد. ایرلند جنوبی از بیکره‌ی بریتانیا جدا شده دولت مستقل تشکیل می‌دهد و جنگ داخلی (۱۹۲۱-۱۹۲۳) آغاز می‌شود. در همین سال مصر استقلال می‌یابد و مانوته دونگ حزب کمونیست چین را پی می‌ریزد. ملک فیصل (پاد ۱۹۲۱-۱۹۳۳) شاه کشور نوپای عراق می‌شود.

اروپای رها شده از جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸) با بحران‌های بزرگ اقتصادی پس از جنگ دست و پنجه نرم می‌کند. این بحران‌ها بیش از همه به سراغ انگلیس در بخش کانسارها، راه‌آهن و ترابری (دریایی و خشکی) رفته است. کاهش صادرات زغال‌سنگ در بریتانیا به کاهش دستمزد و سرانجام به اعتصاب خونین پانزده آوریل ۱۹۲۱ می‌انجامد که به 'جمعه سیاه' معروف است. این رخداد درست دو ماه



احسان‌الله‌خان نیز با اردویی با نیروهای دولتی جنگ را می‌آغازد و کلاردشت و چالوس را تصرف می‌کند.

همه‌ی آنچه آمد، هم هنگام با نوشتاری است که در مجله‌ی بلدیة به سردبیری عباس خلیلی چاپ شده است. چنین می‌نماید که این مقاله تنها می‌تواند نگاشته‌ی کسی باشد که قلمی توانا داشته و به‌اداره‌ی کارها و مسائل شهری آن روزگار آشنایی کامل داشته است. با نگاهی به زندگینامه‌ی سردبیر مجله‌ی بلدیة می‌توان حدس زد که نویسنده‌ی چنین مقاله‌ی بی‌پروا و پخته‌ای با نام مستعار زردشتی و دور از ذهن "انیران" جز عباس خلیلی کس دیگری نمی‌تواند باشد. آوردن بخشی از زندگی اجتماعی و فرهنگی وی می‌تواند بر این حدس مهر یقین بگذارد.

عباس خلیلی نواده‌ی حاج ملاعلی، از علمای بزرگ سده‌ی سیزدهم قمری در نجف زاده شد. در همانجا درس خواند. در جنبش ضد انگلیسی عراق جمعیتی به نام "نهضت اسلام" تشکیل داد و خود در رأس آن قرار گرفت و زبان‌های فراوان به انگلیسی‌ها رساند. پس از جنگ اول جهانی که انگلیسیان به عراق دست یافتند، گروهی از جوانان شوریدند و فرمانروای انگلیسی عراق را کشتند. انگلیسیان سپاه آورده نجف را شهرنبدان کردند.

همه‌ی آن جوانان دستگیر و به دار آویخته شدند، مگر دو تن که یکی از آنان عباس خلیلی بود که پیاده‌از پیراه به ایران آمد و برای آن که شناخته نشود خود را شیخ علی فتی الاسلام نامید و برای روزنامه‌ی رعد به سردبیری سیدضیاءالدین طباطبایی، مقاله‌های عربی ترجمه می‌کرد. پس از عفو عمومی انگلیسیان، نام حقیقی خود را آشکار ساخت و از آن پس زندگانی بهتری یافت و به یاری سیدضیاءالدین اداره‌ی روزنامه‌ی بلدیة را به عهده گرفت و سردبیر آن شد. پس از شکست کودتا و رفتن سیدضیاء از ایران، خلیلی روزنامه‌ی اقدام را پی نهاد و آثار ادبی خود را پدید آورد. وی به شدت تحت تأثیر آکساندر دوما<sup>(۱)</sup> بود. چندان که نخستین و بهترین رمان ادبی خود را به نام روزگار سیاه (مهرماه ۱۳۰۳) را به تأثیر از لادام اوکاملیا<sup>(۲)</sup> نوشت.

کارهای دیگر خلیلی که چندان هم به مانند رمان نخستین او مورد اعتنا نبود، عبارتند از: انتقام (مرداد ۱۳۰۴)، انسان (۱۳۰۴) و اسرار شب (فروردین ۱۳۰۵). دستمایه‌ی همه‌ی این رمان‌ها سرنوشت زن ایرانی است. در سال‌های بعد خلیلی به سوی مبارزات مطبوعاتی کشیده شد. چندان که در بیست و پنج دی‌ماه ۱۳۲۵ در اعتراض به انتخابات مجلس شورای ملی با تکی چند از هم‌اندیشان خود، در دربار بست نشست. در هفده خرداد سال بعد بازداشت شد و روزنامه‌ی اقدام توقیف گردید. در دوم شهریور ۱۳۲۷ به نیابت ریاست عمومی "اتحاد السلام" برگزیده شد تا کارهای مسلمانان ایران، افغانستان، پاکستان و شوروی را سرورسان دهد (۱۹۴۶ م). در بیست و دوم شهریور ۱۳۲۸ بار دیگر به همراه دکتر مصدق و بسیاری دیگر در دربار پهلوی بست

پیش از چاپ این مقاله در مجله‌ی بلدیة روی می‌دهد. اینک نگاهی به رخدادهای ایران نیز می‌تواند این جورچین بزرگ را کامل سازد تا بهتر بتوان پیوند و فراز و فرودها را دریافت. دولت وطن فروخته‌ی وثوق‌الدوله در خردادماه ۱۲۹۹ سقوط می‌کند و دولت‌های مستعجل حسن مشیرالدوله (۱۲۵۲-۱۳۱۴ ش) و فتح‌الله سپهدار رشتی، آشفته‌گی سیاسی و قحط‌الرجال قاجاری را به خوبی نشان می‌دهد. سرانجام در سوم اسفندماه همین سال رضاخان میرپنج و سیدضیاءالدین طباطبایی با کودتایی نظامی در تهران، رشته‌ی کارها را به دست می‌گیرند و سپهدار رئیس الوزراء به سفارت انگلیس پناه می‌برد و اعلامیه‌ی حکومت کودتا نیز اجرا می‌شود.

در نخستین روز فروردین ماه سال ۱۳۰۰ برابر با آغاز سده‌ی چهاردهم خورشیدی و در سلام رسمی عید نوروز سیدضیاء تشکیل اداره‌ی بلدیة را در تهران و شهرهای دیگر ایران اعلام می‌کند و این آغاز به کار رسمی و دولتی شهرداری در ایران است. اما رخدادهای سیاسی و اجتماعی بزرگی یکسره شهرها و مسائل شهری را در محاق کشیده بود؛ چندان که کلنل پسیان (۱۲۶۹-۱۳۰۰ خ) فرمانده‌ی ژاندارمری خراسان قوام‌السلطنه برادر وثوق‌الدوله را بازداشت و تحت‌الحفظ به تهران می‌فرستد. نیروهای روسی و انگلیسی یکسره ایران را تخلیه می‌کنند. سردار سپه وزیر جنگ می‌شود و بلدیة تهران برای نخستین بار چند خیابان مانند، ناصریه (ناصر خسرو)، علاءالدوله (فردوسی)، باب همایون، چراغ گاز و اسلامبول و ... را با چراغ برق روشن می‌کند.

بلدیة دارالایتمام [= پرورشگاه] بزرگی را پی می‌ریزد و کودکان یتیم را گردآوری می‌کند و در آنجا تحت تعلیم و تربیت قرار می‌دهد. میرزاده‌ی عشقی روزنامه‌ی قرن بیستم را نشر می‌دهد و در چهار خردادماه احمدشاه فرمان برکناری سیدضیاء را صادر می‌کند. در همان روز بعد از ظهر ایکچیان رئیس بلدیة، ماژور محمدخان، کلنل کاظم‌خان با عده‌ای نگهبان قزاق در سه اتومبیل سواری راهی قزوین می‌شوند تا از راه بغداد به اروپا بروند. چهار روز بعد قوام‌السلطنه زندانی پیشین سیدضیاء نخست‌وزیر می‌شود؟!

همه‌ی سران و دست‌اندرکاران دولت سیدضیاء بازداشت و زندانی و از آن سو، عین‌الدوله، سپهسالار و فرمانفرما دولتمردان فوتوت و شناخته‌ی قاجاری آزاد می‌شوند.

ده خردادماه کلنل در تلگرافی به فرماندهان ژاندارمری خراسان درباره‌ی ادامه‌ی کار خود نظرخواهی می‌کند. پاسخ مثبت آنان برابر با سرپنجی از دولت مرکزی است و روز بعد میرزا کوچک بار دیگر اعلام جمهوری می‌کند. بیست و یک خردادماه یگان‌های ژاندارمری سواره، پیاده و توپخانه به فرمان کلنل پسیان در شهر مشهد رژه می‌روند. بیست و پنج خرداد ساعدالدوله فرزند سپهسالار تنکابنی سر از فرمان دولت می‌بچند و می‌شورد و آماده‌ی ورود به تهران می‌شود.



استفاده نخواهد کرد.

خاید هم نسبی باین مسئله برده اند سکه برای تطبیق و روشانی و نگهداری آینه و تفریحگاه های عمومی هر شهر مجبور است سکه بلدی مخصوص و مایهات کافی داشته باشد و این بلدی سکه بالآخره باین موافق قانون انتخاب کرده دارای اعتبارات محدود بوده و برای اصلاحات محلی و اجاره و غیره اختیارات کافی نخواهد داشت.

هزینری مجبور است که برای تکالیف خارج ضروری خود مایهات نواقل و رسوم و مسخرات و غیره را تخصیص دهد. اینک که موقعی و عمل فرا رسیده و اولین قدم برای اجتم و اجرای این مقصود برداشته شده است. می بینیم مرسین اجتم را وسیله و پایه خود قرار داده و لایحه میگذرد که در دست خویش امین بعضی و نلاکت دستگیری خود را فراهم سازند.

عبارت و دلالی که این اشخاص برای اثبات مدعی خود در میبایند با اداره معمل است که اسان از پیشین

آن ما تحصیل و منتقل میگردد. از قبیل اینست: میگویند: این مردم فقیر حسنه اینها چراغ الکتریک و کویچه های تیز و مترشح های عمومی نمیخواهند. بیچاره افراد حرام نمی خواهند لازم نیست سر و صورت آنها را اصلاح نموده و بلایا باین کاره بدهند.

از نشین این جملات رفته بر بدن انسان باطنه و می بیند سکه هموطن او بقدری در جهالت و فقرت توطه در هسته که هنوز تصور نمیشاید برای توشیح آن نام با نواقل آن تیر لازم است که مایه فنی بوده و این فکر بجوراً باید با کفایت زندگانی کند.

ما در آیم می خواهیم کرد که طریق زندگانی و نواصی اجتماعی هم شهرهای خود را از منزل و کویچه و جاری بید و غیره شرح داده و آن وقت از علم اهداف علم سکه آیا چنین وصیت امشاک شهر طهران بلدی و بی لازم دارد یا خیر؟

### استقلال بلدی

در هیجک از اعصار تاریخی مسائل بلدی بدمر آن ازم مهم و قابل توجه نبوده اند. امروزه مساعی بلدی شهرت و حبت کب اهالی و پنظرواق شده است. همه نین دن توجه گشته و انتقاد آرا جوان سخن و موضوع حسن قرار داده است. جین سکه صلب آفره حبت آرا افنده کرده و قومی به پیشرفت آن فرزومند میشد. بن و فهم فلسفه این نظریات در مورد بزرگترین مؤسسه عمومی می باشد: اولاً برای آنکه بلدی اداره است

مردم که هنوز وجود آن شهر قادر بر اداره شؤون زندگانی نیست، زیرا اثرات جمیع سکه با احتیاجات عیدیه پرمیستان وجود یک مؤسسه منظمی را مازم دستاوردت. دیگر اینک بلدی در ابتدا امر بجای خود را بهر طرف افراشته و کبیه اشتغالات بلدی پایتخت را در زیر سایه نظارت و قیومیت خویش در آورده است. امروزه اهالی طهران نه تنها حفاظت معمار را از بلدی آن انتظار دارند بلکه ضمانت ارزاقی حدها معمه امین و فهموما التیم کبیه جرایمات اجتناب

### بیدق برای

این محطرا که مستفا درجه شمت رسید است از اقدامات توفع می نمایند. خلاصه اداره مزبور هم برای انجام این مرام و نیل باین مقصود مرتب گردید و خواله ایجاد کرده است و بیسن شطه نظر اهالی اخصام دارند که بدانند پیشگفت از آزادی آنها در مقابل کدام منافع شخصی، عمومی و حقیقی سلب شده و نیز مالیاتی را که می پردازند چگونه و بچه بشود صرف میگردد.

در اینجا ما بمسئله طرز تشکیلات بی استقلال و استمرار بلدی جدید متصادف میبوم.

آیا تشکیلات بلدی امروزه باید بچه قسم باشد تا اداره مزبور برای سرعت پیشرفت و ترقی آنچه را که در تحت نظارت و قیومیت خود در آورده وسیله بهتری بدست آرد؟ آیا بلدی ایستی که بطرز «پروگرامی» ساکن بانی ماند با اینک تشکیلات منظم و مستقل را دارا گردد؟ ایست مسئله که قبل از هر چیز حواس ما را بحدود مطوف میبازد.

و غیره حاصل و ایجاد شده است ممنوع میگردد. علاوه قوای سیاسی هم هم باین حجت میتواند هر گونه ممالی را عقیم گذاشته و مزبور اقدامی را که بنظر آنها قبل از وقت بوقوع میبوند و از حدود که رسا آنها نمین کرده اند تجاوز نموده طلع سازند.

این قسم بلدی ها بکناسات انتقانی و انحصاری باشند و طرز انتخاب آنها قسمی است که لایحه مصالح «پروگرامیک» و منافع طبقات دولتمند وارد نیاید. ما برای اثبات این ادعا امثله عیدیه از تاریخ تشکیلات بلدی در دست داریم.

در این موضوع که منسح بایران نیست اشخاص می نفس میتوانند برای کسب اطلاع تاریخ بلدی تمام عالم در زمان استیفاء صرف مخصوصاً تاریخ بلدی روسیه قبل از انقلاب ۱۹۱۷ مراجعه نمایند تا صحت مطلب مشخص بشود. اینهم گفته نماید که سیستم تشکیلات بلدی ایران حتی پس از برج حمله هم در زمره بلدی های «پروگرامیک» محسوب شده و پیش از این ما اعتراف میبیم که طرز تشکیلات بلدی حایه نیز یک سیستم تا پسندیده میباشد و بچه بود که حوده بلدی را در نتیجه خویشی برتاب نماید. نتایج جمیع تشکیلات واضح و تا اندازه ای محسوس شده اند. در نتیجه تحریک زندگانی بلدی است که حوده مایه اقتصادی، اصلاحی، علمی، ارزاقی وسیعاً ما بهدر رفته. مایهات و اموال عامه پیدا گشته. قوای اجتهاد و فکر به درمخاض اشتغال مسکونی گردیده. قوای اسلیه تقب شده. حرکات کل بی نظم مانده. ارزاق عمومی و صحیح شهری تهید شده. بخلکت شدت کرده و بالاخره شهر یک کانون نسومی تبدیل بلایه که آنچه مطلوب و لایق بوده در کن خاکستر شده است.

مقصود ما از بیده «پروگرامیک» بدهی است گذر حقوق خود محمود و در تحت قیومیت مستقیم قوای سیاسی عمل واقع شده و تابع و مطیع آنها باشد. حدود مساعی بیس لغت حقوق و وظایف این قسم بلدی را قبلاً قوایین و نقاشیه های حکومتی قیومیت میکنند. محمود مزبور همصرا دولتمرو سیاست اقتصادی و مایه آن مؤسسه تجاوز میکند باین معنی که در تحت اقتدار اقتصادی آرا از بیان برده و بالاخره سرچشمه مایهات بلدی را که برای تحصیل و نیل بایه ایجاد خدمات مسعود میبازد. تا باین طریق طایقت آن اداره بواسطه فقدان تقوا و استیصال عقیم میاند. حتی از اثر همین تعدی است که اعلان و انتشار تصمبات و تقاضاهای اجاری که در خصوص مسائل عمومی وجوده از قبیل معارف، اخذ مالیات، استناد خرج، تقسیم اجتهارات

نشستند. در همین سال روزنامه ای اقدام توقیف شد.

### باز خوانی سند

این متن کامل سندي است که ارزش آن با گذشت هشتاد و شش سال بیشتر نمایان می شود. چند واژه از آن ناخوانا ماند، اما باز خوانی متن ضرورتی گریزناپذیر می نماید که در بخش بررسی سند به چارچوبی بسیار مستحکم آن خواهیم پرداخت.

### استقلال بلدی

در هیجک از اعصار تاریخی مسائل بلدی بقدر این ایام مهم و قابل توجه نبوده اند. امروزه مساعی بلدی طهران جالب دقت و موضوع صحبت کلیه اهالی پایتخت واقع شده است. همه کس به آن متوجه گشته و انتقاد آنرا عنوان مقال موضوع سخن قرار داده است. جمعی با نگاه غضب الود اهمیت آن را انکار کرده و قومی به پیشرفت آن آرزومند می باشند. بیان و فهم فلسفه این نظریات در مورد بزرگترین مؤسسه عمومی [؟] نیست: اولاً برای آنکه بلدی اداره ایست عمومی که بدون وجود آن شهر قادر بر اداره شؤون زندگانی نیست، زیرا کثرت

جمعیت سکنه با احتیاجات عیدیه یومیه شان وجود یک مؤسسه منظمی را ملزم ساخته است. دیگر این که بلدی در ابتدای این امر بالهای خود را بهر طرف افراشته و کلیه اشتغالات بلدی پایتخت را در زیر سایه نظارت و قیومیت خویش در آورده است. امروزه اهالی طهران نه تنها محافظت معابر را از بلدی آن انتظار دارند بلکه ضمانت ارزاق، حفظ الصحه، امنیت و مخصوصاً التیم کلیه جراحات اجتماعی این محیط را که بمنتها درجه شدت رسیده است از آن اداره توقع می نمایند. خلاصه اداره مزبور هم برای انجام این مرام و نیل باین مقصود مرتب گردیده و عوائد ایجاد کرده است و بهمین نقطه نظر اهالی اهتمام دارند که بدانند یک قسمت از آزادی آنها در مقابل کدام منافع شخصی، عمومی و حقیقی سلب شده و نیز مالیاتی را که می پردازند چگونه و بچه مقصود صرف می گردد.

در اینجا ما بمسئله طرز تشکیلات یعنی استقلال و استقرار بلدی جدید متصادف می شویم. آیا تشکیلات بلدی امروزه باید بچه قسم باشد تا اداره مزبور برای سرعت پیشرفت و ترقی آنچه را که در تحت نظارت و قیومیت خود در آورده وسیله بهتری بدست آرد؟ آیا بلدی بایستی که بطرز



است که موافق اسلوب اصحاب عمومی مخفیانه، مستقماً و بطور تساوی و تناسب تعیین گشته است. قوای حکومتی بهیچوجه دخالتی بان ندارند زیرا نسبت و روابط مابین قوای مزبوره را پارلمان تعیین نموده، و هر کدام از آنها فقط می‌تواند حقوق و اقتدارات خود را محفوظ دارد. هیچیک از آنها قادر نیست که بشفقت حقوق دیگری را ممانعت نماید.

هر گاه اختلافی مابین قوای دولتی و بلدیہ پیش آید تنها محکمه قضایی می‌تواند آن را مرتفع سازد، قبل از تصمیم محکمه هیچ مقتدری حق ندارد که از اقدامات بلدیہ جلوگیری کند و در شهر هیچ اقتدار بلدی جز قدرت رسمی بلدیہ وجود نخواهد داشت. هر چیز که راجع به امور شهری است در ید تسلط بلدیہ خواهد بود. اداره محل، ساختمان، [؟]، روستایی، حفظالصحة شهری معاونت عمومی و اجتماعی، تشکیل [؟]، تأسیس مرخصخانه، احصائیه، سجل احوال، تعلیمات عمومی و صنعتی، از زاق عمومی، عمله و گارد شهری، مالیه بلدی، اقدامات اقتصادی، ترمیم خرابیهای معابر، تهذیب اخلاق، بسط قوای عقلی و جسمانی و غیره و غیره تمام اینها بایستی در تحت تصرف و نظارت بلدیہ در آیند. مسئولیت بلدیہ مستقل فقط در مقابل قانون و اهالی شهر می‌باشد، بدین جهت تمام عملیات آن آزادانه بوسیله عموم انجام گرفته. شورای بلدیہ هم که در تحت نظارت عموم می‌باشد اقدامات مزبوره را تعیین می‌کند. هیچیک از عملیات این مؤسسه مخفی و مستور نخواهد ماند. هر یک از اهالی که اقدامات بلدیہ را مخالف با قانون و انتظامات شهری بیابند حق دارند که دعای خود را برضد آن در محکمه اعلام کنند. همچنین بلدیہ مستقل و آزاد حق دارد پیشنهاداتی را که در خصوص قوانین بلدی در نظر می‌گیرد به مجلس شورا اظهار نماید و اهالی را در مقابل حکومت و اقتدارات سیاسیه حمایت و صیانت نموده برای الغاء و تجدید و رد و ایجاد قوانین اقدام کرده، انتخابات پارلمان و شورای بلدی را تشکیل داده، در تمام مملکت اتحاد بلدی ایجاد نموده موفق گردد که حقوق بلدی و سرعت جریان امور آن را عهده‌دار شود.

اقتدار بلدیہ مستقل یاداره بلدی تقسیم می‌شود یعنی قوه مجریه و شورای بلدی، یعنی قوه مقننه، و کلای شورا باید برای حضور در هر جلسه اجری دریافت دارند تا بدین وسیله نمایندگی ملت در شرکت با شورای بلدی ممکن گردد. علاوه کسانی هم که زبان رسمی مملکتی را ندانند می‌توانند نظریات خود را با لسان خویش کتیباً یاداره بلدیہ ابلاغ نموده و همینطور هر وکیل ممکن است مطالب خویش را در جلسات شورای بلدی با زبان فطری خود اظهار دارد.

در طرز تشکیلات بلدیہ مستقل (آتونوم) = خودمختار اصول اداری عدم مرکزیت یعنی تشکیل بلدیہ‌های محل نیز مجری است. بلدیہ‌های محل با وجود این که در کارهای عمومی محکوم بلدیہ مرکزی شهر هستند معذالک در امور مخصوصه بمحل مستقل، از نقطه نظر استقرار تشکیل و

بوروکراسی ساکن باقی ماند یا این که تشکیل منظم و مستقل را دارا گردد؛ اینست مسئله‌ای که قبل از هر چیز حواس ما را بخود معطوف می‌سازد. مقصود ما از بلدیہ "بوروکراتیک" بلدیہ ایست که در حقوق خود محدود و در تحت قیمومیت مستقیم قوای سیاسی محل واقع شده و تابع و مطیع آنها باشد. حدود مساعی یعنی قلت حقوق و وظایف این قسم بلدیہ را قبلاً قوانین و نظامنامه‌های حکومتی تعیین می‌کنند. حدود مزبوره مخصوصاً در قلمرو سیاست اقتصادی و مالیه آن مؤسسه تجاوز می‌کند باین معنی که وسعت اقدامات اقتصادی آنرا از میان برده و بالاخره سرچشمه مالیات بندی را که برای تحصیل وسایل مالیه ایجاد شده است مسدود می‌سازد. تا باین طریق فعالیت آن اداره بواسطه فقدان تنخواه و استیصال عقیم بماند، حتی از اثر همین تحدید است که اعلان و انتشار تصمیمات و نظامنامه‌های اجباری که در خصوص مسائل عمومی و بودجه از قبیل مصارف، اخذ مالیات، استمداد خرج، تقسیم اعتبارات و غیره حاصل و اتخاذ شده است ممنوع می‌گردد.

بعلاوه قوای سیاسی محل هم باین جهت می‌توانند هر گونه عملیاتی را عقیم گذاشته و هر نوع اقدامی را که بنظر آنها قبل از وقت بوقوع بیوندد و از حدودیکه رسماً آنها تعیین کرده‌اند تجاوز نموه فلج سازند. این قسم بلدیہ‌ها ممکن است انتخابی و یا انتصابی باشند و طرز انتخاب آنها بقسمی است که لطمه بمصالح "بوروکراتیک" و منافع طبقات دولتمند وارد نماید. ما برای اثبات این ادعا امثله عدیده از تاریخ تشکیلات بلدی در دست داریم. در این موضوع که منحصر بایران نیست اشخاص ذی نفع می‌توانند برای کسب اطلاع بتاریخ بلدیہ روسیه قبل از انقلاب ۱۹۱۷ مراجعه نمایند تا صحت مطلب مشخص گردد. اینهم نگفته نمائند که سیستم تشکیلات بلدیہ ایران حتی پس از برج حمل = فروردین هم در زمره بلدیہ‌های "بوروکراتیک" محسوب شده و پیش از این ما اعتراف می‌کنیم که طرز تشکیلات بلدیہ حالیه نیز یک سیستم ناپسندیده می‌باشد و بیم می‌رود که حیوه بلدی را در لجه هولناکی یرتاب نماید، نتایج همچو تشکیلات واضح و تا اندازه با محسوس شده‌اند. در نتیجه تخریب زندگانی بلدی است که حیوه مادی، اقتصادی، اخلاقی، عقلی، ارزاقی و صحیه ما بهدر رفته، عایدات و اموال عامه یغما گشته، قوای اجتماعی و فکریه در مشاغل استفاده معکوس گردیده، قوای اصلیه تلف شده، جریان کار بی‌نظم مانده، ارزاق عمومی و صحیه شهری تهدید شده، فلاکت شدت کرده و بالاخره شهر بیک کانون منحوسی تبدیل یافته که آنچه مطلوب و لایق بوده، در آن خاکستر شده است.

طرز تشکیلات بلدیہ مستقل بکلی برخلاف سیستم فوق‌الذکر موافق مصالح و رفاهیت بلدی و عموم می‌باشد. بلدیہ مستقل کنونی از نظارت و قیمومیت قوای سیاسیه محفوظ و در خصوص کلیه امور بلدی اقتدار نامحدودی را داراست که فقط شرایط آن منوط برای و اراده شورای بلدی



عمومی فراهم کرده قیومیت بی مورد اقتدارات سیاسی را بر طرف نموده و امتیازات طبقاتی، مقدمی و تزادی را از میان بر میدارد.

آنچه که ذکر شد برای ما تردیدی در لزوم تجدید تشکیلات بلدیة طهران بر طبق اصول مستقر بلدیة باقی نمی گذارد زیرا اصول مزبوره آخرین وسیله‌ای می باشد که عام متمدن اتخاذ نموده و ما ناگزیریم آن را از دست ندهیم تا در جاده‌های منحرف سرگردان نشویم.

#### بررسی سند

مقاله برای نمایش ساختار بلدیة، پیوند آن با مردم و مرزهایش با مقامات رسمی و نیروهای دولتی نگاشته شده و نمونه‌ای از یک بلدیة آرمانی است که هیچگاه با نگرفته و شگفت آن که هنوز هم آزمون چنین ساختاری بی گمان با دشواری‌های توانفرسای روبه‌رو خواهد شد.

مشاغل خود نمونه کوچکی از بلدیة مرکز می باشد. طریقه فوق از این حیث مطلوب است که میل سکنه هر جلسه را با امور محلی معطوف می سازد، زیرا بدیهی است که اهالی محل بهتر و کامل تر از دیگران با احتیاجات ناحیه خود وقوف و بصیرت دارند.

برای این که اقتدار بلدی عمومی گردد و اقدامات و عملیات آن به معیت نظریات اهالی انجام گیرد بلدیة مستقل تصویب می کند هر وکیل که اعتماد انتخاب کنندگان خود را مسلوب کرده باشد عوض گردیده و مدت وکالت در شورای بلدی نیز بیشتر از یک الی دو سال دوام نیابد. گذشته از نمایندگان شورای بلدی رؤسای ادارات و مدیران مؤسسات مهمه هم ممکن است که توسط اهالی و یا لاقلاً یا نظریات شورای بلدی انتخاب شوند.

سیستم مزبور که در امور اداریه اتخاذ گردیده سیستمی است شوروی باین معنی که گذشته از شورای بلدی قوه مجریه



این نوشتار از چنان بافت همبسته‌ای برخوردار است که در بررسی آن جدا ساختن فرازهایی از متن دشوار می نماید. نوشته چنین می آغازد: "در تاریخ شهری ایران برای نخستین بار این همه مسائل بلدی (شهری) اهمیت یافته، سپس به نگاه دوگانه‌ی مردم در این باره اشاره می کند و در پی آن تعریفی این گونه از بلدیة (شهرداری) به دست می دهد، "بلدیة اداره ایست عمومی که بدون وجود آن شهر قادر بر اداره‌ی شئون زندگانی نیست. زیرا فراوانی جمعیت و نیازهای آنان وجود چنین مؤسسه‌ی منظمی را می طلبد." نویسنده در این تعریف از واژه‌ی مؤسسه (= نهاد) سود جسته است و بر فراگیر بودن وظایف پافشاری می کند و در توصیفی می گوید که "شهرداری بال‌های خود را به هر طرف افراشته و کلیه‌ی اشتغالات بلدی (شهری) پایتخت را زیر نظارت و قیومیت خود در آورده" و بعد تک تک آنها را نام می برد: "محافظت معابر، ضمانت ارزاق، حفظ‌الصحه، امنیت" و به ویژه به

بلدیة نیز بتوسط یک شورای اداری که عبارت از مدیران ادارات است بکار افتاده و هر اداره هم بنوبه خود شورای مخصوصی داراست که مدیر اداره رئیس آن بوده و نمایندگان آن از اعضای همان اداره تعیین می شوند، قطعی است که نمایندگان مزبور هم مانند نمایندگان شورای بلدی در موقع اقتضا و عدم میل اعضای دیگر تغییر کرده و ممکن است مجدداً انتخاب شوند.

یک چنین سیستم مستقل برای تشکیل بلدی بهترین طرزى است که از روی اصول شورویة اتخاذ گردیده است. طریقه مزبوره سرعت کامل غیر قابل تقلیدی در جریان کلیة امور و اقدامات بلدیة بعمل آورده، اعضا و نمایندگان لایقی ایجاد نموده، منافع شهر را به بهترین قسم حفظ کرده، فعالیت بلدیة را بهر نداد، و کلیه شهر را بیک کارخانه قابل تحسین مبدل می سازد، بعلاوه کفایت و لیاقت انفرادی و اجتماعی را راکد نگذاشته، بهترین وسایل را برای تشویق انفرادی و



قوای حکومتی به هیچوجه دخالتی به آن ندارند، زیرا نسبت و روابط ما بین قوای مزبوره را پارلمان [= مجلس شورای ملی] تعیین نموده\* و در پایان می گوید هیچ یک از آنها نمی توانند "بیشرفت حقوق دیگری را ممانعت نمایند" و می افزاید که "هیچ مقتدری حق ندارد که از اقدامات بلدیة جلوگیری کند و در شهر هیچ اقتدار بلدی جز قدرت رسمی بلدیة وجود نخواهد داشت".

یکی از بهترین، پرارزش ترین فرازهای این نوشته، بخشی است که به وظایف شهرداری پرداخته است. نگاهی به این وظایف سنگین نشان می دهد که چگونه "مدیریت واحد شهری" به معنای آغازین آن دست اندرکار بوده است. ضمن آن که پیشگامی چشمگیر بلدیة در کارهای شهری حیرت انگیز می نماید. اطمینان و اعتماد بخود نویسنده هنگامی که این جمله را همچو قانونی بر کاغذ می نشاند ستودنی است؛ "هر چیز که راجع به امور شهری است، در ید تسلط بلدیة خواهد بود! اداره ی محل، ساختمان [واژه ی ناخوانا]، روشنایی، حفظ الصحه [= بهداشت] شهری، معاونت عمومی و اجتماعی، تشکیل [واژه ی ناخوانا]، تأسیس مریضخانه، احصائیه [= آمار]، سجل احوال، تعلیمات عمومی و صنعتی و ارزاق عمومی، عمله و گارد شهری (!؟)، مالیة ی بلدی، اقدامات اقتصادی، ترمیم خرابی های معابر، تهذیب اخلاق، بسط قوای عقلی و جسمانی و غیره ... که همین دو بخش واپسین هم اینک بزرگترین نگرانی را برای گردانندگان کارهای شهر پدید آورده است. نویسنده بنیاد شهرداری را آن اندازه توانمند می داند که "... و اهالی را در مقابل حکومت و اقتدارات سیاسیه حمایت و صیانت نموده برای الفا و تجدید و رد و ایجاد قوانین اقدام ..." را به رخ می کشد.

آنبران بلدیة مستقل را این گونه ترسیم کرده و آن را با حکومت کشوری سنجیده است و همین نشان از آمادگی برای پی ریزی حکومتی محلی دارد. ولی اداره ی بلدی را برابر قوه ی مجریه و شورای بلدی را قوه ی مقننه دانسته و در دنباله آورده که در تشکیلات بلدیة مستقل / اتونوم [= خودمختار] اصول اداری عدم مرکزیت یعنی تشکیل بلدیة های محلی نیز مجری است\*. برای شهرداری های محل (بزرگ)ها نیز در کارهای محلی استقلال قائل شده است. نویسنده شیوه شورایی را برای اداره ی بلدیة پذیرفته و می گوید "گذشته از شورای بلدی؛ قوه ی مجریه، بلدیة نیز به توسط یک شورای اداری که عبارت از مدیران ادارات است به کار افتاده و هر اداره بنوبه ی خود شورای مخصوصی را داراست. نگاه علمی نویسنده، شهر را به یک کارخانه مانند کرده که این شیوه ی شورایی بلدیة جلوی رکود و گوشه گیری شایستگان جامعه را می گیرد و بر فرمانروایی امتیازات طبقاتی پایان می دهد. پس از این ارزیابی شتابزده، خواندن درباره ی سند زوایای نادیده ی بسیاری را پرتو افکن خواهد شد. خواندنی برای واکاوی "استقلال بلدی" در ایران زمین.

مسائل اجتماعی تکیه می کند "التیام جراحات اجتماعیه ... [= درمان آسیب های اجتماعی]" ... این محیط که به منتها درجه رسیده است\* و این خود گویای اسفبار بودن اوضاع اجتماعی است و خاطر نشان می کند که، "اهالی اهتمام دارند که بدانند یک قسمت از آزادی آنها در مقابل کدام متافع شخصی، عمومی و حقیقی سلب شده و نیز مالیاتی را که می پردازند چگونه و به چه مقصودی صرف می گردد". نویسنده در اینجا به حقوق شهروندی پرداخته و چه دقیق، زیبا و روان آن را بازگو کرده است. چنین بیانی در نزدیک به یک سده پیش واقعاً شگفت انگیز می نماید. در بخش بعد، به ساختار و به گفته ی خودش به "استقلال و استقرار شهرداری جدید" پرداخته و آن را به دو گونه بلدیة "بوروکراسی ساکن"؛ اداره ای دیوانسالار و ایستا، با چنین تعریفی تقسیم می کند:

"بلدیة بوروکراتیک بلدیة ایست که در حقوق خود محدود و در تحت قیمومیت مستقیم قوای سیاسی محل واقع شده و تابع و مطیع آن باشد". در اینجا یادآور می شویم که هنوز حکومت مرکزی پهلوی پا نگرفته است. در دنباله ی سخن می بینیم که "حقوق و وظایف این قسم بلدیة را قبلاً قوانین و نظامنامه های حکومتی تعیین می کنند" و آسیب پذیری "سیاست اقتصادی و مالیة" شهرداری را گوشزد می نماید و می گوید؛ "وسعت اقدامات اقتصادی آن را از میان برده و سرچشمه ی مالیات بندی را برای وسایل مالیة" می بندد تا بواسطه ی نبود "تختخواه و استیصال عقیم بماند" آنبران نوشته ی خود را چنین پی می گیرد که این گونه "بلدیة ممکن است انتخابی / انتصابی باشد" و شیوه ی انتخاب آن هیچ لطمه ای به توانگران نمی زند و آنگاه در کمال شگفتی می بینیم که خواننده را به تشکیلات بلدیة روسیه، پیش از انقلاب ۱۹۱۷ میلادی احاله می کند. چه عجیب که امروزه منابع شهرشناسی و شهرسازی ما یکسره تهی از هر گونه اطلاعاتی در این زمینه است.

جالب آن که به شهرداری سازمان نوساخته ی سیدضیاء نیز یورش می برد که تشکیلات بلدیة ایران پس از برج حمل، یعنی فروردین ۱۳۰۰ نیز در زمره ی بلدیة های بوروکراتیک است و این انتقاد از آنچه حامی و پشتیبان او پی ریخته نشان از شجاعت علمی و آزاداندیشی نویسنده است. آنبران و به گمان ما خلیلی در دنباله ی سخن می گوید که چگونه "زندگانی بلدی (شهری) که حیات مادی، اقتصادی، اخلاقی، عقلی، ارزاقی و صحیه (بهداشتی) ما به هدر رفته". تک تک واژگان نوشتار، خواننده را در اندیشه فرو می برد و این نشان از روح بزرگی است که در پس این واژگان نهفته است.

درباره ی تشکیلات بلدیة مستقل می گوید، "بلدیة از نظارت و قیمومیت قوای سیاسیه محفوظ و درباره ی کلیه ی امور بلدی اقتدار نامحدودی را داراست که فقط شرایط آن بسته به رای و اراده ی شورای بلدی (انجمن شهر) است و

پانوشت:

\* Alexander Duma، نویمى پسر (۱۸۲۴-۱۸۹۵)

نمایشنامه نویس و رمان نویس فرانسوی از کارهای او ۱۸۷۰م

از کتابید

2-La Dame aux Camelias

منبع:

- آریون پوز، یعنی از ضیا تا نیما، ج ۲، ص ۲۶۴-۲۷۱.

۲۸۴

- الدررجم، رابرت، فلپیتون فرانک، تاریخ اقتصادی و اجتماعی

اروپا، کرم پیرجیاتی، چاپ یکم، شرکت انتشارات علمی

فرهنگی، ۱۳۷۵، ص ۲۰۸.

- عقلی، باقر، روز شمار تاریخ ایران، ج اول، نشر نیلک،

۱۳۸۴

- مجله ی بلدیة، ش ۲، فلسفیه تهران، ۱۳۰۲، ج.

-The Oxford English Reference Dictionary



## بررسی اجمالی نظام حقوقی مجموعه‌های شهری و جایگاه شهرداری‌ها در آن

علی یزدان‌زاده - فرهنگ، فقیه لاریجانی

طرح جامع سرزمینی است که امکانات و منابع مراکز جمعیت شهری و روستایی کشور و حدود توسعه و گسترش آنها، بررسی و اجرای برنامه‌های عمرانی کلان تنظیم و تنسيق می‌شوند. علی‌رغم ایجاد چنین تأسیس‌هایی در نظام حقوق شهری ایران، عملاً توسعه و گسترش مقررات و اجرای ضوابط در رویه‌ی قانونگذار، معطوف به محدوده‌های کوچکتر شده و توجه خاصی به وضع قوانین کارکردگرا، بخشی‌نگر و غیرمتمرکز مبذول شده است. قوانینی که وظایف و اختیارات مختلفی را به طور مجزا، بین شخصیت‌های حقوقی عمومی تقسیم می‌کند.

امروزه درهم‌تنیدگی و ارتباط بلافصل عرصه‌های مختلف مدیریت شهری در مجموعه‌های شهری، وضع مقررات عام‌الشمول را ضرورتی انکارناپذیر ساخته است. مقررات عام بدان معنی که به صورتی همه‌جانبه با در نظر گرفتن کلیه‌ی شاخص‌ها، وضع قاعده کند. یکی از مصوباتی که آمایش سرزمین را در ابعاد مختلف مورد توجه قرار داده و گامی جدی در وضع خط‌مشی‌های قانونی کلان‌نگر - دست کم در حد ایجاد مبانی قانونی و حقوقی - برداشته است، مصوبه هیئت وزیران در خصوص کلیات، مشخصات و شروط تحقق اهداف طرح مجموعه‌ی شهری مصوب ۱۳۸۲/۲/۱۰ با اصلاحات بعدی می‌باشد.

"مجموعه‌ی شهری" به عنوان یک عبارت قانونی<sup>(۱)</sup> اولین بار در مصوبه‌ی مورخ ۲۶ مهر ۱۳۷۴ هیئت وزیران با عنوان "طرح و مدیریت مجموعه‌ی شهری تهران و سایر شهرهای بزرگ کشور و شهرهای اطراف آنها" و اصلاحات بعدی در تاریخ ۱۳۸۳/۶/۲۹ که بار برده شده است، استفاده از عبارت مذکور به طور خاص، صرفاً به دو تصویب‌نامه فوق‌الذکر محدود می‌شود. گرچه در سال ۱۳۸۴ در ماده‌ی ۹ قانون تعاریف محدوده، حریم شهر، روستا و شهرک ... به نحوه‌ی تعیین محدوده‌ی مجموعه‌های شهری اشاره شده است؛ ولی در مجموع هیچ‌گونه تعریف قانونی مشخصی از مجموعه‌های شهری در دست نیست. ماده‌ی ۱ و بند ۱ تصویب‌نامه‌های سال ۷۴ و ۸۲ صرفاً به ذکر شهرهایی که درون مجموعه‌ی

گسترش ناهمگون و ناموزون شهرها، از منظر حقوق عمومی، دلیل موجهی بر دخالت حاکمیت در تنظیم و تجدید توسعه‌ی فیزیکی شهرها محسوب می‌شود. مهاجرت، افزایش جمعیت شهری، صنعتی شدن کشورها و نیاز اقتصادی، رفته رفته ضرورت ورود قانونگذار به عرصه‌ی سیاستگذاری‌های شهری و وضع مقررات شهرسازی را توجیه کرده است. بدیهی است که توسعه‌ی مقررات شهری، بیش از آن که نیازمند نگرش حقوقی صرف باشد، به دانش اقتصادی، سیاسی و جامعه‌شناسی به عنوان دستمایه‌ی وضع ضوابط محتاج است. حجم عظیم مقررات مربوط به اداره‌ی شهرها در ایران، از طرفی بیانگر اهمیت قاعده‌مند کردن شیوه‌ی زندگی در سکونتگاه‌های جمعی و ظواهر شهری است و از دیگر سو، تشتت و پراکندگی این مقررات، می‌تواند معلول و مدلول چند پدیده باشد:

بخشی از این پراکندگی می‌تواند ناشی از تزاخم و تعارض ضوابط حقوق شهری با اصول و قواعد حقوق خصوصی و چالش دیرینه‌ی این دو عرصه از نظام حقوقی کشورها به دلیل غلبه‌ی نفع عمومی در اجرای قواعد شهری باشد. اما بخش دیگر که آثار عمده‌ای دارد، می‌تواند زائیده‌ی عدم وجود نهاد مدیریتی سیاستگذار که نگرش کلانی به همه‌ی ظواهر شهری اعم از توزیع کانون‌های جمعیتی، شبکه‌های زیربنایی، معماری و تراکم ساختمانی، خدمات شهری، نحوه‌ی استقرار صنایع، مطالعات زیست محیطی و ... دارد، باشد. در کشوری مانند فرانسه اولین قانون بزرگ شهرسازی در سال ۱۹۴۳ تدوین شد و از سال ۱۹۵۵ برنامه‌های شهرسازی جایگزین پروژه‌ی آمایش اراضی گشت. طرح آمایش ارضی در راستای نحوه‌ی استفاده از زمین از لحاظ تعیین قطب‌های صنعتی و کشاورزی و ... در سطح کل کشور عنوان شده است.<sup>(۲)</sup> در ایران در قانون تغییر نام وزارت آبادانی و مسکن به وزارت مسکن و شهرسازی مصوب ۱۳۵۳/۴/۱۶، برای اولین بار طرح جامع سرزمینی که نگرش ویژه‌ای به اهداف و خط‌مشی‌ها به طور عام در کلیه‌ی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، کشاورزی، صنعتی و جهانگردی در محدوده‌ی کل کشور دارد، تعریف می‌شود. در



خط‌مشی‌های زیر در منطقه‌ی یاد شده به کار گرفته می‌شود.<sup>۲۰</sup> همان‌گونه که اشاره شد، متن مذکور در مصوبه‌ی سال ۸۲ هنگام تصویب، تصریح نشده بود و در سال ۱۳۸۳ به مقدمه‌ی مصوبه الحاق شده است. تأکید قانونگذار بر حفظ استقلال واحدهای تقسیمات کشوری و اختیارات مراجع ذی‌ربط در آن می‌تواند بیانگر نکات زیر باشد:

۱- ایجاد مجموعه‌ی شهری به منظور شناسایی واحد یا عنصر جدید تقسیمات کشوری نیست. چرا که به تصریح قانون، اجرای سیاست‌ها و خط‌مشی‌های مشخص با دیدی همه‌جانبه به نحوی که خللی به مسئولیت‌ها و اختیارات مراجع ذی‌ربط نرساند، مورد نظر بوده است. مضافاً این که ایجاد عنصر جدید تقسیمات کشوری از اختیارات مجلس شورای اسلامی، به موجب قانون خواهد بود.

۲- به تصریح مقدمه‌ی تصویب‌نامه‌ی مزبور، هدف از ایجاد طرح مجموعه‌های شهری، هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی در اجرای خط‌مشی‌های تعیین شده توسط تصویب‌نامه است؛ در واقع با توجه به سرنوشت مشترک شهرهای واقع در یک مجموعه‌ی شهری، ایجاد محدوده‌ای بزرگتر که همه‌ی مدیریت‌های محلی را در جهت سیاست‌های کلان هدایت کند، می‌تواند انگیزه‌ی قانونگذار، از به وجود آمدن این تأسیس حقوقی جدید باشد.

لازم به ذکر است که مصوبه‌ی مذکور به استناد اصل ۱۳۴ و ۱۳۸ قانون اساسی توسط هیئت وزیران به تصویب رسیده است و یکی از انتقاداتی که مطرح است آن است که تعیین و تبیین مجموعه‌های شهری، در حد تصویب‌نامه هیئت دولت، آن را از لحاظ حقوقی در موقعیت ضعیفی قرار می‌دهد و مناسب‌تر آن بود که با توجه به وزن این‌گونه مقررات و اثرگذاری گسترده آنها بر روابط و اعمال شخصیت‌های حقوق خصوصی، به عنوان قانون به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسیدند.

### شاخص‌های مجموعه‌های شهری و مجموعه‌ی

#### شهری تهران

شاخص‌های مجموعه‌های شهری که به همه‌ی مجموعه‌های شهری کشور تسری دارد، به صورت محدود و مجمل در تصویب‌نامه سال ۱۳۷۴ بیان شده است. این در حالی است که مصوبه‌ی سال ۱۳۸۲ در خصوص کلیات مجموعه‌ی شهری تهران به صورت مشروح‌تری از امتیازات و خط‌مشی‌های مجموعه‌ی شهری سخن گفته است که در مجموع ممکن است تناقض‌هایی را بین دو مصوبه ایجاد کند؛ در این میان نکته‌ی حائز اهمیت اصلاحیه ۸۳/۲/۱۶ در تصویب‌نامه‌ی مربوط به مشخصات و اهداف مجموعه‌ی شهری تهران می‌باشد. در اصلاحیه‌ی مذکور در بسیاری از مواد، عبارت "مجموعه‌ی شهری تهران" به "منطقه‌ی عمومی تهران" تغییر یافته که دلیل آن مشخص نمی‌باشد. علی‌رغم آن که عنوان مصوبه و حتی بعضی از بندهای آن

شهری تهران قرار می‌گیرند، اکتفا کرده و تعریف مشخصی از ماهیت حقوقی مجموعه‌های شهری ارائه نمی‌دهند. در تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۱ مصوبه‌ی سال ۱۳۷۴ هیئت وزیران، تعریف مجموعه‌ی شهری و شاخص‌های آن به شورای عالی شهرسازی و معماری واگذار شده که به نظر می‌رسد تاکنون هیچ تعریفی که ناظر بر بیانی حقوقی از مجموعه‌های شهری در آن باشد، ارائه نشده است. این موضوع با توجه به اهمیت اصول تقسیمات کشوری و آثار حقوقی آن، می‌تواند باعث تزلزل وجهه‌ی قانونی مجموعه‌های شهری باشد. خصوصاً آن که به نظر می‌رسد اصلاح هر دو تصویب‌نامه‌ی مورد اشاره در سال ۸۳، نشان از عنایت جدی قانونگذار به مدیریت یکپارچه و سیاستگذاری‌های همه‌جانبه در محدوده‌ی مجموعه‌های شهری داشته باشد... ذیل ماده‌ی ۱ مصوبه‌ی ۱۳۷۴ اشعار میدارد: "محدوده‌ی مجموعه‌ی شهری سایر شهرهای بزرگ (مشهد، اصفهان، تبریز، و شیراز) به پیشنهاد وزارت مسکن و شهرسازی و تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری تعیین می‌شود." در تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۱ آمده است: "سایر مجموعه‌های شهری بزرگ توسط شورای عالی شهرسازی و معماری با تصویب وزارت‌های مسکن و شهرسازی و کشور به عنوان مجموعه‌ی شهری شناخته می‌شوند" آنچه مسلم است این است که تهران و شهرهای مذکور تاکنون به عنوان مجموعه‌های شهری ایران شناسایی شده‌اند؛ اما شگفت آن که تعریف مجموعه‌ی شهری به طور مشخص آن‌گونه که شهرها، روستاها و سایر عناصر تقسیمات کشوری تعریف شده‌اند، در هیچ یک از قوانین موضوعه یافت نمی‌شود. همچنین با توجه به متن دو تصویب‌نامه استنباط می‌شود که قانونگذار از ایجاد ضابطه در خصوص مجموعه‌های شهری به خصوص مجموعه‌ی شهری تهران، وضع عنصر جدیدی از تقسیمات کشوری را اراده نکرده باشد. با این وجود، تعریف علمی مجموعه‌های شهری بدین ترتیب بیان شده است:

"مجموعه‌ی شهری به تعدادی از شهرها اشاره دارد که به واسطه‌ی نزدیکی مکانی و پیوندهای اقتصادی و اداری نزدیک، به تحولات و سرنوشت یکدیگر مؤثرند. به طور معمول در میان این شهرها یک شهر نقش برتر را دارد و بر تحولات کل مجموعه تأثیر بیشتری دارد."<sup>۲۱</sup>

به عنوان مثال مجموعه‌ی شهری تهران، از شهرهای واقع در شهرستان‌های تهران، دماوند، ری، شمیرانات، کرج، ورامین، اسلامشهر، ساوجبلاغ، شهریار، رباط کریم، پاکدشت و نظرآباد تشکیل می‌شود.<sup>۲۲</sup>

در مقدمه‌ی تصویب‌نامه مصوب ۱۳۸۲ راجع به کلیات، مشخصات و شروط تحقق اهداف طرح مجموعه‌ی شهری تهران طبق اصلاحاتی که در ۱۳۸۳/۲/۱۶ صورت پذیرفته است، ذکر شده است:

"ضمن حفظ استقلال واحدهای تقسیمات کشوری و مسئولیت‌ها و اختیارات مراجع ذی‌ربط در آن، سیاست‌ها و



همچنان بر عبارت "مجموعه‌های شهری" و "مجموعه‌ی شهری تهران" اشعار دارند، ما در غالب مفاد قانون از اصطلاح "منطقه‌ی عمومی" تهران استفاده شده است. این طور استنباط می‌شود که علت تغییر این عبارت در تغییر نگرش قانونگذار در تعریف نانوشته‌ی چنین مجموعه‌هایی نهفته باشد. ماده‌ی ۲ مصوبه‌ی سال ۱۳۷۴ بیان می‌دارد:

"هر مجموعه‌ی شهری به محدوده‌های کوچکتری از حریم‌های شهرداری‌های داخل مجموعه تقسیم می‌شود، حتی الامکان به طوری که هیچ نقطه‌ای از سطح این مجموعه خارج از حوزه‌ی نظارت و حریم داخل این مجموعه واقع نگردد."

همچنین ماده‌ی ۴ مصوبه‌ی مورد اشاره، وزارت کشور را مکلف کرده است تا در مجموعه‌ی شهری تهران و اطراف آن نسبت به شناخت شهر و استقرار شهرداری در کلیه‌ی نقاط جمعیتی واجد شرایط مندرج در تقسیمات کشوری اقدام کند. در حالی که در بند ۲ بند ج بخش اول از تصویب نامه سال ۱۳۸۲ یکی از اقدامات بنیادی در سطح ملی، تکمیل و تصویب طرح آمایش سرزمین با تأکید بر ایجاد تحول کیفی در مدیریت توسعه‌ی روستایی و استقرار فعالیت‌های نوین صنعتی و خدماتی برای حفظ و جذب جمعیت به مناطق روستایی ذکر شده است... بدین لحاظ به نظر می‌رسد که توجه قانونگذار به ظرفیت روستایی در مجموعه‌های شهری موجب شده باشد تا اصطلاح مجموعه‌ی شهری به منطقه‌ی عمومی تغییر یابد تا ضمن استفاده از عبارتی عام، بر ضرورت شمول سیاست‌های مقرر در روستاهای واقع در منطقه‌ی عمومی نیز تأکید شود....

در خصوص شاخص‌های مجموعه‌ی شهری نکته‌ی قابل توجه آن است که در مصوبه‌ی سال ۱۳۷۴ وزارتخانه‌های مسکن و شهرسازی و کشور در حدود وظایف محوله عهده‌دار نظارت بر حسن اجرای مصوبه بوده‌اند، حال آن که در تصویب نامه‌ی دوم وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت صنایع و معادن، وزارت کشور، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و سازمان حفاظت محیط زیست به عنوان مجریان مصوبه ذکر شده‌اند؛ بدیهی است که گستردگی نهادهای مجری طرح مجموعه‌ی شهری به خصوص مجموعه‌ی شهری تهران نشان‌دهنده‌ی وسعت اهداف این طرح و جنبه‌های مختلف آن می‌باشد.

به طور کلی با استنباط از دو مصوبه‌ی سال ۱۳۷۴ و ۱۳۸۲، مشخصات و وظایف مجموعه‌های شهری در محورهای ذیل قابل بررسی است:

**الف) محور جمعیت:**

- ۱) بازنگری در سیاست‌ها و برنامه‌های اسکان جمعیت در سطح ملی و استانی با تأکید بر حل مسئله‌ی غیر رسمی و تأمین مسکن کم درآمد (بند ب بند ۳ مصوبه‌ی سال ۱۳۸۲)
- ۲) کاهش تمرکز جمعیت و فعالیت در شهر تهران و توزیع

آن در سایر کانون‌های جمعیتی (بند الف بند ۳ مصوبه‌ی سال ۸۲)

۳) جلوگیری جدی از افزایش جمعیت مجموعه‌ی شهری تهران و تعیین سقف جمعیتی (بند ۴ مصوبه‌ی سال ۸۲)

**ب) محور مدیریت شهری:**

۱) تعیین کاربری اراضی مطابق قوانین محل استقرار خدمات به نحوی که محل خدمات مورد نیاز به صورت غیر متمرکز در شهرهای اطراف توزیع شود (بند د ماده ۳ مصوبه‌ی سال ۱۳۷۴)

۲) جلوگیری از تغییر کاربری بدون طی مراحل قانونی و ممانعت از ساخت و ساز غیر قانونی و در حدود مقررات اقدام به تخریب (ماده‌ی ۶ مصوبه سال ۱۳۷۴)

۳) هماهنگ کردن برنامه‌های پنج ساله‌ی نوسازی شهرداری‌های مجموعه‌ی شهری به ویژه آن دسته از اقدامات که جنبه‌ی فراشه‌ری دارد، در اجرای ماده‌ی ۶۲ قانون شهرداری (ماده‌ی ۵ مصوبه‌ی سال ۱۳۷۴)

۴) تقویت کانون‌های اصلی تمرکز جمعیت و نیز شهرهای جدید به لحاظ خدمات شهری (بند ج بخش دوم تصویب نامه‌ی سال ۱۳۸۲)

۵) سیاستگذاری در خصوص نحوه‌ی واگذاری تراکم ساختمانی با رعایت سقف جمعیتی برای محدوده‌ی شهر تهران و توقف توسعه‌ی مسکونی در مناطق (۲۱ و ۲۲) و اراضی شرقی منطقه‌ی ۴ شهرداری تهران (بند هـ بخش دوم مصوبه‌ی سال ۱۳۸۲)

۶) برنامه‌ریزی برای خروج تدریجی بخشی از فعالیت‌های خدماتی نامتناسب با ظرفیت شهری و منطقه‌ی عمومی تهران

**ج) محور توسعه‌ی روستایی کشاورزی:**

۱) ایجاد تحول کیفی در بخش کشاورزی و مدیریت توسعه‌ی روستایی به منظور بالا بردن میزان بهره‌وری و کارایی بخش کشاورزی و استقرار فعالیت‌های نوین صنعتی و خدماتی برای حفظ و جذب جمعیت به مناطق روستایی (بند ۲ بند ج مصوبه‌ی سال ۱۳۸۲)

۲) تهیه و اجرای برنامه و طرح‌های لازم به منظور حفاظت از اراضی کشاورزی، مرتعی و نواحی روستایی و توسعه‌ی فضاها و کمربندهای سبز، پارک‌های ملی و مناطق حفاظت شده‌ی مجموعه، به منظور ارتقای کیفیت محیط زیست، توسعه‌ی کشاورزی (بند و) بخش دوم مصوبه‌ی سال ۱۳۸۳)

۳) برنامه‌ریزی برای خروج تدریجی بخشی از فعالیت‌های کشاورزی غیر ضروری و نامتناسب با ظرفیت منطقه‌ی عمومی تهران (بند الف) بخش دوم مصوبه‌ی سال ۱۳۸۲)

**د) محور صنایع، تجارت و ارتباطات:**

۱) تجهیز و ایجاد قطب‌های توسعه‌ی منطقه‌ای و تجاری



با صنایع و خدمات پیشرفته و ارتباطات ملی و فراملی به منظور جذب جمعیت و فعالیت‌ها به دیگر مناطق مستعد کشور (بند ۱) بند (ج) مصوبه‌ی سال ۱۳۸۲)

۲) برنامه‌ریزی برای خروج تدریجی بخشی از فعالیت‌های صنعتی و تجاری غیر ضروری و نامتناسب با ظرفیت شهری (بند الف) بخش دوم مصوبه‌ی سال ۱۳۸۲)

۳) بازنگری سایر ضوابط و مقررات ناظر بر استقرار صنایع در استان تهران بر اساس شرایط نوین اقتصادی با توجه ویژه به صنایع متکی بر فناوری‌های پیشرفته و رعایت سقف جمعیتی مصوب منطقه‌ی عمومی تهران (بند د) بخش دوم مصوبه‌ی سال ۱۳۸۲)

#### ه) محور حقوقی:

۱) تدوین قوانین لازم به منظور ایجاد هماهنگی در فرایند اجرای برنامه‌های توسعه بخشی و کالبدی (طرح‌های آمایش و منطقه‌ای و مجموعه‌های شهری) (بند د) بخش اول مصوبه‌ی سال ۱۳۸۲)

۲) اصلاح قوانین مالیاتی و سازوکار درآمد و هزینه بر اساس اصل "تأمین هزینه‌های اداره‌ی امور شهرها توسط ساکنان آنها" (بند و) بخش اول مصوبه‌ی سال ۱۳۸۲)

آنگونه که از متن مصوبات یاد شده دربارهی مجموعه شهری یا منطقه‌ی عمومی بر می‌آید، در چنین مناطقی محوریت اصلی با عنصر "جمعیت" می‌باشد. "پراکندگی، نابسامانی و بی‌نظمی در استقرار جمعیت و فعالیت و نحوه استفاده از زمین" که در بند ب بند ۲ مصوبه‌ی سال ۱۳۸۲ ذکر شده است را می‌توان به عنوان مهم‌ترین چالش مجموعه‌ی شهری تهران و کاهش خسارت‌های ناشی از آن را مهم‌ترین هدف این طرح محسوب کرد. البته بدیهی است که "جمعیت" به عنوان پدیده‌ی اصلی، خود برای ساماندهی نیازمند سایر محورها باشد و در واقع توجه به عنصر "جمعیت" لازمه‌اش توجه به محورهای مدیریت شهری، روستایی، صنایع و ارتباطات و حقوقی خواهد بود. اینک در بین شاخص‌های احصاء شده به طور خلاصه به بررسی مدیریت شهری می‌پردازیم:

#### مدیریت شهری در مجموعه‌ی شهری

بدیهی است در محور مدیریت شهری در مجموعه‌های شهری، شهرداری‌ها به عنوان اصلی‌ترین نهاد متولی امور شهرها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار باشند. در این خصوص ماده‌ی ۶ مصوبه‌ی سال ۱۳۷۴ اشعار می‌دارد:

" کلیه‌ی دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط و شهرداری‌ها موظفند از هرگونه تغییر کاربری اراضی بدون طی مراحل قانونی آن خودداری و از هرگونه ساخت و ساز غیر قانونی ممانعت کرده و در صورت احداث در حدود مقررات اقدام لازم را در خصوص تخریب مبذول دارند. "نکته‌ی قابل توجه آن است که عمده‌ی چالش شهرداری‌ها در برخورد با تخلفات ساختمانی و مسئله‌ی تغییر کاربری‌ها کمبود منابع درآمد

برای اداره‌ی امور شهرداری می‌باشد. به نظر می‌رسد که ماده‌ی ۶ مصوبه‌ی مزبور، صرفاً حکم قوانین سابق را تکرار کرده و مقرری جدیدی را وضع نکرده باشد. نکته‌ی عمده‌ای که مغفول مانده است، اصلاح منابع درآمدی شهرداری‌ها و در درجه‌ی اول اصلاح ساختار مالیه‌ی شهری است. نکته‌ای که به طور ضمنی در مصوبه‌ی سال ۱۳۸۲ در بند (و) بخش اول مصوبه تحت عنوان "اصل تأمین هزینه‌های اداره‌ی امور شهرها توسط ساکنان آنها" پیش‌بینی شده است. آشکار است که با اصلاح قوانین مالیاتی و اجرای اصل مذکور یکی از مهم‌ترین موانع شهرداری‌ها در کنترل نحوه‌ی استفاده از زمین و مطلوبیت محیط برای ساکنان مجموعه‌ی شهری مرتفع خواهد شد.

نکته‌ی دیگری که در حوزه‌ی مدیریت شهری مطرح شده است، عملیات نوسازی شهرداری‌ها واقع در مجموعه‌های شهری است. ماده‌ی ۵ مصوب سال ۱۳۷۴ این وظیفه را طبق ماده‌ی ۶۲ قانون شهرداری بر عهده‌ی وزارت کشور گذاشته است. با توجه به این که هم اکنون، سازمان شهرداری‌های کشور در اجرای ماده‌ی ۶۲ قانون شهرداری تأسیس شده، بدیهی است که نوسازی شهرداری‌های کشور به ویژه آن دسته از فعالیت‌هایی که جنبه‌ی فراتری دارد، بر عهده‌ی سازمان مزبور باشد. از طرفی طبق بند ۶ مصوبه‌ی سال ۱۳۸۲ مدیریت منطقه‌ی عمومی تهران با اختیارات ویژه بر عهده‌ی استاندار تهران گذاشته شده است. با دقت در این نکته که مقدمه‌ی تصویب نامه بر "حفظ استقلال واحدهای تقسیمات کشوری و مسئولیت‌ها و اختیارات آن مراجع" تأکید دارد، تعارض‌های حقوقی آینده در نحوه‌ی سیاستگذاری‌های شهرداری‌های واقع در مجموعه‌ی شهری با توجه به شأن مستقلشان و سیاست‌های مدیر مجموعه‌ی شهری و نیز سازمان شهرداری‌ها در تقویت فعالیت‌های فراشهرداری شهرداری‌ها، مفروض و قابل پیش‌بینی خواهد بود. تعارض‌ها و تناقض‌های حقوقی یاد شده پیش از هر چیز ناشی از ضعف مقررات و عدم تبیین و تعیین تعریف حقوقی مجموعه‌ی شهری، ساختار تشکیلاتی، حدود اختیارات، شرح وظایف مجموعه‌ی شهری و نهادهای ذی‌ربط در آن می‌باشد. مسئله‌ای که با تنظیم و وضع قانونی جامع و منطبق با اصول حقوقی و مطالعات کارشناسی قابل حل خواهد بود. البته لازم به ذکر است که وفق بند ۷ مصوب سال ۱۳۸۴ ساختار تشکیلاتی، حدود اختیارات و شرح وظایف مدیریت مجموعه‌ی شهری با پیشنهاد وزارتخانه‌های مسکن و شهرسازی و کشور و تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی تعیین خواهد شد؛ این امر با توجه به اطلاق عبارت "مجموعه‌ی شهری" ناظر به کلیه‌ی مجموعه‌های شهری کشور خواهد بود و بدیهی است که بررسی دقیق‌تر نظام حقوقی مجموعه‌های شهری نیازمند تصویب مصوبه‌ی مذکور باشد.

یادداشت:

H-Legal Term

۱- پروژه‌ی مطالعاتی مرکز پژوهش‌های شهری و روستایی با همکاری دانشگاه تربیت مدرس در دانشگاه ادبیات دانشگاه تهران تعریف مجموعه‌ی شهری را بدین شکل ارائه کرده است.  
۲- بند ۱ مصوبه زنجیر به کلیات، مشخصات و شروط تحقق اهداف طرح مجموعه شهری تهران - مصوب ۱۳۸۲/۲/۱۰  
منبع:

\* - آزادی، بز، روند، تحولات قانونگذاری در شهرسازی ۱ -

دکتر محمد اعلی، برگرفته از پلگاه www.Chuvarin.ir



## قوانین و مقررات حاکم بر چگونگی وضع و وصول عوارض شهرداری‌ها

محمد رضا بهاروند

امروزه یکی از مسائل مهم شهرداری‌ها ایجاد منابع کافی درآمد و تأمین هزینه‌ی خدمات شهری است. ارائه‌ی روش‌های تازه و بهبود روش وصول عوارض برای تضمین برآورد هدف‌های مالی باعث حفظ قدرت پرداخت دیون یا مستطیع کردن شهرداری با استفاده‌ی قانونی و مشروع از منابع می‌باشد. این امر بدون همکاری و مشارکت شهروندان که بار اصلی تأمین هزینه‌های شهرداری بر دوش آنهاست، میسر نمی‌شود. زیرا حق آنان است که روی قوانین و مقررات حاکم بر چگونگی وضع و وصول عوارض اشراف کامل داشته باشند تا با طیب خاطر عوارض متعلقه را پرداخت کنند. در صورت توجه به مشارکت و به تبعیت آن آشنایی و آگاهی مردم به مقررات مربوطه، مشارکت آنها در پروژه‌های تأمین ایمنی شهر و حفظ و نگهداری فضای سبز و اموال عمومی نصیب شهرداری خواهد بود زیرا این مشارکت برای رفع مشکلات شهر و بهبود کمی و کیفی خدمات و مدیریت شهری با تمسک به آموزش به دو روش رسمی و غیر رسمی صورت می‌پذیرد و شهروندان به لحاظ دانش و توانایی مهارتی برای مشارکت بهتر، توانمند می‌شوند.

با رونق و رشد فزاینده‌ی فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان محور توسعه‌ی ملی بسیاری از خدمات سنتی در شهر حذف خواهد شد و خدمات تازه به جای آن خواهد نشست. این مشارکت شکلی نو به خود می‌گیرد و مردم سالاری و تشکیل مجالس و شوراها و نمایندگان مردم در مدیریت شهری با رأی‌دهی مستقیم رواج بیشتری می‌یابد. کارگزاران دولتی و مدیران شهری به پاسخگویی و جلب نظر بیشتر مردم روی می‌آورند و خدمات مجازی در قالب شهر دیجیتال عرضه خواهد شد یعنی خدمات رسانی در همه‌ی اوقات در هر جا که باشند به عرضه‌ی خدمات از طریق شبکه‌های ارتباطات و اطلاعات محلی، ملی یا جهانی خواهند پرداخت، زیرا استفاده از ابزار پیشرفته مورد اشاره به طور چشمگیری از هزینه‌های خدمات شهری می‌کاهد و مضافاً بر سرعت، دقت و کیفیت خدمات مستقیم به شهروندان می‌افزاید. از اصول مدیریت خوب شهری می‌توان شفافیت، پاسخگویی، مشارکت مدنی، امنیت و توجه به حقوق شهروندی را قلمداد کرد. همواره عدم اجرای قوانین و مقررات ساخت و ساز، عدم رعایت بهداشت و نابودی محیط زیست، از بین رفتن بافت و ساختار فرهنگی شهر به علت عدم آشنایی مردم به قوانین و مقررات و حادثه‌ی وقوع فساد در سازمان‌های دولتی و شهرداری‌ها به دلیل انحصاری بودن قوانین و مقررات علاوه بر این که بر اموال عمومی لطمه وارد می‌کند، مشارکت شهروندان را به حداقل می‌رساند. بنابراین شفافیت کارکرد مالی در تمام سطوح شهرداری‌ها با انتشار قوانین و مقررات و نهادینه کردن آموزش قوانین مذکور برای جلب مشارکت و همراهی مردم امری اجتناب ناپذیر می‌باشد. همه دست اندرکاران اداره‌ی حکومت در تلاشند تا تحقق رفاه و امنیت اجتماعی را به مردم هدیه کنند، بخش اعظم و مؤثر این ارزش والا می‌تواند توسط مدیریت شهری با برهمکنش مثبت و ایجاد ارتباط صادقانه با مردم که به هر بهانه‌ای با شهرداری در ارتباط هستند، محقق شود. عامل مهم ایجاد این برهمکنش آشنایی کامل شهروندان به حقوق قانونی خود در برابر شهرداری و کارگزاران مدیریت شهری و بالعکس می‌باشد که متأسفانه تاکنون این امر مهم مورد توجه ویژه قرار نگرفته و دلیل اصلی این ادعا کثرت پرونده‌های قضایی شهرداری‌ها در محاکم قضایی و نارضایتی مردم از مباحث عوارض و شهرسازی می‌باشد. گرچه شهرداری و کارکنان آن از خدمتگزارترین نهاد و کارگزاران هستند که بدون وقفه و بی‌ریا در خدمت به مردم و شهروندان هیچ مضایقه‌ای ندارند اما به دلایل پیش گفته زحمات و تلاش صادقانه شهرداری مورد خدشه واقع می‌شود که عامل مهم آن عدم انتشار و آموزش حقوق قانونی شهروندان در شهر به منظور اقناع آنها در نیاز واقعی که طالب آن هستند، می‌باشد.

آیین نامه اجرایی قانون اصلاح مواد ۱ از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولید کنندگان کالا، ارائه‌دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب ۱۳۸۱/۱۲/۲۸ ماده ۳- تولید کنندگان کالاهای موضوع بندهای (الف) و



(ه) ماده (۳) قانون مکلفند مالیات و عوارض موضوع بندهای مذکور را بآدرج در صورتحسابهای صادر شده یا اسناد فروش از خریداران کالا اخذ و مالیات را به حساب سازمان امور مالیاتی کشور و عوارض واحدهای تولیدی داخل حریم شهر را به حساب شهرداری محل و در خصوص واحدهای تولیدی خارج از حریم به حساب تمرکز وجوه به نام وزارت کشور (سازمان شهرداری‌های کشور) که توسط سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌شود واریزی نمایند.

**ماده ۶** - شرکت مخابرات ایران و سایر اشخاص ارائه‌دهنده خدمات مخابراتی مکلفند مالیات و عوارض خدمات مخابراتی از قبیل آبونمان تلفن‌های ثابت و همراه، کارکرد مکالمات داخلی و خارجی، خدمات بین‌المللی و کارت‌های اعتباری موضوع بند (الف) ماده (۴) را بآدرج در صورت حساب (اسناد فروش) و به تفکیک از خریداران خدمات (مشترکان یا مشتریان) مطابق نرخ‌های مقرر در قانون (پنج درصد مالیات و یک درصد عوارض) اخذ و به حساب سازمان امور مالیاتی کشور و شهرداری محل حسب مورد واریزی نمایند.

**تبصره ۱** - عوارض موضوع این ماده در خصوص مشترکان واقع در خارج از حریم شهرها به حساب تمرکز وجوه به نام وزارت کشور (سازمان شهرداری‌های کشور) که توسط سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌شود، واریزی می‌گردد.

**ماده ۷** - اشخاص ارائه‌دهنده خدمات موضوع بند (ج) ماده (۴) قانون مکلفند عوارض برق و گاز مصرفی مشترکان (به استثنای مصارف صنعتی، معدنی و کشاورزی) را با نرخ (۳٪) سه درصد بهای مصرفی آنها با درج در صورت حساب از مشترکان مذکور اخذ و در خصوص مشترکان داخل حریم شهرها به حساب شهرداری محل و مشترکان خارج از حریم شهرها را به حساب تمرکز وجوه به نام وزارت کشور (سازمان شهرداری‌های کشور) که توسط سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌شود، واریزی نمایند.

**تبصره** - اشخاص یاد شده مکلفند عوارض آب مصرفی مشترکان در حوزه استحفاظی شهرها را با نرخ سه درصد (۳٪) بهای مصرفی آنها با درج در صورت حساب از مشترکان اخذ و به حساب شهرداری محل واریزی نمایند.

**ماده ۸** - واحدهای ارائه‌دهنده خدمات هتل، متل، مهمانسرا، هتل آپارتمان، مهمانپذیر، مسافرخانه، تالارها و باشگاه‌ها مکلفند دو درصد (۲٪) هزینه خدمات ارائه شده (از قبیل اقامت، غذا و غیره) موضوع بند (د) ماده (۴) به عنوان عوارض از مشتریان اخذ و به حساب شهرداری محل واریزی نمایند. واحدهای مذکور مستقر در خارج از حریم شهرها مکلفند عوارض مزبور را به حساب تمرکز وجوه به نام وزارت کشور (سازمان شهرداری‌های کشور) که توسط سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌شود واریزی نمایند.

**تبصره** - منظور از تالارها و باشگاه‌های مذکور در این ماده مکان‌هایی هستند که جهت برگزاری مراسم مختلف در اختیار مشتریان قرار داده می‌شود.

**ماده ۹** - اشخاصی که مبادرت به حمل و نقل برون شهری مسافر در داخل کشور با وسایل نقلیه زمینی، ریلی، دریایی و هوایی می‌نمایند، مکلفند پنج درصد (۵٪) بهای بلیط موضوع بند (ه) ماده (۴) قانون را با درج در بلیط به عنوان عوارض از مسافران اخذ و به حساب شهرداری محل فروش بلیط واریزی نمایند.

**ماده ۱۰** - مالکان خودروهای سواری و وانت دو کابین اعم از تولید داخل یا وارداتی مکلفند از تاریخ اجرای قانون، عوارض سالیانه خودروهای متعلق به خود را موضوع بند (و) ماده (۴) قانون به نرخ یک در هزار قیمت فروش کارخانه (داخلی) و یا مجموع ارزش گمرکی و حقوق ورودی (وارداتی) بر اساس قیمت‌های مندرج در جداولی که توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی (سازمان امور مالیاتی کشور) اعلام می‌گردد، محاسبه و به حساب شهرداری محل واریزی نمایند.

**ماده ۱۶** - شوراها و اسامی مکلفند هر گونه عوارض محلی جدید و یا افزایش در نرخ عوارض محلی جاری را با رعایت مقررات ماده (۵) قانون و با نظارت وزارت کشور تصویب و حداکثر تا پانزدهم بهمن ماه هر سال جهت اجراء در سال بعد اعلام نمایند.

**تبصره** - دریافت عوارض محلی موضوع تبصره (۱) ماده (۵) قانون در چارچوب مقررات ماده مذکور در سال ۱۳۸۲ مجاز است.

**ماده ۲۱** - وصول عوارض موضوع بندهای (ج)، (د)، (ه)، (و) ماده (۴) قانون به شهرداری‌های محل محمول می‌گردد.

شهرداری‌های مذکور مکلفند عوارض فوق‌الذکر را در خصوص واحدهای تولیدی و خدماتی داخل حریم شهرها به حساب شهرداری محل و در خصوص واحد یاد شده در خارج از حریم شهرها به حساب تمرکز وجوه وزارت کشور (سازمان شهرداری‌های کشور) که توسط سازمان امور مالیاتی کشور اعلام می‌شود، واریزی نمایند.

دستورالعمل نحوه اجرائی این ماده توسط سازمان امور مالیاتی کشور و سازمان شهرداری‌های کشور تهیه و پس از تصویب وزیران امور اقتصادی و دارایی و کشور اجراء می‌شود.

**ماده ۲۲** - اضافه پرداختی تولید کنندگان کالا و ارائه دهندگان خدمات بابت مالیات و عوارض مواد (۳) و (۴) قانون از محل وصولی‌های جاری مربوط توسط سازمان امور مالیاتی کشور، شهرداری‌های محل و وزارت کشور (سازمان شهرداری‌های کشور) حسب مورد قابل استرداد می‌باشد.

**ماده ۲۶** - تاریخ تعلق مالیات و عوارض موضوع قانون در مورد تولید کالا و ارائه خدمات، تاریخ فروش یا ارائه خدمات می‌باشد.

**ماده ۲۷** - مواعد پرداخت مالیات و عوارض موضوع مواد (۳) و (۴) قانون (به استثنای مالیات نقل و انتقال خودرو) نسبت به مالیات و عوارض متعلق به فروش کالا و یا ارائه خدمات هر ماه حداکثر ظرف دو ماه از انقضای ماه مزبور خواهد بود.

**تبصره ماده ۲۸** - مؤدیان مکلفند نسخه‌ای از رسید واریزی



عوارض مربوط به شهرداری محل را به همان شهرداری ارائه دهند.

**ماده ۲۹-** مبدأ احتساب جریمه موضوع قانون، تاریخ انقضای سر رسید پرداخت وجوه می باشد. جریمه مزبور معادل دو و نیم (۲/۵٪) به ازای هر ماه تأخیر بود. و به صورت روز شمار محاسبه می شود و این جریمه قابل بخشودگی نیست.

**ماده ۳۰-** مأخذ محاسبه مالیات و عوارض موضوع مواد (۳) و (۴) قانون، بهای کالا یا خدمت مندرج در صورت حساب خواهد بود.

در مواردی که صورت حساب موجود نباشد و یا از ارائه آن خودداری شود و یا به موجب اسناد و مدارک مثبتة احراز شود که ارزش مندرج در آنها واقعی نیست، مأخذ محاسبه مالیات و عوارض، بهای روز کالا یا خدمت به تاریخ روز تعلق مالیات یا عوارض می باشد.

**ماده ۳۱-** در مواردی که اسناد و مدارک مربوط به تولید کالا و ارائه خدمات موضوع قانون نزد اشخاص ثالث باشد، اشخاص مزبور مکلفند با درخواست کتبی مأموران مالیاتی اسناد و مدارک مربوط و هر گونه اطلاعات لازم را ارائه دهند.

**ماده ۳۲-** مرجع رسیدگی به شکایات مؤدیان ناشی از اقدامات اجرایی در وصول مالیات و عوارض موضوع مواد (۳) و (۴) قانون، هیئت حل اختلاف مالیاتی می باشد که برابر مقررات ماده (۲۱۶) قانون مالیات های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ و اصلاحات بعدی و تبصره (۲) آن به شکایت مزبور رسیدگی و رأی مقتضی صادر خواهد نمود. رأی صادر شده قطعی و لازم الاجرا می باشد.

**ماده ۳۳-** اقلام کالاهای مندرج در فهرست کالاهای نهایی موضوع بند (هـ) ماده (۳) قانون، شاغل آن دسته از کالاهایی که در فرآیند غیر صنعتی و به صورت کارگاهی و سنتی تولید می شوند، نخواهد بود.

### قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳۴۷/۹/۷ با اصلاحیه بعدی

**ماده ۲-** (اصلاحی ۲۲ دی ۱۳۸۱ / روزنامه رسمی ۱۶۸۸۶ مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۲۴) در شهر تهران از تاریخ اول فروردین ماه ۱۳۴۸ و در سایر شهرها از تاریخی که وزارت کشور تعیین و اعلام کند بر کلیه اراضی و ساختمان ها و مستحدثات واقع در محدوده قانونی شهر، عوارض خاص سالانه به مأخذ یک درصد (۱٪) بهای آنها که طبق مقررات این قانون تعیین خواهد شد برقرار می شود.

شهرداری ها مکلفند بر اساس مقررات این قانون عوارض مذکور را وصول کرده و منحصرأ به مصرف نوسازی و عمران شهری برسانند. مصرف وجوه حاصل از اجرای این قانون در غیر موارد مصرح در این قانون در حکم تصرف غیر قانونی در اموال دولت خواهد بود.

**تبصره ۱-** ترتیب ممیزی و تشخیص و طرز وصول عوارض مذکور و ترتیب تعیین نسبتی از قیمت ملک که در هر شهر با

توجه به مقتضیات و شرایط خاص اقتصادی مأخذ دریافت عوارض قرار می گیرد به موجب آیین نامه ای که از طرف وزارت کشور تنظیم و به تصویب هیئت وزیران می رسد، تعیین و اجراء خواهد شد.

**تبصره ۵-** برای تأمین هزینه های اداری و وصول عوارض موضوع این ماده و تجهیز کادر فنی و اداری جهت اجرای این قانون، شهرداری ها می توانند حداکثر تا میزان ده درصد درآمد وصولی موضوع این قانون را طبق بودجه ای که به تصویب انجمن شهر و تأیید وزارت کشور خواهد رسید به مصرف برسانند و مصرف بیش از این میزان در درآمد حاصل از اجرای این قانون به هیچ وجه مجاز نیست.

**ماده ۱۰-** عوارض هر سال در اول فروردین ماه آن سال تحقق می یابد و باید حداکثر تا پایان همان سال به شهرداری پرداخت گردد.

**ماده ۱۲-** شهرداری های مشمول ماده ۲ این قانون مکلفند ظرف دو ماه از تاریخ انقضاء مهلت مقرر در ماده ۱۰ مشخصات مؤدیانی را که نسبت به پرداخت عوارض املاک خود اقدام نکرده اند به مؤسسات برق و گاز تسلیم کنند و مؤسسات مذکور مکلفند با اعلام مهلت دو ماهه به مؤدی هر گاه مطالبات شهرداری تا انقضای مهلت وصول نشود نسبت به قطع برق و گاز محل سکونت مکتلی (ملکی) او اقدام کنند.

**تبصره -** آیین نامه اجرایی این ماده وسیله وزارت کشور و وزارت آب و برق تنظیم و پس از تصویب هیئت دولت به مورد اجرا گذارده می شود.

**تبصره ۱-** ادارات و دوائر اجرایی ثبت بنا به تقاضای شهرداری مکلف به صدور اجرائیه و تعقیب عملیات اجرایی طبق مقررات مربوط به اجرای اسناد رسمی لازم الاجراء می باشد.

**تبصره ۲-** در قبال اجرائیه های صادر مربوط به این ماده بازداشت شخص مؤدی مجاز نیست.

**ماده ۲۴-** شهرداری ها می توانند در موقع تنظیم و اجرای طرح های نوسازی و همچنین توسعه یا احداث معابری که عرض آنها حداقل بیست متر باشد با رعایت نقشه جامع یا نقشه هادی شهر طرح های مربوط را به تناسب موقعیت محل و ضوابطی که وزارت کشور تعیین و اعلام خواهد کرد وسیع تر از میزان مورد احتیاج طرح تنظیم و اجراء نموده و اراضی مازاد را در صورت عدم احتیاج از طریق مزایده و با رعایت آیین نامه معاملات شهرداری به فروش رسانیده وجوه حاصله را به حساب درآمد نوسازی و عمران شهری موضوع این قانون منظور کنند.

**ماده ۲۸-** سایر عوارض شهرداری که بر اساس آیین نامه اجرایی وصول عوارض شهرداری موضوع ماه ۷۴ قانون اصلاح پارهای از مواد و الحاق مواد جدید به قانون شهرداری مصوب سال ۱۳۴۵ به مرحله قطعیت برسد در صورت عدم پرداخت طبق تبصره های ماده ۱۳ این قانون با صدور اجرائیه وصول خواهد شد.

**ماده ۳۰-** شهرداری ها مکلفند مقاصد حساب پرداخت



**تبصره ۱-** در صورتی که موارد اعلام شده از طرف شهرداری با سوابق و وضع موجود مغایری داشته باشد، مؤسسات برق مراتب را ظرف یک هفته از تاریخ تشخیص این امر به شهرداری اعلام خواهند (کرد) بود.

**تبصره ۲-** در اختطاریه‌های صادره که به ضمیمه اولین برگ تشخیص مصرف برق برای مشترک ارسال می‌شود، تاریخ قطع انشعاب برق با رعایت مهلت دو ماهه مقرر در قانون تعیین خواهد شد.

**تبصره ۳-** هر گاه از طرف مؤدی، مقاصد حساب شهرداری تا تاریخ پایان مهلت ارائه نشود، مؤسسات برق نسبت به قطع آن در موعد مقرر در اختطاریه اقدام خواهند نمود.

**ماده ۶-** مؤسسات برق و گاز صورت مشترکین جدید برق و گاز داخل در محدوده قانونی شهر را با ذکر نام مالک و شماره پلاک و محل وقوع ملک و شماره اشتراک به شهرداری خواهند فرستاد قانون تعاریف محدوده و حریم شهر، روستا و شهرک و نحوه تعیین آنها مصوب ۱۳۸۴/۱۰/۲۸

**تبصره ۴-** درآمد ناشی از ساخت و سازها و عوارض روستاهایی که در حریم شهرها قرا می‌گیرند اعم از روستاهای دارای طرح هادی و فاقد طرح هادی، به حساب دهیاری‌های روستا جهت توسعه و عمران واریز می‌گردد.

**تبصره ۵-** در هر محدوده و یا حریمی که شهرداری عوارض ساختمان و غیره را دریافت می‌نماید موظف به ارائه کلیه خدمات شهری می‌باشد.

**آیین نامه خلاصی موضوع تبصره (۴) الحاقی به بند (۲) ماده (۵۵) قانون شهرداری‌ها مصوب ۱۳۵۲/۸/۱۰ نظر به اختیار حاصل از ماده ۲۷۶ قانون مجازات عمومی وزارت دادگستری و وزارت کشور مقرر می‌دارند:**

ماده واحده - متخلفین از مقررات تبصره (۴) الحاقی به بند ۲ ماده ۵۵ قانون شهرداری مصوب ۱۷ مرداد ۱۳۵۲ به پرداخت ۵۰۰ تا ۵۰۰۰ ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند.

**از قانون بودجه اصلاحی سال ۱۳۵۲ و بودجه سال ۱۳۵۳ کل کشور مصوب ۱۳۵۲/۱۱/۷**

**تبصره ۴۹-** از تاریخ اول دی ماه ۱۳۵۲ شهرداری‌ها از پرداخت سهام بهداری، آموزش و پرورش، کمیته ملی پیکار با بی‌سوادی، تربیت بدنی و پیشاهنگی و کتابخانه‌های عمومی موضوع بندهای ۱ تا ۵ ماده ۶۸ قانون اصلاحی قانون شهرداری مصوب ۱۳۴۵ معاف می‌باشند.

**از قانون بودجه سال ۱۳۶۲ کل کشور مصوب ۱۳۶۱/۱۲/۲۶**

**تبصره ۹۰-** بند ج- هشت درصد از مجموع درآمد حاصل از حق الثبت اسناد رسمی موضوع ماده ۱۲۳ اصلاحی قانون ثبت اسناد و املاک مصوب دی ماه ۱۳۵۱ به شهرداری‌ها اختصاص می‌یابد.

کنندگان عوارض را حداکثر ظرف پانزده روز (از تاریخ پرداخت) تسلیم مؤدی کنند یا با پست سفارشی ارسال دارند.

**تبصره-** هر گاه مؤدی عوارض قطعی شده موضوع این قانون را به شهرداری پرداخت کند و شهرداری ظرف مدت مقرر در این ماده نسبت به صدور برگ مقاصد حساب اقدام نکند قبض پرداخت عوارض در حکم مقاصد حساب عوارض نوسازی آن سال ملک می‌باشد.

تصویب نامه راجع به بهای اراضی، ساختمان‌ها و مستحقات برای محاسبه عوارض نوسازی مصوب جلسه مورخ ۲۰ بهمن ۱۳۸۱ هیأت وزیران شماره ۶۰۸۷۴/ت ۲۲۸۵۲ هـ مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۳ بهای اراضی، ساختمان‌ها و مستحقات برای محاسبه عوارض نوسازی از ابتدای سال ۱۳۷۹ تا پایان سال ۱۳۸۰ بر اساس ارقام مربوط به سال ۱۳۷۲ و از ابتدای سال ۱۳۸۱ به شرح ذیل ملاک عمل شهرداری‌های شهرهای مشمول قانون نوسازی و عمران شهری قرار گیرد:

الف: سال ۱۳۸۱ به میزان بیست و پنج درصد (۲۵٪) آخرین ارزش معاملاتی املاک (موضوع ماده (۶۴) قانون مالیات‌های مستقیم - مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحیه‌های بعدی آن)

ب: سال ۱۳۸۲ به میزان چهل درصد (۴۰٪) آخرین ارزش معاملاتی املاک (موضوع ماده یاد شده و اصلاحیه بعدی آن) سال ۱۳۸۳ به میزان شصت درصد (۶۰٪) آخرین ارزش معاملاتی املاک (موضوع ماده یاد شده و اصلاحیه بعدی آن)

د: سال ۱۳۸۴ به میزان هشتاد درصد (۸۰٪) آخرین ارزش معاملاتی املاک (موضوع ماده یاد شده و اصلاحیه بعدی آن)

ه: سال ۱۳۸۵ به میزان صد درصد (۱۰۰٪) آخرین ارزش معاملاتی املاک (موضوع ماده یاد شده و اصلاحیه بعدی آن)

**آیین نامه اجرایی ماده ۱۲ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۳۰ خرداد ۱۳۴۹ هیأت وزیران**

**ماده ۱-** شهرداری‌ها بر اساس ماده ۱۲ قانون نوسازی و عمران شهری و ماده ۱۳ آیین نامه ترتیب ممیزی و تشخیص و طرز وصول عوارض، صورتی مشتمل بر نام مؤدیانی که تا تاریخ مقرر عوارض قطعی شده خود را نپرداخته‌اند و شماره پلاک محل سکونت ملکی مؤدی و همچنین شماره اشتراک برق، به تدریج ظرف دو ماه به مؤسسات برق ارسال خواهند شد.

**ماده ۲-** مؤسسات برق پس از وصول در خواست شهرداری با توجه به تکلیف مقرر در ماده ۱۲ قانون نوسازی به تدریج نسبت به موارد اعلام شده بررسی نموده پس از انطباق آنها با پرونده‌های مشترکین و احراز سکونت مالک در محل، اخطار دو ماهه‌ای برای مؤدی خواهند فرستاد.



## بندر لنگه ۱۰ سال پیشگام تر از قانون بلدیه



شریف شریف نژاد شهردار بندر لنگه دارای تحصیلات امور بانکی است. او قبل از احراز این سمت عضو شورای شهر بوده است که با استعفای شهردار قبلی اعضای شورا وی را بر مسند شهرداری بندر لنگه قرار دادند. مدت تصدی وی در شهرداری بندر لنگه یکسال است.

به عنوان یکی از قدیمی‌ترین شهرهای کشور در زمینه‌ی حکومت محلی به شمار آید؟  
 ○ همانطور که اشاره کردید بندر لنگه به عنوان یکی از قدیمی‌ترین شهرهای ایران و یکی از پیشگامان نهضت مدیریت شهری در ایران به شمار می‌آید. این شهر صد و بیست سال قبل همانند دیگر شهرهای بندری جنوب کشور و حوزه‌ی خلیج فارس در تصرف نیروهای پرتغالی و انگلیسی قرار داشت. شهر بندر لنگه در قدیم "گوگانا" نامیده می‌شد که یک واژه‌ی پرتغالی است. از سویی دیگر به دلیل امکان صید فراوان مروارید، در سراسر جهان به نام بندر مروارید شناخته می‌شد. این شهر سومین یا دومین شهری است که قبل از تصویب قانون بلدیه، دارای بلدیه می‌شود و نام اولین شهردار نیز براساس اسناد موجود "محمد باقر کلانتر لاری" بوده است. کلانتر لقبی بوده که مردم برای خطاب کردن شهرداران آن زمان از آن بهره می‌گرفتند، زیرا کلانتر یا شهردار "همه کاره" شهر به شمار می‌آمد. به سه دلیل بندری بودن، داشتن مروارید و نیز حضور تیره‌های بیگانه این شهر دارای تاریخی طولانی در بحث اداره‌ی شهر است.

**تاریخچه** آیا امروزه نشانی از ساختمان شهرداری قدیمی وجود دارد که بتوان به عنوان یکی از قدیمی‌ترین ساختمان‌های شهرداری در ایران آن را معرفی کرد؟

○ تقریباً بیست سال پیش ساختمان شهرداری به منظور تعریض خیابان، توسط شهرداری آن زمان تخریب

"روزگاری دیرین در کنار این ساحل مروارید، نشان پرچمی با بادهای گرم جنوب بر بام خانه‌ای که سایه رخوت خود را بر دل شهر کوفته بود با تیرو کمان دستانی کوچک نشانه می‌رفت. آن زمان شهر بندری لنگه گردن آویزی از رنگهای نارنجی و قرمز پرتغالی‌ها و انگلیسی‌ها به گردن آویخته بود. اما ساحل آبی و موجهای سپید خلیج فارس خروشیدند و گردن آویز مروارید رایار دیگر بر گردن شهر نهادند. امروز در همان مکانی که پرچم بریتانیا با تیروکمان کودکان بندر لنگه هدف قرار می‌گرفت، پرچمی به قامت خلیج فارس برای همیشه افرشته شده است. شهرداران استان هرمزگان تصمیم گرفته بودند با تهیه‌ی پرچمی به ابعاد ۴۵ متری نصب آن در بندر لنگه به کشورهای همسایه‌ی خلیج فارس یادآوری کنند که این گردن آویز مروارید از آن ایران است و شهرهایی که در کنار ساحل در طول یک خط به رشته‌ی تحریر در آمدند دارای سابقه‌ی طولانی هستند از سیراف تا بندر لنگه. دیرینگی مدیریت شهری در بندر لنگه که به سال ۱۲۷۶ بازمی‌گردد، ماهنامه را بر آن داشت تا این گفت‌وگو را با شهردار این شهر انجام دهد"

**تاریخچه** آقای شهردار موضوعی که باعث جذب ماهنامه برای گفت‌وگو با شما شد، طرح و تاریخ‌روی پاکت نامه‌ای است که سال تأسیس شهرداری بندر لنگه را به ۱۲۷۶ برمی‌گرداند - یعنی ۱۰ سال قبل از تأسیس شهرداری‌ها و تصویب قانون بلدیه. به نظر شما چه عواملی سبب شده است که این شهر بندری،



مدیریت شهری داراست، چگونه ارزیابی می کنید؟  
 ○ به دلیل پیچیدگی قوانین و گستردگی فعالیت شهرداری‌ها اولین نقطه‌ی تلاقی شهرداری با شهر، جایی است که مردم در شهر حضور دارند و به دنبال حل و فصل مطالبات خود هستند. همه‌ی شهروندان از بدو تولد تا زمان مرگ به گونه‌ای مستقیم و یا غیر مستقیم با شهر و مدیریت شهری که در آن می‌زییند، ارتباط دارند. حتی شهرداری‌ها گاه به علت رویکرد مردمی خود با فراتر از وظایف خویش می‌نهند و برای حل و فصل برخی از مباحث و موضوع‌هایی که مربوط به شهروندان است دخالت می‌کنند. یکی از آن موارد جنبه‌های فرهنگی است که بخشی از آن متولیان خاص خود را دارد. مثلاً برای جمع‌آوری آثار گذشته‌ی شهرداری، یکی از برنامه‌های آینده این است که با ارائه‌ی فراخوانی از بزرگان و معتمدین شهر دعوت به عمل آید تا سوابق این شهر را با اسنادی که احتمالاً نزد بسیاری از مردم است، گردآوری کرده و بتوانیم مجموعه‌ای گرانبها از آنچه طی این مدت یعنی از سال ۱۲۷۶ در مجموعه‌ی شهری بندر لنگه روی داده است، در مجموعه‌ی شهرداری گردآوری و مستند سازیم.

شد. حتی به دلیل نبود رسیدگی لازم از سوی میراث فرهنگی، برجی که در محله‌ی لاری، برج کلاتر نامیده می‌شد و در حقیقت منزل شهردار آن زمان بوده است، به دلیل بروز خطر احتمالی در صورت ریزش آن برای شهروندان، تخریب می‌شود.

### شهریار آیا تصویری از آن ساختمان یا برج در شهرداری موجود است؟

○ در شهرداری خیر، اما اقوام شهردار ممکن است تصویری از شهردار و احتمالاً شهرداری نزد خود داشته باشند که بهتر است شهرداری با تشکیل ستادی این مدارک و اسناد را گردآوری کند. درست است که بسیاری از مدارک از بین رفته است اما اسنادی نیز موجود است که گواه از قدیمی بودن این شهر در عرصه‌ی مدیریت شهری دارد.

### شهریار اسناد دیگری که شما از آن نام بردید، شامل چه چیزهایی است؟

○ اولین شهری که طرح جامع آن توسط دبیرخانه‌ی شورای عالی شهرسازی در سال ۱۳۴۴ تصویب شد، بندر



شهریار آیا ساختمان فعلی شهرداری نیز از اسنادی است که از قدیمی بودن فعالیت بلدیة بندر لنگه حکایت دارد؟

○ گرچه این ساختمان همزمان با فعالیت آقای محمدباقر لاری ملقب به "مدحت السلطنه" نبوده است اما به نظر می‌رسد عمر این ساختمان نیز به ۸۰ یا ۹۰ سال

لنگه است. این نشان از آن دارد که بلدیة و شهرداری به اندازه‌ی سابقه دارد که چنین درخواستی - مانند تهیه‌ی طرح جامع - برای آن شده است.

شهریار رویکرد مردم را نسبت به شهرداری با توجه به سابقه‌ای که این شهرداری در امر نظام



شهرداری موجود است. به طور مثال یکی از شهرداران قدیمی بندرلنگه که در حال حاضر در سلامت هستند، شخصی است به نام آقای "تراکمه" که در سن جوانی به عنوان شهردار شهر بندرلنگه انتخاب شده بود - جالب تر این که پسر ایشان نیز قبل از من این سمت را برعهده داشتند.

**تروپیا** با نگاهی گذرا به شهر متوجه یک شاخصه‌ی بسیار مهم می‌شویم و آن جمعیت شهر بندرلنگه است. دلیل کم جمعیتی این شهر چیست؟

○ بنا بر گفته‌ها و برخی از اسناد و شواهدی که موجود است، در گذشته این شهر دارای جمعیتی بالغ بر ۸۰ هزار نفر بوده است، اما امروز متأسفانه این آمار به ۲۹ هزار نفر کاهش یافته است. این کاهش جمعیت امری خاص جریان‌های مهاجرت نیست بلکه مهاجرت افراد این شهر بستری دیرینه و تاریخی دارد. به نحوی که یکی از دلایل ترک مردم از شهر موضوع کشف حجاب توسط رضاخان بود. پس از مطرح شدن این طرح بسیاری از مردم متمکن، سرشناس و بازرگانان شهر به کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس به خصوص شهر دبی مهاجرت کردند - امروزه نیز بازماندگان آنها در شهر دبی ساکن هستند. دومین دلیل مهاجرت مشکلی است که تمام شهرهای ساحلی خلیج فارس با آن مواجه‌اند و آن مسئله کمبود آب شرب است. امکان مصرف آب شرب برای مردم در این شهر یک روز در میان وجود دارد که با هوای گرم و شرایط خاص جغرافیایی این منطقه برای شهروندان مشکلاتی را به وجود می‌آورد. البته پس از سفر آقای رئیس‌جمهور آب شیرین‌کن‌هایی خریداری شده است. قبل از این مردم تنها در روزهای چهارشنبه می‌توانستند آب شرب تهیه کنند و این آب در آب‌انبارها و بشکه‌هایی که در زیرزمین منازل قرار داده می‌شد برای مصرف یک هفته ذخیره می‌گردید. البته بنا به قول‌هایی مبنی بر مساعدت شهروندان صبور این شهر، قرار شده است با آب‌گیری سد کارون و اجرای طرح "محرم" تا آخر سال ۸۶ این مشکل برطرف شود و شهر بار دیگر آن شادابی و تحرک لازم را بیابد.

**تروپیا** با توجه به نزدیکی این شهر به خلیج فارس و بندری بودن آن بفرمایید که چه صنایعی در این شهر وجود داشته‌اند؟

○ در اشاره به فعالیت صنایع باید گفت که در زمان گذشته دو کارخانه‌ی ریستدگی و دکمه‌سازی در این شهر مشغول به کار بودند، که در کارخانه‌ی دکمه‌سازی، از صدف‌ها برای دکمه استفاده می‌کردند. متأسفانه امروز این دو کارخانه‌ی فعالیتی ندارند. اما در بحث آموزش و جذب دانشجوی، شهر دارای سه دانشگاه فعال و حدود ۱۵ هزار دانشجوی مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های پیام نور،



پیش برسد - یعنی همزمان با دوره‌ی پهلوی اول ساخته شده است.

**تروپیا** آیا اسنادی از زمان حضور پرتغالی‌ها که به صورت مکتوب باشد وجود دارد یا خیر؟

○ در بندر لنگه کنسول‌گری کشورهای بریتانیا، هند و پرتغال وجود داشته است. پرتغالی‌ها از "قلعه‌ی پرتغالی‌ها" تقریباً به طول ۵ کیلومتر تا کنار دریا، تونل زیرزمینی حفر کرده بودند که محل بارگیری مهمات و آذوقه‌ی کشتی‌های بزرگ بوده است. این کانال امروزه تخریب شده اما آثار آن هنوز پابرجاست. با وجود حضور طولانی مدت استعمارگران هیچ اطلاعات و یا نوشتار مکتوبی در دست شهرداری وجود ندارد. ولی این امکان وجود دارد که سازمان میراث فرهنگی استان یا شهر نسخه‌هایی از این اسناد را در اختیار داشته باشند. از طرفی شخصی به نام آقای نوربخش - که جزو یکی از شهروندان بندرلنگه بوده است - پیرامون این شهر تحقیقاتی انجام داده و همه‌ی پژوهش را در ۱۷ کتاب گردآوری کرده است.

**تروپیا** آیا سیاهه‌ای از نام‌های افرادی که در سمت شهردار بندرلنگه بوده‌اند، در اختیار دارید؟ زیرا این سیاهه یکی از مهم‌ترین اسناد یک شهر در امر مدیریت شهری محسوب می‌شود.

○ بله. سیاهه‌ی نام‌های شهرداران بندرلنگه در



نمادی از اقتدار ملی در این طرح قرار گرفته است. این پرچم یکسال پیش بازسازی شد و حتی نشان آن بر سرب‌های شهرداری، لوح‌های تقدیر و مواردی از این دست قرار گرفت. در همایش و نمایشگاه‌ها نیز این پرچم به عنوان نمادی از هویت شهر بندرلنگه معرفی و قرار داده می‌شود. در انتهای پرچم سال تأسیس شهرداری یعنی سال ۱۲۷۶ طراحی شده است.

### تاریخچه آیا در شهر امکانات فرهنگی از قبیل سینما، فرهنگسرا و مواردی از این دست وجود دارد؟

○ نه. هیچ کدام وجود ندارد. اما یکی از برنامه‌های شهرداری در آینده‌ی نزدیک، تأسیس و شناساندن آنچه که از قدیم در شهر به یادگار مانده به مردم این شهر است. شهرداری به دنبال راه‌اندازی واحدی به نام واحد فرهنگی شهرداری است تا با راه‌اندازی آن بتوان جزئیات تاریخی و فرهنگی شهر و سوابق آن را نگهداری کرد. البته اکتفا به یک واحد در شهرداری برای شناساندن شهری همچون بندرلنگه به نسل‌های بعد، به نظر کافی نیست بلکه چندین واحد باید در شهرداری کار خود را به این امر اختصاص دهند تا بتوان آثار و بقایای مدیریت شهری را در طول این سالیان متممادی حفظ کرد. برای مثال می‌توان از جمع‌آوری فرهنگ شفاهی و خاطرات مردم شروع کرد. در شهرداری کارمندی است که ۳۰ سال از فعالیت آن می‌گذرد. او می‌گوید اولین استخدامش در واحد برق در شهرداری بوده است. شب‌ها چراغ‌هایی به نام "براستی" یا "بیجلی" که نفت‌سوز بوده‌اند را در خورجین قرار می‌داده و به وسیله‌ی یک چوب بلند روشن، این فانوس‌ها را روشن و در سرکوچه یا تیر نصب می‌کرده است. این خاطره گواه آن است که تأمین آب و برق و روشنایی بندرلنگه تحت نظارت شهرداری بوده است و شهرداری به تنهایی کار چند وزارتخانه را انجام می‌داده است.

### تاریخچه اشاره به اقدامات فرهنگی کردید آیا در شهر کتابخانه نیز وجود دارد؟

○ بله. کتابخانه‌ای وجود دارد که زیر نظر وزارت ارشاد اداره می‌شود اما شهرداری دارای کتابخانه تخصصی پیرامون موضوعات شهرسازی، برنامه‌ریزی شهری، شوراها و عناوینی از این دست نیست. این در حالی است که به نظر می‌رسد برای تمام شهرداری‌های کشور لزوم وجود چنین کتابخانه‌ای لازم است. با امید به خدا و توجه مسئولان در سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور امیدواریم بتوانیم برای شهر و شهرداری کتابخانه‌ی مجهزی برای استفاده‌ی عموم مردم و کادر شهرداری ایجاد کنیم.

● از این که زمانی را به گفت‌وگو با ماهنامه اختصاص دادید، سپاسگزارم.

آزاد اسلامی و علمی - کاربردی است. لازم به ذکر است که بندر لنگه دارای دومین و یا سومین فرودگاه در سطح کشور است.

### تاریخچه پس سال احداث آن نیز بسیار قدیمی است؟

○ قدمت احداث فرودگاه به حدود ۹۰ سال قبل باز می‌گردد که بنای قدیمی آن نیز برجای مانده است و دارای کارکرد اقتصادی است. پروازهای مهم آن به صورت یک روز در میان به پایتخت و شهر شیراز انجام می‌پذیرد و در بخش پروازهای خارجی نیز به دلیل قدمت دیرینه‌ی تجارت بین این شهر و شهر دبی که این تاریخ و قدمت به ۵۰ سال می‌رسد، این پرواز مجدداً از سال پیش افتتاح و بازگشایی شد. اما مهم‌ترین شاخصه این شهر همانند بسیاری از شهرهای بندری، فعالیت کشتی‌ها و کشتی‌رانی در این بندر است. به صورتی که با احتساب گنجایش حمل ۲۵۰ مسافر در یک حرکت رفت باید گفت که امکان انتقال روزانه ۷۵۰ نفر به کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس فراهم و میسر می‌شود. به دلیل بندری بودن این شهر و با سفرهایی که مردم بومی این منطقه به نواحی افریقا و هند برای تجارت چوب‌هایی به نام چندل داشته‌اند، بسیاری از این شهروندان با اختیار کردن همسر در این مکان‌ها سبب شده‌اند که هم‌مراوده بین این کشورها گسترده‌تر شود و بسیاری از مردم زبانی همانند زبان هندی را فرا گرفته و در گویش‌های روزانه خود بکار بندند.

### تاریخچه در بین صحبت‌هایتان به چوب‌هایی به نام چندل اشاره کردید. تجارت و واردات این نوع چوب چه کاربردی در شهر داشت؟

○ این نوع چوب‌ها به منظور خانه‌سازی بر روی سقف منازل یا مکان‌های عمومی و دولتی قرار می‌گرفت. برای نمونه می‌توان به سقف فرودگاه بندرلنگه اشاره کرد.

### تاریخچه در حدود سی سال پیش بسیاری از

شهرداری‌های کشور - به تقلید از شهرهای اروپایی - برای خود پرچمی تهیه کردند که نمادی از شهر و به عنوان یک نشان از آن بود. آیا شهرداری بندرلنگه نیز با داشتن این سابقه طولانی، چنین نشان یا پرچمی را داراست؟

○ بله. این شهر یک نشان خاص دارد. طرحی از دو لنگر در کنار هم و مروریدی در بین این دو لنگر که در میان صدف قرار گرفته است. لنگرها نمادی از شهر بندری محسوب می‌شوند که کشتی‌های بزرگی در بندر آن مشغول داد و ستد و رفت و آمد هستند. مرورید نیز که نمادی از داشته‌ی شهر است و طرح شاخه و جوانه‌های گندم نیز که نشان از صلح و دوستی است و پرچم ایران هم



## "بررسی قانون شوراهای و موانع اجرای انتخابات در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۶۸-۷۰"

### فرازون‌نشیب قانون شوراهای

مریم بیژنی  
کارشناس ارشد تاریخ

تشکیل شوراهای در اولویت کاری دولت قرار نداشت. مطرح شدن مجدد برگزاری انتخابات شوراهای در اوایل کار این دولت بیشتر به این دلیل بود که همزمان با روی کار آمدن دولت جدید مسئله‌ی انتخابات شوراهای مطرح بود، به خصوص تعدادی از نمایندگان مجلس پافشاری میکردند که اصول به تعویق افتاده‌ی قانون اساسی در طی این ۱۱ سال باید اجرا شود. با توجه به این موضوع وقتی صحبت از اجرای انتخابات شوراهای شد، مجدداً این مسئله مطرح شد که این قانون برای اجرا ایراداتی دارد و باید اصلاح شود. با توجه به این قضیه در سال ۱۳۶۸ کمیسیون شوراهای و امور داخلی مجلس قانون سال ۶۵ را بازنگری و در تعدادی از مواد آن اصلاحاتی انجام داد. اصلاحات انجام گرفته در قانون سال ۶۵ تمرکز و نظارت وزارت کشور بر امور شوراهای افزایش می‌داد.

پس از بحث و بررسی و کارهای کارشناسی در کمیسیون شوراهای کلیات طرح اصلاح قانون شوراهای با عنوان "طرح اصلاح پاره‌ای از مواد قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری مصوب ۶۱/۹/۱ و قانون اصلاح قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری و انتخابات شوراهای مزبور مصوب ۶۵/۴/۲۹" در جلسه‌ی یکصد و پنجاه و هشتم مجلس شورای اسلامی به تاریخ چهارشنبه سوم آبان ماه ۱۳۶۸ مطرح شد. در هنگام ارائه‌ی طرح کلیات تعدادی از نمایندگان مجلس به دیر اجرا شدن قانون شوراهای معترض بودند و همین نمایندگان پیش‌بینی می‌کردند حتی با وجود این اصلاح در قانون شوراهای مطمئناً این انتخابات همانند گذشته برگزار نخواهد شد. نمایندگان بر طرح اصلاح قانون شوراهای ایراداتی گرفتند زیرا آنها معتقد بودند قانونی که هنوز اجرا نشده و عیب‌های آن مشخص نگردیده چرا باید مدام برای آن اصلاحیه بیاورند؟ آوردن اصلاحیه‌های متعدد بدون برگزاری انتخابات شوراهای به عنوان بهانه و سدی برای عدم تشکیل این قانون می‌دانستند.<sup>(۱)</sup> واقعیت آن بود که فکر کار شورایی در سطح شهرها و به صورت گسترده وجود نداشت و در سیاست‌گذاری‌ها

همانگونه که در شماره‌ی ۷۵ مطرح شد در زمان دولت میرحسین موسوی و تصدی وزارت کشور علی‌اکبر محتشمی، قانون اصلاح تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری و انتخابات شوراهای مزبور در بیست و نهم تیرماه ۱۳۶۵ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. پس از تصویب این قانون با اعلام دولت قرار شد در سال ۱۳۶۶ انتخابات شوراهای برگزار شود که به رغم تمهیدات اندیشیده شده این انتخابات برگزار نشد، و تنها وعده‌هایی برای اجرای انتخابات داده شد، از جمله در مرداد سال ۶۸ - که با انتخابات ریاست جمهوری مصادف بود - مجدداً به تعویق افتاد. این موضوع با پایان کار دولت موسوی و روی کار آمدن هاشمی رفسنجانی به عنوان رئیس‌جمهور همزمان بود و در این زمان مجدداً طرح اصلاح قانون شوراهای مطرح شد.

در این شماره برآنیم رسیدگی به قانون شوراهای و مطرح شدن طرح "اصلاح قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری و انتخابات شوراهای مزبور" را در زمان دولت هاشمی رفسنجانی در طی سال‌های ۶۸-۷۰ بررسی کنیم.

با انتخاب هاشمی رفسنجانی به عنوان رئیس‌جمهور و تشکیل دولت توسط وی در سال ۶۸ دوره‌ای جدید در تحولات کشور آغاز شد. زیرا تشکیل این دولت پس از جنگ بود و فعالیت‌های اقتصادی در رأس برنامه‌های کاری دولت قرار داشت. از آنجایی که در دوره‌های قبل با توجه به شرایط جنگی انتخابات شوراهای را برگزار نمی‌کردند، انتظار می‌رفت در این دوره اصول به تعویق افتاده‌ی قانون اساسی در زمینه‌ی شوراهای به مرحله‌ی اجرا درآید. با توجه به این که این دولت، دولتی کاملاً تمرکزگرا بود تشکیل شوراهای با اهداف و برنامه‌ریزی‌های مسئولان هماهنگ نبود. زیرا شوراهای شکل قدرت‌های پراکنده و متراکم در سطح کشور را داشتند که ممکن بود در راه اجرای اهداف دولت مانع تراشی‌هایی بکنند و با اظهار نظرهایشان خللی در کارها به وجود بیاورند. به همین دلیل



... در زمانی که بحث بودجه انجام می شد بنده خودم هم پیشنهاد کردم که ۶۰ میلیون تومان هزینه برگزاری انتخابات شوراهای مردمی را روی این ۱۰ میلیون تومان بگذارند و برادرمان آقای زنجانی وزیر وقت برنامه و بودجه تشریف آوردند پشت میکروفون گفتند: آقا ما قول می دهیم آقایان هر وقت خواستند انتخابات را برگزار کنند ما از تبصره ی (۲۲) ۶۰ میلیون تومان را به آنها می دهیم و حاضر نشدند در ردیف بگذارند، مجلس محترم هم رأی نداد.<sup>(۵)</sup> به همین دلیل معاون وزارت کشور یکی از علل عدم اجرای انتخابات شوراهای را در مجلس کمبود بودجه عنوان کرد، "محمد حسین رضایی (معاون وزارت کشور) - ... ما نامه نوشتیم برای خواستن بودجه جهت انجام همین قانون، جواب داده شد به ما رسماً که در ردیف ها ما بودجه نداریم و امسال نمی توانیم برای شما بودجه بگذاریم."<sup>(۶)</sup>

**بررسی طرح اصلاح قانون شوراهای  
از جلسه ۲۳۱ یکشنبه ۱۶  
اردیبهشت ماه ۱۳۶۹ آغاز شد**

بعد از بحث و گفت و گوهای صورت گرفته در مجلس، نمایندگان با طرح کلیات اصلاح قانون شوراهای موافقت کردند. بررسی طرح اصلاح قانون شوراهای از جلسه ۲۳۱ مورخه ی یکشنبه ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۶۹ آغاز شد. در هنگام طرح اصلاح قانون شوراهای دو دیدگاه نسبت به آن وجود داشت:

۱- عده ای معتقد بودند براساس قانون قبلی عمل کنند و مطابق قانون اساسی شوراهای اجرا شود.

۲- عده ای هم معتقد بودند چون چندین سال از تصویب قانون قبلی گذشته در حال حاضر برای اجرا باید اصلاح شود.<sup>(۷)</sup>

در این میان نمایندگان طرفدار نظر اول معتقد بودند اول قانون شوراهای براساس قانونی که وجود دارد، اجرا شود. وقتی ایرادهای آن معلوم شد، اصلاح گردد. در هنگام بحث در مورد این طرح مجدداً تعدادی از نمایندگان به اجرا نشدن این قانون تا سال ۶۸ به شدت معترض بودند و اعتقاد داشتند براساس اهداف سیاسی و نیت مجریان این قانون اجرا نشده و آوردن این اصلاحیه ها را بهانه ای برای به تعویق انداختن اجرای قانون شوراهای می دانستند. "... بالاترین غرض و هدف از آوردن اصلاحیه های قانونی که اصلاً اجرا نکرده اند این است که می خواهند دفع الوقت کنند و می خواهند در واقع به عمل نکردن به قانون و اجرا نکردن مشروعیت بدهند..."<sup>(۸)</sup>

از موضوع های چالش برانگیز در زمینه ی این اصلاحیه ی قانونی بند ۱ ماده ی ۳۵ قانون ۱۳۶۵ بود که با عنوان ماده ی ۴ اصلاح شد. مطابق این اصلاح: "مادامی که در آمدهای پیش بینی شده کافی نباشد شورای شهر می تواند با تصویب وزارت کشور و تفهیم ولی امر عوارضی متناسب با امکانات اقتصادی محل و خدمات ارائه شده تعیین نماید."<sup>(۹)</sup>

مخالقان این بند معترض به بوروکراسی اداری بودند که در نتیجه ی

هدف این بود که کشور با یک سیاست متمرکز و هماهنگ اداره شود. از طرفی تعدادی از مسئولان تشکیل شوراهای شهر را به عنوان تداخل در کار و مسئولیت خود می دانستند.

از آنجایی که بحث اصلاح قانون شوراهای و انتخابات آن در مجلس مطرح بود، باید در سطح هیئت دولت کارهای کارشناسی و اقداماتی صورت می گرفت. به همین دلیل هیئت دولت آیین نامه ی قانون شوراهای اسلامی را در هفتم مرداد سال ۶۸ به تصویب رساند و براساس آن وزارت کشور موظف بود که در هفتم مهرماه انتخابات را برگزار کند<sup>(۱۰)</sup> - البته این امر مجدداً تحقق پیدا نکرد. در مرحله ی عمل و اجرا قدرت مخالفان اجرای قانون شوراهای و مسئولانی که احساس می کردند با تشکیل شوراهای خلی در مدیریت ها و کارهای اجرایی به وجود می آید، بیشتر بود.

**از آنجایی که بحث اصلاح قانون  
شوراهای و انتخابات آن در مجلس  
مطرح بود، باید در سطح هیئت  
دولت کارهای کارشناسی و  
اقداماتی صورت می گرفت**

تعدادی از نمایندگان پیشنهاد برگزاری انتخابات شوراهای را در اواخر سال ۶۸ دادند. یکی از دلایلی هم که برای عدم اجرای آوردن فرا رسیدن فصل سرما بود "رئیس کمیسیون شوراهای و امور داخلی - محمد اشرفی اصفهانی ... برادر ارجمندمان جناب آقای نوری هم که تشریف آوردند، ظاهراً در اولین جلسه معارفه کمیسیون هم صحبت شد و ایشان هم فرمودند که ما بنا داریم اجرا کنیم و باز در همین جا عرض کنم که متأسفانه چون فصل سرما رسید و در مناطق سردسیر امکان اجرا نیست، وعده حتمی و قطعی دادند که ان شاء الله در اردیبهشت سال آینده اجرا کنند."<sup>(۱۱)</sup> بهانه ی وزارت کشور بیشتر به این دلیل بود که تجربه ی برگزاری انتخابات شوراهای را برای اولین بار و در سطح وسیع و گسترده ای در کشور انجام می داد. بنابراین انجام این کار در فصل سرما و برنامه ریزی برای آن را سخت می دانسته اند. هر چند برگزاری این انتخابات برای اولین بار و در مقیاس وسیعی از روستاها و شهرها تا حد زیادی مشکل بوده ولی مطمئناً این بهانه ی لازم برای عدم برگزاری انتخابات شوراهای نبوده و عده ای می خواسته اند با عناوین مختلف انتخابات را به تعویق بیندازند. چنان که تعدادی از نمایندگان مجلس معتقد بودند انتخاباتی مانند مجلس در فصل سرما برگزار شده، بنابراین برگزاری این انتخابات در این فصل از سال هیچ مشکلی ایجاد نمی کند.<sup>(۱۲)</sup>

از موانع دیگر اجرای انتخابات کمبود بودجه بود، در ردیف بودجه ی سال ۶۸ برای این کار ده میلیون تومان پول در نظر گرفته شده بود، اما برای برگزاری انتخاباتی در سطح وسیعی از شهرها و روستاها این مبلغ بودجه کم بوده است و حتی با درخواست بعضی از نمایندگان برای افزایش بودجه موافقت نشد، "محمد رضا بهزادیان -



اجرای این قانون صورت می گرفت. زیرا با اجرای این بند عملاً از اختیارات شوراها در تعیین عوارض محلی کاسته می شد. نمایندگان نظرشان این بود اگر عوارض را شورای شهر پیشنهاد می دهد و ولی امر مسلمین تنفیذ می کند، وزارت کشور در این میان چه معنا دارد؟ زیرا به این وسیله از اختیارات شوراها کاسته می شد. به همین دلیل پیشنهاد حذف جمله "با تصویب وزارت کشور" را دادند.<sup>(۱۰)</sup> اما موافقان این لایحه و از جمله مسئولان وزارت کشور سیاست متمرکز و هماهنگ عمل کردن شوراها را به لحاظ تعیین عوارض در سطح کشور مدنظر داشتند، "... این امر بسیار مهمی است و در این امر مهم چه کسی متناسب تر از وزارت کشور است که هماهنگی را در بین همه ی شهرهای کشور به نوعی رعایت بکند..."<sup>(۱۱)</sup>

**در ماده ی ۷ آمده است: "انتخاب شهردار برای مدت ۴ سال و معرفی به وزیر کشور جهت صدور حکم" مخالفان این ماده معتقد بودند وقتی مردم می توانند اعضای شورای شهر را انتخاب کنند، پس نمایندگان آنها باید بتوانند مستقیماً شهردار را انتخاب کنند و وزارت کشور نباید دخالت کند**

مسئولان وزارت کشور معتقد بودند با این کار از ایجاد اختلافات در زمینه ی دریافت عوارض در کشور جلوگیری می کنند، "... چون ما همه شهرها را به هم مرتبط می دانیم. این طور نیست که اگر در یک شهری یک عوارضی را شورای شهر تصویب کرد اثر منفی یا مثبت در شهرهای مجاور نداشته باشد. خوب اینها را وزارت کشور رویش بالانس بکند و بتواند اینها را با هم متناسب کند."<sup>(۱۲)</sup> وضع عوارض محلی از دیدگاه تعدادی از نمایندگان راه حل مناسبی برای اداره ی شهرها بود اما با سیاست های تمرکزگرایانه ی دولت در تضاد بود. موضوع بحث برانگیز دیگر در این قانون اصلاحی در زمینه ی انتخاب شهردار بود. در ماده ی ۷ آمده است: "انتخاب شهردار برای مدت ۴ سال و معرفی به وزیر کشور جهت صدور حکم" مخالفان این ماده معتقد بودند وقتی مردم می توانند اعضای شورای شهر را انتخاب کنند، پس نمایندگان آنها باید بتوانند مستقیماً شهردار را انتخاب کنند و وزارت کشور نباید دخالت کند، چون از قدرت اجرایی شوراها کاسته می شود و کار آنها بیشتر جنبه ی نظارت پیدا می کند.<sup>(۱۳)</sup> در مقابل مسئولان وزارت کشور معتقد بودند چون شهردار قرار است با مسئولانی در سطوح مختلف در ارتباط باشد بنابراین باید مقامی که دارای قدرت بالایی در سطح استان باشد، مانند استاندار یا فرماندار و یا وزیر کشور به او حکم بدهد و این حکم پشتوانه ی محکمی برای کار شهردار می باشد. علاوه بر این مسئولان وزارت کشور اظهار داشتند که معرفی شهردار به وزارت کشور صرفاً به جهت صدور حکم است نه تأیید یا رد کردن.<sup>(۱۴)</sup> نکته ی حائز اهمیت در این

میان بحث بر سر نوعی فرهنگ سیاسی رایج در جامعه ی ما است. با توجه به ساختار تمرکزگرای قدرت در ایران، مردم و مسئولان در هر جای کشور در سطح اداری با مقامی حاضر به همکاری هستند و حرف هایش بیشتر تأثیر دارد که از پشتوانه ی دولتی برخوردار باشد. مگر این که برای این کار فرهنگ سازی بشود و زمینه های اجرای آن توسط دولت هموار شود تا یک شهردار منتخب نمایندگان مردم در شورا بدون صدور حکم وزارت کشور بتواند دارای قدرت اجرایی شود. به همین دلیل تأیید حکم مقامی از سوی دولت برای وی "قدرت" به همراه می آورد. وزارت کشور با توجه به این شرایط سیاسی با پیشنهاد مخالفان موافق نبود، "... آیا اگر چنانچه حکم یک شهردار در یک شهر کوچک دورافتاده ای را وزیر کشور امضاء کند از قدرت بیشتری برخوردار است و از حمایت دولت برخوردار است و بهتر می تواند کار بکند یا این که آنجا شورا این حکم را امضاء کند؟"<sup>(۱۵)</sup> یکی دیگر از مواد این قانون که مخالفانی داشت، بند ۸ ماده ی ۴ بود، "عزل و نصب شهردار تهران و مراکز استان ها به پیشنهاد شورای شهر و تأیید و حکم وزیر کشور خواهد بود."<sup>(۱۶)</sup> با توجه به فضای سیاسی کشور و توضیحات وزارت کشور در زمینه ی لزوم صدور حکم شهردار توسط وزارت کشور نمایندگان مخالف در این زمینه قانع شدند، اما علاوه بر صدور حکم با تأیید عزل و نصب توسط این وزارتخانه مخالف بودند. زیرا این امر را به معنای دخالت هرچه بیشتر وزارت کشور در مسائل شوراها و موجب اختلاف بین وزارت کشور و شوراها می دانستند، "وقتی ما تأیید وزارت کشور را در اینجا تصویب بکنیم یعنی حق وتوی علی الاطلاق به وزارت کشور داده ایم. وزارت کشور خواست حکم عزل و یا نصب را تأیید می کند و نخواست هم تأیید نمی کند..."<sup>(۱۷)</sup> مخالفان اظهار می داشتند اگر در تهران و یا مراکز استان ها شورای شهر کارنامه ی کاری شهرداری را بررسی کرد و ادامه ی کار وی را به صلاح تشخیص نداد و درخواست عزل وی را داد، ممکن است وزارت کشور تأیید نکند و موجب اختلاف شود.<sup>(۱۸)</sup> در همین زمان که طرح اصلاح قانون شوراها مطرح بود، استانداران طی یک سمینار خواستار کاهش تمرکزگرایی و انتخاب شهردار و بخشدار توسط استان ها بودند.<sup>(۱۹)</sup> و این به خوبی نشان می داد با تمرکزگرایی شدید وزارت کشور بر امور شهرها تعدادی از مسئولان هم موافق نبودند - هر چند تعدادی از مسئولان اجرایی و استانداران وجود شوراها را به عنوان خللی در کار خود می دانستند. با این وجود مسئولان وزارت کشور مخالف حذف کلمه ی تأیید بودند زیرا معتقد بودند که تأیید وزارت کشور موجب جلوگیری از اختلاف میان شهرداران و مسئولان استانداری می شود.<sup>(۲۰)</sup> دفاعیه ی وزارت کشور در مجلس بیانگر این است که سیاست هایشان بیش از حد محافظه کارانه بوده و به سمت تمرکزگرایی شدید سوق داشته است. زیرا صرفاً به صدور حکم راضی نبوده و خواهان تأیید هم بودند. زیرا مسئولان وزارت کشور شوراها را مرتبط با مسائل سیاسی می دیده اند، "معاون وزارت کشور (محمد حسین رضایی) - ... مسائل سیاسی جدای از مسائل عمرانی و اجرایی شهرداران در مراکز استان ها و تهران نیست. این تأیید را حتماً لازم دارد چون تنگاتنگ اینها می خواهند با



وجود مخالفان این ماده راضی نشدند و حتی این نحوه‌ی انتخاب اعضای شورای شهر را به معنای کاهش نقش و قدرت شوراها دانستند.<sup>(۲۸)</sup> با توجه به مسائل ذکر شده، چون مخالفان این ماده در مجلس بیشتر بودند به همین دلیل این ماده‌ی اصلاحی رأی نیاورد و به همان شکل قبلی باقی ماند. قانون اصلاح پاره‌ای از مواد قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری مصوب ۱۳۶۱/۹/۱ و قانون اصلاح قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری و انتخابات شوراهای مزبور مصوب ۱۳۶۵/۴/۲۹ با ۳۲ ماده در جلسه‌ی علنی روز دوشنبه مورخ پنجم آذرماه یک هزار و سیصد و شصت و نه به تصویب مجلس شورای اسلامی و در تاریخ ۱۳۶۹/۹/۱۱ به تأیید شورای نگهبان رسید.

در حین بررسی این قانون مطابق برنامه‌ی دولت قرار بود در سال ۶۹ انتخابات برگزار شود که این کار عملی نشد. پس از تصویب قانون اصلاح قانون شوراهای مطابق قانون می‌بایستی وزارت کشور مقدمات برگزاری انتخابات شوراها را فراهم می‌کرد. از اواخر سال ۶۹ با بحث و گفت‌وگوهایی که میان کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس و وزارت کشور صورت گرفت، قرار شد در نیمه‌ی دوم فروردین ماه سال ۱۳۷۰ این انتخابات برگزار شود.<sup>(۲۹)</sup> اما در حین تهیه مقدمات برگزاری انتخابات شوراها مجدداً اشکال قانونی به وجود آمد. این بار اشکال در زمینه‌ی وظایف هیئت نظارت بر انتخابات شوراها بود. در آن زمان نظارت بر انتخابات شوراها مطابق قانون توسط مجلس شورای اسلامی انجام می‌گرفت. هر چند نقض‌های قانون نظارت بر انتخابات شوراها را می‌توانستند به صورت تدوین آیین‌نامه‌ای توسط هیئت نظارت رفع کنند. ولی برای رفع ابهامات و داشتن پشتوانه‌ی قانونی با الگوبرداری از قوانین نظارت شورای نگهبان بر انتخابات

**مادامی که درآمدهای پیش‌بینی شده کافی نباشد شورای شهر می‌تواند با تصویب وزارت کشور و تفهیم ولی امر عوارضی متناسب با امکانات اقتصادی محل و خدمات ارائه شده تعیین نماید**

مجلس در اواخر بهمن ۱۳۷۹ به صورت طرح دو فوریتی در مجلس مطرح شد و حتی با شورای نگهبان هماهنگی‌های لازم صورت گرفته بود که به لحاظ قانونی ایرادی نداشته باشد و هدف این بود که این اصلاحیه سریع به تصویب مجلس برسد و در اوایل سال ۷۰ انتخابات برگزار شود. اما به دلیل ایرادهایی که تعدادی از نمایندگان در مجلس بر آن وارد کردند طرح به صورت یک فوریتی درآمد و برای بررسی بیشتر به کمیسیون شوراها داده شد.<sup>(۳۰)</sup>

در حین بررسی قانون نظارت در مجلس، علی‌اکبر ناطق‌نوری (وزیر کشور) طی مصاحبه‌ای با روزنامه‌ی اطلاعات زمان برگزاری انتخابات شوراها و اقدامات انجام گرفته شده برای آن را توضیح دادند.

هم کار بکنند. لذا ما با پیشنهاد حذف مخالفیم.<sup>(۲۸)</sup> به رغم این دلایل اکثر نمایندگان مخالف کلمه‌ی تأیید بودند. به همین دلیل در هنگام رأی‌گیری اکثریت نمایندگان به حذف کلمه‌ی تأیید از بند ۸ رأی دادند. در واقع نمایندگان با محدود شدن قدرت اجرایی شوراها مخالف بودند.

از مواد دیگری که به لحاظ موضوعی قابل توجه است، ماده‌ی ۱۰ این اصلاحیه بود، "در صورتی که طبق مقررات قانونی هر یک از شوراها منحل شود، وزارت کشور باید ظرف سه ماه انتخابات را تجدید نماید و تا انتخابات بعدی وزارت کشور قائم مقام شورا خواهد بود."<sup>(۲۳)</sup>

تعدادی از نمایندگان با توجه به تجربه‌ی ۱۱ ساله‌ی به تعویق افتادن اجرای قانون شوراهای این که در طی این مدت وزارت کشور قائم مقام شوراها بود، با این ماده مخالف بودند. زیرا وجود این ماده رازهای برای افزایش نفوذ وزارت کشور و اجرا نشدن قانون شوراهای می‌دانستند. نمایندگان مخالف معتقد بودند در صورت بروز مشکل از معتمدان محلی تا برگزاری انتخابات استفاده شود. در مقابل موافقان معتقد بودند در این فاصله به غیر از وزارت کشور هر کس و یا جای دیگری بخواهد تا برگزاری انتخابات مسئول باشد، مشکلات اجرایی پیش می‌آید.<sup>(۲۴)</sup> با توجه به استدلال‌های وزارت کشور و موافقان با این ماده، نظر مخالفان رأی لازم را برای حذف نیاورد.

در این اصلاحیه همچنان نظام دوگانه انتخاب شورای شهر به قوت خود باقی بود. مطابق این فرم انتخابات، ابتدا مردم اعضای شورای محله را انتخاب می‌کردند، پس از آن اعضای شورای محله و منطقه اعضای شورای شهر را برمی‌گزیدند. ولی اصلاحی که در این قانون در قیاس با این نحوه‌ی انتخابات انجام گرفت به این ترتیب بود، "انتخابات شورای اسلامی شهرهایی که شمول تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۳۴ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشوری می‌باشند ۷ نفر به عنوان اعضای اصل و ۵ نفر به عنوان اعضای علی‌البدل با انتخابات رسمی و رأی مستقیم مردم طبق مقررات این قانون انتخاب خواهند شد. در سایر شهرها شورای اسلامی شهر بر طبق ماده‌ی ۳۴ و تبصره‌ی یک قانون مذکور تشکیل می‌گردد."<sup>(۲۵)</sup>

با این اصلاحیه شهرهایی که محله و منطقه نداشتند، شامل قانون بالا نمی‌شدند و اعضای شورای شهر با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شده‌اند. در شهرهایی که نظام تقسیمات محله‌بندی و منطقه‌ای وجود داشت، به صورت غیرمستقیم اعضای محله و منطقه به ترتیب اعضای شورای شهر را انتخاب می‌کردند. نمایندگان مخالف این قانون اظهار می‌داشتند اعضای شورای شهر باید با رأی مستقیم مردم باشد، زیرا در نزد مردم پذیرفته شده هستند و بهتر می‌تواند کار کنند. علاوه بر این نمایندگان مخالف اعتقاد داشتند وقتی هر نماینده‌ای از یک محله و منطقه در شورا حضور داشته باشد، باعث ناهماهنگی در تصمیم‌گیری‌ها می‌شود. زیرا هر کس سنگ محله و منطقه‌ی خود را به سینه خواهد زد.<sup>(۲۶)</sup> اما نماینده‌ی وزارت کشور و موافقان طرح معتقد بودند چون اعضای محله و منطقه افراد خود را بهتر می‌شناسند این بهترین شیوه‌ی انتخاب اعضای شورای شهر است.<sup>(۲۷)</sup> با این



زمان برگزاری انتخابات شوراها را سه ماهه‌ی اول سال ۱۳۷۰ اعلام کردند. همچنین در این مصاحبه اظهار داشتند که سربرگ‌ها و فرم‌های انتخاباتی را وزارت کشور آماده کرده است. با توجه به این که برای اولین بار بود براساس قانون مجلس انتخابات شوراها برگزار می‌شد، بنابراین نیاز به تهیه‌ی مقدماتی داشت و می‌بایستی در سطح شهرها و روستاها کارهای تبلیغی انجام می‌گرفت.<sup>(۳۱)</sup> وزیر کشور اقدامات انجام گرفته از سوی وزارت کشور را در این زمینه این چنین اعلام کردند: "در رابطه با کار انتخابات شوراها به لحاظ این که این انتخابات کار جدیدی است که در کشور انجام می‌شود، می‌بایست کارهای مختلف در زمینه‌ی آشنایی مردم با مسئله‌ی شوراها چه در شهرها و چه در روستاها انجام شود. به طور طبیعی ما مجموعه آن را خواهیم داشت که این کار آموزشی تبلیغی را انجام خواهد داد و اولین جلسه آن با حضور مسئولین فرهنگی در وزارت کشور تشکیل شده است."<sup>(۳۲)</sup>

قانون نظارت با عنوان "طرح الحاق موادی به قانون انتخابات شوراهای اسلامی کشور" در جلسه سه‌شنبه سوم اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۰ در مجلس مطرح شد و به تصویب رسید. با توجه به این که این قانون دیر به تصویب مجلس رسید، برنامه‌ی زمان‌بندی انتخابات شوراها تغییر کرد. براساس برنامه‌ریزی جدید قرار شد مرحله‌ی اول انتخابات در خردادماه (در سطح روستاها) و مرحله‌ی دوم انتخابات در تیرماه (در سطح شهرها) برگزار شود.<sup>(۳۳)</sup> ولی این کار عملی نشد. با وجود تمام تمهیداتی که اندیشیده شد و وقتی که صرف این قانون شد، مجدداً برگزاری انتخابات شوراها به تعویق افتاد. عوامل متعددی در این قضیه دخیل بودند، با توجه به این که از خردادماه به بعد قرار بود مقدمات برگزاری انتخابات مجلس چهارم فراهم شود، انجام انتخابات شوراها همزمان با انتخابات مجلس برای وزارت کشور مشکل بود. چرا که انتخابات شوراها تجربه‌ی جدیدی بود و می‌بایستی برای آن تدارک گسترده‌ای می‌دیدند. علاوه بر این نوعی ناهماهنگی میان مجلس و دولت در زمینه‌ی قانون شوراها نقش مهمی

در تعویق انتخابات داشت. زیرا در مجلس براساس نظر دولت قانون را اصلاح می‌کردند ولی زمانی که به هیئت دولت برده می‌شد به لحاظ اجرایی به قانون ایراداتی وارد می‌کردند و دوباره قانون برای اصلاح به مجلس بازگردانده می‌شد. از طرفی نبود یک اراده‌ی جدی برای برگزاری انتخابات شوراها، در سطح هیئت دولت و خارج از آن - زیرا مسئولانی بودند که به لحاظ کاری به هیچ عنوان موافق با شوراها نبودند و واژه از تشکیل شوراها و پاسخگو بودن در مقابل آنها برای مدیران اجرایی بسیار سخت بوده است: "... از این که فلان دستگاه اجرایی می‌گوید ما در مقابل ۲۷۰ نفر نماینده جوابگو باید باشیم و یک تعداد زیادی از شوراها می‌خواهند فردا بیایند در مقابل ما بایستند هر روز از ما سؤال بکنند، آقا آب فلان ده چی شد؟ چرا مثلاً آب فلان شهر خرابه؟..."<sup>(۳۴)</sup> اگر این موانع نبود قانونی که هنوز اجرا نشده نیاز به این همه اصلاحیه نداشت و مطمئناً می‌بایستی اجرا می‌شد و وقتی نقص‌های قانون در مرحله‌ی اجرا مشخص می‌شد آن موقع برای آن اصلاحیه‌های متعدد می‌آوردند.

### نتیجه‌گیری

بررسی قانون اصلاح قانون شوراها در سال ۶۹ و اقداماتی که در طی سال‌های قبل و پس از آن انجام گرفت، به خوبی نشان می‌دهد هر قانونی هرچقدر در ظاهر برای امور اجرایی خوب باشد می‌بایستی در عمل با ساختار دولت هماهنگ باشد. زیرا یا هرگز به اجرا در نخواهد آمد و یا به شکل ناقص به آن عمل خواهد شد و این نتیجه‌ای جز اتلاف وقت و صرف نیرو و هزینه در بر نخواهد داشت. شهرهای ما که در طی این سال‌ها در یک نظام هماهنگ اداره می‌شدند، مطمئناً بعد از دوران جنگ با برنامه‌ریزی‌هایی که می‌شد، قانون شوراها را در آنها به مرحله‌ی اجرا در می‌آورد و ساختار اداری شهرها به طرف محلی شدن پیش می‌رفت، ولی این کار محقق نشد، چون با نظام تمرکزگرای دولت کاملاً در تضاد بود و این مسئله به شناخت نامفهوم از شوراها و ضرورت اجرای آن دامن زد.

پانویس	شماره
۱. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی ۶۹-۱۳۶۸ (نوروز، سوم، اجلاس بیستم، جلسه ۱۸۵-۱۵۷) (جلسه ۱۵۸، شماره ۲۲-۲۶)	۱۸
۲. همان، ص ۲۵	۱۹
۳. همان، ص ۲۲	۲۰
۴. همان، ص ۲۶	۲۱
۵. همان، ص ۲۵	۲۲
۶. همان، ص ۲۷	۲۳
۷. همان (جلسه ۲۲۲-۲۲۸) (جلسه ۲۳۱، شماره ۱۲۲-۴، ص ۳۱)	۲۴
۸. همان، ص ۲۷	۲۵
۹. همان، ص ۲۷	۲۶
۱۰. همان، ص ۲۲	۲۷
۱۱. همان، ص ۲۴	۲۸
۱۲. همان، ص ۲۴	۲۹
۱۳. همان، ص ۲۴	۳۰
۱۴. همان، ص ۲۶	۳۱
۱۵. همان، ص ۲۶	۳۲
۱۶. همان، ص ۲۶	۳۳
۱۷. همان، ص ۲۶	۳۴



## معرفی سه الگو برای مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهرها

مجید مخنائی - کارشناس ارشد سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کهگیلویه و بویر احمد  
تهمینه عباسی‌زاده - دبیر و کارشناس آموزش و پرورش استان کهگیلویه و بویر احمد

### مقدمه

که هرچقدر مشارکت مردم در فعالیت‌های ایمنی در سطح گسترده‌تری صورت پذیرد، مقابله با حوادث آسان‌تر می‌شود. تلاش ما در اینجا این است که با توجه به تجربه‌ی کشورهای توسعه یافته، الگویی برای مشارکت مردم در تأمین ایمنی شهرها پیشنهاد کنیم.

ایده‌ی اصلی این الگو بر این مبنا استوار است که در هر شهری در کنار نیروهای حرفه‌ای آتش‌نشانی از کمک نیروهای داوطلب نیز برای مقابله با حوادث بهره گرفته شود. چون نیروهای داوطلبی که آموزش ندیده و تمرین نداشته باشند نه تنها در هنگام بروز حوادث کمکی نخواهند کرد بلکه حتی سبب کندی و تأخیر انجام فعالیت‌های امدادی نیز خواهند شد. از این رو سازماندهی نیروهای داوطلب بایستی بر اساس میزان قدرت یادگیری و امکان صرف وقت برای شرکت در تمرین‌های مربوطه صورت پذیرد. بر این مبنا سه نوع سازماندهی برای نیروهای داوطلب پیشنهاد می‌شود: سازماندهی در دبیرستان‌ها، سازماندهی در محله‌ها و سازماندهی نیروهای بسیجی.

### الف: سازماندهی در دبیرستان‌ها

در هر دبیرستان انجمنی متشکل از آموزگاران و دانش‌آموزان تحت عنوان "انجمن ایمنی همگانی" تشکیل می‌شود. تعدادی از دانش‌آموزان دبیرستانی به صورت داوطلبانه انتخاب شده و پس از گذراندن آموزش‌های لازم در صورت موفقیت در امتحان به عضویت انجمن ایمنی همگانی درمی‌آیند. از میان آموزگاران نیز افراد داوطلب با گذراندن برنامه‌های آموزشی و طرح کارورزی با اصول و روش‌های کار آشنا می‌شوند و مسئولیت انجمن را بر عهده می‌گیرند.

آموزگاران که در ارتباط مستمر با آتش‌نشانی قرار دارند، می‌کوشند تا آموزش‌های جدید را به دانش‌آموزان انتقال دهند. به علاوه آموزگاران با برخی از ابزارهای مقدماتی، کمک‌رسانی و

مشارکت اگرچه ریشه‌هایی قوی در فرهنگ ما دارد اما به دلیل تحولات سیاسی - اجتماعی، بررسی ابعاد گوناگون مشارکت و چگونگی "انجام امور مردم از طریق خودشان" ضروری است. در یک نگاه ساده می‌توان اصول آرمانی مدیریت شهری را: آموزش فرهنگ شهرنشینی، تشویق به مشارکت مردم در اداره‌ی امور شهری، آگاهی از نیازها و خواسته‌های شهروندان و اقدام در جهت برآوردن آنها، تلاش برای دستیابی به توسعه‌ی پایدار شهری، تلاش در جهت تمرکز زدایی و حرکت به سوی واگذاری امور، برخورداری از سازمانی ساده و تعداد اندک کارکنان ستادی، بهره‌وری و بهره‌گیری بهینه از امکانات، اولویت و اهمیت قائل شدن برای گسترش فضاهای فرهنگی، اجتماعی و ... فرض کرد. برای اداره‌ی امور شهرها بر مبنای اصول مذکور، انسان‌ها تجربیات مختلفی را سامان داده‌اند که در اینجا سه الگورا مطرح می‌کنیم: الف) تأمین ایمنی شهرها ب) بهبود محیط شهری و ج) آبادانی شهرها. البته روشن است که برای تحقق بخشیدن به هر یک از این الگوها علاوه بر عزم و اراده مدیریت شهری، همکاری نهادها، ادارات کل، سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها نیز ضروری است.

### ۱- الگوی مشارکت شهروندان در تأمین ایمنی شهرها

اگر ایمنی را مجموعه‌ی اقدام‌هایی بدانیم که برای رفع و یا کاهش خسارت‌های جانی و مالی ناشی از حوادث انجام می‌شود، بدون حداقل ایمنی، زندگی شهری غیر ممکن خواهد بود. معمولاً تلاش برای تأمین ایمنی در دو مرحله صورت می‌پذیرد: در مرحله نخست انجام اقدام‌های پیش‌گیرانه (همانند آموزش و توصیه‌های ایمنی) که برای کاهش حوادث صورت می‌پذیرد و در مرحله دوم با وقوع حوادث به مقابله با آن اقدام می‌شود.

به طور معمول مهم‌ترین سازمان تأمین‌کننده‌ی ایمنی در شهر "آتش‌نشانی" است. تجربه‌ی کشورهای توسعه یافته تأیید می‌کند



علائم لازم برای مشخص شدن در میان افراد مجهز می‌شوند. وسایلی چون لباس ویژه، ابزارهای تنفسی در شرایط ویژه، چکمه مخصوص و ... از این قبیل هستند. دانش آموزان عضو انجمن نیز با داشتن کلاه یا بازو بند ویژه از سایرین متمایز می‌شوند. این انجمن‌ها دانش ایمنی را در جامعه گسترش داده و همدلی و همراهی با نیروهای آتش نشانی را افزایش می‌دهند.

### ب: سازماندهی در محله‌ها

در هر محله مرکزی برای آتش نشانی تشکیل می‌شود. وظیفه‌ی این مرکزها جذب نیروهای داوطلب در محله‌ها و ارائه‌ی آموزش‌های ضروری ایمنی به آنهاست. از میان افرادی که

**در هر محله مرکزی برای آتش نشانی تشکیل می‌شود. وظیفه‌ی این مرکزها جذب نیروهای داوطلب در محله‌ها و ارائه‌ی آموزش‌های ضروری ایمنی به آنهاست**

دوره‌های آموزشی را با موفقیت سپری کرده‌اند و کسانی که ارتباط مداوم با مرکزهای آتش نشانی دارند، گروه‌های داوطلب تشکیل می‌شود که تحت فرماندهی مأموران آتش نشانی در مواقع لزوم به ارائه‌ی خدمات اقدام می‌کنند. داوطلبان محلی را می‌توان در دو گروه مختلف سازماندهی کرد: شهروندان عادی و اعضای انجمن‌ها و تشکل‌های حرفه‌ای.

### ج: سازماندهی نیروهای بسیجی

در کنار آموزش‌های نظامی و انتظامی ارائه شده به نیروهای بسیجی می‌توان به آنها آموزش‌های مربوط به ایمنی را نیز ارائه کرد. به دلیل وجود سلسله مراتب فرماندهی در میان این نیروها می‌توان از آنها با کارایی نسبتاً بالا در شرایط بحرانی استفاده کرد. بسته به وضعیت مناطق مختلف کشور و خطرهایی که به طور معمول این منطقه‌ها را تهدید می‌کند، می‌توان تأکید بیشتری بر یکی از جنبه‌های تأمین ایمنی کرد. اما به طور کلی فعالیت‌های انجمن‌های متشکل از نیروهای داوطلب در واحدهای متنوعی انجام می‌شود. این واحدها عبارتند از:

- کمک‌های اولیه و خدمات پزشکی
- مقابله با آتش‌سوزی جنگل‌ها
- واحدهای آموزش‌سنگ‌ها برای جستجوی افراد زیر آوار مانده
- واحدهای عهده‌دار تأمین خوراک و اقامتگاه در زمان سوانح
- واحدهای تأمین مخابرات غیرحرفه‌ای
- واحدهای مقابله با حوادث شیمیایی
- واحدهای مقابله با سیل

...و...

طبقه‌بندی فعالیت‌های داوطلبان را می‌توان بر اساس نوع سوانح (مثلاً زلزله، آتش‌سوزی، سیل و ...) و یا بر اساس نوع خدمت لازم (کمک‌های اولیه خدمات پزشکی، خاموش کردن و مهار آتش، تأمین خوراک و اقامتگاه و ...) انجام داد و آموزش‌های لازم و متناسب به داوطلبان ارائه داد. داوطلبان می‌توانند دارای درجه و سلسله مراتب باشند تا در صورت لزوم در هنگام حادثه دچار مشکل عدم فرماندهی یا به هم ریختن سلسله مراتب نشوند.

### ۲- الگوی مشارکت شهروندان در بهبود محیط شهری

یکی از وظایف مدیریت شهری فراهم آوردن محیطی مناسب و شایسته‌ی زیست انسانی در شهر با توجه به گستردگی و پیچیدگی مسائل محیط زیستی و پرهزینه بودن روش‌ها و ابزارهای مقابله با آنهاست. برای مدیریت شهری بهترین گزینه بهره‌گیری از مشارکت مردمی برای بهبود محیط شهری است. در زیر به نمونه‌هایی از این یاریگیری اشاره می‌کنیم.

**یکی از وظایف مدیریت شهری فراهم آوردن محیطی مناسب و شایسته‌ی زیست انسانی در شهر با توجه به گستردگی و پیچیدگی مسائل محیط زیستی و پرهزینه بودن روش‌ها و ابزارهای مقابله با آنهاست**

### باز یافت پسماندها

در نخستین گام می‌توان از طریق مدرسه‌ها و محله‌ها تلاش کرد تا زنان خانه دار قانع شوند که پسماند سخت (زباله غیره آلی) بازیافتی را جدا کنند. این کار می‌تواند با دادن پاداش‌های مختلف (مانند کیسه زباله مخصوص به خانواده‌ها) انجام پذیرد. پس از جدا سازی پسماند آلی از غیره آلی می‌توان از شهروندان برای تبدیل زباله‌های آلی به کود و جداسازی مواد بازیافتی در زباله‌های سخت مانند: کاغذ، فلز، پلاستیک و شیشه استفاده کرد. در مناطق حاشیه‌ای شهرها و محله‌های فقیرنشین می‌توان با تشویق‌هایی مردم را به مشارکت در گردآوری زباله‌ها شرکت داد. برای نمونه می‌توان در این محله‌ها در ازای تحویل یک کیسه ۱۰ کیلوگرمی زباله؛ بلیت اتوبوس، کیسه‌های میوه، سبزیجات و یا فرآوری‌های لبنی به مردم تحویل داد.

### ایجاد فضای سبز

مطالعه تجربه برخی از کشورهای در حال توسعه مانند کنیا (در آفریقای خاوری) نشان می‌دهد که می‌توان از زنان خانه‌دار برای



**اگر ایمنی را مجموعه‌ی اقدام‌هایی بدانیم که برای رفع و یا کاهش خسارت‌های جانی و مالی ناشی از حوادث انجام می‌شود، بدون حداقل ایمنی، زندگی شهری غیر ممکن خواهد بود**

فاضلاب، ساخت جاده‌ها و معابر و تجهیز واحدهای مسکونی وجود دارد. در زیر به نمونه‌هایی از مشارکت مردمی در طرح‌های عمرانی اشاره می‌کنیم:

### طرح‌های خانه‌سازی

چنین طرح‌هایی می‌تواند با هدف تأمین مسکن حداقل برای اقشار محروم شهری صورت پذیرد. در چنین پروژه‌هایی پس از آن که زمین مناسب برای ساختن خانه تهیه می‌شود، داوطلبان داشتن خانه در هر منطقه در قالب یک گروه سازماندهی می‌شوند. هر گروه یک رئیس گروه، یک خزانه‌دار و یک انباردار برای خود انتخاب می‌کند. اعضای این گروه به شکل مستمر با یکدیگر جلسه‌ی مشورتی تشکیل می‌دهند (در آغاز با نظارت سازمان مسکن و شهرسازی و بعد از آن به طور مستقل) تمامی اعضای گروه موافقت‌نامه همیاری را امضا می‌کنند و نسبت به دارایی‌ها مسئولیت مشترک دارند. برای نمونه مسئولیت حفظ مصالح ساختمانی بر عهده‌ی تمامی افراد گروه قرار می‌گیرد. اعضای گروه درصدی از هزینه‌های اجرای طرح را (مثلاً ۱۵ درصد) به عنوان پیش پرداخت می‌پردازند و تعهد می‌کنند تا به عنوان اقساط برای مدت زمان مشخص و به اندازه‌ی تعیین‌شده‌ی نیروی کار، مهارت‌ها، استعداد سازمانی و توان مدیریت یک خانوار را در ساخت واحد مسکونی خود به طور کامل مورد استفاده قرار دهند. از طرح‌های بهبود کیفیت واحدهای مسکونی نیز می‌توان بهره گرفت. روش دستیابی به این هدف این است که از اهالی محل تعاونی تشکیل می‌شود که سهم اعضای آن در تعاونی نیروی کار است. پس از تشکیل تعاونی و افرادی که خانه‌های آنها به بازسازی و بهبود کیفیت نیاز دارد با مشخص کردن مواد لازم برای تعمیر در نوبت قرار می‌گیرند. اعضای تعاونی با تهیه سرمایه مقدماتی، وسایل خریداری کرده و در صورت لزوم استادکار نیز استخدام می‌کنند. تأمین نیروی انسانی، تعمیرات و بهسازی واحدهای مسکونی توسط اعضای تعاونی صورت می‌پذیرد.

ایجاد فضای سبز و کمربند سبز برای شهرها کمک گرفت. بر اساس این طرح در محله‌های مختلف توسط شهرداری قسمت‌هایی برپا می‌شود و از زنان خانه‌دار و غیر شاغل برای پرورش قلمه‌ها کمک گرفته می‌شود. این زنان در ازای قلمه‌هایی که پرورش می‌دهند از شهرداری‌ها دستمزد می‌گیرند. پس از پرورش قلمه‌ها می‌توان جایابی برای کاشت قلمه‌ها را نیز با کمک اهالی محل انجام داد. باغچه‌های مقابل خانه می‌تواند محلی برای پرورش قلمه‌ها باشد و در نهایت کاشت قلمه‌ها طی مراسمی توسط خود شهروندان صورت پذیرد. به علاوه می‌توان با شناسنامه دار کردن و سپردن نگهداری درختان از آنها زمینه لازم برای انجام نوعی مسابقه در میان شهروندان به منظور پرورش درختان را فراهم ساخت. برگزاری مسابقه‌هایی در شهرها که بر اساس آن شهروندان در تهیه کود از مواد آلی موجود در زباله‌ها و تلاش برای پرورش درختان نمونه در شهر مشارکت می‌کنند، نمونه و جلوه‌ی دیگری از مشارکت شهروندان خواهد بود.

### بهره‌گیری از منابع جدید انرژی

یکی از زمینه‌های مشارکت در بهبود محیط شهری تشویق شهروندان به بهره‌گیری از منابع جدید و همسو با محیط زیست برای تولید انرژی است. در اغلب شهرهای ایران استفاده از انرژی خورشیدی برای گرم کردن آب مصرفی و در مواقعی نیز هوای خانه‌های مسکونی به صرفه و ممکن است. به علاوه انرژی بالا نیز در مناطقی از ایران قابل بهره‌گیری بوده و می‌توان بدون هزینه زیاد

**مطالعه تجربه برخی از کشورهای در حال توسعه مانند کوبا نشان می‌دهد که می‌توان از زنان خانه‌دار برای ایجاد فضای سبز و کمربند سبز برای شهرها کمک گرفت**

از آن بهره برد. با استفاده از رسانه‌های گروهی برای معرفی و تشویق شهروندانی که در استفاده از منابع غیر آلاینده‌ی انرژی پیش قدم می‌شوند و ایجاد انجمن‌های داوطلبانه برای تشریح مساعی و ابلاغ روش‌های تازه در بهره‌گیری از این منابع می‌توان به بهبود محیط زندگی یاری رساند. البته شهرداری‌ها نیز می‌توانند در مقیاس وسیع امکان بهره‌گیری از این منابع را فراهم کرده و با تولید انبوه وسایل لازم در پایین آوردن هزینه‌ی اولیه آن نقش قابل توجه بازی کنند.

### ۳- الگوی مشارکت شهروندان در آبادانی شهرها

بسیاری از برنامه‌ریزان شهری معتقدند که امکان استفاده از نیروهای انسانی (شهروندان) و کوشش دسته‌جمعی آنها در طرح‌های مسکن برای انجام کارهایی مانند حفز مجاری

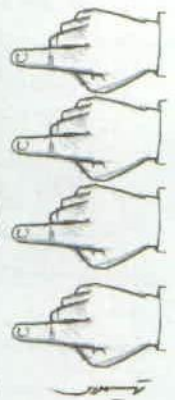
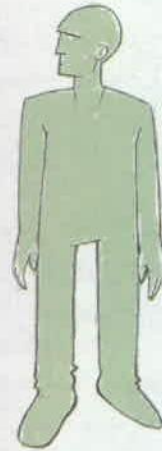
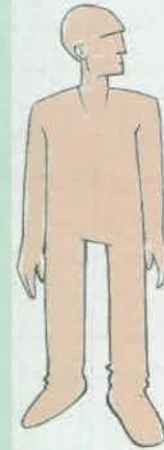
منابع:  
 ۱- دولت‌الشفاف، سقوط و ظهور شیوه تولید آسیایی، بزرگوار، عباس، خبیر، نشر مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران، ۱۳۴۸.  
 ۲- رهتور، برج‌الله، بررسی مقیروهای مؤثر بر تصمیم‌گیری مشارکتی در بخش دولتی استان ایلان، نامه دکتر، دانشگاه اصفهان، اسفند ۱۳۸۸.  
 ۳- سازمان برنامه و بودجه، طرح فقرزدایی در کشور جمهوری اسلامی ایران، سازمان برنامه و بودجه، تهران، ۱۳۷۵.  
 ۴- مزنی، منصور، مدیریت شهری، روش‌هایی در ایران، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران، ۱۳۷۵.



## انتخاب یا انتصاب

مقایسه‌ی قانون انتخابات انجمن بلدیة در دوره‌ی مشروطه و رضاشاه

مریم بیژنی



شد. همچنین پیرامون چگونگی برگزیدن اعضای انجمن‌های بلدی براساس قانون، برای دولت هیچ گونه حقی در نظر گرفته نشد؛ بنابراین اعضای انجمن بلدیة به شکل مستقلی از محلات مختلف شهر انتخاب می‌شدند. از سوی دیگر براساس ماده‌ی ۴۹ قانون بلدیة، اشخاصی به عنوان اعضای انجمن بلدیة به رسمیت شناخته می‌شدند که اکثریت آراء را کسب کرده باشند.<sup>(۱)</sup> هر چند در این قانون محدودیت‌هایی برای شرکت کنندگان و برگزیدگان در نظر گرفته شده بود چنانکه "... دادن مالیات یا داشتن خانه مستقل یا اراضی در حدود شهر که در شهرهای بزرگ هزار و در شهرهای متوسط پانصد و در شهرهای کوچک سیصد تومان ارزش داشته باشد."<sup>(۲)</sup> از شاخصه‌های مورد نیاز برای انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان بود. تصویب این بند با توجه به کمبود بودجه اداره‌ی بلدیة در آن زمان در قانون گنجانیده شد تا از این راه ورود افرادی که به لحاظ مالی در شهر شناخته شده بودند را به جمع شرکت کنندگان و یا برگزیدگان بلدیة آسان کنند. در انتخابات انجمن بلدیة در ۱۳۲۵ ق/ ۱۲۸۶ ش مطابق همین قانون عمل شد. تشکیل اولین بلدیة‌های قانونی براساس این نوع نگرش پایه‌ای بود برای تشکیل بلدیة‌های مستقل در دوره‌های بعد، هر چند تنش‌های سیاسی و رخداد‌های گوناگون در پایان دوره‌ی مشروطه مانند کودتای ۱۲۹۹ ش این هويت مستقل را از بلدیة گرفت و آرام آرام زمینه‌های وابسته شدن بلدیة به دولت را فراهم کرد و اما در اصل قانون بلدیة ۱۲۸۶ ش تغییری ایجاد نشد. با به قدرت رسیدن رضا شاه در ۱۳۰۴ در شیوه‌ی اجرای قانون بلدیة ۱۲۸۶ تغییراتی داده شد. در این دوره رضا شاه بر آن شد تا به نوگرایی و اصلاح در ساختار اداری- سیاسی کشور بپردازد، از اینرو در صدد برآمد تا سیاستی کاملاً اقتدارگرایانه و از بالا به پایین را برای اصلاحات مورد نظرش به دور از هر گونه مخالفتی اجرا کند.

برای دستیابی رضا شاه به اقدامات و اصلاحات مورد نظرش در امور شهری، بلدیة نقش کلیدی ایفا میکرد؛ زیرا اداره‌ی بلدیة در آن زمان دارای وظایف گسترده‌ای در امور شهری بود بنا بر این همسو با اجرای برنامه‌های یکسویه دولت، بلدیة نیز می‌بایستی به دولت وابسته می‌شد. در این دوره هر چند نحوه‌ی تشکیل بلدیة تا ۱۳۰۹ ش از قانون‌های گذشته مانند قانون سال ۱۲۸۶ پیروی می‌کرد اما شیوه‌ی اداره‌ی آن براساس سیاست‌ها و دیدگاه‌های دولت تعریف می‌شد.

چنانکه روسای اداره بلدیة مستقیم از سوی دولت و بیشتر از میان نظامیان انتخاب می‌شدند.<sup>(۳)</sup> زیرا یکی از ارکان پراهمیت حکومت رضا شاه ارتش بود. براساس اهداف و نیازهای دولت در سال ۱۳۰۹ بازنگری در قانون بلدیة به وسیله مجلس صورت گرفت و قانون جدیدی در ۸ ماده به تصویب رسید. محتوای این قانون ۸ ماده‌ای در مقایسه با قانون بلدیة ۱۲۸۶ به طور کامل دولتی شدن بلدیة را نشان می‌دهد چندانکه برابر ماده‌ی ۴ قانون ۱۳۰۹ انتخاب رئیس بلدیة بر عهده‌ی وزارت داخله (کشور) گذاشته شد. در این قانون به مسائل مالی و بودجه‌ی بلدیة توجه بیشتری شده بود، به همین دلیل به تشکیل انجمن‌های بلدیة به صورت کلی و در موارد ۴ و ۵ اشاره شده است.<sup>(۴)</sup> براساس این قانون شرایط انتخابات اعضای انجمن‌های بلدی و تهیه‌ی نظامنامه برای آن بر عهده‌ی کمیسیون داخله مجلس شورای ملی قرار داده شد که برای آن نظامنامه‌ی جداگانه‌ای تدوین کند.<sup>(۵)</sup> این کمیسیون

انجمن‌های بلدی (شهری) براساس قانون بلدیة ۱۳۲۵ ق / ۱۲۸۶ ش به عنوان رکن اصلی اداره‌ی بلدیة قرار گرفت. نحوه‌ی برگزاری انتخابات برای تعیین اعضای این انجمن‌ها در دوره مشروطه و مقایسه‌ی آن با دوره‌ی رضاشاه (پاد ۱۳۰۴ - ۱۳۲۰ ش) تأثیر سیاست و عامل قدرت را بر تشکیل انجمن‌های بلدی به طور نمایانی روشن می‌سازد. با مقایسه‌ی این دو دوره که در پی هم آمده‌اند؛ می‌توان عملکرد انجمن‌های بلدی و تأثیرات این اعمال نظرها بر آن را بهتر دید. تدوین قانون بلدیة در ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ ق / ۱۹ خرداد ۱۲۸۶ ش در دوره‌ی مشروطه بیشتر بیانگر دیدگاه و نظرات نمایندگان مجلس بود تا طبقه‌ی حاکم. زیرا تحقق انقلاب مشروطه در یک سال پیش از آن بیش از آن که خواست طبقه حاکم در آن نمایان باشد، حاصل تلاش‌ها و مبارزه رده‌های میانه‌ی هرم قدرت بود. در واقع تمایل اصلاحات روندی پایین به سوی بالا را می‌پیمود.

بر همین اساس اعمال سیاست‌های حکومتی در تدوین قوانین دور اول مجلس مشروطه کمتر مشاهده می‌شود. چندانکه قانون بلدیة نیز بر همین اساس تدوین شد. نمایندگان مجلس از تدوین قانون بلدیة این هدف را دنبال می‌کردند که با الگوبرداری از قوانین کشورهای غربی امور شهرهای ایران را اصلاح کنند. در این قانون تشکیل انجمن بلدیة (شهری) پیش‌بینی شده بود. برای انتخاب اعضای این انجمن یک فصل از قانون بلدیة (فصل دوم) با عنوان "در تشکیل انجمن بلدیة" به انتخابات بلدیة اختصاص یافت. در این فصل، مطابق قانون بلدیة، بلدیة را به عنوان اداره‌ی مستقل و به دور از وابستگی به دولت معرفی کرد و بر همین اساس نیز تدوین قانون انتخابات برای این فصل به صورت مستقل انجام



محور فعالیت اعضای انجمن‌های بلدی که بدین ترتیب انتخاب شدند همسو و برپایه‌ای برنامه‌های دولت قرار داده شد. هر چند این اقدام برای دستیابی دولت به سیاست‌هایش در کوتاه مدت پیروزمندانه بود و توانست برنامه‌های مورد نظر خود را اجرا کند اما در بلندمدت تضعیف موقعیت انجمن بلدی (شهری) در دوره‌های بعد را در پی داشت تا براساس دیدگاه‌ها و شرایط سیاسی با انجمن‌های بلدی برخورد شود.

### نتیجه‌گیری

با مقایسه روش انتخابات اعضای انجمن‌های بلدی (شهری) در دوره‌ی مشروطه و رضاشاه و بررسی میزان اثرگذاری عامل قدرت در تشکیل آنها، نمایان می‌شود که انجمن‌های بلدی از زمان تأسیس زیر تأثیر عامل قدرت و شرایط سیاسی بوده‌اند. با توجه به این وضعیت معادله‌ی دو سویه‌ای پیرامون تشکیل انجمن بلدی شکل گرفت. چندانکه هرگاه عامل قدرت همانند اوایل دوره مشروطه در برابر نیروهای فعال سیاسی و حقوقی برتری نداشت انجمن‌های بلدی مستقل و به دور از وابستگی دولتی به فعالیت می‌پرداختند. اما در چنین شرایطی چون کشور از دید سیاسی با چالش‌های جدی روبرو بود و میزان برهمکنش میان نیروهای سیاسی و دولت نیز کاهش می‌یافت، در این فرایند انجمن‌های بلدی کارایی لازم را به دلیل مشکلات سیاسی و مالی از دست می‌دادند. همین کار دوره‌ای را بوجود آورد که عامل قدرت از تجربه‌های گذشته استفاده کند و به دور از نفوذ نیروهای فعال سیاسی، مجری اصلاحات اداری و سیاسی در سطوح مختلف شود. در چنین فضایی همانند دوره رضاشاه چون عامل قدرت در بالاترین سطح اقتدار جای گرفته بود، شکل‌گیری هرگونه نهاد قانونی، تعریفی حکومتی می‌یافت. با چنین شرایطی هرچند انجمن‌های بلدی متفاوت از دوره مشروطه به دور از تش‌های سیاسی تشکیل شدند و دولت اقدامات گسترده‌ای را در زمینه اصلاح کارهای شهری انجام داد، ولی انجمن‌های بلدی جایگاه واقعی خود را به منظور دستیابی شهروندان به هويت، نتوانست بیابد. آن هويت مستقلی که در اولین قانون بلدی مد نظر نمایندگان مجلس اول بود، شکل عملی به خود نگرفت و این شیوه پایدار ماند، تا انجمن‌های بلدی (شهری) پس از آن، جایگاه اصلی خود را از دست دهند. با توجه به این فراز و فرود، انجمن بلدی همسو با سیاست‌های دولت توانست به اجرای برنامه‌های دولتی در شهر کمک کند ولی هیچگاه نتوانست در برهمکنش با شهروندان نقش واقعی و مستقل خود را بیابد.

نیز نظامنامه انجمن بلدی را در تاریخ ۶ خرداد ماه ۱۳۰۹ در سی و شش ماده به تصویب رساند. براساس ماده‌ی ۲ این نظامنامه تعداد اعضای انجمن بلدی از ۶ تا ۱۲ نفر بود؛ به این شکل که "۱... در پایتخت ۱۲ نفر، ۲- در مرکز ایالات و ولایات درجه اول ۹ نفر، ۳- در سایر نقاط ۶ نفر".<sup>(۶)</sup> برابر ماده‌ی ۳ این قانون تنها طبقات سه گانه‌ی مالکان، تجار و اصناف حق شرکت در انتخابات یا انتخاب شدن را داشته‌اند.<sup>(۷)</sup> اما از تفاوت‌های آشکار این قانون در قیاس با قانون ۱۲۸۶ ش روند انتخاب اعضای انجمن بلدی است. زیرا در این دوره این هدف دنبال می‌شد که بلدی برای اجرای برنامه‌های دولت در امور شهری به صورت بازویی کمکی سازمان یابد.

بنابراین انتخاب اعضای آن با نظر دولت انجام می‌شد. هر چند برای تعیین اعضای انجمن بلدی مطابق با قانون انتخابات نیز پیش بینی شده بود ولی در نهایت اعضای اصلی انجمن از برگزیدگان دولت بودند. و راه برای چنین اعمال نظری با استفاده از نظامنامه مذکور هموار شده بود. چنانکه مطابق تبصره‌ی ماده‌ی ۴ پس از پایان انتخابات، صورت اسامی ۵ برابر تعداد اصلی اعضای انتخابی انجمن بلدی به دولت داده می‌شد تا دولت برابر ماده‌ی ۷ از میان برگزیدگان اعضای اصلی را انتخاب کند. "۵... تبصره - عده انتخاب شوندگان باید ۵ برابر عده‌ای باشد که در ماده‌ی ۲ معین شده است.

ماده ۷- والی یا حاکم نتیجه استخراج آراء را بلافاصله به وزرات داخله اطلاع خواهد داد وزارت داخله مراتب را به هیئت دولت پیشنهاد می‌نماید تا عده‌ی لازم از میان منتخبین تعیین شود و انتصاب آنها بر حسب حکم دولت به عمل خواهد آمد".<sup>(۸)</sup> براساس این نظامنامه انتخابات انجمن‌های بلدی در نقاط مختلف کشور برگزار شد. برای نمونه بعد از برگزاری اولین انتخابات انجمن بلدی در تهران، لیست اسامی ۵ برابر تعداد اصلی در تهران یعنی ۶۰ نفر به وسیله هیئت نظارت بر انتخابات به وزارت داخله داده شد و وزارت داخله نیز این اسامی را برای بررسی بیشتر و برگزیدن اعضای اصلی انجمن بلدی به هیئت دولت ارائه کرد. پس از بررسی‌هایی که روی اسم‌های این ۶۰ نفر انجام گرفت، نام ۱۲ نفر از میان آنان به عنوان اعضای انجمن بلدی تهران انتخاب شدند.

اسم‌های این ۱۲ نفر به ترتیب زیر بوده است:

- ۱- بهاء الملک، ۲- حاج محمدحسین بلورفروشان، ۳- میرزا رضاخان هروی بصیرالدوله، ۴- میرزا غلامحسین خان کاشف، ۵- حاج حسین حاج قاسم فخارپور، ۶- حاج میرعلینقی خان هاشمیان، ۷- میرزا حسن خان کورس، ۸- حاج محمدحسین فخار، ۹- ارباب گیو، ۱۰- میرزا علی خان وکیل، ۱۱- آقا تقی کنی، ۱۲- حکیم الدوله.<sup>(۹)</sup>
- همانگونه که در سند انتخابات هم مشخص است، ۴ نفر اول براساس ترتیب اکثریت آراء هستند اما از نفر پنجم به بعد ترتیب اکثریت آراء رعایت نشده است. چندانکه نفر پنجم در اصل نفر ششم است و به همین شکل، نفر ششم نفر هشتم، نفر هفتم نفر نهم، نفر هشتم نفر یازدهم، نفر نهم نفر سیزدهم، نفر دهم نفر پانزدهم، نفر یازدهم نفر هفدهم، نفر دوازدهم نفر هژدهم هستند.<sup>(۱۰)</sup> به این دلیل اعضای انجمن بلدی بیشتر از آنکه برگزیده‌ی مردم باشند منتخب دولت بودند. و از همان ابتدا برای آنها مشخص شد که باید در مسیر برنامه‌های دولت حرکت کنند.

### پانویس

۱- میرزا صالح، قلامحسین، ملاکرات مجلس اول، ۱۲۲۶-۱۲۲۴، توسعه‌ی سیاسی ایران در ورطه‌ی سیلستان بین‌المللی، تهران، انتشارات مازیار، ۱۳۸۴، ص ۷۹.

۲- همان، ص ۷۸۹.

۳- موسوی صدری، سید علی‌اصغر، شهریاران تهران از عصر ناصری تا دولت خاتمی، قم، نشر خرم، ۱۳۷۸، ص ۲۶.

۴- صورت ملاکرات دور هفتم مجلس شورای ملی (تهران، بی‌تا، ص ۲۰۸۰.

۵- همان، ص ۸۱.

۶- نظامنامه انجمن بلدی، مجله بلدی (تهران، شهریور ۱۳۰۹)، شماره ۱، ص ۳.

۷- همان، ص ۸۱.

۸- همان، ص ۸۱.

۹- نگاه کنید به سند شماره ۱۱۱، معارف و احوال وزارت و اطلاع‌رسانی رئیس‌جمهور اسامی از انجمن‌های بلدی، تهران و اصلاح (۱۳۲۰-۱۳۳۰ هجری قمری)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۱، ص ۴۰۹.

۱۰- همان، ص ۸۱.





## حکومت‌های شهری در گرجستان

ترجمه: نعمت‌الله رحیمی

هر یک از شهرداری‌های گرجستان دارای اساس‌نامه‌ای است که ساختار حکومتی، شکل حکومت، قلمرو و اختیارات شهری آن را مشخص می‌کند. اختیارات شهری یک شهرداری شامل موارد زیر است. ولی به این موارد محدود نمی‌شود: تعیین بودجه و هزینه‌ها، عقد قراردادهای رسیدگی به حوادث اضطراری، حفظ محیط‌زیست، کاهش مزاحمت‌ها، برنامه‌ریزی و منطقه‌بندی، برقراری نظم، آتش‌نشانی، حمل و نقل عمومی، حفظ بهداشت، جمع‌آوری و دفع زباله، امور مربوط به خیابان‌ها و جاده‌ها، مالیات و خدمات آب و فاضلاب.

### شکل‌های حکومت شهری

در گرجستان، بسیاری از شهرداری‌ها دارای یکی از شکل‌های حکومتی زیر هستند: ۱- شکل قوی شهردار - شورا ۲- شکل ضعیف شهردار - شورا ۳- شکل شورا - مدیر. در هر دو شکل قوی و ضعیف شهردار - شورا، مسئولیت‌ها و نقش‌های اجرایی و سیاست‌گذاری بین شهردار و شورای شهر تقسیم شده است اما در شکل شورا - مدیر، شورای شهر نقش اصلی سیاست‌گذاری را انجام می‌دهد و مدیر شهر منصوب شده، مسئولیت اجرایی وظایف را بر عهده دارد. گرچه بعضی از شهرهای گرجستان به نهادهای قانونی خود - مثلاً کمیسیون‌ها - مراجعه می‌کنند ولی در واقع بسیاری از آنها تحت شکل دیگری از حکومت فعالیت می‌کنند نه تحت هیئت کمیسیون‌ها. شکل قوی شهردار - شورا بین اختیارات شاخه‌ی اجرایی شهر (یعنی شهردار) و اختیارات شاخه‌ی قانون‌گذار آن (یعنی شورای شهر) مرز قاطعی قائل شده است. این مرز قاطع و جدایی اختیارات از بعضی لحاظ شبیه آن چیزی است که در حکومت‌های ملی و مرکزی دیده می‌شود.

### شکل قوی شهردار - شورا

شهردار به عنوان مأمور اجرایی ارشد شهر، انجام وظیفه می‌کند و مسئولیت کامل عملکرد روزانه‌ی شهر بر عهده او

در حال حاضر ۵۳۵ شهر و بخش در گرجستان وجود دارد. هر یک از آنها دارای اساس‌نامه‌ی شهری می‌باشند که در مجمع عمومی گرجستان تأیید و ثبت شده است. از آنجایی که شهرداری‌ها مجری قوانین دولت هستند، قلمرو، ساختار و حتی وجود آنها ممکن است توسط دولت عوض و یا لغو شود.



تفلیس، گرجستان

در بسیاری از کشورها تفاوت‌های قانونی قابل ملاحظه‌ای بین شهر، بخش، روستا و آبادی وجود دارد اما در قانون گرجستان تفاوتی بین آنها نیست. تنها یک تفاوت بین شهر کلاکستن<sup>(۱)</sup> و بخش تیرون<sup>(۲)</sup> است که کلاکستن با عنوان شهر و تیرون با عنوان بخش به ثبت رسیده‌اند.

### اساس‌نامه‌ی شهری

اساس‌نامه‌ی شهری، سند مکتوبی است که به شهرداری و دهیاری اجازه وجود و فعالیت می‌دهد. این اساس‌نامه یک قانون مبنایی برای شهر است. از این رو شبیه اساس‌نامه‌ی ملی است.



که شورای شهر را انتخاب می‌کنند تا به عنوان هیئت مدیران برای آنها خدمت کنند؛ شورای شهر هم سیاست‌های شهر را تدوین می‌کند و برای اجرای آنها یک مدیر حرفه‌ای منصوب می‌کند. در شکل حکومت شورا - مدیر، شهردار به عنوان رئیس تشریفاتی شهر عمل می‌کند. وی توسط مردم و یا توسط اعضای شورای شهر انتخاب می‌شود. شهردار معمولاً عضو هیئت قانون‌گذاری (شورای شهر) می‌باشد و حق ندارد که مصوبات قانونی شورا را وتو کند.

مدیر شهر عموماً براساس تجربه و لیاقت منصوب می‌شود و با توجه به درخواست شورای شهر کار می‌کند. وی نسبت به اقدامات و عملکردهای شهر مثلاً عزل و نصب مدیران بخش‌های مختلف شهرداری دارای قدرت اجرایی کامل است. مدیر شهر همچنین مسئولیت تدوین و اجرای بودجه شهر را بر عهده دارد و به شهردار و اعضای شورا در زمینه‌ی مسائل مربوط به شهر مشاوره می‌دهد.



### کمیسیون

در شکل کمیسیونی حکومت، اعضای شورا که به آنها در اینجا اعضای کمیسیون گفته می‌شود به صورت غیرمحدود انتخاب می‌شوند. رئیس کمیسیون که عموماً از بین اعضای کمیسیون انتخاب می‌شود ریاست جلسات را بر عهده دارد و به عنوان رئیس تشریفاتی انجام وظیفه می‌کند.

ریاست چرخشی می‌باشد و هر ساله عوض می‌شود. شکل کمیسیونی حکومت از این لحاظ که هر عضو منتخب بر یک یا چند بخش (مثلاً بخش اداره‌ی پلیس، بخش رفاه، بخش آب و فاضلاب) نظارت می‌کند، بی‌نظیر است. باید گفت که در این شکل حکومت، مسئولیت‌های قانون‌گذاری و اجرایی با یکدیگر ادغام شده است.

گرچه اکثر حکومت‌های استانی گرجستان به صورت کمیسیون است ولی این شکل حکومت در شهرداری‌ها مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. تعدادی از شهرهای این کشور به ویژه دیکیتور<sup>(۳)</sup>، رم<sup>(۴)</sup> و توکوآ<sup>(۵)</sup> به عنوان کمیسیون به نهادهای قانون‌گذاری خود مراجعه می‌کنند نه به عنوان شورا. با این وجود شکل حکومت هر یک از این سه شهر، به صورت شورا - مدیر می‌باشد و دارای یک "مدیر شهر" هستند.

پانوش:

- 1-Claxton
- 2-Tyrone
- 3-Decatur
- 4-Rome
- 5-Toccoa

منبع:

است. از این رو، شهردار برای تدوین و اجرای بودجه‌ی شهر و عقد قراردادهای حق دارد که مدیران بخش‌های خود و کارکنان دیگر شهرداری را عزل و نصب کند. شهردار می‌تواند کمیته‌های شورا و اعضای هیئت‌های مشاوره‌ای شهر را منصوب نماید و قوانین وضع شده در شورای شهر را وتو کند. در بعضی از شهرها به خصوص شهرهای بزرگ، شهردار می‌تواند مدیر حرفه‌ای (که اغلب به آن، مأمور ارشد اجرایی و یا مدیر شهر گفته می‌شود) منصوب کند تا وی را در انجام کارهای روزانه شهر کمک کند.

شورای شهر با اتخاذ احکام و راه‌حل‌ها مسئولیت وضع سیاست‌های شهری را بر عهده دارد. گرچه شهردار می‌تواند اقدامات شورای شهر را وتو کند ولی شورا نیز این حق را دارد که وتوی شهردار را رد کند.

### شکل ضعیف شهردار - شورا

در این گونه از حکومت شهری، شهردار و شورای شهر به طور مشترک به نقش اصلی سیاست‌گذاری می‌پردازند و شهردار نقش اجرایی خود را انجام می‌دهد. اما در بسیاری از شهرها، نقش شهردار در این گونه از حکومت شهری عمدتاً تشریفاتی است. به عبارت دیگر، شهردار فاقد بسیاری از اختیاراتی است که به شهرداران در گونه‌ی قوی حکومت شهری داده شده است؛ مثلاً وی حق ندارد که کمیته‌های شورا را منصوب کند، بودجه شهر را تدوین کند و یا اقدامات شورای شهر را وتو کند. این شهردار برای انتصاب مدیران بخش‌های خود از اختیارات محدودی برخوردار است و برای انتصاب‌شان باید از شورای شهر تأییدیه بگیرد؛ در مورد عزل مدیران نیز وضعیت چنین است - یعنی در این حوزه هم شهردار دارای اختیار تام نمی‌باشد.

### شکل شورا - مدیر

شکل حکومت شورا - مدیر برای بار نخست در دهه‌ی ۱۹۰۰ توسط اصلاح‌گرایانی مطرح شد که دیدگاه‌شان نسبت به حکومت شهر عمدتاً تجاری بود. از این رو ساختار شهرداری در این گونه از حکومت شبیه ساختار شرکت‌های تجاری است. مثلاً شهروندان به عنوان سهام‌دارانی هستند





## گذری بر شهرداری‌های یکصد ساله جهان

ترجمه و تالیف: علی عربانی دانا

۱۹۶۸-۷۲ تصمیم گرفت که قلمرو سازمان‌بندی بلژیک را دوباره برنامه‌ریزی کند. در سال ۱۹۷۱ قانون یکپارچه‌سازی گسترش یافت و موارد متعددی را که در ابتدا مستثنی شده بودند، در بر گرفت. وزیر کشور بعدی یعنی "ژوزف مایکل"<sup>(۲)</sup> توانست این فرایند را مدیریت کند. در سی دسامبر سال ۱۹۷۵، قانون مربوط به ادغام شهرداری‌ها تصویب شد. این ادغام در اول ژانویه سال ۱۹۷۷ شکل عملی به خود گرفت که به موجب آن تعداد شهرداری‌های بلژیک از ۲۳۵۹ به ۵۹۶ شهرداری کاهش یافت. این قانون در اول ژانویه سال ۱۹۸۳ در مورد "آنتورپ"<sup>(۳)</sup> اجرا شد. به موجب این قانون، به شهرداری‌های مستقل سابق عنوان "ناحیه" اطلاق می‌شد که دارای نقش مشاوره‌ای بودند اما در اول ژانویه سال ۲۰۰۱ دوباره به آنها یک نقش اجرایی داده شد. ادغام "آنتورپ" با شهرداری‌های "برجم"<sup>(۴)</sup>،



صوبه بلجاریستان

این مقاله به معرفی ۵ شهرداری که پیشینه‌شان در حدود ۱۰۰ سال است، می‌پردازد.

### شهرداری‌های بلژیک

بلژیک دارای ۵۸۹ شهرداری است که هر یک از آنها کوچکترین واحدهای اجرایی این کشور می‌باشند.

در سال ۱۸۳۱، بلژیک به ۲۷۳۹ شهرداری تقسیم شد که تعدادی از آنها تا سال ۱۹۶۱ تقریباً پایرجا ماندند. در سال ۱۹۶۱، قانون یکپارچه‌سازی که بند چهارم آن به سازماندهی شهرداری‌ها اختصاص داده شد، تصویب شد و به موجب آن، قدرت انحلال شهرداری‌ها به مدت ده سال به یک اداره‌ی اجرایی سپرده شد، به طوری که شهرداری‌ها براساس مسائل مالی و یا براساس مشترکات جغرافیایی، زبانی، اقتصادی، اجتماعی و یا فرهنگی در یکدیگر ادغام شدند.

در سال ۱۹۶۴، ۱۹۶۹ و ۱۹۷۰ فعالیت ۳۰۰ شهرداری در این کشور متوقف شد و به شهرداری‌های دیگر واگذار شد. تعداد شهرداری‌ها در سال ۱۹۶۱ به ۲۶۶۳ در سال ۱۹۶۵ به ۲۵۸۶ و در سال ۱۹۷۱ به ۲۳۵۹ شهرداری کاهش یافت.

"لوئیس هارمجنی"<sup>(۱)</sup> وزیر کشور وقت در سال‌های



بلژیک



بورگرهت<sup>(۵)</sup>، دورنه<sup>(۶)</sup>، هوبوکن<sup>(۷)</sup>، اکرن<sup>(۸)</sup>، مرکسم<sup>(۹)</sup> و ویلریک<sup>(۱۰)</sup> موجب کاهش تعداد شهرداری‌های بلژیک و رساندن آنها به ۵۸۹ شهرداری شد که این جدیدترین سازمان‌بندی شهرداری‌ها در بلژیک می‌باشد.

شهرها در واقع در حوزه‌ی شهرداری‌هایی قرار می‌گیرند که دارای بیش از ده هزار سکنه هستند و یا مکان‌های کوچکی هستند که از حداقل حقوق شهری برخوردار هستند. برای واحدهای کوچکتر بخصوص روستاها و بخش‌ها چنین ویژگی خاصی وجود ندارد.

### شهرداری‌های سوئیس

شهرداری‌ها در سوئیس کوچکترین واحدهای حکومتی می‌باشند. سوئیس دارای ۲۴۷۰ شهرداری می‌باشد که بسیاری از آنها جمعیتی در حدود چند صد نفر را تحت پوشش خود قرار داده‌اند ولی شهرداری‌های بزرگی همچون زوریخ<sup>(۱۱)</sup> و ژنو<sup>(۱۲)</sup> دارای جایگاه قانونی ویژه‌ای هستند.



سوئیس، بلنارستان

وسعت منطقه تحت پوشش شهرداری‌های سوئیس از بیست و هشت کیلومتر مربع تا ۲۸۲ کیلومتر مربع در نوسان است.

هر یک از کانتون‌های سوئیس دارای مسئولیت‌های خاص خود می‌باشد، (به تقسیمات کشوری سوئیس، کانتون می‌گویند). این مسئولیت‌ها ممکن است شامل ارائه‌ی خدمات حکومت محلی همچون آموزش، خدمات پزشکی و اجتماعی، حمل و نقل عمومی و جمع‌آوری مالیات باشند. میزان تمرکززدایی در کانتون‌های مختلف با یکدیگر فرق دارند. حکومت شهرداری‌ها در سوئد به صورت شورایی است که رئیس اجرایی آن شهردار می‌باشد. شهروندی در سوئیس براساس تابعیت در حوزه‌ی شهرداری است، به طوری که هر شهروند می‌تواند به یک یا چند حوزه‌ی شهرداری تعلق داشته باشد.

بودجه‌ی شهرداری‌ها از طریق مالیات مستقیم که نرخ آن در چارچوب کانتون‌ها تعیین شده است تأمین می‌شود. بسیاری از شهرداری‌های سوئیس برای ارائه‌ی خدمات شهری مورد نیاز و انجام وظایف خود با مشکل مواجه هستند. از این رو برای کاهش هزینه‌ها، بسیاری از شهرداری‌ها در یکدیگر ادغام شده‌اند. این ساختاربندی مجدد عموماً توسط حکومت‌های کانتون انجام می‌شود و میزان تشکیل این اتحادیه‌های حکومتی رو به افزایش است.

### شهرداری‌های چین

#### تاریخچه

وقتی حکومت جمهوری چین بر سرزمین اصلی چین فرمانروایی می‌کرد، ۱۱ شهر زیر جزو اولین شهرهایی بودند که شهرداری داشتند:

نانجینگ<sup>(۱۱)</sup>، شانگهای<sup>(۱۲)</sup>، پکن<sup>(۱۳)</sup>، تیان‌جین<sup>(۱۴)</sup>، کینگ‌دائو<sup>(۱۵)</sup>، چونگ‌کینگ<sup>(۱۶)</sup>، خیان<sup>(۱۷)</sup>، گانگ‌زوهو<sup>(۱۸)</sup>، هانکو<sup>(۱۹)</sup>، شینانگ<sup>(۲۰)</sup> و هاربین<sup>(۲۱)</sup>.

این شهرداری‌ها در سال ۱۹۲۷ یعنی در دهه‌ای که به عنوان شهر انتخاب شدند، تأسیس گردیدند. در ابتدا به اینها شهرها و شهرداری‌های ویژه می‌گفتند، اما بعداً عنوان شهرداری‌هایی که به طور مستقیم و توسط حکومت مرکزی کنترل می‌شوند را به خود گرفتند.

بعد از این که حزب کمونیست، سرزمین اصلی چین را در سال ۱۹۴۹ تصاحب کرد و جمهوری خلق چین را تشکیل داد، آنتشان<sup>(۲۲)</sup>، بنکسی<sup>(۲۳)</sup> و فوشان<sup>(۲۴)</sup> هم به شهرداری تبدیل شدند ولی کینگ‌دائو، دالیان<sup>(۲۵)</sup> و هاربین به صورت شهرداری‌های استانی تقلیل یافتند. هانکو با ووهان<sup>(۲۶)</sup> ادغام شد. از این رو، دوازده شهرداری در سرزمین اصلی چین ماند تا این که دالیان در سال ۱۹۵۰ به صورت شهرداری ارتقا یافت. در نوامبر سال ۱۹۵۲، نانجینگ به صورت یک شهرداری استانی تقلیل یافت. در ژوئیه سال ۱۹۵۳، هاربین به همراه چانگ‌چون<sup>(۲۷)</sup>، هیئت شهرداری را به خود گرفت. به جز پکن و تیان‌جان که تحت کنترل دولت مرکزی بود، همه‌ی شهرداری‌های دیگر تحت نظارت مناطق اجرایی بزرگتر از خود بودند.

در ژوئن سال ۱۹۵۴، یازده شهرداری از بین چهارده



پکن چین



"یوان" بوده‌اند، اصطلاحاً "شهرداری‌های دارای کنترل مستقیم" گفته شده است تا بر استقلال آنها تأکید شود. قوانین حکومت جمهوری چین علاوه بر توسعه مهم سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، تأکید کرده است که جمعیت تحت پوشش شهرداری باید بالغ بر یک میلیون و دویست و پنجاه هزار نفر باشد.

شهرداری‌هایی که در چین به طور مستقیم کنترل می‌شوند، جزو بالاترین رده‌های شهری در این کشور می‌باشند که جایگاه آنها همانند استان‌های چین است. هم جمهوری خلق چین که در سرزمین اصلی چین فعالیت دارد و هم جمهوری چین که در تایوان فعالیت دارد، این سیستم را با اندکی تغییرات پذیرفته‌اند. بسیاری از شهرداری‌های چین از لحاظ جغرافیایی و فرهنگی در قلمرو استان‌ها قرار دارند. شهرداری‌های جمهوری خلق چین در حال حاضر عبارتند از: "پکن"، "تیان‌جین"، "شانگهای"، "چونگ‌کینگ" و شهرداری‌های تحت پوشش جمهوری چین "کائوسیانگ" و "تایپه" می‌باشند. در سرزمین اصلی چین، گسترش شهرداری‌ها می‌تواند خیلی زیاد باشد. هر یک از این چهار شهرداری می‌توانند فراتر از حوزه‌ی شهری خود گسترش یابند و مناطق مجاور به ویژه بخش‌ها، روستاها، زمین‌های کشاورزی،



پروکسل، بی‌ژینگ

شهرداری به صورت شهرداری‌های استانی تقلیل یافتند که بسیاری از آنها به پایتخت استان خود تبدیل شدند. فقط پکن، شانگهای و تیان‌جان باقی ماندند تا این که "چونگ‌کینگ" در سال ۱۹۹۷ به حالت اول خود درآمد. در اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰ تیان‌جان تحت کنترل استانی درآمد.

بعد از این که حکومت جمهوری چین از سرزمین اصلی به جزیره‌ی تایوان منتقل شد، دو شهرداری تشکیل شد. شهرداری تایپه در سال ۱۹۶۷ تحت نظارت "یوان" (۲۶) شکل گرفت. "کائوسیانگ" (۲۷) نیز در سال ۱۹۷۹ به همین وضعیت رسید. اینها تنها شهرداری‌هایی هستند که در حال حاضر تحت نظارت حکومت جمهوری چین می‌باشند.

طرح ارتقای "تای چونگ" (۲۸) به عنوان سومین شهرداری پیشنهاد شده است اما هیچ نتیجه‌ای هنوز گرفته نشده است.

از سال ۱۹۹۴ به شهرداری‌هایی که تحت نظارت



سوئیس

ته‌ها و مناطق دیگری را که خیلی بزرگتر از این منطقه شهری است، تحت پوشش قرار دهند. اندازه‌ی بزرگترین شهرداری یعنی "چونگ‌کینگ" خیلی بزرگتر از استان کوچک "هاینان" (۲۹) می‌باشد.

در تایوان وضعیت برعکس است و شهرداری‌ها کوچکتر از مناطق شهری خود هستند. شهرداری‌های منطقه‌ی شهری تایپه و کائوسیانگ از محدوده‌ی خود خارج شده‌اند و به ترتیب به استان‌های تایپه و کائوسیانگ پیوسته‌اند.

#### شهرداری صوفیه (بلغارستان)

صوفیه که ۷۰۰ سال پیش بنا شد، دومین شهر قدیمی اروپا است. این شهر در طول تاریخ نام‌های مختلفی به خود گرفته است و بقایای مکان‌های قدیمی آن را هنوز می‌توان مشاهده کرد.

"سردیکا" (۳۰) اسم سکونتگاه مرکزی قبیله‌ی باستانی "تراسیا" (۳۱) است که به آن "سودی" (۳۲) می‌گفتند. وقتی



ژنو، سوئیس



سرمایه‌گذاری‌های مشترک مشارکت کند - البته به شرطی که تعهداتش بیشتر از سودش نباشد. شهرداری صوفیه می‌تواند در بخش املاک و بودجه‌های استفاده نشده، سرمایه‌گذاری کند، البته به غیر از یارانه‌هایی که در بودجه‌ی دولتی اختصاص داده شده است. این شهرداری می‌تواند بودجه خود را براساس درآمدهای خود و یارانه‌های دولتی تأمین کند.

یک سال است که مدیریت منطقه‌ی صوفیه فقط توسط یک مدیر منطقه‌ای انجام می‌شود. این فرد متصدی سیاست‌های منطقه‌ای دولت است و حق دارد که هر یک از فعالیت‌های شورا و شهردار را که مطابق قانون نمی‌باشد، رد کند. البته در این حالت شهردار حق دارد که در دادگاه اقامه شکایت کند.



که این شهر در ابتدای قرن نوزدهم به کشور بلغارستان ملحق شد، این اسم بر روی آن بود و به زودی به یکی از مهم‌ترین شهرهای فئودالی تبدیل شد و اسم اسلاوی "سردتس"<sup>(۳۳)</sup> را به خود گرفت.

بعد از سقوط صوفیه در دوران امپراتوری عثمانی، دوران بازسازی در سال ۱۸۷۹ آغاز شد که در این زمان صوفیه در اولین مجمع قانون ملی به عنوان پایتخت بلغارستان انتخاب شد. بعد از دوره‌ی سریع و پیشتاز ساخت و ساز در این شهر، طرح‌های سال‌های ۱۸۸۱-۱۸۸۲ آغاز شد. در سال ۱۹۰۰، شورای شهر، پرچم صوفیه و شعار "صوفیه رشد می‌کند اما پیر نمی‌شود" را تأیید کرد.

در طول سال‌های حکومت رژیم استبدادی، صوفیه به اصلی‌ترین مرکز ملی، فرهنگی، اقتصادی و آموزشی تبدیل شده است. در سال‌هایی که سوسیالیسم در این کشور فعالیت می‌کرد، صوفیه با مشکلات متعددی مواجه شد که حل این مشکلات در حال حاضر جزو اولویت‌های شورای منتخب دموکرات صوفیه است.

در سال ۱۹۹۱ به افتخار شهادت "سنت صوفیه"، دولت هفده سپتامبر را روز صوفیه اعلام کرد و پرچم شهرداری صوفیه هم در آن روز به این اسم متبرک شد. شهرداری صوفیه یک واحد سرزمینی و اجرایی است که به واسطه حکومت خودگردان شهروندان و سیاست‌های دولت مرکزی مدیریت می‌شود.

در قلمرو شهرداری صوفیه، سه بخش به اسم‌های "بانکیا"<sup>(۳۴)</sup>، "نوی ایسکار"<sup>(۳۵)</sup> و "بوهوو"<sup>(۳۶)</sup> و سی و چهار روستا وجود دارد که توسعه و فعالیت‌های ساخت و سازشان با برنامه‌های ساخت و ساز پایتخت که در سال ۱۹۶۱ رسماً به تصویب رسید، هماهنگ می‌باشد. امروزه جمعیت صوفیه یک میلیون و ۲۲۲ هزار نفر است. این پایتخت دارای بیست و چهار ناحیه سرزمینی و اجرایی و سی و چهار شورا است که توسط شهردار مدیریت می‌شود. شهرداری صوفیه یک نهاد حقوقی نیز است که دارای املاک منقول و غیرمنقول می‌باشد. این شهرداری می‌تواند به فعالیت‌های اقتصادی و ایجاد شرکت‌های تجاری اقدام کند. همچنین می‌تواند در



### شهرداری‌های مصر

شهرداری اسکندریه در پنج ژوئن سال ۱۸۹۰ به عنوان اولین حکومت شهری در مصر ایجاد شد و متعاقب آن، شوراها و شهرداری‌های بسیاری از شهرهای مصر شکل گرفت، اما بسیاری از اعضای این شوراها از مقامات و منصوبین دولتی بودند که قدرتش نامحدود بود.

قاهره اخیراً در تاریخ‌نگاری شهری مصر مقام ویژه‌ای کسب کرد. اما اسکندریه در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۳۰-۱۸۳۰ این فاصله را جبران کرد و فراتر از یک رشد تاریخی حرکت کرد و به دومین کلانشهر مصر تبدیل شد. تحقیقات مستند و دقیق، اسکندریه را در شکافی قرار می‌دهد که به واسطه‌ی دولت عثمانی، حکومت امپریالیسم اروپا و ظهور پدیده‌ی دولت - ملت در مصر ایجاد شده است. "رابرت ایلبرت"<sup>(۳۷)</sup> معتقد است که وجود این شکاف در شهر اسکندریه باعث رشد فرهنگ بی‌نظیر سیاسی شهری شد؛ به طوری که دوره‌های مختلف آن به واسطه ترویج و اشاعه‌ی فرهنگ تعیین می‌شود.

خلاصه این که، ظهور و سقوط جامعه‌ی شهری در اسکندریه به علت چهره‌های سرشناس چند ملیتی و فرانسوی‌زبانی است که از طریق فعالیت در شهرداری اسکندریه، این شهر را اداره می‌کردند.

پانوش:

ت

منبع:

- 1-Lacien Harmegnies
- 2-Joseph Michel
- 3-Antwerp
- 4-Berchem
- 5-Borghelout
- 6-Deurne
- 7-Hoboken
- 8-Ekeren
- 9-Merksaem
- 10-Vilrijk
- 11-Nanjing
- 12-Danjing
- 13-Qingdao
- 14-Chongqing
- 15-Xian
- 16-Guangzhou
- 17-Hankou
- 18-Shenyang
- 19-Harbin
- 20-Anshan
- 21-Benxi
- 22-Poshun
- 23-Dalian
- 24-Wuhan
- 25-Chung chun
- 26-Yuan
- 27-Kaohsiung
- 28-Taichung
- 29-Hainan
- 30-Serdika
- 31-Thracian
- 32-Sendi
- 33-Sredets
- 34-Bankya
- 35-Novi Jskur
- 36-Buhovo
- 37-Robert Ilbert

- www.bartleby.com
- http://links.jstor.org
- www.2online.bg/Sofia
- www.Sofin.bg/en
- http://en.wikipedia.org/wiki/Belgian\_municipalities
- http://en.wikipedia.org/wiki/Swiss\_municipalities
- http://en.wikipedia.org/wiki/municipality\_china



# بهترین شهرهای آسیا در سال ۲۰۰۰ میلادی

ترجمه: کیو مرث جهانگردی

کلانشهرهای آسیا متوجه شده‌اند که لازم است از تاریخ و گذشته خود در برابر مقتضیات نوگرایی و مدرنیته محافظت کنند.

فوکاواکا<sup>(۱)</sup> و توکیو در سال ۲۰۰۰ به طور مشترک مقام اول را در رده‌بندی بهترین شهرهای آسیا در هفته نامه ایشیاویک<sup>(۲)</sup> کسب کردند. دو شهر از کشور کره نیز به طور مشترک رتبه‌ی دهم را کسب کردند. این رده‌بندی در مورد چهل شهر صورت گرفت که به ترتیب عبارت‌اند از: فوکاواکا، توکیو، سنگاپور، اوزاکا، تایپه، هونگ کونگ، بندر سریگاوان، کوالالامپور، جورج تاون، پوسان، سئول، کوشونگ، چانگ مایی، ماکائو، شانگهای، یکن، بانکوک، داوانوسی، هانوی، هوچی مین، کوجینگ، سبوسی، گوانگژو، اسلام‌آباد، مانیل، باندونگ، بانگ لور، جاکارتا، کلمبو، چنگ کینگ، دهلی، پنوم پن، بمبئی، کاتماندو، سورابایا، یانگون، جیتاگونگ، کراچی، داکا، وین تیان.

## چگونگی رده‌بندی و شاخص‌های آن

هیچ معیار مطلق در این مورد وجود ندارد. روشن است که عوامل اقتصادی نظیر میزان درآمد در این زمینه حائز اهمیت است. همچنین دو عامل نگران‌کننده‌ی دیگری کفاز فوریت کمتری برخوردار است، دسترسی به فضای سبز و تسهیلات مربوط به اوقات فراغت است. ایشیاویک دو معیار دیگر را نیز با مسلم دانستن نقش روزافزون آنها در زندگی مدرن، به این معیارها افزوده است که عبارتند از: استفاده از تلفن همراه و اینترنت. در مجموع بیست و هفت شاخص گوناگون برای رده‌بندی چهل شهر از شهرهای آسیا مورد استفاده قرار گرفته است که عبارتند از:

- میانگین امید به زندگی
- تعداد تخت‌های بیمارستان برای هر ۱۰۰۰ نفر
- سرانه‌ی هزینه‌ی دولت برای آموزش و پرورش
- میانگین اندازه‌ی کلاس درس در مدارس ابتدایی
- درصد افراد دارای تحصیلات دانشگاهی از مجموع جمعیت
- میزان دی‌اکسید سولفور در هوا
- میزان دی‌اکسید نیتروژن در هوا
- ذرات گرد و غبار معلق در هوا بر حسب میکروگرم در هر

متر مکعب

- میانگین ماهانه‌ی اجاره بها بر حسب متر مربع
- میانگین قیمت مسکن با دامنه‌ی قیمت آن
- نسبت قیمت مسکن به میزان درآمد
- فضای پارک و مزرعه بر حسب هر متر مربع برای هر نفر
- تعداد وسایل نقلیه بر حسب هر کیلومتر از جاده‌ها و خیابان‌های شهری
- برخورداری از سیستم راه آهن حمل و نقل عمومی
- تعداد سالن‌های سینما برای هر ۱۰۰ هزار نفر
- نرخ بیکاری
- رشد تولید ناخالص داخلی
- نرخ سالانه‌ی تورم شهری
- میزان تعطیلات و تعطیلات عمومی در هر سال
- تعداد موارد جنایی برای هر ۱۰ هزار نفر
- تعداد تلفن برای هر ۱۰۰۰ نفر
- تعداد تلفن همراه برای هر ۱۰۰۰ نفر
- تعداد کاربران اینترنتی برای هر ۱۰۰۰ نفر
- میانگین زمان صرف شده برای رفت و آمد به محل کار
- تعداد دستگاه‌های تلویزیونی برای هر ۱۰۰۰ نفر
- درصد جمعیت برخوردار از شبکه‌ی فاضلاب
- میانگین درآمد

هر کدام از شاخص‌های فوق با توجه به اهمیتشان دارای امتیاز متفاوتی در گروه‌های زیر هستند: شرایط اقتصادی (مجموعاً ۱۵ امتیاز)، کیفیت آموزش و پرورش (۱۵ امتیاز)، قانون و مقررات (۵ امتیاز)، هزینه‌های مسکن (۱۰ امتیاز)، بهداشت و مراقبت‌های بهداشتی (۱۵ امتیاز)، محیط زیست (۱۵ امتیاز)، حمل و نقل و ارتباطات (۱۵ امتیاز)، اوقات فراغت (۱۰ امتیاز).

پایین آمدن در یک چارت رده‌بندی همیشه برابر با سقوط مطلق نیست بلکه تشویقی خواهد بود برای این که شهرها با دقت بیشتری زمینه‌هایی را بررسی کنند که می‌توانند عملکرد بهتری در آنها داشته باشند.

در اینجا برای نمونه جدول امتیازات سه شهری که بالاترین امتیاز را کسب کردند، نشان داده می‌شود:

پانوش:

۱- Fukuoka، شهر فوکاواکا در ساحل شمالی جزیره‌ی

کیوشو، ژاپن

۲- Asiatweek، هفته نامه‌ی است که فعالیت مستقل آن چند

سال است تعمیم شده است اما مقالات آن در سایت مجله قابل

دسترسی است.

منبع:

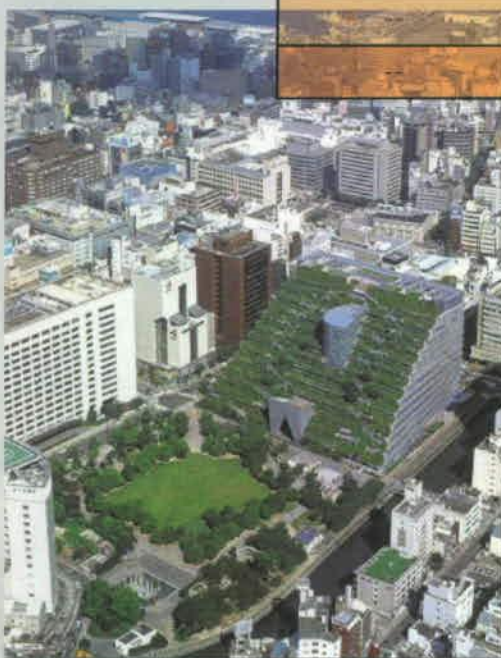
www.asiaweek.com



۱. شهر فوکاواکا، کشور ژاپن، جمعیت: ۱,۳۳۱,۹۹۵

رتبه	امتیاز	فوکاواکا
۱	۷۲	مجموع امتیاز
۵	۳۷,۱۶۵	میانگین درآمد به دلار
۱۹	۳۰۸	سرانه‌ی هزینه‌ی آموزش و پرورش به دلار
--	۵	درصد نرخ بیکاری
۱۰	۱۱	نسبت قیمت مسکن به درآمد
۲	۱۹/۵	تعداد تخت‌های بیمارستانی برای هر ۱۰۰۰ نفر
--	۲۶	آلودگی هوا، ذرات گرد و غبار معلق در هوا ( $\mu/m^3$ )
۱۵	۲۰۰	تعداد وسایل نقلیه در هر کیلومتر از جاده‌ها و خیابان‌های شهری
۳۵	۳۴۵	موارد جنایی در هر ۱۰ هزار نفر
۱۰	۳۰۰	تعداد دستگاه تلویزیونی در هر ۱۰۰۰ نفر
--	-	درصد تورم
--	-۱/۹	رشد تولید ناخالص داخلی به دلار
--	۲۲	میانگین اندازه‌ی کلاس درس در مدارس ابتدایی
--	۷۷	امید به زندگی
--	۴۵	میانگین زمان صرف شده برای رفت و آمد به محل کار (به دقیقه)
--	۶۲۰	تعداد تلفن در هر ۱۰۰۰ نفر
--	۳۷۴	تعداد تلفن همراه در هر ۱۰۰۰ نفر
--	۱۲۲	تعداد کاربران اینترنت در هر ۱۰۰۰ نفر

میانگین قیمت مسکن بر میانگین درآمد سالانه تقسیم شده است.



فوکاواکا-ژاپن



فوکاواکا-ژاپن





توکیو - ژاپن

۲. شهر توکیو، پایتخت ژاپن، جمعیت: ۱۱.۹۴۴.۰۰۰



توکیو - ژاپن

رتبه	امتیاز	توکیو
۱	۷۳	مجموع امتیاز
۲	۳۷.۶۶۱	میانگین درآمد به دلار
۵	۸۲۶	سرانه‌ی هزینه‌ی آموزش و پرورش به دلار
--	۳.۶	درصد نرخ بیکاری
۱۷	۲۱	نسبت قیمت مسکن به درآمد
۵	۱۲	تعداد تخت‌های بیمارستانی برای هر ۱۰۰۰ نفر
--	۴	آلودگی هوا، ذرات گرد و غبار معلق در هوا ( $\mu/m^3$ )
۲۱	۲۲۸	تعداد وسایل نقلیه در هر کیلومتر از جاده‌ها و خیابان‌های شهری
۳۱	۲۲۴	موارد جنایی در هر ۱۰ هزار نفر
۲۲	۲۲۶	تعداد دستگاه تلویزیونی در هر ۱۰۰۰ نفر
--	-۰/۳	درصد تورم
--	۵.۱	رشد تولید ناخالص داخلی به دلار
--	۳۹	میانگین اندازه‌ی کلاس درس در مدارس ابتدایی
--	۷۷	امید به زندگی
--	۵۶	میانگین زمان صرف شده برای رفت و آمد به محل کار (به دقیقه)
--	۵۰۳	تعداد تلفن در هر ۱۰۰۰ نفر
--	۳۷۴	تعداد تلفن همراه در هر ۱۰۰۰ نفر
--	۱۳۲	تعداد کاربران اینترنت در هر ۱۰۰۰ نفر



توکیو - ژاپن





سنکاپور

سنکاپور



۳. سنکاپور، جمعیت: ۳,۸۹۳,۶۰۰

رتبه	امتیاز	سنکاپور
۳	۷۲	مجموع امتیاز
۵	۲۶,۴۲۶	میانگین درآمد به دلار
۸	۴۸۵	سرانه‌ی هزینه‌ی آموزش و پرورش به دلار
--	۳/۳	درصد نرخ بیکاری
۱۳	۱۷	نسبت قیمت مسکن به درآمد
۲۴	۳	تعداد تخت‌های بیمارستانی برای هر ۱۰۰۰ نفر
--	۳۴	آلودگی هوا، ذرات گرد و غبار معلق در هوا ( $\mu/m^3$ )
۱۷	۲۱۹	تعداد وسایل نقلیه در هر کیلومتر از جاده‌ها و خیابان‌های شهری
۲۵	۱۰۰	موارد چغایی در هر ۱۰ هزار نفر
۱۲	۲۸۵	تعداد دستگاه تلویزیونی در هر ۱۰۰۰ نفر
--	۱/۶	درصد تورم
--	۱۰/۲	رشد تولید ناخالص داخلی به دلار
--	۲۵	میانگین اندازه‌ی کلاس درس در مدارس ابتدایی
--	۷۷	امید به زندگی
--	۳۰	میانگین زمان صرف شده برای رفت و آمد به محل کار (به دقیقه)
--	۲۴۷	تعداد تلفن در هر ۱۰۰۰ نفر
--	۳۷۷	تعداد تلفن همراه در هر ۱۰۰۰ نفر
--	۴۷۲	تعداد کاربران اینترنت در هر ۱۰۰۰ نفر



سنکاپور



## زندگی در موزه

نویسنده: لیو یوان پینگ یائو

ترجمه: کیومرث جهانگردی



دیدار از پینگ یائو در روزهای تعطیل مثل سفر به چند قرن پیش است. با تابش نور خورشید بر روی دیوارهای خاکستری رنگ و سقف‌های آجری شهر که با دروازه‌های غول پیکر جویی و گلوله‌های فولادین آهنی برای دفع حملات فراوان کامل شده‌است، بازدید کننده تصور می‌کند که نظاره‌گر دژی است در یکی از سلسله‌های پادشاهی چین. تنها یادآور قرن بیستم تیرهای برق است که در بین خانه‌ها قرار گرفته است.

۴۷ هزار نفر سکنه‌ی شهر که صبح زود از خواب برمی‌خیزند و خیابان‌های باریک شهر را که به طور ماریج در اطراف خانه‌های قدیمی قرار گرفته‌اند، مملو از رهگذر، دوچرخه‌سوار و موتورسیکلت‌های کوچک می‌کنند. ماشین‌های مدرن در میان ساختار مخروبه و باستانی، پارادکس و تضادی جالب و دیدنی به وجود می‌آورد. در پینگ یائو تقریباً بیش از هر جای دیگری در چین مردم در کنار یادگارها و آثاری زندگی می‌کنند که پدربزرگ‌هایشان با آنها آشنا بودند.

جمع این اعداد برای گردشگران جذاب و دیدنی است اما برای سکنه‌ی شهر به مثابه‌ی مبارزه‌ی تاریخ و مدرنیته است که در حال حاضر کشور چین با آن مواجه است. کشور چین در حفاظت از معماری، پیشینه و سابقه‌ی فوق‌العاده بدی دارد. حزب کمونیست و سازندگان بخش خصوصی در پکن و سایر شهرها و شهرستان‌های چین به تخریب ابنیه‌ی باستانی ادامه می‌دهند. خانه‌های حیاط دار و ویلایی که روزگاری از مشخصه‌های پکن بود، به سرعت در حال ناپدید شدن است. زندگی به سبک گذشته آسان نیست و میلیون‌ها چینی که برای مدرن شدن عجله دارند، علاقه‌ای به آن ندارند. بسیاری از مردم به دنبال فرصتی می‌گردند تا در مجتمع‌های آپارتمانی جدید زندگی کنند و از آب لوله‌کشی پاکیزه، برق، سیستم حرارتی مدرن و آسایش آن لذت ببرند. اگرچه چین با قدرت تمام حرکت خود را به سوی مدرنیته شدن دنبال می‌کند، به طور روزافزون بر شمار افرادی که خواستار حفاظت از میراث فرهنگی در برابر گوی تخریب هستند، افزوده می‌شود. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که: آیا چینی‌ها مایلند به نام حفاظت از میراث فرهنگی از این راحتی و آسایش صرف نظر کنند؟

این مقوله در پینگ یائو در استان شانسی تجلی پیدا می‌کند. پینگ یائو در نگاه نخست - شهری قدیمی است که دور تا دور

آن با دیوار محصور شده و گذشته آن به دو هزار و هفتصد سال پیش برمی‌گردد - در مبارزه برای حراست از گذشته چین به عنوان نقطه‌ای درخشان ظاهر شده است. دولت در سال‌های اخیر در محافظت از بناهای باستانی موفق بوده است. اما مسئله این است که کسی دوست ندارد در این بناها زندگی کند. طرح جایجا کردن نیمی از سکنه‌ی پینگ یائو به آپارتمان‌های مدرن تر در خارج از دیوارهای این دژ باعث بالا گرفتن بحث و مناقشه در مورد اهداف طرح شده است و این سؤال پیش می‌آید که: آیا هدف حفاظت از ابنیه‌ی قدیمی است یا محافظت از روح و سنت‌های شهر؟

فقر یکی از دلایلی است که از پینگ یائو در برابر گوی تخریب محافظت کرده است. دویست سال پیش این شهر یکی از مراکز تجاری و بانکداری در امپراتوری چین بود اما از آن زمان به بعد رو به سراسیمه نهاد. پینگ یائو در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۷۰ بودجه‌ای برای شرکت در برنامه‌های "ضربتی" توسعه در اختیار نداشت. مسئولین شهر پینگ یائو طرحی برای تخریب قسمت اعظم شهر و احداث جاده‌های جدید در نظر گرفته بودند اما هیچگاه بودجه‌ی کافی در اختیار آنان قرار نگرفت.

بعدها زمانی که تب مدرنیته شدن کشور را فراگرفت، دکتر روان یسان<sup>(۱)</sup>، استاد برنامه‌ریزی شهری در دانشگاه تونگجی در شانگهای، برای متوقف کردن روند کور کورانه و شتاب زده‌ی توسعه پا پیش نهاد. با تلاش‌های آگاهانه‌ی او مقامات دولت مرکزی و شخصیت‌های علمی از پینگ یائو بازدید کردند. با ملاقات مقامات بسیار عالی رتبه از شهر، مسئولین محلی مجبور شدند طرح‌های تخریب را به تعویق بیندازند. سرانجام طرح دکتر روان برای خالی کردن شهر و مدرنیته کردن آن در خارج از دیوارهای شهر پذیرفته شد.

در سال ۱۹۸۶ دولت چین، پینگ یائو را یک شهر تاریخی

پینگ یائو - پکن





کتمان کند که شلوغی بیش از حد، عدم وجود طرح‌ها و تسهیلات مناسب مدرن باعث شده است که پینگ یائو جای مطلوب و راحتی برای زندگی نباشد. دوچرخه‌ها، موتورسیکلت‌ها و ماشین‌های اندکی که در شهر رفت و آمد می‌کنند، در خیابان ۳ متری شهر که به طور ماریج شهر را فرا گرفته است، به سختی راه خود را باز می‌کنند. قطع برق و خاموشی امری عادی و رایج است و آب پاکیزه باید از خارج از شهر تهیه شود. صبح هنگام، بوی متعفن فاضلاب در سراسر شهر می‌پیچد. اکثر سکنه از سیستم حرارتی برخوردار نیستند و این مسئله باعث می‌شود که زندگی در زمستان بسیار دشوار شود.

نتیجه این که کسانی که نفعی از گردشگری نمی‌برند، سخنی از ارزش تاریخی پینگ یائو نمی‌برند و در عوض ترجیح می‌دهند از فقدان آب پاکیزه و سایر وسایل رفاهی مدرن شکایت کنند. بسیاری از مردم مانند ژنگ جیانگو فکر می‌کنند. او می‌گوید: "من زندگی در خانه‌ی خودم را دوست دارم زیرا خیلی بزرگ است اما اگر دولت یک آپارتمان به من پیشنهاد کند، بسیار خوشحال می‌شوم که آن را تحویل بگیرم، زیرا هم مدرن و هم راحت‌تر است."

مسئولین شهر برای پاسخ‌گویی به شکایات مردم، طرحی را ارائه داده‌اند تا با انتقال مدارس و واحدهای کاری به خارج از شهر، جمعیت شهر را از ۴۷ هزار نفر به ۲۰ هزار نفر تقلیل بدهند. به هر حال اکثر مردم از این طرح استقبال می‌کنند و دوست دارند در خارج از شهر زندگی کنند زیرا کارخانه‌ها و مغازه‌ها خارج از شهر هستند و سیستم حمل و نقل درون شهری از کیفیت خوبی برخوردار نیست. چانگ دمینگ، معاون گردشگری شهرداری پینگ یائو یکی دیگر از دلایل این طرح را این گونه مطرح می‌کند: "مردم نمی‌دانند که چگونه از آثار تاریخی - فرهنگی محافظت کنند."

کسانی که به دنبال شیوه‌ی زندگی راحت‌تری هستند از این طرح خوشحال هستند، اما همه از آن راضی و خرسند نیستند. اگر دولت همه را به بیرون از شهر منتقل کند، شهر زندگی شهری خود را از دست خواهد داد. این زندگی شهری، ضربان قلب پینگ یائو محسوب می‌شود. گردشگران واقعاً قدر پینگ یائو را می‌دانند اما تبدیل آن به یک پارک گردشگری اشتباه است. ژنگ می‌گوید: "آنچه که باعث شده است پینگ یائو یک شهر جالب و استثنایی باشد، این است که شهری زنده و دارای حیات است."

ژنگ و افرادی که مثل او فکر می‌کنند در اقلیت هستند اما مقامات باید در گوش کردن به نظرات آنان عالی عمل کنند. میراث فرهنگی به مانند مردم است و مردم به مانند آثار فرهنگی، چالشی که در اینجا وجود دارد این است که بین نیاز به محافظت از میراث فرهنگی و زندگی مدرن امروزی باید تعادل برقرار شود. در غیر این صورت ممکن است پینگ یائو تبدیل به خرابه‌ای مانند مخروبه‌های یونان، رم و مصر شود که برای دیدن زیبا است اما جای مناسبی برای زندگی نیست.

ملی اعلام کرد و به این ترتیب بودجه‌ای در اختیار شهر قرار گرفت و از آن حفاظت شد. یازده سال بعد یونسکو اعلام کرد که پینگ یائو جزو میراث فرهنگی جهان است. به این ترتیب پینگ یائو سریعاً تبدیل به یک محل گردشگری پرطرفدار هم در نزد گردشگران داخلی و هم خارجی شد. در سال ۱۹۹۹ فروش بلیط‌های ورودی برای بازدید از اماکن شهر بالغ بر دوازده میلیون دلار شد.

چنین مبلغی هم مقامات و هم سکنه شهر را قانع کرد که حفاظت از شهر به معنای تضمین معاش آنها است. خیابان اصلی شهر به نام مینگ کینگ و جاذبه‌های آن شامل هتل‌ها، رستوران‌ها و مغازه‌های آن تحت مرمت قرار گرفت. ژنگ خانویانگ یکی از اهالی شهر می‌گوید: "ما در استان شانسی که هفتاد و چهار درصد از آثار فرهنگی چین را در خود جای داده است، یک مثل معروف داریم که می‌گوید: برای دیدن قرن هیجدهم شنژن<sup>(۳)</sup> را بازدید کنید. برای دیدن قرن نوزدهم از شانگهای، برای دیدن ده سال گذشته از پکن و برای دیدن سه هزار سال گذشته از شانسی بازدید کنید."

سایر مردم نیز مانند ژنگ به اهمیت فرهنگی - تاریخی زادگاهشان پی برده‌اند و از مزایای آن برخوردار می‌شوند. ژنگ و خانواده‌اش در سال ۱۹۹۷، حتی قبل از این که پینگ یائو به عنوان میراث فرهنگی جهان انتخاب شود، بزرگ‌ترین خانه‌ی شهر را که مجموعه‌ای بود بالغ بر ۳۰۰ هزار متر مربع و به عنوان قرارگاه حکومت شهری از آن استفاده می‌شد، خریداری کردند. این خانه بازسازی شد و به یکی از اماکن گردشگری تبدیل شد. ژنگ از هر بازدید کننده مبلغ ۱/۲ دلار به عنوان بلیط ورودی دریافت می‌کرد. او می‌گوید: "خانه‌ی ما یکی از آثار تاریخی - فرهنگی است و باید به گونه‌ای از آن محافظت کنیم که آیندگان ما را تحسین کنند."

یکی دیگر از افراد موفق و برنده لی کاپلینگ است که صاحب رستوران دیجیائون در خیابان مینگ کینگ است. او قبلاً با تولید پوشاک و فروش آن به سختی امرار معاش می‌کرد. سپس بعد از این که مقامات شهر رسماً از حضور گردشگران استقبال کردند، یک رستوران در خانه خود افتتاح کرد. او می‌گوید: "پس از این که شغلم را از دست دادم، همسرم بود که این شغل را به من داد. در حال حاضر او از یک کار خوب که تهیه غذا برای گردشگران گرسنه است، لذت می‌برد."

گردشگری منافع و عواید فراوانی در بردارد. ژانگ لی، راهنمای تور گردشگری می‌گوید: "من نیز قبلاً مثل سایر مردم شهر قدر پینگ یائو را نمی‌دانستم، اما بعد از این که گردشگران بیشتر و بیشتری به شهر آمدند، با تحقیق بیشتر متوجه شدم که پینگ یائو تا چه اندازه دیدنی و با ارزش است. بیش از شصت درصد گردشگران از پکن می‌آیند. آنان بدین دلیل به اینجا می‌آیند که ببینند سرمایه و پول چه چیزی را از بین برده است و سریعاً به اهالی اینجا یادآوری می‌شوند چیزهایی که دارند تا چه اندازه ارزشمند است.

اما این همه تحسین و تعریف نمی‌تواند این واقعیت را



پینگ یائو - پکن

پانوش:

منبع:



بوسانسکی نوی، بوسنی و هرزگوین



## بازگشت ۵۳ خانواده به خانه‌های خود

تکمیل فاز دوم پروژه‌ی سوترا<sup>(۱)</sup> توسط اتحادیه‌ی بین‌المللی مقامات محلی (UNDP) و با سرمایه‌گذاری اتحادیه‌ی اروپا، ادارات محلی، حکومت سلطنتی هلند و اتحادیه‌ی بین‌المللی مقامات محلی در شهر بوسانسکی نوی<sup>(۲)</sup> واقع در بوسنی و هرزگوین، سبب بازگشت ۵۳ خانواده به سکونتگاه‌های خود شد.

هزینه‌ی کل این پروژه بالغ بر ۹/۲ میلیون یورو بود. به همین مناسبت، مراسمی برگزار شد تا پایان موفقیت‌آمیز این فعالیت‌ها را در شهرداری بوسانسکی نوی جشن بگیرند. نمایندگان وقف‌کنندگان، سازمان‌های غیردولتی و جوامع بین‌المللی نیز در این مراسم حضور داشتند.



هزینه‌ی بازسازی و زیرسازی این شهر در پروژه‌ی دوم سوترا بالغ بر ۹۴۰ هزار مارکا تخمین زده شده است. کل هزینه‌ی بازسازی و زیرسازی بوسانسکی نوی - من جمله بخش ظرفیت‌سازی محلی و شاخص‌های پایداری فاز دوم سوترا - بیش از یک میلیون مارکا است. این شهرداری یکی از ۱۲ عضو است که در فاز دوم سوترا مشارکت دارند.

بخش‌های غیردولتی، بخش‌های اقتصادی و گروه‌های ذی‌نفعی که از سوی ادارات محلی برای این فرایند انتخاب شده بودند، موفق شدند که از حمایت اقتصادی و سود بازگشت این پروژه - یعنی ۹۸ هزار مارکا (واحد پول کشور بوسنی و هرزگوین) - بهره‌مند شوند. در راستای ظرفیت‌سازی محلی، پروژه "توسعه‌ی ظرفیت جوامع محلی" توسط انجمن شهروندان لیرا<sup>(۳)</sup> و به ارزش ۲۵۰ هزار مارکا اجرا شد. پروژه‌ی سوترا توانست تجهیزات فناوری اطلاعات و وسایل اداری به ارزش ۱۶ هزار مارکا را برای این شهرداری فراهم سازد تا خدمات‌رسانی را سریع‌تر و کارآمدتر کند. ساختمان شهرداری نیز از لحاظ امکانات و وسایل تجهیز شد.

ترجمه: حسین نعمتی  
پانوشت:

1-Sutra

2-Bosanski Novi

3-Lira

www\_sutra\_undp\_ba

منبع:

## اداره‌ی امنیت

### عمومی شهرداری پکن

شهرداری پکن دارای اداره‌ی موسوم به اداره‌ی امنیت عمومی می‌باشد که وظایف عمده‌ی آن به شرح زیر است:

۱- اجرای سیاست‌ها و خط‌مشی‌های امنیت عمومی، ارائه‌ی قوانین و آیین‌نامه‌های مقدماتی و

سازماندهی فعالیت‌های امنیت عمومی در پکن.

۲- آگاهی کامل از عناصر مؤثر بر ثبات سیاست‌ها و همچنین عناصری که امنیت داخلی و نظم عمومی را به هم می‌زنند، تدوین و اجرای اقدامات متقابل.

۳- تحقیق و بررسی در زمینه‌ی فعالیت‌های غیردولتی و جلوگیری از انجام آنها، مدیریت آشوب‌ها و بی‌نظمی‌های اجتماعی، مدیریت

اجتماعات، رژه‌های نظامی، تظاهرات، مدیریت مشاغل خاص و پرخطر با توجه به قانون.

۴- حفظ نظم و امنیت ترافیکی و مدیریت حوادث ناشی از ترافیک در پکن.

۵- مدیریت اطفای حریق و نظارت بر فعالیت‌های جلوگیری از آتش‌سوزی.

۶- ارائه‌ی خدمات امنیتی به رهبران ایالت‌های چین و میهمانان مهم خارجی.



تکنیک‌های عملیاتی.

۱۳- تهیه تجهیزات امنیت عمومی برای ادارات - مثلاً لباس یونیفورم و بودجه - و نظارت بر ادارات امنیت عمومی تابعه در سطح ناحیه و استان - از لحاظ لوازم پشتیبانی.

۱۴- تدوین و اجرای آیین‌نامه‌های انضباطی برای پلیس پکن، سازماندهی برنامه‌های آموزشی برای مأموران پلیس و افزایش آگاهی پلیس و اعطای درجه به آنها با توجه به قانون، تحقیق و بررسی در زمینه تخلفات پلیس و نظارت بر آنها.

۱۵- مدیریت و رهبری مأموران پلیس و مأموران آتش‌نشانی و فرماندهی پلیس مسلح در عملیات امنیت عمومی.

۱۶- انجام وظایف دیگری که حکومت شهرداری پکن به این اداره واگذار کرده است.

ترجمه: احسان آیدی خواه  
منبع:

www.ebeijing.gov.cn

عمومی.

۱۰- آموزش و نظارت بر فعالیت امنیتی نمایندگی‌های دولتی، گروه‌های اجتماعی، مؤسسات، بنگاه‌های تجاری و پروژه‌های اصلی ساخت و ساز، راهنمایی سازمان‌های گروهی از لحاظ اجرای شاخص‌های امنیتی بازدارنده.

۱۱- مجازات از طریق بازداشت و بازآموزی از طریق کار با توجه به قانون.

۱۲- گسترش فناوری امنیت عمومی از جمله فناوری اطلاعات، تکنیک‌های بررسی جرم و



۷- ثبت مشخصات، ملیت و وضعیت ورود و خروج شهروندان پکن، مدیریت مسائل مربوط به اقامت و سفر در پکن برای افراد خارجی.

۸- مجازات خلافکارانی که تحت نظر قرار گرفتند یا به دوره‌ی کوتاه مدت کار اجباری و محرومیت از حقوق سیاسی محکوم شده‌اند، نظارت بر بزه‌کارانی که تحت پیگرد هستند و یا در آزادی مشروط به سر می‌برند، نظارت بر زندان‌ها، بازداشتگاه‌ها، مراکز ترک اعتیاد و ندامتگاه‌ها.

۹- نظارت بر امنیت شبکه‌ی اطلاع‌رسانی

## شهرداری کلانشهر استانبول روز جهانی محیط‌زیست را جشن گرفت

شهرداری کلانشهر استانبول روز جهانی محیط‌زیست را به مناسبت سی و پنجمین سالروز انتشار اعلامیه‌ی ملل متحد که در ماه ژوئن سال ۱۹۷۲ در کنفرانس جهانی توسعه‌ی محیط‌زیست اعلام شد، جشن گرفت. شهرداری استانبول در پنجم ژوئن سال ۲۰۰۷ به همین مناسبت برنامه‌هایی را در پارک گول‌خانه<sup>(۱)</sup> برگزار کرد. به منظور ایجاد آگاهی در کودکان که آینده‌متکی به آنهاست، از دانش‌آموزان ۱۰۰۰ مدرسه ابتدایی دعوت به عمل آمد تا در این فعالیت‌ها مشارکت کنند.

به موجب تصمیمی که کشورهای ملل متحد در کنفرانس محیط‌زیست در سال ۱۹۷۲ در شهر استکهلم سوئد گرفتند، پنجم ژوئن به عنوان روز جهانی محیط‌زیست معرفی شد. هر ساله پنجم ژوئن به عنوان روز جهانی محیط‌زیست جشن گرفته می‌شود و دومین هفته‌ی ژوئن نیز به عنوان هفته محیط‌زیست نام‌گذاری شده است.

آلودگی محیط‌زیست آسیبی است که بشر ناخودآگاه به طبیعت وارد می‌کند. از این رو، حفظ طبیعت و جلوگیری از خسارت رساندن به آن امری

همراه برگزاری چندین مسابقه و اعطای جوایز - جشن گروهی کودکان همراه با ارکستر و برنامه‌های نمایشی متحرک سازان. - توزیع کتاب و کلاهای افتخار.

اجباری است. باید جلوی آلودگی گرفته شده و اثرات آن جبران شود تا محیطی پاک برای نسل‌های آینده فراهم شود. تراکم صنعت و جمعیت در شهرها باعث افزایش مشکلات زیست‌محیطی می‌شود.



مقامات شهرداری کلانشهر استانبول از همه‌ی شهروندان خواستند تا نسبت به این مسئله حساس باشند و در ایجاد محیط‌زیست سالم، جلوگیری از آسیب‌رسانی و حفظ آن و حفظ برای نسل‌های آینده حداکثر همکاری لازم را به عمل آورند.

ترجمه: علی عربانی دانا  
پانوش:

I-Gulliane

منبع:

www.ibb.gov.tr

آلودگی محیط‌زیست به عنوان یک معضل مشترک در همه‌ی کشورها به حدی رسیده است که سلامت بشر را تهدید می‌کند. از این رو باید همه تلاش خود را برای جلوگیری از آلودگی محیط‌زیست به عمل بیاورند.

هیئت کنترل و حفاظت از محیط‌زیست شهرداری کلانشهر استانبول به اتفاق اداره‌ی حفاظت از محیط‌زیست ریاست جمهوری بدین مناسبت فعالیت‌های زیر را به انجام رسانیدند:

- تئاتر خیابانی با عنوان "من زباله نیستم" به



## تاریخچه‌ی طولانی یک شهر

گوآنگ چو<sup>(۱)</sup> (به انگلیسی گوانگژو و در مآخذ اسلامی خانفو) شهری مشهور و فرهنگی در چین است که تاریخچه‌ی آن به بیش از ۲۲۰۰ سال برمی‌گردد.

گوآنگ چو تقسیم کند و از این زمان به بعد بود که اسم "گوآنگ چو" مشهور شد. از زمانی که شورای شهر در سال ۱۹۲۱ تشکیل شد، به "گوآنگ چو" عنوان "شهر" اطلاق گردید. "گوآنگ چو" دارای اسم‌های مستعار دیگری همچون "یانگ چنگ"<sup>(۹)</sup> و "رایس اسپایک



فراوان نازل شود و دچار هیچ گونه قحطی نشود. سپس این موجودات آسمانی رقتند و پنج قوچ را جا گذاشتند. این پنج قوچ هم به سنگ تبدیل شدند. به یاد بود این موجودات آسمانی، مجسمه‌ای ویژه متشکل از پنج قوچ در پارک این شهر ساخته شد. "گوآنگ چو" در دوران "کین" و "هان دیناستی"<sup>(۱۲)</sup> خیلی پررونق بود. در واقع اولین بندر تجاری چین به سوی جهان و همچنین بندرگاه اولیه‌ی جاده دریایی ابریشم بود.

این شهر منبع تحولات مدرن در چین است و در آن حوادث تاریخی زیادی رخ داده است که بعضی از آنها عبارتند از: نبرد علیه مهاجمان انگلیس، شورش "هونگوگانگ"<sup>(۱۳)</sup> و شورش مردم "گوآنگ چو". "سون یاتسن"<sup>(۱۴)</sup> حلاله‌دار انقلاب چین، دانشگاه نظامی "هانگ پو"<sup>(۱۵)</sup> را تأسیس کرد و قدرت سیاسی را سه بار تجدید کرد. کامرادس زانگ تایللی<sup>(۱۶)</sup>، "یه تینگ"<sup>(۱۷)</sup> و "یه جیانینگ"<sup>(۱۸)</sup> از رهبران شورش مشهور "گوآنگ چو" و عاملان ایجاد اتحادیه‌ی مردمی "گوآنگ چو" بودند. نویسندگان مشهوری همچون "لوخون"<sup>(۱۹)</sup>، "گومورو"<sup>(۲۰)</sup> و "یودافو"<sup>(۲۱)</sup> به این شهر آمدند تا باعث پیشرفت فرهنگی آن گردند. در این شهر مکان‌های تاریخی و جذاب مشهور

سیتی"<sup>(۱۰)</sup> به معنی شهر خوشه‌های برنج نیز می‌باشد. از آنجایی که گل‌های مختلف در طول سال در این شهر شکوفه می‌دهند، به آن شهر گل‌ها نیز گویند. در این زمینه افسانه زیبایی بدین شرح وجود دارد که سال‌ها دور در "زودیناستی"<sup>(۱۱)</sup> پنج موجود آسمانی سوار بر پنج قوچ که در دهانشان خوشه‌های برنج بود، به این شهر آمدند و خوشه‌های برنج را به ساکنین "گوآنگ چو" تقدیم کردند و آرزو کردند که من بعد در این شهر نعمت

در دوران "چو"<sup>(۳)</sup> مبادلاتی بین مردم "گوآنگ چو" و مردم ایالت "چو" در رودخانه‌ی "یانگ‌تسه"<sup>(۳)</sup> صورت می‌گرفت و در همین زمان بود که اسم "چوتینگ"<sup>(۴)</sup> که اولین اسم "گوآنگ چو" بود، پیدا شد. در سی و سومین سال امپراتوری "کین شیهانگ"<sup>(۵)</sup>، استان "نانهای"<sup>(۶)</sup> شکل گرفت. "سان کوان"<sup>(۷)</sup> در سال ۲۲۶ قبل از میلاد برای تقویت فرمانروایی خود تصمیم گرفت که منطقه‌ی اصلی "جیازهو"<sup>(۸)</sup> را به دو بخش یعنی "جیازهو" و



زیادی وجود دارد. در حال حاضر بیش از ۲۱۹ مرکز در این شهر وجود دارد که نوزده مورد آنها تحت حمایت دولت مرکزی، چهل و یک مورد تحت حمایت استانی و ۱۵۹ مورد تحت حمایت شهرداری هستند. خرابه‌های قصر شاه "هان دیناستی" و "شاه کین" حفاری شده اند در میان اینها، خرابه‌های قصر شاه "یوئه"<sup>(۲۲)</sup> دوبار به عنوان یکی از ده اکتشاف ماندگار بزرگ ملی ارزیابی گردید. از سازمان ملل خواسته شده است که خرابه‌های قصر شاه "یو"، شاه "تومب"<sup>(۲۳)</sup> و سد آبی سلطنتی "یوئه" را جز آثار ماندگار تاریخی جهان ثبت کند.







- 17- Ye Ting
- 18- Ye Jianying
- 19- Luxun
- 20- Guo Morun
- 21- Ye Dafu
- 22- Yue
- 23- Tomb

- 8- Jiao Zhou
- 9- Yang Cheng
- 10- Rice Spike City
- 11- Zhou Dynasty
- 12- Han Dynasty
- 13- Huanghuagang
- 14- Sun Yat-sen
- 15- Huangpu
- 16- Comrades Zhong Taiqi

منبع:

www.gz.gov.cn/vfs

ترجمه: مان، عریالی نانا  
پانویس:

- 1- Gungzhou
- 2- Chou
- 3- Yangtze
- 4- Chu Ting
- 5- Qin Shihuang
- 6- Nanhai
- 7- Sun Qian

## موزه‌ای که دوباره در تاریخ زنده شد

شهرداری کلانشهر استانبول کارهای بازسازی مربوط به 'موزه‌ی کاریکاتور و طنز' را به اتمام رسانده است. این موزه در سال ۱۹۷۵ توسط این شهرداری تأسیس شد.

موزه‌ی کاریکاتور و طنز موزه‌ای است که همواره در آن، سوژه‌های جدید و معاصر به نمایش گذاشته می‌شود، از این رو با بازدید گسترده‌ی مردم همراه است. در این موزه علاوه بر برگزاری نمایشگاه‌های جالب و متفاوت، مراسمی همچون کنفرانس‌ها، نشست‌ها، کنسرت‌ها و نمایش فیلم نیز برگزار می‌شود. کتابخانه‌ی طنز، آرشیو و کارگاه چاپ



اصلی از جمله بخش‌هایی است که در تالارهای نمایشگاه وجود دارند. به طوری که افراد می‌توانند با نظارت یک کارشناس در آن به کار و فعالیت بپردازند. این موزه دارای بخش‌های زیر است: تالارهای نمایشگاه: دو نوع نمایشگاهی که مکمل یکدیگرند در این موزه به نمایش گذاشته شده است.

تالار نمایشگاه دائمی: در این تالار، کاریکاتورهای مختلف ترکیه از آغاز تاکنون به



کارهایی برگزار می‌شود که در این کارگاه تولید شده‌اند.

موزه‌ی کاریکاتور و طنز که وابسته به شهرداری کلانشهر استانبول است، هر روز از ساعت ده صبح الی شش عصر باز است و حضور عموم در آن آزاد است.

این موزه که در سال ۱۹۷۵ افتتاح شد، هدفش ایجاد انجمن کاریکاتوریست‌ها بود. اما در دوازده سپتامبر سال ۱۹۸۰ تعطیل شد. کاریکاتوریست‌ها خیلی امیدوار بودند که آنجا دوباره فعال شود و تلاش زیادی برای بازگشایی آن کردند، به طوری که این امیدها چند سال بعد به شادی تبدیل شد و در بیست و هفتم فوریه سال ۱۹۸۹ دوباره احیاء شد. موزه‌ی کاریکاتور و طنز حافظ میراثی است که نشانگر فرهنگ و تاریخ اجتماعی ترکیه است و امروزه آنها را در معرض نمایش قرار داده است. این موزه با همکاری مؤسسات فرهنگی مشابهی که در کشورهای دیگر وجود دارد، قصد دارد که نشریات و اسناد اصلی کل جهان را به شهروندان استانبول معرفی کند.

ترجمه: حسین نعمتی

منبع:

www.ibb.gov.tr





## الگوی تحلیل و توسعه‌ی مفهومی محیط در سرزمین‌های سبز پیرامون شهرها

مطالعه موردی: دره‌ی تبنابر\* (Tabnabar) گنجانمهی همدان

امین رستفنده-کارشناس ارشد مهندسی معماری

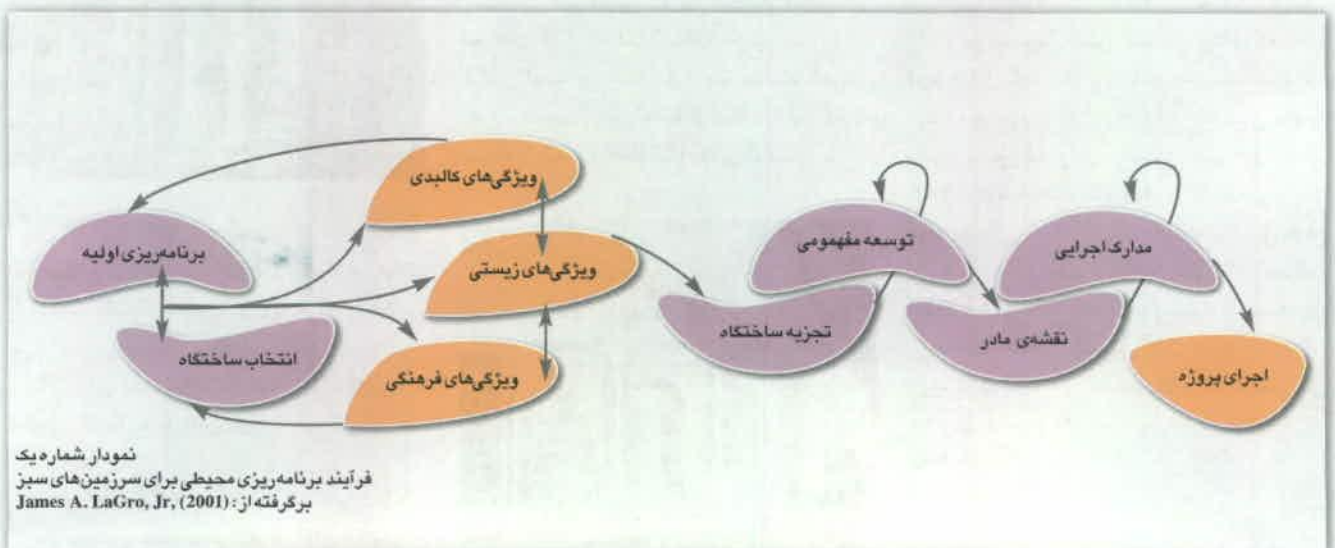
### مقدمه

سرزمین‌های سبز پیرامون شهرها به سبب نزدیکی به اجتماعات بزرگ انسانی دارای نقش مهمی در برنامه‌ریزی شهرها به حساب می‌آیند. توانایی یا عدم توانایی این سرزمین‌ها در برقراری برهمکنش صحیح با سکونتگاه‌های بشری زائده‌ی برنامه‌ریزی محیطی صحیح یا ناصحیح انسان است. بنابراین به منظور افزایش کارایی سرزمین‌های سبز و جلوگیری از تخریب یا تضعیف آنها توسط عوامل انسانی، ارائه‌ی برنامه‌ای واقعیت‌نگر و در عین حال آینده‌نگر ضروری به نظر می‌رسد. امروزه در جهان به عنوان یک روش علمی برای انجام برنامه‌ریزی محیطی، در اولین گام، مرحله‌ی "فرآیند سازی" صورت می‌پذیرد. نمودار زیر ساختار کلی فرآیند سازی برای برنامه‌ریزی محیطی در سرزمین‌های سبز را نمایش

### می‌دهد.

به طور کلی می‌توان نتایج حاصل از طراحی و عملیاتی کردن این فرآیند را در موارد زیر خلاصه کرد:

- انتخاب ساختگاه<sup>(۱)</sup> و برنامه‌ریزی اولیه دارای برهمکنشی دو جانبه و هم‌زمان هستند.
- تجزیه ساختگاه حاصل بررسی ویژگی‌های کالبدی، زیستی و فرهنگی موجود در ساختگاه انتخابی است.
- هر یک از ویژگی‌های سه گانه ساختگاه در برهمکنش با یکدیگر مورد بررسی قرار می‌گیرند.
- نتایج حاصل از بررسی ویژگی‌های کالبدی، زیستی و فرهنگی ساختگاه ممکن است سبب برگشت‌پذیری فرآیند به مرحله‌ی برنامه‌ریزی مجدد و انتخاب مجدد ساختگاه شود.





مورد اشاره قرار می گیرند.

### بررسی ویژگی های کالبدی

بررسی ویژگی های کالبدی سرزمین شامل بررسی های تخصصی در خصوص جزئیات خاک، پستی و بلندی، زمین شناسی، آبشناسی و اقلیم محلی است. در جدول زیر عوامل مورد بررسی در هر یک از زیر شاخه های ویژگی های کالبدی سرزمین نمایش داده شده است.

### بررسی ویژگی های زیستی

به طور کلی ویژگی های زیستی سرزمین های سبز در قالب دو زیر شاخه اصلی پوشش گیاهی و زیستگاه های حیات وحش قابل بررسی و تجزیه است. جدول زیر عوامل مورد بررسی در هر یک از دو مورد اخیر را نمایش می دهد.

جدول شماره ۲

عوامل زیستی مورد بررسی در سرزمین های سبز

عوامل مورد بررسی	ویژگی های زیستی
اجتماعات گیاهی بومی، درختان خاص و گونه های گیاهی غیر بومی	پوشش گیاهی
پتانسیل های مثبت و منفی زیستگاه ها و پناهگاه های حیات وحش	حیات وحش

برگرفته از: James A. LaGro, Jr. (2001)

### بررسی ویژگی های فرهنگی

ویژگی های فرهنگی که تماماً مرتبط به عوامل انسانی است، در قالب شش زیر شاخه زیر مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرند.

جدول شماره ۳

عوامل فرهنگی مورد بررسی در سرزمین های سبز

عوامل مورد بررسی	ویژگی های فرهنگی
کاربری های سابق ساختگاه، استعداد های زمین های پیرامون	کاربری زمین
مزیندگی های سیاسی، مالکیت قانونی، آیین نامه های اجرایی در کاربری زمین	مسائل حقوقی
آب سالم، برق، گاز، تلفن، سیستم فاضلاب	تسهیلات عمومی
نوع دسترسی و عملکرد شریان ها، حجم تردد وسایل نقلیه به ساختگاه	سورکولاسیون <sup>(۱)</sup>
نشانه ها، ساختمان ها و ساختگاه های تاریخی	هویت تاریخی
چشم انداز، کیفیت بصری، صداها، بو و رایحه	مسائل حسنی

برگرفته از: James A. LaGro, Jr. (2001)

### مطالعه موردی: دره ی تینابر (گنجانامه) همدان

اولویت های اساسی در توسعه ی مفهومی برای دره باستانی گنجانامه

دره ی تینابر یا گنجانامه در پنج کیلومتری جنوب غربی شهر همدان قرار گرفته است. (گروسین، ۱۳۸۳، ص



مرحله ی توسعه ی مفهومی ساختگاه که شامل ارائه ی پیشنهادات کلی و مادر است، حاصل بررسی های جامع سه گانه ی کالبدی، زیستی و فرهنگی است.

بر اساس این فرآیند، تجزیه شرایط موجود در هر سرزمین وابسته به نتایج حاصل از بررسی ویژگی های سه گانه ی آن سرزمین است. بنابراین تصمیم سازی برای سرزمین های سبز پیرامون شهرها مستلزم تحلیل دقیق و جامع در خصوص ویژگی های محلی سرزمین است. نمودار شماره دو، این وابستگی را نمایش می دهد:

لازم به ذکر است بررسی هر یک از ویژگی های کالبدی، زیستی و فرهنگی سرزمین نیازمند بهره گیری از نیروی انسانی متخصص و حمایت مادی و معنوی می باشد. در این زمینه می توان از تخصص های مرتبطی چون معماری منظر، آبشناسی، زیست شناسی، محیط شناسی، اقلیم شناسی،

جدول شماره ۱

عوامل کالبدی مورد بررسی در سرزمین های سبز

عوامل مورد بررسی	ویژگی های کالبدی
تخلخل، ظرفیت بارگذاری، خصوصیات مکانیکی، میزان فرسایش، باروری، اسیدیته (تقریبی)	خاک
برجستگی های شاخص، شیب ها، سیمای ظاهری	پستی و بلندی
عمق بستر سنگی، مخاطرات ناشی از زلزله، شکل طبیعی زمین	زمین شناسی
زهکش های سطحی، حوزه آبخیز، چشمه ها، وضعیت شیب های عمیق آب	آبشناسی
نور خورشید، انواع بارها، توده های هوایی	اقلیم

برگرفته از: James A. LaGro, Jr. (2001)

طراحی صنعتی، معماری، زمین شناسی و مدیریت و برنامه ریزی منظر سود جست (بیر، هیگینز، ۱۳۸۱).  
در ادامه ی مقاله شاخص های مختلف در هر یک از ویژگی های مورد نیاز برای تجزیه سرزمین، به شکل مشروح



ویژگی ساختگاه	زیر شاخه	وضعیت مهم‌ترین مسئله زیر شاخه	امتیاز
کالبدی	خاک	حاصلخیز، در حال فرسایش در لبه‌ها	N.P
	پستی و بلندی	تنوع در سیمای طبیعی زمین	P
	زمین‌شناسی	؟	?
	آبشناسی	چشمه‌های دائمی، آلودگی آب‌های جاری	N.P
زیستی	اقلیم	آب و هوای بیلاقی، زمستان‌های سرد	N.P
	پوشش گیاهی	وجود باغ‌های میوه، پوشش گیاهی متنوع	P.P
فرهنگی	حیات وحش	حرکت حیات وحش به ارتفاعات	N
	کاربری زمین	دارای کاربری محور ویژه گردشگری	?
	مسائل حقوقی	مالکیت خصوصی، مالکیت دولتی و انفال	?
	تسهیلات عمومی	شبکه برق، آب آشامیدنی، تلفن عمومی	P
	سپرکولسیون	دسترسی رفت و برگشتی از یک مسیر	N
	هویت تاریخی	دارای آثار تاریخی مربوط به قبل از اسلام	P
	مسائل حسی	چشم انداز متنوع، دارای منظر چهار فصل	P

منبع: نگارنده‌ی مقاله

۱۲۱) دو شاخصه‌ی مهم تاریخی و طبیعی این دره سبب توجه ویژه به آن در این مقاله است. وجود کتیبه‌های داریوش و خشایارشا و پادشاه هخامنشی و نیز وجود منابع سرشار طبیعی و مناظر بدیع نظیر آبشار، رودخانه، باغ‌های وسیع و

نقشه شماره یک  
نقشه‌های موضوعی سرزمین سبز قبل از آغاز برنامه‌ریزی



منبع تصویر: نگارنده‌ی مقاله



**الف) ظرفیت سنجی جمعیت متناسب با امکانات محیطی**

به نظر می‌رسد بررسی‌های زیستی سرزمین در راستای تحلیل و برنامه‌ریزی محیطی آن صورت می‌پذیرد. نظریه محیطی، بشر را نیز جزئی از محیط یا اکوسیستم خود می‌داند. براساس این نظریه "در اکوسیستم همواره ارتباط متقابل بین محیط و موجود رشد (بشر) وجود دارد و هر اکوسیستمی توانایی پذیرش تعداد محدودی انسان را دارد که به آن ظرفیت پذیرش می‌گویند. ظرفیت پذیرش، سطوح مختلفی دارد و دامنه‌ی آن از تراکم بهینه تا حداکثر سطح قابل دوام متغیر است. در تراکم بهینه، همه‌ی افراد، تمامی ضروریات زیستی را به اندازه‌ی کافی در اختیار دارند و بدین ترتیب ظرفیت تولیدی آنها در سطح حداکثر است. حفظ این تراکم بهینه، تنها از طریق نظارت قوی بر رشد جمعیت امکان پذیر است. در غیر این صورت جمعیت به سوی حداکثر سطح قابل دوام حرکت می‌کند و پس از آن با افت ظرفیت تولید، سرانجام گرسنگی ظهور می‌کند. البته ظرفیت پذیرش میزانی ایستا نیست و با فعالیت انسان تغییر می‌کند. با این وضع، هرگونه اعمالی از این قبیل باعث برهم خوردن تعادل موجود و ضعف محیط می‌شود که آثار منفی بر ثبات آن می‌گذارد" (زیاری، ۱۳۸۳، ص ۱۳۹). بنابراین در نظر گرفتن

ارائه‌ی "توسعه مفهومی"، بررسی آنها الزامی است. در جدول ۴ ویژگی‌های سه‌گانه‌ی کالبدی، زیستی و فرهنگی گنجنامه در نظر گرفته شده و در هر زیر شاخه، مهم‌ترین مسئله‌ی مورد نظر ارائه شده است. در ستون آخر نیز مثبت یا منفی بودن توانش‌های موجود با دو حرف اختصاری N به معنای منفی و P به معنای مثبت آورده شده است.

**نقشه‌های موضوعی برای دره‌ی گنجنامه**

به منظور تهیه‌ی طرح منظر مناسب برای این دره، پس از شناخت عمومی مشخصات ساختگاه، تهیه‌ی نقشه‌های موضوعی از توانش‌های موجود در محل الزامی است. (Turner, 2003) در هر یک از این نقشه‌ها می‌توان ارزش‌های موجود را سطح‌بندی کرد. برای روشن تر شدن بحث در ادامه‌ی نقشه‌ی موقعیت و نقشه‌های خرد اقلیم، کیفیت آب و نشانه‌های شاخص در دره‌ی گنجنامه ارائه می‌شود.

**پیشنهاد‌های عمومی برای برنامه‌ریزی و توسعه‌ی مفهومی در دره‌ی گنجنامه**

پیشنهاد‌های ارائه شده در این بخش حالت کلی داشته و در هر یک از آنها کلیه‌ی عوامل کالبدی، زیستی و فرهنگی ساختگاه که در جدول ۴ به آنها اشاره شد، مورد توجه قرار گرفته است. در این بخش پس از "وزن دهی" به توانش‌های مثبت و منفی موجود در ساختگاه مورد



تصویر شماره یک  
تجاوز جمعیت از حد مجاز ظرفیت پذیرش در دره‌ی گنجنامه در فصل تابستان

تمهیداتی نظیر کنترل دسترسی به ساختگاه و توزیع عادلانه منابع تفریحی در تمامی سطوح زمین برای جلوگیری از بروز بحران ضروری به نظر می‌رسد.

**ب) تأسیس پارک ملی**

مطالعه و با در نظر گرفتن تمامی نیازهای محیطی، اقتصادی و اجتماعی مراجعه‌کنندگان، پیشنهاد‌های کلی برای تدوین برنامه‌ی توسعه‌ی مفهومی ساختگاه با توجه به نمودار شماره یک ارائه شده است.





منطقه، آنان را با ارزش های طبیعت آشنا تر کرد و به طور غیر مستقیم بر لزوم حفظ منابع طبیعی تأکید کرد. چنین برنامه هایی سبب حفظ محیط در دراز مدت و امکان بهره مندی اقتصادی از آن در زمان آینده نیز خواهد شد.

#### د) باغداری تجاری

باغداری تجاری گونه ای از کشاورزی در نزدیکی بازار شهر است و شامل تولید میوه ها، گل ها و سبزیجات مصرفی شهروندان است (رحمانی، مطلبی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۰).

با توجه به وجود باغ های وسیع میوه در منطقه ی گنجنامه می توان با مشارکت دادن صاحبان باغ های خصوصی در امر فروش، ضمن ارتقای سطح باغداری و تشویق باغداران به افزایش محصول کشاورزی، بر ارزش های اقتصادی دره نیز افزود.

به منظور نگاهداشت از محیط زیست طبیعی و انتقال آن به نسل آینده می توان از تمهیدات متعددی برای کنترل تخریب محیط بهره گرفت. در این راستا طرح تأسیس پارک ملی گنجنامه در برخی محدوده های واجد ارزش می تواند مفید واقع شود. بر اساس تعاریف استاندارد "پارک های ملی، به محدوده ای از منابع طبیعی کشور اعم از جنگل و مرتع، دشت، آب و کوهستانی گفته می شود که نمایانگر نمونه های برجسته ای از مظاهر طبیعی باشد و به منظور حفظ همیشگی وضع زندگی و طبیعی آن و همچنین ایجاد محیط مناسب برای تکثیر و پرورش جانوران وحشی و رشد رستنی ها در شرایط کاملاً طبیعی تحت حفاظت قرار می گیرند." (رهبر، ۱۳۸۰، ص ۲۷)

#### ج) توسعه ی صنعت اکو-توریسم<sup>(۳)</sup> (بوم گردی)

به منظور افزایش تنوع در "منابع تفرجگاهی" در ساختگاه می توان از عوامل موجود در منطقه بهره گرفت. در این راستا طراحی کاربری هایی نظیر شکارگاه های طبیعی، موزه ی سنگ گرانب و باغ های گیاهشناسی<sup>(۴)</sup> می تواند ضمن افزایش درآمدهای ناشی از گردشگری، اکوسیستم منطقه ای را نیز تقویت کند (رستنده، ۱۳۸۵، ص ۳).

در طی اجرای این برنامه ها فرهنگ سازی عمومی برای آموزش حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی انجام می گیرد. بنابراین می توان ضمن بهره مندی از عواید اقتصادی ناشی از بازدیدها و اقامت گردشگران در

#### ه) تدوین قوانین و مقررات عملی

بر اساس اصل پنجاهم قانون اساسی حفاظت از محیط زیست یک ضرورت غیر قابل اجتناب است و تخطی از آن با هیچ توجیه اقتصادی قابل قبول نیست:

"در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می شود. از این رو فعالیت های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است." (منصور، ۱۳۸۵، صص ۵۰ و ۵۱).

با این حال در برهه های مختلف منابع طبیعی کشور







سطح قانون	مرجع ذی صلاح برای اجرای قانون
بین‌المللی	سازمان جهانی یونسکو (زیست محیطی)
ملی	سازمان حفاظت محیط زیست جمهوری اسلامی ایران
منطقه‌ای	دفتر اجرایی طرح آمایش سرزمین منطقه ی زاگرس
محلی	سازمان مستقل پارک ملی گنجانمه

حال یک ساختار کلی برای تحلیل محیط وجود دارد که در این مقاله به صورت کلی به چارچوب اصلی آن اشاره گشت.

تحلیل سرزمین‌های سبز پیش از آغاز برنامه‌ریزی محیطی و در سه مرحله‌ی تحلیل کالبدی، تحلیل زیستی و تحلیل فرهنگی صورت می‌پذیرد. در هر یک از این سه مرحله عوامل مختلف مورد ارزیابی قرار گرفته و پس از وزن‌دهی میزان تأثیرات مثبت و منفی آنها در محیط شناسایی شده و مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در نهایت نتایج حاصل از این تحلیل‌ها در قالب جداولی تدوین گشته و به عنوان راهنما و مرجعی برای برنامه‌ریزی محیطی مورد توجه قرار می‌گیرد.

بنا بر آنچه بیان گشت می‌توان اظهار داشت قبل از آغاز هرگونه برنامه‌ریزی محیطی، وجود اطلاعات پایه در زمینه‌های سه گانه کالبدی، زیستی و فرهنگی ضروری و غیر قابل اجتناب است. بنابراین جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات اساسی گفته شده، راهگشای برنامه‌ریزی صحیح و ارائه پیشنهادهایی متناسب با ظرفیت‌ها و توانش‌های مثبت منطقه خواهد بود و از ظهور ایده‌های نامناسب برای برنامه‌ریزی و طراحی محیطی جلوگیری به عمل می‌آورد. آنچه مسلم است این است که چنین اقدامی سبب بروز یک برنامه صحیح محیطی و به تبع آن یک طرح اصولی و متناسب با نیازهای محیط خواهد گشت.

مورد تعرض جدی قرار گرفته است. به همین منظور تدوین قوانین و مقررات با در نظر آوردن کلیه جزئیات قانونی آن، امری لازم و ضروری در راستای توسعه‌ی پایدار سرزمین‌های سبز به نظر می‌رسد. در این خصوص احترام به قوانین بین‌المللی و تدوین قوانین و مقررات در سه سطح ملی، منطقه‌ای و محلی الزامی به نظر می‌رسد. به همین منظور در این مقاله تدوین دو قانون "مقررات زیست محیطی زاگرس" و قانون "مقررات زیست محیطی محلی گنجانمه" پیشنهاد می‌شود.

با توجه به این‌که در طرح آمایش سرزمین استان همدان در منطقه‌ی زاگرس قرار گرفته است، (توفیق، ۱۳۸۴، ص ۱۰) می‌توان قوانین خاصی در خصوص مباحث زیست محیطی این منطقه نیز در نظر گرفت. همچنین با تأسیس سازمان مستقلی تحت عنوان سازمان پارک ملی گنجانمه می‌توان به اجرای مناسب تر قوانین امیدوار بود.

جدول زیر نحوه‌ی سطح‌بندی قوانین فوق را نشان می‌دهد. ردیف سطح منطقه‌ای و محلی به عنوان پیشنهاد ارائه می‌شود.

### نتیجه‌گیری

برنامه‌ریزی برای سرزمین‌های سبز، مستلزم دستیابی به الگوی تحلیل و توسعه‌ی مفهومی محیط است. الگوهای متنوعی در این زمینه وجود دارد. با این

- رستلده، امین. پتانسیل‌های اقتصادی ندره‌ی گنجانمه، نسیم غرب، روزنامه صبح استان‌های

غربی ایران، شماره ۲۳۵، (۱۳۸۵)

- رهبر، داوود. اطلس ملی ایران، جلد شانزدهم محیط‌زیست، سازمان نقشه‌برداری کشور، تهران، ۱۳۸۰

- گروسین، هادی. جغرافیای تاریخی و زیستگاهی برای الوند، شهراندیشه، همدان، ۱۳۸۴.

- منصور، جهانگیر. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸، اصلاحات و تغییرات و تسمیه قانون اساسی مصوب ۱۳۶۸، دوران، تهران، ۱۳۸۵.

- James A. LaGro, Jr, Site Analysis,

Linking Program and Concept in Land Planning

and Design, John Wiley & Song, Inc. (2001).

- Turner, Tom, Landscape Planning and

Environmental Impact Design, London:

Routledge (2003).

1-Site

2-Circulation

3-Eco - Tourism

4-Botanic Gardens

\* این نام‌کهن به معنای آبشار راه‌نیاپنیر، ریشه‌از موزیان پهلوی و کردی دارد که "تب" به معنای فرو ریختن آب از بلندی، آبشار و "نیاپنیر" به معنای راه‌نیاپنیر است.

منابع:

- توفیق، فیروز. آمایش سرزمین، تجربه جهانی و انطباق آن با وضع ایران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران، ۱۳۸۴.

- رحمانی، محمد جواد - مطهری، محمد. واژه نامه منظر، فرهنگ توسیابی - تخصصی وازکار منظرسازی و معماری منظر، واژه‌نامه منظر، انتشار گرافیک، ۱۳۸۲.



## اهمیت و ضرورت‌های آموزش

و

### بهسازی کارکنان در شهرداری‌ها

(بخش یکم)

جواد نیکنام

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری

عصر محوریت دانایی، راهکاری راهبردی برای همه جوامع است.

شهرداری‌ها به عنوان دستگاه‌های عمومی که ارتباط مستقیمی با عموم مردم دارند، متأسفانه چندان اهمیتی برای این مسئله تاکنون نیاورده‌اند و به همین دلیل شاهد افت کیفیت کارایی در آنها و در نتیجه نارضایتی شهروندان هستیم. در این مقاله به اختصار آموزش کارکنان بخش دولتی با تأکید بر شهرداری‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. هرچند شهرداری‌ها را نمی‌توان جزء بخش دولتی دانست بلکه شامل بخش عمومی می‌شوند و قوانین و مقررات دولتی در آنها جاری است.

#### مقدمه

آموزش و بهسازی کارکنان به دلایل زیادی مورد نیاز شهرداری‌ها بوده و ضرورت آن روز به روز بیشتر می‌شود. به نظر شولر<sup>(۱)</sup> هدف عمده از آموزش و بهسازی، رفع نقائص عملکرد جاری و یا آینده است. ضرورت مهم دیگر آموزش و بهسازی کارکنان، افزایش میزان تولید کالاها و خدمات است. تحقیقات نشان داده است که هزینه‌های آموزشی به وسیله افزایش بهره‌وری جبران شده است.

"بهبود کیفیت مداوم" (Continuous Quality Improvement) ضرورت دیگری برای پرداختن به فعالیت‌های آموزش و بهسازی کارکنان به عنوان یک هدف بزرگ در شهرداری‌ها می‌باشد و

امروزه در ایران متأسفانه اغلب کارکنان و صاحبان مشاغل دانش و مهارت‌های فنی، رفتاری و ادراکی برای انجام وظایف شغلی خود، ندارند. تحصیلات در نظام‌های آموزش عالی و ماقبل از آن بیش از پیش جنبه عمومی یافته و آمادگی لازم را برای انجام وظایف شغلی ایجاد نمی‌کند. از سوی دیگر پیشرفت‌های فناوری و خودکاری به طور عام و گسترش فناوری‌های اطلاعاتی به طور خاص، روز به روز بر اهمیت آگاهی و تخصص در مشاغل افزوده و انتظارات از نیروی کار، برای ارائه کالاها و خدمات علاوه بر بعد کمی، ابعاد کیفی رو به گسترشی نیز یافته است. با گسترش فناوری‌های اطلاعاتی روز به روز روندهای فوق‌الذکر شتاب بیشتری پیدا کرده و کسب و نگهداری مشاغل در بخش‌های خدمات، صنعت و کشاورزی در سطوح مختلف کارگری، تکنسینی، مهندسی و مدیریتی را تحت تأثیر عنصر محوری "دانایی" قرار داده است. فاصله اصلی و عمیق ملت‌ها از حیث دانایی و نادانی است، نه دارایی و ناداری! و چالش اصلی، چالش نیروی انسانی است. امروزه قدرت رقابتی ملت‌ها در گرو کیفیت سرمایه انسانی آنهاست. مدیریت "سرمایه انسانی" که معمولاً در سازمان‌ها تجمع دارد، در زمره‌ی حیاتی‌ترین انواع مدیریت محسوب می‌شود. فرسودگی سرمایه انسانی، کیفیت کالاها و خدمات تولیدی را به مخاطره می‌اندازد. اما آموزش و بهسازی منابع انسانی در



عنوان عامل اولیه تعیین کننده کیفیت و کارایی خدمات شهرداری‌ها داشته باشد.

به گفته حسن ستاری در منابع علمی حتی بسیار قدیمی مدیریت منابع انسانی، مبحث آموزش (Training) به عنوان یکی از وظایف اساسی اداره امور استخدامی که می‌بایست بلافاصله پس از خاتمه عملیات کارمندیابی و انتخاب شروع شود، مطرح شده است. در این منابع بر این نکته تأکید شده است که در مرحله‌ی انتصاب، تعلیمات مقدماتی درباره‌ی شغل و نحوه‌ی اجرای وظایف و مسئولیت‌ها و سایر اطلاعات لازم مربوط به کار و هدف‌های سازمان به مستخدم داده می‌شود و پس از این مرحله نیز اجرای یک برنامه‌ی رسمی آموزشی برای کارکنان در مؤسسه ضروری می‌باشد. وظیفه آموزش کارکنان نیز مانند سایر وظایف استخدامی بر عهده مدیران اجرایی و سرپرستان شعب و واحدهای عملیاتی در مؤسسه است. مدیران مسئول در هر شهرداری باید کلیه تسهیلات لازم را در جهت آموزش منابع انسانی واحدهای خود فراهم سازند. زیرا هر گونه بی‌اعتنایی و عدم توجه و سستی و اشکال‌تراشی در این امر مهم، مانعی در راه حصول هدف‌های اداره امور استخدامی و استفاده مطلوب از نیروی انسانی محسوب می‌شود. بنابراین کلیه مدیران و سرپرستان باید به تنهایی و به طور جمعی نسبت به آموزش کارکنان شهرداری ابراز علاقه کرده و با ایمان و اعتقاد راسخ به اهمیت آموزش، با استفاده از خدمات ستاد تخصصی پرسنل در شهرداری، تصمیمات لازم را اتخاذ و به اجرا گذارند.

### سرمایه انسانی چیست؟ و چرا نیاز به مدیریت دارد؟

برآوردهای اخیر نشان داده است که ۵۰ تا ۹۰ درصد از ارزش‌های خلق شده در سازمان‌ها، ناشی از سرمایه‌گذاری‌های سنتی فیزیکی نبوده و حاصل مدیریت سرمایه انسانی (CAPITAL MANAGEMENT HUMAN) است.

**آموزش و بهسازی از آن رو برای شهرداری‌ها ضرورت داشته و با اهمیت تلقی می‌شود که شهرداری‌ها سریعاً رشد کرده و مستمراً فناوری‌های جدید را به کار می‌گیرند**

این وضعیت به بهترین شکل در شرکت‌هایی نظیر میکروسافت جلوه‌گر شده است. در چنین شرکت‌هایی، منابع کلیدی پول‌های زیاد و تجهیزات نیست؛ دانش جمعی و تخصص‌های کارکنان میکروسافت، سرمایه

تحقیقات انجام شده توسط پیشگامان، "مدیریت کیفیت فراگیر" (Total Quality Management) مؤید این ضرورت است. آنان معتقدند که خرج کردن مقادیر زیاد مالی برای آموزش و بهسازی کارکنان برای خلق و غالب شدن کیفیت در شرکت‌ها لازم است.

علاوه بر اینها، آموزش و بهسازی از آن رو برای شهرداری‌ها ضرورت داشته و با اهمیت تلقی می‌شود که شهرداری‌ها سریعاً رشد کرده و مستمراً فناوری‌های جدید را به کار می‌گیرند. بنابراین احتمال عقب ماندگی کارکنان از فناوری‌ها مستمراً بالا می‌رود. در چنین نوعی از سازمان‌ها انعطاف و تطبیق پذیری نیروی کار اهمیت زیادی داشته و می‌تواند به وسیله‌ی برنامه‌های موفق آموزش و بهسازی کارکنان، حاصل شود. همچنین آموزش و بهسازی می‌تواند موجب افزایش تعهد کارکنان به شهرداری‌ها شده و ادراک کارکنان را - در مورد این‌که شهرداری‌ها محل خوبی برای کار است - تقویت کند. در نتیجه‌ی زیاد شدن تعهد سازمانی، میزان تغییر در کارمندان و کارگریزی کاهش یافته و دلیل دیگری برای افزایش بهره‌وری حاصل می‌شود و نهایتاً آموزش، کلیدی برای تحقق یافتن راهبرد در شهرداری‌ها خواهد بود.

### هدف عمده از آموزش و بهسازی، رفع نقائص عملکرد جاری و یا آینده است

بیشتر مشاغل دانش محور است. فرقی نمی‌کند که کار در بخش کشاورزی باشد یا صنعتی و خدماتی و یا کار از نوع حرفه‌ای بوده و یا غیر از آن باشد. برای مثال گزارش یک تحقیق در مورد نقش آموزش و بهسازی در نگهداری سرمایه‌ی انسانی در خدمات دولتی در کانادا نشان داده است که در ۲۵ سال گذشته کارکنان با مشاغل دانش بنیاد در نیروی کار این کشور سریع‌ترین رشد را داشته‌اند. در سال ۱۹۴۰ بیش از ۶۰ درصد از مشاغل آمریکای شمالی در برادرانده چیزهای محسوس نظیر بهره برداری از معدن یا تولید فولاد بوده‌اند، در حالی‌که در سال ۲۰۰۰ همین درصد از مشاغل بر پایه اطلاعات قرار داشته‌اند. در آخرین سال هزاره دوم میلادی، ۵۷ درصد از مشاغل دولتی ایالت کلمبیا در کانادا در اختیار "کارکنان مشاغل دانش بنیاد" (Knowledge Workers) بوده است.

مورفیت<sup>(۳)</sup> بسیاری از وظایفی را که در اداره کردن سرمایه انسانی وجود دارد، ناشی از به کار بستن سنتی مدیریت منابع انسانی می‌داند که شامل گزینش و انتخاب، آموزش و بهسازی و نظام‌های مدیریت عملکرد می‌باشند. آموزش و بهسازی می‌تواند کارکردی محوری در حفاظت از سرمایه انسانی به



اصلی این شرکت است. سرمایه انسانی و مدیریت آن برای بقا و اثربخشی سازمان‌ها ضرورتی حیاتی شده است. دوام سازمان‌های موفق یا اداره کردن شماره‌ها نیست بلکه با حداکثر کردن ارزشهاست. سازمان‌های موفق در حال حاضر بر عملکرد راهبردی، فرایندهای ارزش افزایی و مدیریت دانش تأکید می‌کنند.

**سرمایه انسانی نه تنها مکمل منابع سنتی تأمین ثروت (زمین، نیروی کار و سرمایه) بلکه به عنوان منبع جدید تأمین ثروت و بلکه جایگزین منابع سنتی ثروت در عصر دانایی تلقی می‌شود**

علی‌رغم اهمیت تازه‌ای که سرمایه انسانی پیدا کرده است؛ بیشتر شهرداری‌ها درباره این‌که در حال ساختن و یا تقلیل چنین سرمایه‌ای هستند، ایده‌ای ندارند. روش‌ها برای ارزشیابی سرمایه انسانی، پیچیده بوده و به خوبی گسترش نیافته‌اند. بخشی از مسئله تعیین آن چیزی است که سرمایه انسانی را می‌سازد. اگرچه عقاید درباره سرمایه انسانی متفاوت است اما بیشتر اشتراکات تعاریف سرمایه انسانی به تجربیات دسته جمعی و چگونگی دانش کارکنان، دارایی فکری یا ایده‌های به دست آمده و ثبت شده، حقوق تألیف، حقوق طراحی و چیزهایی از این قبیل، برای روشن کردن مفهوم سرمایه انسانی، ارجاع داده‌اند.

سرمایه انسانی عبارت است از: تجربیات دسته جمعی، دانش و مهارت‌های کارکنان یک سازمان. سرمایه انسانی، دانشی است که هر فرد دارد و به وجود می‌آورد. چنین نیروی فکری دسته جمعی دربردارنده: (۱) اطلاعات کسب شده در خلال آموزش‌های

رسمی و غیررسمی،

(۲) مهارت‌های به دست آمده از طریق کارآموزی و

تجربه،

(۳) تجربیات به دست آمده ناشی از موفقیت‌ها و

شکست‌های گذشته،

(۴) قضاوت‌های ارزشی بر پایه ادراک افراد و

(۵) شبکه اجتماعی گسترش یافته در خلال

ارتباطات بین همکاران، همقطاران و مشتریان می‌باشد.

قلمروهای آموزش کارکنان در خارج از کشور نشان می‌دهد که دولت‌ها و ملت‌ها برای حفظ سرمایه انسانی خود به طور نظام‌مند، راهبردها و خط‌مشی‌های آموزش و بهسازی کارکنان را در ارتباط با دیگر راهبردها و خط‌مشی‌های سازمانی قرار داده و با تلفیق آنها تلاش در نگهداشت و توسعه این سرمایه عظیم می‌کنند؛ زیرا سرمایه انسانی نه تنها مکمل منابع سنتی

تأمین ثروت (زمین، نیروی کار و سرمایه) بلکه به عنوان منبع جدید تأمین ثروت و بلکه جایگزین منابع سنتی ثروت در عصر دانایی تلقی می‌شود.

به طور خلاصه می‌توان مهم‌ترین چالش‌های سرمایه انسانی در شهرداری‌های ایران را این‌گونه دانست:

۱ - ضعف مدیریت ملی و عدم اجرای قوانین در زمینه حفظ و توانمندسازی سرمایه انسانی.

۲ - فرار مغزها و فرسایش نیروی انسانی متخصص.

بدین منظور شهرداری‌های ایران برای حفظ ویژگی‌های پاسخگویی و مردمی بودن و ارتقای سرمایه انسانی و جلب رضایت شهروندان، بایستی برنامه‌ریزی کرده و با روش‌های مناسب به تعیین نیازهای آموزشی کارکنان، آموزش و بهسازی آنان و ارزشیابی فعالیت‌های انجام شده در این حوزه بپردازند.

**تعاریف و مفاهیم آموزش و بهسازی کارکنان (Employee Training and Development)**

از نظر کاسیو<sup>(۳)</sup> آموزش و بهسازی کارکنان مشتمل بر برنامه‌های طراحی شده برای بهبود عملکرد در سطح فرد، گروه و یا سطح سازمانی می‌باشد. اغلب، تمایزی بین "آموزش" و "بهسازی" کارکنان در نظر گرفته می‌شود. از نظر مارتیس<sup>(۴)</sup> وقتی صحبت از آموزش می‌شود منظور یک فرایند یادگیری است که موجب بهبود توانایی‌ها و مهارت‌های موجود کارکنان و یا به دست آوردن دانش و مهارت‌های تازه برای کمک به حصول اهداف سازمانی است و به طور مشخص "آموزش کارکنان" (Training) آنان را با دانش و مهارت‌های شناسایی شده برای به کارگیری در شغل فعلی‌شان آماده می‌کند در حالی که "بهسازی" (Development) از نظر قلمرو و تمرکز بر تحصیل دانش و مهارت‌های جدید برای مشاغل فعلی و آینده، از آموزش کارکنان گسترده‌تر است.

**شهرداری‌های ایران برای حفظ**

**ویژگی‌های پاسخگویی و مردمی بودن و ارتقای سرمایه انسانی و جلب رضایت شهروندان، بایستی برنامه‌ریزی کرده و با روش‌های مناسب به تعیین نیازهای آموزشی کارکنان، آموزش و بهسازی آنان و ارزشیابی فعالیت‌های انجام شده در این حوزه بپردازند**

لی<sup>(۵)</sup> پژوهشگر انگلیسی، تعریف دیگری از بهسازی ارائه کرده است. از نظر لی فرایند طبیعی رشد حرفه‌ای که در آن کارکنان به تدریج، اعتماد به نفس، رسیدن به دیدگاه‌های تازه، افزایش در دانش، کشف روش‌های جدید و ایفای روش‌های تازه را به عهده



خارج از نظام آموزش رسمی و در قالب دوره‌های کوتاه‌مدت یا میان‌مدت و به شکل پودمانی انجام می‌گیرد. این آموزش‌ها فاقد ارزش استخدامی می‌باشند. اما طبق آیین‌نامه استخدامی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور امتیاز این دوره‌های آموزشی در نظام حقوق و مزایای کارکنان محاسبه می‌شود.

#### سیاست آموزش (Training Policy)

عبارت است از اصول، مقاصد و تصمیم کلان آموزشی که مدیریت آموزش را جهت نیل به هدف معین، مکلف و محدود به انجام یک سلسله اقدامات می‌کند. این فرایند بین تمام واحدها پیوند و همبستگی ایجاد کرده، موجب هدایت فعالیت‌ها می‌شود.

#### راهبرد آموزش (Training Strategy)

راهبرد آموزش عبارت است از الگوها، خط‌مشی‌ها و فعالیت‌های عملی آموزش که از طریق اجرای آن اهداف و سیاست‌های آموزشی سازمان محقق می‌شود.

#### آموزش کارکنان دولت در ایران

آموزش کارکنان شهرداری‌ها به ویژه از نوع کوتاه‌مدت آن در ایران از چند جهت ضرورت و اهمیت دارد. نخست این که تقریباً همه آموزش‌های دانشگاهی جنبه نظری داشته و با نیازهای دنیای کار فاصله دارد. حتی آموزش‌های بلندمدت مقطع داری که در مراکز آموزشی وابسته به دستگاه‌های اجرایی به منظور تأمین نیازهای خاص آنها ارائه می‌شود، به علت غلبه جنبه نظری، دچار همین نقیصه شده‌اند.

**منظور از آموزش غیررسمی، آموزش‌هایی است که خارج از نظام آموزش رسمی و در قالب دوره‌های کوتاه‌مدت یا میان‌مدت و به شکل پودمانی انجام می‌گیرد**

دومین ضرورت توجه به آموزش‌های کوتاه‌مدت کارکنان شهرداری‌ها، به ضعف در مدیریت و برنامه‌ریزی منابع انسانی برمی‌گردد. نسبت تناسب ظاهری بین رشته تحصیلی و شغل افراد در گروه‌های عمده شغلی متفاوت است و بعضاً از تناسب قابل قبولی برخوردار نیست. سومین عامل و ضرورتی که برای توجه روزافزون به آموزش کارکنان شهرداری‌ها در ایران وجود دارد، عاملی عمومی و جهانی است و آن تغییرات روزافزون و پرشتاب فنی و تکنیکی مشاغل و بازارکار و کهنه و غیرمفید شدن دانش و مهارت‌های کسب شده شاغلین در کوتاه‌ترین زمان پس از فراغت از تحصیل و آموزش می‌باشد.

به نظر حسین ابطحی اولین کلاس‌های آموزش

می‌گیرند، بهسازی نامیده می‌شود. لی بهسازی کارکنان را وابسته به سه چیز می‌داند:

- (۱) دانش، تجربه و شخصیت شاغل،
- (۲) زمینه محیط کار و
- (۳) تماس‌های حرفه‌ای و مباحثات بیرون از محیط کار.

وی همچنین بهسازی کارکنان را نتیجه سه عامل می‌داند:

عامل اول، عامل فردی است که برآیند فراگیری مداوم شخصی است، عامل دوم، عامل نهادی است که بازتاب برهمکنش‌ها در محیط کار بین کارکنان و موضوع کار است،

و عامل سوم، عامل مدیریتی است که مسئولیت برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌های بهسازی کارکنان را به عهده دارد. در ادامه به ارائه برخی از مهم‌ترین مفاهیم مرتبط با آموزش کارکنان می‌پردازیم:

#### آموزش (Training)

آموزش فرایند طراحی شده جهت ایجاد و بهبود مهارت، دانش، نگرش و رفتار مطلوب از طریق تجربه علمی و عملی می‌باشد. این فرایند شامل برنامه‌ریزی، طراحی، اجرا، ارزشیابی و اثر بخشی می‌باشد.

#### آموزش ضمن خدمت (On-Job Training)

آموزش‌هایی هستند که کارکنان در مسیر شغلی خود به منظور متناسب ساختن دانش، مهارت و بینش خود با نیازهای شغل مورد تصدی طی می‌کنند.

#### آموزش پودمانی (Modular Training)

آموزش‌های پودمانی شکلی از آموزش‌های ضمن خدمت است که طی آن تخصص‌های شغلی در قالب پودمان‌های آموزشی مستقل و جدا از هم به کارکنان آموخته می‌شود. هر یک از پودمان‌ها مهارت خاصی را ایجاد می‌کند و در عین حال در کنار سایر پودمان‌ها منجر به ایجاد یک مهارت جدید و جامع‌تر می‌شود.

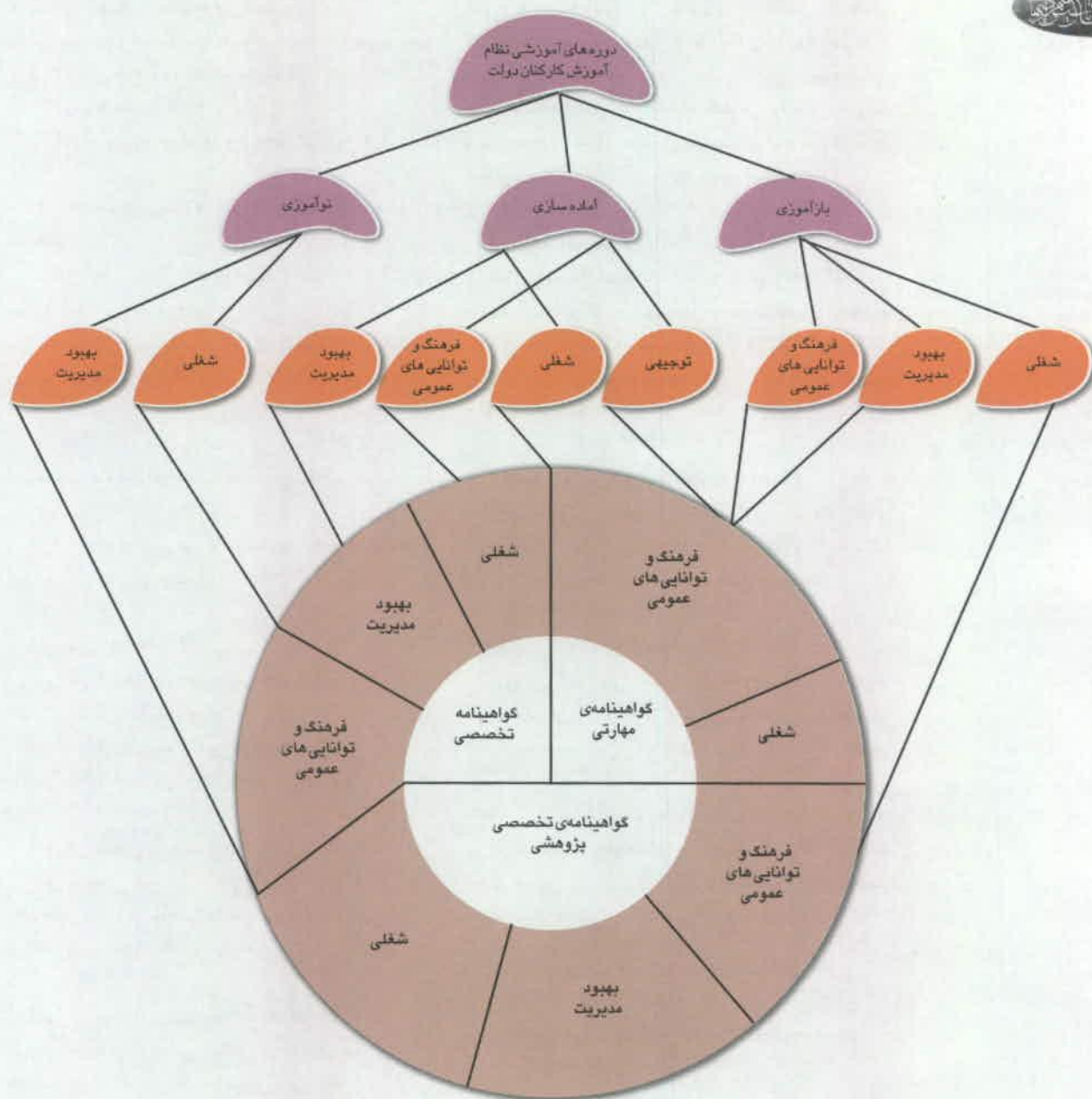
#### آموزش رسمی (Formal Training)

منظور از آموزش رسمی، آموزش‌های دانشگاهی یا موسسات معتبر آموزش عالی می‌باشند که منجر به دریافت مدرک تحصیلی دانشگاهی با ارزش استخدامی می‌شود.

#### آموزش غیررسمی (Informal Training)

منظور از آموزش غیررسمی، آموزش‌هایی است که





در سال ۱۳۴۹ طبق قوانین کار، صندوق کارآموزی برای آموزش کارگران ایجاد شد تا تحت نظارت وزارت کار و امور اجتماعی به آموزش در بخش صنعتی بپردازد. همچنین می‌توان به طرح‌های طبقه‌بندی مشاغل که در وزارتخانه‌ها و کارخانجات تصویب شده، اشاره کرد که براساس این طرح‌ها به گذراندن دوره‌های آموزش کارکنان بیشتر توجه شده است و ارتقای شغلی کارمندان منوط به گذراندن دوره‌های آموزشی شده است.

تصویب ماده ۱۵۰ قانون برنامه سوم توسعه

کارکنان در ایران را می‌توان کلاس‌هایی دانست که برای آموزش کارکنان گمرک و وزارت دارایی تشکیل شده است و سال ۱۳۲۷ را به عنوان سالی که برنامه‌های آموزش کارکنان جزء طرح‌های دولت قرار گرفته، می‌توان معرفی کرد. وزارتخانه‌های مختلف در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ با توجه به نیازهای خود اقدام به اجرای دوره‌های آموزشی گوناگونی کردند و قانون استخدام کشوری که در سال ۱۳۴۵ به تصویب مجلس شورای ملی وقت رسیده، زمینه اجرای گسترده‌تر آموزش کارکنان دولت را فراهم کرده است.



کشور دانست. طبق ماده ۱۵۰ قانون برنامه سوم توسعه: به دستگاه‌های اجرایی اجازه داده می‌شود درصدی از اعتبارات جاری و عمرانی خود را در جهت آموزش کارکنان خود به شرح زیر هزینه کنند.

۱- اجرای دوره‌های آموزش ضمن خدمت متناسب با مشاغل ... به ویژه از طریق آموزش‌های کوتاه مدت پودمانی.

۲- اجرای دوره‌های آموزش ویژه مدیران. اصول حاکم بر این نظام آموزشی را می‌توان بدین گونه تقسیم‌بندی کرد:

● اصل حاکمیت نگرش سیستمی:  
○ علاوه بر توجه به ارتباط درونی اجزای نظام به ارتباط بیرونی نظام با سایر نظام‌های پرسنلی نیز توجه کرده است.

● اصل توجه به شمول و فراگیری:  
○ دربرگیرنده کلیه کارکنان رسمی و پیمانی است.

● اصل جامعیت:  
○ کلیه نیازهای آموزشی در جنبه‌های فنی، انسانی و ادراکی مورد توجه است.

● اصل نگرش مستمر بر پیشرفت‌های علمی و فناوری:

○ با پیش‌بینی دوره‌های نوآموزی استمرارآموزش بر پیشرفت‌های علمی و فناوری امکان‌پذیر شده است.

ویژگی‌های این نظام عبارتند از:

۱- برقراری ارتباط بین نظام آموزش کارکنان با سایر نظام‌های پرسنلی نظیر طبقه بندی مشاغل، حقوق، دستمزد و ارزشیابی.

۲- ایجاد سازوکار انگیزشی برای ترغیب کارکنان به آموزش.

۳- محدود کردن دوره‌های بلندمدت و پیش‌بینی سازوکارهایی برای استفاده از امتیازات دوره‌های بلندمدت برای افرادی که در بستر خدمت "تحت شرایطی" دوره‌های کوتاه‌مدت را طی کرده‌اند.

۴- توجه به جوانب مختلف نیازهای آموزشی کارکنان اعم از شغلی (فرهنگی) توانایی‌های عمومی و مدیریتی.

**در شماره‌ی آینده به بررسی مطالب زیر خواهیم پرداخت:**

- ۱- آموزش‌های نوآموزی؛
- ۲- آموزش‌های بازارآموزی؛
- ۳- آموزش‌های آماده‌سازی؛
- نحوه‌ی مواجهه با فرایند آموزش کارکنان دولت؛
- گواهینامه‌های نظام آموزش؛
- مواد قانونی برنامه‌ریزی چهارم در مورد آموزش؛
- و آموزش کارکنان شهرداری‌ها.

پانزدهم:

- 1-Schuler
- 2-Morfit
- 3-Cancio
- 4-Mathis
- 5-Lee

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۷۹ و آیین‌نامه اجرایی مصوب این ماده در همین سال و ماده ۵۴ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و آیین‌نامه اجرایی آن، نقاط عطف اساسی برای آموزش کارکنان در ایران به حساب می‌آیند. این قوانین نسبتاً مترقی که سیاست‌گذاری‌های عمده دولت ایران در آموزش کارکنان هستند؛ می‌توانست و می‌تواند اساس تعیین راهبردها و خط‌مشی‌های مناسب برای آموزش کارکنان باشد. اما متأسفانه به دلیل فقدان و یا ضعف مفرط در مدیریت منابع انسانی کشور چه قبل و چه بعد از انقلاب تا کنون این امر تحقق نیافته است.

براساس قانون استخدام کشوری، سازمان امور اداری و استخدامی کشور در سال ۱۳۴۷ تأسیس شد و برای کمک به انجام وظایف این سازمان در حوزه آموزش و بهسازی کارکنان دولت، مرکز آموزش مدیریت دولتی در سال ۱۳۴۸ آغاز به کار کرد. این مرکز براساس اسناد منتشر شده در راستای سیاست‌های آموزشی دولت ایران و همگام با پیشرفت‌های نوین علمی در سیستم‌های اداری دنیا، با طراحی برنامه‌های آموزشی مختلف و تأمین فضای آموزشی مطلوب به پرورش و بازسازی نیروی انسانی شاغل در دستگاه‌های اجرایی کشور پرداخته است. عمده‌ترین اهدافی که مرکز آموزش مدیریت دولتی در اسناد خود اعلام کرده است عبارتند از:

- (۱) ایجاد تحول و دگرگونی در نگرش کارکنان،
- (۲) ایجاد همسویی در افراد و واحدها با اهداف سازمانی،
- (۳) زمینه‌سازی برای تحقق برنامه‌های توسعه و بهسازی فرهنگ سازمانی،
- (۴) افزایش توان تخصصی و مهارت‌های افراد سازمانی و بیدار کردن خلاقیت‌های نهفته آنان،
- (۵) آگاه ساختن مدیران و کارکنان از مسائل و تحولات جهانی روز،
- (۶) تهیه و توزیع اطلاعات (یافته‌های علمی) برای تمامی کارکنان اداری به طرق مناسب،
- (۷) غنی‌سازی ادبیات مدیریتی کشور و کمک به ایجاد هویت مدیریت بومی،
- (۸) فراهم کردن بستر مناسب برای توسعه اخلاق مدیریت،
- (۹) تبیین سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اجرایی دولت و بالاخره (۱۰) بهبود روش‌های اداری.

اگرچه این اهداف در اسناد سازمان امور اداری و استخدامی کشور در سال ۱۳۷۵ منتشر شده است، اما هدف‌هایی همیشگی هستند که مربوط به زمان خاصی نمی‌شوند و آموزش کارکنان ماهیتاً به دنبال تحقق این قبیل اهداف است. رسیدن به چنین اهدافی لازمه کارآمدی سازمانی در حداقل خود است.

مبانی قانونی طراحی نظام جدید آموزش کارکنان دولت را می‌توان ماده ۱۵۰ قانون برنامه سوم توسعه

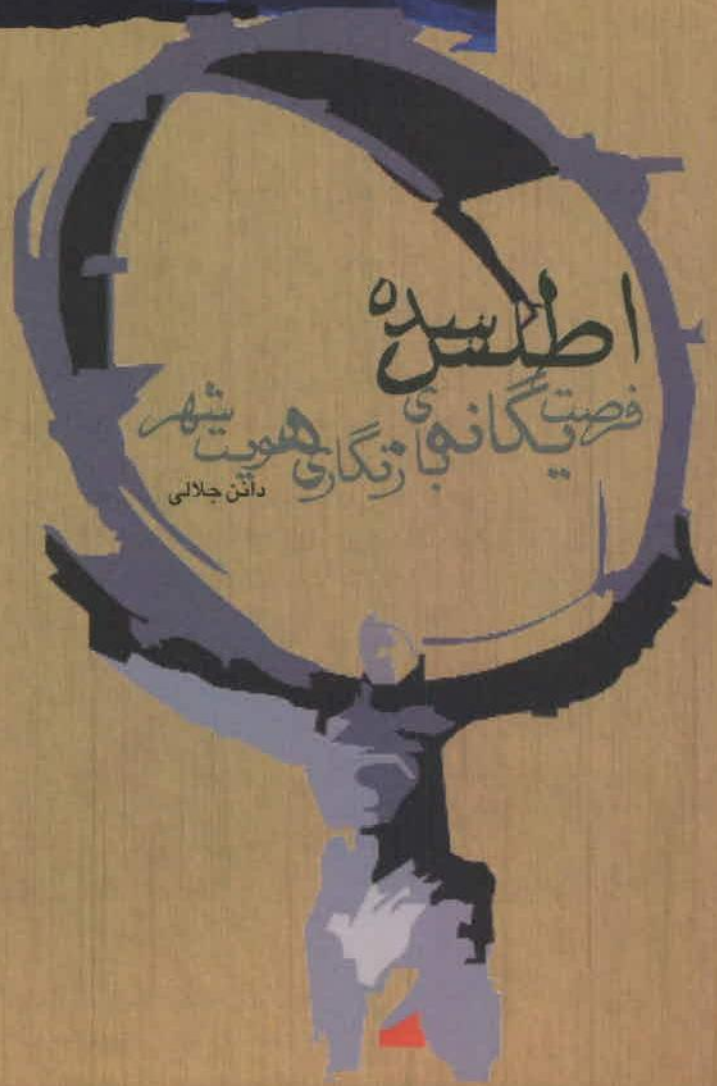




این نوشته یادواره‌ای است از یک آرزو، از یک پیشنهاد، برای سالی چنین فرخنده و گرانقدر که می‌توانست در تاریخ شهری سرزمین ما بماند و بر تارک دستاوردهای فرهنگی یک‌صدمین سال پیدایش شهرداری‌ها در آن بدرخشد. امیدوارم که چنین نیز بشود!

نقشه‌نمایی است از یک مکان که در برشی از زمان ترسیم شده است. سندی است ماندگار که می‌تواند سال‌ها، صدها و گاه هزاران سال پس از مرگ حیات و زندگی در آن مکان، زبان بگشاید و گذشته را در آن برهه فرا خوانده و رازهای سر به مهری را بر زبان آورد. از دیگر سو به بیننده‌ی خود مجال می‌دهد تا هر خط، نقطه، نشانه و رنگ را ببیند، تماشا کند و بکاود تا با تک تک آنها که بر تن خویش دارد، به سخن درآید و رخدادها، شیوه‌های زندگی و آیین‌ها را در آن مکان بازگو کند.

نقشه‌هایی که اینک کشیده می‌شود در واقع لوح محفوظی است که اکنون برای آیندگان ترسیم می‌کنند تا با کمترین نوشته و تنها به یاری نشانه‌ها، بتوانند بیشترین دریافت‌ها را داشته باشند و بدانند ما در کجا می‌زیستیم، سیمای طبیعی که در آن زندگی کرده‌ایم، چه بوده و چه پیوندهایی با گستره‌های دیگر داشته‌ایم. از کجاها گذشته‌ایم و در کجا گرد هم می‌آمده‌ایم. رنگها را به یادگار می‌گذاریم تا با هر رنگ بگوییم چه چیز ویژه‌ای را می‌خواسته‌ایم بر پهنه‌ی جایی که زندگی می‌کرده‌ایم، نشان دهیم. مقوله‌هایی چون اقوام و ملت‌های همسایه، زبان‌های هم‌پیوند با زبان ما، دانش و اقتصادمان و بسیاری چیزهای





دیگر.

ما نقشه شهرها را کشیدیم و در نمایشی از یک گستره‌ی جغرافیایی بزرگ، این شهرها را کوچک کردیم تا به اندازه مهره‌ای سیاه بر سینه‌ی نقشه‌ی آن گستره‌ی بزرگ بشانیم. "جورجین" گستره‌ی دلخواه را با در کنار هم گذاردن این دایره‌ها و قطعه‌های سیاه تکمیل کردیم تا سرزمینی که در آن می‌زییم - میهن مان - را به نمایش بگذاریم. بعدها این نقشه هویتی ملی و جهانی برای ما به شمار رفت.

نقشه‌هایمان را بر پوست می‌کشیدیم تا ماندگار باشد. هر چند ماندگاری ساقه‌های پایروس بیش از آن پوست‌ها بود. گاه بر سنگ هم کشیدیم، اما نه چندان. هنگامی که برای جستن، یافتن و شناخت جهان بادبان برافراشتیم، دریاها، جنگل‌ها، بیابان‌ها و کوهستان‌ها را درنوردیدیم، نقشه‌ها فراوان‌تر شد. رفته رفته جورجین نقشه‌های برخی از خشکی‌ها با دقت فراوان فراهم شد و سرزمین‌های ناشناخته را نیز شناختیم و بر صفحه آوردیم. صفحه‌ها دیگر پوست نبود، کاغذ شد.

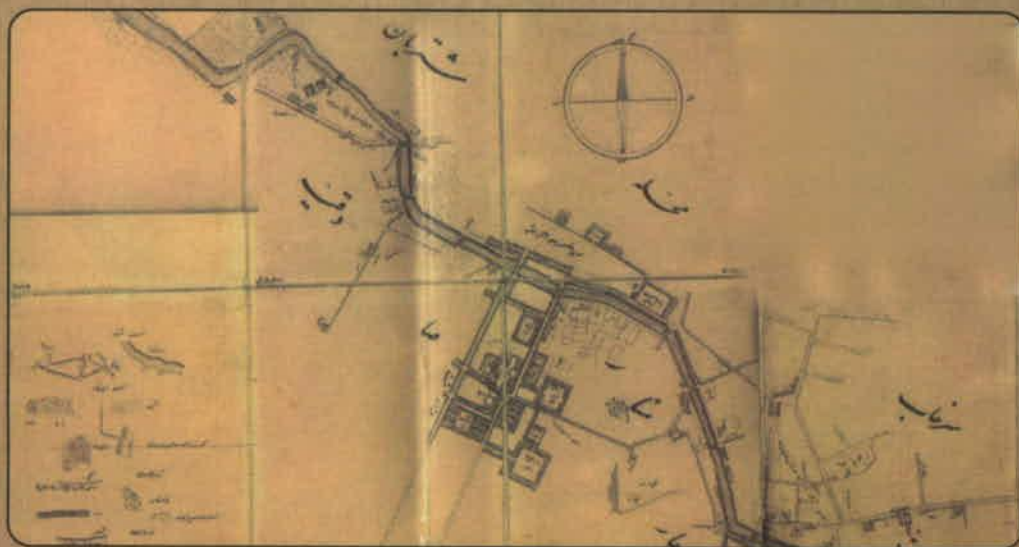
نقشه‌ها بر کنار یکدیگر کتابی شدند و ما آن را به یاد آن غول زیبایی اساطیری: اتلس<sup>(۱)</sup> / اطلس خواندیم که سنگینی

آسمان را بر شانه داشت و سالی یکبار از شانه‌ای به شانه‌ی دیگر می‌گذاشت تا خستگی به در کند و ما هم سالی را نو کرده باشیم، و همین نام بر کتاب‌های نقشه ماند و صدها سال است که هنوز هم چنین خوانده می‌شود.

پیشینه‌ی اطلس در ایران آن اندازه کوتاه است که نسلی که آن را برای نخستین بار در این سرزمین آرمود، هنوز زنده است. البته برخی از پیشگامان آن در گذاشته‌اند، مانند: عباس‌سحاب (۱۳۰۰-۱۳۷۹) لطف‌الله مخم‌پایان (۹-۱۳۶۳) و ... شگفت آن‌که در فرهنگ شناسی کتاب می‌توان دید که در بسیاری از کشورهای باختر زمین پس از کتاب مقدس و فرهنگ لغت، اطلس جغرافیایی در صدر کتاب‌هایی قرار داشته که معمولاً در خانه‌ها وجود دارد<sup>(۲)</sup> زیرا اطلس می‌تواند جایگزین ده‌ها جلد کتاب و هزاران برگ گزارش بشود و ما شوربختانه در این زمینه حتی گام‌های نخستین را هم برنداشته‌ایم. اگر به همین پیشینه‌ی تنگ مایه نیز نگاه کنیم، بیشتر تلاش آن بوده که از اطلس‌های دیگر جهان که بسیار کهن‌ترند، گزیده برداری شود و باز جالب‌تر آن‌که اطلس نقشه‌های جغرافیایی بسیار پیشگام‌تر از اطلس نقشه‌های تاریخی است که بسیار جوان است و رشد چندان هم نداشته البته اگر به روز نبودن نگارنده سبب نادرستی چنین گفتاری نشده باشد.

در زمینه‌ی ترجمه، از اطلس‌های مشهور و بسیار تأثیرگذار که داده‌های نوشتاری آن نیمی از ارزش اطلس را بر خود گرفته، اطلس تاریخی جهان اثر کالین مک‌ابودی، در ۳ جلد است که در آغاز دهه‌ی ۱۳۶۰ خورشیدی فریدون

پیشینه‌ی اطلس در ایران آن اندازه کوتاه است که نسلی که آن را برای نخستین بار در این سرزمین آرمود، هنوز زنده است





قلمی آن را به فارسی گردانید و نشر مرکز آن را چاپ کرد. این اطلس رخدادهای تاریخ جهان را بر روی نقشه آورده است. نگاهی به آن نشان می‌دهد که آشنایی با نقشه‌های جهان به ویژه پهنه‌ی مدیترانه کافی است تا بیننده بتواند برداشت‌های لازم را از این اطلس داشته باشد. اطلس دیگر ابودی، اطلس تاریخی افریقا است که این یک نیز همان مترجم به فارسی گردانیده است.

از اطلس‌های تدوین شده به فارسی می‌توان از اطلس اقلیمی ایران، اطلس تاریخی ایران، اطلس فرهنگی شهر تهران و اطلس هیدرولوژی [= آبشناسی] نام برد. یکی از پرکشش‌ترین و پربارترین اطلس‌ها یک رشته کتاب‌های نقشه در ۲۰ جلد با شرح نقشه و عکس هاست که با نام "اطلس

**بروزهای 'اطلس صد سالگی شهرها' به یک برنامه‌ریزی دقیق با پشتیبانی و برآورد مالی بستنده، نیاز خواهد داشت**

ملی ایران خوانده می‌شود و سازمان نقشه‌برداری کشور کار آن را سامان داده است. البته جلد ۱۵ آن اطلس شهر و شهرسازی یکی از بهترین‌های این مجموعه است و در سال ۱۳۸۰ چاپ شد.

نیاز فراوان به اطلس‌های همگانی از جهان در فارسی در دهه‌ی ۱۳۵۰ به ساماندهی ترجمه و تدوین کتابی انجامید که ۱۲ سال پس از انقلاب (۱۳۶۹) با نام "اطلس بزرگ جهان" کار چاپ آن از سوی سازمان جغرافیایی ارتش پایان یافت. اطلسی است بازبینی شده که پایه‌ی اصلی آن اطلس جهان توامه Bartholomew، چاپ دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی است و تاکنون نیز تنها اطلس دقیق جهان به فارسی و برای

همگان شمرده می‌شود. اگر بنیان نخستین شهرداری‌ها را در عمل سال ۱۲۹۹ خورشیدی بدانیم، از آن هنگام تاکنون شهرداری‌ها بناگرمز باید به کشیدن یا داشتن نقشه‌ای از شهر خود روی آورده باشند و اگر چنین فرضی درست باشد، می‌بایستی بسیاری از شهرها، دست‌کم در دهه‌ی دوم یعنی از ۱۳۱۰ خورشیدی به بعد، با توجه به ساخت و سازها و تخریب بافت‌های قدیمی، صاحب نقشه شده باشند. خوشبختانه آن‌که همه‌ی شهرهای دارای بلدیة تا دهه‌ی ۲۰ یعنی پایان روزگار فرمانروایی پهلوی اول نقشه‌هایی را باید به گونه‌ای در بایگانی‌های اداری، مجموعه‌های شخصی، کتاب‌ها و در درون بایگانی‌های راکد و فراموش شده داشته باشند. حتی رهگیری سازمان‌ها و اداره‌هایی که با این موضوع ارتباط داشته‌اند نیز ممکن به نظر می‌رسد. وضع موجود در این باره بسیار ناامید کننده است. یعنی هیچ شهری در ایران مجموعه‌ای از نقشه‌های شهری خود را تدوین نکرده و یا اگر چنین رخدادی شده باشد، اطلاع‌رسانی در این باره بسیار محو بوده، برای نمونه تهران پایتخت دوست ساله‌ی ایران نیز هنوز کتابی چاپ نکرده که نقشه‌های کهن و نورا در شکل اطلسی از تهران ارائه کند. در مقاله و کتاب‌هایی که درباره‌ی تهران نگاشته شده به‌جز جغرافیای تاریخی تهران، کار محسن معتمدی که در آن نقشه‌ای از تهران و اطراف آن کار بر ارزش مهندسی عبدالرزاق بغابری از سال ۱۳۲۸ قمری / ۱۹۱۰ میلادی

**هیچ شهری در ایران مجموعه‌ای از نقشه‌های شهری خود را تدوین نکرده و یا اگر چنین رخدادی شده باشد، اطلاع‌رسانی در این باره بسیار محو بوده**

آمده و نقشه‌های از برزن و محله‌های تهران جداگانه ترسیم و بر کتاب افزوده شده، گویا کار دیگری انجام نشده است. از اینرو کتاب را می‌توان اطلسی دانست که هدف آن کمک به موضوع اثر بوده، این کتاب را نشر دانشگاهی در ۱۳۸۱ به زیر چاپ برده است. بیشتر کتاب‌های نگاشته درباره‌ی تهران به یکی دو نقشه‌ی شناخته‌مانند نقشه دارالخلافه‌ی ناصری بسنده کرده‌اند که گویا همین دو سه نقشه در دسترس همگان بوده است. یکی از قدیمی‌ترین نقشه‌ها که رنگی نیز هست، نقشه‌ای از آن "بره‌زین" است که در ۱۲۷۵ قمری (۱۸۵۸ م) کشیده شده (ماهنامه‌ی شهرداریها، ش ۲۷، پشت جلد)، و دیگری نقشه‌ای است که در ۱۸۵۷ میلادی کریسیس / کرشیش اتریشی معلم دارالقون آن را کشیده است و در شهر گراتس به شکلی پاکیزه چاپ شده (۱۹۷۷ م) (دانشنامه جهان اسلام، ج ۸، ص ۷۲۰) و سومی نقشه‌ای است جدیدتر که شکل پیراسته‌ی آن را مصاحب در ذایرالمعارف فارسی با نام نقشه دارالخلافه‌ی ناصری آورده است (ذایرالمعارف فارسی،







ج ۱ ص ۷۰). این نقشه را مهندس عبدالغفار نجم الملک (۱۲۵۵-۱۳۲۶ ق) ریاضیدان ایرانی به یاری همکاران و شاگردانش در مدرسه دارالفنون در ۱۳۰۹ کشیده است. یکی از تازه‌ترین کارهای انجام شده در زمینه‌ی نقشه‌های شهری تاریخی، اطلسی است که شرکت عمران و مسکن سازان منطقه‌ی شمال غرب کشور، آماده‌ی چاپ کرده است. این اطلس با نام "بازخوانی نقشه‌های تاریخی شهر تبریز" به زیر چاپ رفته و به زودی منتشر خواهد شد. این کتاب ظاهراً هفت نقشه‌ی تاریخی رنگی از تبریز را از تاریخ ۹۴۰ قمری تا ۱۳۲۷ (روزگار مشروطیت) در بر خواهد داشت که در قطع سلطانی بزرگ ۴۸×۳۲ سانتیمتر و بر کاغذ گلاسه چاپ خواهد شد. این شاید نخستین اطلسی باشد که چند نقشه‌ی قدیم تاریخی را در یکجا گردآورده و شرح کرده است.

نگاهی به این پیشینه نشان می‌دهد که تا چه اندازه جای کتاب اطلس و نقشه برای شهرهای ایران تهی مانده است. در سال ۱۳۰۸ خورشیدی کشور ایران ۱۳۴ شهر با بلدییه داشت. با بودجه‌ای مشخص و اعلام شده در روزنامه‌ها (ماهنامه‌ی شهرداریها، ش ۷۹، ص ۵۶). از آن هنگام تا کنون یعنی نزدیک به ۸۰ سال - گویا کسی از کار بدستان شهری و دولتی بر آن نبوده که در این باره بیندیشد و دست به کاری بزند. این گذشته یاس‌آور را می‌توان هم‌اینک و در همین سال که "سده‌ی شهرداری‌ها" خوانده می‌شود، شکوفانید و فرصت بگانه را فرا چنگ آورد. به ویژه برای شهرداری‌های قدیمی، تا به سراغ بایگانی‌های خود و نقشه‌های فراموش شده - این برگه‌های زرین هویت شهرشان بیروند و با برنامه‌ریزی درست و اندیشیده، از همه‌ی بنیادهایی که به گونه‌ای ممکن است نقشه‌هایی درباره‌ی شهر داشته باشند، بخواهند تا نقشه‌ها را برای اسکن (Scan) در اختیار شهرداری بگذارند، زیرا شهرداری تنها متولی به حق شهرهاست.

همچنین باید به سراغ کسانی از مجموعه‌داران بیرون که در بایگانی شخصی خود نقشه‌ای دارند. بی‌گمان توجیه این کسان، مجموعه را پر بارتر خواهد کرد. با اسکن این اندوخته‌های نابینا، شهر به سوی هویتی تازه گام خواهد گرفت. در معاونت‌های عمرانی و فنی شهرداری‌ها مهندسانی هستند که می‌توانند نقشه‌ها را گویا کنند و شرحی کوتاه یا جدول راهنما برای نقشه‌ها فراهم سازند.

حال این مجموعه‌های پراکنده می‌تواند در دسترس هیئت علمی، مثلاً "ستاد سده" در تهران قرار گیرد تا پس از بررسی و تأیید درستی نقشه و داده‌های آن، درباره‌ی شیوه‌ی چاپ همسان و شمار نقشه‌ها و جلد اطلس‌های این مجموعه‌ی شهری، تصمیم گرفته شود. این هیئت تنها به رایزنی خواهد پرداخت. و شماری از صاحب‌نظران جغرافیا، شهرسازان، کارترگراف‌ها و پیسگامان تدوین اطلس، بدنه‌ی این هیئت را خواهند ساخت. پروژه‌ی "اطلس صد

سالگی شهرها" به یک برنامه‌ریزی دقیق با پشتیبانی و برآورد مالی بسته، نیاز خواهد داشت.

باید یادآور شد که در این اطلس - به جز در موارد ویژه - نقشه‌های تاریخی کهن جایی نخواهند داشت. اگر شهرهای مهم قدیمی با کهنگی بیش از ۵۰ سال را ۱۰۰ شهر بیسگاریم و برای هر شهر میانگین ۲ نقشه در نظر آوریم، باز هم یا انبوه ۲۰۰ نقشه رو به رو خواهیم بود که حتی بدون شرح نقشه‌ها، کتابی پر حجم و ناکارآمد و بی‌سود را بیش روی خود خواهیم داشت، مگر آن که این مجموعه را مثلاً برای ۱۰ تا ۱۵ جلد آماده سازیم. این بخشبندی ممکن است بر پایه‌ی حروف الفبا یا پهنه‌بندی سیاسی کشور باشد. چنین مجموعه‌ای از اطلس‌ها یکی از ماندنی‌ترین و گرانبهاترین اسناد هویت شهری ایران و یکبار برای همیشه خواهد بود. اگر که نقشه‌ها دقیق، چاپ رنگی و شرح نقشه مستدل و مستند بوده و این نخواهد شد مگر با یاریگری همه‌ی دانش پژوهان که با نگاهی علمی و دقیق جلوی ثبت

ناقص است:

۱- «Atlas» در اسنادهای برون‌ساز یکی از جنبه‌ها از الهامی به نامه "اسیا" رده شده پس از شکست ناپلئون هاز ژوئن ۱۸۰۹م میلادی شد تا اسناد را بر سر دست‌های خود نگه‌دارد. جایی زندگی او کوه‌های به همین نام در شمال بلژیک و شمال آمریکا (تونس) در برکنار است. (بوی)



# یک سده پرواز برای عقاب محله نوبر

مصطفی رستمخانی

ادامه داده است. در تاریخ کشور ایران تبریز تنها یک شهر نیست بلکه گنجینه‌ای پر از حماسه هاست. تبریز گاهواره‌ی تجدد و جامعه‌ی مدنی در تاریخ معاصر به شمار می‌آید. نتایج خفت بار جنگ‌های ایران و روس که ناکارآمدی ساختار سنتی ایران را به وضوح عیان ساخت، مردم آگاه شهر را به این نتیجه رساند که باید بساط کهنه را برچید و طرحی نو در انداخت و به همین علت و در فاصله‌ی یک قرن از جنگ‌های ایران و روس تا انقلاب مشروطیت، تبریز مرکز تجددخواهی و اصلاح طلبی شد. مردم با فرهنگ این شهر نیز با ابتکار، نوآوری و حماسه آفرینی‌های خود توانستند تحولات شگرفی در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در سراسر کشور به وجود آورند و تبریز را به شهر اولین‌ها شهره کنند. بسیاری از مظاهر تمدن جدید پایه گذاری شد و به نقاط دیگر تعمیم یافت.

تاریخ پر سال تبریز مملو از فراز و نشیب‌ها و نقاط اوجی است که ماندگار بر تارک ایران می‌درخشد. نقش بنیادین تبریز در تحولات فرهنگی، اجتماعی و تاریخی از بدو پیدایش بر هیچ یک از صاحبان خرد پوشیده نیست که قیام مشروطیت و نقش تبریز، ملی شدن صنعت نفت، قیام ۱۵ خرداد، ۲۹ بهمن و انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و نمونه‌هایی از این دست تنها گوشه‌هایی از این نقش ماندگار در صد ساله‌ی اخیر به شمار می‌آید.

کنکاشی در تاریخ جدید ایران، رهیافت‌های ارزشمندی را در باب چگونگی شکل‌گیری بنیادهای حیات نوین کشور در اختیار می‌گذارد. فضای استبداد زده و بسته حاصل از حاکمیت سلاطین، عرصه را بر هر گام اصلاحی تنگ می‌کرد. همزمان با این جدال‌ها دیار فرنگ با سرعت به سوی توسعه‌ی فناوری و گسترش صنعت گام برمی‌داشت و این توسعه‌ی صنعتی ابزاری برای سیطره‌ی کامل بر ایران و جوامع مشابه بود. در این میان تبریز نقش تاریخی خود را آغاز کرد. قرار گرفتن در مسیر عبور مظاهر حیات نو، تبریز را محملی برای دریافت و اشاعه‌ی عناصر تجدد به سر تا سر ایران مبدل ساخت. حضور ولیعهدی چون عباس میرزا در این شهر موجب فراهم آمدن اندیشه‌ی اصلاح‌گری در تبریز

تبریز، مرکز استان آذربایجان شرقی است که از جنوب به رشته کوه پر برف سهند و از شمال شرقی به ارتفاعات عینالی (عون بن علی) محدود می‌شود. جمعیت آن نزدیک به یک میلیون و هشتصد هزار نفر است. تلخه رود از شمال و شمال غربی تبریز گذشته و پس از عبور از دشت تبریز به دریاچه‌ی ارومیه میریزد. مهرانرود که در اغلب فصول و ماههای سال بی‌آب است از میان شهر تبریز می‌گذرد. تبریز زمانی دارای باغات و مزارع فرخ‌انگیز و پرآوازی بود که با قناتها و چشمه‌های متعدد - که بقایای آنها هنوز در حواشی شهر مشاهده می‌شود - شهر را لطافت و صفای خاصی می‌بخشید ولی امروزه باغها و مزارع جای خود را به مناطق مسکونی، صنعتی، تجاری و غیره داده است.

اولین نگاه به تبریز قطعاً بیننده را به ساختمان‌های مرتفع ساخته شده و یا در حال ساخت و رواج برج‌سازی و برج‌نشینی در تمام شهر به ویژه منطقه‌ی جنوب شرقی شهر جلب خواهد کرد. پهنه‌هایی که این شهر بزرگ را با شتاب به سوی مشکلات کلانشهری پیش می‌رانند. ساختمان‌های نیمه‌ساز، نمای شهر و باغ‌ها و بوستان‌ها را به تصویری خشن از آهن و سیمان بدل ساخته است. دومین شهر آلوده‌ی کشور در مناطق مرکزی و بافت قدیمی خود در چنبره‌ی ترافیک و سختی حمل و نقل شهری گرفتار شده و هجوم مراکز تجاری به هسته‌ی مرکزی شهر، بازارهای فراوان و جذاب، اما بی‌رونقی را پدید آورده است.

تبریز قلب شمال غرب کشور ایران اسلامی از دیر باز مهد فرهنگ، صنعت، تجارت و سیاست بوده و همچنان نیز هست. اهل سیاست، فرهنگ و هنر و علم و صنعت نیز با پیشینه‌ی تاریخی چند هزار ساله تبریز آشنایند. قدمت تبریز براساس کاوش‌های اطراف مسجد کبود به بیش از سه هزار و پانصد سال قبل باز می‌گردد. این شهر در طول تاریخ بارها بر اثر بلایای طبیعی از جمله زمین‌لرزه‌های وحشتناک، سیل، یورش و قتل و غارت مهاجمان خسارت‌های بیشماری دیده و تعداد کثیری از مردم را از دست داده است، اما هر بار پس از اندک زمانی ققنوس وار از زیر ویرانی و خسران سربرآورده و باشکوه‌تر و سرفرازتر از گذشته به حیات خود



شد. به واقع در این مقطع تاریخی تبریز دروازه‌ی ورود تجدد به ایران است. هر چند از سنت‌های اسلامی، ملی و بومی خود دور نمی‌شود. حلقه‌ی اتصال تجدد و سنت در ایران معاصر بی تردید جز تبریز نیست.

انقلاب مشروطه اوج این تجدد خواهی است. جایی که استبداد قاجار در مقابله با اندیشه‌های آزادی خواهانه مجاهدان آذربایجانی مجبور به قبول مظاهری از مدنیت شد. از جمله دستاوردهای این جامعه‌ی مدنی که در پیشبرد مشروطیت و پیشرفت جامعه‌ی آن روز آذربایجان نقش به‌سزایی ایفا کرد، تصویب و اجرای قانون بلدی و انجمن‌های بلدی بود که برای اولین بار در ایران، در تمام شهرهای آذربایجان انجمن‌های شهر تأسیس و با برگزاری انتخابات دموکراتیک از میان شهروندان همان شهرها، شهردار را انتخاب کردند. این مهم در سال ۱۲۸۶ ش. زینت بخش صفحات تاریخ شد.

گفته شد که تبریز شهر اولین هاست همچون در صنعت چاپ، ترجمه، عکاسی، سینما، تئاتر، دانشکده‌ی پرستاری، جراحی قلب، صنعت برق، تلفن، ضرابخانه، مهمان‌خانه، کودکانستان، مدارس نوین، مدارس کودکان کر و لال و نابینا، پلیس، انجمن زنان و برجسته‌تر این‌که در شوراهای مردمی و شهرداری‌ها (بلدیه) که اولین بار در تبریز تشکیل، تأسیس و بنیاد شدند.

بلدیه که یکی از لوازم سامان بخشیدن به زندگی پیچیده‌ی شهری است، اندکی پس از انقلاب مشروطه برای نخستین بار در تبریز استقرار یافت تا تجربه‌ی این سازمان به تمامی ایران گسترش یابد. تأسیس بلدیه‌ی تبریز در مشروطیت را نمی‌توان رخدادی عادی برشمرد. این نهاد در فضای انقلابی به کوشش مردم و همسو با مشارکت آنها در سرنوشت خود پا گرفت. نمایندگان خردمند و دوراندیش برای نهادینه کردن قانون و حاکمیت مردم، تشکیلات انجمن‌های شهر و بلدیه‌را تصویب و اجرا کردند.

یکصدمین سالگرد تأسیس نخستین شورا و شهرداری ایران بهانه‌ای بود تا شهرداری تبریز با هدف بازخوانی بازیابی تجارب درخشان و بررسی شکل‌گیری این نخستین شهرداری کشور، روزنه‌های گشایش در زندگی پیچیده‌ی امروز شهرها را روشن ساخته و تجارب گران آن، چراغی فرا راه مدیران شهری برای آینده باشد. شناساندن گوشه‌هایی از تاریخ افتخارآمیز این دیار و آشنایی نسل معاصر با قابلیت‌های ارزشمند این خطه در این همایش پیگیری شد. شهرداری تبریز از دی ماه سال ۱۳۸۵ با تشکیل ستاد گرامیداشت یکصدمین سال تأسیس شهرداری‌ها اقدام به برنامه‌ریزی وسیعی برای این منظور کرد. این همایش با اهداف تعمیق و تحکیم رابطه‌ی شهرداری با نخبگان، اساتید و فرهیختگان و ایجاد انگیزش و علاقه در مردم برای مشارکت در توسعه‌ی شهری، بهره‌مندی از نظرات و دیدگاه‌های ایشان در توسعه‌ی شهر تبریز برگزار شد و از

سوی دیگر به منظور دستیابی به نگرشی جامع و نظامند در برنامه و مدیریت شهر و نهایت تجلیل و بزرگداشت یکصدمین سال شهرداری در تبریز به فراخوان مقالات، مطالب، پیشنهادات و به اقداماتی از این دست پرداخت.

برپایی همایش علمی و دعوت از اساتید و صاحب نظران و ارائه‌ی مقالات برگزیده، برگزاری نمایشگاه جامع شهرداری و توانمندی‌های تبریز روزهای ششم تا دهم اردیبهشت ماه امسال بسیاری از برنامه‌های جنبی همچون مسابقات فرهنگی متنوع، مسابقات ورزشی، فعالیت‌های گروهی و اجتماعی، شهر تبریز را طی روزهای یاد شده شور و حالی دیگر بخشیده بود.

افتتاحیه‌ی همایش بزرگداشت یکصدمین سال تأسیس شورا و شهرداری تبریز (اولین شورا و شهرداری کشور) در سالن نمایشگاه‌های بین المللی تبریز پس از خیرمقدم ریاست شورای اسلامی شهر تبریز، سخنرانی نماینده‌ی ولی فقیه در آذربایجان شرقی و امام جمعه تبریز، سخنرانی معاون اول رئیس جمهوری و استاندار برگزار شد. پخش گزیده‌ای از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار از آذربایجان و گفت‌وگو با مردم این دیار در ابتدای مراسم بر جذابیت مراسم افتتاحیه افزود. اجرای نمایشی در معرفی رویدادهای تاریخی و فرهنگی اجتماعی تبریز از گذشته تا حال با شکلی زیبا که در برگرفته‌ی آداب، رسوم و فرهنگ مردم آذربایجان بود و بزرگداشت مفاخر آذربایجان نیز در آن دیده می‌شد در شکلی نو با تلفیقی از نور، صدا و حرکت، شور و شوق خاصی به سالن همایش بخشید و سیر تحولات تبریز با فراز و فرودها، تلخی‌ها و شیرینی‌ها اشک را در چشمان بسیاری از حاضران جاری ساخت. پخش نماهنگ ویژه‌ی یکصدمین سال تأسیس شورا و شهرداری و اجرای موسیقی آذری از دیگر بخش‌های مراسم بود. اجرای برنامه‌های هنری در بخش‌های مختلف و تنوع بخشی به مراسم و اعمال دقت و حساسیت در انتخاب برنامه‌ها، رضایت مخاطبان را به همراه داشت و باعث شد تا سخنرانی‌های یکنواخت و طولانی، حاضران را به ترک سالن وا ندارد.

با توجه به تقارن زمان همایش و شروع به کار سومین دوره‌ی شوراها، اسلامی، در بخش پایانی مراسم از نمایندگان شورا در دوره‌های اول و دوم و شهرداران منتخب ایشان و همچنین تعدادی از شهرداران برگزیده‌ی تبریز در طول سال‌های دور، با اهدای لوح یادبود و هدایا تقدیر شد. افتتاح نمایشگاه اولین‌ها و توانمندی‌های شهرداری نیز در محل نمایشگاه‌های بین المللی تبریز، پایان بخش مراسم گشایش بود. تلاش برپا دارندگان نمایشگاه به ویژه روابط عمومی و امور بین الملل شهرداری تبریز تبلوری زیبا و دیدنی یافته بود چنانچه نمایشگاه در طول مدت برگزاری مملو از بازدید کنندگان از تمامی شهروندانی بود که با شهرداری، خدمات و فعالیت‌های متنوع و سابقه آن آشنا می‌شدند. نمایش تجهیزات و ماشین آلات قدیمی

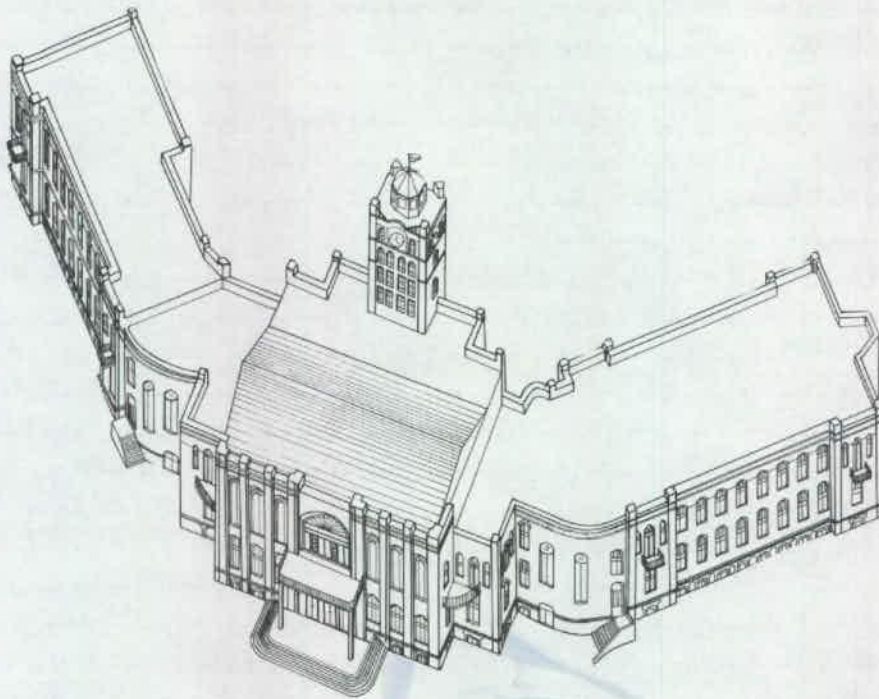


هر ۱۵ دقیقه یک بار با صدای زنگ خود گذشت زمان را به گوش مردم شهر می‌رساند. این بنا در میان شهر تبریز و در میدانی موسوم به میدان ساعت واقع شده است. که هم اینک نیز به عنوان شهرداری مرکزی تبریز عمده امور عمرانی و اداری شهر در آن انجام می‌شود. تالار شورای اسلامی شهر تبریز نیز در همین ساختمان قرار دارد. نمای خارجی ساختمان شهرداری از سنگ تراشیده و نقشه‌ی آن با نمونه‌های ساختمان‌های کشور آلمان قبل از جنگ جهانی دوم مطابقت دارد. ساختار زیبا، مستحکم و تأمل برانگیز ساختمان از شکوه و عظمت خاصی برخوردار بوده است چنانچه می‌توان از آن به عنوان موزه‌ای در حوزه معماری بناهای عمومی یاد کرد. در مقابل ورودی اصلی ساختمان بر سنگی سفید مشخصات بنا این چنین حک شده است:

شهرداری و سایر ادارات دولتی که در زمره‌ی اولین‌ها جا می‌گرفت نیز بر جذابیت‌های نمایشگاه می‌افزود. تاکسی بنز قدیمی، امکانات آتش‌نشانی، وسائل ارتباط جمعی همانند تلفن و تلگراف، ابزار روشنایی و لامپ‌های قدیمی، تصاویر و عکس‌های ارزشمند، یادگارهایی از این دست بودند.

### ساختمان شهرداری تبریز

اداره‌ی بلدیة تبریز از بدو تأسیس تا سال ۱۳۱۸ (ش) در یکی از ساختمان‌های عالی قاپو (استانداری کنونی) مستقر شد. پس از سیل مهیب هشتم مرداد ۱۳۱۳ (ش) و تخریب گسترده‌ی شهر، ارفع‌الملک جلیلی از سوی مردم به ریاست بلدیة برگزیده شد. وی اعتقاد داشت که ساختمان شهرداری باید از مجموعه بناهای استانداری جدا شود، چرا که



#### مشخصات عمارت

بانی: ارفع‌الملک جلیلی  
مساحت: ۹۶۰۰ مترمربع  
طرح بنا: عقاب در حال پرواز  
شروع ساخت: ۱۳۱۴ هجری شمسی  
زیربنا: ۶۵۰۰ مترمربع  
هزینه: ۲/۵۵۰/۰۰۰ ریال  
اتمام ساختمان: ۱۳۱۸ هجری شمسی  
تعداد طبقات: ۳ طبقه  
ارتفاع برج ساعت: ۳۰/۴ متر

استانداری اداره‌ی دولتی است و شهرداری نهادی مردمی. با اهتمام وی بود که ساختمان فعلی شهرداری تبریز احداث شد. ساختمان شهرداری در محل گورستان محله‌ی نوبر تبریز همراه با بنای باشکوهی به شکل عقاب در حال پرواز و نیز برج ساعت - که هنوز هم ساعت آن با بیش از ۶۰ سال سابقه آشنای مردم تبریز است - به علت مسائل خاص آن روز و کمبود پول و اعتبار، از سرمایه شخصی شهردار وقت و با طرحی از یک طراح آلمانی و با معماری حاج محمد نامی پا گرفت و ساخته شد. ساختمان این شهرداری دارای برجی به ارتفاع حدود ۳۰/۵ متر و ساعت چهار صفحه‌ای است که



کمیته ملی همایش یکصدمین سالگرد تأسیس نخستین شورا و شهرداری، در چهار محور " مشارکت و شوراها "، " معماری و شهرسازی "، " تاریخی - فرهنگی و اجتماعی " و " مدیریت شهری " به فراخوان مقالات در حوزه‌ی سرفصل‌های مذکور اقدام کرد. بر همین اساس، نوشتار برخی از مقالات پذیرفته شده به صورت خلاصه، و به منظور آشنایی با فضای برگزاری این همایش، انتخاب شده‌اند که نمونه‌هایی از این دست‌اند:

## ویژگی‌های کیفی فضای شهری سنتی ایران

فرح حبیب - دکتر در شهرسازی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد

کالبد فضاهای شهری سنتی ایران ارزش ویژه‌ای را داراست که به ادراک کارشناسان از جامعه و طراحی مجدد آن (نوسازی) کمک می‌کند. از جنبه‌های نامحسوس زندگی در شهر میراث فکری، اخلاقی و خاطراتی است که هر ملت به حفظ آن می‌پردازد و سرچشمه‌ی الهام و مایه‌ی قدرت و امید محسوب می‌شود. اندیشمندان نبود احساس تعلق به مکان را عامل بی‌هویتی زندگی شهری می‌دانند. فعالیت و حیات اجتماعی به شهر روح زندگی می‌بخشد و فرهنگ مقوله‌ی انسانی و مختص انسان است. فیلسوفانی چون هایدگر ریشه فرهنگ را در ساختن و پروراندن می‌دانند. باورهای فرهنگی می‌بایستی تقویت شوند و نسبت به فضا باید احساس و خاطره‌ی جمعی به وجود آید. بر اساس همین است که خاطره شهروند، تاریخ ساز شده و ماندگاری خواهد یافت. موزه‌ها و فضاهای خاص تنها قالبی از فرهنگ شهر است و محدود به تاریخ، اما فضاهای برهمکنش اجتماعی از نیازهای شهر فرهنگی است که ناملموس و پایدار، اهداف هویتی و فرهنگی را پی می‌گیرد.

بازگشت به گذشته، خاطره‌انگیز نیست، میراث ارزشمندی است که در واقع صورت ظاهر کالبدی فرهنگ ما به شمار می‌آید. فرهنگی که پایه، اساس، حافظ و تداوم دهنده‌ی حیات آن است. فضای مطلوب، شهروند ساز است و شهروندان، شهر مطلوب را شکل می‌دهند. مفاهیمی چون سلسله مراتب، حریم، قلمرو و تداوم خاطرات جمعی و حافظه‌ی تاریخی شهر و مفاهیمی از راه زبان خاموش بصری کالبد شهر، باید پیگیری شوند. گذرگاه، حیاط، مسجد جامع، بازار و ملحقات، حسینیه و تکیه نمونه‌ای از این کالبد‌های خاموش گویا و پر خاطره‌ی شهرها هستند، آکنده از مفاهیم سرشار و بلند.

## جایگاه هسته‌ی تاریخی در فضای مدنی شهرها (نمونه مورد بررسی شهر تبریز)

محمد منصور فلامکی - استاد دانشگاه تهران

شهر نهادی مدنی است و تفاهم نامه‌های نامکتوب فراوانی در شهرها موجود است که کارشناسان از آثار و نشانه‌ها به وجود آنها پی می‌برند. این تفاهم نامه‌های نامکتوب به هم‌زبانی تعبیر می‌شوند که بسیار ارزشمند و قابل سرمایه‌گذاری هستند. روزگاری شهرها حول یک مرکز بودند و تمام داشته‌های شهر نیز در آن جمع می‌شد. تبریز هم تمامی اینها را بر اساس تفاهم در یک فضا گرد آورده بود. تولید، نگهداشت و تبادل داشته‌ها و ارزش افزوده‌ها سه عامل پایداری در تمامی ابعاد برای شهر است. تفاهم نامه‌های نامکتوب ارزش افزوده بسیاری را در زمان به خود اختصاص می‌دهند که در نظر اول چندان مشهود به نظر نمی‌رسد. برای آن‌که معضلات کلانشهری تمامی شهر را در بر نگیرد، می‌بایستی با برنامه پیش رفت. برنامه‌ها آگاهی و آموزش می‌طلبند. سپردن امور به ناآگاهان تبعات جبران ناپذیری به دنبال می‌آورد و آموزش راه‌گشای این مسیر است. تمرکز نگرانی به دنبال خواهد داشت چرا که شهروندان در جزئیات نخواهند بود و تنها شاهد ماجرا محسوب می‌شوند. شهر نهاد مدنی بر پایه‌ی نیروی اقتصادی است و عوامل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نیروهایی از این دست در شکل‌گیری این نهاد مدنی دارای اهمیت فراوانی هستند. اینگونه مشارکت مردم و شهروندان آموزش دیده متضمن رهیابی به مطلوب به شمار می‌آید.

## پیامدهای مدرنیته در سازمان شهرداری‌ها

فریدون رحیم‌زاده

در عصر حاضر چالش سنت و تجدد از معضلات پیش‌روی مدیران شهر است. آنجا که سنت وجود ندارد جای نگرانی نیست و به سرعت به سمت مدرنیته پیش می‌رود و به ظاهر به موفقیت نیز دست می‌یابد. شهرداری‌ها خط‌اول مواجهه با مدرنیته در شهر سازی محسوب می‌شوند و این نشان از اهمیت کار آنها است. تاریخ نیز آنها را عامل تغییر معرفی می‌کند. مدرنیزاسیون با سرعت پیش می‌رود. حوصله و تأمل در این وادی معنا نمی‌یابد و تغییرات پی‌در پی به وقوع می‌پیوندند. شهرداری‌ها و شوراهای به عنوان نهاد‌های نو پا در شهر بهتر است با توجه به عوامل ذکر شده به تقویت خود پردازند و با وضع قوانین جدید و روز آمد جلب رضایت شهروندان را فراهم آورند. تکیه بر منابع درآمد محدود بی‌تردید روزی تمام‌شدنی و زوال پذیر است، اما جلب رضایت شهروندان محدودیت درآمدی را در پی ندارد.





## بررسی سیر تحول اداره‌ی شهرها توسط انجمن‌های شهر و روستا (شوراهای اسلامی)

کمال‌الدین هریسی نژاد - دکتر در حقوق و عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز

فقدان مرکز محلی با انقلاب مشروطه در افق تاریخ اداری ایران پدیدار شد. انجمن‌های شهر به عنوان یکی از مصادیق مهم تمرکز زدایی در سراسر کشور، اداره‌ی امور شهرها را بر عهده گرفتند.

اندک زمانی پس از مشروطه این انجمن‌ها با تکیه بر قانون بلدیہ مصوبه ۱۳۲۵ ق. با اختیارات کافی و استقلال قابل توجه به اداره‌ی امور شهرها پرداختند. پس از کودتای ۱۲۹۹ ش و تغییر سلسله‌ی پادشاهی، انجمن‌های شهر در محاق آمدند و با اجرای قانون بلدیہ ۱۳۰۹ عمده‌ی انجمن‌ها به عوامل فاقدالاختیار قدرت مرکزی تبدیل شدند. پس از شهریور ۱۳۲۰ و باز شدن نسبی فضای سیاسی، امکان تنفس دوباره برای انجمن‌ها فراهم آمد و با قانون تشکیل شهرداری و انجمن شهر (۱۳۲۸) و لایحه‌ی قانون شهرداری (۱۳۳۰) اختیار و استقلال نسبی خود را در اداره‌ی امور شهرها باز یافتند. اما این دوران به طول نینجامید و با کودتای ۱۳۳۲ نقش آنها به مراتب کمرنگ شده و با مصوبه ۱۳۴۵ انجمن‌ها حالت صوری و نمایی به خود گرفتند.

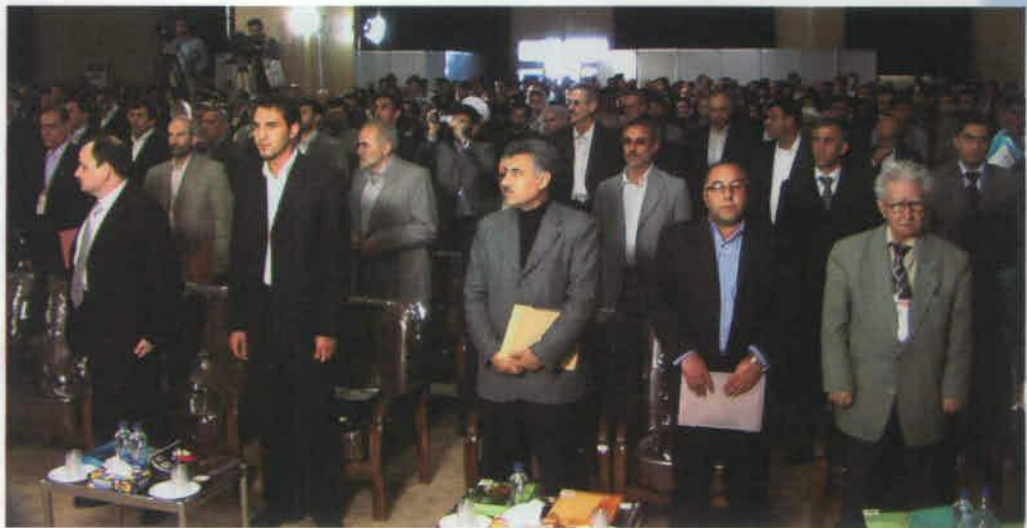
شوراها نهادی به منظور جلوگیری از دخالت حکومت مرکزی به شمار می‌آیند و فقدان مرکز محلی در گرو تحقق "جدایی امور ملی از امور محلی"، "استقلال در گزینش و عزل و اداره‌ی امور محوله" و "در اختیار داشتن امکانات مادی کامل" است. تا محقق شدن این شرایط، حکومت محلی معنا نخواهد داشت و بررسی تاریخ یکصد ساله گواه انحراف از اهداف به واسطه‌ی تحقق نیافتن شرایط پیش گفته است. نبود ذهنیت شورایی و ناآرامی‌های تاریخی عوامل مهمی در دست نیافتن کامل شوراها به تحقق وظایف خود به شمار می‌آیند.

## هویت شهر و شهروندی را پاس بداریم

عباسعلی رضایی

هویت در زمان ساخته می‌شود و این واژه‌ی ابهام‌آمیز، افکار بسیاری را به خود مشغول ساخته است و همچنان نیز دارای ابهام است. آنچه فرد و جامعه با آن شناخته می‌شود، تعریف هویت است که به نماد نیازمند است و شهر نمادی برای این هویت به شمار می‌آید. مدنیت و فرهنگ توأمان ساخته می‌شوند و بومی سازی علت موفقیت نسبی محسوب می‌شود. اگر در حوزه‌ی اعتقادات، معرفت، ارزش و اخلاق، سنت و آداب با نوآوری راه‌گشایی به وجود آید، روح شهروندی در شهر جان می‌گیرد و بر اساس آن جسم شهر نیز به شادابی دست می‌یابد. تشکل‌های مردمی شکل می‌گیرند تا بسیاری از امور را که دولت ناتوان از اجرای آنها است، با موفقیت به انجام رسانند. برای رسیدن به چنین نتیجه‌ایی باید، نخبگان و دولت در این مسیر برنامه‌ریزی و بستر سازی کنند. فعالیت در عرصه‌ی کلان‌تر بر عهده‌ی دولت است و اجزای کوچکتر به فعالیت‌های بعدی می‌پردازند. این امر نیازمند آموزش است و حکومت بر آورده کننده آن. اگر شورا و شهرداری تبریز سده‌ای را تجربه می‌کنند، شاید قرنی دیگر لازم باشد تا مشارکت واقعی مردمی نهادینه شود و نبود بستر فرهنگی، دستیابی به اهداف را به عمری طولانی نیازمند می‌کند. نتیجه آن‌که تصمیم‌گیری یک شبه و کوتاه مدت از بین می‌رود. امروز زیرساخت‌ها فراهم است و با ترسیم مسیر و رفع چالش‌ها به روش‌های مفاهمای، حرکت‌های اجتماعی، شکلی با ثبات و ماندگار خواهد یافت.





### نقش شهرداری‌ها در عرصه‌ی فرهنگی

حسن بنیانیان- رئیس حوزه‌ی هنری سازمان تبلیغات اسلامی

فرهنگ‌ها همواره توسط هم‌همی مردم در حال تغییر هستند و این تغییرات منشاء داخلی و خارجی دارند. تغییرات داخلی و خارجی مدیریت شده و یا تابعی از سایر جریان‌ها هستند. محیط فرهنگی بسیار مهم است و نخبگان سهم عمده‌ای در ایجاد محیط دارند. راهبرد اصلی در فعالیت فرهنگی هم‌جهت بودن نیروها است و باورهای ما در قالب‌های فرهنگی تجلی و بروز خواهد یافت. شهردار فرهنگ‌نگر در جامعه فرهنگ‌ساز خواهد بود و این نگاه قابل بسط به شهرداری است.

### شهر چه معنی دارد و چه انتظاری از آن داریم؟

منوچهر طبیبیان- دکتر در شهرسازی

در قرن گذشته، شهر به وسیله‌ی جامعه‌شناسان، برنامه‌ریزان و مهندسان به شکل بازار (محل داد و ستد) و جایگاهی برای آشفته‌گی‌های سیاسی، ماشین جهانی، محیط پیچیده و با نگرشی معقول تر شاهکاری که خالق آن انسان است، تفسیر و تلقی می‌شد. در سراسر ادبیات مربوط به شهر و پایداری شهری مشاهده می‌شود که در شیوه‌های مدیریت و برخورد با آن باید تجدید نظر کرد و شهر را نیز متفاوت از گذشته و همانند اکوسیستم و ارزش‌آفرین اداره کرد. در زمان حاضر باید شهرها را همانند اکوسیستمی پویا و پیچیده در نظر گرفت و این نگرش تنها یک نظاره نیست؛ بلکه مفهومی از شهر واقعی است. سیستم‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع شهری نمی‌توانند از قواعد حاکم بر محیط‌های طبیعی و غیر طبیعی دوری کنند. همانند تمامی اکوسیستم‌ها، شهر نیز سیستمی زیستی و فیزیکی است که حیات و زندگی در آن منوط به ورود انرژی و مواد به این سیستم است. علاقه وافر انسان‌ها به مصرف بی‌اندازه منابع و تولید ضایعات نیاز به راه‌حل‌های علمی و واقعی برای برآورد نیازهای جامعه‌ی شهری از یک سو و هم‌زمان حفاظت و یا بهبود منابع طبیعی، تندرستی و سلامت کلی اکوسیستم را از دیگر سو آشکارتر می‌سازد و مدیریت‌های شهری را به مبارزه می‌طلبد. مباحث مربوط به وضعیت حاضر زیست‌محیطی شهرها انگاره‌هایی نظیر " توسعه‌ی پایدار " مانند یک رویکرد توسط دانشگاهیان، تصمیم‌سازان و گروه‌های غیر انتفاعی پذیرفته شده است. این رویکرد راهبرد را نیز ارائه می‌دهد؛ زیرا شکوفایی اقتصادی و نیز بهبود اعتدالی محیط زیست را نیز شامل می‌شود. پیشرفت، الگوی این انگاره است و رفاه جامعه در تحقق مواردی چون شغل، غذا، بهداشت، انرژی، ثروت و نظایر اینها نهفته است و در نهایت تمامی این نیازها به محیط زیست وابسته و این ارتباطی دو سویه است. در حالی که بشر وابسته به زمینی است که نیازهایش را برطرف می‌کند. در همان حال در بازسازی و احیای محیط می‌باید به طریقی عمل کند که قادر به حمایت از رفاه انسان باشد.



## تبریز و نوسازی شهری، چالش‌ها و پیامدها

محسن حبیبی-رئیس دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران

با ورود مدرنیته و آغاز تجدد طلبی از زمان قاجار، این تغییرات در عرصه‌ی شهرسازی نیز آغاز شده و نمود می‌یابد. مکتب تبریز شامل تجدد خواهی اندیشه و نوسازی مادی است. چهره‌ی شهر بر اساس ساختمان‌سازی، خیابان‌بندی و عناصری از این دست چهره مردم را نیز دگرگون می‌کند. در دوره‌ی پهلوی اول دگرگونی از بن‌رخ می‌دهد و شاید سبک تبریز از همین دوره شکل می‌گیرد. در دهه‌ی ۴۰ شهر به پیچیدگی میل می‌کند و فاجعه از همین جا آغاز می‌شود. شهر بی‌خاطره حتی ضد خاطره می‌شود. معماری نتیجه‌ای است که فرهنگ را باید در آن جست و جو کرد و ظهور فرهنگ در معماری و شهرسازی است. بی‌هویتی معماری، بی‌هویتی شدن شهر را در پی دارد و شهر بی‌هویتی به دنبال خود شهروند بی‌هویتی وارد می‌کند. شتاب برای نوسازی به شدت به شهر ضربه می‌زند. در کنار نوسازی، اندیشه‌ها باید جاری باشند. مدنیت صرفاً در آبادانی ظاهری نیست و در عمق ارتقای فرهنگی جامعه است.

## شهرسازی مکتب تبریز، تغییر مفاهیم شهری در ایران

محمدتقی پیربابایی

فضا مجموعه‌ای از روابط و فرم‌های اجتماعی و به عبارتی محصول اجتماعی است. بدین ترتیب شهرها در کالبد خویش مفاهیم اجتماعی را ارائه می‌دهند و نظم فضایی در فرم‌های کالبدی معرف ویژگی‌های خاص این جامعه است. شهر تبریز به عنوان مرکز تاریخی آذربایجان شرقی دارای ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خاص در دوران‌های مختلف بوده است که آن را از سایر شهرها متمایز می‌کند و بدین لحاظ سیر تحولات اجتماعی-سیاسی ویژه‌ی آن سبب شکل‌گیری فضاها و فرم‌های کالبدی خاص با معانی و مفهوم مختص به خود شده است که از آن به عنوان "شهرسازی مکتب تبریز" یاد می‌شود. این مکتب در برهه‌های مختلف تاریخی، مفاهیم و در نتیجه فضاها کالبدی جدیدی را به فرهنگ شهری و شهرسازی کشور ارائه کرده است. در دوران معاصر نیز مکتب شهرسازی تبریز با الگوها و مفاهیم جدید ادبیات شهرسازی کشور را غنا بخشیده است.

این دوران که به قولی با اقدامات عباس میرزا در تبریز آغاز و با انقلاب مشروطه به اوج خود رسید، تغییرات شگرف و بی‌سابقه را در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور پدید آورد که نتیجه‌ی آن تغییر مفهوم شهروندی و به رسمیت شناخته شدن حقوق وی بوده است. فضاهای عمومی شهری که باید تحت مدیریت و مالکیت حوزه و نهادهای مدنی عمومی قرار گیرند، در دوران گذشته به دلیل نبود این نهادها و فعالیت آنها در نابسامانی شدیدی به سر می‌بردند. اما در این دوران و با تشکیل شورا و شهرداری در تبریز و در نوع نگاه به شهر، فضاهای شهری و حقوق شهروندی و همچنین تغییرات عمده‌ای در مفاهیم شهری در ایران فصل جدیدی را سبب شدند.







## نقش اسلامیت شوراهای اسلامی شهرها در تبیین وظایفشان

محمد نقی زاده - عضو هیئت علمی دانشکده هنر و معماری  
معنا و مفهوم اتمصاف یک موضوع به صفتی که آن صفت  
حاکمی از جهان بینی و اعتقادات و تفکر و فرهنگی خاص باشد،  
بر این موضوع مهم گواهی می‌دهد که علاوه بر آن که صفت  
بر پیدایش و تعریف موصوف تأثیر داشته است، موصوف نیز  
باید مظهر ویژگی‌های بنیادین آن صفت باشد، و به عبارتی  
ویژگی‌ها و عوامل هویتی "صفت" باید در "موصوف" متجلی  
شوند.

در مورد اتمصاف یک موضوع به صفت "اسلامی"، انتظار  
شونده این است که ویژگی‌های این صفت را در موصوف  
ببیند و در این مثال، دریابد که وجوه تمایز و عوامل هویتی  
موضوعی که با "اسلامیت" معرفی شده است، با موضوع  
مشابهی که به صفت اسلامی متصف نیست کدامند؟

یکی از زمینه‌هایی که مطالعه‌ای در خور را طلب می‌کند،  
تبیین ویژگی‌ها و اثرات مترتب بر شوراهای اسلامی شهرها،  
در پی اتمصاف آنها به اسلامیت است. بدون دخول در مباحث  
حقوقی، و ضمن نبود ادعای پرداختن به همه‌ی موضوعات که  
هر کدام بحث مستقل و مستوفایی را طلب می‌کنند، به برخی  
موضوعات به صورت تیتیر اشاره می‌شود: "اقدامات مورد  
انتظار از شوراهای اسلامی"، "اصول اصلی حیات شهری" و  
"راه‌های اعمال اصول اسلامی در مدیریت شهری" که برای  
هر یک از موارد فوق نمونه‌هایی می‌توان یافت.

## تحول شکل‌گیری فضاهای شهری تبریز در صد سال اخیر

داریوش ستارزاده

فضاهای شهری در جامعه‌ای نمود یافته و بیان‌کالبدی هر آن چیزی است که از آن به حیات شهر تعبیر می‌شود. فضاهای شهری چیزی جز انعکاس  
و تبلور سنن زیست، شیوه‌های معیشت و تولید رفتارها و فعالیت‌های منبعث از آن نیست. به مفهوم دیگر این‌که فضاهای شهر بازتاب اوضاع و  
احوال اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی حاکم بر جامعه است که در مقاطع زمانی و مکانی خاص روی می‌دهد و در طول زمان تحول می‌یابد.  
بررسی فرآیند تاریخی فضاهای شهری و رشد و تکوین شهر بدون شناخت عوامل فوق امکان پذیر نیست. فرآیند تاریخی بر آن است تا نحوه‌ی  
شکل‌گیری پدیده و عناصر مؤثر در آن را کشف کرده و سپس آن را در طول زمان بررسی کند. شناخت فضاهای شهری و درک فرآیند تاریخی و تحول  
آن به این دلیل اهمیت دارد که توسط آن می‌توان به مسائل، مشکلات و تنگناها و سوالات بی‌شمار در وضع موجود پاسخ گفت و به تخمین مسائل  
و مشکلات آینده‌ی آن پرداخت. روند تحول شکل‌گیری فضاهای شهری تبریز در صد سال اخیر را می‌توان به چهار مقطع زمانی تقسیم کرد که هر  
برش زمانی در این سیر تحول به صورت بنیادی تأثیرگذار بوده است. ۱- مقطع زمانی اواخر دوران قاجار که مهم‌ترین نمود اجتماعی در آن  
گردهمایی‌ها و تظاهرات مشروطه خواهان است و آن را در فضاهای شهر تبریز می‌توان مشاهده کرد. ۲- برش زمانی دوره پهلوی اول بین  
سالهای ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۰ ش، ۳- برش زمانی دوره پهلوی دوم از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ ش. و ۴- برش زمانی پس از انقلاب اسلامی از سال ۱۳۵۷ تاکنون.  
عوامل گوناگونی در شکل‌گیری فضاهای شهری تبریز مؤثر بوده‌اند که از آن جمله می‌توان به تأسیس شهرداری اشاره کرد. بر اساس موقعیت خاص  
سیاسی و جغرافیایی این شهر در جریان ورود مظاهر تجدد و مدرنیزاسیون در شهر تبریز شهرداری شکل یافت و تأثیر بسیار مهم و اساسی در  
تغییر روند تحول شکل‌گیری فضاهای شهری تبریز ایفا کرد.



**مروری بر صدمین سال تأسیس اولین بلدیة و انجمن شهر تبریز  
۱۲۸۶ شمسی برابر با ۱۳۲۵ هجری قمری و ۱۹۰۶ میلادی**

**بهر روز خاماچی**

شهر باستانی و تاریخی و قهرمان پرور تبریز مفتخر است که میان صدها مسائل و رویدادهای اولین‌ها، شهر اولین‌های ایران است. صدمین سال تأسیس اولین انجمن شهر جشن گرفته شد. یادآوری این نکته لازم است که در مخوف‌ترین و استثنايي‌ترین شرایط زمان و مکان ایران، یعنی آغاز مشروطه مخصوصاً در محاصره‌ی یازده ماهه‌ی تبریز و تحمل شدیدترین محاصره‌ی اقتصادی، قحطی و گرسنگی از سوی اشرار دولتی، مردم شریف، مبارز، مقاوم و آینده‌نگر واقعی نه تنها ننگ تسلیم را نپذیرفتند، بلکه به رهبری سرداران بزرگ خود چون ستارخان سردار ملی، باقرخان سالار ملی، حسین خان باغبان و راهنمایی‌های علمای بزرگواری چون ثقه‌الاسلام شهید، شیخ محمد خیابانی، میرزا حسین واعظ، حاج شیخ علی اصغر لیلواویی، شهید میرزا علی ویجه‌ای، شیخ سلیم بر دشمن غدار داخلی و دشمن خارجی یعنی روسیه پیروز شدند. در این هیاهوی بی نظیر تاریخ ایران، اندیشمندان و متفکرین آزاد اندیش تبریز همراه با تأسیس اولین انجمن ایالتی آذربایجان در ایران به تأسیس اولین شورای شهر که در آن زمان انجمن نامیده می‌شد، اقدام کردند. هوشمندی و ابتکار مردم تبریز و بزرگان شهر حکایت از آگاهی سیاست زمان و بیداری تفکرات جامعه شناسی و حکومت‌گرایی مدرن شرقی دارد و تبریز اولین شهر ایران است که مطابق اصول پیشرفته‌ی اجتماعی به این امر دست یافته است.



**محمد علی تربیت، رئیس بلدیة ی تبریز**

علی میرانصاری - عضو هیئت علمی دائرة المعارف بزرگ اسلامی

میرزا محمد علی خان تربیت (۱۲۵۶-۱۳۱۸ ش)، از مردان پر آوازه‌ی فرهنگ معاصر ایران است که در فاصله‌ی سال‌های (۱۳۰۷-۱۳۰۹ ش)، شهردار (رئیس بلدیة) شهر تبریز بود. او در سال (۱۲۵۶ ش) در محله‌ی "نوبر" تبریز به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و عالی را در همین شهر گذراند. با شروع حرکت‌های مشروطه طلبی، به جمع آزادی خواهان تبریز پیوست. وی پس از پیروزی انقلاب مشروطه و به دنبال آن، کودتای محمد علی شاه، راهی قفقاز شد، سپس از آنجا به انگلستان رفت و به همکاری علمی با ادوارد براون پرداخت. پس از فتح تهران به دست مشروطه خواهان، به ایران بازگشت و با آغاز مجلس دوم، به عنوان نماینده‌ی مردم تبریز راهی مجلس شورای ملی شد. بر همین اساس او بار دیگر فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی خود را آغاز کرد و در ادامه، به گسترش آنها پرداخت. فعالیت‌هایی که تا پایان عمرش ادامه یافت. تربیت در سال (۱۳۱۸ ش)، در تهران درگذشت و به خاک سپرده شد. محمد علی تربیت در حوزه‌ی عمرانی و فرهنگ معاصر ایران، عملکردی گسترده و تأثیراتی عمیق و شگرف بر جای نهاده است که ایجاد تأسیسات نوین شهری، برپایی انجمن‌های روشنگری، تلاش در جهت تغییر نظام آموزشی سنتی به مدرن، راه‌اندازی روزنامه و مجله‌های علمی و سیاسی، در شهرهایی مانند تبریز و تهران، از جمله‌ی آنها است. نگاهی گذرا به زندگی تربیت نشانگر فعالیت‌های او در چهار حوزه "گسترش شهرنشینی نوین"، "تعلیم و تربیت"، "روزنامه نگاری و کتابداری" و "روشنگری" است.



## نقش بازار تبریز در اقتصاد کشور

صادق نجفی - رئیس سازمان بازرگانی استان آذربایجان شرقی

بازار تبریز بزرگ‌ترین مجموعه‌ی آجری مسقف جهانی و نیز اثر تاریخی ایران به شمار می‌رود. این مجموعه ۷۹ بنای تجاری همانند بازارها، بازارچه‌ها، تیمچه‌ها، سراها و دالان‌ها، ۲۰ مسجد و ۱۰ مدرسه‌ی دینی را شامل می‌شود.

بازار تبریز با ترکیبی عالی از معماری اسلامی، تجارت، تنوع محصولات، مشاغل و اماکن در برهه‌های تاریخی به ویژه در مبارزات ضد استبدادی مردم آذربایجان نقش بسیاری را ایفا کرده است. شهر تبریز از جمله شهرهای نادر جهان به شمار می‌رود که از دیرباز به تجارت و بازرگانی شهره است. هر سیاح و جهانگردی که از تبریز دیدار یا عبور کرده است، بازار تبریز و تجارت و بازرگانی آن را از مهم‌ترین ویژگی‌های شهر به شمار آورده، چنانچه بسیاری، نقش آن را در شکل‌گیری جاده‌ی ابریشم و تکمیل این جاده از غرب تا شرق انکارناپذیر می‌دانند. بازار تبریز مبداء و مقصد بسیاری از تجار و بازرگانان سرشناس جهان بوده است.

بازار تبریز در یکصد سال گذشته و در جریان نهضت‌های ضد استبدادی کانون حرکت‌های خودجوش و مردمی بوده است. الگوی شهر سازی تبریز به گونه‌ای است که بازار تبریز در نقطه‌ی کانونی قرار گرفته و تمامی معابر و گذرگاه‌ها و محل‌های کار و زندگی مردم به بازار ختم شده است.

جایگاه اقتصادی آذربایجان در یکصد سال گذشته اینچنین است:

- ۱- قدمت یکصد ساله اتاق بازرگانی تبریز
- ۲- نقش تجار تبریز در رونق اقتصادی کشور
- ۳- نقش تجار تبریز در تجارت خارجی
- ۴- نقش بازرگانی تبریز در حضور سفارتخانه‌ها و کنسول‌گری‌های مختلف در تبریز
- ۵- نقش بازار تبریز و تجار در ایجاد انجمنهای خیریه مختلف و کسب عنوان "تبریز شهر بدون گدا"
- ۶- نقش بازار در مراسم مذهبی به خصوص در ماه محرم
- ۷- نقش تجار و بازار در ایجاد مکتب‌خانه‌های بزرگ و حوزه‌های علمیه

### جایگاه اقتصادی تبریز در حال حاضر

۱- وجود بیش از صد و ده هزار واحد صنفی ۲۰- وجود بیش از ۵ هزار واحد صنعتی، ۳- وجود بیش از ۲۵۰۰ تاجر فعال، ۴- وجود بزرگ‌ترین مجموعه نمایشگاهی کشور در تبریز، ۵- سهم ۲۵ درصد از ارزش افزوده استان در بازرگانی داخلی، ۶- سهم بیش از ۱۱ درصد در صادرات غیر نفتی کشور، ۷- رتبه اول استان بعد از تهران در ثبت سفارش کالا.

## بررسی تطبیقی معماری

### دو بافت قدیم و جدید شهر تبریز از دیدگاه توسعه‌ی پایدار

فرح حبیب، دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

مریم سینگری، دانشجوی دکتری شهر سازی، مینا نساج‌غازانی، کارشناس معماری تبریز

سالهست که در شهرهایی همچون تبریز که پدیده‌ی رشد شهری با شدت بیشتر و زمان اندک، خود را نمایان کرده، مسائل و معضلات شهری فراوانی شکل یافته است. آنچنان که نتایج حاصل از این توسعه‌ی شتاب‌زده، پس از گذشت چند دهه به وضوح دیده می‌شود. شهر تبریز نیز از این قاعده مستثنی نبوده و در این دوران از لحاظ کمی با سرعت شتابانی رشد کرده ولی از لحاظ کیفی سرعت توسعه‌ی آن بسیار کند بوده است. به طوری که نتایج حاصل از آن پس از گذشت چند دهه را می‌توان مشاهده کرد. حال آنکه توسعه‌ی پایدار است که به لحاظ کیفی، سلامت انسان و نظام‌های محیطی را در بلندمدت بهبود بخشد و نظریه معماری پایدار نیز زاده‌ی همین تفکر است. از سوی دیگر با توجه به نسبت سطح مسکن ۴۶۰۰ هکتار به سطح مفید شهر به عنوان بزرگ‌ترین سطح کاربری شهری در تبریز و نیز میزان مصرف بالای سوخت به لحاظ اقلیم سرد و خشک منطقه، زمینه پژوهش با بررسی و تبیین مقوله‌ی پایداری و مقایسه و تحلیل نمونه‌هایی از مساکن دو بافت قدیم و جدید محلات شهر تبریز، در مسیر دستیابی به اصول اقلیمی صحیح در طراحی پایدار معماری ابنیه شهر تبریز، ضروری به نظر می‌رسد. بدین منظور پس از طی مراحل شناخت و مقایسه ابنیه دو بافت قدیم و جدید بستر مکانی طرح (تبریز)، می‌باید به تبیین راهکارهای عملی طراحی محیطی معماری در شهر تبریز پرداخته شود.



## شهرها و چالش‌های مدیریتی - مدیریت واحد شهری

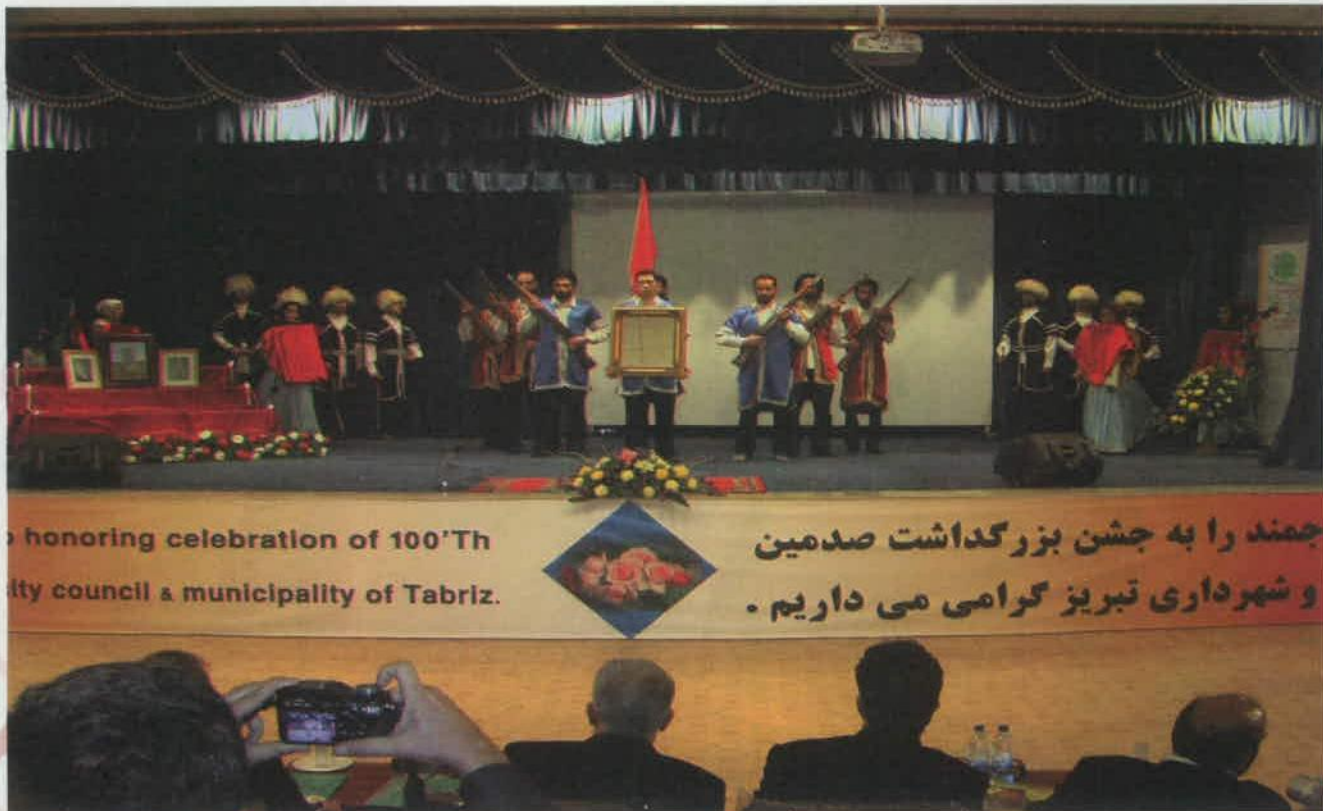
شکور اکبر نژاد - رئیس دومین دوره‌ی شورای اسلامی تبریز

می‌توان مشکلات و معضلات فرا راه مدیریت شهری را اینگونه برشمرد:

- ۱- بخشی‌نگری، دفاع از سازمان، به جای جامع‌نگری و در اولویت قرار دادن منافع عمومی.
- ۲- مقررات زیاد، دیوان‌سالاری ایستا و ناکارآمد، که شفاف‌سازی و آگاهی شهروندان را به حداقل رسانده و زمینه‌ی سوءاستفاده و رانت اطلاعاتی را فراهم می‌کند.
- ۳- برخورد شکلی و کالبدی با عناصر شهری به جای ماهیت و نتایج عملکردها (تخلقات، سرمایه‌های بادآورده، فساد اداری در قالب و ظاهر قانونی) حاصل‌نگرش و مدیریت در کشور است.
- ۴- افزایش فاصله فقیر و غنی، نابرابری حقوق اجتماعی و تعریف برانزندی از دارندگی بسیاری از خطرات اجتماعی و نارضایتی و مشکل مدیریتی را سبب می‌شود.
- ۵- اداره‌ی شهری با دهه‌ها مجموعه‌ی مدیریتی همراه با سیاست‌های متفاوت و گاهی متضاد.
- ۶- نبود تناسب بین اختیارات و انتظارات از مدیران به ویژه شورای اسلامی شهرها.
- ۷- رابطه شورا و شهردار و مدیران شهر در جهت سینرژي (هم‌نیرو و زایی) نیست بنابراین اغلب به خنثی‌سازی توانمندی‌های یکدیگر منجر می‌شود.
- ۸- شهرداران حمایت لازم را از طرف شورا و دولت ندارند، بنابراین اقلیتی را با روش‌های نادرست همراه خود می‌کنند. پیشرفت امور شهری کند می‌شود و عواقب ناخوشایندی نیز برای شهروندان دارد.
- ۹- جذب سرمایه‌ی بخش خصوصی و مشارکت شهروندان و رونق اقتصادی و آبادانی شهرها با موانع متعدد روبه‌رو است. انحصار دولتی، مقررات پیچیده‌ی اداری و تنگ‌نظری بعضی از اعضای شوراها از این موانع محسوب می‌شوند.
- ۱۰- در زمان پیش‌آمد تعارض بین اعضای شورا، شهرداری و مجموعه‌های مدیریتی دیگر، روشی مناسب برای حل آن در قانون پیش‌بینی نشده است.







## موانع تحقق پایداری در کلانشهرهای ایران

حسین بحرینی

استاد گروه معماری و شهرسازی دانشگاه تهران

پس از گذشت چند دهه از مطرح شدن مفهوم پایداری در ادبیات، زمینه‌های مختلف همانند شهر سازی و گسترش دامنه‌ی مطالعات نظری - پژوهشی در ابعاد گوناگون مربوط به این موضوع از یک سو و کاربرد نتایج و دستاوردهای آن در زمینه‌های مختلف از دیگر سو، باید شهرسازان را در همه جا متقاعد کرده باشد که هرگونه تغییر در روند کنونی کاهش کیفیت شهرها، راهی به جز تبعیت از مفاهیم پایداری در فعالیت‌های حرفه‌ای خود (برنامه‌ریزی و طراحی شهری) ندارند. ولی تحقق این مهم در کلانشهرهای کشور از جمله در شهر تبریز - که به شدت همواره با موانع اساسی روبرو است - باید با هدف فراهم کردن پیش زمینه برای تحقق پایداری، برنامه‌ریزی انجام شود. زیرا در غیر این صورت هرگونه تلاش برای به کارگرفتن این مفاهیم نتیجه‌ای در بر ندارد و ناکامی مسئولین، مردم و صاحبان حرفه را منجر خواهد شد و چرخه ناپایداری روز به روز سریع‌تر و شدیدتر ادامه خواهد یافت. به سهولت می‌توان تصور کرد که این عوامل فنی نیست که موجب فقدان پیاده شدن عملی پایداری در کلانشهرهای کشور شده است، بلکه در ابتدا از عوامل نهادی و ساختاری که به عنوان مانع اساسی بر سر راه تحقق پایداری ظاهر شده است، می‌توان نام برد. غلبه تفکر سنتی توسعه نظیر بخشی‌نگری فنی و کوتاه مدت، فقدان ساختار و تشکیلات لازم، نبود آشنایی با سازوکارها و روش‌های اندازه‌گیری پایداری یعنی شاخص‌های پایداری و غلبه‌ی جنبه‌های سیاسی بر جنبه‌های حرفه‌ای و تخصصی را می‌توان از موانعی به شمار آورد که دستیابی به پایداری را با مشکل مواجه کرده‌اند.

نبود استفاده از مفاهیم و روش‌های ارزیابی در تصمیم‌گیری‌ها، به خصوص ارزیابی‌های زیست محیطی، نبود توجه به تقابل و یا برهمکنش و تعادل بین ابعاد محیطی، اجتماعی و اقتصادی در توسعه‌ی پایدار، نیاز به حسابداری و حسابرسی کامل در تصمیم‌گیری‌ها، ضرورت توجه به عدالت بین نسل‌ها، گروه‌ها و نمونه‌هایی از این دست و نیز ضرورت شفاف‌سازی تصمیمات را می‌توان از ضروریاتی به شمار آورد که دستیابی به پایداری در شهر، فارغ از آنها با مشکل مواجه شده است.





## بررسی سیر تحول اداری شهرها بانهادهای مردمی یا انجمن‌های شهر و شوراهای اسلامی

مجید شیخ سامانی

شورا یکی از شکل‌های مدیریت اجتماعی محسوب می‌شود که برای نوعی نظارت مستمر حکومت‌شوندگان بر کار حکومت‌کنندگان ابداع شده است. مفهوم مشورت و صورت‌هایی از آن هر چند قبل از این نظریه شکل یافته‌اند اما به عنوان شکل‌هایی از حکومت دموکراتیک در قرن ۱۹ پیشنهاد شدند. پیش از این جریان، شوراها بیشتر، ارگان‌های مشورتی در جوار سازمان‌های مختلف بودند. ادعا این بود که در هر سازمان، قدرت به ناگزیر در جهت تمرکز در دست‌های به نسبت محدود سوق می‌یابد. آنانی که از این قدرت بهره‌مند می‌شوند، مایل به حفظ و گسترش آن هستند. از این رو همگی منابع موجود را برای رفع هر گونه ستیزه‌ای که با سلطه‌ی آنان به عمل می‌آید، به کار می‌بندند. اما با نظریه شوراها این تفکر به سستی گرایید. هر گونه سازمانی باید متضمن واگذاری در جهی معینی از قدرت به برخی افراد باشد و این قدرت به احتمال بیشتر به افرادی تعلق خواهد گرفت که ارزش و انگیزه‌ی بیشتر، عزم و هدف قوی‌تری را بیش از سایرین در نظر گیرند. مسئله‌ی واقعی این است که آیا می‌توان افرادی را که قدرت به آنان واگذار شده است به گونه‌ای کنترل کرد و در فشار گذاشت که اجازه شکل‌دهی یک الیگارش‌ی را نیابند.

در جامعه‌ی ایران صحبت از تاریخچه‌ی شورا حتی خارج از چارچوب فلسفی آن، چندان جدی نمی‌نمایند، با این حال رگه‌هایی از نبود تمرکز ارانه صلاحیت به مقاماتی که مستقل از قوه‌ی مرکزی هستند<sup>۱</sup> در گوشه‌هایی از بیکران تاریخ سیاسی ایران دیده می‌شود. تنفیذ اختیار برای اعمال هر چه بیشتر قدرت از سکوه‌های اقتدار صورت گرفته است و نه برای اجازه دخالت در تصمیم‌گیری و اجرای مردم.

نبود تمرکز در سیستم اداری ایران را در سه دوره‌ی قبل از مشروطیت، بعد از مشروطیت و بعد از انقلاب ۱۳۵۷ می‌توان بررسی کرد.



## ارزیابی فرایند طراحی و اجرای برنامه‌های شهری تبریز و ارائه‌ی پیشنهادات اصلاحی فرایند و برنامه‌ریزی

سهیلا حمیدزاده خیای - دانشجوی دکترای شهرسازی و مدرس دانشگاه آزاد تبریز

در ایران، به اشتباه تصور می‌شود برنامه‌ریزی شهری یعنی تهیه‌ی برنامه‌های شهری. در حالی که فرایند کامل برنامه‌ریزی شهری علاوه بر مرحله‌ی تهیه‌ی برنامه در برگیرنده‌ی مرحله‌ی اجرای آن از طریق سازوکار مرور و فرایینی چرخه‌ی برنامه‌ریزی است. همچنین اهمیت و ضرورت تهیه‌ی برنامه با توجه به سطح برخورد آن با موضوعات و مشکلات شهری مشخص نیست و با وجود تهیه‌ی برنامه‌های جامع شهری یا شبه‌راهبردی و برنامه‌های تفصیلی یا شبه‌اجرایی، در این برنامه‌ها اصول و ویژگی‌های مربوط به تهیه‌ی برنامه‌های راهبردی و اجرایی رعایت نشده است. تأثیر این نحوه‌ی نگرش به فرایند برنامه‌ریزی شهری در به اجرا نرسیدن بیشتر پیشنهادها برنامه‌های شهری نمایان می‌شود، به گونه‌ای که این پیشنهادها فارغ از توجه به ضروریات اجرایی آنها تدوین می‌شوند. تناسب بین پیشنهادها و امکانات اجرایی نیز در این بین در نظر گرفته نمی‌شوند. برقراری این تناسب از طریق توجه به سطح تهیه برنامه به دست می‌آید. زیرا برنامه‌های سطح اجرایی به ضروریات اجرایی همانند سطح تفصیل خط مشی و برنامه‌ریزی منابع توجه بیشتری معطوف می‌کنند.

بنابراین تدوین برنامه‌ها یا فهرست پروژه‌های سرمایه‌گذاری هر برنامه را یکی از راه‌حل‌های اجرایی‌تر کردن برنامه‌ها می‌توان برشمرد و توجه به رابطه تهیه برنامه و اجرای آن با شرط دخالت و هماهنگی عاملان تصمیم‌گیری و نیز مجریان آن به تهیه‌ی برنامه‌های اجرایی - یا به عبارت رایج نزد شهروندان کشور - برنامه‌های پنج ساله میان مدت شهر (که تلاش برای استقرار در نظام برنامه‌ریزی ایران از ۱۳۷۹ شروع شده است) منجر می‌شود. اکنون می‌باید، فرایند برنامه‌ریزی در کلانشهر تبریز ارزیابی و دلایل و عوامل مغایرت‌های برنامه‌های شهری تبریز با وضع موجود و اجرای آنها، بررسی و الگوی تدوین پیشنهادها نیز ارائه شود.

## بازار تبریز، جایگاه و ضرورت حفظ و نگهداری آن

فرامرز پارسی - مدرس دانشگاه

تبریز شهری است که بر سر چهار راه مهم تجارت تاریخی جهان یعنی جاده ابریشم و ادویه قرار گرفته است. از این رو علاوه بر استعدادها و توانایی‌های فراوانی که این شهر در زمینه‌های گوناگون با آن روبه‌روست، شهرت خود را به تجارت و بازار خود مدیون بوده است زیرا که توجه همه‌ی جهانگردان و جغرافی دانان را به خود جلب کرده است. این بازار بارها تخریب شده اما هر بار زیباتر و بزرگ‌تر از زمان قبل بازسازی شده است. آخرین بار در زلزله‌ی سال‌های نخست حکومت قاجار، شهر و بازار تقریباً با خاک یکسان شدند اما پتانسیل تجارت در این شهر چنان بود که بازار بزرگ تبریز که امروزه نیز می‌توانیم شاهد عظمت آن باشیم در زمانی کمتر از ۲۰ سال دوباره ساخته شد و حتی امتداد دروازه‌های شهر را درنوردید و خود موجب گسترش و عظمت شهر شد. با معرفی ویژگی‌های معماری، شهرسازی و اجتماعی بازار تبریز اهمیت منطقه‌ای، ملی و جهانی بازار تبریز مشخص می‌شود و از سوی دیگر می‌توان به اهمیت حفظ و نگهداری این بازار در برابر حوادثی که آن را تهدید می‌کند از آن جمله زلزله پی برد و این همه به راهکارهایی پایدار نیازمند است.



## همایش اسکان غیررسمی

کیمیا مؤذنی

مسئولان اجرایی، ارتقای زندگی اجتماعی در سرلوحه اهداف قرار گیرد\*.

حاتمی‌نژاد عضو هیئت علمی دانشگاه تهران با تأکید بر این مطلب که اسکان غیررسمی پدیده‌ای منحصر به کشور ما و سال‌های اخیر نیست، به واژه‌های مختلف حاشیه‌نشینی در دنیا اشاره کرد و گفت: «صاحب‌نظران، واژه اسکان غیررسمی را به این دلیل که با به کار بردن این واژه از ابتدا عده‌ای را در حاشیه قرار می‌دهیم و این که اصطلاح حاشیه‌نشینی، لزوماً در حاشیه شهر اتفاق نمی‌افتد را مناسب ندانسته و پیشنهاد کردند بهتر است برای این مقوله به فکر واژه‌ای مناسب بود تا تمام پدیده‌های پیچیده‌ای را که بازتاب روابط ناعادلانه اجتماعی-اقتصادی و مدل غیرمنطقی توزیع قدرت، ثروت و درآمد است را نشان دهند\*».

در ادامه محمد شیخی عضو هیئت علمی دانشکده علامه طباطبایی، موضوع «گونه‌گونی سکونتگاه‌های خودرو و پیچیدگی برخورد با آنها را با تأکید بر مورد پژوهی اسلامشهر، نسیم شهر و شهر گلستان\* طرح کرده و اظهار داشت: «از ابتدا شکل‌گیری این کانون‌ها، بلوغ، تکثیر و توقف رشد آنها با توجه به شرایط جغرافیایی و

همایش اسکان غیررسمی به منظور کاربرد سیستم‌انه‌ی<sup>(۱)</sup> توانمندی‌های جغرافیا جهت گسترش عدالت اجتماعی و رفع فقر با حضور اساتید و دانشجویان سازمان‌های مربوطه در تاریخ بیست و سوم اردیبهشت ماه در تالار باستانی پاریزی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برگزار شد.

در ابتدا پورا احمد ریاست گروه جغرافیا، رشد بی‌رویه شهرنشینی در نیم‌قرن اخیر، مهاجرت‌های روستایی در اثر بی‌توجهی به آمایش سرزمین، پیدایش دوگانگی اقتصادی-اجتماعی و عدم تعادل شهر و روستا را از جمله عوامل موثر در گسترش اسکان غیررسمی برشمردند و با اشاره به جمعیت چهل درصدی حاشیه‌نشین شهر بندرعباس یادآور شد: «اگر مسیر اسکان غیررسمی در کشور با سرعتی که طی دو دهه اخیر اتفاق افتاده ادامه یابد، فاجعه‌ای در پیش است که طی آن آلودگی‌های زیست‌محیطی، افزایش فقر، جرایم شهری، ناامنی‌ها و رانت‌خواری زمین از سویی و از سوی دیگر مشکلات زیرساختی و خدماتی مناطق حاشیه‌نشین تشدید خواهد شد. بنابراین لازم است با ایجاد زمینه‌های بحث و تبادل نظر و شناخت مسئله و ارائه راهکارها و برهمکنش با





توسط مردم باید جایگزین برنامه‌ریزی برای مردم باشد. سپس در مستندی پانزده دقیقه‌ای به نام "رقص فقر" گوشه‌هایی از زندگی حاشیه‌نشینان ضمن بیان رنج‌ها و انتظارات آنها از زبان خودشان، به تصویر کشیده شد. در این فیلم، دوربین به سراغ مردمی رفته بود که مشکل اساسی آنها فقر و محرومیت از بسیاری امکانات اولیه زندگی شهری و بهداشت بود. انسان‌هایی که در شرایط نابرابر اجتماعی، به مشاغل بسیار جزئی روی آورده بودند تا بتوانند نانی بخور و نمیر به دست آورده و در گوشه‌ای از خاک وطنشان به زندگی جانکاه و اضطراب‌آور خود ادامه دهند و نظاره‌گر همه تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها باشند.

پس از نمایش فیلم، جلسه به صورت پرسش و پاسخ ادامه یافت. در این بخش محمدتقی رهنمایی بر لزوم پرکردن شکاف بسیار روشن بین آرمان‌خواهی<sup>(۳)</sup> ذهنی تخصص‌گرا و واقعیت‌های موجود در جامعه تأکید کرد و اظهار داشت: "حاشیه‌نشینی معلول است و اصولاً با نگرش موضعی نمی‌توان به حل آن پرداخت و لازمه رویارویی با این مسئله نگاه جامع‌نگر است." حاتمی‌نژاد در پاسخ به این اظهارات، تصریح کرد: "درخصوص ساماندهی اسکان غیررسمی ضمن احترام به دیدگاه جامع‌نگر، گریزی از برخورد‌های موضوعی و موضعی نیست و باید ضمن پرداختن به عوامل برون‌زا و درون‌زا، درمان فوری را نیز لحاظ کرد. بنابراین لازمه شناسایی تمام ریشه‌های بحران، رویکرد برنامه‌ریزی راهبردی است."

در ادامه اژدری معاون فنی سازمان عمران و بهسازی شهری وزارت مسکن و شهرسازی، در سخنان خود بر لزوم تداوم این قبیل نشست‌ها جهت پرکردن خلئی که از لحاظ نظری در مسائل اجرایی وجود دارد تأکید کرد و افزود: "واقعیت تجربیات داخلی و خارجی نشان می‌دهد که موضوع حاشیه‌نشینی موضوعی موقتی و رو به زوال نیست و لازم است با رویکرد منطقی آن را هدایت کنیم. بنابراین بحث جلوگیری از مهاجرت هم از دیدگاه آمایشی به این علت که ظرفیت اقتصادی نقاط مختلف محدود است و هم از ابعاد اجتماعی و دینی به این سبب که انسان‌ها در جستجوی معاش بهتر به مهاجرت تشویق شده‌اند، امکان‌پذیر نیست. از سوی دیگر واقعیت نشان داده است

حاکمیت شرایط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و تاریخی، تحت تأثیر عوامل مختلفی بوده، بنابراین شیوه‌های برخورد با این پدیده نیز متفاوت است. به گونه‌ای که نحوه‌ی رویارویی با این پدیده به تدریج از برخورد‌های فیزیکی و سخت‌افزاری به روندی همه‌سویگر و انعطاف‌پذیر تغییر یافته است."

همچنین صرافی عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی با ارائه عکس به مقایسه نمونه‌هایی از مصادیق آلودگی‌نشینی در نقاط مختلف جهان پرداختند. سپس مقاله "گذر از سکونتگاه‌های خودانگیخته به اجتماعات پایدار" را در سه بخش ارائه کردند. در بخش اول این مقاله تحت عنوان "سکونتگاه‌های خودانگیخته مسئله یا راه حل"، به این نکته اشاره شد که وقتی از اسکان افرادی که در برنامه‌ریزی‌های رسمی مسکن به حساب نیامده‌اند سخن به میان می‌آید، پذیرش وضع موجود لازمه چاره‌اندیشی مسئله است و قطعاً با نادیده گرفتن این اجتماعات مشکلی حل نخواهد شد. در بخش دوم بر "راهبرد توانمندسازی و راهکار بهسازی" در برخورد با این اجتماعات به جای تخریب و نوسازی تأکید شد. وی با ارائه الگویی، به پیش‌نیازهای توسعه‌ی پایدار اشاره کرد و فاکتورهایی از قبیل آگاه‌سازی و بسیج اجتماعی، نهادسازی، سازماندهی بخش خصوصی، برنامه‌های اجرایی بهسازی، مشارکت در اجرای پروژه‌ها، ارتقای زیست‌پذیری و یکپارچگی با شهر را حمایت و تسهیل‌سازی بخش دولتی، فرآیند یادگیری جمعی، تمهیدات قانونی لازم، ظرفیت‌سازی محلی و ازدیاد سرمایه‌های انسانی، اقتصادی، فیزیکی را از آن جمله دانست.

صرافی در بخش سوم مقاله تحت عنوان "الزامات و ضرورت‌های دگرگونی زمینه‌ای"، بر اهمیت تأمین امنیت، اقامت، ایجاد نظام مدیریت شهری مشارکتی، ظرفیت‌سازی در شهرداری و نهادهای تخصصی و بودجه‌ریزی مشارکتی تأکید کرد و یادآور شد: "تمام بخش‌های شهر باید به سهم خود از امکانات بهره‌مند شود. لذا در حال حاضر تغییر در نگاه به نظام مدیریت شهری نخستین گام برون‌رفت از فقر است و برنامه‌ریزی



که با نگرش امنیتی و برخورد بولدوزری و پاکسازی این مناطق آسیب‌های اجتماعی تشدید شده و اثرات مخرب این محدوده‌ها از ابعاد اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی گسترش یافته است. ازدری ادامه داد: "در سال‌های اخیر با استفاده از تجارب جهانی، بحث رویکرد توانمندسازی و توجه به این افراد در برنامه‌ریزی شهری در محورهای بحث دولت قرار گرفته است. شیرآباد زاهدان نمونه‌ای از شکل‌گیری حرکت گسترده‌ی ارتقای کالبدی و اجتماعی در محدوده‌ی شهر با مشارکت و همکاری مردم با رویکرد توانمندسازی است، در حال حاضر نیز پروژه طرح بهسازی شهری و بخش مسکن در پنج شهر کشور با همکاری بانک جهانی آغاز شده است."

معاون فنی سازمان عمران و بهسازی شهری وزارت مسکن و شهرسازی گفت: "پشتوانه سندتوانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی که در سال ۱۳۸۲ تصویب شد، ارتقای محیطی سکونتگاه‌های غیررسمی، ارتقای اجتماعی و اقتصادی این سکونتگاه‌ها و جلوگیری از توسعه این سکونتگاه‌ها است که با در نظر گرفتن اصول هادی، بازنگری در قوانین، پیش‌بینی نهادها، ظرفیت‌سازی در نهادهای محلی، سازمان‌های خودجوش (NGOها) و شهرداری‌ها تحقق می‌یابد." وی این نکته را متذکر شد: "پنجاه درصد جمعیت سکونتگاه‌های غیررسمی در داخل محدوده قانونی شهرهاست و این نشان‌دهنده خلاء مدیریت شهری در پاسخگویی به نیازها و عدم رسمیت شناختن ساکنین در نظام برنامه‌ریزی شهری است. در حال حاضر به پشتوانه‌ی سند ملی شورای عالی شهرسازی و ستاد ملی توانمندسازی تکلیف ستادهای استانی کلیه استان‌ها در حوزه‌ی وزارت کشور و سازمان شهرداری‌ها مشخص شده و در قالب این حرکت بعضی از عللی که باعث این بحث می‌شود (مثل مدیریت زمین، یارانه‌ها و مسکن کم‌درآمدها) در قالب پروژه بانک جهانی و در دستور کار دولت هست." همچنین محمدتقی ازدری در ارتباط با صحبت‌های رهنمایی مبنی بر این که اسکان غیررسمی ابتدا در حاشیه شهر اتفاق می‌افتد و سپس مرز محدوده شهر تغییر می‌کند، گفت: "تغییر محدوده شهر را یکی از راه‌حل‌های توانمندسازی و استفاده از امکانات مالی داخل مجموعه و استفاده از ظرفیت‌ها و تبدیل تهدیدها به فرصت‌ها می‌توان برشمرد."

پورموسوی رئیس مرکز مطالعات راهبردی شهرداری تهران، حکمرانی خوب در جهت کاستن درد و رنج مردم و حفظ محیط‌زیست شهری را دو موضوع اساسی مرتبط با حاشیه‌نشینی برشمردند. سپس به ماده ۱۳۷ قانون برنامه چهارم و مبحث مدیریت واحد شهری اشاره کرد و گفت: "اگر نگرش ما ملی باشد واژه حاشیه‌نشین به این محلات آسیب‌پذیر تلقی نمی‌شود. بلکه آنها جزئی از

جامعه تلقی می‌شوند. بنابراین اقدامات اخیر شهرداری تهران در جهت تأسیس مراکزی برای استقرار آسیب‌دیدگان اجتماعی نیز ناشی از این دیدگاه است."

روستا مدیرکل دبیرخانه ستاد ملی توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی نیز خاطر نشان کرد: "در پی تشکیل ستاد ملی توانمندسازی، سکونتگاه‌های غیررسمی متشکل از چهارده سازمان و دو وزارتخانه، هم‌اکنون هفده دستگاه در سطح مدیریت محلی ایجاد شده تا اقدامات لازم را جهت اجرایی شدن سند توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی انجام دهند. البته لازمه اجرایی شدن سند، ایجاد ساختارها و مدیریت واحد شهری می‌باشد که گرچه در طی این مسیر مشکلاتی وجود دارد، اما دستاورد مهم این است که پس از تصویب سند توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی هیچ یک از این سکونتگاه‌ها تخریب نشده است."

در ادامه حسن مطیعی دکتر در برنامه‌ریزی روستایی با بیان این مطلب که در پیشرفته‌ترین نقاط دنیا کمترین روستائینشین را داریم اظهار داشت: "هرچه قدر موفقیت اقتصادی روستاها بیشتر باشد، حرکت به سمت شهرها بیشتر می‌شود. بنابراین مسئله مهاجرت معکوس و یا ممانعت از مهاجرت منتفی است از سوی دیگر هر چقدر بهای مسکن در بخش رسمی شهرها بالاتر برود، قدرت حاشیه‌نشینیان کمتر می‌شود. با توجه به موارد مذکور در گسترش مسئله اسکان غیررسمی رابطه مستقیمی بین رکود اقتصادی، تورم حاکم بر شهر و افزایش حاشیه‌نشینی وجود دارد."

از دیگر موضوعاتی که در هنگام پاسخ به پرسش‌های حضار به آنها پرداخته شد، می‌توان به اینها اشاره کرد: توصیه به داشتن سعه‌صدر در برخورد با کار زمان‌بر ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی، انجام کارهای تئوریک و برخورد‌های مردمی به جای برخوردهای دولتی، سرلوحه قراردادن عشق و ایثار، ارائه راهکارهای نهادسازی اجتماعی، تغییر کارکردی و محتوایی به جای تغییر کاربری‌ها و توانمندسازی اقتصادی به عنوان بخشی از برنامه‌ریزی شهری، تحول در نظام بانکی و قدرت یافتن حکومت‌های محلی، همچنین تأکید بر ارزش نهادن به سند توانمندسازی به مثابه یکی از افتخارات بعد از انقلاب اسلامی (سندی که به هموطنان تهیدستی که در بازار رسمی به نیاز مسکن آنها پاسخ داده نشده است پرداخته است)، اعلام حمایت سازمان عمران و بهسازی از طرح‌های برخاسته از سند مذکور در قالب پژوهش‌های کاربردی و پایان‌نامه‌ها، همچنین استقبال از مقاله‌های ارسالی جهت پربار کردن همایش آئی توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی وزارت مسکن و شهرسازی از دیگر موارد بحث برانگیز در همایش اسکان غیررسمی بود.



## همزمان با یکصدمین سالگرد تصویب قانون بلدیہ اعلام شد: تدوین منشور ملی شهر، شهروند و شهرداری

فاطمه شهبازی



بزرگداشت یکصدمین سال تصویب نخستین قانون شهرداری‌ها و تاسیس شهرداری‌ها در ایران، نشست خبری با حضور سید مهدی هاشمی رئیس سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور و رسانه‌های خبری برگزار شد.

سید مهدی هاشمی، سابقه‌ی خدمات رسانی شهری و شهرنشینی در کشور را بیش از مدیریت شهری دانست و افزود: "نخستین قانون شهرداری‌ها در تاریخ دوازده خرداد سال ۱۲۸۶ هجری شمسی در مجلس شورای ملی به تصویب رسید و از آن تاریخ به بعد شاهد مدیریت نوین شهری و حاکمیت آن در کشور هستیم".

معاون هماهنگی امور عمرانی وزیر کشور تعداد شهرهای برخوردار از مدیریت شهری را یکصد هزار و شانزده شهر عنوان کرد و گفت: "چهل و چهار درصد از شهرداری‌ها قبل از انقلاب و پنجاه و شش درصد شهرداری‌ها پس از انقلاب تاسیس شده است".

ریاست سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور با اشاره به فعالیت‌های بی‌شمار مدیریت شهری در سطح شهر، شهرداری‌ها را زحمت‌کشان عرصه‌ی خدمات‌رسانی شهری برشمرد و افزود: "شهرداری‌ها از بدو تا پایان زندگی هر شهروندی با آنها ارتباط مستمر و مداوم دارند و ما یکصدمین سال تاسیس شهرداری‌ها را فرصت مغتنمی برای ارتقای سطح جایگاه شهرداری‌ها در کشور می‌دانیم که امید است برنامه‌های ویژه‌ی این مناسبت، بتواند سطح آگاهی شهروندان را نسبت به اقدامات و فعالیت‌های شهرداری‌ها ارتقا دهد".

سید مهدی هاشمی با اشاره به این که سه میلیارد ریال بودجه جهت بزرگداشت یکصدمین سال تاسیس شهرداری‌ها

مجلس شورای ملی در روز بیست و نهم آبان سال ۱۳۲۵ هجری قمری تصمیم گرفت تا با تصویب قانونی به اداره نابسامان امور شهری پایان دهد. در آن روز که مصادف بود با دوازده خرداد سال ۱۲۸۶ هجری شمسی، اعضای مجلس شورای ملی به توافق رسیدند که با تصویب نخستین قانون بلدیہ در کشور، مقدمات تاسیس و راه‌اندازی شهرداری‌ها را فراهم کنند.

تصویب این قانون که زمینه ساز اداره‌ی امور شهرها و ساماندهی آنها از طریق اصول علمی مدیریت شهری بود تا به امروز با موفقیت‌ها و ناکامی‌هایی به انجام رسیده است.

اکنون که یکصد سال از فراز و نشیب نخستین قانون بلدیہ و تاسیس شهرداری‌ها می‌گذرد، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور با تشکیل ستاد بزرگداشت یکصدمین سال تاسیس نخستین شهرداری در کشور، قصد دارد طی برنامه‌های ویژه‌ای، یک‌قرن فعالیت شهرداری‌ها را در سراسر کشور گرامی بدارد.

این ستاد از هشت کمیته فرهنگی، علمی و تحقیقاتی، امور شهرداری‌ها، امور اجرایی، برنامه‌ریزی، پشتیبانی، اطلاع‌رسانی و کمیته امور بین‌الملل تشکیل شده و شهرداران تبریز، بندرلنگه، مشهد، سمنان و اصفهان از اعضای آن به شمار می‌روند.

این ستاد در راستای اهداف مورد نظر فراخوانی منتشر کرد که در آن از همه‌ی اساتید، پژوهشگران و صاحب‌نظران مباحث شهری دعوت شد تا با ارسال مقاله‌های پژوهشی، اسناد، تصاویر، کتب و تشریحات شهرداری در جاودانه کردن میراث گران‌بهای ملی در سده‌ی شهرداری‌ها، همکاری و مشارکت کنند.

البته فعالیت‌های ستاد بزرگداشت یکصدمین سالگرد تاسیس نخستین شهرداری در کشور، به اینجا ختم نمی‌شود. بلکه برگزاری نشست‌های تخصصی پیرامون ارزیابی عملکرد شهرداری‌ها و مدیریت شهری در ایران، برگزاری نمایشگاه‌های ملی، منطقه‌ای و استانی در سطح شهرها با هدف اطلاع‌رسانی در خصوص اقدامات و دستاوردهای شهرداری‌ها و جلب مشارکت شهروندان در برنامه‌های شهرداری‌ها، و تقدیر از شهرداران و کارکنان برگزیده‌ی شهرداری‌ها را نیز در دستور کار خود قرار داده است.

در راستای اطلاع‌رسانی افزون‌تر از برنامه‌های ستاد



اختصاص یافته، برگزاری کنگره شهرداران سراسر کشور، دیدار شهرداران با مقام معظم رهبری، ریاست جمهور و روسای قوا، برگزاری کنگره تجلیل از مقام شامخ شهدا و ایثارگران شهرداری و برگزاری همایش شهرداران پایتخت‌های کشورهای اسلامی را از جمله برنامه‌های طراحی شده این ستاد برشمرد.

وی افزود: "سعی می‌کنیم امسال ضمن همفکری و برهمکنش با شهروندان و استادان و پژوهشگران و سایر صاحب‌نظران به تدوین سند ملی "منشور علمی شهر - شهروندی - شهرداری" اقدام کنیم که گام مهمی در زمینه ارتقای سطح مدیریت شهری در کشور محسوب می‌شود."

همچنین راه‌اندازی خبرگزاری شهرداری‌ها از دیگر برنامه‌های طراحی شده‌ی بزرگداشت یکصدمین سال تاسیس شهرداری‌ها است که هاشمی در این باره گفت: "شهرداری‌ها به عنوان نهادی پاسخگو و خدمت‌رسان در سطوح مختلف جامعه، ضرورت دارد که فعالیت‌ها و اقدامات خود را به اطلاع عموم جامعه و مسئولان برسانند، بنابراین تاسیس خبرگزاری شهرداری‌ها به عنوان یک پیشنهاد در ستاد مطرح شده که جزئیات آن پس از تصویب در شورای سیاست‌گذاری این ستاد، اعلام خواهد شد."

وی تهیه و انتشار اطلس جغرافیایی شهرهای ایران در یک قرن اخیر، کتاب روز شمار و کتاب تاریخ شهرداری‌ها در ایران، راه‌اندازی دانشکده‌ی مجازی مدیریت شهری با هدف تربیت نیروی انسانی متخصص برای شهرداری‌ها و ارائه‌ی آموزش‌های کاربردی در این زمینه، انتخاب و معرفی برترین‌های شهرداری و مدیریت شهری را از دیگر برنامه‌های یکصدمین سال تاسیس شهرداری‌ها در کشور ذکر کرد.

هاشمی برگزاری نمایشگاه ملی دستاوردهای شهرداری، برگزاری مسابقات فرهنگی و ورزشی با عنوان "در جشنواره‌ی فرهنگی و ورزشی شهرداری‌ها"، احداث ۱۰۰ واحد مسکونی برای نیازمندان، پیشنهاد ضرب‌سکه‌ی یکصد تومانی با آرم ویژه‌ی یکصدمین سال تاسیس شهرداری‌ها، انتشار تمپر یادبود و ختم یکصد میلیون صلوات برای سلامتی و تعجیل در ظهور امام زمان (عج) در ایام شعبانیه را از دیگر برنامه‌های این مناسبت برشمرد.

راه‌اندازی وب سایت جامع شهرداری‌ها و ارتباط آن با وب سایت شهرداری‌ها برنامه‌ای دیگر از سوی این ستاد است که معاون هماهنگی امور عمرانی وزیر کشور آن را فرصت مناسبی برای تقویت روابط شهرداری‌ها با یکدیگر و شهروندان دانست و یادآور شد: "در این بزرگداشت کار گروهی با موضوع بررسی مشکلات مدیریت شهری در اجرای قوانین شهری تشکیل خواهد شد تا با انعکاس نتایج آن به مسئولان قانون‌گذار، بتوانیم مسیر مدیریت شهری را هموار سازیم."

در ادامه‌ی این نشست خبری سید مهدی هاشمی نماینده‌ی رئیس جمهور در ستاد بزرگداشت هیجدهمین سالگرد ارتحال امام (ره) به تشریح برنامه‌های این ستاد پرداخت و گفت: "امسال یک و نیم میلیون زائر از سراسر کشور به صورت سازماندهی شده برای حضور در مراسم ویژه‌ی روز چهاردهم خرداد ثبت نام

کرده‌اند. علاوه بر اینها، ده‌هزار نفر از اقشار مختلف مردم سراسر دنیا متقاضی شرکت در این مراسم بودند که وزارت امور خارجه امکانات حضور آنها را فراهم ساخته است."

ریاست سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، بودجه‌ی رسمی بزرگداشت هیجدهمین سالگرد ارتحال امام (ره) را ده میلیارد ریال ذکر کرد و افزود: "وزارتخانه‌ها و سازمان‌های عضو ستاد اجرایی این بزرگداشت، طی یک تلاش دسته جمعی و با همکاری و پرداخت پنجاه میلیارد ریال کمک نقدی، مردم به برگزاری این مراسم مهم ملی و مذهبی یاری رساندند."

معاون هماهنگی امور عمرانی وزیر کشور در ادامه‌ی این نشست به پرسش‌های مختلف خبرنگاران نیز پاسخ گفت و در زمینه‌ی تبصره سیزده قانون بودجه‌ی سال ۱۳۸۵ کشور بیان داشت: "این قانون با حمایت مجلس در حال تبدیل به یک برنامه‌ی پنج ساله است و تا به امروز تبصره‌ی سیزده یا همان "تبصره‌ی سبز" تاثیر بسزایی در خدمات رسانی داشته و به گسترش حمل و نقل عمومی در کشور، بهینه‌سازی مصرف سوخت، جایگزین خودروهای فرسوده و جلوگیری از آلودگی هوا کمک کرده است."

وی در تشریح عملکرد این تبصره گفت: "تا سال هشتاد و چهار فقط چهل هزار دستگاه خودروی فرسوده در کشور از رده خارج شده بود ولی طی سال هشتاد و پنج، پنج برابر این تعداد خودروی فرسوده از رده خارج شده است."

رئیس شورای عالی ترافیک شهرهای کشور به توسعه‌ی ناوگان حمل و نقل عمومی اتوبوس اشاره کرد و افزود: "در سال ۱۳۸۵، شانزده هزار و پانصد اتوبوس به ناوگان حمل و نقل عمومی وارده شده است که در بخش تولید تا دو سال قبل تنها دو کارخانه در کشور اتوبوس تولید می‌کرد اما اکنون نه کارخانه در کشور به تولید اتوبوس‌های ویژه‌ی حمل و نقل عمومی شهری می‌پردازند و ظرفیت رسیدن به دوازده کارخانه در کشور وجود دارد."

سید مهدی هاشمی گسترش مترو در کلانشهرها را از اهداف عمده‌ی دولت دانست و از اختصاص ۳۰۰ میلیارد تومان به این امر در هفت شهر خبر داد و گفت: "تدبیر مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۶ چنین است که بودجه‌ی مترو به تفکیک شهرها صورت گیرد، آن گونه که در قانون بودجه نیز بدان اشاره شده است."

وی افزود: "برای احداث ۴۰۰ کیلومتر خطوط ریلی درون‌شهری برنامه‌ریزی شده، تاکنون در زمینه ۲۸۰ کیلومتر تصمیم‌گیری شده است و در آخرین جلسه‌ی شورای عالی ترافیک شهرهای کشور نیز احداث چهار خط قطار هوایی در تهران برای تکمیل خطوط مترو به تصویب رسید که نهایی شدن احداث این خطوط نیازمند مصوبه‌ی شورای شهر تهران و ارائه‌ی طرح‌های لازم از سوی شهرداری است."

به گفته‌ی وی فقدان تجربه‌ی کافی در احداث قطار هوایی منجر به تحلیل‌های مختلف در این زمینه شده است که اجرایی شدن آن به سه روش بستگی دارد؛ این که دولت به عنوان نقش اجرایی و شهرداری به عنوان پشتیبان و یا بالعکس ظاهر شده و یا هر دو به ایفای هر دو نقش بپردازند.



## گزارش‌های خبری

از سال‌های دور...

### بلدیه سنندج بلدیه‌ای به وسعت یک ایالت

فاطمه شهبازی



بسیاری در چهره‌ی شهر حادث کرده بود، ولی در زمان حکومت سلیمان خان اردلان در عهد سلطنت شاه طهماسب صفوی، وی نقش بسزایی در بازسازی شهر ایفا می‌کند. به طوری که وی از معماران اصفهانی در بازسازی شهر بهره گرفت و از این رو سبک معماری اصفهانی را در شکل‌گیری شهر سنندج بسیار می‌بینیم. به طوری که این سبک در ساخت چهارباغ‌ها و بازارها به خوبی مشهود است، از این زمان به بعد است که مرکز دارو الحکومه کردستان به شهر سنندج انتقال می‌یابد.

از آن پس والیان و حاکمان بعدی کردستان در دوره‌های حکومت خویش به رونق، شکوفایی و آبادانی سنندج می‌پردازند و داروغه‌ها امورات شهر را در دست می‌گیرند.

پس از اعلام مشروطیت و دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی در سطح کشور و ایجاد وزارت‌خانه‌ها در تهران و تأسیس ادارات در شهرستان‌ها و بلاد دیگر، اهالی

مرکز استان کردستان، یعنی شهرستان سنندج به سال ۱۰۴۶ هجری قمری بنا شده است. وجه تسمیه سنندج که نام سنه‌دژ یا سنه‌دج بوده به معنای قلعه‌ای در پای کوه می‌باشد، که توسط سلیمان خان اردلان بازسازی شده است.

این استان بیست و هشت هزار و ۲۳۵ وسعتی، دارای سابقه‌ی درخشان و پیشینه‌ی شایان توجهی است. به طوری که وجود مناطق کوهستانی، مراتع مطلوب، سرسبزی و طراوت طبیعت این ناحیه از جمله دلایلی بود که اولین قبایل آریایی پس از مهاجرت خویش به ایران در این منطقه ماوا گزیدند.

از سوی دیگر، اولین نقشه‌ی بر انداختن دولت قدرتمند آشور در این منطقه بی‌ریزی شده و پس از شکست آن حکومت در سال ۶۱۲ قبل از میلاد، اولین امپراتور ایرانی به نام دولت ماد در این نقطه شکل می‌گیرد.

اما حوادث و جنگ‌های مختلف در طول تاریخ تغییرات





۱۳۳۵ هجری شمسی رسماً افتتاح و مورد بهره‌برداری قرار گرفت، در این زمان دو دستگاه ماشین جیب برای شهرداری خریداری شد.

این ساختمان اکنون، ساختمان شهرداری سنندج به شمار می‌رود. محل آن در خیابان امام خمینی (ره) و نمای آن از سمت خیابان امام خمینی به صورت سنگی حجازی شده است، در نمای داخلی آن در ضلع جنوبی، ترکیبی از سنگ و آجر دیده می‌شود و استفاده از سنگ و آجر در نماهای ساختمان و همچنین استفاده از بیج و مهره برای اتصال تیر آهن‌های سقف از ویژگی‌های این ساختمان به شمار می‌رود.

با گذشت سی و یک سال از تأسیس بلدیه در سنندج تحولات چشمگیری در شهر ایجاد شده بود. به طوری که در سال ۱۳۳۳ هجری شمسی شهرداری، با جمع‌آوری گدایان سطح شهر نسبت به اسکان آنان در نوانخانه واقع در محله‌ی پیر محمد اقدام و کودکان بی‌سرپرست را نیز به افراد واجد شرایط سپرد.

در آن سال بلدیه‌ی سنندج چهار خیابان اصلی شهر به مسافت کوتاهی را آسفالت کرد و اداره‌ی برق و روشنایی شهرداری، معابر و خیابان‌های اصلی را روشنایی بخشید و برای همیشه به عمر چراغ‌های نفتی پایان داد. بلدیه‌ی سنندج مردم شهر را نیز فراموش نکرد و با واگذاری انشعاب برق به منازل، روشنایی را به خانه‌ها آورد.

همچنین خرید اولین ماشین آتش‌نشانی، اولین دستگاه کمپرسی حمل زباله به جای گاری، و یک دستگاه آمبولانس برای غسالخانه تلاش‌های دیگری بود که شهرداری سی و یک ساله سنندج در آن روزگار از خود به یادگار گذاشت.

کردستان در بیانیه‌ای خواستار تشکیل ادارات در کردستان می‌شوند.

در ذی‌عده‌ی سال ۱۳۲۷ هجری قمری برابر با سال ۱۲۸۶ هجری شمسی بود که ادارات دادگستری (عدلیه) شهربانی (نظمیه) ژاندارمری (امنیه) دارایی (مالیه) بهداشتی (صحه) کشاورزی (فلاحت) راه و ترابری (شوارع) و فرهنگ و هنر (معارف و ضایع مستظرفه) یکی پس از دیگری تأسیس شدند و در آخر، شهرداری (بلدیه) بود که در سال ۱۳۰۰ هجری شمسی در زمان حکومت مظفرخان سردار انتصار حکمران وقت کردستان با بودجه ۱۰۰ تومان یا هزار قران تأسیس و با اولین انتخابات به نام اعضای کمیسیون بلدیه‌ی ایالت کردستان (اعضای انجمن شهر یا شورای شهر) تشکیل شد.

اما نخستین شهردار که بود؟ محمدباقر خان حبیبی ملقب به سالار مفخم که قبل از آن سمت ریاست شهربانی یا نظمیه کردستان را بر عهده داشت در سال ۱۳۰۲ هجری شمسی از سوی اعضای کمیسیون بلدیه‌ی ایالت کردستان به عنوان اولین رئیس بلدیه‌ی ایالت کردستان انتخاب و تا سال ۱۳۰۸ هجری شمسی در این سمت باقی می‌ماند.

در زمان ریاست وی، تعیین نرخ ارزاق عمومی، امور رفعت و روب و روشنایی معابر، سایر امور اجتماعی، تعیین نحوه‌ی فعالیت اداری و میزان بودجه‌ی سالیانه و تعداد پرسنل از جمله وظایف بلدیه به شمار می‌رفت.

شاید پرسیده شود بلدیه‌ی سنندج چه ارتباطی با بلدیه‌ی کردستان دارد. گفتنی است در سال ۱۳۱۵ هجری شمسی بلدیه‌ی ایالت کردستان به نام شهرداری کردستان تغییر نام یافت و در سال ۱۳۲۶ هجری شمسی، شهرداری کردستان به شهرداری سنندج تبدیل گشت.

در آن روزگار شهرداری در خانه‌های استیجاری در محوطه‌ی سر تیوله و کوچه‌ی لشگر پشت ستاد لشگر بیست و هشت سابق و منزل خان خانان پایین تر از مسجد امام زاده پیر عمر مستقر بود.

اما در سال ۱۳۳۳ هجری شمسی یعنی بعد از کودتای بیست و هشت مرداد، به همت وزیری (شرف الملک) قطعه زمینی خریداری و این ساختمان با نظارت حاج علی صعودی مشهور به معمار باشی و استادانی چون عبدالخلق قصر ساز مشهور به خالو و فرزندش خلیل و استادانی چون اسداله برزگر به اتفاق فرزندانش صدیق و سعید برادران پهلوانی، استاد اکبر، حسن جنتی، عبدالله کوره‌پز و استاد سید حسن سروری، محی الدین عبد مؤخر و ابراهیم مختار پوریانی در سه طبقه ساخته شد.

این ساختمان با ورود هیئت دولت به ریاست اقبال نخست وزیر وقت و اقامت وی در شهرداری سنندج به سال



## بلدیه یزد در گذر زمان



از انقلاب و سیزده نفر از آنها را بعد از انقلاب می بینیم. اسامی این شهرداران عبارتند از: ۱- فتاحی، ۲- عباس صدر، ۳- مصطفوی نائینی، ۴- سید علی افصح زاده، ۵- صفت، ۶- غفار یزدی، ۷- صادق نواب، ۸- نوایی، ۹- دهقان، ۱۰- ممنون، ۱۱- مرندی، ۱۲- جعفر زاده، ۱۳- عون جزایری، ۱۴- عسگری کامران، ۱۵- حق شناس، ۱۶- پیمانی، ۱۷- صادق توفیق، ۱۸- ابوالقاسم فاضلی، ۱۹- ملک منصور خواجه نوری، ۲۰- مجید آقایان، ۲۱- حسن شریعتی، ۲۲- مؤید اعلایی، ۲۳- واردی، ۲۴- صادقیان، ۲۵- اصلانی، ۲۶- علی ترابی (سرپرست شهرداری)، ۲۷- محمدعلی وحدتی، ۲۸- ریسمانیان (سرپرست شهرداری)، ۲۹- علی اکبر فرشی، ۳۰- محمدحسن خورشید نام، ۳۱- سیدعلی محمد اعلایی، ۳۲- محمد مهدی شرافت، ۳۳- سید علی مشتاقیون (سرپرست شهرداری)، ۳۴- سید علی اکبر آرامون، ۳۵- مرتضی شایق، ۳۶- محمدجواد حاجی محمد رضایی (سرپرست شهرداری) و ۳۷- سید علی اکبر میر وکیلی. اما ساختمانی که شهرداران شهر یزد بتوانند برای اداره شهر در آن اقامت گزینند، هرگز ساختمانی واحد نبوده است. ساختمان شهرداری یزد در دوره های مختلف تغییر می کرده، به طوری که به ترتیب ساختمان حکومتی در استانداری قدیم، طبقه اول مسافرخانه اطمینان، مجدداً ساختمان حکومتی استانداری قدیم، ساختمان سپاه دانش در میدان شهید بهشتی، ساختمان سینما ایران و منزل حاجی میزرا خالق در میدان آزادی (ساختمان فعلی) ساختمان شهرداری یزد به شمار می رفته است. در حال حاضر شهرداری یزد دارای سه منطقه، یک ناحیه تاریخی و ۱۰ سازمان می باشد.

یزد به معنای پاک و مقدس است، شهر یزد نیز به مفهوم شهر خدا و سرزمین مقدس است. در دوره ی اسلامی شهر یزد را دارالعباده می نامیدند. اهمیت دینی شهر یزد تا پیش از اسلام به حدی بود که از اطراف و اکناف به ویژه در ایام بهار برای عبادت به این مکان سفر می کردند.

یزد نگین کویر است و اولین بار نام آن در کنار اسم "چیتتر تخمه" یکی از همزمان داریوش آورده شد. مورخان یونانی، شهر کهن و باستانی یزد را "ایستاتیس" می خواندند. بعدها بر ویرانه های "ایستاتیس" "کته" به وجود آمد. این شهر، هسته ی اولیه شهر کنونی و مرکز حکومتی و اقتصادی در قرون اسلامی بوده است. جغرافی دانان بعد از اسلام، نام یزد را همراه نام "کته" ذکر کرده اند.

شهر باستانی یزد در کنار آبراه سگزه و منتهی الیه مسیر آب نفت در تقاطع راه های باستانی ری- کرمان و پارس- خراسان قرار داشته است. این ناحیه همواره در دوره ی هخامنشیان از راه های معتبر، موسسه های راهداری، مراکز پستی و چاپاری برخوردار بوده و در قدیم چنان اهمیتی داشت که خاندان آل مظفر از منصب راهداری ناحیه ی مینید به پادشاهی رسیدند. نگاهی به تاریخ معاصر شهر یزد نشان می دهد که اوضاع ایران و ناحیه ی یزد از زمان سلطنت فتحعلی شاه (۱۲۵۰-۱۲۱۲ هـ.ش) دستخوش نابسامانی و عرصه ی رقابت و جباول اولاد، نوادگان و شاهزادگان قاجاریه می شود. در پایان سلطنت ناصرالدین شاه قاجار، یزد جزو حوزه نفوذ تجاری انگلیس ها شده و کمیانی هند شرقی در این ناحیه فعالیت وسیعی را آغاز می کند.

از این زمان به بعد، زمینه ی صدور مواد خام از شهر یزد و ورود کالاهای ساخته شده خارجی فراهم آمده و همراه با گسترش تجارت خارجی امر بانکداری و صرافتی نیز در این ناحیه رشد می کند.

مقارن پایان دوره ی قاجاریه بلدیه ی یزد فعالیت خود را آغاز نمود. در سال ۱۳۱۰ هجری شمسی بلدیه ی یزد با به خدمت گرفتن سه کارگر، یک نفر بازرس و بیست رفتگر موجودیت خود را اعلام می کند.

فتاحی، فردی بود که ریاست بلدیه را پذیرفت. در آن زمان میانگین بودجه ی بلدیه بین نه تا دوازده هزار تومان بود و این مقدار بودجه از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۸ هجری شمسی ثابت ماند.

در سال ۱۳۱۷ هجری شمسی نیز اولین انجمن شهر یزد تشکیل شد که اعضای آن را، ابوالحسن مشروطه، ناظم التجار، محمود آقا عسگری، ملک التجار، شیخ مهدی طاهری، سهراب کیانیان، سید جلیل و سید عباس فاضلی تشکیل می داد.

از زمان تاسیس بلدیه در یزد سی و هفت نفر شهردار در این شهر روی کار آمده اند که هجده نفر از آنها یزدی و بقیه غیر یزدی بوده اند، و در کل بیست و چهار نفر از شهرداران را قبل



## بلدیه‌ی سلماس پدیده‌ای پس از زلزله



تخریب و فراموشی نام شهر به کرات در هر دوره‌ی تاریخی ثبت و ضبط شده است.

سال‌ها بعد، یعنی در اردیبهشت ۱۳۰۹ هجری شمسی زلزله‌ای به بزرگی ۵/۵ ریشتر سلماس را در ساعت ۱۰ صبح لرزاند و باعث خرابی چند مغازه، خانه و کشته شدن ۱۵ نفر شد. البته چند روز قبل از آن روستاهای همجوار نیز در اثر زلزله، لرزیده بودند و این باعث شده تا مردم سلماس و دیگر روستاهای اطراف خانه‌ها را ترک گویند.

در این میان فرمانده سرباز خانه شهر سلماس، ضمن هشدار به مردم، آنها را از خوابیدن در زیر سقف سنگین خانه‌ها برحذر می‌داشت، اما حرکت تحسین برانگیز این فرمانده، زمانی بود که آماده باش سربازان پادگان و امدادسانی آنان را در فردای آن روز اعلام کرد.

این زلزله در نشریه‌ی مهم زلزله‌نگاری جهان در ساعت ۷:۴:۲۲ به وقت جهانی و حدود ساعت ۱۰ صبح به وقت محلی ثبت شده است. اما ۱۵ سال بعد در نیمه شب همان روز، زلزله‌ای با قدرت ۷/۴ ریشتر، سلماس را به کلی تخریب و ویران کرد.

پس از استقرار آرامش در سلماس، شهر جدیدی در یک کیلومتری دیلمغان بر محل فعلی شهر سلماس با نقشه صحیح شهرسازی و مهندسی به صورت شطرنجی توسط اسدالله خاور زمین احداث شد، در آن زمان به هر یک از اهالی شهر ویران شده سلماس قطعه زمینی مناسب جهت خانه‌سازی و اسکان داده شد.

در این شهر و در همان سال وقوع زلزله یعنی ۱۳۰۹ هجری شمسی، بلدیه‌ی سلماس تأسیس شد، و میرزا مهدی خان هیئت اولین شهردار شهر زلزله‌زده‌ی سلماس بود که بی‌شک در آن زمان، مشکلات بی‌شماری در اسکان و بازسازی خانه‌های ویران شده شهر داشته است. میرزامهدی خان هیئت که تا سال ۱۳۱۳ هجری شمسی، ریاست بلدیه شهر سلماس را بر عهده داشت، در ساختمانی به امور شهر پرداخت که بعد از زلزله ۱۳۰۹ هجری شمسی احداث شد.

طبیعت چندگونه، کوه‌های سرسبز و پر آب سلماس سبب شده است. در هزاره‌های قبل از میلاد، این شهر ماوای گروهی از انسان‌های باستانی شود که دانشمندان توانسته‌اند با اکتشافات و مطالعات باستان‌شناسی خود، حضور انسان‌هایی از نوع نئاندرتال پیشرفته را در کوه‌هاغاره‌های نزدیک به سلماس ثابت کنند.

وجود شواهدی از قبیل اوبسیدین‌های بران در منطقه‌ی هوده و "گوراوغلی قلاسی" نشان‌دهنده‌ی استقرار تمدنی هم سطح باکول تپه‌ی یازده هزار ساله‌ی سلماس "mezolitic" در سلماس می‌باشد.

در تاریخ سلماس آمده، اقوام هورری که از خویشاوندان نزدیک سومری‌ها بوده و در پرورش اسب معروفیت داشتند و نیز گوتی‌ها و ترکان آس که نام سلماس از این نام مشتق شده است، همگی در سلماس قدیم موجد تمدن بسیار پیشرفته در اعصار ۵ هزار سال قبل بودند.

کاتب چلبی مشهور به حاجی خلیفه در کتاب جهان نما (قرن یازدهم هجری) درباره سلماس می‌نویسد:

"سلماس شهری است از شهرهای سرحدی آذربایجان و معدود از تومان خوی که عبارت از سلماس و اورمیه و خوی و اشنویه است. این شهر در هفتاد و نه درجه طول و سی و سه درجه عرض و در سمت غربی تبریز در منتهای حدود آذربایجان واقع است. این قصبه از طرف شرق به قصبه دیلمغان و بحیره اورمی و از جانب جنوب به اشنویه و از جهت غرب به کوهستانات حکاری و از سمت شمال به گردنه قوسقون قران محدود می‌شود."

شهر سلماس به سبب اوضاع نامساعد سیاسی و امنیتی در طول تاریخ، متروک و مخروبه گردید و آنچه در منابع تاریخی اواخر صفویه و استیلای کریم خان زند و حکومت افشارها و سایر کتب مربوط به تاریخ آذربایجان، تحت عنوان سلماس ذکر می‌گردید، سلماس بود نه شهر سلماس.

بی‌شک اهمیت و شکوه و عظمت قبلی شهر سلماس سبب جاویدان شدن نام سلماس شده بود و گر نه صدها مورد





## حاکم مهاباد شهردار نخستین بلدیه



مهاباد در گذشته، آبادانی کوچک و بی اهمیتی بود، ولی در سال ۱۰۳۸ هجری قمری در اواخر سلطنت شاه عباس اول، شخصی به نام براق السلطان که ریاست قوم مکرری را به دست گرفته بود، مرکز حکومت خود را به مهاباد منتقل کرد. این شخص آثاری نظیر بردی سو (پل سرخ) ۱۰۷۹ هجری قمری و نوگوتی سو (مسجد سرخ) ۱۰۸۹ هجری قمری را از خود به یادگار گذاشته است.

نام قبلی این شهر ساوجبلاغ (چشمه‌ی سرد) بود که در ۱۴ مهر ماه ۱۳۱۴ هجری شمسی همزمان با تغییر نام تعدادی از شهرهای ایران به مهاباد تبدیل شد. در این سال بلدیهای مهاباد فعال بود، یعنی در سال ۱۳۰۲ هجری شمسی حاکم شهر، احمد اشعری با حفظ سمت به ریاست شهرداری مهاباد در آمد. این شهر در گذشته در اثر زلزله‌ای نابود و مجدداً ساخته شد.

لیست شهرداران مهاباد از بدو تاسیس

ردیف	نام و نام خانوادگی	سعت	مدت خدمت	
			از تاریخ	تا تاریخ
۱	احمد اشعری	حاکم و شهردار مهاباد	۱۳۰۲ شمسی	
۲	بدالله سریع القلم	حاکم و شهردار مهاباد	۱۳۱۶/۸/۱ شمسی	
۳	تکین	حاکم و شهردار مهاباد	۱۳۱۷/۲/۲ شمسی	
۴	گدال‌الدین صالحی	شهردار مهاباد	۱۳۱۷/۴/۱ شمسی	
۵	کاظم کسمایی	شهردار مهاباد	۱۳۱۸/۴/۲ شمسی	
۶	صفوی	شهردار مهاباد	۱۳۱۹/۱/۱۹ شمسی	
۷	امام‌زاده	شهردار مهاباد	۱۳۱۹/۳/۲۱ شمسی	
۸	غلی خسروی	شهردار مهاباد	۱۳۲۰/۷/۲۰ شمسی	
۹	میر ممتاز	فرماندار و شهردار مهاباد	۱۳۲۶	سال ۱۳۲۷ شمسی
۱۰	سید جعفر حسینی	شهردار مهاباد	۱۳۲۷	سال ۱۳۲۸ شمسی
۱۱	عبدالزاده	شهردار مهاباد	۱۳۲۸	پارچه‌بیشفت ۱۳۲۹ شمسی
۱۲	کلکی	شهردار مهاباد	۱۳۲۹	۱۳۳۰ شمسی
۱۳	ستار سالاری	شهردار مهاباد	۱۳۳۰	۱۳۳۲ شمسی
۱۴	سید باقر منصوروی	شهردار مهاباد	۱۳۳۲	۱۳۳۲ شمسی
۱۵	محمدتقی‌آلب	شهردار مهاباد	۱۳۳۴	۱۳۳۵ شمسی





ردیف	نام و نام خانوادگی	سمت	مدت خدمت	
			از تاریخ	تا تاریخ
۱۶	ستار سالاری	شهردار مهاباد	۱۳۳۶	۱۳۳۹ شمسی
۱۷	رفیع زاده	شهردار مهاباد	۱۳۳۹/۵/۲۳	۱۳۴۰/۵/۲۱ شمسی
۱۸	رحمان مدرسی	شهردار مهاباد	۱۳۴۰/۵/۲۲	۱۳۴۲/۴/۱ شمسی
۱۹	سید رحیم حسینی	شهردار مهاباد	۱۳۴۲/۴/۲۲	۱۳۴۴/۳/۷ شمسی
۲۰	شاپور کیان	فرماندار و شهردار مهاباد	۱۳۴۴/۳/۸	۱۳۴۶/۳/۲۴ شمسی
۲۱	ویلیام لازار	شهردار مهاباد	۱۳۴۶/۴/۲۷	۱۳۴۷/۱/۲۲ شمسی
۲۲	مهدی کاتوزی	شهردار مهاباد	۱۳۴۷/۶/۱۱	۱۳۴۷/۹/۱ شمسی
۲۳	محمد صادق شرفی	شهردار مهاباد	۱۳۴۷/۹/۲۰	۱۳۴۸/۹/۱ شمسی
۲۴	سید حسن باباطاهری	شهردار مهاباد	۱۳۴۸/۱۰/۲	اول فروردین ۱۳۵۱ شمسی
۲۵	سید حسن باباطاهری	شهردار مهاباد	۱۳۵۲/۸/۸	۱۳۵۳/۵/۳ شمسی
۲۶	حسن خاتمی	شهردار مهاباد	۱۳۵۳/۴/۱۲	۱۳۵۵/۸/۸ شمسی
۲۷	محمد آریایی	شهردار مهاباد	۱۳۵۵/۸/۲۱	۱۳۵۶/۷/۲۵ شمسی
۲۸	فتاح کاویان	شهردار مهاباد	۱۳۵۶/۷/۲۶	۱۳۵۷/۷/۲۶ شمسی
۲۹	محمود قهرمانی	شهردار مهاباد	۱۳۵۷/۳/۶	۱۳۶۱/۳/۳۱ شمسی
۳۰	منعمود زینت‌آفاق	شهردار مهاباد	۱۳۶۱/۳/۲	۱۳۶۳/۱۰/۳۰ شمسی
۳۱	اله وردی حسن پور	شهردار مهاباد	۱۳۶۲/۱۱/۱	۱۳۷۰/۴/۱۱ شمسی
۳۲	حبیب اله شریفی	شهردار مهاباد	۱۳۷۰/۶/۱۸	۱۳۷۷/۸/۳ شمسی
۳۳	رحمت داودی	شهردار مهاباد	۱۳۷۱/۸/۳	۱۳۷۳/۳/۲۷ شمسی
۳۴	علی اوچانی	شهردار مهاباد	۱۳۷۴/۳/۵	۱۳۷۶/۴/۸ شمسی
۳۵	حسین بدالهی	شهردار مهاباد	۱۳۷۶/۳/۳	۱۳۷۸/۶/۳۱ شمسی
۳۶	ابراهیم سلطانی	شهردار مهاباد	۱۳۷۸/۷/۲۲	۱۳۸۰/۳/۱۰ شمسی
۳۷	فواد منصور پور	شهردار مهاباد	۱۳۸۰/۶/۱۳	۱۳۸۲/۱/۵ شمسی
۳۸	ابراهیم سلطانی	شهردار مهاباد	۱۳۸۲/۳/۱۰	۱۳۸۶ شمسی
۳۹	اسماعیل مصطفی نژاد	سرپرست	۱۳۸۶/۱-۲	فعلی



## آمل با بلديه ای هشتاد و چهار ساله

روی کار آمد و سید محمود حکیمی نیاکی نخستین کسی بود که به ریاست بلديه در آمد .



اسامی شهرداران آمل از بدو تاسیس تاکنون

سید محمود حکیمی ۱۲۰۲	نصرت الله لیتکوهی ۱۳۱۰	سلیمان انتظام ۱۳۱۲	حسین منصور ۱۳۲۵	سید علی پوشداد ۱۳۲۵	عبدالجواد وزیری ۱۳۳۲	لطف الله فخرایی ۱۳۳۶
منوچهر سعیدی ۱۳۳۸	مرتضی ایوبقده ۱۳۳۹	شاگرد ۱۳۴۰	حسام الدین هاشمیان ۱۳۴۲	سرهنگ شستری ۱۳۴۵	یوسف بیرزاد ۱۳۴۶	یحیی احمدرضایی ۱۳۴۷
قاسم منبیر ۱۳۳۸	رضا ایزدی ۱۳۴۹	یوسف عینیان ۱۳۵۱	فرج الله اویسی ۱۳۵۲	منصور طلوعی ۱۳۵۵	موسی سجلی ۱۳۵۶	سیدی نظربور ۱۳۵۷
قربانعلی نیک پور ۱۳۵۸	علی اکبر شاکریان ۱۳۵۹	عبدالحسین موسوی ۱۳۶۰	فریدون رستم میری ۱۳۶۱	رحمان انصاری ۱۳۶۲	غلامرضا نجفی ۱۳۶۵	حسین صادقلو ۱۳۶۹
حمیدرضا حیدریان ۱۳۷۲	سقا صالحی ۱۳۷۲	موسی خلیلی ۱۳۷۵	رحمان انصاری ۱۳۷۶	محمد هاشم پور ۱۳۷۷	پروین تلجی ۱۳۸۲	ولی الله قاری ۱۳۸۶

آمل شهری است قدیمی، به قول مورخین مسکن قوم ماد یا آمارد بوده و شاید هم آمل از این قوم نام گرفته باشد. بنای آن را به آمله دختر یکی از سرکردگان دیلمی نسبت داده اند. در دوره‌ی اسلامی از مراکز مهم تجارت و صنعت گردید و زمانی پایتخت طبرستان بود. سلطان مسعود غزنوی در سال ۴۲۶ هجری قمری و امیر تیمور در سال ۷۷۵ هجری قمری آن را تاراج کردند. علاوه بر آن چند بار دستخوش زمین لرزه و سیل گردیده و ویران شده است. در این شهر پس از تصویب قانون بلديه و استقرار شهرداری در شهرها، به سال ۱۳۰۲ هجری شمسی بلديه

## نظارت بر تمامی امور شهری در ماکو

همگی حکایت از قدمت چندین هزار ساله این شهرستان دارد. یکی از قدیمی ترین طایفه‌های ماکو که از صفویه به مرزداري از سر حد شمال غربی کشورمان در این شهر مشغول بودند، السطنه ماکویی معروف به سردار ماکو بود که در زمان قاجاریه با شرکت در جنگ‌های ایران و روسیه و ابراز رشادت‌هایی نزد مردم اعتبار فراوانی کسب کرده بود. این شخص در زمان رضاشاه به دست عبدالله خان طهماسبی، امیر لشکر آذربایجان در تبریز به قتل رسید و ثروت عظیم این سردار توسط دولت تصاحب شد. اولین شهردار ماکو مرحوم امینی نام داشته که در سال ۱۳۱۶ سمت شهردار و فرماندار ماکو را عهده‌دار بوده است و تحت نام "حاکم ماکو" در شهر حکمرانی کرده است. این در حالی است که براساس بررسی‌های به عمل آمده، شهرداری ماکو در سال ۱۳۱۴ تأسیس شده است. شهردار امینی که با نام حاکم بر تمامی امور شهر نظارت می‌کرده، فعالیت‌هایی همچون روشنایی، نظیف شهر و مواردی از این دست را عهده‌دار بوده است.

شهر ماکو در شمال غربی ایران قرار گرفته و با دو کشور ترکیه و آذربایجان هم مرز است. سکونت در این سرزمین به سال‌های دور باز می‌گردد، گرچه در مورد وجه تسمیه‌ی ماکو حدس و گمان‌های بی‌شماری وجود دارد، اما گفته می‌شود محل زندگی روحانیون زردشتی بوده است که در اصل ماگوش نام داشته و به مرور ایام ماکو شده است.

قدیمی ترین ابنیه‌ی تاریخی ماکو به دوره‌ی اوراتوها مربوط است که وجود اطاق‌های سنگی، کشف کتیبه‌هایی به خط میخی توسط باستان‌شناسان موید این مطلب است. همچنین شهر قدیم ماکو در سال ۱۰۱۲ هـ. ش توسط شاه عباس صفوی در دامنه‌ی کوه بنا شد و تا زمان شاه عباس دوم صفوی باقی و آباد بود.

در گوشه و کنار این شهرستان آثار تاریخی فراوانی وجود دارد. از جمله ساختمان کلاه فرنگی، ایوان فرهاد، کاخ معروف سردار ماکو، مسجد جامع ماکو، ساختمان شورای داور، بقایای شهر تاریخی دامباط، کلیسای طلاووس، مقبره‌ی شیخ صدرالدین و مواردی از این دست به همراه قلعه‌های عظیم و برج‌های رفیع





## از ساختمان بلدیه تا آمدن شهردار شوشتر گستی ده ساله

اما باز یک سؤال پیش می‌آید که چطور است مجلس شورای ملی در جلسه ۱۲ خرداد ماه ۱۳۰۸ هجری شمسی بودجهی بلدیهای شوشتر را تصویب می‌کند، به طوری که مبلغ ۵۸۱۰ تومان از محل عایدات راه و ۱۹۴/۹ تومان نیز عواید تقریبی مستغلات بوده که کمیسیون بودجه پس از تصویب آن را به وزارت داخله ابلاغ کرده است ولی تاریخ تاسیس بلدیهای شوشتر ۱۳۱۷ هجری شمسی عنوان می‌شود؟! طبق تحقیقات این ستاد یک سال پس از تاسیس بلدی، ساختمان شهرداری در این شهر در سال ۱۳۱۸ خورشیدی به بهره‌برداری می‌رسد. و مرحوم سید میرزا تقی مرعشی در سال ۱۳۲۸ هجری شمسی به عنوان اولین شهردار در این ساختمان مشغول به کار می‌شود.

نکته ابهام‌برانگیز تاریخی در بلدیهای شوشتر باز می‌گردد به وقفه‌ای که بین تاسیس ساختمان شهرداری و روی کار آمدن اولین شهردار وجود دارد. فاصله‌ای به مدت ۱۰ سال، گمانه‌زنی‌های مختلفی را بدنبال می‌آورد که باید آن را در حافظه تاریخی این شهر جستجو کرد. ساختمانی بدون شهردار که در طول آن سال‌ها به مهمانسرای مسافران خسته از راه تبدیل می‌شود.

با گذشت یکسال از روی کار آمدن نخستین شهردار، شهر شوشتر چهره روستایی خود را حفظ کرده بود، اما سال ۱۳۲۹ هجری شمسی، سالی است که میرزا تقی مرعشی اولین شریانی اصلی شوشتر را خیابان طالقانی (فعلی) احداث می‌کند.

امروز هر بازدیدکننده‌ای در شهر شوشتر بنایی را می‌بیند که بی‌شک آن را ساختمانی فرسوده قلمداد می‌کند، آری آن ساختمان، کشتارگاه شهرداری شوشتر است که عمری شصت و چند ساله دارد، به گفته ستاد یکصدمین سالگرد تاسیس شهرداری‌ها این ساختمان همان ساختمان بلدیهای است.

تاریخ ۸ هزار ساله‌ی استقرار دولت‌های بزرگ باستانی در دشت وسیع خوزستان، حکایت از تمدن عظیم شهر شوشتر دارد. شکوه تمدن این شهر در ردیف تمدن‌های ما قبل تاریخ، به دوران هخامنشیان و ساسانیان باز می‌گردد. برخی از تاریخ‌نویسان معتقدند که نام شوشتر از واژه شوشا یا سوسا یعنی دلپسند گرفته شده است و بعضی آن را شاه‌شاطر یعنی شهرشاه می‌دانند. در جای دیگر واژه شوشتر را صفت برتر شوش دانسته‌و برخی شوش را به معنی خوب و شوشتر را خوب‌تر می‌دانند.

اعراب این شهر را تستر، عده‌ای نیز آن را به مناسبت این که در گذشته شش دروازه داشته است، شش در گفته‌اند. شوشتر با بهره‌گیری از تخصصی‌ترین شبکه باستانی تجهیزات آبی، از کم نظیرترین شهرهای جهان محسوب می‌شود به طوری که استفاده از انرژی‌های حاصله از گردش آب در فرهنگ زیستی مردم این شهر نشان از تدبیر هوشمندانه آنها در طول تاریخ بوده است.

علاوه بر اینها، از ویژگی‌های این شهر، می‌توان به عبور دو شاخه از رود کارون از میان شهر اشاره کرد. رودخانه کارون بزرگ‌ترین رود کشور، در شمال غربی شهرستان شوشتر به دو شاخه تقسیم می‌شود، یک شاخه که آن را گرگر می‌نامند از بند معروف به بند میزان می‌گذرد و شاخه دیگر از شمال غربی شوشتر، از سد معروف به شادروان عبور کرده و به سوی جنوب غربی جریان می‌یابد.

این دو شاخه به علاوه رودخانه دز در بند قیر به یکدیگر می‌پیوندند، این امر شهر شوشتر و زمین‌های واقع در بین دو رودخانه را به صورت یک جزیره در آورده است.

اما شهرداری و یا همان بلدیهای چه زمانی در این شهر تاریخی و با قدمت بیش از ۸ هزار سال تاسیس شده است. طبق تحقیقات ستاد یکصدمین سال تاسیس شهرداری‌ها در شهر شوشتر، در سال ۱۳۱۷ هجری شمسی شوشتر صاحب بلدیهای می‌شود.





## اولین جشنواره‌ی شکوفه‌های آلو در کدکن

به شکرانه‌ی نزولات آسمانی، اولین جشنواره‌ی شکوفه‌های آلو با همکاری شهرداری و شورای اسلامی شهر کدکن و



خشک کردن زعفران به چشم می‌خورد. اما نکته‌ی جالب در مراسم شکرانه‌ی نزولات آسمانی، ساخت تعدادی تنور در محل‌های خاص بود که با استفاده از آنها بانوان کدکنی با پخت نان سنتی، پذیرای بازدیدکنندگان بودند. همچنین، سامور دغالی که جهت تهیه‌ی چای در مراسم به چشم می‌خورد، از دیگر دیدنی‌های این جشنواره بود.



معاونت فرهنگی و ارتباطات سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان خراسان رضوی در محل بوستان شاهد شهر کدکن برگزار شد. شهر کدکن از جمله شهرهایی است که کشت و برداشت آلو در آن منبع درآمدی مناسبی برای شهروندان محسوب می‌شود. در این شهر نزدیک به ۷۰۰ هکتار باغات آلو وجود دارد که اوایل فروردین و اردیبهشت شکوفه‌های آن به بار نشسته و کشاورزان را به برداشت افزون‌تر امیدوار می‌سازد. از این رو بود که ساکنان کدکن به شکرانه‌ی نزولات آسمانی دور یکدیگر جمع شدند تا طی مراسمی باشکوه، اولین جشنواره‌ی شکوفه‌های آلو را برگزار کنند.

این جشنواره که ساعت ۹ صبح تا ۱۸ ادامه داشت، میهمانان بی‌شماری را از مقامات کشوری تا محلی در خود جای داده بود. در اولین جشنواره‌ی شکوفه‌های آلو مسابقات کشتی چوخه، پرواز بادبادک‌ها، دومیدانی، طناب‌کشی و جشنواره‌ی غذاهای سنتی نیز برگزار شد و هنرمندان با اجرای موسیقی سنتی و رقص آیینی شور و حال دیگر به این مراسم دادند. ناگفته نماند که در حاشیه‌ی این جشنواره نمایشگاهی از ادوات کشاورزی، صنایع دستی، گیاهان دارویی شهر کدکن، و آموزش طریقه‌ی

## حیاتی دوباره به پارک بش قارداش در بجنورد

چشمه‌ی پارک بش قارداش با قدمتی بیش از ۳۰۰ سال که در استانه‌ی خشکسالی بود، با حفر ۲ حلقه چاه از سوی شهرداری بجنورد در استان خراسان شمالی و بارش‌های بهاری، حیاتی دوباره یافت.

پارک تفریحی بش قارداش با قدمتی بیش از ۳۰۰ سال و مساحت ۷۰ هکتار، در ۵ کیلومتری جنوب شهر بجنورد در مسیر جاده بجنورد-اسفراین، روزانه پذیرای ۵ هزار نفر است. آب معدنی چشمه و فضای دلپذیر آن به مدد وجود درختان کهنسال چنار

واقایا همواره مورد توجه طبیعت‌دوستان بوده است. اما در سال‌های اخیر جریان چشمه‌ی پارک تفریحی بش قارداش با دبی ۴۰ لیتر در ثانیه به دنبال کاهش بارندگی‌ها و برداشت آب از چاه‌های منطقه ارکان بجنورد دچار خشکسالی شد، عباس حسینی شهردار بجنورد در این باره گفت: "برای نجات این چشمه تلاش‌های فراوان و پیگیری‌های متعددی از سوی کارشناسان خبره صورت گرفت و توانستیم با دریافت مجوز حفر ۲ حلقه چاه از سازمان آب منطقه‌ای و بارندگی‌های بهاری، آب با دبی ۱۰ لیتر در ثانیه به این چشمه برگردانیم."

حسینی با اشاره به تلاش شهرداری بجنورد برای تامین آب این پارک ملی گفت: "همراه با دبی موجود این چشمه، تامین آب با تانکر با ظرفیت ۹۰ هزار لیتر، منجر شده تا درختکاری این مجموعه به ۷۰۰

هکتار افزایش یابد." شهردار بجنورد توانایی ایجاد سد خاکی و همچنین ایجاد خط انتقال آب برای هدایت آب‌های سطحی شهر به سمت چشمه‌ی بش قارداش را از اهداف آتی شهرداری ذکر کرد.

وی با اشاره به توانایی شهرداری در اجرای طرح‌های استخر، دریاچه‌ی قایقرانی، گسترش باغ ایرانی، کمپ اقامتی و هتل در پارک بش قارداش، هزینه آن را ۵۰ میلیارد ریال برآورد کرد که به گفته وی طی یک برنامه‌ی مدون ۵ ساله محقق خواهد شد.

حسینی ثبت پارک بش قارداش را در فهرست پارک‌های گردشگری ملی، امتیازی مثبت برای شهر بجنورد خواند و اعلام کرد با جذب اعتبارات دولتی، این هدف در آینده‌ی نزدیک به اجرا در می‌آید.



## دفن اصولی زباله‌های عفونی در قم

شهرداری قم در راستای ارتقای سطح بهداشت محیط، روزانه ۳ هزار کیلو زباله‌ی عفونی و خطرناک بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها را به صورت مکانیزه و توسط ناوگان مستقل جمع‌آوری و دفن می‌کند.

سرپرست معاونت خدمات شهری شهرداری قم با اشاره به این که در گذشته برنامه‌ی جامع در

جمع‌آوری زباله‌های عفونی وجود نداشت، گفت: 'شهرداری قم گام‌های موثری در راستای ارتقای سطح بهداشت برداشته و امروز به شکل مکانیزه و توسط ناوگان مستقل، زباله‌های عفونی و خطرناک بیمارستان‌ها و درمان‌گاه‌ها را جمع‌آوری و به صورت جداگانه از پسماندهای خانگی دفن می‌کند.'

ابوالفضل اسماعیلی افزود: 'در ابتدای این طرح، روزانه حدود ۵۰ کیلوگرم زباله‌ی عفونی از مطب‌ها جمع‌آوری می‌شد که این رقم هم اکنون به ۴۰۰ کیلوگرم تبدیل شده است. بنابراین با توجه به روند مطلوب اجرای طرح و استقبال جامعه‌ی پزشکان،

کلیه‌ی مطب‌ها و مراکز درمانی تحت پوشش این طرح قرار خواهند گرفت.'

سرپرست معاونت خدمات شهری با بیان این که روزانه بیش از ۳ هزار کیلو زباله‌ی عفونی خطرناک از سطح پایگاه‌های بهداشتی، درمانی و بیمارستان‌های سطح شهر جمع‌آوری می‌شود، افزود: 'زباله‌های عفونی به دلیل مخاطرات زیست‌محیطی و بهداشتی، باید به صورت اصولی و علمی جمع‌آوری و بدون هیچ گونه عملیات فشرده‌سازی و تغییر فیزیکی در مجموعه‌ای مشخص دفن شوند.'

## دهدز و تلاش برای آینده‌ای درخشان

شهرداری دهدز برای پیشگیری از مهاجرت بی‌رویه‌ی مردم و تبدیل دهدز به شهری مدرن و الگویی مناسب برای سایر شهرها، اقدام به تغییر چهره‌ی شهر کرده است.

شهر دهدز در استان خوزستان در دو سوی رودخانه‌ی عظیم و حیاتی کارون قرار دارد که همین موقعیت ویژه، اهمیت این منطقه را دوچندان کرده است، به طوری که به عنوان دروازه‌ی ورودی استان خوزستان از جایگاه ویژه‌ای به لحاظ شهرسازی و جاذبه‌های فرهنگی-سیاحتی نیز برخوردار است.

شهرداری این شهر که ۷ سال از روی کار آمدن آن می‌گذرد، تلاش‌های زیادی برای تغییر چهره‌ی شهر انجام داده است.

به گزارش روابط عمومی شهرداری دهدز، غلامرضا منجزی شهردار این شهر در این باره گفت: 'در خصوص آینده شهر دهدز تلاش‌های مستمری صورت پذیرفته که علاوه بر ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز و رفع نقاط ضعف، به احداث پل‌های هوایی عابر پیاده، گسترش فضای سبز در جاده‌ی کمربندی به مساحت ۱۰۰ هزار مترمربع و ایجاد مجموعه‌ی رفاهی میان راهی و پارک

صخره‌ای در شهر دهدز به مساحت ۱۵ هکتار اقدام کرده‌ایم.'

شهرداری دهدز همچنین برای ایجاد و گسترش فضای سبز، پروژه‌ی استحصال آب خام با پیشرفته‌ترین روش‌های آبیاری و لوله‌کشی را آغاز کرده است و تاکنون ۲۲ هزار و ۵۰۰ مترمربع از سطح شهر درخت‌کاری و به اجرای توسعه سبز در آمده است.

منجزی با اشاره به خدمات‌رسانی و اصلاح معابر قدیمی با رویکرد اصول علمی شهرسازی گفت: 'به

منظور بهبود عبور و مرور شهروندان ۹۵ درصد از معابر شمالی شهر آسفالت شده و با احداث باند تندرو و کندرو در ضلع جنوبی و حد فاصل ورودی و خروجی شهر، منطقه برای رفاه شهروندان ایمن‌سازی شده است.'

شهردار دهدز اظهار امیدواری کرد با تغییر چهره‌ی شهر و جذب سرمایه‌گذاران در بخش‌های مختلف به ویژه گردشگری، دهدز به شهری مدرن و الگویی موفق توسعه‌ی شهری تبدیل شود.

ترافیک شهر اصفهان که بزرگراه میرزا کوچک‌خان جنگلی قسمتی از ضلع غربی آن را تشکیل می‌دهد، در سال گذشته به بهره‌برداری رسید.

بزرگراه میرزا کوچک‌خان جنگلی که حد فاصل بزرگراه سردار شهید خرازی و بزرگراه سردار شهید حبیب‌اللهی قرار دارد، بیش از دو هزار متر طول دارد و شامل شش باند حرکت رفت و برگشت تندرو و دو باند حرکت و دو پارکینگ در مسیر کندروهای شمالی و جنوبی است.

برای شهر اصفهان تعریف و بزرگراه میرزا کوچک‌خان جنگلی را به اجرا در آورد.

اصفهان این شهر بزرگ تاریخی، صنعتی و گردشگری با مشکلات عدیده‌ای از نظر عبور و مرور شهری و حمل‌ونقل عمومی مواجه بود، از این رو اجرا و تکمیل رینگ سوم ترافیکی شهر اصفهان که یک شبکه‌ی بزرگراهی حلقوی است و دور تا دور اصفهان را در برمی‌گیرد، همواره مورد توجه مدیران شهری بود و اجرای طرح حلقه‌ی سوم

با افتتاح بزرگراه میرزا کوچک‌خان جنگلی:

## ترافیک اصفهان تسهیل می‌شود

شهرداری اصفهان برای سامان بخشی به ترافیک این شهر و رفع مشکلات عبور و مرور شهری و حمل‌ونقل عمومی، براساس مطالعات جامع حمل‌ونقل، سه رینگ یا حلقه‌ی ترافیکی





درصد به ۲۲/۵ کیلومتر و در مرکز شهر با افزایش حدود ۲۸ درصد به ۱۸/۵ کیلومتر خواهد رسید.

با اجرا و بهره‌برداری از بزرگراه میرزا کوچک‌خان جنگلی، سرعت وسایل نقلیه در کل شبکه ارتباط شهری اصفهان با افزایش حدود ۲۰

مجسمه‌سازی، سرمه‌دوزی، عروسک‌سازی و جز اینها در قالب ۲۰ غرفه در معرض دید عموم قرار گرفت. علاوه بر این هنرمندان کارهای نمایشی شامل گریم، بازیگری و از آن جمله را با اجرای زنده، به نمایش گذاشتند. گفتنی است در اولین روز افتتاح خیابان هنر، حدود یک هزار نفر از شهروندان و استادان هنرمند از آثار هنرمندان بازدید کردند.

همکاری خانه‌ی فرهنگ میرداماد، اولین خیابان شهر قزوین را افتتاح کردند، هدف از اجرای این پروژه‌ی فرهنگی و اجتماعی نهادینه کردن فرهنگ هنر دوستی در میان شهروندان، معرفی هنرمندان شهر به آنان و اتحاد میان هنرمندان در سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی است. در این خیابان آثار هنرمندان در بیش از ۲۰ رشته‌ی هنری چون تذهیب، طراحی، نقاشی، قالی‌بافی،



میلیون تومان ذکر کرد و افزود: " این بودجه در راستای اقداماتی چون بازگشایی محورها، احداث پارکینگ‌ها، تملک و لوله‌گذاری و دفع آب‌های سطحی هزینه خواهد شد، با این وجود، بودجه‌ی یاد شده کافی و جوابگو نخواهد بود."

شروع شده است. شهردار بافت تاریخی و فرهنگی شیراز مشکل دیگر بافت تاریخی شیراز را نبود پارکینگ عنوان کرد و افزود: " پنج نقطه در این بافت در نظر گرفته شده تا ظرف یک سال آینده بستر سازی لازم برای احداث پارکینگ طبقاتی در آنها صورت بگیرد که در زمان حاضر تملک این نقاط را آغاز کرده‌ایم." طالبان سنگ فرش پیاده‌روهای بافت تاریخی و فرهنگی شیراز را از دیگر برنامه‌های این شهردار در سال ۱۳۸۶ برشمرد و پیاده‌رو لطفعلی‌خان زند، سه راه احمدی تا شاهزاده قاسم و خیابان طالقانی را از جمله مناطق تحت پوشش طرح سنگ‌فرش دانست. وی بودجه‌ی منطقه‌ی بافت تاریخی و فرهنگی شیراز را در سال ۱۳۸۶، بالغ بر ۲ میلیارد و ۵۰۰

نخستین شهردار خلیل شهر برگزیده شد. به گزارش روابط عمومی شهرداری خلیل شهر، عبدالجواد رحمانی خلیلی در خصوص فعالیت‌های شهرداری در زمان استقرار و مشکلات خاص شهرهای تازه تأسیس گفت: " از زمان اخذ حکم، بنا گذاشتیم که به مدیریت شهری، نگاه علمی داشته

افزایش دهد. خلیل شهر، شهر تازه تأسیسی است واقع در بخش مرکزی بهشهر که از تجمع نه روستا، به شهر تبدیل شده است. شهرداری خلیل شهر در تاریخ ۱۳۸۵/۲/۲۹ افتتاح و عبدالجواد رحمانی خلیلی با تحصیلات مهندسی عمران به عنوان

این بزرگراه شامل چهار قطعه اصلی است، قطعه اول آن پل‌های شرقی و غربی روی زاینده‌رود و طرفین پل وحید می‌باشد که هر یک به طول ۱۲۵ متر و عرض ۱۲ متر است. قطعه‌ی دوم، تقاطع غیر همسطح وحید به طول ۵۰۰ متر و سطحی معادل ۳۵ هزار مترمربع و قطعه‌ی سوم بزرگراه میرزا کوچک‌خان به طول ۸۸۰ متر و عرض ۵۲ متر و قطعه‌ی چهارم شامل مجموعه‌ی پل‌ها و میدان سه‌رودی در سطحی معادل ۴۵ هزار مترمربع می‌باشد.

گفته می‌شود احداث و تکمیل این بزرگراه با وجود حجم سنگین عملیات اجرایی، رکورد جدیدی در فعالیت‌های عمران شهری از خود به جای گذاشت و در کوتاه‌ترین زمان ممکن با هزینه‌ی معادل دویست و چهل و یک میلیارد ریال به بهره‌برداری رسید.

## اولین خیابان هنر در قزوین افتتاح شد

اولین خیابان هنر شهر قزوین، با هدف نهادینه کردن فرهنگ هنر دوستی در میان شهروندان به مدت یک هفته در خیابان شهید مفتاح افتتاح شد. سازمان فرهنگی و اجتماعی شهرداری قزوین با

## رفت و آمد آسان در بافت تاریخی شیراز

شهردار بافت تاریخی و فرهنگی شیراز برای سهولت در رفت و آمد شهروندان در محدوده بافت تاریخی، مسیرهای مشکل ساز را براساس طرح تفصیلی بازگشایی می‌کند. طالبان شهردار بافت تاریخی و فرهنگی شیراز در این باره گفت: " در نظر داریم در سال جاری براساس طرح تفصیلی مسیرهایی که شهروندان مشکلات اساسی در رفت و آمد دارند را با اعتباری بالغ بر ۶۰۰ میلیون تومان بازگشایی کنیم، که این کار در حال حاضر با مد نظر داشتن دو محور اصلی

## افزایش در آمد زایی شهرداری خلیل شهر

شهرداری تازه تأسیس خلیل شهر با تحقق بودجه‌ی شهرداری در سال ۱۳۸۵، توانست طی ۹ ماه تلاش، درآمد خود را ۶۰ درصد



باشیم. ولی با توجه به این که هنوز تشکیلات اداری مصوب در زمان تاسیس شهرداری وجود نداشت، توانستیم در بخش های مختلف عمرانی و خدماتی اقدامات قابل توجهی انجام دهیم.

عبدالجواد رحمانی خلیلی، شهردار خلیل شهر، انعقاد قرارداد برای تهیه طرح هادی، مشارکت

در احداث کارخانه کمپوست، واگذاری تاکسی شهری و صدور ۱۹۶ فقره پروانه ساختمانی را از جمله کارهای انجام شده، تلقی کرد.

وی در مورد بودجهی پیش بینی شده و تحقیق یافته شهرداری در سال ۱۳۸۵ گفت: " با توجه به این که شهرداری به طور رسمی در خرداد ماه

۱۳۸۵ و بدون امکانات و نیروهای مورد نیاز آغاز به کار کرد، بودجه را یک میلیارد و ۲۹۰ میلیون ریال پیش بینی کردیم، اما شهرداری خلیل شهر با عملکرد درآمدی قابل توجه طی ۹ ماه، توانست با ۶۰ درصد رشد آن را به دو میلیارد و ۱۷۳ میلیون و ۵۵۴ هزار ریال افزایش دهد.

## بافت فرسودهی اسلامشهر بهسازی می شود

شهرداری اسلامشهر با تصویب طرح بافت های فرسودهی شهری در کمیسیون مادهی ۵ شورای عالی معماری و شهرسازی، بهسازی و نوسازی شهری را آغاز کرده است.

شهر اسلامشهر از جمله بزرگ ترین توسعه های خودرو و بدون برنامه ریزی تلقی می شود که در مجموعهی شهری تهران، تقریباً بیش از دیگر کانون های زیستی پراکنده، مطرح است. این منطقه از مشکلات دیگری نظیر فقدان تاسیسات و تجهیزات شهری مناسب، فاضلاب شهری و دسترسی مناسب رنج می برد.

هاشمی مدیر پروژه های بافت های فرسودهی

شهری اسلامشهر با بیان این مطلب افزود: " اسلامشهر در روی گسل جنوب شهر ری و کهریزک قرار گرفته و براساس آمار رسمی با درجه خطرپذیری بالا به ثبت رسیده ست، بنابراین بهسازی و نوسازی بافت های قدیمی و ناکارآمد شهری، برای جلوگیری از حوادث ناگوار طبیعی، امر بدیهی است.

مدیر پروژه بافت های فرسوده شهری اسلامشهر گفت: " سه عامل ریزدانی، ناپایداری و نفوذپذیری به عنوان عوامل شناخت فرسودگی از سوی شورای عالی معماری و شهرسازی مطرح شده است.

به گفته وی بیشتر قسمت های خیابان تختی، صادقیه، ضیاء آباد، مافین آباد، سالور، انتهای خیابان سلمان فارسی و خیابان مطهری، پشت پارک تقوی و کل شهرک میان آباد جزء محدودهی بافت فرسودهی شدید اسلامشهر است که بهسازی

و نوسازی آنها به تصویب کمیسیون مادهی ۵ شورای عالی معماری و شهرسازی رسیده است. هاشمی در ارتباط با چگونگی دریافت وام توسط مالکین متقاضی اخذ پروانهی تخریب و بازسازی در مناطق یاد شده، خاطر نشان کرد: " شهروندان متقاضی اخذ پروانهی تخریب و بازسازی، پس از حصول اطمینان از این که، ملک آنها در محدودهی بافت فرسوده واقع است، می تواند از مزایای تسهیلات ویژهی بانکی و همچنین از تخفیف ۵۰ درصد عوارض پروانهی ساخت و خرید تراکم استفاده کنند.

وی اظهار امیدواری کرد با ساخت بافت و سیمای فضاهای شهری، هویت و اصالت شهری پدید آمده و رضایت مندی شهروندان را نیز به همراه داشته باشد.

## چهار برج آباد می شود

شهرداری چهار برج در آذربایجان غربی ۱۱ سال است که تاسیس شد. این شهر که کم

کم به سوی آبادانی پیش می رود این روزها صاحب پارک ۵ هکتاری شده است.

ایرانی، شهردار چهار برج در رابطه با احداث اولین پارک این شهر گفت: " زمینی به مساحت ۵ هکتار در قسمت شمالی شهر از منبع عوارض های

مردمی خریداری کردیم. هم اکنون ۹۵ درصد عملیات زیربنایی این پارک به اتمام رسیده و از امکاناتی نظیر درختکاری، گل کاری و زمین بازی کودکان بهره مند است. همچنین زمینی به وسعت دو هکتار به قسمت شمالی پارک به منظور احداث زمین فوتبال اضافه شده است. شهرداری این زمین را هم اکنون در اختیار سازمان تربیت بدنی به منظور انجام اقدامات لازم همچون زیرسازی، چمن کاری و ... قرار داده است.

شهرهایی که به سوی آبادانی در حرکتند، می بایست به نیازهای اقشار مختلف شهر همچون کودکان، نوجوانان، جوانان و زنان دقت داشته باشند و در برنامه های عمرانی و فرهنگی آنان را مورد توجه قرار دهند.

به گفتهی شهردار چهار باغ برای بهبود عبور و مرور شهروندان، بیشتر خیابان های این شهر آسفالت شده و ۹۵ درصد معابر شهر جدول گذاری و کدگذاری شده و زیر سازی های ورودی شهر به اتمام رسیده است.

شهرداری این شهر همچنین امسال





انجام عملیات امداد و نجات در هنگام بروز حادثه بوده است.

احداث ایستگاه شماره‌ی یک آتش نشانی برای شهر هشت هزار نفری از دیگر اقدامات شهرداری در راستای تأمین ایمنی شهروندان، پیشگیری و

صاحب‌خانه شده و ۹۵ درصد ساختمان آن تکمیل شده است که در هفته‌ی دولت به صورت رسمی افتتاح خواهد شد.

## ارومیه منتظر مسافران تابستانی

سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری ارومیه به منظور پاسخ به نیاز شهروندان و تأمین رفاه مسافران تابستانی، پارک‌های عمومی سطح شهر را تجهیز کرد. محمد ستارپور، مدیر عامل سازمان پارک‌ها و

انجام مطالعات طرح جامع فضای سبز، پلاک کوبی درختان سطح شهر و پارک‌ها و تهیه‌ی شناسنامه برای یاغات اطراف سطح شهر، کاشت ۶۳ هزار و ۷۹۴ اصله درخت، واگذاری حفظ و نگهداری پارک‌ها و فضای سبز به بخش خصوصی و نظارت بر عملکرد آنان، بتن و جدول گذاری ۱۰ پارک محلی از دیگر اقدامات مهم این سازمان در خصوص نگهداری و توسعه‌ی فضای سبز است.

ستارپور همچنین سمت خدمات شهری ارومیه را نیز عهده‌دار است. وی در رابطه با فعالیت‌هایی که در این سازمان در دست اجرا است گفت: "یکی از فعالیت‌های این بخش همان نظافت شهر است که همزمان با سایر سیاست‌های شهرداری به آن پرداخته می‌شود. همچنین از دیگر اهداف شهرداری ارومیه که سازمان خدمات شهری آن را دنبال می‌کند، جمع‌آوری متکدیان از سطح شهر است. بدین ترتیب که شهرداری پس از جمع‌آوری این دسته از افراد، سنین پایین ۱۸ سال را تحویل بازپروری شهر می‌دهد و سنین بالاتر را به اردوگاهی که هم‌اکنون به دست فرمانداری در حال تجهیز است تحویل خواهد داد. همچنین نماینده‌ای از سوی شهرداری جهت رسیدگی به امور مربوط به متکدیان در این محل حضور خواهد داشت."

فضای سبز با اشاره به این که ارومیه شهری مسافرپذیر است، از این رو اقداماتی را در جهت رفاه حال شهروندان و مسافران به انجام رساندیم، گفت: "توسعه‌ی وسایل و امکانات تفریحی پارک‌های عمومی سطح شهر همچون ایجاد نمازخانه، ایجاد آب‌خوری، کمپینگ‌های مسافری از جمله این فعالیت‌ها بوده است. به ویژه آن که پارک‌های ورودی و ساحل رودخانه‌ی شهر جای نیز جهت ورود این دسته‌از مسافران آماده‌سازی شد."



سرویس خبر و گزارش ماهانه،  
آماده دریافت و انعکاس  
آخرین اخبار شهرداریهاست

آماده دریافت و انعکاس  
آخرین اخبار شهرداریهاست

سرویس خبر و گزارش ماهانه،  
آخرین اخبار شهرداریهاست





## اخباری کوتاه از آغازهای سده

### اخبار بلدیہ

در سالگشت یکصدمین سال تولد شهرداری در ایران به سراغ قدیمی‌ترین خبرهای شهر می‌رویم. در میان اسناد گوناگون و پراکنده، شاید روزنامه‌ی اطلاعات تنها سند روز شمار و فراگیر آن روزگاران باشد. خبرهایی از ۸۰ سال پیش را از برگ‌های خشکیده‌ی و پر ارزش آن برمی‌گیریم تا بر زمینه‌ای تازه بنشانیم و برای اکنونیان به نمایش درآوریم.

این بار کوشیده‌ایم تا دامنه‌ی خبرها را به ماه‌های اردیبهشت و خرداد ۱۳۰۶ خورشیدی بکشانیم که هم بازتابی از خبرهای شهری (بلدی) را درست در ماه‌هایی نشان داده باشیم که اینک پس از آن همه‌ماه و سال در آن می‌زییم و هم از این راه بر چگونگی زندگی و رفتارها و دشواری‌های شهرنشینی آن روزگار آگاهی یابیم و نیز این بار بهتر دیدیم که برخی از اعلان‌های بلدی را نیز بر خبرها بیفزاییم تا رنگ شهری اخبار بیشتر شود.

### محمرة (۱)

امروز بعد از ظهر قریب صد خانه کبری (یوشالی) پشت تلگرافخانه آتش گرفته و صاحبان آنها با اطفال صغیر و عیالاتشان بی‌مکان و مستاصل مانده حریق به وسیله نظامیان و اهالی خاموش شد.

عصر دوشنبه، ۸ خرداد ماه ۱۳۰۶ - روزنامه اطلاعات، سال اول، شماره ۲۷۷

۱ - ماه هفتم خرداد

### برای ساختن خیابان‌ها

از طرف وزارت مالیه شرحی به وزارت فواید عامه نوشته شده و اشعار داشته است که چون بر حسب قانون مصوب ۱۹ بهمن ۱۳۰۴ بایستی در سال ۱۳۰۶ مبلغ ۷۵ هزار تومان برای ساختن خیابان‌های مهم به بلدیة داده شود برای پیشتهاد و طریقه صرف این مبلغ وزارت مالیه عقیده دارد که باید کمیسیون در این خصوص تشکیل شود لذا مقرر شود یک نفر نماینده از طرف آن وزارتخانه تعیین و معرفی گردد.

عصر پنج‌شنبه، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۰۶ - روزنامه اطلاعات، سال اول، شماره ۲۱۸

### اعلان

بطوریکه خاطر عموم مستحضر است وزارت داخله بموجب تصویب هیئت وزراء عظام بایستی همه ساله اقلاده نفر مهندس در طبقه مخصوص تربیت نموده به بلدیةها و ادارات حکومتی ولایات اعزام دارد در سال گذشته وزارت داخله این وظیفه را انجام و اکنون نیز نظر باحتیاج میرم مملکت باشخاصی که آشنا بامور فنی باشد اعلان می‌شود که اشخاصی که واجد شرایط ذیل باشند در طبقه مخصوص مهندسی پذیرفته شده پس از یکسال که بطور عضو مبتدی عملیات فنی را فرا گرفتند بلدیةها و ادارات حکومتی ولایات اعزام خواهند شد. داوطلبان باید دارای تصدیق نامه دوره کامل متوسط بوده و قبول آنها بطور مسابقه بعمل خواهد آمد.

حساب دوره کامل - هندسه ۸ مقاله - جبر و مقابله دو درجه - مثلثات یک دوره داوطلبان از تاریخ ۱۵ خرداد الی ۱۵ تیر ۱۳۰۶ برای ثبت اسامی خود می‌توانند یاداره امور فنی و نقشه برداری وزارت داخله مراجعه نمایند.

نمره اعلان ۴۳۴، وزارت داخله - رهنما

عصر ۵ شنبه، ۱۱ خرداد ماه ۱۳۰۶ - روزنامه اطلاعات، سال اول، شماره ۲۳۰

### خیابان چراغ گاز

بلدیة طهران از جندی قبل در نظر گرفته بود خیابان چراغ گاز را وسعت دهد اخیرا این تصمیم بموقع اجرا گذارده شده و از امروز شروع بخراب کردن قسمت سمت راست خیابان مزبور نمودند ۱۳ ذرع بوسعت خیابان افزوده خواهد شد و دکاکین سمت راست ۱۳ ذرع عقب‌تر موافق نقشه جدید ساخته خواهد شد قیمت املاکی که خراب می‌شود از طرف بلدیة تأذیه می‌گردد.

عصر شنبه، ۶ خرداد ماه ۱۳۰۶ - روزنامه اطلاعات، سال اول،

شماره ۲۲۵



## حریق دیشب

به قرار تحقیقی که شده حریق مغازه بنزین فروشی در اول خیابان چراغ گاز که در ساعت ده بعد از ظهر بوقوع پیوسته از آتش سیگاری بوده است که غفله سرایت بجمعیه‌های بنزین نموده و حریق اتفاقی افتاده و در نتیجه دکاکین اطراف آن که کلاه‌دوزی و قصابی بوده نیز طعمه حریق گردیده است مختصری هم بدکان نجاری سرایت ولی در نتیجه اقدامات مامورین بلدیة و نظمیة ساعت ۱۱ خاموش و از سرایت آن بنقاط ما دیگر جلوگیری نمودند.

عصر پنج‌شنبه، ۲۸ اردیبهشت ۱۳۰۶ - روزنامه اطلاعات، سال اول، شماره ۲۱۸

## برای ساختمان خیابان‌ها

لایحه ایست که در جلسه اخیر وزیر مالیه تقدیم مجلس نموده اند مساحت مجلس محترم شورای ملی خاطر نمایندگان محترم مستحضر است که بموجب قانون مالیات راه مصوب ۱۹ بهمن ۱۳۰۴ عایدات خالص ۱۳۰۴ بلدیة بعلاوه صدی پنجاه مخارج اصول عایدات نواقل مآخذ بودجه ۱۳۰۵ می‌شود.

مبلغ هفتاد و پنج هزار تومان نیز در ۱۳۰۶ برای ساختن خیابان‌های مهم شهر اختصاص یافته است بدیهی است نظریه قانون‌گذار در تخصیص عواید فوق به بلدیة‌ها این بوده است که لااقل معادل بودجه ۲۰۴ بلدیة‌ها در سنوات بعد از عایدات مالیات راه بانها تخصیص و بودجه آنها تامین گردد ولی نسبت به بلدیة طهران با وجود تاسیسات جدید و تعمیر و نگاهداری معابر که هر روزه از دیداد مخارج فوق‌العاده را ایجاب می‌کند متاسفانه نظریه فوق تامین نشده زیرا عواندی که به بلدیة طهران مطابق قانون اختصاص یافته در سنه ۱۳۰۴ در حدود سی و دو هزار تومان بوده در صورتی که بودجه بلدیة طهران در سنه ۱۳۰۴ مبلغ سی و دو هزار تومان بوده است و ما به الاختلاف از محل عواید دیگر از قبیل مالیات ذباج و غیره که بعد به موجب قوانین مخصوص الغاء شده تامین می‌گردیده است - برای این که اداره بلدیة طهران بتواند وظایف حتمیه خود را انجام داده و در عملیات آنها بواسطه ضیق اعتبار وقفه حاصل نشود قبل از این که مطالبات نسبت بمالیات‌های بلدی که فعلاً در وزارت مالیه مطرح است خاتمه یابد ماده واحده ذیل را بقید فوریت برای تصویب تقدیم می‌دارد.

ماده واحده - مجلس شورای ملی بوزارت مالیه اجازه می‌دهد عایدات خالص مالیات مستغلات مصوبه ۱۳ سنبله ۱۳۴۳ قمری را در پایتخت از اول فروردین ۱۳۰۶ علاوه بر مبلغ ۳۲۱۶۵ تومان و کسری که از محل مالیات راه و حق الثبت عاید می‌گردد به بلدیة طهران بپردازد.

رئیس الوزراء، وزیر مالیه عصر ۲ شنبه، ۲۲ خرداد ماه ۱۳۰۶ - روزنامه اطلاعات، سال اول، شماره ۲۳۹

## تکذیب

اخیراً معدودی پارهای نظریات انتشار داده‌اند که البسه متحدالشکل بلدیة که مطابق ماده ۱۰۶ قانون بلدی مصوبه مجلس شورای ملی تهیه شده از پارچه غیر وطنی است و این مسئله تعامد بوده است در صورتیکه قریب دو هزار نفر متکلفین در مؤسسات خیریه و کلیهی اجزاء بلدیة متجاوز از دو سال است که همیشه پارچه وطنی استعمال کرده و می‌کنند اخیراً هم بوسیله آقای حاج میرزا علی قیصر به مقدار کافی پارچه یکرنگ بکار



## اعلان

۳۰ اردیبهشت ۱۳۰۶ - نظر باین که در سنوات ماضیه بعلت بیش آمدهای غیر مترقبه بین المللی و گرانی فوق‌العاده قند و چای هر فنجان چای یکصد و بیست و پنج دینار ترقی نموده و تا کنون هم بهمان قیمت باقی است و نظر باین که قیمه کنونی این دو جنس نسبت به از منته سابقه تنزیل فاحشی نموده و از طرفی هم الغای مالیات صنفی کمک مهمی بصنّف قهوه چی نموده است.

لهذا بعموم ساکنین محترم پایتخت اعلام می‌شود که از این تاریخ لغایت چهل روز دیگر قیمه بک فنجان (یا استکان) چای شیرین در قهوه‌خانه یکصد دینار و از آن بیصد هفتاد و پنج دینار خواهد بود و متخلفین از این نرخ مطابق قوانین جاریه مجازات خواهند شد.

نمره اعلان ۴۳۱، کفیل بلدیة سرهنگ بوزر جمهر عصر ۴ شنبه، ۱۰ خرداد ۱۳۰۶ - روزنامه اطلاعات، سال اول، شماره ۲۲۹

## اعلان - سجل احوال بلدیة

مطابق قانون سجل احوال در اول هر سال جدید بایستی دفاتر موالید و ازدواج و متوفیات سنه قبل بسته شود و بر طبق احصائیه نفوس استنباط شده که در سنه ۱۳۰۵ واقعات فوق که در خانواده‌های اهالی طهران رخ داده کاملاً به ثبت نرسیده برای تکمیل و بستن دفاتر مزبور تا آخر خرداد ماه ۱۳۰۶ دفاتر سجل احوال مراجعات اشخاص را نسبت بمواد ۹ و ۱۰ قانون سجل احوال پذیرفته و مواد ۲۴ و ۲۶ جزائی قانون سجل احوال درباره متخلفین جدا مجری خواهد شد.

ماده ۹ - از تاریخ تاسیس شعبه سجل احوال در هر محل پدر و در غیاب او مادر، در مورد تولد و شوهر در مورد ازدواج و طلاق باید در طرف ده روز از تاریخ وقوع تولد یا ازدواج یا طلاق را با شهادت دو نفر که هویت آنها از طرف نظمیة یا حکومت یا کدخدای محل تصدیق شده باشد بمامور سجل احوال اطلاع دهند.

ماده ۱۰ - در مورد فوت اطلاع دادن بمامور سجل احوال باید طرف ۴۸ ساعت بعمل آید دادن این اطلاع بعهده دو نفر از نزدیک‌ترین اقربای ذکور حاضر شخص متوفی و در صورت نبودن اقربای ذکور بعهده دو نفر از ساکنین خانه است که در آنجا فوت شده است و هر گاه کسی در منزل دیگری فوت کرده اطلاع دادن بعهده کسی است که فوت در منزل او واقع شده است و در مورد اشخاص که دارای منزل ثابت و اقربا نیستند یا به تنهایی در یک منزل زندگی می‌کنند اطلاع دادن بعهده مامور نظمیة است.

ماده ۲۴ - پس از یک سال از اجرای سجل احوال در هر محل کسانی که ورقه هویت نداشته باشند یا تکالیفی را که در موارد ۳ - ۴ - ۹ - ۱۰ در عهده آنها قرار گرفته انجام ننمایند از دو روز تا یک هفته و در صورت تکرار از هشت روز تا یکماه بحکم محکمه صالحه حبس خواهند شد.

ماده ۲۶ - حبس‌هایی که بموجب این قانون مقرر است در صورتی که از شش ماه تجاوز نکند بمناسبت تمکن و یا رعایت کیفیات ارتکاب از قرار روزی، از دو قران تا پنج تومان قابل ایشاع خواهد بود.

نمره اعلان ۴۲۳، ۲۰۱، کفیل بلدیة سرهنگ بوزر جمهر عصر ۱ شنبه، ۷ خرداد ۱۳۰۶ - روزنامه اطلاعات، سال اول، شماره ۲۲۶

خانه کاررونی در اصفهان دستور داده شده و عنقریب قضاوت این امر در پیشگاه عموم بعمل خواهد آمد آنانکه زحمات و خدمات این مؤسسه ملی را خار چشم خود دانسته و می‌خواهند آفتاب را به گل اندود نمایند مایوس باشند که بلدیة هرگز از حدود وظایف خود خارج نمی‌شود تا دست‌آویز اجرای مویات گردد.

نمره اعلان ۴۵۶، کفیل بلدیة سرهنگ بوزر جمهر عصر ۴ شنبه، ۱۷ خرداد ۱۳۰۶ - روزنامه اطلاعات، سال اول، شماره ۲۳۵



## پیام رئیس سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور به مناسبت یکصدمین سالروز تصویب نخستین قانون شهرداری در ایران

مهندس سید مهدی هاشمی معاون هماهنگی امور عمرانی وزیر کشور و رئیس سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور طی پیامی همزمان با فرارسیدن ۱۲ خرداد، یکصدمین سالروز تصویب نخستین قانون شهرداری در ایران، تصریح کرد: می بایستی در معرفی هر دستاوردی و به نمایش گذاشتن قدرت و توان علمی و عملی مدیریت شهری کشور همه توان خود را به کار گیریم و از همه روشهای موثر و کار آمد بهره مند شویم تا زمینه تجلی و بروز دستاوردهای انقلاب اسلامی را در موزه مدیریت شهری جهان به نمایش گذاریم. به گزارش روابط عمومی سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، متن پیام مهندس هاشمی خطاب به شهرداران به مناسبت یکصدمین سالروز تصویب نخستین قانون شهرداری در ایران به شرح ذیل است:

"ملت و جمعیتی که به گذشته پرافتخار و ارزشهای بنیادی و بومی خود واقف باشند آینده روشنی خواهند داشت، مهمترین ویژگی نهضت اسلامی این بود که توانست مردم ایران را از هویت، تواناییها و گذشته و تاریخ خود آگاه و به آن خوشبین کند. "مقام معظم رهبری"

### دیدار مقام معظم رهبری با اعضای شورای اسلامی، شهردار و شهرداران مناطق مختلف تهران

حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی چهارم تیرماه در دیدار اعضای شورای اسلامی، شهردار، معاونین و شهرداران مناطق مختلف تهران بر توجه همزمان به کالبد و روح شهر تهران از جمله مسائل فرهنگی و ارزشهای دینی و اهتمام برای خدمت به مردم تأکید و خاطر نشان کردند: مجموعه شورای شهر و شهرداری تهران باید با تعامل مناسب و دوستانه، و انسجام و هماهنگی با یکدیگر و با مجموعه دولت و

شهرداران محترم و خدوم کشور اسلامی؛ تقارن یکصدمین سال تاسیس شهرداریهای کشور در سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی، فرصتی است بی نظیر در جهت آگاهی بخشی و معرفی دستاوردهای مدیریت شهری کشور.

بی شک شرط تحقق سند چشم انداز ۲۰ ساله نظام مقدس جمهوری اسلامی و برنامه های دولت خدمتگذار و رسیدن به خودکفائی، رفاه، نظم، عدالت اجتماعی و اقتصادی، حفظ هویت ایرانی و اسلامی و کسب حسن ظن مردم و اعتماد نسبت به نظام، دستیابی مدیران و مدیریت شهری کشور به الگوها و روشهای علمی و مبتنی بر فرهنگ اسلامی در توسعه پایدار دینی و معنوی شهر، در دیدگاه و منظر اسلام ناب محمدی (ص) است.

پس می بایستی در معرفی هر دستاوردی و به نمایش گذاشتن قدرت و توان علمی و عملی مدیریت شهری کشور همه توان خود را به کار گیریم و از همه روشهای موثر و کار آمد بهره مند شویم تا زمینه تجلی و بروز دستاوردهای انقلاب اسلامی را در موزه مدیریت شهری جهان به نمایش گذاریم. این اقدام ملی کوششی ارزشی و حرکتی معنوی در جهت دلگرمی بهترین مردم روی زمین و دوستان انقلاب و دلسردی و خنثی سازی کوششهای ناروای دشمنان انقلاب است، پس بایستی همه ما به عنوان یک رسالت و وظیفه دینی و ارزشی تلاش نمائیم تا تصویری روشن، امیدوار کننده، رو به توسعه و تقویت کننده باروهای اصیل مردم مسلمان ایران را نسبت به مدیریت شهری و جایگاه مدیران شهری در فرهنگ غنی اسلامی

دستگاههای دولتی، در جهت حل مشکلات اصلی کلان شهر تهران گام بردارند.

ایشان ضمن قدردانی از زحمات و تلاشهای دوره دوم شورای اسلامی شهر تهران و همچنین شهردار تهران، مسائل بافتهای فرسوده، محدوده شهر، حمل و نقل عمومی، محیط زیست، مسکن، و نظارت بر ساخت و سازها و استحکام آنها را از مهمترین مشکلات کلان شهر تهران برشمردند و افزودند: توقع این است که با همت و تلاش و با عزم جدی برای برطرف کردن ناهماهنگی های احتمالی میان دستگاهها و سازمانهای مربوطه، گره این مشکلات از جمله حمل و نقل عمومی و ترافیک گشوده و زمینه آسایش مردم فراهم شود.

فراهم آوریم.

سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور با فرا رسیدن یکصدمین سال تصویب این قانون بر آن است تا با گرامیداشت یک قرن فعالیت شهرداریها، هویت درخشان گذشته را بازیابد، بر مدنیت کهنسال مدیریت شهری بیابد و به بررسی تفصیلی آن بپردازد.

به همین منظور شورای سیاستگذاری این ستاد با حضور تعدادی از شهرداران کشور به نمایندگی از شما عزیزان، راهبردهای اساسی برنامه های یکصدمین سال تاسیس شهرداریها را تدوین می نماید.

اینک شما شهرداران خدوم ملت می بایست در نهضتی فراگیر با تشکیل ستادهای ویژه در شهرهای خود، این مهم را در راس امور فرهنگی - اجتماعی قرار داده و برای ارج نهادن به کارهای نیک گذشتگان و ادامه مسیر ایشان و ثبت تمامی این فعالیتها در اشکال مختلف با خلاقیتهای هنری، اهتمام ویژه را به عمل آورید.

بر این اساس ضرورت دارد تا با اتکال به الطاف خداوند سبحان و تاسی از رهنمودهای رهبر فرزانه انقلاب و پیگیری خط سیر سبز ولایت همه توان و قدرت خود را به کار گیریم تا در سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی بتوانیم سنگ بنای تحقق شهری اسوه، حسنه و اسلامی را نهاده باشیم.

این مهم تحقق نمی یابد مگر با یاری همه دلسوزان انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی و شما خادمین امین و مخلص جامعه همیشه سرافراز ایران اسلامی."

رهبر انقلاب اسلامی، مشخص شدن حریم و محدوده شهر تهران و جلوگیری از ساخت و سازهای بی رویه افراد فرصت طلب و نابودی منابع طبیعی را از دیگر مسائل مهم دانستند و تأکید کردند: باید پیشرفت کارها را از نزدیک لمس کرد و تنها به گزارش های رسمی اکتفا نکرد.

حضرت آیت الله خامنه ای با تأکید بر اینکه باید بر برج سازی نظارت جدی شود و این امر در مسیر صحیح خود قرار گیرد، اهمیت توجه به روح شهر تهران در کنار توجه به کالبد آن را یادآور شدند و افزودند: مسائل فرهنگی در همه شهرها به ویژه تهران به عنوان پایتخت جمهوری اسلامی ایران بسیار مهم است و باید به این مسئله توجه شود که



فرهنگ ما فرهنگ انقلاب اسلامی و ارزشهای دینی است.

ایشان با اشاره به تلاش برخی افراد زدودن ارزشهای انقلاب اسلامی از جامعه و تغییر مسیر مردم از خط انقلاب تصریح کردند: باید ارزشهای انقلاب و اسلام در همه بخشهای فرهنگی رعایت شود و این کار نیازمند تلاش، انگیزه و عزم لازم است.

رهبر انقلاب اسلامی همچنین بر لزوم باز بودن

### بخش‌هایی از عملکرد دولت نهم در

زمینه امور عمرانی اعلام شد:

## افزایش ۲/۴۲ درصدی حجم کار عمرانی دولت طی سال ۸۵ نسبت به سال ۸۳

پایگاه اطلاع رسانی دولت جمهوری اسلامی ایران همزمان با سوم تیر ماه دومین سالگرد انتخاب دکتر احمدی نژاد از سوی مردم به عنوان رئیس جمهوری اسلامی ایران با اعلام اطلاعاتی در زمینه حوزه‌های مختلف به تشریح برخی از بخشهای عملکرد دولت نهم پرداخت.

به گزارش روابط عمومی سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، بر اساس گزارش یاد شده، حجم کار عمرانی دولت در سال ۸۵ نسبت به سال ۸۳ به ۲/۴۲ درصد افزایش یافت که بالاترین نسبت حجم افزایش در دو دهه اخیر است. یعنی میزان کار عمرانی از عدد ۵ هزار و ۷۵۰ میلیارد تومان (۵/۱۹ درصد مجموع بودجه) در سال ۱۳۸۳ به ۱۸ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان رسیده است.

بر اساس گزارش شورای اطلاع رسانی دولت، تعیین محدوده شهرها از اولویتهای کاری دولت نهم بوده است، به گونه‌ای که هم‌اکنون برای ۱۶۴ شهر محدوده تعیین شده است و با برنامه ریزی‌های

### با حکم رئیس جمهور:

## مهندس هاشمی به عنوان نماینده

## دولت در کمیته دائمی پدافند

## غیر عامل کشور منصوب شد

رئیس جمهور طی حکمی مهندس سید مهدی هاشمی معاون هماهنگی امور عمرانی وزیر کشور و رئیس سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور را به عنوان نماینده دولت در کمیته دائمی پدافند غیر عامل کشور منصوب کرد.

درهای شهرداری به روی مردم تأکید کردند و افزودند: شهرداریها همواره در معرض افراد فرصت طلب و سودجو قرار دارند اما ارتباط با مردم و دسترسی آسان آنان به مدیران شهرداریها، موجب می شود زمینه بسیاری از فرصت طلبی‌ها از بین برود.

حضرت آیت الله خامنه ای با تأکید بر لزوم برخورد جدی و قاطعانه مدیران شهرداری‌ها با افراد فرصت طلب و در عین حال سخت گیری

صورت گرفته از سوی دولت، تا سال ۱۳۸۸ تمامی شهرهای کشور صاحب طرح جامع می شوند.

همچنین عرضه اوراق مشارکت و تخفیفهای ویژه برای ساخت و ساز در بافت فرسوده از دیگر اقدامات طراحی شده برای احیای بافت‌های فرسوده است که در استانهای مختلف تا ۲۰۰ برابر منابع گذشته به این منظور اختصاص یافته است.

در بخش دیگری از گزارش مزبور آمده است: با همکاری بین بخشی و مدیریت صورت گرفته طی دو سال گذشته میزان تصادفات و تلفات ناشی از حوادث رانندگی در کشور برای اولین بار ۵۰ درصد کاهش یافته و این کاهش چشم گیر در حالی است که در این مدت روزانه هزاران خودرو جدید به سیستم حمل و نقل کشور افزوده شده است.

شورای اطلاع رسانی دولت در ادامه ارائه طرح جامع مسکن را جامع ترین و کاملترین طرحی ذکر کرده که در سالهای پس از انقلاب برای برطرف ساختن موضوع مسکن تهیه شده و آورده است: مهمترین محورهای آن تهیه مسکن برای اقشار کم در آمد و مقاوم سازی ساختمانها و بهسازی مناطق شهری و رفع بحث حاشیه نشینی‌ها است و با اجرای این طرح برای اولین بار در دوره معاصر، دولت به صورت ریشه‌ای به سمت حل مسئله مسکن حرکت کرده است.

به گزارش روابط عمومی سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، دکتر محمود احمدی نژاد رئیس جمهور در حکم خود با استناد به آیین نامه اجرایی بند ۱۱ ماده ۱۲۱ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مهندس سید مهدی هاشمی را به عنوان نماینده دولت در کمیته دائمی پدافند غیر عامل کشور منصوب نموده است.

در حکم رئیس جمهور آمده است: " نظر به اهمیت اهداف و نقش کمیته پدافند غیر عامل در

نکردن به مردم خاطر نشان کردند: باید در اداره شهر از روشهای علمی و محققان برجسته دانشگاهها نیز استفاده شود.

ایشان همچنین بر لزوم شفاف سازی هزینه‌ها و بودجه‌های شهرداری، رعایت بیت المال، پرهیز از تجملات و تأثیر نگذاشتن گرایش‌ها و اختلاف نظرهای سیاسی بر کارها و خدمت به مردم تأکید کردند.

بر اساس گزارش مزبور، در دولت نهم نگاه ویژه‌ای به بازسازی مسکن روستایی شد و مقرر شد سالانه ۲۰۰ هزار واحد مسکونی از دو میلیون واحد مسکونی کم درآمد روستایی بازسازی شود که با دستور رئیس جمهور این تعداد به ۳۰۰ هزار واحد افزایش یافت و برنامه‌ریزی و مطالعه برای افزایش این میزان به ۵۰۰ هزار واحد مسکونی در حال انجام است و با این تدبیر یک اقدام ریشه‌ای برای جلوگیری از مهاجرت در روستاها در حال انجام است.

بر اساس گزارش یاد شده، در نه ماهه سال ۱۳۸۵ سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ساختمان‌های جدید مناطق شهری (به قیمت‌های جاری) با ۱۰/۱ درصد افزایش به ۹۰/۴ هزار میلیارد ریال بالغ گردید و رشد سرمایه‌گذاری مزبور نسبت به دوره مشابه سال قبل در شهر تهران ۱۷/۵ درصد و در شهرهای بزرگ ۳۲/۵ درصد بود.

بر اساس این گزارش، دور اول سفرهای استانی رئیس جمهور و هیات دولت به بیش از ۳۳۶ شهرستان در ۳۰ استان سفر انجام شده و شش هزار مصوبه برای عمران، آبادانی و سرعت بخشیدن به پیشرفت و حل مشکلات مردم به تصویب رسیده که تاکنون بالغ بر ۷۲ درصد مصوبات استانی هیات دولت در سفرهای استانی رئیس جمهور اجرایی شده است.

حفظ و توسعه توان دفاعی کشور، انتظار دارد جناب عالی با ایجاد تعامل و ارتباط فعال با سایر اعضای محترم کمیته یاد شده دولت و استانداریها نسبت به تصویب و ابلاغ آیین نامه‌های اجرایی، تنظیم لوایح و مقررات لازم جهت پیشبرد امور، تأمین اعتبار و پیشنهاد آن به دولت اقدام و پس از جمع بندی گزارش مبسوطی از فعالیت‌های انجام شده را در پایان هر فصل به اینجانب ارائه نماید.



## تصویب و ابلاغ اساسنامه اتحادیه آرامستانهای کشور

اساسنامه اتحادیه آرامستانهای کشور از

کلیه سازمانهای آرامستانهای کشور و ایجاد برنامه ریزی و تامین نیازهای کلی آرامستانها با هدف پشتیبانی و توسعه، احداث و بازسازی آرامستانها و مدرنیزه نمودن سیستمهای اجرائی و بهبود و ارتقاء ارائه خدمات آرامستانها به شهروندان تشکیل شده است.

سوی دفتر تشکیلات و نیروی انسانی سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور تصویب و به استانداریهای سراسر کشور ابلاغ شد. به گزارش روابط عمومی سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، اتحادیه آرامستانهای کشور به منظور فراهم آوردن زمینه انسجام و هماهنگی در

## دعوت معاون عمرانی وزیر کشور از کشورها و سازمانهای بین المللی برای همکاری با مرکز منطقه ای کاهش خطر پذیری لرزه ای تهران

اجلاس مجمع جهانی کاهش خطرپذیری بلایای طبیعی با شرکت هیاتهای عالی رتبه ای از ۱۵۰ کشور جهان در شهر ژنو سوئیس آغاز به کار کرد.

به گزارش روابط عمومی سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، هیات جمهوری اسلامی ایران به سرپرستی مهندس سید مهدی هاشمی معاون هماهنگی امور عمرانی وزیر کشور نیز در این اجلاس شرکت نموده است.

مهندس هاشمی طی سخنانی در مجمع عمومی این اجلاس با اشاره به دستاوردها و پیشرفتهای

ایران در زمینه پیشگیری و مقابله با حوادث و سوانح غیر مترقبه منجمله کاهش خطرات ناشی از زمین لرزه اظهار داشت: نخستین مرکز منطقه ای کاهش خطرپذیری در قاره آسیا در پی مصوبه کنفرانس بین المللی کوبه در سال ۲۰۰۵، ماه گذشته در تهران افتتاح شد که بدون شک اقدام مهمی در زمینه کاهش خطرات ناشی از زمین لرزه و انجام مطالعات و پژوهشهای علمی در این بخش محسوب می شود. معاون هماهنگی امور عمرانی وزیر کشور در ادامه سخنانش از سازمانهای بین المللی و منطقه ای، موسسات علمی و تحقیقاتی و سازمانهای غیر دولتی دعوت نمود تا در چارچوب فعالیتهای مرکز منطقه ای کاهش خطرپذیری لرزه ای در ایران یا جمهوری اسلامی ایران همکاری نمایند.

مهندس هاشمی همچنین در ادامه سخنانش بر اهمیت توجه به مبانی اعتقادی و ارزشی در جهت ترویج فرهنگ پیشگیری از حوادث و سوانح غیر

مترقبه و کاهش خطرات بلایا تاکید نمود و خاطر نشان ساخت: بلایا هیچگاه طبیعی نیستند بلکه نتیجه عدم آمادگی جوامع در برابر پدیده ها و خطرات طبیعی هستند.

وی مشارکت های مردمی، آموزشهای همگانی، تقویت اطلاع رسانی، حضور فعال بانوان و جلوگیری از بوروکراسی را از اقدامات موثر در زمینه کاهش خطرات حوادث و سوانح غیر مترقبه برشمرد.

معاون عمرانی وزیر کشور همچنین از سازمان ملل متحد و سازمانهای بین المللی که در برگزاری اجلاس مجمع جهانی کاهش خطرپذیری بلایای طبیعی مشارکت داشته اند، تقدیر نمود و بر اهمیت توجه بیش از پیش به موضوع پیشگیری برای کاهش خطر حوادث و سوانح غیر مترقبه و لزوم اتخاذ سیاستها، راهکارها و سازوکارهای موثر و علمی در این زمینه تاکید نمود.

## ضرورت اعمال سیاست های تشویقی از سوی اتحادیه های حمل و نقل عمومی شهری

جلسه ی مشترک اسدالله کریمی، قائم مقام سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور با مدیران عامل و رؤسای هیئت مدیره ی اتحادیه های اتوبوسرانی، تاکسیرانی و پایانه های مسافری بین شهری به منظور ارتقای سطح فعالیتها در بخش حمل و نقل عمومی شهری برگزار شد.

اسدالله کریمی در این جلسه نقش نظارتی، راهبردی و هدایتی اتحادیه های مربوط به بخش حمل و نقل عمومی شهری را در زمینه ی ارائه ی

خدمات مطلوب به شهروندان مهم و تاثیرگذار برشمرد و اظهار داشت: "انتظار عمده ی ما این است که مسائل تخصصی، مشکلات و کاستی های بخش حمل و نقل عمومی شهری از طریق برهمکنش و همفکری مستمر اتحادیه های مزبور و کمیته های تخصصی آنها با سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور مطرح، بررسی و به نحو مناسبی ساماندهی شود."

قائم مقام سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور همچنین با اشاره به برنامه ریزیها و اقدامات مناسبی که به منظور تحقق ابعاد مختلف تبصره ی ۱۳ قانون بودجه سال ۱۳۸۵ در زمینه ی گسترش حمل و نقل عمومی شهری و ایجاد زیرساخت های لازم در این بخش صورت گرفته، افزود: "انتظار داریم اتحادیه های مرتبط با حمل و نقل عمومی شهری ضمن برهمکنش با وزارت کشور و مسئولان اجرایی تبصره ی ۱۳، پیگیری های لازم

را در زمینه ی تحقق سایر بخش های این تبصره و نظارت و ارزیابی های لازم به عمل آورند تا طی یک تلاش گروهی گام های اساسی در جهت توسعه و گسترش حمل و نقل عمومی شهری و به تبع آن رفاه و آسایش شهروندان برداشته شود."

وی همچنین برهمکنش و همکاری مشترک اتحادیه ها و زیر مجموعه های آنها در شهرها با شهرداریها و شوراها را ضروری برشمرد تا ضمن انتقال مسائل خاص حوزه ی حمل و نقل شهری به شورا و شهرداری و بحث و تبادل نظر در خصوص آنها، سطح خدمت رسانی به شهروندان ارتقاء یابد. کریمی در ادامه اعمال سیاست های تشویقی از سوی اتحادیه ها و جلب مشارکت بخش خصوصی را اقدامی موثر در زمینه ی ایجاد و یا تکمیل زیر ساخت های بخش حمل و نقل عمومی شهری برشمرد.



## مرحله هفتم اولین دوره آموزش شهرداران کشور برگزار شد

مرحله هفتم اولین دوره آموزش شهرداران کشور با حضور ۳۰ شهردار ۳۰ خرداد لغایت اول تیر ماه در مرکز آموزش شهری و روستایی سازمان

شهرداریها و دهیاریهای کشور برگزار شد. به گزارش روابط عمومی سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، در این دوره سه روزه، دروس تخصصی آشنایی با حسابداری شهرداریها، مدیریت شهری، مدیریت استراتژیک و مدیریت بحران توسط استادان مطرح دانشگاه به شهرداران آموزش داده می شود. مدیریت اسلامی، مدیریت فرهنگی شهری،

برنامه ریزی شهری، شهر - شهروند - شهرداری و همچنین آشنایی با قوانین و مقررات شهرداری از دیگر دروس ارائه شده در این دوره آموزشی است. شایان ذکر است در این دوره شهرداریانی از استانهای مازندران، یزد، لرستان، سیستان و بلوچستان، هرمزگان حضور داشتند و در خاتمه دوره، گواهی گذراندن دوره مزبور به شهرداران ارائه شد.

## نتایج نظرسنجی شهرداران از شش مرحله اولین دوره آموزش شهرداران کشور اعلام شد

نتایج نظرسنجی از شش مرحله اولین دوره آموزش شهرداران کشور در مرکز آموزش مدیریت شهری و روستایی سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور اعلام شد.

به گزارش روابط عمومی سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، بر اساس ارزیابی فرم های نظرسنجی تکمیل شده از سوی بیش از ۲۵۰

### مدیرکل دفتر آموزش و مطالعات کاربردی خبر داد:

## دوره های آموزشی مربوط به ۵۵۰ شغل تخصصی شهرداریها و دهیاریها برای تأیید به سازمان مدیریت و برنامه ریزی ارسال شد

مدیرکل دفتر آموزش و مطالعات کاربردی سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور از تهیه نظام جامع آموزش شهرداریها و دهیاریهای کشور در قالب دوره های آموزشی مربوط به ۵۵۰ شغل تخصصی موجود در شهرداریها و دهیاریها برای نخستین بار در کشور و ارسال آن برای تأیید و تصویب نهائی به سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور خبر داد.

به گزارش روابط عمومی سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، مرضیه اکبرآبادی ضمن اعلام خبر فوق اظهار داشت: سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور با توجه به اهداف و وظایف خود در زمینه حمایت و پشتیبانی از شهرداریها و دهیاریها،

شهرداری شرکت کننده در دوره های آموزشی ضمن خدمت، ۱۰۰ درصد شهرداران برگزارای این دوره ها را مفید و موثر دانستند و بر ضرورت تداوم و استمرار آنها تأکید نمودند.

همچنین شهرداران نظر خود را نسبت به محتوای دروس ارائه شده به ترتیب ۶۵ درصد خوب، ۲۵ درصد عالی و ۱۰ درصد متوسط ابراز داشتند. بر اساس نظرسنجی مزبور، ۶۰ درصد شهرداران روش آموزش حضوری را موثر تر از سایر روش ها دانستند، ۱۱ درصد تمایل به برگزاری کلاس ها به صورت مجازی و از طریق آموزش از راه دور، ۱۴ درصد آموزش به وسیله ارسال فیلم و ۱۵

درصد آموزش از طریق ارسال جزوات و مطالب آموزشی را موثر دانستند.

در این نظرسنجی، نظر شهرداران در مورد نحوه تدریس اساتید و میزان رضایتمندی آنها از اساتید مدعو، ۴۵ درصد عالی، ۴۲ درصد خوب و ۱۳ درصد متوسط اعلام داشتند.

همچنین شهرداران حاضر در دوره های آموزشی، کاربردی و جدید بودن مطالب ارائه شده را در حد خوب ارزیابی نموده اند.

شایان ذکر است در این شش مرحله بیش از ۲۵۰ نفر از شهرداران نقاط مختلف کشور حضور داشتند.

که بخش مهمی از آن در آموزش کارکنان شهرداریها و دهیاریهای سراسر کشور تحقق می یابد، با استفاده از توان علمی و تجربه مشاوران ذی صلاح و بهره گیری از نیازسنجی، تجزیه و تحلیل مشاغل اقدام به تهیه طرح جامع آموزش برای شهرداریها و دهیاریهای کشور نموده است.

وی افزود: مطابق قراردادی که بین سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور و مشاور در زمینه تهیه طرح جامع آموزش برای شهرداریها و دهیاریهای کشور منعقد شده مقرر شد مشاور در این زمینه پنج فعالیت انجام دهد که عبارتند از شناسائی و تعریف عناوین آموزشی شهرداریها و دهیاریها، طراحی برنامه درسی بودمانهای شهرداریها و دهیاریها، تدوین استانداردهای آموزشی مشاغل شهرداریها و دهیاریها، نیازسنجی دوره های آموزشی بلندمدت تخصصی برای شهرداریها و دهیاریها و طراحی برنامه های درسی دوره های بلندمدت تخصصی برای شهرداریها و دهیاریها.

مدیرکل دفتر آموزش و مطالعات کاربردی سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور در ادامه با

اشاره به اینکه مشاور فاز نخست اقداماتش در زمینه آموزش شهرداریها و دهیاریها در قالب تجزیه و تحلیل سازمانی و تجزیه و تحلیل شغل و طراحی بودمانهای آموزشی به اتمام رسانده، اظهار داشت: فاز دوم اقدامات مشاور آموزشی در قالب طراحی آموزشهای بلندمدت تخصصی شهرداریها در حال انجام است.

شایان ذکر است فهرست ۵۵۰ شغل تخصصی موجود شهرداریها که برای تأیید و تصویب نهائی از سوی سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور به سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور ارسال شده به شرح ذیل است:

- حوزه شهردار: ۳۶ شغل.
- معاونت اداری، مالی: ۱۰۰ شغل.
- معاونت برنامه ریزی: ۲۴ شغل.
- معاونت خدمات شهری: ۲۶ شغل.
- معاونت شهرسازی، معماری: ۲۶ شغل.
- معاونت فنی، عمرانی: ۱۶ شغل.
- معاونت حمل و نقل و ترافیک: ۱۵ شغل.
- معاونت امور فرهنگی و اجتماعی: ۱۵ شغل.
- شهرداری مناطق: ۶۹ شغل.



سازمان میادین میوه و تره بار و ساماندهی  
مشاغل و صنایع : ۳۳ شغل .  
سازمان پارکها و فضای سبز : ۲۸ شغل .  
سازمان پایانه ها : ۱۱ شغل .

سازمان خدمات موتوروی : ۸ شغل .  
سازمان اتوبوسرانی : ۱۷ شغل .  
سازمان خدمات کامپیوتری : ۲۹ شغل .  
سازمان عمران شهری : ۲۹ شغل .

سازمان فرهنگی ، تفریحی : ۵۱ شغل .  
سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی : ۱۷ شغل .  
دهیاری : ۸ شغل .

## تهیه و ابلاغ سازمان تفصیلی ۴۳ شهرداری از سوی دفتر تشکیلات و نیروی انسانی سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور

دفتر تشکیلات و نیروی انسانی سازمان  
شهرداریها و دهیاریهای کشور از تهیه و ابلاغ  
سازمان تفصیلی ۴۳ شهرداری دیگر کشور خبر داد.  
به گزارش روابط عمومی سازمان شهرداریها و  
دهیاریهای کشور ، فهرست شهرای فوق الذکر به  
شرح ذیل است :

استان اردبیل : شهرداری سرعین .  
استان اصفهان : شهرداریهای بهاران و  
چرمهین .  
استان بوشهر : شهرداری شیانکاره  
استان چهارمحال و بختیاری : شهرداری ناغان  
استان خراسان رضوی : شهرداریهای  
باجگیران ، چابشلو ، صالح آباد ، لطف آباد ، کلات  
نادر ، فیروزه ، عشق آباد ، داورزن ، نصرآباد ، رضویه ..  
استان زنجان : شهرداریهای آب بر و دندی .  
استان فارس : شهرداریهای شهر پیر ، بهمن ،  
کنار تخته ، میمنه ، اهل ، ششده ، آباده طشک  
استان قزوین : شهرداریهای کوهین ، سگزی

آباد ، سیردان  
استان کرمانشاه : شهرداریهای تازه آباد ،  
باینگان ، سومار ، کوزران  
استان گیلان : شهرداریهای ماسوله ، سلمان  
استان لرستان : شهرداریهای اشترینان ،  
چلوندی  
استان همدان : شهرداریهای فیروزان ، دمق ،  
جورقان ، گل تپه ، قهاوند ، شیرین سو  
استان یزد : شهرداریهای بهاباد و مروست

## طی نامه ای از سوی وزیر کشور صورت گرفت : ارائه پیش نویس لایحه قانونی حمایت قضایی از شهرداران و کارکنان شهرداریها به هیات وزیران

پیش نویس لایحه قانونی حمایت قضایی از  
شهرداران و کارکنان شهرداریها و سازمانهای  
وابسته به شهرداری که از سوی دفتر حقوقی  
سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور تهیه  
شده ، طی نامه ای از سوی وزیر کشور برای  
بررسی در هیات وزیران و قرار گرفتن در سیر  
مراحل تصویب ، تقدیم معاون اول رئیس  
جمهوری شد .

به گزارش روابط عمومی سازمان شهرداریها و  
دهیاریهای کشور ، این پیش نویس شامل یک ماده  
واحد و دو تبصره است در ماده واحده پیش نویس این  
لایحه آمده است : "قانون حمایت قضایی از کارکنان  
دولت و نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۶/۷/۲۹ به  
شهرداران و کارکنان شهرداریها و سازمانهای وابسته  
به آنها تسری می یابد ."

همچنین در تبصره یک پیش نویس لایحه آمده  
است : "در صورتی که در زمان طرح دعوی یا در طول  
رسیدگی به آن ، شهردار یا کارکنان شهرداری یا

سازمانهای وابسته به واسطه انتقال ، پایان مأموریت ؛  
اتمام قرارداد ، بازنشستگی و بازخریدی در شهرداری  
یا سازمانهای وابسته اشتغال نداشته باشند ، مانع از  
استفاده از مزایای این قانون نمی باشد ."

تبصره ۲ پیش نویس لایحه مزبور نیز به این شرح  
است : " به کلیه اتهامات شهرداران مراکز استانها در  
دادگاه کیفری استان تهران و سایر شهرداران در دادگاه  
کیفری استان مربوطه رسیدگی خواهد شد . مگر در  
مواردی که در صلاحیت سایر مراجع قضایی است ."

حجت الاسلام والمسلمین پورمحمدی وزیر  
کشور در نامه خود به معاون اول رئیس جمهور در  
زمینه ارائه پیش نویس لایحه قانونی حمایت قضایی از  
شهرداران و کارکنان شهرداریها و سازمانهای وابسته  
به شهرداری که از سوی سازمان شهرداریها و  
دهیاریهای کشور تهیه شده ، آورده است : "مطابق  
قانون حمایت قضایی از کارکنان دولت و پرسنل  
نیروهای مسلح مصوب سال ۱۳۷۶ ، تمامی کارکنان  
نیروهای مسلح و مستخدمان رسمی ، ثابت و پیمانی  
وزارتخانه ها ، موسسات ، سازمانها و شرکتهای دولتی  
که مشمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است در رابطه  
با دعاوی و شکایات مطروحه در مراجع قضایی و  
هیاتهای رسیدگی به تخلفات اداری که از انجام وظیفه  
اداری آنها ناشی می شود یا به نحوی با وظائف ایشان  
مرتبط است ، مشمول حمایت قضایی و حقوقی  
دستگاه مطبوع خود می باشند ."

در ادامه نامه وزیر کشور تصریح شده است :  
"کارکنان شهرداریهای کشور به جهت عدم تصریح نام  
شهرداریها در این قانون ، از حمایت حقوقی و قضایی  
یاد شده محروم هستند در حالی که حساسیت وظایف  
محوه به شهرداریها و تعداد زیاد دعاوی و شکایات  
مطروحه علیه کارکنان شهرداریهای کشور که از انجام  
وظیفه آنها نشأت می گیرد ، ایجاب می نماید تا  
کارکنان شهرداریهای کشور نیز مشمول حمایتهای  
حقوقی و قضایی شهرداریها قرار گیرند ."

حجت الاسلام والمسلمین پورمحمدی در ادامه  
نامه مزبور تاکید نموده است : " حفظ شان و جایگاه  
شهرداران و رعایت احترام آنها در رسیدگی های  
قضایی ایجاب می نماید که همانند مقامات موضوع  
تبصره الحاقی به ماده ۵ قانون آئین دادرسی  
دادگاههای عمومی و انقلاب ( مصوب ۸۱/۷/۲۸ )  
به اتهامات شهرداران نیز در دادگاهی خارج از محل  
خدمت آنها رسیدگی شود ، لازم به ذکر است که این  
موضوع مسبقه به سابقه نیز می باشد ؛ به طوری که  
قبلا در ماده ۲ قانون اصلاح بعضی از مواد قانون  
دیوان کیفر مصوب ۱۳۲۸/۵/۲ مقرر شده که  
رسیدگی به اتهامات روسای ادارات شهرستانها و ... در  
دادگاههای عمومی مرکز استان مربوطه به عمل  
خواهد آمد ."



## آغاز چهارمین دوره آموزش سیستم اطلاعات مکانی برای کارشناسان شهرداریها

چهارمین دوره آموزشی سیستم اطلاعات مکانی (GIS) ویژه کارشناسان شهرداریها صبح امروز از سوی دفتر آموزش و مطالعات کاربردی سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور در سازمان نقشه برداری کشور آغاز شد. به گزارش روابط عمومی سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، در این دوره آموزشی پنج روزه که تا ۳۰ خرداد به طول می انجامد، ۳۰ نفر از

کارشناسان شهرداریهای استانهای یزد، لرستان، خراسان شمالی و خراسان جنوبی حضور دارند.

همچنین سومین دوره آموزشی هفته گذشته و با حضور ۳۰ نفر از کارشناسان شهرداریهای استانهای آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان و کهگیلویه و بویراحمد در سازمان نقشه برداری کشور برگزار شد.

شایان ذکر است بر اساس قرارداد آموزشی منعقد شده میان سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور و سازمان نقشه برداری کشور، امسال به ۴۰۰ نفر از کارشناسان شهرداریها، آموزشهای تئوری و عملی در زمینه سیستمهای اطلاعات مکانی ارائه خواهند شد.

عناوین دروس ارائه شده در این دوره آموزشی عبارتست از: آشنائی با مفاهیم اطلاعات مکانی، آشنائی با محیطهای CAD، مفهوم کیفیت در داده های مکانی، انواع داده ها و منابع جمع آوری آنها، آشنائی با GPS، آشنائی با فتوگرامتری و DTM، آشنائی با سنجش از دور، معرفی GIS و مفاهیم مربوطه، ساختارهای داده در GIS، آماده سازی داده ها جهت ورود به GIS، توابع تحلیلی در GIS، معرفی و مرور نرم افزارهای GIS، آشنائی با نرم افزار ArcGIS، آشنائی با پایگاه اطلاعات مکانی شهری و کاربرد GIS در امور شهری، آشنائی با مراحل طراحی و پیاده سازی GIS، نمایش یک سیستم GIS نمونه.



## ممنوعیت تردد اتومبیل های مسافربری برون شهری در داخل شهرها

تفاهم نامه ای همکاری مشترک سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور و سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای وزارت راه و ترابری در زمینه ای احداث پایانه های مسافربری و ممنوعیت تردد اتومبیل های مسافربری برون شهری در داخل شهرها با هدف ایجاد هماهنگی و انجام بهینه وظایف ناشی از آیین نامه ای اجرایی ماده ی شش قانون اصلاح لایحه ی قانونی احداث پایانه های مسافربری و ممنوعیت تردد اتومبیل های مسافربری برون شهری در داخل شهر تهران امضا شد.

این تفاهم نامه توسط سیدمهدی هاشمی، معاون هماهنگی امور عمرانی وزیر کشور و رئیس سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور و محمد بخارایی معاون وزیر راه و ترابری و رئیس سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای امضا شد.

ساماندهی کار احداث، تکمیل و توسعه ای پایانه های مسافربری بین شهری و هدایت هدفمند سرمایه ها و افزایش بهره وری این پایانه ها در چارچوب تعیین شده نیز از دیگر اهداف امضای این تفاهم نامه است.

براساس این تفاهم نامه، سازمان راهداری و

حمل و نقل جاده ای متعهد شد هرگونه تسهیلات در زمینه ساخت، تکمیل و توسعه ای پایانه های مسافربری بین شهری را پس از صدور اجازه از سوی کمیته مشترک ارائه کند.

سازمان راهداری همچنین موظف شده است نسبت به اجرایی شدن تصمیمات کمیته ی مشترک برای تسریع پرداخت تسهیلات اقدامات لازم را به عمل آورد.

سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور نیز براساس این تفاهم نامه متعهد شده است نسبت به فهرست بندی پایانه های کشور، اولویت پایانه های نیمه متمرکز و متمرکز اقدام کرده، شهرداریهای کشور را درخصوص احداث، تکمیل و توسعه ای

پایانه های مسافربری بین شهری به رعایت مفاد مندرج در این تفاهم نامه هدایت کند.

به گفته ی رئیس سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور براساس قوانین موجود و تفاهم نامه ای که با سازمان راهداری امضا شده است، از این پس برای ساخت پایانه های حمل و نقل شهری منابعی در اختیار بخش خصوصی و عمومی قرار خواهد گرفت.

بخارایی، معاون وزیر راه و ترابری نیز در مورد شهرهای محل ساخت پایانه ها گفت که تعیین شهرها بر عهده ی کمیته مشترکی از سازمان شهرداریها و دهیاریها و وزارت راه خواهد بود.



**کدکن**

شهرداری و شورای اسلامی شهر کدکن در استان خراسان رضوی، نخستین مراسم بزرگداشت شیخ فرید الدین محمد عطار کدکنی نیشابوری، شاعر قرن ۶ هجری را برگزار کردند. در این مراسم آرامگاه پدر این شاعر نامدار که توسط شهرداری کدکن بازسازی شده بود، گلباران شد.



**بهشهر**

شهرداری بهشهر در راستای تحقق دولت الکترونیک و با هدف ایجاد برهمکنش دوسویه با شهروندان اقدام به راهاندازی سایت اطلاع رسانی کرده است. این سایت به نشانی WWW.BEHSHAHR.COM شامل آگهی های مناقصه، مزایده، اطلاعات و اخبار، آمار، معرفی اماکن دیدنی و گردشگری و نشریات ادواری می باشد.



**شیراز**

شهرداری شیراز برای حفظ نظم و زیبایی شهر کلیه صندوق های قدیمی صدقات و خیرات در سطح شهر را جمع آوری خواهد کرد. در همین راستا کلیه صندوق های صدقات و خیرات بر اساس نوع متحدالشکل و با ذکر مشخصات خانگی خیرین در مکان های مناسب نصب خواهد شد.



**بندرعباس**

شهرداری بندرعباس به منظور رفاه حال زائران بارگاه امام زاده سید مظفر (ع) شهر بندرعباس و تسهیل در رفت و آمد شهروندان و نیز کاهش بار ترافیکی محدوده بارگاه، نخستین پل مکانیزه ی عابر پیاده را نصب و راه اندازی می کند.



**ساری**

شهرداری ساری برای گسترش فضای سبز و زیباسازی مبلمان شهری اقدام به ساخت زمینه در دو سوی راه آهن در محوطه ی حریم شهری کرده است. این قضا سازی ۱۲۰ هزار مترمربع را در برمی گیرد که در زمان نه چندان کوتاه چشم انداز زیبایی را پدید خواهد آورد.



**ارجمند**

شهرداری ارجمند واقع در استان تهران با همکاری کارشناسان شبکه بهداشت و درمان به منظور آشنایی شهروندان به نقش و جایگاه شهرداری و افزایش روحیه مشارکت و مسئولیت پذیری آنان، اقدام به برگزاری کلاس های آموزشی با عنوان "حقوق شهر و شهروندی" کرد.



**ساوه**

شهرداری ساوه با هدف مرمت قسمت های تخریب شده آسفالت کوچه ها و خیابان های سطح شهر و جلوگیری از آسیب رساندن به وسایل نقلیه اقدام به آسفالت خیابان ها و کوچه های شهر کرده است.



**ابوزیدآباد**

شهرداری ابوزیدآباد در فاصله ۳۰ کیلومتری شمال شرقی شهرستان کاشان به منظور ایجاد طراوت و شادابی محیطی شهری با شناسایی گونه های گیاهی متناسب با آب و هوای منطقه، اقدام به کاشت آنها کرده است.



**زنوز**

شهرداری زنوز در استان آذربایجان شرقی با مشارکت شهرداری های یامچی، هادیشهر، سیهرود و بخش خصوصی، به زودی از کارخانه قطعات بستن PLG بهره برداری خواهد کرد.

**یزد**

شهرداری یزد به منظور رفاه حال شهروندان و ایجاد امکانات تفریحی، اقدام به ساماندهی دریاچه ی بوستان شهیدا کرده است. این دریاچه که ۵ هزار مترمربع مساحت دارد، دارای امکانات قایق سواری از نوع قایق های بادی می باشد.





## شهرداری لار

به اولین خانه‌گاه حکومت اسلامی خوش آمدید.

## شهرداری لار

[www.larcity.ir](http://www.larcity.ir)

و فرشته جان را نام برد. در صفحه‌ی اصلی پایگاه اطلاع رسانی شهرداری لار، لیست آخرین اخبار، فعالیت‌ها و پروژه‌ها، همچنین لیست انواع مناقصه‌ها و مزایده‌های شهرداری درج شده است که با کلیک بر روی آنها می‌توان به شرح مبسوط این اخبار و فعالیت‌ها دست یافت. در این صفحه، بخشی با عنوان سخن شهردار وجود دارد که در آن، پیام و نقطه نظرات شهردار در مناسبت‌های مختلف ذکر می‌شود. بخش عکس هفته که تصاویر و منظره‌های شهر لار را به معرض نمایش می‌گذارد، هر هفته عکس جدیدی را ارائه می‌دهد. یک بخش قابل توجه در این پایگاه، وجود نشریه‌ی الکترونیکی ایراهستان است. ایراهستان، ماهنامه‌ی داخلی شهرداری و شورای اسلامی شهر لار است که کاربران با کلیک بر روی آن می‌توانند این نشریه را به طور رایگان دریافت کنند.

این پایگاه دارای موتور جستجو نیز هست. کاربران در بخش نظر سنجی که به صورت چهار گزینه‌ای است، می‌توانند نظرات خود را در مورد طراحی سایت شهرداری لار ارائه دهند. شهروندان لار در صورت داشتن راهکار و نقطه نظر در زمینه‌ی شهرداری و وضعیت شهر می‌توانند آن را در بخش راهکارهای شهروندان بنویسند و از این راه نظر خود را به شهردار منتقل کنند. از طریق این پایگاه اطلاع رسانی می‌توان به حوزه‌ها و پایگاه‌های اطلاع رسانی دیگر نیز دست یافت؛ این حوزه‌ها و پایگاه‌ها به شرح زیر است:

اطلاع رسانی فرش ایران، اخبار کنکور، فال حافظ، تصاویری از لارستان، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، آموزش برنامه‌های گرافیکی، بازار کار، گنجینه‌ای از اطلاعات علمی ایران، شهرداری شیراز، انتقادات، دانستنی‌های سبز، واحد تربیت بدنی، سخن شورا، وضعیت آب و هوا و اوقات شرعی شهر لار را نیز می‌توان در این پایگاه یافت.

شهر لار واقع در استان فارس در پنجاه و هفت فرسنگی جنوب شرقی شهر شیراز قرار دارد و در حد فاصل شهرستان‌های داراب، جهرم، فیروزآباد و استان بوشهر و استان هرمزگان واقع شده است. در قدیم به منطقه‌ی وسیعی از جنوب ایران لارستان اطلاق می‌شده است. بندر گمبرون (بندرعباس)، بندرلنگه و بستک، لامرد مهر، عسلویه، شهرستان کنگان و گردان جزو ایالت لارستان به مرکزیت لار بوده است. لارستان در عصر صفویه به دلیل واقع شدن در جاده‌ی تجارتی اصفهان به خلیج فارس از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بوده است. کهن‌ترین بنای تاریخی لارستان، آتشکده‌ی کاریان است که یکی از سه آتشکده‌ی بزرگ ایرانی در دوران قبل از اسلام است؛ بنای این آتشکده اکنون به صورت تلی از خاک در نزدیکی روستای کاریان به چشم



می‌خورد. چنانچه مطابقت تاریخی گرگین میلاد با مهرداد اشکانی پذیرفته شود، می‌توان اظهار کرد که شهر لار نزدیک به دو هزار سال پیش بنا شده است. منطقه‌ی لارستان پیش از اسلام، به دلیل وجود آتشکده‌ی کاریان و نیز عبور جاده‌های کاروانی مسیر سیراف از نواحی شمالی آن، دارای اهمیت خاصی بوده است و همین امر باعث شده تا در اوایل دوره‌ی اشکانی مراکز شهری گوناگونی به وجود آید که از آن جمله می‌توان شهرهای لار، اشکنان، خنج، کاریان



## سده نبشته‌ای برای یک شهر

ونن جلالی



۲- تبریز عهد صنعت چاپ در ایران  
 ۳- میرزا زین العابدین تبریزی  
 ۴- چاپ سنگی  
 ۵- چاپ مصور  
 ۶- چاپخانه‌های تبریز در دوران پیش از مشروطیت  
 ۷- چاپخانه‌های تبریز در دوران مشروطیت  
 ۸- چاپخانه‌های تبریز پس از مشروطیت  
 ۹- افول صنعت چاپ تبریز در دوره‌ی رضا شاه  
 ۱۰- تألیف نخستین فرهنگ چاپخانه در تبریز

و برای همین نیز فصل‌هایی چون فصل یکم، فصل ششم، "تبریز مبتکر روزنامه‌نگاری ملی"، فصل سی و دوم "تبریز آغازگر دوره‌ی نوین مبارزات قهرآمیز" و فصل سی و سوم "بلدیه تبریز نخستین شهرداری ایران" هر یک به تنهایی می‌توانست به صورت کتابی جداگانه نیز چاپ شود، اما سرداری نیا بر آن شده تا این کارنامه‌ی یکصد ساله را در یکجا گرد آورد. کارنامه‌ای به واقع یکصد ساله از تبریز، زیرا بسیاری از این رخداد‌های نخستین از روزگار مشروطه آغاز شده و در بازه‌ی یک سده به بار نشسته و دستاوردهای فرهنگی آن به سراسر ایران دامن کشیده است.

دستمایه‌ی بیشترین فصول دگرگونی‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است، اما آنچه بیشتر به مدیریت شهری و پیشینه‌ی آن باز می‌گردد، فصل سی و سوم است که چنین می‌آغازد: "دایر شدن بلدیه در تبریز در صدر مشروطیت، یک رخداد عادی و تأسیس یک اداره‌ی معمولی نبود. این نهاد در یک فضای انقلابی، به همت توده‌های به پا خاسته، در راستای مشارکت مردم در سرنوشت خود پا گرفت..."

و در پی این آغاز برای استناد تاریخی بر این ادعا که تبریز شهر نخستین بلدیه است به متن معتبر و پاینده‌ای چون تاریخ هیجده ساله‌ی آذربایجان کسروی دست می‌یازد و نقل و قول می‌کند که: "آن شهرداری تاریخی تبریز که در اندک زمانی شهر را پاک‌ترین و بسامان‌ترین شهرهای ایران گردانیده بود، شهرداری که در سال ۱۲۸۷ در گرماگرم جنگ‌های تبریز و در زیر گلوله‌های توپ که بر شهر می‌ریخت کوجه‌ها را سنگ فرش می‌ساخت، شهرداری که برای نخستین بار در ایران، بیمارستان پاکیزه و آبرومندی

**نام کتاب: تبریز شهر اولین‌ها / نویسنده: صمد سرداری نیا / ناشر: کانون فرهنگ و هنر و ادب آذربایجان شرقی / چاپ دوم: ۱۳۸۵ / شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه در ۷۸۴ صفحه / بها: ۴۰۰۰ تومان**

این بار کتابی از مقوله‌ی شهر را به بررسی نشسته‌ایم که در آن از شیوه‌های ساخت و ساز، نماها و کالبد سخنی به میان نیامده و به دور از همه‌ی دشواری‌های شهری امروز به زایش فضای انسانی - تاریخی آن پرداخته است. نام کتاب خود سرآغاز فصلی از تاریخ دراز دامن این شهر را نشان می‌دهد. جالب آن که کمتر کتابی توانسته نام خود را برای ارج نهادن شهری به تاریخ آن شهر وام دهد، اما این اثر چنین کرده است. کتاب صمد سرداری نیا پیش از آن که خوانندگان آن را خوانده باشند، نامش را چون مثلی سایر برای شهر تبریز شنیده‌اند و باز جالب‌تر آن که این نام برای کتاب، به گفته‌ی پدیدآور "از دل نوشتار بیرون آمده" است. کتاب در ۴۲ فصل نگاشته شده که شوربختانه این فصل بندی شاید به خاطر نکاستن از کشش و جذابیت کتاب در درونه (فهرست مطالب) به هم خورده است. هر فصل از کتاب از زیر فصل‌هایی درست شده که برخی مانند فصل یکم

۱۰ زیر فصل دارد:  
 - اهمیت صنعت چاپ



این فصل از کتاب است. پدید آور از ۱۴۶ کتاب، ۵۸ مجله برای نگاشتن این کتاب سود جسته که ستودنی است و خود این سیاهه‌ی دور و دراز گنجینه‌ای بزرگ از پایه نگاشته‌ها درباره‌ی شهر تبریز و تاریخ آن به شمار می‌رود. شوربختانه کتاب‌های آمده. داده‌های لازم برای شناساندن کامل یک کتاب مانند؛ نام مترجم، ناشر، سال چاپ و جای چاپ را به همراه ندارد. نمونه پایه نگاشته‌ی ۱۳۹، ناسیونالیسم در ایران، ریچارد کاتم،...؟ درباره‌ی نشریات منبع نیز، همین رفتار شده است. برای نمونه نشریه آرش، دانسته نیست که کدام شماره از چه سالی بود، مثلاً "ویژه صمد بهرنگی" بوده یا شماره‌های دیگر و تازه کدام مقاله و کدام سال و صفحه و برای همین هم خواننده نمی‌تواند تفاوت میان شاهین، آزادستان و آرش را مثلاً از مجله‌ی امروزی گزارش قبلم دریابد که با چه ارزش تاریخی در کنار هم نشسته‌اند. کارهای میدانی و گفت و گوها نیز به همین سرنوشت دچار شده‌اند. استاد، خانم حبیبیه‌ی فیوضات را شناسا نکرده‌اند که آیا ایشان همان مترجم معروف دهه‌ی ۴۰ هستند یا کس دیگری. شناسا کردن چنین کسانی از اهمیت فراوانی برخوردار می‌باشد.

و در پایان دست میرزادی برای استاد سرداری نیا که در این زمینه برای زادگاه خویش سنگ تمام گذاشته‌اند و باز دریغی برای جای خالی نمایه برای چنین اثری گرانقدر. نمایه‌ای از نام کسان و جاینامها برای پژوهشگرانی که در فرادهایی دیگر از این کتاب خوشه برخواهند چید. ماهنامه خواندن این کتاب تاریخ شهری را به همه‌ی شهرداران، دانشجویان و پژوهشگران شهری توصیه می‌کند.

برپا کرده بود. این بخش تاریخچه‌ی بسیار پیراسته و مستندی است از بنیاد شهرداری تبریز که در صفحه‌ی ۶۲۵ چند ماده از مواد قانون بلدی و تشکیل آن را از روزنامه انجمن سال اول، شماره‌ی ۹۷ آورده است. در ماده‌ی یازدهم می‌خوانیم: "عده‌ی اعضای انجمن بلدی در شهرهای کوچک ۶، در شهرهای متوسط ۲۰ و در شهرهای بزرگ سی نفر خواهد بود که با رعایت وسعت و جمعیت به محلات شهر تقسیم می‌شوند." در جای جای این بخش، کارها و خدمات پر شمار نخستین شهردار تبریز، آن درس خوانده‌ی روشن بین سن سیر<sup>(۱)</sup> پاریس را شرح داده است. از آوردن نخستین کارخانه‌ی برق تبریز گرفته تا به کار انداختن دوباره تلگرافخانه و ساخت تلفنخانه‌ی ۱۵۰ شماره‌ای به فرمان شهردار و راه‌اندازی تراموای، وارد کردن چاپخانه‌ی سربی در ۱۳۱۷ قمری و تأسیس انجمن ادبی به دست این دولتمرد ترقیخواه و پیشگام را توضیح داده است. سرداری نیا بدون گسست رخدادها، پس از مرگ سرلشگر قاسم خان به روزنامه‌ی هفتگی بلدی تبریز هم پرداخته که گویا در ۱۳۲۶ قمری نشر یافته است و شگفت آن که این روزنامه هفتگی هر بار صد شماره را به "مدرسه‌ها" و اداره‌ی بلدی، رایگان می‌داده است که نشانه‌ای از آینده نگری این بنیاد خود جوش بوده است. در بخش دیگر از همین فصل از شهرداران بلند آوازه‌ی تبریز چون علی مسیو، محمد علی تربیت، ارفع الملک جلیلی سخن به میان آورده است. از دو سیل بزرگ در ۱۳۰۸ و سیل بزرگتری در ۱۳۱۳ به هنگام شهردار بودن ارفع الملک یاد کرده و به ساخت سد تبریز، ساختمان شهرداری و کشتارگاه شهر اشاره کرده است. برج ساعت نماد تبریز یکی از مستندترین و بهترین بخش‌های



**همزمان با یکصدمین سالگرد تصویب نخستین قانون بلدی (شهرداری) در ایران، سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور، ستادی جهت بزرگداشت این رویداد تاریخی دائر نموده است. لذا بدینوسیله از همه اساتید، پژوهشگران، فرهیختگان و صاحب نظران مباحث شهری دعوت می‌شود تا با ارسال مقاله‌های پژوهشی، اسناد، تصاویر، کتب و نشریات شهرداری و ارائه پیشنهادات و نظرات ارزنده خود، در سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی در جاودانه نمودن این میراث گرانبهای ملی در سده شهرداریها همکاری و مشارکت فرمایند. ضمناً در تمام زمینه‌های فوق به بهترین آثار ارسالی جوایز نفیسی اهدا خواهد شد.**

آدرس دبیرخانه ستاد بزرگداشت یکصدمین سال تاسیس شهرداریها: تهران - خیابان زرتشت غربی - پلاک ۵۴  
شماره تماس: ۸-۸۸۹۸۶۴۶۱-۸۸۹۸۶۴۶۹ دورنگار



# Contents

<b>Note</b>	4
<b>Special Report</b>	
-One Hundred years Governmental Centralization and Depression in local Space / R . Shirusb	5
<b>Idea and Research</b>	
-City – states in Iran / A . Ayatollahi	16
-Surveying of Socialization Process in Urban Life / M . Sharbatiyan	20
<b>Dialogue</b>	
-Glance at a Century of New Urban Management in Iran / A . Saraie	28
<b>Legal Counselor / J . rezaie – A . Yazdanzâde</b>	32
<b>Administrative and Financial Counselor / J . Rezaie</b>	40
<b>Central of Municipalities</b>	
-Prowling on Texts ; " Independence of Baladyye [= Municipality]" / A . Jalali	46
<b>Urban Law</b>	
-Brief Deliberation on Legal system of City – complexes and The place of Municipalities / A . Yazdanzâde – F . Larijâni	52
-The Laws which is Ruling on Enactment and collection of Tolls /M .Bahurvand	56
<b>Mayor's View</b>	
-Bandar –e Lenge ; The city Which is Forerunner More than 10 Years from Baladyye [= Municipality] Law	60
<b>Councils and Participation</b>	
-Surveying of Councils ' Law and The election Difficulties / M . Bizhani	64
-Three models for Citizen Participation in Cities Affair / M . Mahnâie	69
-Election or Appointment / M . Bizhani	72
<b>World Experiences</b>	
-Local Government in Georgia / trans ; N . Rahimi	74
-A review to One hundred years Old Municipalities in the World /trans : A . Arbani	76
-The best Cities of Asia in 2000 / trans : K . Jahungardi	80
<b>World Cities and Municipalities</b>	86
<b>Plan and City</b>	
-Analysis and Development Conceptual Model for Environment in The green Lands around us/A . Rastande	90
<b>Instruction</b>	
-Importance and Necessity of Municipal Employees Training and Development / A . Niknum	96
<b>Point of View</b>	
-Atlas of Centenary ; The best Chance for Rewriting of Urban Identity / E . jalali	102
<b>News Report</b>	106
-One hundred years Flight for Nowbar [=a quarter in Tabriz city ] Eagle / M . Rostamkhani /-Squatting Settlement Conference in Tehran University / K . Moa'zzeni	
<b>Reports from Distant Years ...</b>	125
-Salmus Municipality a Phenomenon after The Earthquake / F . Shabbâzi	
<b>Brief News /Dehdez , Struggle for a Bright Future</b>	133
<b>Org . News</b>	140
<b>Glance at Cities / Behshahr , Sâve , Shirâz , Yazd , Zonooz</b>	146
<b>Web Sites / A . Arabâni</b>	147
<b>New Publication -Centenary Inscription for A city / V . Jalali</b>	148



# فراخوان مشارکت در سومین همایش ملی فضای سبز

سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور در نظر دارد در یکصدمین سالگرد تاسیس شهرداری در ایران، با مشارکت مراکز علمی، دانشگاهی، پژوهشی و اجرایی کشور نسبت به برگزاری سومین همایش ملی فضای سبز و نمایشگاه تخصصی جنبی در نیمه اول اسفند ماه ۱۳۸۶ با هدف ارائه آخرین دستاوردهای علمی، تحقیقاتی و اجرایی در زمینه فضای سبز اقدام نماید. به همین منظور از کلیه ارگان های دولتی و غیر دولتی، موسسات عمومی، مراکز علمی و دانشگاهی معتبر جهت مشارکت در برگزاری و از کلیه دانشجویان، کارشناسان، متخصصان و صاحب نظران مرتبط با موضوع جهت ارائه نتایج تجربیات، تحقیقات و مطالعات خود در قالب مقالات علمی و کاربردی دعوت بعمل می آورد.

## ● محورهای پذیرش مقالات

- ۱- نقش جایگاه فضای سبز در طرح های توسعه و عمران شهری و روستایی
- ۲- اصول و مبانی طراحی و اجرای فضای سبز و منظر شهری (طراحی معماری، طراحی کاشت، طراحی سیستم های آبیاری، طراحی مبلمان و...)
- ۳- مدیریت نگهداری فضای سبز (هرس، مبارزه با آفات و بیماریها، آبیاری، خصوصی سازی، تغذیه گیاهی، نظارت و...)
- ۴- جداسازی سامانه های آبیاری فضای سبز از آب شرب شهری و تامین منابع آبی پایدار فضای سبز از آب غیر شرب
- ۵- ضوابط، استانداردها، قوانین و مقررات در فضای سبز و منظر شهری
- ۶- نقش مشارکتهای مردمی و فرهنگ سازی در توسعه پایدار فضای سبز شهری و روستایی
- ۷- فن آوری ها و علوم نوین در فضای سبز و منظر شهری (GIS و...)

## ● زمان بندی ارسال مقالات

- ارسال چکیده مقالات تا تاریخ ۸۶/۸/۲۰
- بررسی چکیده مقالات و اعلام مقالات برگزیده تا تاریخ ۸۶/۹/۲۹
- ارسال اصل مقالات برگزیده تا تاریخ ۸۶/۱۰/۱۵
- اعلام مقالات برگزیده تا تاریخ ۸۶/۱۱/۸

## ● نحوه تنظیم و ارسال مقالات

- مقالات در برگزیده یافته های جدید علمی و کاربردی بوده و قبلا ارائه نشده باشد.
- مقالات در محیط MS-WORD قلم B نازنین ۱۴ و صفحه A۴ تایپ شود.
- چکیده مقالات حداکثر در ۲ صفحه باشد.
- اصل مقالات بین ۸ الی ۱۲ صفحه بوده و CD آن همراه یک نسخه پرینت ارسال گردد.



دانشگاه شهید بهشتی تهران

جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۲۱-۶۳۹۰۳۰۵۰ تماس حاصل فرمائید.

نشانی دبیرخانه همایش: تهران، خیابان کارگر شمالی، روبروی پارک لاله، نبش کوچه میر، سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور، طبقه ۳، دفتر هماهنگی خدمات شهری



# 80

# Shahrdariha

Monthly Journal of Information  
Education and Research on  
Urban Management and Planning  
Number 80 - June & July 2007

● One Hundred years Governmental  
Centralization and Depression in local Space

● City – states in Iran

● Surveying of  
Socialization Process in Urban Life

● Bandar –e Lenge  
The city Which is Forerunner  
More than 10 Years from Baladye Law

● A review to One hundred years Old  
Municipalities in the World

● One hundred years Flight for Nowbar Eagle

